

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اقتصاد و عرصه اقتصادی


از نگاه رهبر معظم انقلاب اسلامی



مؤسسه فرهنگی هنری قدر ولایت



اقتصاد و عرصه اقتصادی



فهرست

پیشگفتار	۲۹
گفتار اول - اقتصاد	۳۳
۱- اهمیت و حساسیت و جایگاه اقتصاد	۳۷
۱/۱- اقتدار اقتصادی زمینه‌ساز اقتدار سیاسی	۳۷
۱/۲- تأثیر اقتصاد در امنیت و فرهنگ و عزت و برجستگی سیاسی	۳۷
۱/۳- استحکام اقتصادی پشتوانه حفظ استقلال سیاسی	۳۷
۲- جهت و رویکرد اقتصاد	۳۸
۲/۱- حرکت اقتصادی همراه با اخلاق و معنویت	۳۸
۲/۲- در نظر گرفتن اهداف انقلاب در عرصه اقتصاد	۳۸
۲/۳- حرکت در چارچوب تفکر و اصول اسلامی	۳۹
۲/۴- تکیه بر اصول و هویت اسلامی	۳۹
۳- زیر ساختها و الزامات فعالیتهای اقتصادی سالم و هدفمند	۴۰
۳/۱- نیروی انسانی	۴۰
۳/۲- فرهنگ‌سازی	۴۰
۳/۳- وجدان کاری	۴۲
۳/۴- بی‌اعتنایی به توطئه‌ها و القانات دشمن	۴۳
۳/۵- اتحاد کلمه	۴۳
۳/۶- عدالت محوری	۴۴
۳/۷- جذب سرمایه‌های خارجی	۴۴
۳/۸- نوآوری و شکوفایی	۴۵
۳/۹- امنیت	۴۶

- ۴- شاخصهای اقتصاد ۴۶
- ۴/۱- رفاه مادی ۴۶
- ۴/۲- خودباوری اقتصادی ۴۷
- ۴/۳- رشد اقتصادی ۴۸
- ۴/۴- شکوفایی اقتصادی ۴۸
- ۴/۵- رونق اقتصادی ۴۸
- ۴/۶- سازندگی ۴۹
- ۴/۷- توسعه ۵۰
- ۴/۸- تولید ثروت ۵۱
- ۵- عوامل مؤثر بر اقتصاد ایران ۵۳
- ۶- آرمانهای اقتصادی ۵۴
- ۶/۱- رونق مالی و رفاه اقتصادی ۵۴
- ۶/۲- الگو شدن در عرصه اقتصاد ۵۴
- گفتار دوم- اقتصاد در دنیای مادی ۵۵**
- ۱- اقتصاد در جوامع سرمایه‌داری ۵۹
- ۱/۱- اقتصاد خدای در جوامع مادی ۵۹
- ۲/۱- غفلت از عدالت در نظامهای سرمایه‌داری ۵۹
- ۱/۳- ازدیاد ثروت، به هر شکل ۵۹
- ۱/۴- علم دور از اخلاق، ثروت بدون عدالت ۶۰
- ۱/۵- منافع سرمایه‌داران حاکم بر سرنوشت جامعه ۶۱
- ۱/۶- فقدان معنویت، حاکمیت پول ۶۲
- ۱/۷- استبداد در پوششی از دموکراسی! ۶۲
- ۱/۸- سرمایه‌دارها و کمپانی‌دارها تعیین‌کننده سیاستها ۶۴
- ۱/۹- سیستم اقتصادی غرب، ناتوان در مقابله با حوادث و بحرانها ۶۵
- ۲- اقتصاد در کشورهای کمونیستی ۶۵
- ۲/۱- وابستگی اقتصادی در کشورهای کمونیستی ۶۵
- ۲/۲- فقدان فرصت اقتصادی برای مردم ۶۶
- ۲/۳- حکومت مردمی! به نام کارگر، به کام اشراف! ۶۶
- گفتار سوم- اقتصاد آمریکا ۶۹**

- ۱- خلأ مغنویت در اقتصاد آمریکا ۷۳
- ۱/۱- لذت نبرد از پیشرفتهای اقتصادی ۷۳
- ۱/۲- فقدان خوشبختی ۷۳
- ۲- بی‌عدالتی و تبعیض در اقتصاد آمریکا ۷۴
- ۲/۱- اختلاف شدید طبقاتی ۷۴
- ۲/۲- رفاه اقتصادی برای همه نیست! ۷۵
- ۳- تسلط شرکتها و کمپانیهای اقتصادی بر آمریکا ۷۵
- ۳/۱- حاکمیت خواسته‌های سرمایه‌گذاران و کارتلها ۷۵
- ۳/۲- تسلط کارتلها و تراستها بر دنیا ۷۶
- ۴- سیطره صهیونیستها بر سیاست و اقتصاد آمریکا ۷۷
- ۴/۱- وابستگی دولت آمریکا به سرمایه‌داران صهیونیست ۷۷
- ۴/۲- فعال‌ترین شبکه‌های سیاسی و اقتصادی و فرهنگی آمریکا در دست صهیونیستها ۷۷
- ۵- بحران اقتصادی در آمریکا ۷۸
- ۵/۱- ملت آمریکا در بحران اقتصادی همه‌گیر ۷۸
- گفتار چهارم- توطئه‌های اقتصادی استکبار جهانی ۷۹**
- ۱- مفهوم استکبار ۸۲
- ۲- توطئه‌های اقتصادی استکبار جهانی علیه جمهوری اسلامی ایران ۸۲
- ۲/۱- ناامید کردن مردم و خراب کردن چهره انقلاب اسلامی ۸۲
- ۲/۲- ثروت، منابع و موقعیت ایران، علت چالش آمریکا ۸۲
- ۲/۳- دشمنان در مورد اقتصاد ایران تبلیغ سوء می‌کنند! ۸۳
- ۲/۴- اختلال در امر انعقاد قراردادهای اقتصادی بین ایران و کشورهای دیگر ۸۴
- ۲/۵- ایجاد مشکلات متعدد اقتصادی برای ایران و بزرگنمایی آن ۸۴
- ۲/۶- غصب داراییهای ایران در آمریکا و اروپا ۸۵
- ۲/۷- تحریم و محاصره اقتصادی ۸۶
- ۲/۸- تلاش برای نابسامان کردن وضع اقتصاد مردم ۸۷
- ۳- توطئه‌های اقتصادی استکبار جهانی علیه ملت‌های جهان ۸۷
- ۳/۱- تحمیل خواسته‌های استکباری ۸۷
- ۳/۲- ایجاد دنیای یک قطبی ۸۸
- ۳/۳- قبضه کردن همه منابع ثروت و امکانات ۸۹

- ۳/۴- تأمین مقاصد و خواسته‌های کمپانیهای بزرگ اقتصادی ۸۹
- ۳/۵- پی تأمین منافع خود در هر نقطه‌ای از دنیا ۹۰
- ۳/۶- مطامع و اغراض اقتصادی و سیاسی ۹۱
- ۳/۷- سیطره بر منطقه حساس و استراتژیک خاورمیانه ۹۲
- ۳/۸- نفوذ سیاسی در کشورها ۹۳
- ۳/۹- تحمیل فرهنگ مصرفی غلط ۹۴
- ۳/۱۰- اخلاص‌گری و خرابکاری در اقتصاد کشورها ۹۴
- ۳/۱۱- رشوه دادن به آدمهای طماع و به خدمت گرفتن آنان ۹۵
- ۳/۱۲- دردست گرفتن مراکز اقتصادی و منابع مالی ۹۵
- ۳/۱۴- به خاک سپاه نشاندن اقتصاد کشورها ۹۶
- ۳/۱۵- دخالت در تحولات سیاسی ۹۷
- ۳/۱۶- ورشکسته کردن اقتصادی در کشورهای با رونق ۹۸
- ۳/۱۷- موازنه منفی اقتصادی بین نظام سلطه و سایر کشورهای جهان ۹۹
- ۳/۱۸- مراکز سلطه جهانی به همه دنیا به چشم طعمه نگاه می کنند ۱۰۰
- ۴- عوامل مؤثر در ایستادگی نظام اسلامی در برابر توطئه‌های اقتصادی استکبار جهانی ۱۰۰
- ۴/۱- اتکا به ایمان و حضور مردم ۱۰۰
- ۴/۲- تلاش زیاد و کار متراکم شبانه‌روزی مسؤولان ۱۰۱
- ۴/۳- خودباوری و برخورد هوشمندانه با توطئه‌ها ۱۰۲
- ۴/۴- توکل بر خدا و حرکت به سمت اهداف الهی ۱۰۲
- گفتار پنجم - اقتصاد در اسلام ۱۰۵**
- ۱- اهمیت و جایگاه اقتصاد در اسلام ۱۰۹
- ۲- توانایی اسلام در ایجاد رونق و پیشرفت اقتصادی ۱۰۹
- ۳- مبانی و پایه‌های نظام اقتصادی اسلامی ۱۱۰
- ۳/۱- افزایش ثروت ملی؛ پایه اول ۱۱۰
- ۳/۲- توزیع عادلانه و رفع محرومیت در درون جامعه اسلامی؛ پایه دوم ۱۱۰
- ۴- ویژگیها و آرمانهای نظام اقتصادی اسلامی ۱۱۱
- ۴/۱- رشد اقتصادی برای عدالت اجتماعی ۱۱۱
- ۴/۲- رفاه عمومی و رفع فقر ۱۱۱

- ۴/۳- پیشرفت اقتصادی همراه با شکوفایی اخلاقی و معنوی..... ۱۱۲
- ۴/۴- رفاه اقتصادی همراه با عدالت و مواسات..... ۱۱۲
- ۴/۵- تأمین حق مردم و پر کردن فاصله طبقاتی..... ۱۱۳
- ۴/۶- پیشرفت و اعتلای اقتصادی..... ۱۱۳
- ۴/۷- استفاده از ثروت عظیم زمین به نفع بشر..... ۱۱۳
- ۴/۸- لحاظ ارزشهای معنوی در پیشرفت و رفاه مادی..... ۱۱۴
- ۴/۹- نگاه الهی و معنوی به اقتصاد..... ۱۱۴
- ۴/۱۰- نامطلوب بودن فاصله درآمدها و شکاف اقتصادی..... ۱۱۵
- گفتار ششم - استقلال اقتصادی..... ۱۱۷**
- ۱- معنا و مفهوم استقلال اقتصادی..... ۱۲۱
- ۲- اهمیت و ضرورت استقلال اقتصادی..... ۱۲۱
- ۲/۱- استقلال اقتصادی یک ضرورت حیاتی..... ۱۲۱
- ۲/۲- استقلال اقتصادی بالاتر از استقلال سیاسی..... ۱۲۲
- ۳- پیش شرطهای استقلال اقتصادی..... ۱۲۲
- ۳/۱- احساس مسئولیت و وجدان کاری عمومی..... ۱۲۲
- ۳/۲- وجدان دینی و احساس مسئولیت افراد پولدار..... ۱۲۳
- ۳/۳- ابتکار و نوآوری..... ۱۲۳
- ۳/۴- تولید محصولاتی که قابلیت رقابت در بازارهای جهانی را داشته باشند..... ۱۲۴
- ۳/۵- تکیه بر متفکران و اقتصاددانان داخلی..... ۱۲۴
- ۳/۶- حمایت از قشرهای محروم و فقیر و کم درآمد..... ۱۲۵
- ۴- الزامات و ضروریات استقلال اقتصادی..... ۱۲۶
- ۴/۱- اتکا بر نیروها و استعدادهای بومی..... ۱۲۶
- ۴/۲- استفاده از نیروی انسانی کارآمد، و امکانات علمی و فنی..... ۱۲۶
- ۴/۳- ترجیح دادن تولیدات داخلی بر خارجی..... ۱۲۶
- ۴/۴- پرورش استعدادهای بومی و به کارگیری شایسته آنان..... ۱۲۷
- ۴/۵- تلاش مسؤولان..... ۱۲۷
- ۵- خلأ استقلال اقتصادی در دوران طاغوت..... ۱۲۸
- ۶- استقلال اقتصادی در جمهوری اسلامی ایران..... ۱۲۹
- ۷- خلأ استقلال اقتصادی در دنیا..... ۱۳۰

گفتار هفتم - پیشرفت و عدالت	۱۳۳
۱- پیشرفت	۱۳۷
۱-۱- مفهوم پیشرفت	۱۳۷
۱-۲- عناصر پیشرفت	۱۳۷
۱-۳- پیش شرطها و پیش فرضهای پیشرفت	۱۳۸
۱-۴- آفات پیشرفت تقلیدی	۱۳۹
۱-۵- برخورد مطلوب با پیشرفت و تحوّل	۱۴۰
۱-۶- پیشرفت از دیدگاه اسلام	۱۴۰
۱-۷- نمونه پیشرفت مورد نظر غرب در ایران	۱۴۱
۱-۸- پیشرفت مورد نظر جمهوری اسلامی	۱۴۵
۱-۹- ابعاد پیشرفت در جمهوری اسلامی	۱۴۷
۱-۱۰- عرصه‌های پیشرفت در نظام جمهوری اسلامی	۱۴۸
۱-۱۱- تفاوت‌های پیشرفت مورد نظر جمهوری اسلامی ایران و پیشرفت غربی	۱۵۰
۱-۱۲- مبانی معرفتی پیشرفت در غرب	۱۵۱
۱-۱۳- مبانی معرفتی پیشرفت در جمهوری اسلامی ایران	۱۵۵
۱-۱۴- خطرپذیری، ابتکار، اقدام و انضباط، نقاط مشترک	۱۵۸
۲- عدالت	۱۵۹
۲-۱- اهمیت و حساسیت مقوله عدالت	۱۵۹
۲-۲- جایگاه عدالت در ادیان الهی و اسلام	۱۶۰
۲-۳- عدالت در مکتب سیاسی امام خمینی (قدّس سرّه)	۱۶۳
۲-۴- عدالت در مکاتب مادی	۱۶۴
۲-۵- مقایسه عدالت در اسلام و مکاتب مادی	۱۶۷
۲-۶- لزوم نظریه‌پردازی در زمینه عدالت	۱۷۲
۲-۷- مفهوم عدالت اقتصادی	۱۷۷
۲-۸- آثار عدالت اقتصادی	۱۸۰
۲-۸-۲- کاهش فاصله‌ها، از مصادیق عدالت اقتصادی	۱۸۰
۲-۱۰- عدالت در جمهوری اسلامی ایران	۱۸۲
۲-۱۱- مسؤولان و عدالت	۱۸۴
۳- رابطه بین پیشرفت و عدالت	۱۸۷

- ۳/۱- ضرورت همراهی پیشرفت با عدالت ۱۸۷
- ۳/۲- خسارت بار بودن پیشرفت بدون عدالت ۱۸۷
- ۳/۳- مردود بودن پیشرفت منهای عدالت از نظر اسلام ۱۸۸
- گفتار هشتم- مبارزه با مفساد اقتصادی** ۱۸۹
- ۱- تعریف و مفهوم مفساد اقتصادی ۱۹۵
- ۲- ریشه‌های مفساد اقتصادی ۱۹۵
- ۲/۱- تخطی از قوانین ۱۹۵
- ۲/۲- ناامنی محیطهای اقتصادی ۱۹۶
- ۲/۳- سرایت فساد مالی و اقتصادی مسؤولان در کشور ۱۹۷
- ۲/۴- مصادره سرمایه‌های ملی ۱۹۹
- ۲/۵- تمرکز ثروت در یک نقطه و گسترش محرومیت و تبعیض در نقاط دیگر ۲۰۰
- ۲/۶- دور باطل پول در خدمت قدرت و قدرت در خدمت پول ۲۰۱
- ۲/۷- فساد اقتصادی در دستگاههای دولتی ۲۰۱
- ۲/۸- انباشته شدن ثروت حرام در یک جا ۲۰۱
- ۲/۹- هدر شدن ثروت مردم ۲۰۲
- ۲/۱۰- کند کردن حرکت کشور و ایجاد ناامیدی در مردم ۲۰۲
- ۲/۱۱- مفساد اقتصادی مانع فعالیت اقتصادی سالم ۲۰۳
- ۲/۱۲- رواج مفساد اقتصادی سبب تزلزل عناصر خوب دستگاهها ۲۰۳
- ۳- مصادیق مفساد اقتصادی ۲۰۴
- ۳/۱- دست‌اندازی به اموال عمومی ۲۰۴
- ۳/۲- سوء استفاده از اختیارات قانونی توسط مسؤولان ۲۰۴
- ۳/۳- استفاده سوء از پیچ و خمهای قانون ۲۰۵
- ۳/۴- استفاده از امکانات برای منافع شخصی خود و نزدیکان! ۲۰۵
- ۳/۵- انبوه شدن ثروت در قدرت‌طلبان ۲۰۶
- ۳/۶- رسیدن به ثروتهای کذایی از راه تقلب و قاچاق ۲۰۷
- ۴- ضرورت و اهمیت مبارزه با مفساد اقتصادی ۲۰۷
- ۴/۱- مبارزه با فساد، پایه اصلی و روش امیرالمؤمنین (ع) ۲۰۷
- ۴/۲- مبارزه با فساد اداری و اقتصادی از اصول انقلاب ۲۰۸
- ۴/۳- اهمیت حیاتی برخورد با مفساد اقتصادی برای نظام ۲۰۹

- ۴/۴- جلوگیری از مفاسد اقتصادی، روش اسلام و امام ۲۰۹
- ۴/۵- خطر عظیم مفاسد اقتصادی برای کشور ۲۰۹
- ۵- آثار و فواید مبارزه با مفاسد اقتصادی ۲۱۰
- ۵/۱- کمک به گشایش اقتصادی کشور ۲۱۰
- ۵/۲- مبارزه با فساد زمینه‌ساز پیشرفت ۲۱۰
- ۵/۳- بسترساز رقابت سالم اقتصادی ۲۱۰
- ۶- الزامات مبارزه با مفاسد اقتصادی ۲۱۱
- ۶/۱- اطلاع‌رسانی بهنگام، بجا و به شکل متین و صحیح ۲۱۱
- ۶/۲- جدیت و دوری از جنجال‌سازی ۲۱۲
- ۶/۳- لزوم مبارزه جدی بلند مدت ۲۱۲
- ۶/۴- برخورد عملی و واقعی، بدون و پیشداوری ۲۱۳
- ۶/۵- برخورد بی‌محابا ۲۱۳
- ۶/۶- سرعت و قاطعیت ۲۱۳
- ۷- موافقان و مخالفان مبارزه با مفاسد اقتصادی ۲۱۳
- ۸- چالش‌های پیش روی مبارزه با مفاسد اقتصادی ۲۱۴
- ۸/۱- جنجال و هیاهوی اهرم‌های فشار ۲۱۴
- ۸/۲- جنجال‌سازی دشمن ۲۱۵
- ۸/۳- فشار و اعمال قدرت مفسدان ۲۱۵
- ۹- وظایف دستگاهها در قبال مبارزه با مفاسد اقتصادی ۲۱۶
- ۹/۱- مبارزه با فساد یک جهاد همه‌جانبه ۲۱۶
- ۹/۲- اعمال قاطعیت علوی ۲۱۶
- ۹/۳- قدرت و همدلی و سرعت ۲۱۶
- ۹/۴- نگاه مراکز قدرت به جمع ثروت شخصی به عنوان یک گناه ۲۱۷
- ۹/۵- مبارزه با فساد، در درجه اول کار دولت ۲۱۷
- ۹/۶- همراهی قوه قضاییه با دولت ۲۱۷
- ۹/۷- مبارزه با فساد دستگاههای دولتی ۲۱۸
- ۹/۸- گرفتن گلوگاههای فساد ۲۱۸
- ۹/۹- جدیت بیشتر دولت ۲۱۹
- ۹/۱۰- برخورد بی‌اغماض و بدون ملاحظه ۲۱۹

- ۹/۱۱- ادای سهم توسط قوه قضاییه..... ۲۲۰
- گفتار نهم - ساده‌زیستی، مبارزه با اسراف و تجمل‌گرایی و اشرافیگری..... ۲۲۱**
- ۱- مفهوم ساده‌زیستی ۲۲۵
- ۲- ضرورت گرایش به ساده‌زیستی از جانب مسؤولین و مردم ۲۲۵
- ۳- مبارزه با اسراف و تجمل و اشرافیگری..... ۲۲۷
- ۳/۱- پرهیز از بی‌انضباطی مالی ۲۲۷
- ۳/۲- پرهیز از چشم و هم‌چشمی و ریخت و پاش ۲۲۷
- ۳/۳- تجمل همراه با اسراف، دون شأن انسان..... ۲۲۹
- ۳/۴- حرام بودن مانور اشرافیگری در جلوی چشم مردم..... ۲۲۹
- ۳/۵- مواظبت از غرق شدن در دام اشرافیگری..... ۲۳۰
- ۳/۶- توصیه مهم امام در پرهیز مسؤولین از رفاه شخصی..... ۲۳۰
- ۴- مضرات اسراف و تجمل و اشرافیگری..... ۲۳۱
- ۴/۱- اختلال در زندگی دیگران ۲۳۱
- ۴/۲- صرف از پول در مسیر هوس و چشم و هم‌چشمی..... ۲۳۱
- ۴/۳- فقدان عدالت اجتماعی و روحیه برادری ۲۳۱
- ۴/۴- کُند کردن حرکت به سوی عدالت..... ۲۳۲
- ۴/۵- فرهنگ‌سازی برای دیگران..... ۲۳۳
- ۴/۶- خسارت به بیت‌المال..... ۲۳۳
- ۵- راهکارهای مبارزه با اسراف و تجمل و اشرافیگری ۲۳۴
- ۵/۱- الگوسازی مسؤولان ۲۳۴
- ۵/۲- به قدر نیاز و حاجت، خرج و مصرف کردن..... ۲۳۵
- ۵/۳- کمک به محرومان، مشارکت در کارهای اقتصادی..... ۲۳۶
- ۵/۴- سرمشق قرار دادن معصومین (علیهم‌السلام) در ساده‌زیستی..... ۲۳۶
- ۵/۵- حد‌نگه‌داشتن در تغییر دکوراسیونها و خرجهای اضافی!..... ۲۳۸
- ۵/۶- هزینه نکردن بیت‌المال در امور شخصی و غیرضروری..... ۲۳۹
- ۵/۷- دل‌ن بستن به پول، تشریفات و جاه و جلال..... ۲۳۹
- ۵/۸- ضد ارزش دانستن اشرافیگری و گرایش به آن..... ۲۴۰
- گفتار دهم - محرومیت‌زدایی..... ۲۴۱**
- ۱- جایگاه محرومان در ادیان الهی..... ۲۴۴

- ۲- جایگاه محرومان در اسلام ۲۴۴
- ۳- جایگاه محرومان در مکتب امام خمینی (ره) ۲۴۴
- ۳/۱- از بین بردن فقر و محرومیت در کشور ۲۴۴
- ۳/۲- خدمت به مستضعفان و محرومان شاخص راه امام ۲۴۵
- ۳/۳- نجات محرومین؛ محور فعالیتهای اقتصادی ۲۴۵
- ۳/۴- توجه خاص به طبقات محروم و مستضعف ۲۴۶
- ۳/۵- تکیه امام روی طبقات محروم و پابرهنگان کشور ۲۴۶
- ۴- ریشه‌های محرومیت ۲۴۷
- ۴/۱- تضييع حق محرومین ۲۴۷
- ۴/۲- توپنه‌های استکباری ۲۴۸
- ۵- عوامل مؤثر در رفع محرومیت ۲۴۸
- ۵/۱- ایجاد عدالت ۲۴۸
- ۵/۲- استفاده از امکانات طبیعی و نیروی انسانی کشور ۲۴۹
- ۵/۳- همت مردم و مسؤولان و توکل به خدای متعال ۲۴۹
- ۵/۴- فرهنگ‌سازی برای گسترش روحیه انفاق و نیکوکاری ۲۴۹
- ۶- محرومیت در دوران طاغوت ۲۵۰
- ۷- جایگاه محرومان در جمهوری اسلامی ۲۵۱
- ۷/۱- دفاع محرومان از انقلاب و اسلام ۲۵۱
- ۷/۲- اهمیت و ضرورت محرومیت‌زدایی در جمهوری اسلامی ۲۵۱
- ۷/۳- دفاع از قشرهای محروم در رأس همه برنامه‌ریزیهای کشور ۲۵۳
- ۷/۴- رفع محرومیت از طبقات محروم؛ برترین گام در راه استقرار عدل ۲۵۳
- ۷/۵- رفع فقر و محرومیت اصلی‌ترین برنامه کشور ۲۵۳
- ۷/۶- آباد کردن روستاها سیاست کلی نظام ۲۵۴
- ۸- طبقات محروم در نظامهای سرمایه‌داری ۲۵۴
- ۹- محرومان در نظامهای سوسیالیستی! ۲۵۵
- گفتار یازدهم - اقتصاد ایران** ۲۵۷
- ۱- اقتصاد ایران در دوران قبل از انقلاب ۲۶۱
- ۱/۱- لطمات انحصارات زمان ناصرالدین شاه ۲۶۱
- ۱/۲- رواج فساد به وسیله طبقات مرفه بی‌درد ۲۶۱

- ۱/۳- فساد مالی رضاخان و خانواده‌اش ۲۶۲
- ۱/۴- جامعه مصرف کننده، فقیر و غارت زده ۲۶۳
- ۱/۵- محل آزمون نظرات اقتصادی غرب! ۲۶۵
- ۱/۶- بزرگترین خیانت رژیم پهلوی به اقتصاد ایران ۲۶۵
- ۱/۷- کشور صد در صد وابسته و مصرف کننده ۲۶۷
- ۱/۸- ساخت سدهای دارای اشکالات فنی فراوان ۲۶۸
- ۱/۹- جلوگیری از مشارکت متخصصان بومی در طرحهای اقتصادی ۲۶۸
- ۱/۱۰- وابستگی اقتصادی؛ سیاست دوران طاغوت ۲۶۹
- ۱/۱۱- حرکت تقلیدی در خودروسازی ۲۷۰
- ۲- اقتصاد ایران در دوران پس از انقلاب ۲۷۱
- ۲/۱- مصنوعات داخلی ما اغلب، بهتر از مصنوعات خارجی ۲۷۱
- ۲/۲- تعمیر و بازسازی هواپیماهای خارجی ۲۷۱
- ۲/۳- ساخت ادوات پیچیده نظامی ۲۷۲
- ۲/۴- سدسازی در سطحی گسترده ۲۷۳
- ۲/۵- تولید سلولهای بنیادی انسولین ساز ۲۷۵
- ۲/۶- دستیابی به فناوری و تولید سوخت هسته‌ای ۲۷۶
- ۲/۷- سیلوسازی معتبر بین‌المللی با ظرفیت‌های بالا ۲۷۷
- ۲/۸- پیشرفت در اقتباس، قطعه‌سازی و مشابه‌سازی ۲۷۸
- ۲/۹- پیشرفت فضایی و پرتاب ماهواره امید ۲۷۸
- ۲/۱۰- تواناییهای جوانان دانشمند و متخصص جمهوری اسلامی ۲۷۹
- ۲/۱۱- ساخت کارخانه‌های پیچیده و تجارت علم و فناوری با کشورهای جهان ۲۸۰
- ۲/۱۲- ساخت پالایشگاه و نیروگاه ۲۸۱
- ۲/۱۳- تولید موتور ملی خودرو ۲۸۱
- ۲/۱۴- توجه ویژه به روستاها و شهرهای دور دست ۲۸۲
- ۲/۱۵- خودکفایی در تولید بنزین ۲۸۳
- ۳- آرمانهای اقتصادی جمهوری اسلامی ایران ۲۸۳
- ۳/۱- آبادانی کشور و ریشه‌کنی محرومیت ۲۸۳
- ۳/۲- رشد این کشور در حد شایسته مسلمانان ۲۸۴
- ۳/۳- هر چه نزدیک شدن به عدالت اجتماعی ۲۸۴

۲۸۴	۳/۴- اقتدار اقتصادی.....
۲۸۷	گفتار دوازدهم- جهاد اقتصادی
۲۹۱	۱- روحیه جهادی.....
۲۹۱	۱/۱- فراموش کردن خود و غرق شدن در ایمان.....
۲۹۱	۱/۲- مقابله با دشمن در عرصه‌های مختلف.....
۲۹۲	۱/۳- کار برای خدا، با جدیت و به صورت خستگی ناپذیر.....
۲۹۲	۱/۴- فرهنگ جهادی، دستاورد انقلاب اسلامی.....
۲۹۳	۱/۵- پیشرفت ملت با روحیه جهادی در میادین مختلف.....
۲۹۴	۲- جهاد اقتصادی.....
۲۹۴	۳- اهمیت و ضرورت جهاد اقتصادی.....
۲۹۶	۴- الزامات جهاد اقتصادی.....
۲۹۶	۴/۱- داشتن روحیه جهادی.....
۲۹۶	۴/۲- استحکام معنویت و روح ایمان و تدبیر در جامعه.....
۲۹۷	۴/۳- اصل قرار ندادن مسائل حاشیه‌ای.....
۲۹۸	۴/۴- حفظ اتحاد و انسجام ملی.....
۲۹۹	۵- عرصه‌ها و مصادیق جهاد اقتصادی.....
۲۹۹	۵/۱- درست مصرف کردن.....
۲۹۹	۵/۲- ایجاد فرهنگ کار و تلاش لله.....
۲۹۹	۵/۳- مصرف کالای تولید داخل.....
۳۰۰	۵/۴- کارآفرینی، اشتغال و توجه به زیرساختهای اقتصادی.....
۳۰۳	گفتار سیزدهم- سیاستهای کلی نظام در عرصه اقتصاد
	۱- سیاستهای کلی امنیت اقتصادی، انرژی، منابع آب، معدن، منابع طبیعی، حمل و نقل
۳۰۸
۳۰۹	۱- سیاستهای کلی امنیت اقتصادی.....
۳۰۹	۲- سیاستهای کلی انرژی.....
۳۱۴	۲- سیاستهای کلی اصل ۴۴ قانون اساسی.....
۳۱۵	سیاستهای کلی اصل ۴۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.....
۳۲۰	۳- سیاستهای کلی اصلاح الگوی مصرف.....

- ۴- سیاستهای کلی نظام در امور «شهرسازی» ۳۲۴
- ۵- سیاستهای کلی نظام در امور «مسکن» ۳۲۶
- ۶- سیاستهای کلی نظام در امور «تشویق سرمایه‌گذاری» ۳۲۷
- گفتار چهاردهم - خصوصی سازی و اصل ۴۴** ۳۲۹
- ۱- مفهوم خصوصی سازی ۳۳۳
- ۲- اصل ۴۴ قانون اساسی ۳۳۳
- ۳- سیاستهای اصل ۴۴ ۳۳۴
- ۴- اهمیت و ضرورت خصوصی سازی ۳۳۶
- ۴/۱- زنده و فعال شدن اقتصاد با حضور و پشتیبانی مردم ۳۳۶
- ۴/۲- اجرای سیاستهای اصل ۴۴؛ زمینه‌ساز تحوّل در پیشرفت کشور ۳۳۶
- ۴/۳- تحوّل عظیم اقتصادی در کشور ۳۳۶
- ۵- فواید خصوصی سازی ۳۳۷
- ۵/۱- افزایش بازده اقتصادی کشور و سوق دادن ثروتهای عمومی به سمت اقشار محروم ۳۳۷
- ۵/۲- اشتغال‌زایی، کمک به پیشرفت کشور و برطرف کردن فقر و محرومیت ۳۳۷
- ۶- آفات خصوصی سازی ۳۳۸
- ۶/۱- سوءاستفاده از مقوله امنیت اقتصادی ۳۳۸
- ۶/۲- سوءاستفاده از قوانین ۳۳۹
- ۷- بسترها و پشتوانه‌های خصوصی سازی ۳۴۰
- ۷/۱- امنیت اقتصادی ۳۴۰
- ۷/۲- مبارزه با فساد و ریشه‌کنی آن ۳۴۰
- ۷/۳- تلاش سه قوه ۳۴۰
- ۷/۴- شفاف‌سازی مقررات ۳۴۲
- ۷/۵- اطلاع‌رسانی به مردم و معرفی فرصتهای سرمایه‌گذاری ۳۴۲
- ۷/۶- آگاه‌سازی مردم نسبت به روشهای مشارکت مستقیم در امر اقتصاد ۳۴۳
- ۷/۷- اتخاذ سیاست تسهیل سرمایه‌گذاری بخش خصوصی و گسترش تعاونیها ۳۴۳
- ۸- دشمنان خصوصی سازی ۳۴۴
- گفتار پانزدهم - اصلاح الگوی مصرف و هدفمند کردن یارانه‌ها** ۳۴۷

- ۱- ضرورت و فواید اصلاح الگوی مصرف ۳۵۱
- ۱/۱- مصرف عقلایی و تحت کنترل ۳۵۱
- ۱/۲- ضرورت اصلاح الگوی مصرف برای سازندگی کشور ۳۵۱
- ۱/۳- اصلاح الگوی مصرف برای جلوگیری از تضییع اموال ۳۵۲
- ۲- شاخصهای اصلاح الگوی مصرف ۳۵۲
- ۲/۱- انضباط اقتصادی و مالی ۳۵۲
- ۲/۲- قناعت و صرفه‌جویی و پرهیز از اسراف ۳۵۴
- ۲/۳- بهره‌وری بیشتر از امکانات و منابع ۳۶۰
- ۳- هدفمند کردن یارانه‌ها پشتوانه اصلاح الگوی مصرف ۳۶۰
- ۳/۱- هدفمندی یارانه‌ها، یک قدم بلند در پیشرفت کشور ۳۶۰
- ۳/۲- هدفمندی یارانه‌ها یک کار بسیار لازم، اساسی و مفید ۳۶۱
- ۳/۳- هدفمندی کردن یارانه‌ها یک گام بلند در جهت ایجاد عدالت اجتماعی ۳۶۱
- ۳/۴- حمایت بیشتر از قشرهای محروم و طبقات متوسط به پایین جامعه ۳۶۲
- ۳/۵- یارانه، عامل توزیع عادلانه ۳۶۳
- ۳/۶- مدیریت مصرف منابع عمومی کشور ۳۶۳
- ۴- الزامات طرح هدفمند کردن یارانه‌ها ۳۶۴
- ۴/۱- پرهیز از عجله و شتابزدگی در اجرا و ملاحظه تبعات آن ۳۶۴
- ۴/۲- مقابله با تورم احتمالی اجرای طرح ۳۶۴
- ۵- دستاوردهای نظام در عرصه اجرای هدفمند کردن یارانه‌ها ۳۶۵
- گفتار شانزدهم - کارآفرینی و ایجاد اشتغال** ۳۶۷
- ۱- ارزش و اهمیت کارآفرینی و ایجاد اشتغال ۳۷۱
- ۱/۱- جنبه اقتصادی و جنبه انسانی خیلی والای کارآفرین ۳۷۱
- ۱/۲- اهمیت ویژه کارآفرینی در شرایط کنونی جمهوری اسلامی ۳۷۲
- ۱/۳- آمادگی کشور برای جهش در پیشرفت ۳۷۳
- ۱/۴- وجود فشارهای جهانی ۳۷۵
- ۲- آثار و فواید کارآفرینی و ایجاد اشتغال ۳۷۵
- ۲/۱- ایجاد کار و تولید ثروت ۳۷۵
- ۲/۲- ایجاد اقتصاد مقاومتی و بی‌اثر کردن تحریمها ۳۷۵
- ۳- انتظارات از مسئولان در زمینه کارآفرینی ۳۷۶

- ۳/۱- تشویق کارآفرینان..... ۳۷۶
- ۳/۲- ایجاد کار و تولید و کارآفرینی..... ۳۷۶
- ۴- انتظارات از کارآفرینان..... ۳۷۷
- ۴/۱- افزایش مرغوبیت و کیفیت تولید داخلی..... ۳۷۷
- ۴/۲- لحاظ کردن نوآوری و ابتکار و زیبایی در تولیدات کشور..... ۳۷۸
- گفتار هفدهم- معیشت**..... ۳۷۹
- ۱- ضرورت رسیدگی به معیشت مردم و بهبود وضعیت معیشتی..... ۳۸۳
- ۱/۱- مسأله معیشت، در اولویت اول..... ۳۸۳
- ۱/۲- مسأله معیشت، فوری‌ترین نیاز کشور..... ۳۸۳
- ۱/۳- گره‌گشایی از امور معیشت مردم، از مصادیق مبارزه با دشمن..... ۳۸۳
- ۱/۴- اداره معیشت مردم، جزو وظائف مدیران اسلامی..... ۳۸۴
- ۲- ضرورت رسیدگی توأمان به معنویات و معیشت مردم..... ۳۸۴
- ۳- فواید رسیدگی به معیشت و بهبود وضعیت مردم..... ۳۸۵
- ۳/۱- تأمین معاش مردم زمینه‌ساز تدبیر مردم..... ۳۸۵
- ۳/۲- معیشت شایسته و مناسب زمینه‌ساز حرکت به سمت تعالی معنوی..... ۳۸۵
- ۴- موانع رسیدگی به معیشت و بهبود وضعیت مردم..... ۳۸۶
- ۴/۱- تلاش دشمن..... ۳۸۶
- ۴/۲- اشتباه در شناخت مشکلات مردم و جایگزینی شعارهای سیاسی..... ۳۸۶
- ۵- راهکارهای مؤثر برای رفع مشکلات معیشتی..... ۳۸۸
- ۵/۱- صداقت و دلسوزی و علاقه‌مندی..... ۳۸۸
- ۵/۲- مبارزه با فقر و فساد و تبعیض..... ۳۸۸
- ۵/۳- تلاش، جدیت، ابتکار و پشتکار..... ۳۸۹
- ۵/۴- نوآوری و تلاش..... ۳۸۹
- ۵/۵- همکاری دستگاهها و تلاش همه‌جانبه..... ۳۹۰
- ۵/۶- همت مسؤولان برای پیدا کردن راههای عاقلانه و منطقی..... ۳۹۱
- ۵/۷- مستحکم کردن پایه‌های اقتصادی..... ۳۹۱
- ۵/۸- اصلاح مبانی اقتصاد کشور..... ۳۹۱
- ۵/۹- تلاش متحد و هماهنگ مسؤولان کشور..... ۳۹۲
- ۵/۱۰- امنیت..... ۳۹۲

- ۵/۱۱- هماهنگی و هم‌افزایی دستگاهها ۳۹۲
- گفتار هجدهم - تولید** ۳۹۵
- ۱- جایگاه بخش تولید در اقتصاد کشور ۳۹۹
- ۱/۱- تولید اساس اقتصاد و اهمیت درجهٔ اول ۳۹۹
- ۱/۲- تولید اساس شکوفایی پایدار ۳۹۹
- ۲- راههای تقویت و ارتقای تولید ۴۰۰
- ۲/۱- وجدان کاری و محکم کاری و درستکاری ۴۰۰
- ۲/۲- فرهنگ‌سازی برای استفاده از تولیدات داخلی ۴۰۰
- ۲/۳- ایجاد امنیت شغلی برای کارگران ۴۰۲
- ۲/۴- اهمیت دادن به کیفیت تولیدات ۴۰۲
- ۲/۵- استفاده از ذوق و هنر ایرانی و ساخت محصول بادوام و زیبا و فاخر ۴۰۲
- ۳- وظایف مسئولان در قبال بخش تولید ۴۰۳
- ۳/۱- رفع مشکلات تولید ۴۰۳
- ۳/۲- مدیریت پیشرفت تولید ۴۰۴
- ۳/۳- سیاستگذاری در جهت افزایش تولید ملی ۴۰۴
- ۳/۴- برنامه‌ریزی برای ارتقای مهارت‌های مجموعه ۴۰۵
- گفتار نوزدهم - علم و فناوری** ۴۰۷
- ۱- اهمیت و عظمت علم ۴۱۱
- ۲- رابطهٔ بین علم و اقتصاد ۴۱۱
- ۲/۱- علم، مایهٔ رونق اقتصادی ۴۱۱
- ۲/۲- اقتدار علمی زیربنای اقتدار اقتصادی ۴۱۱
- ۲/۳- پیشرفت علم زمینه‌ساز رفع عقب‌ماندگی، تبعیض و بی‌عدالتی در اقتصاد ۴۱۲
- ۲/۴- علم پشتوانهٔ ثروت ۴۱۲
- ۲/۵- در اولویت قرار داشتن تولید دانش‌بنیان در اقتصاد ۴۱۳
- ۲/۶- اقتصاد تولیدی متکی به دانش، بستر ساز شکوفایی اقتصادی ۴۱۳
- ۳- علم و فناوری و رابطهٔ آنها ۴۱۳
- ۳/۱- پیشرفت علمی و فناوری پشتوانهٔ اقتدار مادی و معنوی ۴۱۳
- ۳/۲- پیشرفت علمی پیش نیاز پیشرفت مقتدرانه در عرصهٔ فناوری ۴۱۴
- ۳/۳- توسعه علم لازمهٔ ایجاد و تکمیل فناوری ۴۱۴

- ۴- آفات علم و فناوری در دنیای مادی..... ۴۱۵
- ۴/۱- سلطه گری ۴۱۵
- ۴/۲- تخریب طبیعت و اسارت انسان..... ۴۱۸
- ۴/۳- انحصارطلبی ۴۱۸
- ۴/۴- در خدمت اهداف سرمایه‌داران و قدرتمندان قرار گرفتن ۴۱۹
- ۴/۵- خشونت‌گرایی ۴۱۹
- ۵- علم و فناوری در ایران دوران قاجار و پهلوی ۴۲۰
- ۶- الزامات علم و فناوری در جمهوری اسلامی ایران ۴۲۲
- ۶/۱- شروع محاصره علمی و فناوری از همان سالهای نخست انقلاب..... ۴۲۲
- ۶/۲- تقویت فناوری و پیشاهنگ شدن در تولید علم ۴۲۳
- ۶/۳- حفظ عزت ۴۲۴
- ۶/۴- تکیه به نیروهای خودی ۴۲۴
- ۶/۵- حفاظت از انقلاب ۴۲۵
- ۶/۶- ضرورت پیشرفت و شکستن مرزهای علم به کمک غرور ملی ۴۲۵
- ۶/۷- لزوم مراکز فعال تحقیقاتی و حمایت از آن ۴۲۶
- ۶/۸- احصاء نیازهای اصلی کشور در حوزه علوم و فناوری ۴۲۶
- ۶/۹- تلاش برای جبران عقب‌ماندگی کشور در عرصه علم و فناوری..... ۴۲۶
- ۶/۱۰- تجاری سازی نخبه‌های محصولات علمی..... ۴۲۷
- ۶/۱۱- تأسیس شرکتهای علمی و فناوری ۴۲۸
- ۶/۱۲- تشکیل پژوهشگاههای ویژه ۴۲۸
- ۶/۱۳- لزوم ایجاد چرخه تبدیل علم به فناوری و صنعت ۴۲۹
- ۷- دستاوردهای نظام جمهوری اسلامی در عرصه علم و فناوری ۴۳۰
- ۷/۱- آمیختن دانش و فناوری با ارزشهای معنوی و استقلال و آزادی..... ۴۳۰
- ۷/۲- انجام کارهای پیچیده علمی و فناوری و صدور آن به خارج..... ۴۳۰
- ۷/۳- دستیابی به پیشرفتهای خیره‌کننده و کم‌نظیر..... ۴۳۱
- ۷/۴- رشد حیرت‌انگیز در عرصه علم و فناوری توسط جوانان ایران زمین..... ۴۳۱
- ۷/۵- دستیابی به پیشرفتهای چشمگیر..... ۴۳۲
- ۷/۶- رسیدن در زمینه دانش و فناوری در حد شأن ملت ایران..... ۴۳۲
- گفتار بیستم - انرژی هسته‌ای ۴۳۵

- ۴۴۰ ۱- اهمیت انرژی و دانش هسته‌ای
- ۴۴۰ ۱/۱- انرژی هسته‌ای، یک فناوری باارزش
- ۴۴۰ ۱/۲- انرژی هسته‌ای، به عنوان انرژی جایگزین
- ۴۴۰ ۱/۳- علوم هسته‌ای از بزرگترین دستاوردهای بشری
- ۴۴۰ ۲- فواید انرژی هسته‌ای
- ۴۴۰ ۲/۱- تولید برق
- ۴۴۰ ۲/۲- درمان و مصارف پزشکی
- ۴۴۱ ۲/۳- نقش برجسته در حیات اقتصادی
- ۴۴۱ ۳- ضرورت برخورداری جمهوری اسلامی ایران از انرژی هسته‌ای
- ۴۴۱ ۳/۱- برخورداری از فواید علمی و فناوری پزشکی
- ۴۴۲ ۳/۲- جایگزینی برای نفت
- ۴۴۴ ۳/۳- یک شاخص بزرگ و نمایان برای پیشرفت
- ۴۴۴ ۳/۴- انرژی هسته‌ای و فناوری، حق مسلم ملت ایران
- ۴۴۵ ۴- اهداف جمهوری اسلامی ایران از انجام فعالیتهای صلح آمیز هسته‌ای
- ۴۴۵ ۴/۱- قبول معاهده بین‌المللی MPT از جانب جمهوری اسلامی ایران
- ۴۴۶ ۴/۲- استفاده صلح آمیز از انرژی هسته‌ای
- ۴۴۶ ۴/۳- به دست آوردن دانش هسته‌ای
- ۴۴۶ ۴/۴- حفظ منابع تجدیدناپذیرمان برای نسلهای آینده
- ۴۴۷ ۵- موفقیتها و دستاوردهای سیاسی جمهوری اسلامی ایران در عرصه هسته‌ای
- ۴۴۷ ۵/۱- پافشاری ایران برای احقاق حقوقش
- ۴۴۸ ۵/۲- تبدیل خواست ایران، به خواست عمومی ملت‌های عرب
- ۴۴۸ ۵/۳- ایستادگی افکار عمومی جهان در مقابل مقاصد هسته‌ای امریکا
- ۴۵۰ ۵/۴- بومی بودن فناوری هسته‌ای در جمهوری اسلامی ایران
- ۴۵۱ ۶- ابعاد توطئه‌های استکبار جهانی علیه ایران در عرصه فعالیتهای صلح آمیز هسته‌ای
- ۴۵۱ ۶/۱- ابزار قرار دادن شورای امنیت سازمان ملل
- ۴۵۲ ۶/۲- القاء مخالفت جهانی با غنی‌سازی در ایران!
- ۴۵۲ ۶/۳- تهمت زدن به ملت ایران مبنی بر تلاش در جهت تولید سلاح هسته‌ای
- ۴۵۳ ۶/۴- تهدید اتمی!
- ۴۵۵ ۶/۵- سوء استفاده از نشستهای ان.پی.تی

- ۶/۶- بدقولی و کارشکنی در دادن سوخت بیست درصد به ایران ۴۵۵
- ۶/۷- نیازمند کردن ایران به سوخت هسته‌ای نیروگاهها ۴۵۷
- ۶/۸- وابسته نگه داشتن اقتصاد ایران به نفت ۴۵۷
- ۶/۹- محروم کردن ملت ایران از پیشرفت علمی و فناوری ۴۵۸
- ۶/۱۰- تحقیر ملت ایران ۴۵۸
- ۶/۱۱- ممانعت از ورود صنعت اتمی و روشهای نوین و فناوری جدید به ایران ۴۵۹
- ۶/۱۲- ممانعت از توجه جدی ملت‌های منطقه به حق طبیعی شان ۴۵۹
- ۷- دلایل مخالفت قدرتهای استکباری با فعالیتهای صلح آمیز هسته‌ای ایران ۴۵۹
- ۷/۱- خود اتکایی ایران در تولید برق و تولید سوخت اتمی ۴۵۹
- ۷/۲- بومی بودن و ایجاد بیداری اسلامی کردن ۴۶۰
- ۷/۳- نگرانی از شکل گرفتن یک ایران قدرتمند و پیشرفته ۴۶۱
- ۷/۴- مخالفت با نوآوری و خلاقیت و قطع وابستگی ایران ۴۶۱
- ۸- ضرورت مبارزه با گسترش تسلیحات هسته‌ای ۴۶۲
- ۸/۱- اجماع قاطع جامعه جهانی برای نابودی تسلیحات هسته‌ای ۴۶۲
- ۸/۲- اصرار دولتهای استکباری بر نگهداری و افزایش سلاحهای هسته‌ای شان ۴۶۳
- ۸/۳- نفاق آمریکا در ادعای مبارزه با گسترش سلاح هسته‌ای! ۴۶۳
- ۸/۴- قدرتها، بزرگترین ناقضین معاهده عدم اشاعه تسلیحات هسته‌ای ۴۶۴
- ۸/۵- آمادگی جمهوری اسلامی ایران برای بسیج امکانات علیه گسترش سلاحهای کشتار جمعی ۴۶۵
- ۸/۶- مخالفت ملت ایران با تسلیحات اتمی ۴۶۶
- ۸/۷- کاربرد نداشتن سلاح هسته‌ای از نظر عقلی و منطقی ۴۶۶
- کشتار بیست و یکم- صنعت** ۴۶۷
- ۱- اهمیت و جایگاه صنعت ۴۷۱
- ۱/۱- تأثیر صنعت در پیشرفت کشور ۴۷۱
- ۱/۲- ضرورت پیشرفت در صنعت ۴۷۱
- ۱/۳- پیشرفت صنعت، پشتوانه پیشرفت کشاورزی ۴۷۱
- ۱/۴- صنعت، پیشرو اول توسعه اقتصادی ۴۷۱
- ۲- استقلال صنعتی ۴۷۲
- ۳- انواع راهبردها و طرز فکرها در عرصه صنعت ۴۷۲

- ۳/۱- واگذاری اختیار صنعت به بیگانگان ۴۷۲
- ۳/۲- در اختیار گرفتن اداره صنعت ۴۷۴
- ۴- آفات صنعت غربی ۴۷۴
- ۴/۱- وابستگی ۴۷۴
- ۴/۲- جدایی از معنویت ۴۷۵
- ۵- الزامات پیشرفت در بخش صنعت ۴۷۵
- ۵/۱- همراه بودن با رشد اخلاقی ۴۷۵
- ۵/۲- استفاده از نیروی جوان ۴۷۶
- ۵/۳- تدبیر و مدیریت و میدان دادن به سرمایه‌های مردم ۴۷۶
- ۵/۴- پابندی به اصول و تفکرات انقلابی اصیل ۴۷۶
- ۵/۵- رعایت ملاحظات دینی و اخلاقی و انسانی ۴۷۶
- ۵/۶- تنظیم سیاست تعدیل بازرگانی و جلوگیری از واردات بی‌رویه صنعتی ۴۷۷
- ۵/۷- دانش محور بودن ۴۷۸
- ۵/۸- تحقیق و استفاده از اندیشه ۴۷۸
- ۵/۹- استفاده از هوش و استعداد در کنار کار و تلاش پیگیر و خستگی ناپذیر ۴۷۸
- ۵/۱۰- ارتباط با دانشگاه ۴۷۹
- ۶- انتظارات از صنعت ۴۷۹
- ۶/۱- پیشرفت جهشی در صنعت ۴۷۹
- ۶/۲- رفتن به سمت صادرات ۴۸۰
- ۶/۳- صنعت و پیشرفت صنعتی، مقدمه برای زندگی سالم و شیرین ۴۸۰
- گفتار بیست و دوم- بازاریان و اصناف ۴۸۱**
- ۱- شأن و جایگاه بازاریان و اصناف در نظام اسلامی ۴۸۵
- ۱/۱- خدمات درخشان و افتخار انگیز در دوران قبل از انقلاب ۴۸۵
- ۱/۲- خدمات و نقش آفرینی ارزنده در دوران بعد از انقلاب ۴۸۶
- ۱/۳- اصناف در خدمت اسلام و انقلاب و مطیع ولایت فقیه ۴۸۶
- ۱/۴- اصناف بازوی قدرتمند نهضت در دوران قبل از انقلاب ۴۸۷
- ۲- وظایف بازاریان و اصناف ۴۸۷
- ۲/۱- در خدمت قوانین اسلامی و مطیع قوانین بودن ۴۸۷
- ۲/۲- سوء استفاده نکردن از نوسانات اقتصادی ۴۸۷

- ۲/۳- فرار نکردن از مالیات ۴۸۸
- ۲/۴- در خدمت اهداف اقتصادی اسلام و نظام بودن ۴۸۸
- ۲/۵- انصاف ۴۸۹
- ۲/۶- پرهیز از اختلاف و تفرقه ۴۸۹
- ۲/۷- متحد و متفق و یکپارچه بودن ۴۸۹
- ۳- وظایف انجمنهای اسلامی و معتمدان بازار ۴۹۰
- ۳/۱- نظارت عمومی بر کار اصناف و جلوگیری از تخطیهای گوناگون ۴۹۰
- ۳/۲- در خدمت نظام بودن ۴۹۰
- گفتار بیست و سوم- کارگران** ۴۹۱
- ۱- نقش کارگران در اقتصاد ۴۹۵
- ۱/۱- کارگران؛ عامل رشد اقتصادی ۴۹۵
- ۱/۲- بازوی توانای کارگر ضامن بهره‌مندی از سرمایه ۴۹۵
- ۲- شأن و منزلت کار و کارگر و کارفرما در نگاه اسلام و جمهوری اسلامی ۴۹۶
- ۲/۱- کار، یک ارزش و یک فضیلت اسلامی ۴۹۶
- ۲/۲- افتخار کارگری ۴۹۶
- ۲/۳- عبادت بودن کار از دیدگاه اسلام ۴۹۶
- ۲/۴- کارگر عنصر محوری در نظام تشکیلاتی کار ۴۹۸
- ۲/۵- قشر کارگر در صفوف مقدم تلاش عمومی کشور ۴۹۸
- ۲/۶- لمس نکردن آتش دست کارگر را ۴۹۹
- ۲/۷- منزلت معنوی کارگر در اسلام ۴۹۹
- ۲/۸- رابطه کارگر و کارفرما در اسلام، همچون رابطه دو همکار ۵۰۰
- ۲/۹- لزوم رابطه صداقت و صفا بین کارگر و کارفرما ۵۰۱
- ۲/۱۰- نقش دولت، ایجاد رابطه عادلانه میان کارگر و کارفرما ۵۰۲
- ۲/۱۱- کارفرما نه ملعون نه صاحب اختیار ۵۰۳
- ۲/۱۲- بار اصلی تولید روی دوش کارگران ۵۰۴
- ۲/۱۳- تلاش و زحمت کارگران، پشتوانه استقلال اقتصادی ۵۰۴
- ۲/۱۴- راه‌اندازی چرخهای کارخانه‌ها ۵۰۵
- ۱/۱۵- کار کارگر از مهمترین ارکان توسعه اقتصادی ۵۰۵
- ۲/۱۶- توجه به کار و کارگران، زمینه‌ساز تحقق اقتصاد بدون نفت ۵۰۶

- ۲/۱۷- نقش برجسته و ممتاز کارگران در کشور ایران..... ۵۰۶
- ۲/۱۸- نقش مهم کارگرها در به ثمر رسیدن مبارزات ملت ایران..... ۵۰۹
- ۲/۱۹- سوءاستفاده از قشر کارگر به عنوان اهرم فشار بر ضد حکومتها..... ۵۱۰
- ۲/۲۰- خوب و محکم و با کیفیت کار کردن..... ۵۱۲
- ۲/۲۱- انجام کار به صورت مجذانه و مبتکرانه و مبتنی بر ذوق و سلیقه ایرانی..... ۵۱۴
- ۳- نگاه نظام‌های مادی به کارگران..... ۵۱۵
- ۳/۱- کارگر در دنیای سرمایه‌داری یک ابزار است..... ۵۱۵
- ۳/۲- بین کارگر و کارفرما در مکاتب مادی، رابطه خصمانه..... ۵۱۵
- ۳/۳- منطق غربی، کارفرما سلطان و صاحب امتیاز کارگر..... ۵۱۶
- ۳/۴- در منطق سوسیالیستی، کارگر و کارفرما دو دشمن در مقابل هم..... ۵۱۶
- گفتار بیست و چهارم- کشاورزی**..... ۵۱۷
- ۱- ارزش و اهمیت کشاورزی..... ۵۲۱
- ۱/۱- کشاورزی؛ از اساسی‌ترین محورهای توسعه..... ۵۲۱
- ۱/۲- کشاورزی؛ یکی از پایه‌های اساسی حیات کشور..... ۵۲۱
- ۱/۳- ارزش کشاورزی، ارزش طبیعی و ذاتی..... ۵۲۱
- ۱/۴- بالا بودن ارزش و کرامت و تأثیر شغل کشاورزی..... ۵۲۲
- ۱/۵- مهم بودن کشاورزی در ابعاد ملی و بین‌المللی..... ۵۲۲
- ۱/۶- شریان اصلی زندگی جامعه در بخش کشاورزی..... ۵۲۳
- ۱/۷- کشاورزی؛ محور اصلی در اداره کشور..... ۵۲۳
- ۲- جایگاه کشاورزی در اسلام..... ۵۲۳
- ۳- وضعیت و جایگاه کشاورزان در ایران..... ۵۲۴
- ۳/۱- در دوران طاغوت، گندم از امریکا بود و سیلو از روسها!..... ۵۲۴
- ۳/۲- امروز ایران یکی از کشورهای مطرح از لحاظ سیلوسازی در دنیا..... ۵۲۴
- ۳/۳- خودکفایی در تولید گندم..... ۵۲۴
- ۳/۴- کار کشاورزی به عنوان یک کار..... ۵۲۵
- ۳/۵- استفاده از نیروهای مطلع و خیره در کار کشاورزی..... ۵۲۵
- ۴- وظایف مسئولان در قبال کشاورزی..... ۵۲۶
- ۴/۱- اتخاذ سیاستهای ثابت، ماندگار و پیگیری شده..... ۵۲۶
- ۴/۲- ضرورت روحیه جهادی..... ۵۲۶

- ۴/۳- سوق دادن کشاورزی به سوی سودآور شدن..... ۵۲۸
- ۴/۴- مقدس دانستن خدمت در عرصه کشاورزی..... ۵۲۸
- ۴/۵- تقویت و ارتقای کشاورزی..... ۵۲۸
- ۴/۷- آموزش روشهای صحیح بهره‌وری از آب و خاک..... ۵۲۹
- ۴/۸- تلاش در جهت تقویت بُعد علمی کشاورزی..... ۵۳۰
- ۴/۹- اصلاح شیوه‌های آبیاری کشاورزی..... ۵۳۱
- ۵- اقله‌های کشاورزی..... ۵۳۱
- ۵/۱- خودکفایی در محصولات اصلی و اساسی غذایی کشور..... ۵۳۱
- ۵/۲- اقتدار کشاورزی..... ۵۳۲
- ۵/۴- صادرات در کشاورزی..... ۵۳۳
- گفتار بیست و پنجم - بودجه و سرمایه‌های ملی**..... ۵۳۵
- ۱- زمینه صرف بودجه و بیت‌المال..... ۵۳۹
- ۲- ضرورت تقسیم عادلانه بیت‌المال و راه آن..... ۵۳۹
- ۳- ضرورت امین بودن مسئولان نسبت به ثروتهای عمومی کشور..... ۵۴۰
- ۳/۱- امانتداری، توقع مردم از مسئولان..... ۵۴۰
- ۳/۲- دقت در صرف بودجه، از مشخصه‌های تقوای مسئولین..... ۵۴۰
- ۴- ضرورت رعایت اولویتها در هزینه کردن بودجه و بیت‌المال..... ۵۴۱
- ۴/۱- بدون اولویت، هزینه کردن جایز نیست..... ۵۴۱
- ۴/۲- در نظر گرفتن شرایط و اولویتها در مصرف بودجه..... ۵۴۱
- ۴/۳- حرام بودن هزینه کردن اعتبارات و پولهای کشور در جاهای غیر لازم..... ۵۴۲
- ۵- مصادیق اسراف در بودجه و بیت‌المال و ضرورت جلوگیری از آن..... ۵۴۲
- ۵/۱- حد ننگ داشتن در تغییر دکوراسیونها و تغییر خانه‌ها و خرجهای اضافی!..... ۵۴۲
- ۵/۲- خودداری از ایجاد دستگاهها، استخدامها، توسعه دادنه‌های زاید..... ۵۴۳
- ۵/۳- پرهیز از درآمدهای نامشروع، رانت‌خواری و استفاده از امکانات دولتی..... ۵۴۴
- ۶- ضرورت حفظ سرمایه‌های ملی و جلوگیری از تخریب منابع طبیعی..... ۵۴۴
- گفتار بیست و ششم - نفت**..... ۵۴۷
- ۱- اهمیت نفت..... ۵۵۱
- ۱/۱- نفت پشتوانه صنعت..... ۵۵۱
- ۱/۲- نفت، ذخیره همیشه..... ۵۵۱

- ۱/۳- نفت، ثروتِ ملت و دولت ایران ۵۵۱
- ۱/۴- نفت، مادهٔ ارزشمند ۵۵۱
- ۱/۵- نفتِ سلاحی در دستِ جهان اسلام برای مقابله با قدرتمندان عالم ۵۵۱
- ۱/۶- نفت، خونِ حیاتبخشِ تحرکِ دنیایِ امروز ۵۵۲
- ۲- وضعیتِ نفت در دنیا ۵۵۲
- ۲/۱- مبادلهٔ نفت با کالاهای بی تأثیر ۵۵۲
- ۲/۲- پیاده کردنِ نیروی نظامی با هدفِ تسلط بر منابعِ نفت ۵۵۳
- ۲/۳- نفت ابزارِ فشارِ مستکبران بر ملت‌های دنیا در آینده دور خواهد بود ۵۵۴
- ۲/۳- خیانتِ بعضی از تولید کنندگان ۵۵۵
- ۲/۴- کمکِ اوپک به برآورده شدنِ اهدافِ مستکبران ۵۵۵
- ۲/۵- تلاشِ امریکا برای نفوذ در منطقه خلیج فارس با هدفِ تأمینِ نفت و گاز ۵۵۶
- ۳- صنعتِ نفت در ایران ۵۵۶
- ۳/۱- سرگذشتِ غم‌انگیز و نکبت‌بارِ نفت در دورانِ ستمشاهی ۵۵۶
- ۳/۲- ماجرای ملی شدنِ صنعتِ نفت ۵۵۹
- ۳/۳- وابسته نمودنِ ایران به نفت توسط دشمنان و رژیمِ فاسدِ پهلوی ۵۶۳
- ۴- چه باید کرد؟ ۵۶۴
- ۴/۱- وابسته به نفت نبود ملت و دولت ۵۶۴
- ۴/۲- خودباوری و تکیه بر امکاناتِ ذاتی ۵۶۵
- ۴/۳- تلاشِ همگانی برای عدم وابستگی به نفت ۵۶۵
- ۴/۴- لزومِ افزایشِ تولید و صادراتِ کالاهای غیر نفتی ۵۶۵
- ۴/۵- استفاده از منابعِ فراوان و عظیمِ کشور ۵۶۶
- ۴/۶- ساختِ زیربنا و ابزارِ قدرت در صحنهٔ سیاست بین‌المللی ۵۶۷



پیشگفتار

از توطئه‌های پیچیده استکبار جهانی علیه انقلاب اسلامی، که از همان روزهای نخستین پیروزی انقلاب طراحی و اجرا شده است، ضربه زدن به اقتصاد کشور با تحریم و اختلال در فعالیتهای اقتصادی، و در نهایت ناکارآمد نشان دادن نظام جمهوری اسلامی در حل مسائل معیشتی جامعه و ایجاد پیشرفت و رفاه و عدالت در کشور است.

آتش زدن خرمنها توسط مدعیان مرام اشتراکی، یعنی چریکهای خلق اقلیت و اکثریت، ممانعت از کار در کارخانه‌ها با تحریک کارگران به اعتصاب و کم کاری، دزدی قطعات مهم دستگاه‌های حساس کشور و از کار انداختن آنها، بخشی از اقدامات مزدوران امریکا و اسرائیل از چپ و راست در اوایل انقلاب بود، که با هوشیاری مردم و هدایت‌های امام خمینی (ره) خنثی شد و بی نتیجه ماند.

تحریمهای امریکا علیه ایران، ندادن وسایل خریداری شده و تجهیزات هواپیماها، حتی ندادن سیم خاردار که یک وسیله ابتدایی محسوب می شود، همدستی شرق و غرب برای فلج کردن نیروهای مسلح و مردمی ایران در مقابله با ارتش بعث عراق که مورد حمایت بی دریغ قرار می گرفت، محروم کردن ایران از دانش و فناوریهای پیشرفته، و ممانعت و کارشکنی در تجارت و صنعت ایران با دیگر کشورها، قطعات تکمیلی پازل ضربه زدن به اقتصاد ایران بود.

اشاره به تمامی برنامه‌ها و قطعات این پازل، در این مختصر ممکن نیست. آنچه اهمیت دارد، این است که جمهوری اسلامی ایران براساس نگاه آسمانی و مبتنی

بر وحی به اقتصاد و عرصه‌های اقتصادی، توانست بر مشکلات و توطئه‌ها فائق آید و برخلاف انتظار دشمنان، راه پیشرفت و ترقی و رفاه را در بستر عدالت اجتماعی هموار کند؛ به طوری که پیشرفتهای مهم فنی، صنعتی، کشاورزی و علمی ایران، تعجب بسیاری از کارشناسان خبره را برانگیخته و رتبه ایران را نه تنها در منطقه که در جهان ارتقا چشمگیر دهد.

عامل مهمی که همراه با نگاه الهی به اقتصاد و عرصه‌های آن، این کار بزرگ را سامان داد، راهبریها و هدایتهای رهبر فرزانه و حکیم انقلاب اسلامی، امام خامنه‌ای (مدظله) بود که با:

- تنظیم و ابلاغ سیاستهای کلان، راهبردی و چشم‌انداز ۲۰ ساله در حوزه اقتصاد

- اصلاح دیدگاه‌های اقتصادی

- گشودن گره‌ها

- ترغیب مردم به فعالیت

- تأکید و توصیه به رعایت جنبه‌های شرعی در مسائل اقتصادی

- دعوت مسئولان و نمایندگان به مسائل اصلی و مهم‌تر در حوزه اقتصاد

- طرح نهضت نرم‌افزاری

- حمایت از مخترعان و نخبگان جوان و طرحهای علمی و فناوری

- پیوند دانشگاه با بازار و صنعت با هم

جهشی در تولید علم و فناوری، صنعت و تجارت و کشاورزی ایجاد کرده و

جایگاه ایران را در اقتصاد منطقه و جهان روز به روز ارتقاء دادند.

طرح نظریات صحیح و عدالت محور مانند، ضرورت همدوشی پیشرفت با

عدالت، پرهیز از مصرف‌گرایی و تجملات و اشرافیگری، یعنی اصلاح الگوی

مصرف، ضرورت مبارزه جدی با مفاسد اقتصادی، تأکید بر هوش و استعدادها و

توانمندیهای ایرانی و نسل جوان کشور، لزوم توجه به معیشت مردم، به ویژه

قشرهای مستضعف و محروم، ضرورت توجه به زیرساختها در کشاورزی و

صنعت، تأکید بر پیوستگی و پیوند دانشگاه و صنعت، تأکید بر تعادل در اقتصاد

دولتی با اقتصاد خصوصی و تعاونی، و گرایش به کم شدن تصدی‌گری دولت

و...، فضای کسب و کار و تولید و مصرف، صادرات و واردات کشور، اختراعات

و ابداعات را تحت تأثیر قرار داد و شادابی و امید را در همهٔ اقشار پدید آورد، و نتیجهٔ آن ثبات، امنیت و پیشرفت اقتصادی چشمگیری است که به رغم نشیبه‌ها و سقوط اقتصادی غرب و سرمایه‌داری امریکا و تأثیر آن در کشورهای آسیایی و منطقه، در کشور حاکم شده است.

تأکید بر اقتصاد اسلامی و انطباق قوانین و مقررات با احکام اقتصادی اسلام، و جلوگیری از تفسیرها و تأویلهای خلاف اسلام که یا متأثر از نگاه برخی به مبانی اقتصادی سرمایه‌داری غرب یا سوسیالیستی شرق و یا متأثر از غفلتها و نادانیهاست، از دیگر کارکردها و اثرگذاریهای رهبری بر فضای اقتصادی کشور است. بسیاری از اقتصاددانان، گروه‌ها، احزاب و شخصیتها، یا به سمت دولتی شدن و اقتصاد بسته تمایل داشتند و حرکت می‌کردند، و یا به سوی اقتصاد سرمایه‌داری و باز غرب‌گرایی داشتند، اما رهبری با تکیه و تأکید بر اصول ناب اسلامی، حرکت صحیح اقتصادی نظام را بین دو قطب اقتصاد مسلط بر جهان، تضمین کردند.

آشنایی با مجموعهٔ نظرها و رهنمودهای رهبر معظم انقلاب اسلامی به عنوان یک فقیه خبره و مسلط بر موازین اسلامی، و عالی‌ترین مسئول نظام و هماهنگ‌کنندهٔ قوا در جهت تحقق اهداف انقلاب اسلامی، دارای برکات و تأثیرات مهمی است که از یک سو، در موضعگیریها و عمل شخصی افراد و جمعی قوا و ارگانها نسبت به تکالیفشان در حوزهٔ اقتصاد کشور آثار خود را نشان می‌دهد و از دیگر سو، ملاک و معیاری است برای سنجش و ارزیابی درستی یا نادرستی اقدامات، موضعگیریها و عملکرد شخصی و گروهی و اجتماعی؛ و میزان درستی راه هر فرد و جمعیت و ارگانی، در انطباق نظر و عمل او با این رهنمودهاست. نقطهٔ نظرات رهبری که برگرفته از اسلام ناب و مصالح و منافع ملت و اقتضائات کشور است، خط کش و شاقولی است برای اندازه‌گیری و مستقیم‌بودن حرکت و مشی دستگاه‌های مختلف کشور، چه در حوزهٔ قانونگذاری، چه اجرایی و چه قضایی، که با مسائل اقتصادی کشور و عرصه‌های گوناگون آن سروکار دارند.

مؤسسهٔ فرهنگی هنری قدرولایت



گفتار اوّل اقتصاد

(اهمیت و حساسیت، جهت و رویکرد، زیر ساختها و الزامات، شاخصها و آرمانها)

اشاره:

مردم هر کشوری به اصول و اعتقاداتی پایبندند که این اصول و اعتقادات، جهت گیری و الزامات و شاخصها و آرمانهایشان در تمامی عرصه‌ها از جمله اقتصاد را مشخص می‌نماید.

در جمهوری اسلامی ایران تعالیم الهی و اسلامی و سنت رسول الله (صلی الله علیه و آله) و آموزه‌های معصومین (علیه السلام) و دیدگاههای ولایت فقیه، اساس و مبنا محسوب می‌گردند، لذا در جمهوری اسلامی باید جهت و رویکرد اقتصاد به سوی ارتقاء اخلاق و معنویت و تقویت رابطه با خدا و معنویات و اهداف انقلاب صورت پذیرد. بدون شك حرکت در چارچوب تفکر و اصول اسلامی و در جهت تحکیم آرمانها و ارزشها و شعارهای انقلاب اسلامی، شرط موفقیت در تمامی عرصه‌های اقتصاد به شمار می‌آید و گواه آن هم موفقیتها و دستاوردهای عظیم و پر افتخار نظام جمهوری اسلامی در عرصه اقتصاد است.

علاوه بر جهت و رویکرد، اقتصاد دارای زیر ساختها و الزامات و شاخصهایی نیز می‌باشد، از جمله زیر ساختها و الزامات اقتصاد می‌توان نیروی انسانی، فرهنگ سازی، وجدان کاری، مشارکت زنان، اتحاد کلمه، عدالت محوری، امنیت و... را نام برد. از میان شاخصهای توسعه نیز تولید ثروت و... را بر شمرد. در نظام اسلامی تمامی این زیرساختها و شاخصها باید در چهارچوب جهت و رویکرد اقتصاد و در مسیر دستیابی به آرمانهای اقتصادی باشند.

تمامی این عوامل باید دست به دست هم دهند و جامعه‌ای را به وجود آورند که هم از استقلال اقتصادی و رونق مالی و اقتصادی برخوردار باشد و هم انسانهای مؤمن و خداشناس در آن زندگی کنند. اگر چنین چیزی به طور کامل محقق شود آن‌گاه ما می‌توانیم قدرت نظام اسلامی را در زمینه حل مشکلات اقتصادی به همه دنیا نشان دهیم و به عنوان الگویی اقتصادی برای جهانیان عرضه کنیم و این الگو را بر سر دست بگیریم تا ملتها ببینند که یک ملت در سایه اسلام و با تعالیم اسلام چگونه می‌تواند پیشرفت کند.



۱- اهمیت و حساسیت و جایگاه اقتصاد

۱/۱- اقتدار اقتصادی زمینه‌ساز اقتدار سیاسی

«وقتی که در یک کشور، توسعه سازندگی و زیرساخت‌های اقتصادی، صحیح و مستحکم بنا می‌شود و وقتی که حرکت سازندگی در کشور- به معنای واقعی کلمه- به وجود می‌آید؛ کشور از اعتلای سیاسی هم در داخل و خارج برخوردار می‌شود.» (۱)

۱/۲- تأثیر اقتصاد در امنیت و فرهنگ و عزت و برجستگی سیاسی

مسئله اقتصادی در امنیت و فرهنگ و عزت و برجستگی حرف سیاسی در کشور و در حضور جهانی تأثیرگذار است. مسئله اقتصادی بسیار مهم است.» (۲)

۱/۳- استحکام اقتصادی پشتوانه حفظ استقلال سیاسی

«امروز مسئله اصلی کشور ما استقلال است برادران و خواهران عزیز! انقلاب برای ما استقلال سیاسی را به بار آورد؛ این جرأت را به این ملت داد که در مقابل نظام غیر عادلانه سلطه در دنیا بایستد. اما اگر این ملت بخواهد این استقلال سیاسی را، این عرض اندام فرهنگی را در مقابل سلطه گران عالم حفظ کند، باید پایه‌های اقتصادی خود را محکم کند؛ این، ریشه دواندن استقلال در کشور است.» (۳)

۱- بیانات در دیدار رئیس جمهور و هیأت وزیران، به مناسبت هفته دولت، به تاریخ ۱۳۷۵/۶/۸.

۲- بیانات در خطبه‌های نماز جمعه تهران، به تاریخ ۱۳۸۰/۲/۲۸.

۳- بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار گروه کثیری از کارگران و کارآفرینان، به تاریخ

۱۳۸۷/۲/۴.



۲- جهت و رویکرد اقتصاد

۲/۱- حرکت اقتصادی همراه با اخلاق و معنویت

«هم باید چرخهای اقتصاد به حرکت درآید، و هم باید روحیه معنوی و اخلاقی و رابطه با خدا در ما تقویت شود.» (۱)

۲/۲- در نظر گرفتن اهداف انقلاب در عرصه اقتصاد

«بیگانگان، این گونه تبلیغ می کنند که اگر مجموعه‌ی می خواهد مشکلات مردم را حل کند و تولید را زیاد و معادن و صنایع را فعال نماید و کشاورزی را پر بار کند و کارخانه‌ها را با همه ظرفیت به کار وادارد، پس لابد این کار، به معنای فراموش کردن و یا ضعیف و کم رنگ نمودن آرمانها و معنویات و اهداف انقلاب است. این فکر، فکر دشمن است که می خواهد در ذهن مردم ما آن را القا کند و خیلی مایه تأسف است که انسان مشاهده کند بعضی از افرادی که دوستند، غافلانه و ساده لوحانه، همان حرف دشمن را تکرار می کنند!

دنیا و آخرت، رفاه و آرمان، با هم و در کنار هم قابل پیشرفت است. تصور این که جامعه آرمانگرا به حل مشکلات مادی و رفاهی نخواهد رسید، به معنای این است که بگوییم ادیان و مقدسات و معنویات و آرمانها، به فکر دنیا و زندگی مردم نیستند! این، خلاف صریح اسلام و همه ادیان است.» (۲)



۱ - سخنرانی در مراسم بیعت گروهی از رزمندگان سپاه پاسداران و روحانیون شهرهای خمین، دامغان و گناباد، به تاریخ ۱۳۶۸/۴/۳.

۲ - بیانات در دیدار با حجت الاسلام والمسلمین هاشمی رفسنجانی رئیس جمهور و هیأت وزیران، به همراه حجت الاسلام والمسلمین حاج سیداحمد خمینی، به مناسبت آغاز فعالیت کابینه، به تاریخ ۱۳۶۸/۶/۸.

۲/۳- حرکت در چارچوب تفکر و اصول اسلامی

«هر اقدامی در راه توسعه اقتصادی و آبادسازی کشور در صورتی با توفیق همراه خواهد بود که از تفکر و اصول اسلامی مایه بگیرد و در جهت تحکیم آرمانها و ارزشها و شعارهای انقلاب اسلامی باشد. در این صورت است که حرکت سازندگی، حرکتی حقیقی و تضمین شده خواهد بود و کشور به توهم سازندگی، در ورطه وابستگی و فساد مالی و سیاسی و اخلاقی نخواهد غلتید.» (۱)

۲/۴- تکیه بر اصول و هویت اسلامی

«ما هیچ احتیاجی به بیگانه نداریم. البته ما با همه دنیا ارتباط داریم؛ ما درهای اقتصاد و تحرکات گوناگون کشور را بر روی ملتها و کشورهای دیگر نبسته‌ایم؛ ما از تجربه‌ها استفاده می‌کنیم و مبادلات داریم؛ اما بر اصول و ارزشها و مصالح ملی و هویت اسلامی این ملت تکیه می‌کنیم. این نباید مورد تهدید قرار گیرد؛ این رمز قدرت ماست. دشمن می‌خواهد عناصر اقتدار را از درون این کشور بگیرد؛ ملت را بی‌دفاع کند؛ ایمان و فهم و آگاهی را بگیرد؛ مراکز اساسی نظام جمهوری اسلامی را بی‌اثر و خنثی نماید تا اگر یک وقت خواست به این ملت تعرض کند، این ملت نتواند از خود دفاع کند. بعکس، ما باید بر ارزشها و مواضع و مصالح ملی خود پافشاری کنیم.» (۲)

۱ - پیام به مناسبت افتتاح دوره پنجم مجلس شورای اسلامی، به تاریخ ۱۳۷۵/۳/۱۱.

۲ - بیانات در دیدار گروه کثیری از کارگران و معلمان به مناسبت روز کارگر و هفته معلم، به تاریخ ۱۳۸۱/۲/۱۱.

۳- زیر ساختها و الزامات فعالیتهای اقتصادی سالم و هدفمند

۳/۱- نیروی انسانی

«برای یک کشور، نیروی انسانی همه چیز است. ما اگر نیروی انسانی نداشته باشیم، هیچ چیزی نداریم. چند سال قبل از این، روی بعضی از کشورهایی که سالها پیش از ما انقلاب کردند و توفیقهایی هم در عرصه‌های اقتصادی و صنعتی و فنی و امثال اینها به دست آوردند، مطالعه‌ی می‌کردم. دیدم اینها در اوایل انقلاب، بیشترین تکیه و برنامه‌ریزی را روی تربیت نیروی انسانی گذاشته‌اند؛ به طوری که بعضی از این کشورها، همین الآن نیروی انسانی کارآمد و ماهر صادر می‌کنند. یعنی نه این که کشور خودشان از وجود چنین نیروی انسانی‌یی سرریز شده و بی‌نیاز گردیده است؛ نه، کشور آنها از جهات دیگر آماده قبول این همه متخصص نیست و وضع اقتصادیشان طوری نیست که بتواند این همه متخصص را مصرف کند؛ این است که به کشورها صادر می‌کنند. همین نیروی انسانی است که آنها را علی‌رغم نداشتن درآمدهای کلانی مثل نفت و مانند آن - که بحمدالله ما از آن برخوردار هستیم - به سطوح خوب رسانده است.» (۱)

۳/۲- فرهنگ‌سازی

«اگر ما بخواهیم توسعه اقتصادی را به معنای صحیح کلمه در جامعه راه بیندازیم، احتیاج به تلاش فرهنگی داریم. مادامی که حتی محقق و جستجوگر علمی ما، آن فرهنگ کار و وجدان کار و عشق به کار را، آن چنان که در یک فرهنگ سالم مطرح است - که مظهر



عالیش هم فرهنگ اسلامی است - نداشته باشد، وجود این محقق، بی فایده خواهد بود. گیریم که ما محققان بزرگی تربیت کردیم و مثلاً آزمایشگاههای مهمی هم در اختیارشان گذاشتیم؛ این به یک کار شخصی تبدیل خواهد شد.

این محققان بزرگی که ما در دنیا می بینیم، اعم از آن کسانی که در قرنهای پیش، از میان خود ما برخاستند - مثل ابن سیناها، خوارزمی ها، خیامها و دیگران - و چه آن کسانی که در قرون اخیر، از بین اروپاییها برخاستند - از قبیل همین دانشمندان بزرگ شیمی و طبیعی و فلکیات و غیره - وقتی به زندگی اینها نگاه می کنیم، می بینیم که حقیقتاً خودشان را در زندگی فراموش کردند و زندگی شخصی و راحتی و پول و نفع برای خودشان را اصلاً در درجه دوم قرار دادند؛ اقلماً محور قرار ندادند، اگر نگوئیم فراموش کردند، بعضیشان واقعاً آن موارد را فراموش کردند و به نفع تحقیق و علم و کار و پیشرفت، در فقر و مسکنت زندگی می کردند. بعضی دیگر هم اقلماً به تحقیق و علم و کار و پیشرفت اهمیت دادند و زندگی شخصی را محور قرار ندادند؛ بلکه آن را در حاشیه گذاشتند.

ما چگونه می توانیم این روحیه را در بین محققان کشور و یا در محیط کار اداری زنده کنیم؟ کار اداری، ارتباط مستقیم با توسعه اقتصادی دارد. اگر شما طرحهای اقتصادی را به دست یک مجموعه دیوان سالاری غلط و معوج و عاری از وجدان کار و عاری از سواد و آگاهی از کیفیت کار بدهید، آن را ضایع خواهد کرد و این طرح را به ثمر نخواهد رساند. ما چگونه می توانیم آگاهی و وجدان کار را در این مجموعه اداری خودمان - که هیکل حجیم دیوانی ما را تشکیل

می‌دهد- تزریق بکنیم؟ یا چگونه می‌توانیم در زمینه تولید و ساخت و ایجاد محیط‌های کارگاهی پُر تلاش در کارخانجات، توصیه اسلام را که گفته: «رحم الله من عمل شیئا فاتقنه»، جامعه عمل پوشانیم و اتقان و سلامت کار و استحکام و سنگ تمام گذاشتن برای تولید را به کارگر تزریق کنیم، که وقتی اتومبیل ما از کارخانه بیرون می‌آید، بعد از یک ماه مثلاً در آن لقلق نکند، یا فلان پیچش باز نشود؛ در حالی که تولید فلان نقطه دیگر دنیا، این‌طور نیست؟ یا چه کار کنیم که این فرد از کار در نرود؛ در حالی که دیگران به کار شوق دارند و بیشتر سعی می‌کنند کار کنند؟ ما چگونه می‌توانیم روح کار، جدیت در کار، وجدان کار، پیگیری کار و سلامت کار را در طرح‌های توسعه اقتصادی خودمان در نظر بگیریم؛ بدون این که فرهنگ عمومی جامعه را بالا ببریم و فرهنگ کار و وجدان کار و معلومات مربوط به کار را به آنها تزریق کنیم؟ پس، می‌بینید که به فرهنگ برگشت.

اگر ما روی فرهنگ عمومی کار نکنیم، در توسعه اقتصادی هم خواهیم ماند. این، تازه در صورتی است که ما محور را توسعه اقتصادی بگیریم. البته در جامعه اسلامی، محور این نیست؛ توسعه اقتصادی وسیله است. به هر حال، از هر طرف که حرکت می‌کنیم، می‌بینیم که به فرهنگ می‌رسیم و راهها واقعاً به فرهنگ ختم می‌شود. برای فرهنگ باید کار کرد.» (۱)

۳/۳- وجدان کاری

«اگر در کشور، تولید در زمینه اقتصادی زیاد شده باشد؛ اگر



کارهای اجتماعی و اداری و اقتصادی، روانتر و آسانتر شده باشد؛ اگر اجناس مورد استفاده مردم فراوانتر و در دسترس قرار گرفته باشد و اگر کارهایی از این قبیل انجام گرفته باشد، این نشانه آن است که وجدان کاری در جامعه ما به طور کامل بیدار شده است. (۱)

۳/۴- بی‌اعتنایی به توطئه‌ها و القانات دشمن

«هر ملتی که زنده و بیدار و آگاه باشد و بخواهد کشور خود را از مشکلاتی که بر آن تحمیل شده است، نجات دهد؛ باید تا آنجا که می‌تواند، در میدان کار و تلاش و سازندگی، با قدرت پیش برود و گوشش بدهکار حرف و گفت دشمنان و این و آن نباشد. فرقی نمی‌کند؛ همه بخشهای سازندگی در این جهت مهم است: سازندگی علمی و صنعتی، سازندگی اقتصادی، سازندگی فرهنگی و سازندگی اخلاقی. اگر همه ملت‌های در حال توسعه به این فکر بودند که بر روی پای خود، با اراده خود، بر طبق نیاز خود، خودشان همت به خرج دهند و از مسئولان‌شان بخواهند و همه با هم به سمت مقاصد بزرگ خود حرکت کنند - که بحمدالله ملت ایران این‌طور عمل می‌کند - یقیناً میدان برای زورگوییها و استکبارها و قلدریهای بین‌المللی باز نمی‌شد. متأسفانه دنیا این‌طور نیست؛ اما ملت ایران این‌گونه است.» (۲)

۳/۵- اتحاد کلمه

«اگر ملتی با اتحاد کلمه در میدان اقتصاد وارد شود، پیشرفت می‌کند.» (۳)

۱ - پیام نوروزی به مناسبت حلول سال جدید، به تاریخ ۱۳۷۴/۱/۱.

۲ - بیانات در اجتماع باشکوه مردم کرج، به تاریخ ۱۳۷۶/۷/۲۴.

۳ - بیانات در اجتماع بزرگ زائران و مجاوران حضرت رضا (علیه‌السلام) در مشهد مقدس، به



۳/۶- عدالت محوری

«ما در زمینه همه فعالیت‌های گوناگون اقتصادی و تولیدی کشور و حواشی آن، باید توجه کنیم که ما هم توسعه محوریم، هم عدالت محور. ما طبق برخی از سیاستهایی که امروز در دنیا رایج است و طرفداران زیادی هم دارد، نیستیم که صرفاً به رشد تولیدات و رشد ثروت در کشور فکر کنیم و به عدالت در کنار آن، فکر نکنیم؛ نه، این منطق ما نیست. نوآوری نظام ما همین است که می‌خواهیم عدالت را با توسعه و با رشد اقتصادی ما نیست. نوآوری نظام ما همین است که می‌خواهیم عدالت را با توسعه و با رشد اقتصادی در کنار هم و با هم داشته باشیم و اینها با هم متنافی نیستند. ما دیدگاهی که تصور کند اینها با هم نمی‌سازند و یا باید این را انتخاب کرد یا آن را، قبول نداریم. این نکته باید در همه موارد؛ هم در کاهش حجم دولت، هم در مسئله خصوصی سازی، هم در نگاه کلی به مسائل اقتصادی و هم در تقسیم منابع میان بخش خصوصی و بخش تعاونی و بخش دولتی رعایت شود.» (۱)

۳/۷- جذب سرمایه‌های خارجی

«جذب سرمایه‌های خارجی باید به شکلی باشد که اقتصاد کشور از آن سود ببرد، نه زیان. ما بعضی از رندها و شکوفاییهای بادکنکی را در برخی از کشورهای شرق آسیا دیدیم. نخست وزیر مالزی در تهران به من گفت که ما در مدت چند روز، از یک کشور ثروتمند به یک کشور فقیر تبدیل شدیم! این خوب است؟! یعنی سرنوشت اقتصاد



کشور در دست یک تاجر فرنگی باشد که اگر اراده کرد، بتواند کشوری را با میلیاردها دلار گردش سرمایه‌ای، در ظرف چند روز به خاک سیاه بنشاند و فلج کند! او وقتی این مطلب را به من می‌گفت، چهره‌اش پُر از غم و افسردگی بود. ما این رشدهای بادکنکی را پیشرفت اقتصادی نمی‌دانیم. کشور به سرمایه‌های انسانی و طبیعی و هویت ذاتی متکی است و مستوجب رشد و شکوفایی واقعی اقتصادی است؛ اما نه آن گونه که بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول برای ما نسخه بنویسند و ما هم طبق همان نسخه، اقتصاد خودمان را تدوین کنیم؛ نه. ما برنامه و سیاست داریم و - همان‌طور که گفتم - ما می‌توانیم. اگر کسی بگوید ما جز با تسلیم در مقابل این برنامه‌ها، نمی‌توانیم حرکت اقتصادی کنیم، قضاوت خوش‌بینانه در مورد او این است که بگوییم کشور و ملت و سرمایه‌های داخلی را نشناخته است.» (۱)

۳/۸- نوآوری و شکوفایی

«اگر این ملت بخواهد این استقلال سیاسی را، این عرض‌اندام فرهنگی را در مقابل سلطه‌گران عالم حفظ کند، باید پایه‌های اقتصادی خود را محکم کند؛ این، ریشه دواندن استقلال در کشور است؛ و این وابسته است به تولید، به کار، به شکوفایی کار، به نوآوری در بخشهای مختلف کار. از مرکز تحقیقات و آزمایشگاه گرفته، تا توی محیط کارگاهها، تا توی محیط مزرعه، در همه جا بایستی این نوآوری وجود داشته باشد. آن وقت است که دشمنان خونخوار و هتاک استقلال

ملت ایران با ناکامی دهانهای خودشان را خواهند بست و کناری خواهند نشست.» (۱)

۳/۹- امنیت

«هر هدفی را که این ملت بخواهد به آن برسد، در سایه آرامش و امنیت خواهد رسید. وقتی امنیت بود، تحصیل هم هست، علم هم هست، پیشرفت هم هست، صنعت هم هست، ثروت هم هست، آسایش گوناگون هم هست، عبادت هم هست؛ دنیا و آخرت در سایه امنیت وجود دارد. وقتی ناامنی ایجاد شد، همه اینها مخدوش می شود.» (۲)

۴- شاخصهای اقتصاد

۴/۱- رفاه مادی

«رفاه مادی، به معنای ترویج روحیه مصرف گرایی نیست - که خود، یکی از سوغاتهای شوم فرهنگ غرب است - بلکه بدین معنی است که کشور از نظر آبادی و عمران، استخراج معادن و استفاده از منابع طبیعی، تأمین سلامت و بهداشت جامعه، رونق اقتصادی و رواج تولید و تجارت، با تکیه بر استعدادهای ذاتی نیروهای انسانی خودی، به حد قابل قبول برسد و علم و فرهنگ و تحقیق و تجربه همگانی شود و نشانه‌های فقر و عقب افتادگی رخت بر بندند.» (۳)



۱ - بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار گروه کثیری از کارگران و کارآفرینان، به تاریخ ۱۳۸۷/۲/۴.

۲ - بیانات در سالروز عید سعید مبعث، به تاریخ ۱۳۸۸/۴/۲۹.

۳ - پیام به ملت شریف ایران، در پایان چهارمین روز ارتحال حضرت امام خمینی (ره)، به تاریخ ۱۳۶۸/۴/۲۳.

۴/۲- خودباوری اقتصادی

«در دوران تسلط استعمار، در عمق جان مردم این فکر را به وجود آوردند که ایرانی باید علم و تجربه را، و حتی تولید و مصرف را از دیگران بیاموزد. نخواستند به ما یاد بدهند که دانسته‌های دیگران را چگونه هوشمندانه یاد بگیریم و خودمان آنها را به کار بیندازیم. ما باید دانسته‌های دیگران را بیاموزیم؛ این چیز خوبی است. به ما فهماندند که دیگران به دلیل دانا بودن، باید همه کارهای ما را متکفل و متعهد بشوند؛ آنها باید انجام بدهند و ما باید پادویی آنها را بکنیم! تقریباً در این صد سال اخیر- که تا قبل از انقلاب، دوران تسلط سیاستهای استعماری بود- به ملت ایران این طور تفهیم شده بود. قبل از آن هم این نبود، لیکن آن استبداد و فساد حکومتها که بر کشور حاکم بود؛ در دوران قاجاریه، تسلط آن افراد بی‌مسئولیت و بی‌فکر و حقیر- که عظمت این ملت را اصلاً درک نمی‌کردند، تا بخواهند برای ترویج آن کاری بکنند- این تفکر را به وجود آورد. بنابراین، آنها هم به نوبه خودشان فساد کردند.

بعد از انقلاب، انقلاب و معلم انقلاب- که امام بزرگوار ما بود- به ما ملت تفهیم کردند که ما می‌توانیم خودمان کار کنیم؛ خودمان تلاش کنیم؛ خودمان بسازیم؛ خودمان قاعده سازندگی و تولید و مصرف را- که همان فرهنگ ماست- بنیانگذاری کنیم.» (۱)

۱- بیانات در دیدار با وزیر و جمعی از مسؤولان و کارشناسان وزارت نفت و مهندسان و کارگران اطفای چاههای نفت کویت، به تاریخ ۱۳۷۰/۹/۱۲.



۴/۳- رشد اقتصادی

«ما نمی‌خواهیم سازندگی کنیم که نتیجه این سازندگی یا نتیجه رونق اقتصادی، این باشد که عده‌ای از تمکن بیشتری برخوردار شوند و عده‌ای فقیرتر شوند. این، به هیچ‌وجه مورد رضای الهی و رضای اسلام و مورد قبول ما نیست. ما می‌خواهیم سازندگی شود و کشور رونق اقتصادی و پیشرفت مادی پیدا کند و از لحاظ اقتصادی رشد کند، تا بتواند به عدالت اجتماعی نزدیک شود و فقیر نداشته باشیم؛ تا دیگر، طبقات محروم در جامعه، احساس محرومیت نکنند و محروم نباشند؛ تا منطقه محروم در کشور نداشته باشیم و فاصله بین فقیر و غنی، روزبه‌روز کمتر شود. این، هدف اصلی است.» (۱)

۴/۴- شکوفایی اقتصادی

«شکوفایی اقتصادی این است که به دولت امکان بدهد تا فقر را از میان جامعه بردارد؛ این اقتصاد خوب است. ما بایستی نه فقر یک گروه خاصی را، بلکه فقر عمومی را از بین ببریم، اقتصاد، اقتصاد اسلامی است و همین بایستی تحقق پیدا کند.» (۲)

۴/۵- رونق اقتصادی

«عدالت اجتماعی، اساس است. اگر رونق اقتصادی در کشور باشد، اما عدل اجتماعی نباشد، این رونق اقتصادی به درد فقرا و مستضعفان نخواهد خورد و محرومیت را برطرف نخواهد کرد؛ همچنان که امروز



۱- پیام به مناسبت حلول سال ۱۳۷۲ هجری شمسی، به تاریخ ۱۳۷۲/۱/۱.

۲- بیانات در جلسه پرسش و پاسخ با مدیران و مسؤول و سردبیران نشریات دانشجویی، به تاریخ

در بسیاری از کشورها شما ملاحظه می کنید که تولید بالاست، کارخانه‌های بزرگ مشغول کارند، ثروت تولید می شود؛ اما محرومیت در آن کشورها هست؛ از جمله همین کشورهای پیشرفته اروپایی و غربی. آنچه که از این کشورها در تلویزیونها و از پشت دوربینها به من و شما نشان می دهند، جاهای خوبش است. محلات فقیرنشین و زندگیهای تلخ و گرسنگیها و محرومیتها و حسرتها را که نشان نمی دهند؛ ساختمانها و خیابانهای عالی و باغهای بزرگ و امثال اینها را نشان می دهند! اگر پیشرفت صنعتی و رونق اقتصادی باشد، اما عدالت اجتماعی نباشد، می شود همین وضعیت و وضعیت بعضی از کشورهایی که از آنها هم بدترند. ما که این را نمی خواهیم. ما در جامعه فقط رونق اقتصادی را نمی خواهیم. ما رونق اقتصادی همراه با عدالت اجتماعی را می خواهیم. البته نمی گوییم عدالت اجتماعی باشد، اما رونق اقتصادی نباشد؛ چون در آن جایی که هیچ رونق اقتصادی نیست، عدالت اجتماعی عامل چندان مهمی نیست و در عین حال جامعه به رفاه و به برخورداری لازم نخواهد رسید. اگر عدل اجتماعی همراه با پیشرفت اقتصادی باشد، جامعه شکوفا خواهد شد. نمی شود که ما عدالت اجتماعی را رعایت نکنیم.» (۱)

۴/۶- سازندگی

«سازندگی به معنای از بین رفتن فقر نیست. سازندگی به معنای ایجاد فرصتهای جدید و رونق اقتصادی است؛ اما ممکن است فقر هم

۱ - بیانات در دیدار کارگران و معلمان به مناسبت روز جهانی کارگر و سالگرد شهادت استاد مطهری، به تاریخ ۱۳۷۹/۲/۱۴.

در گوشه‌ای از جامعه باقی بماند. البته اگر سازندگی ادامه پیدا کند، بتدریج فقر را از بین خواهد برد؛ اما این طور نیست که تلاش برای سازندگی، در همان مقدمات کار، به معنای نابود کردن فقر باشد. سازندگی باید استمرار پیدا کند؛ وقتی استمرار پیدا کرد، بتدریج فقر هم برطرف خواهد شد.» (۱)

۴/۷- توسعه

«ما دنبال چه نوع توسعه‌ی هستیم؟ این نکته‌ی اساسی، در بحث‌های اقتصادی و غیراقتصادی جاری است. کسانی دنبال این هستند که حرفی را پرتاب کنند و ذهن مردم را از مسائل اصلی دور نگه دارند: مدل چینی، مدل ژاپنی، مدل فلان. مدل توسعه در جمهوری اسلامی، به اقتضای شرایط فرهنگی، تاریخی، موارث و اعتقادات و ایمان این مردم، یک مدل کاملاً بومی و مختص به خود ملت ایران است؛ از هیچ‌جا نباید تقلید کرد؛ نه از بانک جهانی، نه از صندوق بین‌المللی پول، نه از فلان کشور چپ، نه از فلان کشور راست؛ هر جا اقتضایی دارد. فرق است بین استفاده کردن از تجربیات دیگران، با پیروی از مدل‌های تحمیلی و القایی و غالباً هم منسوخ. بنده می‌بینم گاهی بعضی از شیوه‌هایی که در زمینه‌های اقتصادی و فرهنگی و غیره پیشنهاد می‌شود، از دیگران گرفته شده - فلان متفکر فرنگی این طوری گفته، فلان متفکر کجایی این طوری گفته - مثل این که به آیات قرآن استناد می‌شود! خیلی از شیوه‌ها منسوخ است؛ سی سال پیش، چهل سال پیش، پنجاه سال پیش تجربه شده، بعد یک روش بهتر آورده‌اند؛ ولی



ما الآن می‌خواهیم از روش منسوخ آنها در آموزش و پرورش، در مسائل علمی، در کارهای دانشگاهی، در کارهای اقتصادی و در برنامه‌ریزی و بودجه‌بندی استفاده کنیم؛ نه، این درست نیست. از تجربه‌ها و دانشها باید استفاده کرد، اما الگو و شیوه و مدل را باید کاملاً بومی و خودی انتخاب کرد.» (۱)

۴/۸- تولید ثروت

«ثروتمند شدن از راه قانونی و مشروع، از نظر اسلام هیچ اشکالی ندارد. ما هیچ‌وقت نگفتیم که اگر کسی فعالیت قانونی و مشروع بکند و ثروتی به دست بیاورد، از نظر شرع نامطلوب است. هیچ‌کس این را نگفته و نمی‌گوید؛ افرادی که دین را می‌شناسند و قرآن را می‌شناسند.

دو چیز را با هم نباید مخلوط کرد. یکی، تولید ثروت است. کسی فعالیت کند به شکل صحیحی و ثروت تولید کند. یکی، نحوه تولید و نحوه استفاده است. بخش اول قضیه، چیز مطلوبی است؛ چون هر ثروتی که در جامعه تولید می‌شود، به معنای ثروتمند شدن مجموع جامعه است. بخش دوم که بخش حساس است، این است که چگونگی تولید مورد توجه قرار بگیرد؛ از راههای غیرقانونی، با استفاده از تقلبات و تخلفات نباشد، مصرف او، مصرف نامطلوبی از نظر شرع نباشد؛ بتواند مثل خونی در رگهای جامعه جریان پیدا کند؛ صرف در فساد نباشد. این آیه شریفه را ملاحظه کنید- سورة قصص، آیات مربوط به قارون- قارون یک نمونه کامل و یک ثروتمند

نامطلوب از نظر اسلام و قرآن و شرع و همه است. از قول قوم قارون، (یا بزرگان و متدینین بنی اسرائیل، یا حضرت موسی) قرآن نقل می‌کند؛ «قال له قومه» - این حرفها از آدمهای عامی و معمولی نیست؛ بنابراین حرفهای معتبری است؛ علاوه بر این که خود قرآن این حرفها را تقریر می‌کند؛ یعنی بیان و اثبات می‌کند - که به او می‌گویند: «و ابتغ فیما اتاک الله دار الآخرة»؛ آنچه که خدا به تو داد، این را وسیله به دست آوردن آخرت قرار بده. در روایات ما هم هست: «نعم العون الدتیا علی الآخرة»؛ از این ثروت برای آباد کردن آخرت استفاده کن. توصیه دوم: «و لا تنس نصیبک من الدتیا»؛ سهم خودت را هم فراموش نکن. خود تو هم سهمی داری، نصیبی داری؛ آن را هم ما نمی‌گوییم که استفاده نکن؛ خودت بهره‌مند نشو از این ثروت؛ نه، بهره‌مند هم بشو؛ مانعی ندارد.

سوم: «و أحسن كما أحسن الله إليك»؛ خدا به تو این ثروت را داده؛ تو هم وسیله‌ای بشو که بتوانی این ثروت را به دست مردمی که نیازمندند، برسانی. یعنی سهمی از این را به مردم بده.

چهارم: «و لا تبغ الفساد فی الأرض»؛ فساد ایجاد نکن. آفت ثروت که باید از آن جلوگیری کرد، ایجاد فساد است. مترف نشو. به او نمی‌گویند ثروت جمع نکن، یا از این ثروتی که داری، برای ازدیاد آن استفاده نکن، یا آن را به کار تولید و سازندگی و تجارت نزن؛ می‌گویند سوءاستفاده نکن؛ از این ثروت استفاده خوب بکن، که بهترین استفاده این است که آخرت را با این آباد کنی. نصیب خودت را هم داشته باش؛ سهم خودت را هم داشته باش. منطق اسلام این است.



شما در کتابها خوانده‌اید، از اهل منبر و خطبا هم زیاد شنیده‌اید که امیرالمؤمنین اوقاف زیادی دارد. گفت: «لا وقف إلا فی ملک». کسی که مالک نباشد، که نمی‌تواند وقف کند. این اوقاف، املاک امیرالمؤمنین بود. امیرالمؤمنین این املاک را به ارث که نبرده بود، با کار خودش تولید کرده بود. در آن وضعیت کم آبی، امیرالمؤمنین چاه می‌زد، آب بیرون می‌آورد، مزرعه درست می‌کرد، آباد می‌کرد، بعد وقف می‌کرد. بعضی از اوقاف امیرالمؤمنین، قرن‌ها مانده. پیداست چیزهای ریشه‌دار و مهمی بوده است. به هر حال، تولید ثروت چیز خوبی است. اگر چنانچه در این تولید ثروت، قصد صرف او برای کار خیر، برای پیشرفت کشور، برای کمک به محرومان باشد، حسنه هم هست، ثواب هم دارد.» (۱)

۵- عوامل مؤثر بر اقتصاد ایران

«البته اوضاع کشور از لحاظ اقتصادی، غالباً بر یک روال نیست. مسائل اقتصادی کشور به عوامل گوناگونی بسته است که بسیاری از آن عوامل، خارج از مرزهاست. وضع تورم جهانی، وضع عرصه‌های گوناگون جهانی، وضع پول در دنیا و بسیاری از این گونه مسائل، روی اقتصاد یک کشور اثر می‌گذارد. اقتصاد کشور مستقلی مثل ما که می‌خواهد مستقل زندگی بکند، غالباً با بعضی از نوسانها همراه است.» (۲)

۱ - بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار مسؤولان اقتصادی و دست‌اندرکاران اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی، به تاریخ ۱۳۸۵/۱۱/۳۰.

۲ - سخنرانی در دیدار با اعضای جامعه انجمنهای اسلامی اصناف و بازار و مجامع امور صنفی سراسر کشور، به تاریخ ۱۳۷۰/۴/۱۳.

۶- آرمانهای اقتصادی

۶/۱- رونق مالی و رفاه اقتصادی

«حیات طیبه، یعنی یک ملت، هم از لحاظ مادی و زندگی روزمره و رفاه و امنیت و دانش و سواد و عزت سیاسی و استقلال اقتصادی و رونق مالی و اقتصادی برخوردار باشد و هم از جهت معنوی، انسانهای مؤمن و خداشناس و پرهیزکار و برخوردار از اخلاق والای الهی در آن زندگی کنند. این حیات طیبه است.» (۱)

۶/۲- الگو شدن در عرصه اقتصاد

«ما باید بتوانیم قدرت نظام اسلامی را در زمینه حل مشکلات اقتصادی به همه دنیا نشان دهیم؛ الگو را بر سر دست بگیریم تا ملتها بتوانند ببینند که یک ملت در سایه اسلام و با تعالیم اسلام چگونه می تواند پیشرفت کند.» (۲)



۱ - بیانات در اولین ورود به ساری، به تاریخ ۱۳۷۴/۷/۲۲.

۲ - بیانات در حرم مطهر رضوی در آغاز سال نو، به تاریخ ۱۳۹۰/۱/۱.



گفتار دوم اقتصاد در دنیای مادی

(جایگاه اقتصاد در نظامهای سرمایه‌داری، سوسیالیستی و
کمونیستی)

اشاره:

در دنیا دو نوع نظام اقتصادی وجود دارد؛ یکی سرمایه‌داری و دیگری سوسیالیستی که هر دو آن قدر فاجعه و ذلت و فساد به بار آورده‌اند که حتی تئوریسینها و سردمداران آنها نیز قادر به کتمان و انکار آفات و آسیبهای نظام‌شان نیستند.

در نظامهای سرمایه‌داری، رشد اقتصادی و شکوفایی اقتصادی و ازدیاد و تولید ثروت اصل است و هیچ‌گونه عدالتی، چه مادی و چه معنوی، مطرح نیست.

نظام سرمایه‌داری، به جمع‌آوری ثروت، ازدیاد سرمایه، رونق ظاهری اقتصادی و به مجموع درآمد ملی و رشد تولید ناخالص ملی نگاه می‌کند و برایش مهم نیست که ثروت چگونه به دست می‌آید، به دست چه کسانی می‌افتد و چند درصد از مردم، چگونه از آن بهره‌مند می‌گردند!

علم به دور از اخلاق، ثروت بدون عدالت، فناوری پیشرفته همراه با تخریب طبیعت و اسارت انسان، پایه‌های نظامهای سرمایه‌داری غربی را تشکیل می‌دهند.

نکته مهم آن که سرمایه‌داری غرب در مقابله با حوادث و بحرانهای اقتصادی، تو خالی و ناتوان است. اصلاً خود این سیستم بحران‌آفرین است و وقتی بحران به وجود می‌آید، از خودش نمی‌تواند دفاع کند، بحرانهای اخیر اقتصادی در غرب و ترکیدن حبابهای مالی در نظامهای سرمایه‌داری، بیش از پیش ناتوانی نظام سرمایه‌داری در اداره و کنترل اقتصاد را عیان نمود.

در نظام‌های سوسیالیستی و کمونیستی نیز در ماندگی و ناتوانی مدیریتی به گونه دیگری جلوه گر شده است.

نظام سوسیالیستی فرصت کار و ابتکار و میدان سرمایه‌گذارهای مالی سالم را می‌گیرد و تولید و ثروت و ابزار تولید و منابع عمده سرمایه و تولید را در دولت متمرکز می‌نماید و به این ترتیب حجم کار و گستره فعالیت دولت را بسیار گسترده می‌نماید که این گسترده‌گی آفات و ضررهای مربوط به خود، همچون سرکوب کردن استعدادهای و خلاقیت‌های فردی را به دنبال خواهد داشت.

بدتر از همه آن که دین‌گریزی و مذهب‌ستیزی نیز در نظام‌های سوسیالیستی و کمونیستی در سطحی عظیم و گسترده وجود داشته است که این امر وجه مشترک این نظامها با نظام‌های سرمایه‌داری محسوب می‌گردد.

کوتاه سخن آن که جهان از لحاظ دانش و فناوری و ابزار و سرعت و سهولت و از نظر پیشرفتهای اقتصادی، بکلی با گذشته تفاوت کرده است ولی دردهای مزمن و کهنه بشر، همچنان پابرجاست و گرفتاریهای عمده، همان است که بود. شاید در ظاهر پیشرفتهای اقتصادی خارق‌العاده و شگفت‌انگیزی به وجود آمده باشد اما لیبرالیسم غربی و کمونیسم و سوسیالیسم و سایر مکاتب مادی، همه امتحان خود را داده و ناتوانی خود را در اداره اقتصاد و مهم‌تر از آن در بر طرف کردن نیازهای معنوی ثابت کرده‌اند. امروز هم مانند گذشته، اسلام تنها نسخه شفابخش و یگانه فرشته نجات ملت‌ها است.



۱- اقتصاد در جوامع سرمایه‌داری

۱/۱- اقتصاد خدای در جوامع مادی

«اقتصاد، خدای امروز دنیای مادی است؛ خدای واجب‌الاطاعه‌ای که همه باید در مقابل او زانو بزنند و هر کاری برای به دست آوردن ثروت بکنند.» (۱)

۲/۱- غفلت از عدالت در نظام‌های سرمایه‌داری

«در نظام‌های سرمایه‌داری، اساس، رشد اقتصادی و شکوفایی اقتصادی و ازدیاد و تولید ثروت است. هر که بیشتر و بهتر تولید ثروت کند، او مقدّم است. آن‌جا مسأله این نیست که تبعیض یا فاصله پیش آید. فاصله در درآمدها و نداشتن رفاه جمع کثیری از مردم، نگرانی نظام سرمایه‌داری نیست. در نظام سرمایه‌داری، حتی تدابیری که ثروت را تقسیم کند، از نظر نظام سرمایه‌داری، تدابیر منفی و مردودی است. نظام سرمایه‌داری می‌گوید: «معنی ندارد که ما بگوییم ثروت جمع کنید تا آن را از شما بگیریم تقسیم کنیم! این معنی ندارد. این که شکوفایی نخواهد شد!» (۲)

۱/۳- ازدیاد ثروت، به هر شکل

«عزیزان من! نظام اسلامی، نظام سرمایه‌داری نیست. من چهار سال قبل، در همین‌جا- در روز تنفیذ- همین موضوع را به حضاری که بودند، عرض کردم و گفتم: «نظام سرمایه‌داری، به جمع ثروت، به

۱- بیانات در دیدار جوانان استان سیستان و بلوچستان، به تاریخ ۱۳۸۱/۱۲/۶.

۲- بیانات در مراسم تنفیذ حکم دوره دوم ریاست جمهوری آقای «هاشمی رفسنجانی»، به تاریخ

رونق اقتصادی و به مجموع درآمد ملی نگاه می کند و برایش مهم نیست که این ثروت چگونه به دست می آید، به دست کی می آید و چند درصد از مردم، چگونه از آن استفاده می کنند!» باید درآمد ملی بالا برود، ثروت زیاد شود، تلاش اقتصادی مورد حمایت قرار گیرد؛ که مورد حمایت هم قرار می دهند. قوانین هم در این جهت است. قدرت اجرایی هم در این جهت است.» (۱)

۱/۴ - علم دور از اخلاق، ثروت بدون عدالت

«از غرب هم نمی خواستیم و نمی توانستیم الگو بگیریم؛ چون غرب چیزهایی داشت، اما به قیمت نداشتن چیزهای مهمتری، در غرب، علم بود، اما اخلاق نبود؛ ثروت بود، اما عدالت نبود؛ فناوری پیشرفته بود، اما همراه با تخریب طبیعت و اسارت انسان؛ اسم دمکراسی و مردم سالاری بود، اما در حقیقت سرمایه سالاری بود، نه مردم سالاری؛ امروز هم همین طور است. این مطلبی که عرض می کنم، ادعای من نیست. من از قول فلان نویسنده مسلمان متعصب نقل نمی کنم؛ از قول خود غریبها نقل می کنم.

امروز در کشورهای غربی و در خود امریکا، آن چیزی که به نام دمکراسی و انتخابات وجود دارد، صورت انتخابات است. باطن آن، حاکمیت سرمایه است. من مایل نیستم که از نویسندگان و کتابهایشان اسم بیاورم؛ اما خود نویسندگان امریکایی تشریح می کنند و می نویسند که انتخابات شهرداریها، انتخابات نمایندگی مجلس و انتخابات



۱ - بیانات در مراسم تنفیذ حکم ریاست جمهوری حجت الاسلام والمسلمین «سید محمد خاتمی»، به تاریخ ۱۳۷۶/۵/۱۲.

ریاست جمهوری، با چه ساز و کاری انجام می‌گیرد. اگر کسی نگاه کند، خواهد دید که در آن‌جا، آراء مردم تقریباً هیچ نقشی ندارد و آنچه که حرف اول و آخر را می‌زند، پول و سرمایه‌داری و شیوه‌های تبلیغاتی مدرن و همراه با فریب و جذاب از نظر آحاد مردم سطحی‌نگر است! اسم دموکراسی هست، اما باطن دموکراسی مطلقاً نیست. پیشرفتهای علمی در غرب بود، اما این پیشرفتهای علمی وسیله‌ای برای استثمار ملت‌های دیگر شده بود. غریبها به مجرد این که یک قدرت علمی پیدا کردند، آن را به قدرت سیاسی و اقتصادی تبدیل نمودند و به طرف شرق و غرب دنیا راه افتادند. هر جا کشوری ممکن بود رویش دست بگذارند و آن را استثمار کنند، بی‌دریغ کردند. هر جا نکردند، ممکن‌شان نشد!» (۱)

۱/۵- منافع سرمایه‌داران حاکم بر سرنوشت جامعه

«در همه آنچه که در دنیا به نام دموکراسی و مردم‌سالاری شناخته می‌شود، چارچوب وجود دارد. در دموکراسیهای غربی، چارچوب عبارت است از منافع و خواست صاحبان ثروت و سرمایه‌داران حاکم بر سرنوشت جامعه. تنها در آن چارچوب است که رأی مردم اعتبار پیدا می‌کند و نافذ می‌شود. اگر مردم چیزی را که بر خلاف منافع سرمایه‌داران و صاحبان قدرت مالی و اقتصادی - و بر اثر آن، قدرت سیاسی - است بخواهند، هیچ تضمینی وجود ندارد که این نظامها و رژیمهای دموکراتیک، تسلیم خواست مردم شوند. یک چارچوب

محکم و ناشکننده بر همه این خواستها و دمکراسیها حاکم است.» (۱)

۱/۶- فقدان معنویت، حاکمیت پول

«عده‌ای در جامعه طوری حرف می‌زنند و مشی می‌کنند که تصوّر مردم این گونه باشد که بله، بزن و بکوب مسابقه مادیات است؛ هر که پول بیشتری به دست آورد و استفاده بیشتری کرد، او برده است؛ هر کس استفاده کمتری کرد، کلاهش پس معرکه است و عقب‌مانده و بدبخت است! قضیه این نیست. این مربوط به قانون جنگل حیوانهای مدرن است! بله؛ در نظامهای سرمایه‌داری که دعوا بر سر پول و مادیات است، همین‌طور است - چون معنویتی وجود ندارد - اما در جامعه انسانی، فضیلت و شرف و آبرو و کرامت انسانی و ارزش معنوی حرف اول را می‌زنند.» (۲)

۱/۷- استبداد در پوششی از دموکراسی!

«حکومت‌های بظاهر دمکرات که باطن استبدادی دارند؛ امروز زمام این حکومتها به دست کمپانیهای اقتصادی است؛ اینها طراح سیاستها هستند. بظاهر کاره‌یی نیستند، اما در باطن نماینده مجلس را اینها می‌فرستند؛ رئیس‌جمهور را اینها روی کار می‌آورند. رئیس‌جمهور اعوان و انصاری دارد، سفرایی دارد، وزرایی دارد، مدیران گوناگونی در رده‌های مختلف دارد؛ در واقع این مجموعه حاکم‌اند. نوع اعمال استبداد هم مثل سابق نیست که بگوید حکم می‌کنم. وقتی رضاخان می‌خواست اعمال استبداد کند، در تهران اعلامیه داد و در آن، چهار-

۱ - بیانات پس از مراسم تنفیذ حکم ریاست جمهوری آقای سیدمحمد خاتمی، به تاریخ

۱۳۸۰/۵/۱۱.

۲ - بیانات در دیدار معلمان و کارگران، به تاریخ ۱۳۸۲/۲/۱۰.



پنج بار «حکم می‌کنم» آورد. امروز حاکم نمی‌گویید حکم می‌کنم؛ آن نزاکت دمکراتیک را به هیچ‌وجه از دست نمی‌دهد. اصلاً حکم نمی‌کند؛ اما مسیر کار، همان «حکم می‌کنم» است. یعنی قانونی که برای این کمپانی لازم است.

حتماً تصویب می‌شود؛ حرکتی که برای حیات پیدا کردن این کمپانیها لازم است، حتماً انجام می‌گیرد؛ ولو در حد حمله به کشوری مثل عراق. از آبادسازی عراق و نفت عراق مگر چه کسانی استفاده می‌کنند؟ حکومت‌های امریکا یا انگلیس، دولت‌سالار نیستند که کمپانی و نفت و همه چیز مال آنها باشد و بگوییم آنها استفاده می‌کنند؛ نه، دستگاه مالی اقتصادی مسلط بر این کشورهاست که از هر چیز جدیدی استفاده می‌کند. البته آنها هم بین خودشان رقابت‌هایی دارند، با هم دشمنی دارند، مسابقه دارند؛ اما آن دستگاه مالی است که از نفت خاورمیانه، از تسلط بر خاورمیانه، از چیزی به نام خاورمیانه بزرگ استفاده می‌کند؛ بهره‌بردار نهایی اوست. دولت و رئیس‌جمهور و وزیر خارجه و وزیر دفاع و امثال اینها - که البته در بسیاری از موارد اینها خودشان هم جزو همان مجموعه مدیران مالی و صنعتی اساسی کشور هستند - جبهه جلو و خط مقدمند؛ پشتیبانی می‌کنند و پشتوانه هستند؛ آنها هستند که دارند اقدام می‌کنند؛ مردم هم دارند حرکت خودشان را می‌کنند. ممکن است شما بگویید مثلاً در امریکا یا انگلیس به نسبت جمعیت این کشورها فقیر وجود ندارد. این را نباید حساب کرد؛ باید نگاه کرد که دولت انگلیس در شبه قاره هند چقدر فقیر ایجاد کرده؛ یا فلان دولتی که استعمار آفریقا یا امریکای لاتین را داشته، آنجا چقدر فقر ایجاد کرده؛ یا فلان دولتی که استعمار آفریقا یا امریکای



لاتین را داشته، آن جا چقدر فقر و گرسنگی و محرومیت در دنیا ایجاد کرده است. ملاک، اینهاست. البته در خود این کشورها هم فقر و فقیر و فاصله طبقاتی بسیار زیاد وجود دارد؛ اصلاً شگفت آور است. گاهی در آمارهای ما متأسفانه چیزهای بی ربط ساده لوحانه کوتاه بینانه‌یی دیده می‌شود که مثلاً شکاف اقتصادی کشور ما از امریکا یا از فلان جا بیشتر است؛ اینها حرفهای ناشی از ندانستن و جهل به واقعیتهاست؛ اصلاً از واقعیتها اطلاع ندارند. نخیر، دره اقتصادی در کشورهای سرمایه‌داری، وحشتناک و فوق تصور و از همه جای دنیا بیشتر است. علاوه بر این، آنها را نباید در خود آن کشورها مقایسه کرد؛ بلکه باید در همه دنیا محاسبه کرد؛ چون دامنه نفوذ و اقتدار و حرکت اینها در همه دنیاست.» (۱)

۱/۸ - سرمایه‌دارها و کمپانی‌دارها تعیین کننده سیاستها

«امروز در دنیای دموکراسی که انتخابات در آن جاها انجام می‌گیرد و پرچم دموکراسی را اینها بلند می‌کنند، آنچه وجود ندارد، «رضی‌العامه» است؛ مسأله، صوری است؛ در واقع غالباً این جور است. در کشور آمریکا این جور است، در کشورهای معروف دموکراسی دنیا این جور است. پشت سر این کسانی که می‌آیند وارد میدان انتخابات می‌شوند و مبارزه انتخاباتی می‌کنند، گروههایی از جبهه خاصه وجود دارند؛ یعنی سرمایه‌دارها، کمپانی‌دارها، متنفذین مالی، باندهای عظیم مالی؛ اینها هستند که دارند کارها را رو به راه می‌کنند؛ با تبلیغات گمراه کننده و با روشهای گوناگون، آراء مردم را به این



سمت و آن سمت می‌کشانند. در واقع، دعوا بین کمپانی دارهاست؛ دعوا بین آراء مردم نیست؛ یک چیز تخیلی است. در واقع، حکومت دموکراسی در آن جاها حکومت اقلیت است؛ حکومت خواصی است که خواص بودن آنها، نخبه بودن آنها، به خاطر امکانات مالی فراوان آنهاست؛ اینها هستند که دارند سیاستگذاری می‌کنند.» (۱)

۱/۹- سیستم اقتصادی غرب، ناتوان در مقابله با حوادث و بحرانها

«امروز همه دنیا شاهدند که سیستم سرمایه‌داری غرب، چقدر در مقابله با حوادث و بحرانها توخالی و ناتوان است. خود این سیستم بحران آفرین است و وقتی بحران به وجود می‌آید، از خودش نمی‌تواند دفاع کند. این سیستم اقتصادی غرب است که همه افتخارشان به این سیستم اقتصادی بوده است؛ اقتصاد سرمایه‌داری. و سعی داشته‌اند این سیستم را به هزار شیوه و هزار زبان، به عنوان نسخه منحصربه‌فرد اقتصاد، به ملتها تحمیل کنند.» (۲)

۲- اقتصاد در کشورهای کمونیستی

۲/۱- وابستگی اقتصادی در کشورهای کمونیستی

«بیشتر کشورهای انقلابی در قرن معاصر، متمایل به شرق بودند. اینها از دولتها و قدرتهای شرقی استفاده می‌کردند. مثلاً وقتی که چین انقلاب کرد، تا ده سال بلکه بیشتر، کشور شوروی - که برادر بزرگ او محسوب می‌شد و در انقلاب سوسیالیستی پیشگام بود - به چین کمک اقتصادی و فنی می‌کرد و متخصص و کارشناس به آن کشور

۱ - بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری، به تاریخ ۱۳۸۸/۱۲/۶.

۲ - بیانات در دیدار مردم مریوان، به تاریخ ۱۳۸۸/۲/۲۶.

می فرستاد. سایر کشورهای کمونیستی هم همین گونه بودند.» (۱)

۲/۲- فقدان فرصت اقتصادی برای مردم

«نظام سوسیالیستی، فرصت را از مردم می گیرد؛ ابتکار و میدان را می گیرد؛ کار و تولید و ثروت و ابزار تولید و منابع عمده سرمایه و تولید را در دولت متمرکز، و به آن متعلق می کند. این، غلط اندر غلط است.» (۲)

۲/۳- حکومت مردمی! به نام کارگر، به کام اشراف!

«رژیمهای کمونیست، رژیمهای مستبدی بودند که با شعار حکومت مردمی سر کار آمده بودند؛ اما اشرافی هم بودند! با این که دم از ضدیت با اشرافیگری می زدند، اما عملاً حکومتهای اشرافی بودند. از لحاظ استبداد، در نهایت درجه استبداد بودند و حاکمیت مطلق دولت بر اقتصاد، بر فرهنگ، بر سیاست و بر فعالیتهای گوناگون اجتماعی و غیره به چشم می خورد! در رژیمهای شرقی، مردم هیچکاره محض بودند. بنده از نزدیک رفته بودم و این کشورها را در اواخر عمرشان دیده بودم. حتی در رأس بعضی از کشورهای عقب افتاده و فقیرشان هم یک رژیم به اصطلاح و به قول خودشان کارگری سر کار بود؛ اما همان رفتارهای اشرافیگری و همان کارهای غلطِ دربارهای قدیم را تکرار می کردند! نه انتخابات در این کشورها بود، نه رأی مردمی در کار بود؛ اما به خودشان دمکراتیک هم می گفتند و ادعای مردمی بودن می کردند! مردم هیچکاره محض بودند: از لحاظ



۱ - خطبه‌های نماز جمعه تهران، به تاریخ ۱۳۶۹/۱/۱۰.

۲ - بیانات در مراسم تنفیذ حکم دوره دوم ریاست جمهوری آقای «هاشمی رفسنجانی»، به تاریخ ۱۳۷۲/۵/۱۲.

اقتصادی، صد درصد وابسته به دولت؛ از لحاظ کارهای فرهنگی، صد درصد وابسته به دولت! معلوم بود که چنین رژیمهایی محکوم به فنا بود. البته چون شعارهاشان، شعارهای برآق و جذابی بود، توانستند در اطراف دنیا جوانانی را به سمت خودشان جذب کنند و حکومتهایی تشکیل دهند؛ اما دیگر نمی توانستند عمری بکنند. دیدید آخرش هم به کجا رسیدند؛ بعد از چند ده سال بکلی زایل شدند.» (۱)





گفتار سوم اقتصادِ آمریکا

(خلاً معنویت، بی‌عدالتی و تبعیض، تسلطِ شرکتها و
کمپانیهای اقتصادی، سیطره صهیونیستها، بحران اقتصادی)

اشاره:

اقتصاد آمریکا در کنار پیشرفتهای زیاد و ترقی شگفت‌انگیز و خیره‌کننده علمی و فناوری که دارد، آفات و الزامات و آثار شرم‌آور و فاجعه‌باری نیز به بار آورده است که در این گفتار به بررسی مهمترین آنها می‌پردازیم.

اولین و بزرگترین مشکل و آفت اقتصاد آمریکا همانند سایر اقتصادهای مادی، خلأ معنویت است. لذت‌نبردن از پیشرفتهای اقتصادی به خاطر دوری از معنویت در اقتصاد صد در صد مادی و معنویت ستیز آمریکا موج می‌زند.

بی‌عدالتی و تبعیض اقتصادی و اجتماعی، معضل دیگر اقتصاد آمریکاست که دامنه وسیعی دارد. در داخل جامعه ثروتمند و پیشرفته و برخوردار از ترقی و تکامل مادی آمریکا، اختلاف طبقاتی بسیار زیاد است. رفاه و برخورداری اقتصادی برای همه نیست؛ درآمد کلان آن کشور مخصوص عده خاصی است که مافیاهای قدرت و سرمایه را در اختیار دارند و بقیه از آن بی‌بهره‌اند. بر اساس آمارها، حدود ۹۰ درصد ثروت آمریکا در دست بین ۴ تا ۱۰ درصد مردم است و ۹۰ درصد مردم تنها ۱۰ درصد ثروت را در اختیار دارند!

تسلط شرکتها و کمپانیهای اقتصادی و کارتلها و تراستها بر اقتصاد و سیاست آمریکا، مصیبت‌بارترین آفت اقتصاد آمریکاست. همه مسائل جهانی بر اساس مصالح شرکت‌های عمده و سازمانهای بزرگی که در کشور آمریکا فعالند، برنامه‌ریزی

می‌گردد.

سیطره صهیونیستها بر سیاست و اقتصاد آمریکا، رذالت بارترین و خسارت‌بارترین آفت اقتصاد ایالات متحده است. دولت آمریکا به سرمایه‌دارهای صهیونیست بین‌المللی وابسته است. در آمریکا فعال‌ترین شبکه‌های سیاسی و اقتصادی و فرهنگی، شبکه‌های صهیونیستی‌اند. تصمیم‌گیریهای عمده و تعیین‌کننده استراتژی سیاسی در آمریکا باید در جهت تأمین خواسته‌ها و منافع این شبکه‌ها قرار داشته باشد و منافع صهیونیستها نیز که مشخص است بر چه پایه‌هایی استوار گردیده است: دست‌اندازی به ثروت و سرمایه‌های ملتها و تجاوز به حقوق‌شان با توسل به نسل‌کشی، تروریسم کور و ...

معضلات و آفاتی که بر شمرديم و ساير عوامل منفی و نامطلوبی - که مجال تبیین‌شان در این جا نیست - دست به دست هم داده و رکود و بحران اقتصادی عظیمی را در آمریکا به وجود آورده است که اکنون ملت و دولت آمریکا در آن دست و پا می‌زنند و راه‌علاجی هم ندارند، جز بازبینی کامل در سیستم اقتصادی و بازگشت به اقتصاد مبتنی بر معنویت و اراده الهی.



۱- خلاصه معنویت در اقتصاد آمریکا

۱/۱- لذت نبردن از پیشرفتهای اقتصادی

«خانواده‌ای مثل خانواده ملت آمریکا را در نظر بگیرید! از لحاظ فعالیت اقتصادی، تولیداتشان بالاست. پیشرفت علمی آنها خوب است. کارخانه‌هایشان کار می‌کنند. به همه دنیا جنس صادر می‌کنند و درآمد کشور خوب است؛ اما آن ملت نمی‌تواند از آن پیشرفت اقتصادی یک بهره واقعی بگیرد. چرا؟ چون در آن کشور امنیت نیست، معنویت نیست و جوان در آن کشور نمی‌داند باید چه کار کند. لذا خودکشی و بزهکاری جوانان زیاد است؛ بچه‌ها از سن دوازده، و سیزده سالگی آدمکشی را یاد می‌گیرند؛ خانواده‌ها متلاشی می‌شوند؛ زن و شوهر نمی‌توانند روی وجود یکدیگر حساب کنند، زن نمی‌تواند احساس کند که شوهر دارد، شوهر هم نمی‌تواند احساس کند که زن دارد! آن‌جا خانواده وجود ندارد.» (۱)

۱/۲- فقدان خوشبختی

«در نظامهای مادی آبادی وجود دارد؛ یعنی قدر مطلق پیشرفتهای مادی خوب است؛ اما در مورد همان پیشرفتهای مادی هم تعادل و نگاه عادلانه وجود ندارد. یعنی شما الان مثلاً می‌بینید که در کشور ثروتمندی مثل آمریکا، ثروتمندش اولین ثروتمند دنیاست، لیکن فقیرش هم گاهی بدترین فقیر دنیاست؛ از سرما می‌میرد، از گرما می‌میرد، از گرسنگی می‌میرد. طبقه متوسطی در آن‌جا زندگی می‌کنند که اگر شبانه‌روز، تمام وقت، با همه توان کار نکنند، نمی‌توانند



شکمشان را سیر کنند. این برای بشر خوشبختی نیست، این برای یک جامعه خوشبختی نیست. بله، تولید ناخالص داخلی اش را نگاه کنی، ده برابر یک کشور دیگر است؛ این که دلیل نشد. یعنی حتی در برخورداریهای مادی هم عدالت نیست، همه گیری نیست؛ یعنی همه برخوردار نیستند؛ چه برسد به برخورداری معنوی؛ آرامش روانی نیست، توجه به خدا نیست، تقوا و پرهیزگاری نیست، پاکدامنی و طهارت نیست، گذشت و اغماض نیست، ترحم و دستگیری از بندگان خدا نیست؛ و نیست و نیست و نیست.» (۱)

۲- بی عدالتی و تبعیض در اقتصاد آمریکا

۲/۱- اختلاف شدید طبقاتی

«در داخل جامعه ثروتمند و پیشرفته و برخوردار از ترقی و تکامل مادی آمریکا، اختلاف طبقاتی، بسیار زیاد است. آنجا به سیاهان، فقرا و کارگران ظلم می شود. انسانهای بسیاری در آن مرکز علم و ثروت و فناوری؛ شب، کنار سگهای ولگرد در خیابانها می خوابند. انسانهایی، انسانهای دیگر را به ناحق می کشند. آمار قتل و آدمکشی و جنایت در آمریکا- به نسبت- از همه جای دنیا بیشتر است؛ با این که آنها علم، فناوری، ثروت و پیشرفتهای مادی دارند. با این حساب، می بینیم که پیشرفتهای مادی، کمال بشر نیست. کمال بشر، چیز دیگری است. کمال بشر این است که دل و فکر او پاکیزه شود.» (۲)



۱- بیانات در دیدار دانشجویان سراسر کشور، به تاریخ ۱۳۸۷/۷/۷.

۲- بیانات در اجتماع مردم مشهد مقدس و زائران حضرت ثامن الحجج، علی بن موسی الرضا (علیه السلام) در روز عید سعید فطر، به تاریخ ۱۳۷۱/۱/۱۵.

۲/۲- رفاه اقتصادی برای همه نیست!

«ما روزی این حرفها را می‌گفتیم؛ ولی امروز خود امریکاییها می‌گویند، مجلاتشان می‌نویسند، روشنفکرانشان فریاد می‌کشند، سیاستمدارانشان یقه می‌درانند و می‌گویند معنویت از جامعه امریکایی گرفته شده است. چرا؟ به خاطر این که در آن دین و ایمان نیست. بله؛ رفاه اقتصادی تا حدودی هست؛ اما باز همان رفاه اقتصادی هم برای همه نیست. درآمد کلان آن کشور مخصوص عده‌ای است و بقیه از آن بهره‌ای ندارند.

این، آن جامعه‌ای است که مادّیت دارد؛ اما معنویت ندارد.» (۱)

۳- تسلط شرکتها و کمپانیهای اقتصادی بر امریکا

۳/۱- حاکمیت خواسته‌های سرمایه‌گذاران و کارتلها

«همه مسائل جهانی بر اساس مصالح شرکت‌های عمده و سازمانهای بزرگی که در کشور امریکا در مسائل سیاسی فعالند، حل و فصل می‌شود. مسئله خلیج فارس، مسئله عراق، مسئله دریاهای آزاد، مسئله آسیای میانه، مسئله خاورمیانه و همه مسائل دنیا بر اساس مصالح آنها و به وسیله این دیکتاتور می‌خواهد حل و فصل شود؛ نه بر اساس مصالح خود این ملتها.

بینید این چه بلای بزرگی برای دنیاست! یک نفر زورگو، با اتکا به قدرتهایی که در اختیارش هست - چه توان علمی، چه توان سیاسی، چه توان مالی، چه توان پیشرفت فناوری و از این قبیل، که اینها هم متعلق به آن رژیم نیست؛ بلکه متعلق به انسانهاست - به فکر این است



که منافع و مصالح و مقاصد خود را تأمین کند؛ ولو به این قیمت که ملتهای دیگر به خاک سیاه بنشینند!

شما هر مسأله از مسائلی را که امریکا در آن دخالت دارد، جلو بکشید و مورد مذاقه قرار دهید، همین را خواهید دید: دخالتهای سیاسی در کشورها، دخالت در کودتاها، دخالت در مسأله خاورمیانه، دخالت در قضیه نفت، دخالت در انحصارات جهانی، دخالت در معاملات گوناگونی که شرکتهای دیگر با کسانی می کنند. در همه این قضایا، حضور این رژیم مثل قلدرها و لاتها و داشها و بزن بهادرهای محله است! در سطح بین المللی، این قلدر می خواهد تمام این مسائل را بر اساس منافع تنگ نظرانه ای که منطبق بر خواستها و مقاصد گروه خاصی است - یعنی سازمان صهیونیستهای امریکا، سازمان سرمایه گذاران بزرگ امریکا، کارتلها و امثال اینها - حل و فصل کند، این، بلای بسیار بزرگی است.» (۱)

۳/۲- تسلط کارتلها و تراستها بر دنیا

«محور سلطه در دنیا، امروز دستگاههای بسیار خطرناک و بسیار بی رحمی هستند که مجموعه کارتلها و تراستها را در سرتاسر دنیا تشکیل می دهند و بیشترین تسلط را هم اینها بر دولت امریکا دارند. این که ما امریکا را یک دولت مستکبر می دانیم؛ این که ما وقتی می گوئیم استکبار جهانی، به ذهن همه دولت امریکا خطور می کند؛ این به خاطر آن است که تسلط دستگاههای استکباری سودجوی



۱ - بیانات در دیدار با گروه کثیری از دانش آموزان، دانشجویان و اقشار مختلف مردم به مناسبت یوم الله سیزده آبان، به تاریخ ۱۳۷۶/۸/۱۳.

قدرت طلب زرسالار عالم بر آن حکومت از همه جا بیشتر است و همه ابزارهای علمی و تسلیحاتی و سیاسی آن دولت در راه استثمار ملتها به کار می‌رود.» (۱)

۴- سیطره صهیونیستها بر سیاست و اقتصاد آمریکا

۴/۱- وابستگی دولت آمریکا به سرمایه‌داران صهیونیست

«دولت آمریکا هم به سرمایه‌دارهای صهیونیست بین‌المللی وابسته است. اگرچه ممکن است از لحاظ ملیت، خود آن سرمایه‌دارها هم امریکایی باشند، اما دولت وابسته است. اگر یک رئیس‌جمهور در آمریکا، آن جایی که منافع سرمایه‌دارها ایجاد نمی‌کند، یک قدم کج بردارد- مثل کندی و امثال او- پایش را از دایره بیرون می‌کنند و پدرش را درمی‌آورند.» (۲)

۴/۲- فعال‌ترین شبکه‌های سیاسی و اقتصادی و فرهنگی آمریکا در دست صهیونیستها

«در آمریکا فعال‌ترین شبکه‌های سیاسی و اقتصادی و فرهنگی، شبکه‌های صهیونیستی‌اند. این خطر وجود دارد که جوانان این کشورها علت این همه تسلط و فشار و نفوذ شبکه‌های صهیونیستی را جویا شوند و این خود مزاحمتی برای صهیونیستها فراهم می‌آورد. راه جلوگیری از مزاحمت جوانان این است که آنها را سرگرم کنند. جوان در طول هفته به فکر شب یکشنبه و فرونشاندن شعله شهوات جنسی و عیاشی و لذت‌های دیگر است.» (۳)

۱- بیانات در اجتماع بزرگ مردم اراک، به تاریخ ۱۳۷۹/۸/۲۴.

۲- خطبه‌های نماز جمعه تهران، به تاریخ ۱۳۶۸/۱۱/۲۰.

۳- بیانات در دیدار با جوانان استان سیستان و بلوچستان، به تاریخ ۱۳۸۱/۱۲/۶.



۵- بحران اقتصادی در آمریکا

۵/۱- ملت آمریکا در بحران اقتصادی همه گیر

«همین رئیس جمهور کنونی آمریکا هزارها میلیارد دلار را در وضعیت اقتصادی بسیار بد رکود آمریکا از کیسه ملت آمریکا صرف کرد. برای این که بانکها را زنده نگه دارد، صنایع اسلحه سازی را زنده نگه دارد، صنایع نفت را زنده نگه دارد؛ یعنی کمپانیها را. از جیب مردم صرف کمپانیها می کنند، کیسه کمپانیها را پر می کنند، کیسه بانکها را پر می کنند؛ لذا به مردم خودشان هم رحم نمی کنند. امروز ملت آمریکا در بحران اقتصادی همه گیر عمیق دست و پا می زنند، راه علاجی هم ندارند.» (۱)





گفتار چهارم
توطئه‌های اقتصادی استکبار جهانی

(اهداف پشت پرده، ابعاد)

اشاره:

امروز مشکل دنیا، دست‌اندازی و تجاوز دیکتاتورانه قدرتهای بزرگ به حقوق و سرمایه‌های ملتهاست. در نظام سلطه، مراکز سلطه جهانی به همه دنیا به چشم طعمه نگاه می‌کنند و انتظار دارند همه چیز اعم از منابع مالی و بازارهای اقتصادی دنیا و ثروتهای خدادادی ملتها در اختیار آنها قرار بگیرد.

بنابراین می‌توان گفت که توطئه‌گری در اقصی نقاط جهان با هدف غارت منابع و منافع ملتها از جمله مهمترین استراتژیهای عملکردی استکبار به شمار می‌رود. این توطئه‌گریها ابعاد و اهدافی دارند.

در مورد اهداف پشت پرده استکبار جهانی در توطئه‌های اقتصادی علیه ملتها می‌توان گفت که اهدافی همچون تحمیل خواسته‌های استکباری، ایجاد دنیای تک قطبی با محوریت امریکا، قبضه کردن همه منابع ثروت و امکانات در همه جای دنیا، تأمین مقاصد و خواسته‌های کمپانیهای بزرگ اقتصادی و سردمداران مالی بزرگ امریکا و سیطره بر منطقه حساس و استراتژیک خاورمیانه، مهمترین اهداف پشت پرده توطئه‌گران اقتصادی به شمار می‌آیند.

برخی از ابعاد این توطئه‌ها نیز عبارتند از: تحمیل فرهنگ مصرفی غلط، اخلاک‌گری و خرابکاری در اقتصاد کشورها، در دست گرفتن مراکز اقتصادی و منابع مالی، موازنه منفی اقتصادی بین نظام سلطه و سایر کشورهای جهان و...

۱- مفهوم استکبار

«در فرهنگ ما، استکبار به آن مجموعه قدرتی گفته می‌شود که با تکیه بر تواناییهای سیاسی و نظامی و علمی و اقتصادی خود و با الهام از نگرش تبعیض آمیز به نوع بشر، مجموعه‌های بزرگ انسانی - یعنی ملتها و دولتها و کشورها - را با سیطره‌ای قلدرا نه و تحقیر آمیز، به سود خود زیر فشار و استثمار می‌گذارد؛ در کار آنها دخالت و به ثروت آنها دست‌اندازی می‌کند؛ به دولتها زور می‌گوید و به ملتها ستم می‌ورزد و به فرهنگها و سنتهای آنان، اهانت روا می‌دارد.» (۱)

۲- توطئه‌های اقتصادی استکبار جهانی علیه جمهوری اسلامی ایران

۲/۱- ناامید کردن مردم و خراب کردن چهره انقلاب اسلامی

«دشمنان ما، اول یک ترسیم خیلی بد اقتصادی می‌کنند! این برای ناامید کردن مردم و هر کسی است که صدایشان را می‌شنوند. برای خراب کردن چهره انقلاب در چشم ملتهای دیگر است که انقلاب را بزرگ می‌شمارند و به انقلاب ارادت دارند. می‌خواهند به آنها بگویند که این انقلاب نتوانست «مشکل اقتصادی» را حل کند. این یک کار که می‌کنند.» (۲)

۲/۲- ثروت، منابع و موقعیت ایران، علت چالش امریکا

«ما جزو کشورهایی هستیم که نگاه این حوزه زیاده‌طلبی، در بخشی متوجه ما هم هست؛ چون نگاه عمده امریکا در این رویکرد و

۱ - بیانات در مراسم گشایش هشتمین اجلاس سران کشورهای اسلامی، به تاریخ ۱۳۷۶/۹/۱۸.

۲ - بیانات در صحن مطهر حضرت ثامن الحجج، امام رضا (علیه‌السلام)، به تاریخ ۱۳۷۷/۱/۱.



حرکت سیاسی، بیشتر به خاورمیانه است. همان‌طور که می‌دانید، خاورمیانه مرکز ثروت و مرکز مهم جغرافیایی است و اهمیت دارد؛ طبعاً ما هم با خصوصیات برجسته‌ای که کشورمان دارد، در این منطقه هستیم. چرا ایران در این چالش، طرف توجه قدرت متجاوز و کانون متجاوز، یعنی امریکاست؟ همان‌گونه که گفتیم، اولاً به این دلیل که ایران کشوری بزرگ، ثروتمند و برخوردار از منابع بسیار مهم زیرزمینی است. دومین ذخیره گاز در سطح دنیا، متعلق به کشور ماست. ذخیره بسیار ارزشمند نفت و خیلی از منابع زیرزمینی دیگر متعلق به ایران است. کشوری است با جمعیت زیاد، موقعیت جغرافیایی حساس، مرز طولانی در خلیج فارس و دریای عمان؛ اینها همه امتیازات یک کشور است. راه تقریباً منحصر غرب به آسیای میانه و آن منطقه از دنیا هم از این جا می‌گذرد. قهراً با این دلیل طبیعی، کشور ما ایران مورد توجه و طرف چالش امریکا قرار می‌گیرد.» (۱)

۲/۳- دشمنان در مورد اقتصاد ایران تبلیغ سوء می‌کنند!

«دشمنان ما در خارج از کشور، برای این که بیشترین ضربه خود را بزنند و زهر خود را کاملاً به جسم این ملت خالی کنند، چند کار را با هم انجام می‌دهند! اول، تبلیغ می‌کنند که وضع ایرانها از لحاظ اقتصادی خراب است. حالا وضع، هیچ خرابی هم ندارد، اما وضع اقتصادی را طوری تصویر می‌کنند که اگر کسی این ملت را نبیند، خیال می‌کند که مردم سر نان روی هم چاقو می‌کشند! خیال می‌کند

این جا قحطی است!»(۱)

۲/۴- اختلال در امر انعقاد قراردادهای اقتصادی بین ایران و کشورهای دیگر

«پس از آن که علی‌رغم مجموعه آن جبهه ظلمت و کفر و طغیان، انقلاب اسلامی به پیروزی رسید، از نخستین روزهای تشکیل جمهوری اسلامی، انواع دشمنیها و کارشکنیها و تهاجمها و توطئهها را بر ضد ایران و ملت انقلابی آن، به کار بست! از کمک فعال به رژیم عراق در جنگ هشت ساله، تا فعالیت برای محاصره اقتصادی کامل ایران، تا کمک به عناصر خائن و فراری، تا تبلیغات دایمی در همه دستگاههای تبلیغی مربوط به خود، تا آتش‌باری در اختلافات منطقه‌ای، و سعی وافر برای ایجاد اختلاف میان ایران و همسایگانش، تا تلاشهای براندازی و تروریستی به وسیله مزدبگیران سازمان سیا، تا فعالیت شدید برای جلوگیری از انعقاد قراردادهای اقتصادی میان ایران و کشورهای گوناگون جهان، تا دهها حرکت موزیانه و تهدیدآمیز دیگر در همه جبهه‌ها و همه زمینه‌های ممکن!»(۲)

۲/۵- ایجاد مشکلات متعدد اقتصادی برای ایران و بزرگنمایی آن

«اجزای نقشه دشمن چه چیزهایی است؟ اولاً تا آن جا که بتوانند -زورشان برسد و تیغشان ببرد- مشکلات اقتصادی برای کشور درست کنند و بتراشند؛ تحریم اقتصادی کنند و به مجازات شرکتها پردازند -همینهایی که می‌شنوید- جلو خط لوله‌ای را که فلان کشور در دنیا به



۱ - بیانات در صحن مطهر حضرت ثامن الحجج، امام رضا (علیه السلام)، به تاریخ ۱۳۷۷/۱/۱.

۲ - پیام به حجاج بیت‌الله الحرام، به تاریخ ۱۳۷۷/۱/۱۲.

دروغ شایع کردند پسته ایران سرطانزاست! در باب صنایع غیر نفتی هم هر طور که می‌توانند، بازارها را اشباع کنند، با دولتها و با کمپانیها سازند و به طور خلاصه، مشکلات اقتصادی برای کشور درست کنند. در کنار این، در تبلیغات خودشان، نسبت به مسائل اقتصادی کشور، بزرگنمایی هم بکنند.» (۱)

۲/۶- غصب داراییهای ایران در آمریکا و اروپا

«رژیم گذشته پول بی‌حسابی را در اختیار امریکاییها گذاشته بود، برای این که از آنها هواپیما بگیرد، بالگرد بگیرد، سلاح بگیرد. بعضی از این وسائل، آن جا تهیه هم شده بود. وقتی انقلاب شد، آن وسائل را ندادند؛ آن پولها را که میلیاردها دلار بود، ندادند؛ و عجیب تر این که این وسائل را در یک انباری جمع کرده بودند، نگه داشته بودند، انبارداری برای خودشان قائل شدند، خود را طلبکار کردند و از حساب قرارداد الجزائر انبارداری برداشتند! مالی را از یک ملت غصب کنند، پیش خودشان نگه دارند، ندهند؛ بعد انبارداری اش را هم بگیرند! این رفتاری بوده که از آن روز شروع شده، الان هم ادامه دارد. هنوز اموال ملت ایران آن جاست؛ هم در آمریکاست، هم در بعضی از کشورهای اروپایی است؛ که ما در طول سالها به اینها مراجعه کردیم که اموال ما را بدهید، اینها پولهایش دریافت شده؛ گفتند چون زیر لیسانس آمریکاییهاست، آمریکاییها اجازه نمی‌دهند و نمی‌دهیم؛ نگه داشتند. هنوز هم که هنوز است، مال ملت ایران آن جا موجود

۱ - بیانات در دیدار مردم مشهد و زائران حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) در سخن حضرت امام خمینی، به تاریخ ۱۳۷۸/۱/۱.

است.» (۱)

۲/۷- تحریم و محاصره اقتصادی

«یک کشور به این خوبی، با این همه منابع، منابع طبیعی، با این موقعیت سوق الجیشی، با همه امکانات، زیر نگین یک قدرتی در دنیا بوده؛ یک روز انگلیسها بودند، یک روز امریکاییها بودند- در واقع نظام سلطه، دستگاہ سلطه، امپراتوری سلطه. حالا امریکا یک گوشه‌ای از این امپراتور است- اینها مسلط بودند بر این کشور؛ انقلاب دست اینها را کوتاه کرده. سلطه می‌خواهد برگردد به این کشور. همه این تلاشها برای این است. مسأله انرژی هسته‌ای بهانه است. آن کسانی که خیال می‌کنند اگر ما مسأله انرژی هسته‌ای را حل کردیم، مشکلات حل خواهد شد، خطا می‌کنند. مسأله انرژی هسته‌ای را مطرح می‌کنند، مسأله حقوق بشر را مطرح می‌کنند، مسائل گوناگون را مطرح می‌کنند، که اینها بهانه است. مسأله، مسأله فشار است، می‌خواهند یک ملت را به زانو در بیاورند؛ می‌خواهند انقلاب را زمین بزنند. یکی از کارهای مهم همین تحریم اقتصادی است. می‌گویند ما طرفمان ملت ایران نیست! دروغ می‌گویند؛ اصلاً طرف، ملت ایران است. تحریم برای این است که ملت ایران به ستوه بیاید، بگوید آقا ما به خاطر دولت جمهوری اسلامی داریم زیر فشار تحریم قرار می‌گیریم؛ رابطه ملت با نظام جمهوری اسلامی قطع بشود. هدف اصلاً این است. البته ملت ما را نمی‌شناسند؛ مثل همه موارد دیگر محاسباتشان غلط اندر



۱- بیانات در اجتماع بزرگ زائران و مجاوران حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام)، به تاریخ

غلط است. از نظر نظام سلطه، گناه بزرگ ملت ایران این است که خودش را از زیر بار سلطه آزاد کرده. می‌خواهند مجازات کنند به خاطر این گناه، که چرا خودت را از زیر بار سلطه، ای ملت! آزاد کرده‌ای. این ملت راه را پیدا کرده. اصلاً محاسباتشان اشتباه است؛ نمی‌فهمند چه کار باید بکنند و چه کار دارند می‌کنند. خوب، اما فشار می‌آورند؛ فشار اقتصادی از راه تحریمها.» (۱)

۲/۸- تلاش برای نابسامان کردن وضع اقتصاد مردم

«هر کاری که از دستشان برآید، برای این که وضع اقتصاد مردم را نابسامان کنند، انجام می‌دهند! همه تیرهای زهر آگین را با هم پرتاب می‌کنند؛ همه توطئه‌ها را با هم می‌کنند! اگر می‌بینید اثر نمی‌کند، یا کم اثر می‌کند، به خاطر عظمت این ملت و عظمت انقلاب است.»

۳- توطئه‌های اقتصادی استکبار جهانی علیه ملتهای جهان

۳/۱- تحمیل خواسته‌های استکباری

«امروز کشورهایی که از لحاظ اقتصادی پیشرفته هستند و قدرتی دارند و متأسفانه استعمار و استکبار دنیا را هم در اختیار دارند و دنبال می‌کنند اگر بخواهند با کشوری کالایی را مبادله کنند و داد و ستد و همکاری داشته باشند، مواردی را به آن کشور تحمیل می‌کنند. اقتصاد مستقل یک کشور، یعنی آن چیزی که کشور لازم دارد، در داخل کشور قابل تأمین باشد.» (۲)

۱- بیانات در دیدار با جمعی از کارآفرینان سراسر کشور، به تاریخ ۱۳۸۹/۶/۱۶.

۲- بیانات در دیدار کارگران و فرهنگیان کشور، به مناسبت «روز کارگر» و «روز معلم»، به تاریخ

۱۳۷۲/۲/۱۵.



۳/۲- ایجاد دنیای یک قطبی

«آنچه مسلم است، این است که یک نظام سلطه جهانی وجود دارد که امروز در رأس آن، رژیم امریکاست. در گذشته دیگرانی بودند، ممکن است در آینده هم قدرتهای دیگری باشند. امروز امریکا منافع خودش را در دنیا تعریف کرده- پنهانی هم نیست- در مقالاتشان نوشته اند؛ در تحلیلهای سیاسیشان، منافع خودشان را تعریف کرده اند. منافع آنها عبارت است از ایجاد دنیای یک قطبی؛ یعنی در رأس مجموعه کشورهای عالم، دولتی به نام دولت امریکاست و در بدنه، انواع و اقسام دولتها هستند؛ بعضی دارای قدرت علمی و پیشرفتهای علمی و دارای توان نظامی اند؛ باید با آنها به نحوی ساخت و در معارضه با آنها، منافع آنها را بر منافع خود ترجیح داد- این تحلیل امریکایی است- دولتهایی هم هستند که از اقتدار نظامی یا اقتدار اقتصادی برخوردار نیستند؛ اسمهایی برای آنها گذاشته می شود: کشورهای در حال توسعه، کشورهای- در اصطلاح قبلی- جهان سوم. از همه فرصتهای اینها که می توان برای توسعه اقتدار امریکا استفاده کرد، باید استفاده کرد. اگر به انرژی آنها احتیاج داریم- نفت آنها، گاز آنها- باید راه را به سمت نفت و گاز آنها به هر کیفیتی باز کرد. اگر به بازار مصرف آنها احتیاج داریم، به هر کیفیتی که ممکن است، باید این راه را به سوی بازار مصرف آنها باز کرد. اگر به حضور سیاسی و اقتصادی در میان آنها نیاز است، باید این راه را گشود. اگر دولتهای مزاحمی در آن کشورها بر سر کارند، باید آن دولتها را کنار زد. اگر اندیشه های مزاحمی در آن کشورها وجود دارد، باید آن اندیشه ها را از فضای ذهنی جامعه زدود. اگر شخصیهایی در آن



کشورها هستند که می‌شود آنها را خرید، باید خرید. اگر نیروهایی در آن کشورها هستند که می‌شود از آنها به عنوان نیروی فشار علیه دولتهایی که با این سیاست مخالفند، استفاده کرد، باید خرج کرد و به کار برد. این سیاست استکباری است. امروز امریکا این سیاست را دارد. یک روز انگلیس داشت؛ آن روزی که در شرق و غرب دنیا حاکمیت پادشاهی انگلیس تثبیت شده بود؛ در آسیا، در شبه قاره هند، در استرالیا، در کانادا و در جاهای دیگر، قبل از آن هم روسیه تزاری نسبت به همان منطقه محدودی که روی آن نفوذ و فشار داشت، این سیاست را اعمال می‌کرد. البته امروز ابزارها مدرنتر و وسایل پیشرفته‌تر شده است.» (۱)

۳/۳- قبضه کردن همه منابع ثروت و امکانات

«شکی نیست که امروز دستگاههای استکباری جهانی از طرق مختلف در فکر قبضه کردن همه منابع ثروت و امکانات در همه جای دنیا هستند و اگر لازم باشد یک وقت تبلیغ خلافی به صورت وسوسه در دل‌های کسانی بيفکنند، حرفی ندارند و این کار را می‌کنند.» (۲)

۳/۴- تأمین مقاصد و خواسته‌های کمپانیهای بزرگ اقتصادی

«به من آماری دادند که دولت امریکا از سال ۱۹۴۵ تا امروز در سرنگونی چهل دولت مستقل - که تابع امریکا نبودند - نقش ایفا کرده و در بیست و چند مورد دخالت نظامی داشته است! این دخالتها بدون استثناء با کشتار عمومی و با فجایع بزرگ همراه بوده است. البته در

۱ - بیانات در دیدار گروه کثیری از جوانان استان اردبیل، به تاریخ ۱۳۷۹/۵/۵.

۲ - بیانات پس از مراسم تنفیذ حکم ریاست جمهوری آقای سید محمد خاتمی، به تاریخ ۱۳۸۰/۵/۱۱.

مواردی موفق شده و در مواردی هم ناکام مانده و موفق نشده است. آنچه که در ذهن خود ماست و از یاد ماها دور نیست، مثالهای روشنی است؛ از جمله بمباران اتمی ژاپن در پایان جنگ جهانی دوم، که آقای رئیس جمهور اشاره کردند؛ مثال ویتنام، آن جنگهای خونین، آن فجایع فراموش نشدنی که بالاخره هم با ناکامی امریکا تمام شد؛ مثال شیلی، مثال خود ایران در کودتای ۲۸ مرداد- که مأمور امریکایی به تهران آمد و مشغول برنامه ریزی و اقدام شد؛ و بعد هم خودشان این موضوع را اعلام کردند و اسنادش نیز منتشر شد که الان در دسترس همه است- و همچنین در جاهای متعدد دیگر. عامل همه اینها، کمپانیهای بزرگ اقتصادی، سردمداران مالی بزرگ امریکا، احزاب اقتدارطلب، دستجات پرنفوذ صهیونیستی، شخصیتهای معیوب از لحاظ فکری و اخلاقی- که در رأس کارها هستند- می باشند.» (۱)

۳/۵- پی تأمین منافع خود در هر نقطه‌ای از دنیا

«شگگی نیست که امروز در بخش قدرتمندی از جهان یک انگیزه قوی وجود دارد که متوجه فتح و تسخیر همه امکانات جهانی و روی زمین است. وجود ابرقدرتها همیشه به همین معنا بوده است. انحصار ابرقدرتی در یک ابرقدرت، به طور طبیعی این گرایش را شدیدتر و اقتصاد کشورها و اقتصاد جهان که به دنبال افزایش ثروت و کسب ثروت هستند، کارشان به طور طبیعی این را ایجاب می کند و دنبال آن، حالت تسخیرطلبی وجود دارد و امروز اظهار هم می شود و چیزی نیست که مکتوم بماند. این که قدرتهای سلطه گر در دنیا درصدد هستند



که منافع خود را در هر نقطه‌ای از دنیا تأمین کنند، چیزی نیست که کسی امروز آن را کتمان کند و پوشیده بدارد. منافی که بناست تأمین شود و مربوط به فلان ابرقدرت است - البته نمی‌خواهم فقط آمریکا را بگویم؛ آمریکا برترین و پر توقع‌ترینشان است؛ مجموعه‌ای هستند که آمریکا در اُس آنها قرار گرفته است - منافی نیست که با منافع کشورها و ملتها و صاحبان سرزمینها تضاد نداشته باشد؛ چنین قیدی برای آن ذکر نکرده‌اند؛ می‌گویند منافع ما. این منافع اگر با منافع فلان ملت یا فلان کشور یا فلان منطقه در تضاد بود چه؟ آنها نمی‌گویند اگر در تضاد بود، ما در این صورت از منافع خود چشم می‌پوشیم؛ نه. منافع، منافع است؛ آن را می‌خواهند.» (۱)

۳/۶ - مطامع و اغراض اقتصادی و سیاسی

«در نظام سلطه، مراکز سلطه جهانی به همه دنیا به چشم طمع نگاه می‌کنند؛ همه چیز باید در اختیار آنها قرار بگیرد: منابع مالی دنیا، منابع ثروت دنیا، بازارها و قدرت کار دنیا؛ نظام سلطه اصلاً پایه‌اش این است. نظام سلطه در واقع زنجیره‌یی از دولتها و قدرتهاست؛ اما پشت سر این دولتها، کمپانیها، مراکز اقتصادی و مراکز مالی هستند؛ تعیین‌کننده سیاستها امروز در نهایت آنها هستند. فرض بفرمایید آن کمپانیهایی که هیأت حاکمه کنونی آمریکا دنباله‌رو و تابع آنهاست، اگر بخواهند در خاورمیانه دست و پای باز کنند؛ ثروت جدیدی پیدا کنند یا احتمالاً از ورشکستگی‌های خودشان جلوگیری کنند، یا بر منابع نفتی در منطقه خاورمیانه دسترسی پیدا کنند، یا از منافع سرمایه‌دارهای

۱ - بیانات در دیدار با هیأت رئیسه و نمایندگان مجلس شورای اسلامی، به تاریخ ۱۳۸۱/۳/۷.

صهیونیسم و دولت صهیونیستی حمایت کنند و به خاطر همه اینها احتیاج به حضور قوی در خاورمیانه داشته باشند، چه کار می کنند، جنگ عراق را طراحی می کنند. طراحی یک جنگ؛ طراحی یک حضور نظامی با این همه خسارت. وقتی که سلسله وار دنبال می کنید، می رسد به مطامع و اغراض آمیخته اقتصادی و سیاسی قدرتهایی که پشت پرده سیاستهای مقتدر دنیا تلاش و فعالیت می کنند.» (۱)

۳/۷- سیطره بر منطقه حساس و استراتژیک خاورمیانه

«اینها روی خاورمیانه از قرن نوزدهم برنامه ریزی دارند- نه امریکاییها، غرب- چون خاورمیانه منطقه فاصل بین دریای مدیترانه و اقیانوس هند است. دریای مدیترانه، محل استقرار دولتهای استعمارگر است و اقیانوس هند، منطقه مستعمرات؛ و خاورمیانه بین این دو منطقه حساس قرار گرفته، که نمی توانستند نسبت به آن بی تفاوت باشند. فشارهای انگلیس روی ایران و نفوذش در قرن نوزدهم، برای حفاظت از هند- که آن روز جزو دولت بریتانیا بود- انجام گرفت و ما آن روز قربانی هند شدیم؛ و این نسبت به همه خاورمیانه تعمیم دارد. پیدایش اسرائیل هم از همین جاست. بعد، عوامل گوناگون دیگری هم پیدا شد: مسأله نفت، مسأله تقسیم متصرفات عثمانی بعد از جنگ اول و مسأله پیدایش شوروی، که همه اینها، موضوع را تشدید کرد. غرب، بعد هم در آخر میراث خوار غرب- امریکا- روی منطقه خاورمیانه برنامه ریزی دارند.» (۲)



۱- بیانات در خطبه های نماز جمعه تهران، به تاریخ ۱۳۸۳/۸/۱۵.

۲- بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار با مسؤولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی، به تاریخ ۱۳۸۵/۳/۲۹.

۳/۸- نفوذ سیاسی در کشورها

«ما در تحولات بنیانی اساسی جامعه، ممکن است گاهی این طوری عمل کنیم؛ به جای این که بنیانها را حفظ کنیم و بر آنچه که نیاز داریم، پافشاری کنیم و آنچه را که نداریم، برای خودمان فراهم کنیم، هویت مستقل ملی خودمان را فراموش [می] کنیم! که متأسفانه این مسأله در کشور ما و خیلی از کشورهای اسلامی داستان و سرگذشت بسیار غمباری دارد، که حالا بعد ممکن است اشاره‌ای بکنم.

از این خطرناکتر، این است که سررشته همین تحولات منفی در سطح بین‌المللی، در دست کسانی باشد که آنها به وسیله این تحولات می‌خواهند اهداف خودشان را- که یا زر است یا زور- تأمین کنند و برای آنها چیزی به نام هویت ملتها اصلاً ارزش ندارد؛ که متأسفانه این در صد سال، صد و پنجاه سال اخیر، در دنیا اتفاق افتاده است؛ یعنی تحولات کشورهای آسیایی و آفریقایی و امریکای لاتین در دام طراحی باندهای قدرت بین‌المللی افتاده است و طراح اینها صهیونیست و سرمایه‌داران بین‌المللی بوده‌اند. برای اینها آنچه مهم بوده، کسب قدرت سیاسی است که بتوانند در کشورها و دولتهای اروپایی و غیره نفوذ کنند و قدرت سیاسی را در دست بگیرند و پول کسب کنند و این کمپانیها، سرمایه‌های عظیم، کارتلها و تراستها را به وجود آوردند. هدف این بوده است.» (۱)



۳/۹- تحمیل فرهنگ مصرفی غلط

«دنیای غرب و سردمداران فرهنگ فاسد و منحط غربی، از این که فساد و فحشا و اعتیاد و انواع و اقسام بدبختیها و روسیاهیها را به سراسر عالم صادر می کنند، خجالت نمی کشند؟! این فرهنگ فحشایی که امروز متأسفانه سراسر دنیا و بیش از همه، دنیای فقیر جهان سوم را فرا گرفته، از کجا آمده است؟ این، یکی از صادرات فرهنگ غربی و تمدن استعماری و استکباری است. انواع و اقسام فسادها و انحطاطهایی که امروز بشریت را در فشار گذاشته و اعتیادهای خطرناکی که گریبان جوانها را در بسیاری از کشورهای فقیر و عقب افتاده گرفته، از کجاست؟ فرهنگ مصرفی غلط که بر بسیاری از کشورهای اسلامی و غیراسلامی جهان سوم تحمیل شده، از کجاست؟

اگر شما وارد بازار کشورهای فقیر منطقه خودمان - نفت خیز و غیر نفت خیز - بشوید، خواهید دید پروپاگاندا و تبلیغات اجناس مصرفی زاید و غیر لازم غربی، تمام فضای زندگی اینها را پُر کرده است.» (۱)

۳/۱۰- اخلاک‌گری و خرابکاری در اقتصاد کشورها

«امروز استکبار در همه جای دنیایی که می خواهد بر آن چنگ بیندازد، با سه عامل کار خود را پیش می برد و تلاش می کند. در این جایی که نشسته اید، تا به حال این سه عامل او کارگر نشده است. یک عامل، عامل مالی است؛ یک عامل، عامل نظامی است؛ یک عامل، عامل تبلیغی است. به وسیله عامل مالی، انسانها را می خرند.



۱ - سخنرانی در مراسم بیعت جمع کثیری از اقشار مختلف مردم شهرهای قم، رفسنجان و کهنوج، به تاریخ ۱۳۶۸/۴/۱۹.

منظور من از عامل مالی این نیست که در اقتصاد کشورها دخالت می‌کند. هیچ کشوری نمی‌تواند در اقتصاد کشور دیگر - اگر مردم آن کشور بیدار باشند - تأثیر بلندمدت و تعیین کننده داشته باشد. البته بله؛ اخلاطگیری می‌کنند، خرابکاری می‌کنند، روی قیمت نفت اثر می‌گذارند، در آمد یک کشور را به نصف می‌رسانند.»(۱)

۳/۱۱- رشوه دادن به آدمهای طماع و به خدمت گرفتن آنان

«عامل مالی که عرض کردم، یعنی رشوه. عناصر ضعیف را می‌خرند. با عامل مالی، استکبار، انسانهای پولدوست را در دنیا برده خود می‌کند. امروز این کار در دنیا رایج است. دست در کیسه فتوت خودشان - فتوت شیطانی - می‌کنند، کسانی را که دهانهایشان برای مال دنیا باز است، شناسایی نموده و با پول می‌خرند و اسیر خودشان می‌کنند! در بسیاری از کشورهای دنیا، این صدمه بزرگ را به ملتها زدند، آدمهای طماع، شکم پرست و پول دوست را با این متاع بی ارزش - یعنی پول - خریدند و ملک خودشان کردند!»(۲)

۳/۱۲- در دست گرفتن مراکز اقتصادی و منابع مالی

«از لحاظ اقتصادی هم، اسرائیل برای منطقه، خطر است. چندی است که صهیونیستهای حاکم بر فلسطین، تزی را به نام «تز خاورمیانه جدید» مطرح کرده‌اند. خاورمیانه جدید، یعنی چه؟ یعنی خاورمیانه بر محور کشور اسرائیل شکل بگیرد و اسرائیل بتدریج بر کشورهای عربی و کشورهای منطقه و مناطق نفتی در خلیج فارس سیطره اقتصادی

۱ - بیانات در دیدار با گروه کثیری از پاسداران و بسیجیان به مناسبت میلاد امام حسین (علیه السلام) و روز پاسدار، به تاریخ ۱۳۷۷/۹/۲.

۲ - همان.

داشته باشد! این هدف اسرائیلیهاست. بعضی از دولتها غافلند. وقتی به آنها اعتراض می‌شود، می‌گویند ما که رابطه برقرار نکردیم؛ ما به تجارشان اجازه دادیم بیایند! اتفاقاً آنها همین را می‌خواهند. آنها می‌خواهند اسرائیل با حمایت امریکا و با پشتیبانی از زرادخانه خطرناک خودشان، از غفلت و ضعف بعضی از دولتها استفاده کند و به آنجا وارد شود و مراکز اقتصادی و منابع مالی را در دست گیرد. این خطر خیلی بزرگی برای منطقه است. بزرگتر از همه خطرهای این است. خدا آن روز را نیاورد و نخواهد آورد و ملت‌های مسلمان اجازه نخواهند داد که چنین اتفاقی بیفتد؛ اما نقشه آنها این است که با تکیه بر اقتصاد بتوانند همه مراکز قدرت را در این کشورها در دست گیرند. بنابراین، از لحاظ اسلامی، از لحاظ انسانی، از لحاظ اقتصادی، از لحاظ امنیتی، از لحاظ سیاسی، امروز وجود اسرائیل، یک خطر بزرگ برای ملت‌ها و کشورهای منطقه است.» (۱)

۳/۱۴- به خاک سیاه نشاندن اقتصاد کشورها

«امروز مشکل دنیا، دست‌اندازی و تجاوز دیکتاتورانه قدرتهای بزرگ است؛ مگر غیر از این است؟ قدرتهای بزرگ اراده می‌کنند، یک یا دو کشور را ظرف چهل و هشت ساعت از همه فعالیت‌های اقتصادی‌اش محروم می‌کنند و به خاک سیاه می‌نشانند؛ همچنان که چند سال پیش دیدید در اندونزی و مالزی این کارها را کردند. با تسلطی که بر پول و اقتصاد این کشورها داشتند، با بیرون کشیدن پولهای خود از این کشورها، ظرف چند روز، رتبه اقتصادی آنها را



چهل، پنجاه درجه پایین آوردند. مردم این سلطه‌ظالمانه را احساس می‌کنند. در جاهایی مثل افغانستان، مناطق مسلمان‌نشین اروپا و جاهای دیگر، مردم دیدند که یک قدرت مستکبر و زورگو، به بهانه‌ای وارد کشوری می‌شود و هر کاری دلش می‌خواهد، می‌کند.» (۱)

۳/۱۵- دخالت در تحولات سیاسی

«از خیلی از قضایای گذشته - چه در طول تاریخ و چه در عرض زمان - می‌توان قضایای آینده را حدس زد. در دنیا یک حادثه پیش می‌آید، مثلاً الان در ونزوئلا اشکال عمده این آقا که در آن جاست، این است که تسلیم آمریکاییها نیست. او رفیق و مرید «فیدل کاسترو» است به آن معنا چپ هم نیست؛ مانند دیگر بخشهای دنیا حکومت می‌کند و فقط تسلیم آمریکاییها نیست. برایش چقدر مشکل درست کردند، مشکل را از چه راه درست کردند؟ از راه حضور مؤثر سرمایه‌های امریکایی و شبه امریکایی در کشور ونزوئلا. یعنی حضور مؤثر سرمایه‌ها در جاهای مؤثر ضربه زد و این خیلی درس آموز است.» (۲)

«در گرجستان که یک تحوّل سیاسی اتفاق افتاد و جابه‌جایی قدرت انجام گرفت، یک سرمایه‌دار امریکایی و صهیونیست یهودی البته اسمش معروف است، من نمی‌خواهم اسمش را بیاورم - اعلام کرد که من ده میلیون دلار در کشور گرجستان خرج کردم و تحوّل سیاسی ایجاد کردم؛ خیلی راحت. ده میلیون دلار خرج می‌کنند، یک

۱ - بیانات در دیدار با گروه کثیری از اعضای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، به تاریخ ۱۳۸۱/۶/۲۴.

۲ - بیانات در دیدار با مدیران صدا و سیما، به تاریخ ۱۳۸۱/۱۱/۱۵.

حکومت را کنار می گذارند، یک حکومت دیگر را سر کار می آورند! اینها باید روی مردم اثر بگذارند؛ باید اجتماعات درست کنند. در اوکراین هم همین کار را کردند؛ در جاهای دیگر هم همین کار را کردند.»(۱)

۱۶/۳- ورشکسته کردن اقتصادی در کشورهای با رونق

«کشورهای تحت سلطه هرگز یک اقتصاد درست و حسابی نداشته‌اند. گاهی یک رونق ظاهری داشته‌اند، که می‌بینید در بعضی از کشورهای تحت سلطه رونق ظاهری دارند؛ اما ساخت اقتصادی خراب است؛ یعنی اگر یک شیر را رویشان ببندند؛ یک حساب را مسدود کنند، یا تصرف اقتصادی کنند، همه چیز فرو خواهد ریخت و نابود خواهند شد. شما دیدی که یک سرمایه‌دار توانست چند کشور آسیای جنوب شرقی را در مدت دو سه ماه به ورشکستگی برساند؛ آن هم دو سه کشوری که توسعه نسبتاً خوب و رونق اقتصادی داشتند. رئیس یکی از همین کشورها در همان روزها به مناسبتی به تهران آمده بود و با بنده ملاقات کرد و گفت همین قدر به شما بگویم که ما در یک شب بکلی فقیر شدیم! یک سرمایه‌دار امریکایی، یهودی مثل نخی که به یکباره می‌کشند و یک بنا، بنای عروسکی، روی هم می‌ریزد، عمل کرد و یک نخ را کشید و همه چیز را به هم ریخت. امریکاییها آن جایی که لازم داشتند، پنجاه، شصت میلیارد تزریق کردند- پنجاه میلیارد به یکی، سی میلیارد به یکی دیگر- اما آن جایی که لازم نداشته باشند، تزریق نمی‌کنند و آن کشور را به خاک سیاه می‌نشانند. البته



تزریق کردن یعنی این که دوباره همان ساخت عروسکی را به شکل دیگری برپا کنند. به هر حال، نمی‌گذارند اقتصاد این کشورها استحکام پیدا کند.» (۱)

«ماهاتیر محمد، نخست وزیر سابق مالزی - که بسیار هم آدم پُر کار و دقیق و جدی و پایبندی بود - به تهران آمد، به دیدن من هم آمد؛ همان اوقات بود که تحولات گوناگونی در آسیای شرقی اتفاق افتاده بود؛ در مالزی، اندونزی و تایلند، و زلزله اقتصادی به وجود آمده بود. همین سرمایه‌دار صهیونیستی و بعد سرمایه‌دارهای دیگر، با بازیهای بانکی و پولی توانستند چند تا کشور را به ورشکستگی بکشانند. در آن وقت ماهاتیر محمد به من گفت: من فقط همین قدر به شما بگویم که ما یک شبه گدا شدیم! البته وقتی کشوری وابستگی اقتصادی پیدا کرد و خواست نسخه‌های اقتصادی بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول را عمل بکند، همین طور هم خواهد شد. خود این بانک جهانی و صندوق بین‌المللی هم یکی از بخشها و قطعه‌های این پازل بزرگند. این خیلی خطرناک است که سر رشته تحولات جهانی دست باندهای قدرت بین‌المللی باشد؛ که امروز هست. اینها صهیونیستها و سرمایه‌دارهایند و عمدتاً هم در امریکا و در اروپایند.» (۲)

۳/۱۷ - موازنه منفی اقتصادی بین نظام سلطه و سایر کشورهای جهان

«امروز نظام سلطه در دنیا بنایش بر گرفتن و دادن نیست؛ بنایش بر

۱ - بیانات در دیدار با هیأت علمی و کارشناسان جهاد دانشگاهی، به تاریخ ۱۳۸۳/۴/۱.

۲ - دیدار با دانشجویان، به تاریخ ۱۳۸۵/۸/۱۸.

گرفتن حداکثری و دادن حداقلی است؛ ثروت را می‌مکند، امکانات را می‌مکند، اختیارات سیاسی و اقتصادی و اجتماعی را در کشورها می‌مکند و در اختیار می‌گیرند و در مقابل، گاهی هیچ چیز نمی‌دهند، گاهی چیز مضر می‌دهند، گاهی هم یک چیز کی به آن کشور نقطه مقابل می‌دهند.»^(۱)

۳/۱۸- مراکز سلطه جهانی به همه دنیا به چشم طعمه نگاه
«در نظام سلطه، مراکز سلطه جهانی به همه دنیا به چشم طعمه نگاه می‌کنند؛ همه چیز باید در اختیار آنها قرار بگیرد: منابع مالی دنیا، منابع ثروت دنیا، بازارها و قدرت کار دنیا؛ نظام سلطه اصلاً پایه‌اش این است.»^(۲)

۴- عوامل مؤثر در ایستادگی نظام اسلامی در برابر توطئه‌های اقتصادی استکبار جهانی

۴/۱- اتکا به ایمان و حضور مردم

«در همین جا، به همه شما ملت ایران عرض کنم که اشتباه امریکاییها، در این تحلیل غلط است. آنها خیال می‌کنند که اگر در زمینه‌های اقتصادی و غیره، توانستند آلمان و اروپا و فلان مجموعه دولت‌ها را از ایران جدا کنند، خواهند توانست که ملت ایران را وادار به تسلیم نمایند. این، چه اشتباهی است؟ چرا اینها این قدر گند فهمی نشان می‌دهند؟ من تعجب می‌کنم! مگر همین شما- اروپا، امریکا، شوروی سابق، خیلی از کشورهای مرتجع همین منطقه- با همدیگر

۱- بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در بازدید از پژوهشکده رویان، به تاریخ ۱۳۸۶/۴/۲۵.

۲- بیانات در خطبه‌های نماز جمعه تهران، به تاریخ ۱۳۸۳/۸/۱۵.



دست به یکی نکردید و هشت سال جنگ نظامی آن‌چنانی علیه ما سازماندهی نکردید؛ ولی این ملت ایستاد؟ چرا تجربه‌ها را تکرار می‌کنید؟ این، چه خیال باطلی است؟ این، چه غلطی است؟ در ذهن این تحلیلگران بیچاره‌ای که می‌خواهند مسائل عالم را با این ذهن علیل حل و فصل کنند، برای هر چیزی تکلیفی معین می‌کنند. این، چه طور فهمیدن مسأله است؟

ملت ایران مگر با این حرفها تسلیم می‌شود؟ بدانند، اگر همه اروپا هم با ایران فاصله پیدا کند، قطع رابطه کند، یا هر چه بشود، ملت ایران به اعتقاد اروپا و آسیا و این و آن، به این میدان قدم نگذاشته است که با رفتن آنها احساس خالی بودن پشت خود را بکند. ملت ایران در هیچ شرایطی، در هیچ وضعیتی، با هیچ کیفیتی، جز به قدم استوار خود، جز به حضور مردمی خود، جز به اصول خود و جز به ایمان محکم خود متکی نیست.» (۱)

۴/۲- تلاش زیاد و کار متراکم شبانه‌روزی مسؤولان

«از اوّل سال ۸۹ اینها به خیال خودشان حرکت تحریم ایران را تشدید کرده‌اند. خودشان در محاسباتشان - که خبرهایش به ما می‌رسید - صحبت می‌کردند، می‌گفتند که این تحریمها پنج شش ماهه جمهوری اسلامی و ملت ایران را به زانو درمی‌آورد؛ تصورشان این بود. آنها به فکر بودند که به وسیله تحریمها کار را آن‌چنان بر ملت ایران دشوار کنند و دایره را آن‌چنان بر ملت ایران تنگ کنند که ملت

۱ - بیانات در دیدار با جمعی از فرماندهان و پرسنل ارتش، در آستانه روز ارتش جمهوری اسلامی ایران، به تاریخ ۱۳۷۶/۱/۲۷.

ایران به نظام خودشان، به جمهوری اسلامی معترض شوند؛ هدفشان این بود. یک برخورد هوشمندانه و قدرتمندانه‌ای با این تحریمها انجام گرفت و تیغ دشمن گند شد. دشمن نتوانست با این تحریمها به هدفهای خود دست پیدا کند. خوشبختانه با تلاش زیاد، با کار متراکم شبانه‌روزی، مسؤولان در بخشهای مختلف توانستند از این عقبه عبور کنند. امروز خود غربیها اعتراف می‌کنند، می‌گویند تحریم ایران دیگر فایده‌ای ندارد.» (۱)

۴/۳- خودباوری و برخورد هوشمندانه با توطئه‌ها

«من این را در همین نمایشگاهی هم که آخر اسفند رفتیم، از زبان چند نفر از این دانشمندان جوان شنیدم. به من گفتند که ما می‌خواستیم این دستگاه را تولید کنیم، رفتیم ابزارش را از خارج تهیه کنیم، به ما گفتند شما تحریمید، به شما نمی‌دهیم؛ فهمیدیم خودمان باید درست کنیم. آمدیم داخل فکر کردیم، زحمت کشیدیم، تلاش کردیم، بدون احتیاج به بیگانه این را ساختیم. این، برخورد هوشمندانه است. هم مسؤولین کشور، هم آحاد مردم، با تحریمهای دشمن این جور برخورد کردند؛ یعنی دشمن را از بُرنده‌ترین ابزارهایی که در اختیار داشت، محروم کردند. مثل این است که در یک جنگی، شما اسلحه را از دست دشمن بگیری و گرفتی.» (۲)

۴/۴- توکل بر خدا و حرکت به سمت اهداف الهی

«آنچه که انسان مشاهده می‌کند، این است که توفیق الهی و تفضل



۱- بیانات در حرم مطهر رضوی در آغاز سال نو، به تاریخ ۱۳۹۰/۱/۱.

۲- همان.

الهی نسبت به این کشور و این ملت جوری بوده است که این موانع را یکی پس از دیگری از سر راه بر خواهد داشت و پیش خواهد رفت. این پیشرفت، سرنوشت ملت ماست. تلاشی هم که دشمنان ملت ایران می‌کنند، خودشان را اذیت می‌کنند؛ بیشتر خودشان را دچار غضب الهی و خسران دنیوی و اخروی می‌کنند؛ به جایی هم نمی‌رسند.

امروز دستگاه‌های استکبار، دستگاه‌های ظلم، دستگاه‌های ضد بشر، دستگاه‌هایی که در دنیا پیش ملت‌ها رسوا شدند، همه در مقابل جمهوری اسلامی صف بسته‌اند، بلکه بتوانند به این نماد عظمت و شرف اسلامی انسانی ضربه‌ای بزنند؛ نگذارند الهامبخش به دیگران باشد. همه تلاششان را دارند می‌کنند، نتیجه هم این است که هیچ فایده‌ای از این تلاششان نمی‌گیرند. خواستند ملت ایران را منزوی کنند، بعکس شد. در این منطقه چقدر رفت و آمد کردند، چقدر نشستند، چقدر با آدم‌های فاسد در منطقه نشست و برخاست کردند که بتوانند ایران را منزوی کنند. خدای متعال جوری پیش آورده که امروز ملت ایران و نظام جمهوری اسلامی در این منطقه، با این انقلاب‌های مردمی، با این سلسله قیام‌های پر عظمت و پر طنطنه این کشورها، در صدر نگاه‌های ملت‌ها قرار گرفته و ایران بیش از همه بر سر زبان‌هاست، مورد توجه است، مورد اهتمام و احترام است؛ درست عکس آنچه که آنها می‌خواستند.

دولت امریکا که خود جزو محکوم‌ترین دولتها و دستگاه‌هایی است که علیه بشر و علیه حقوق بشر کار کرده است، خواست برای منزوی کردن جمهوری اسلامی اقدام کند. رئیس جمهور آمریکا سال گذشته در مصر سخنرانی‌ای کرد خطاب به دنیای اسلام، با حرف‌های به خیال خودش پر زیور و زینتی که بتواند دل‌ها را جذب کند و بتواند



آبروی از دست رفته آمریکا را در این منطقه به دست بیاورد. نتیجه چه شده است؟ امروز منفورترین دولتها در این منطقه پیش ملتها، دولت آمریکاست.

طبیعت کار، همین است. اگر ملتی با نام خدا، با یاد خدا، برای خدا، در راه خدا، به سمت اهداف الهی حرکت کند، خدای متعال او را کمک می کند. امروز ملت ما بحمدالله این جواری است. مسئولین ما، ملت ما، دولت ما زحمت می کشند، تلاش می کنند. در این کشور، در جهت اهداف الهی دارد کار می شود؛ لذا خدای متعال کمک می کند.» (۱)





گفتار پنجم اقتصاد در اسلام

(اهمیت، پیشینه، دستاوردها، پایه‌ها، ویژگیها)

اشاره:

اسلام در تمامی زمینه‌ها برای اجرای تکالیف الهی، با افراط و تفریط مخالف است و همگان را در تمامی امور به اعتدال و میانه روی دعوت می‌نماید. در زمینه اقتصاد نیز اوضاع به همین منوال است. اسلام نه با نظام سرمایه‌داری - که نظامی ظالمانه و بی‌قید و شرط است و مبتنی بر افراط در گرایش به ثروت و سرمایه می‌باشد - موافق است؛ و نه با نظام سوسیالیستی - که بر مبنای نفی مالکیت‌های شخصی استوار بوده و در طول تاریخ دیکتاتوری و استبداد کوبنده‌ای را به همراه داشته است - موافق می‌باشد!

نظام اقتصادی اسلام، یک رژیم معتدل با شناخت مالکیت و احترام به آن به نحو محدود است که اگر واقعاً به آن عمل شود چرخهای اقتصاد سالم به راه می‌افتد و عدالت اجتماعی - که لازمه یک رژیم سالم است - تحقق پیدا می‌کند.

اقتدار اقتصادی که در دوران صدر اسلام به برکت عمل به تعالیم اسلام در جامعه اسلامی پدید آمد گواهی بر توانایی اسلام در اداره اقتصاد و پویا نمودن اقتصاد است. اسلام در یکی از فقیرترین و عقب‌مانده‌ترین نقاط دنیا ظهور کرد و هنوز مدت کوتاهی از ظهور آن نگذشته بود که تمدن عظیمی را به وجود آورد و دنیای بزرگ اسلامی به قلّه تمدن بشری از لحاظ علم و انواع دانش و پیشرفتهای مدنی و اقتصادی رسید.

پایه اول در اقتصاد اسلامی عبارت است از افزایش ثروت ملی

و پایه دوم توزیع عادلانه و رفع محرومیت در درون جامعه اسلامی.

در مورد ویژگیهای اقتصاد اسلامی نیز می توان گفت که نظام اقتصادی اسلامی از ویژگیهای متعالی و ارزشمندی همچون رشد اقتصادی برای عدالت اجتماعی و به دست آوردن ثروت از راه مشروع، رفاه عمومی و عدالت اجتماعی و رفع فقر، پیشرفت اقتصادی در کنار شکوفایی اخلاقی و معنوی، فراموش نکردن ارزشهای معنوی به واسطه غرق شدن در حیات مادی، نگاه الهی و معنوی به اقتصاد، نامطلوب بودن فاصله درآمدها و شکاف اقتصادی و... برخوردار است.



۱- اهمیت و جایگاه اقتصاد در اسلام

«در اسلام پرداختن به امور اقتصادی مردم جزو اوجب واجبات حکومتهاست. پیغمبر اکرم طبق روایت - فرمود: «كاد الفقر ان يكون كفرا». مضمون این حرف، آن است که ما آمده‌ایم به مردم ایمان بدهیم؛ اگر نتوانی نانشان را به راحتی به دستشان برسانی، ایمانشان از آنها گرفته خواهد شد. واقع قضیه هم همین است.» (۱)

۲- توانایی اسلام در ایجاد رونق و پیشرفت اقتصادی

«نظام اسلامی، یک جامعه فقیر نمی خواهد. یک ملت فقیر و یک درآمد عمومی ناچیز نمی خواهد. از ثروتها استفاده می کند؛ علم را پیشرفت می دهد، منابع زیرزمینی را استخراج می کند، انسانها را به رشد عقلانی می رساند، تجارت می کند و صنعت راه می اندازد. تاریخ اسلام نشان داد که اسلام به برکت همین احکام نورانی، در یک دوره طولانی، صاحب علم و صنعت در کل جهان بوده است.» (۲)

«شما ملاحظه می کنید که در تمدن اسلامی، اسلام در یکی از فقیرترین و عقب مانده ترین نقاط دنیا ظهور کرد؛ اما هنوز پنجاه سال از عمر آن نگذشته بود که بیش از پنجاه درصد از دنیای تمدن آن روز در زیر پرچم اسلام قرار گرفت و هنوز بیش از دو قرن از عمر این تمدن نگذشته بود که دنیای بزرگ اسلامی در آن روز، قلّه تمدن بشری از لحاظ علم و انواع دانش و پیشرفتهای مدنی و اقتصادی شد؛

۱ - بیانات در خطبه‌های نماز جمعه تهران، به تاریخ ۱۳۸۰/۲/۲۸.

۲ - بیانات در مراسم تنفیذ حکم ریاست جمهوری حجت‌الاسلام والمسلمین «سید محمد خاتمی»، به تاریخ ۱۳۷۶/۵/۱۲.



این نبود مگر به برکت تعالیم اسلامی.» (۱)

۳- مبانی و پایه‌های نظام اقتصادی اسلامی

«ما وقتی به صورت کلان به زمینه اقتصاد اسلامی نگاه می‌کنیم، دو تا پایه اصلی مشاهده می‌کنیم. هر روش اقتصادی هر توصیه و نسخه اقتصادی که این دو پایه را بتواند تأمین کند، معتبر است. هر نسخه‌ای هر چه هم مستند به منابع علی‌الظاهر دینی باشد و نتواند این دو را تأمین کند، اسلامی نیست.» (۲)

۳/۱- افزایش ثروت ملی؛ پایه اول

«یکی از آن دو پایه عبارت است از «افزایش ثروت ملی». کشور اسلامی باید کشور ثروتمندی باشد؛ کشور فقیری نباید باشد؛ باید بتواند با ثروت خود، با قدرت اقتصادی خود، اهداف والای خودش را در سطح بین‌المللی پیش ببرد.» (۳)

۳/۲- توزیع عادلانه و رفع محرومیت در درون جامعه اسلامی؛ پایه دوم

«پایه دوم، «توزیع عادلانه و رفع محرومیت در درون جامعه اسلامی» است. این دو تا باید تأمین بشود. و اولی، شرط دومی است. اگر تولید ثروت نشود؛ اگر ارزش افزوده در کشور بالا نرود، ما نمی‌توانیم محرومیت را برطرف کنیم؛ نخواهیم توانست فقر را برطرف

۱- بیانات در دیدار با اقتصاددانان شرکت کننده در اجلاس بانک توسعه اسلامی، به تاریخ ۱۳۸۳/۶/۲۵.

۲- بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار مسئولان اقتصادی و دست‌اندرکاران اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی، به تاریخ ۱۳۸۵/۱۱/۳۰.

۳- همان.



کنیم. بنابراین هر دو تا لازم است.» (۱)

۴- ویژگیها و آرمانهای نظام اقتصادی اسلامی

۴/۱- رشد اقتصادی برای عدالت اجتماعی

«نظام اسلامی معتقد به یک جامعه ثروتمند است، نه یک جامعه فقیر و عقب مانده. معتقد به رشد اقتصادی است؛ ولی رشد اقتصادی برای عدالت اجتماعی و برای رفاه عمومی، مسأله اول نیست. آنچه در درجه اول است، این است که فقیر در جامعه نباشد؛ محروم نباشد؛ تبعیض در استفاده از امکانات عمومی نباشد. هر کس برای خودش امکاناتی فراهم کرد، متعلق به خود اوست. اما آنچه که عمومی است مثل فرصتها و امکانات متعلق به همه کشور است و باید در اینها تبعیضی وجود نداشته باشد. معنی ندارد که یک نفر پای خود را بگذارد روی دوش مأمورین دولتی و با ترفند و خدای نکرده با اعمال روشهای غلط، امتیاز بگیرد، رشدی افسانه‌ای بکند و بعد بگوید: «آقا، من ثروت را خودم به دست آورده‌ام.» در نظام اسلامی، چنین چیزی را نداریم. ثروتی که بر پایه صحیحی نیست، از اصل نامشروع است.» (۲)

۴/۲- رفاه عمومی و رفع فقر

«اسلام یک روش خاص خود دارد. مسلکی در مسائل اقتصادی جامعه اسلامی دارد و آن سلک را طی می‌کند. اساس سیاست کلی اقتصادی کشور، عبارت است از رفاه عمومی و عدالت اجتماعی. البته

۱ - انقلاب اسلامی در دیدار با مسؤولان اقتصادی و دست‌اندرکاران اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی، به تاریخ ۱۳۸۵/۱۱/۳۰.

۲ - بیانات در مراسم تنفیذ حکم دوره دوم ریاست جمهوری آقای «هاشمی رفسنجانی»، به تاریخ ۱۳۷۲/۵/۱۲.



ممکن است یک نفر با تلاش و استعداد بیشتر، بهره بیشتری برای خودش فراهم کند. این مانعی ندارد. اما در جامعه فقر نباید باشد. هدف برنامه ریزان باید این باشد. سازمان برنامه و برنامه ریزان کشور، با این سیاست کلی و بر این اساس باید برنامه ریزی کنند.» (۱)

۴/۳- پیشرفت اقتصادی همراه با شکوفایی اخلاقی و معنوی

«اسلام می خواهد هم ماده و هم معنا، هم پول و رفاه، هم ایمان و معنویت، هم پیشرفت اقتصادی و هم شکوفایی اخلاقی و معنوی در جامعه باشد. این حیات طیبه اسلام است؛ «فلنحینه حیاه طیبه.» (۲)

۴/۴- رفاه اقتصادی همراه با عدالت و مواسات

«اسلام به ملتها استقلال و آزادی می دهد؛ هم آزادی در محیط زندگی خودشان- آزادی از قدرتهای دیکتاتور و مستبد، آزادی از خرافات و جهالتها، آزادی از تعصبات جاهلانه و کج فکریها- و هم آزادی از کمند قدرت اقتصادی و فشار سیاسی استکبار. اسلام به ملتها رفاه و پیشرفت اقتصادی همراه با عدالت اجتماعی هم می دهد. آن پیشرفت اقتصادی که فاصله بین طبقات مردم را زیاد کند، مورد نظر اسلام نیست. نسخه اقتصادی که امروز کشورهای غربی برای مردم دنیا می پیچند و ارائه می دهند که طبقاتی را مرفه می کند و رونق اقتصادی را بالا می برد و به قیمت ضعیف شدن و فقیر شدن زیر فشار قرار گرفتن طبقاتی از جامعه تمام می شود؛ این را اسلام نمی پسندد. رفاه اقتصادی همراه با عدالت، همراه با روح مواسات و همراه با روح



۱- همان.

۲- بیانات در اولین روز ورود به ساری، به تاریخ ۱۳۷۴/۷/۲۲.

برادری، باز در سایهٔ اسلام به دست می‌آید.» (۱)

۴/۵- تأمین حق مردم و پر کردن فاصلهٔ طبقاتی

«اصل عدالت اجتماعی، اجرای عدالت، در نظر گرفتن حق توده‌های وسیع مردم و پر کردن فاصلهٔ طبقاتی، یکی از اصول اصلی نظام اسلامی است.» (۲)

۴/۶- پیشرفت و اعتلای اقتصادی

«گرچه اسلام نهضت و حرکت معنوی و اخلاقی بود و هدف اعتلای اسلام عبارت است از ساخت انسان متکامل و منطبق با طراز اسلامی، لکن بدون شک پیشرفت علم و پیشرفت و اعتلای اقتصادی جزو هدفهای اسلامی است.» (۳)

۴/۷- استفاده از ثروت عظیم زمین به نفع بشر

«اسلام ما را مأمور کرده است که از ثروت عظیم زمین به نفع بشر استفاده کنیم؛ «واستعمرکم فیها». خداوند متعال این زمین را- که همهٔ خیرات و منابع حیاتی برای بشر در دل آن گنجانده شده است- در اختیار انسان قرار داده و از او می‌خواهد که آن را آباد کند و منابع حیاتی را به نفع زندگی بشر از آن بیرون بکشد.» (۴)

۱- بیانات در دیدار با میهمانان داخلی و خارجی دهمین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی (ره)، به تاریخ ۱۳۷۸/۳/۱۲.

۲- بیانات در اجتماع بزرگ زائران حرم امام خمینی (ره)، به تاریخ ۱۳۸۱/۳/۱۴.

۳- بیانات در دیدار با اقتصاددانان شرکت کننده در اجلاس بانک توسعهٔ اسلامی، به تاریخ ۱۳۸۳/۶/۲۵.

۴- بیانات در اجتماع بزرگ مردم رفسنجان، به تاریخ ۱۳۸۴/۲/۱۸.



۴/۸- لحاظ ارزشهای معنوی در پیشرفت و رفاه مادی

«این خطاست اگر خیال کنیم اسلام با پیشرفت و توسعه و رفاه مادی جامعه مخالف است؛ به هیچ وجه این طور نیست. جامعه‌ای که در آن، پیشرفت علمی و عملی، پیشرفت فناوری و پیشرفت دنیایی مردم وجود داشته باشد؛ اسلام این را برای پیروان خود می‌پسندد. تشویق اسلام به علم و عمل و تلاش و فعالیت، از همین جهت است. سنت الهی بر این قرار گرفته است که هر ملتی تلاش و کار کند، بدون تردید نتیجه آن را خواهد دید. بنابراین اسلام حیات مادی مردم را هم تأمین می‌کند؛ منتها غرق شدن در حیات مادی، فراموش کردن ارزشهای معنوی، ایجاد شکاف بین طبقات جامعه، و فاصله انداختن بین قشرهای مختلف مردم را نمی‌پسندد و نمی‌پذیرد؛ و این، نظام اسلام را ممتاز کرده است.» (۱)

۴/۹- نگاه الهی و معنوی به اقتصاد

«مسئله دیگر، نگاه غیرمادی به اقتصاد است. بسیاری از این مشکلاتی که در دنیا پیش آمده، به خاطر نگاه مادی به مسئله اقتصاد و مسئله پول و مسئله ثروت است. همه این چیزهایی که دوستان از انحرافهای غرب و مشکلات فراوان و مسئله استثمار و استعمار و اینها ذکر کردند، به خاطر این است که به پول و به ثروت نگاه ماده‌گرایانه وجود داشته. می‌توان این نگاه را تصحیح کرد. اسلام برای ثروت اهمیت قائل است. اعتبار قائل است. تولید ثروت در اسلام مطلوب است؛ منتها با نگاه الهی و معنوی. نگاه الهی معنوی این است که از این



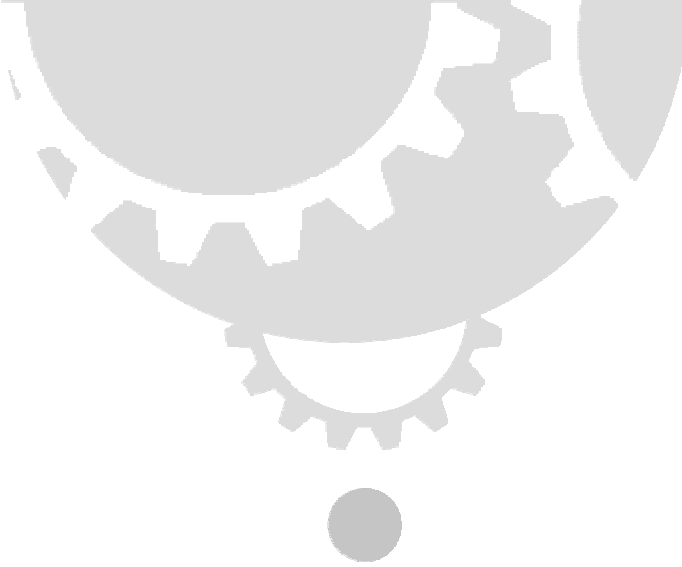
ثروت برای فساد، برای ایجاد سلطه، برای اسراف نباید استفاده کرد؛ از این ثروت بایستی برای سود جامعه بهره برد. و بقیه مسائل فراوانی که وجود دارد.»(۱)

۴/۱۰- نامطلوب بودن فاصله درآمدها و شکاف اقتصادی

«من به مسئولان کشور توصیه می‌کنم که در زمینه اهمیت ارتقاء سهم بهره‌وری در رشد اقتصادی کشور با مردم حرف بزنند؛ بگویند سهم بهره‌وری در رشد اقتصادی کشور و همچنین کاهش فاصله درآمدی دهکهای بالا و پایین جامعه- این شکاف درآمدها، شکاف اقتصادی بین بخشهای مختلف جامعه- چقدر اهمیت دارد. این فاصله‌ها و شکافها مطلوب ما نیست؛ اسلام این را نمی‌پسندد.»(۲)

۱- بیانات در نخستین نشست اندیشه‌های راهبردی، به تاریخ ۱۳۸۹/۹/۱۰.

۲- بیانات در حرم مطهر رضوی در آغاز سال نو، به تاریخ ۱۳۹۰/۱/۱.



گفتار ششم استقلال اقتصادی

(معنا و مفهوم، اهمیت و ضرورت، پیش شرطها، الزامات و
ضروریات)

اشاره:

استقلال اقتصادی، یکی از حساس‌ترین و سرنوشت‌سازترین مقوله‌هایی است که در عرصه اقتصاد مطرح است. استقلال اقتصادی به زبان ساده یعنی آن که یک کشور از نظر اقتصادی روی پای خود بایستد و به کسی احتیاج نداشته باشد. نکته مهمی که در مورد استقلال اقتصادی وجود دارد این است که استقلال اقتصادی معنایش این نیست که کشور دارای استقلال با کشورهای دیگر در دنیا مبادله اقتصادی نداشته باشد، بلکه باید معاملات تجاری بین‌المللی وجود داشته باشد اما با رعایت دو اصل اساسی؛ اول آن که کشور نیازهای اصلیش را بتواند خود تأمین کند و دوم آن که در معادلات اقتصادی دنیا و مبادلات جهانی، وزنه‌ای باشد و خودش به طور مستقل مصالح و منافعش را تعیین کند و بر اساس این مصالح و منافع روابط تجاری و اقتصادی‌اش را جهت دهد.

برای یک کشور، استقلال اقتصادی یک ضرورت حیاتی است. استقلال اقتصادی از استقلال سیاسی، بالاتر است چرا که استقلال اقتصادی زمینه‌ساز استقلال سیاسی است و تا مملکتی در اقتصادش به استقلال نرسد، نمی‌تواند در هیچ زمینه‌ای سیاست مستقلی اتخاذ نماید. کشوری که وابستگی اقتصادی داشته باشد باید در عرصه سیاست همواره دنباله‌رو کشورهای باشد که نیازهای اقتصادی‌اش را برآورده می‌سازند!

استقلال سیاسی پیش شرطها و ضروریاتی دارد. از جمله

پیش شرطهای استقلال اقتصادی می‌توان احساس مسئولیت و وجدان کاری عمومی، وجدان دینی و احساس مسئولیت سرمایه‌داران، ابتکار و نوآوری، تولید محصولات دارای قدرت رقابت در بازارهای جهانی و از جمله ضروریات استقلال اقتصادی می‌توان نیروی انسانی کارآمد، منابع درآمدزا، امکانات فراوان، دانش، تخصص، و همکاریهای علمی و فنی بین‌المللی و تلاش مسؤولان را نام برد.



۱- معنا و مفهوم استقلال اقتصادی

«استقلال اقتصادی، یعنی ملت و کشور، در تلاش اقتصادی خود روی پای خود بایستد و به کسی احتیاج نداشته باشد، معنایش این نیست که ملتی که استقلال اقتصادی دارد، با هیچ کس در دنیا داد و ستد نمی کند؛ نه. داد و ستد، دلیل ضعف نیست. چیزی را خریدن، چیزی را فروختن، معامله کردن، گفتگوی تجاری کردن، اینها دلیل ضعف نیست. اما باید طوری باشد که یک ملت، اولاً نیازهای اصلی خودش را بتواند خودش فراهم کند. ثانیاً، در معادلات اقتصادی دنیا و مبادلات جهانی، وزنه‌ای باشد. نتوانند او را به آسانی کنار بگذارند؛ نتوانند او را به آسانی محاصره کنند؛ نتوانند او را به آسانی فرو دهند و هر چه می خواهند به او املا کنند.» (۱)

۲- اهمیت و ضرورت استقلال اقتصادی

۲/۱- استقلال اقتصادی یک ضرورت حیاتی

«برای یک کشور، استقلال اقتصادی یک ضرورت حیاتی است. وقتی رشته‌های اقتصاد یک کشور به بیگانگان وصل باشد، معنایش این است که رگ حیات و تغذیه این پیکر به جایی دیگر وصل است؛ پس اختیار در دست دیگری خواهد بود.» (۲)

۱- بیانات در دیدار با کارگران و فرهنگیان کشور، به مناسبت «روز کارگر» و «روز معلم»، به تاریخ ۱۳۷۲/۲/۱۵.

۲- خطبه‌های نماز جمعه تهران، به تاریخ ۱۳۶۹/۱/۱۰.

۲/۲- استقلال اقتصادی بالاتر از استقلال سیاسی

«بالاتر از استقلال سیاسی، استقلال اقتصادی است.» (۱)

۳- پیش شرطهای استقلال اقتصادی

«البته می‌توانیم امروز ادعای استقلال اقتصادی کنیم؛ اما به شرطها و

شروطها، این، چند شرط دارد.» (۲)

۳/۱- احساس مسؤولیت و وجدان کاری عمومی

«اولاً این که در کشور، هر کس، هر کاری را که به عهده دارد، خوب انجام دهد. فرمود: «رحم‌الله امرء عمل فائقه»؛ خدا رحمت کند آن کسی را که کاری انجام دهد و آن را محکم و متقن انجام دهد؛ خوب انجام دهد. شما اگر یک پیچ را می‌گردانید و سفت می‌کنید، اگر یک چرخ را می‌چرخانید، اگر جایی یک بخیه می‌زنید، اگر ماشینی را گریسکاری می‌کنید، اگر کتاب را چاپ می‌کنید، اگر کتاب را می‌نویسید، اگر سر کلاس درس می‌دهید، اگر در بیمارستان به بیماران می‌رسید، اگر در شهرداری مشغول تمیز کردن معابر شهری مردم خودتان هستید، اگر گوینده‌اید، اگر نویسنده‌اید، اگر محققید، اگر روحانی هستید، اگر مشغول تحصیل و درس خواندن هستید، اگر در دانشگاه یا مدرسه هستید، اگر در کار هنر مشغولید، اگر فیلمسازید، اگر داستان‌نویس هستید، اگر روزنامه‌نگارید؛ هر چه هستید و هر که هستید و هر جا کار می‌کنید، باید سعی کنید کاری را که انجام



۱- بیانات در دیدار با پرسنل و فرماندهان ارتش، به تاریخ ۱۳۷۵/۱/۲۸.

۲- بیانات در دیدار با کارگران و فرهنگیان کشور، به مناسبت «روز کارگر» و «روز معلم»، به

تاریخ ۱۳۷۲/۲/۱۵.

می دهید، درست انجام دهید، کامل انجام دهید، محکم انجام دهید، و کم نگذارید. این، یکی از شرایطی است که اگر محقق شود، ما به استقلال اقتصادی می‌رسیم.» (۱)

۳/۲- وجدان دینی و احساس مسؤولیت افراد پولدار

«شرط دوم این است کسانی که پول و امکانات دارند، فقط به فکر خودشان نباشند؛ چون آن پول هم از همین کشور به دست آمده، آن پول هم در سایه همین ملت و از همین آب و خاک به دست آمده است. چه کسی می‌تواند بگوید «من پول دارم و در پولدار شدن خودم، مرهون خدمات و کمک‌های دولت و ملت نیستم؟» مگر چنین چیزی می‌شود؟ از آسمان که برای انسان پول نمی‌ریزند! پول در همین زندگی و تلاش روزمره به دست می‌آید. هزاران نفر کار می‌کنند؛ یک نفر تصادفاً پولدار می‌شود. کسانی که پول و امکان دارند، این پول را فقط برای استفاده خودشان مصرف نکنند. شما اگر می‌خواهی در جایی سرمایه‌گذاری کنی و به کاری بپردازی، فقط به فکر این نباش که این کار چقدر به من سود می‌رساند؟ ما نمی‌گوییم هیچ ملاحظه‌شخص خودتان را نکنید. در کاری که تولید آن، مملکت را به پیش نمی‌برد سرمایه‌گذاری نکنید. کسانی که پول و امکانات دارند، وجدان دینی و احساس مسؤولیت داشته باشند.» (۲)

۳/۳- ابتکار و نوآوری

«شرط دیگر این است که در محیط کار و تلاش اقتصادی کشور،

۱- بیانات در دیدار با کارگران و فرهنگیان کشور، به مناسبت «روز کارگر» و «روز معلم»، به

تاریخ ۱۳۷۲/۲/۱۵.

۲- همان.



ابتکار وجود داشته باشد. من عرض می‌کنم چه خوب است کارخانه‌هایی که در کشور ما وجود دارد؛ چه آنهایی که در اختیار دولت است و چه آنهایی که در اختیار مردم است، امروز تعداد زیادی از واحدهای تولیدی در اختیار مردم و مال خود مردم است یک مقدار از درآمدها را برای تحقیق، برای پیشبرد کار و برای کیفیت بخشیدن به کالای تولیدشان صرف کنند. چرا ما باید بنشینیم که دیگری در اروپا، یا در یک گوشه دیگر دنیا تحقیقی بکند و ما از او یاد بگیریم؟! مگر ما کمتر از آنها هستیم؟! مگر ما کمتر می‌فهمیم؟! پس باید تحقیقات کنند، ابتکار کنند، تولید را جلو ببرند، صنعت را جلو ببرند، تولید را از لحاظ کیفیت و کمیت بالا ببرند. این هم یک شرط؛ ابتکار داشتن و نوآوری.» (۱)



۳/۴- تولید محصولاتی که قابلیت رقابت در بازارهای جهانی را داشته باشند

«چیزی را به بازار خواست بشر در سطح جهان عرضه کنید که چشمها را به طرف شما بگرداند و به آن احساس احتیاج کنند. فقط ادعا نباشد. در این میدان باید واقعاً عمل باشد. این هم یک شرط است.» (۲)

۳/۵- تکیه بر متفکران و اقتصاددانان داخلی

«دستگاههای علمی کشور به کمک اقتصاد کشور بیایند. متفکرین دانشگاهها بیایند و برای دولت کار کنند. دولت تکیه به متفکرین و

۱- همان.

۲- بیانات در دیدار با کارگران و فرهنگیان کشور، به مناسبت «روز کارگر» و «روز معلم»، به تاریخ ۱۳۷۲/۲/۱۵.

علمایی کند که در دانشگاهها هستند و درس می‌خوانند. خیال هم نکنند که تحقیق و حرف فلان متفکر اروپایی که چیزی گفته، همیشه همین است. امروز چیزی می‌گویند و بیست سال دیگر، ده سال دیگر، پنج سال دیگر، یک نفر عالم دیگر می‌آید و آن حرف را باطل می‌کند و حرف دیگری می‌زند. چرا ما عادت کرده‌ایم هر چه غریبها گفتند، بی‌قید و شرط قبول کنیم و دست روی دست بگذاریم و از آنها گوش کنیم و بپذیریم؟! شما باید درستش را پیدا کنید. اقتصاددانان کشور ما باید آنچه را که با اوضاع سرزمین ما، با عقاید ما، با خصوصیات مملکت ما و متناسب با مسائل اقتصادی ماست، پیدا کنند.» (۱)

۳/۶- حمایت از قشرهای محروم و فقیر و کم‌درآمد

«قشرهای محروم و فقیر و کم‌درآمد، که گران شدن یک جنس فوراً در زندگی شخصی‌شان اثر می‌گذارد، باید تحت حمایت و پوشش قرار بگیرند. این را عرض می‌کنیم تا مسؤولین مسائل اقتصادی و بخشهای مختلف اقتصادی و کسانی که کار و تولید در اختیارشان است، روی این قضا یا درست فکر کنند و این قشرهای آسیب‌پذیر و به اصطلاح مستضعفین و محرومین و کم‌درآمدها، به نحوی کمک شوند، تا ان شاء الله این ملت بتواند اقتصاد را شکوفا کند.» (۲)

۱- بیانات در دیدار با کارگران و فرهنگیان کشور، به مناسبت «روز کارگر» و «روز معلم»، به تاریخ ۱۳۷۲/۲/۱۵.

۲- همان.

۴- الزامات و ضروریات استقلال اقتصادی

۴/۱- اتکا بر نیروها و استعدادهای بومی

«جمهوری اسلامی، برای بریدن رشته‌های پیوند و وابستگی اقتصادی خود، فقط به اراده نیرومند ملت خویش و استعداد درخشان ایرانیان متکی بود و هست. پس، در راه استقلال اقتصادی، ملت ما پیش رفت و باز هم پیش می‌رود.» (۱)

۴/۲- استفاده از نیروی انسانی کارآمد، و امکانات علمی و فنی

«اگر کشوری بخواهد به سمت استقلال اقتصادی برود، احتیاج به نیروی انسانی کارآمد، منابع درآمدزا، امکانات فراوان، دانش، تخصص، همکاریهای علمی و فنی بین‌المللی و بسیاری از چیزهای دیگر دارد.» (۲)

۴/۳- ترجیح دادن تولیدات داخلی بر خارجی

«ما هرگز به داشته‌های دیگران پشت نمی‌کنیم. هر کسی هر چه دارد؛ چه علم، چه امکانات، چه تکنولوژی و موجودی فنی او- وقتی که ناگزیر باشیم- اگر بتوانیم همه آنها را در خدمت هدفهای خودمان قرار بدهیم، لحظه‌یی دریغ نخواهیم کرد. ما همه اینها را بایستی وسیله و پلی برای جوشیدن استعداد سازندگی از درون کشور قرار بدهیم. هر جا که می‌توانیم در داخل کشور تولید کنیم، بایستی این را بر استفاده از مصنوعات خارجی ترجیح بدهیم. هر چیزی که در داخل کشور تولید می‌شود، برای ما مبارکتر از مشابه خارجی آن است؛ حتی

۱ - خطبه‌های نماز جمعه تهران، به تاریخ ۱۳۶۹/۱۰.

۲ - همان.



اندکی بهتر از آن که از دست دیگری و دروازه‌یی از دروازه‌های کشور وارد بشود.»(۱)

۴/۴- پرورش استعداد های بومی و به کار گیری شایسته آنان

«استعدادها را باید پرورش بدهیم، همه کس - چه اهل علم، چه اهل تکنولوژی، چه اهل ابتکار، چه اهل مسائل فنی در هر سطحی - باید احساس بکنند که بار سازندگی کشور بر دوش آنهاست. ما خودمان باید کشور را بسازیم؛ کسی کشور را برای ما آن‌چنان که مورد نیاز ماست، نخواهند ساخت. ما خودمان هستیم که خانه خودمان را بر طبق نیازهای خودمان می‌سازیم. آنهایی که تاکنون در طول دهها سال، با چشم طمع به ما و به کشور و به منابع ما نگاه کرده‌اند و در این دوازده، سیزده سال اخیر، غالباً با چشم بغض به ما نگاه کرده‌اند، اینها اگر هم با ما در میدان سازندگی وارد بشوند، خانه ما را آن‌گونه که با هدف‌هایمان، با طبیعت کشورمان، با فرهنگمان و با خلیاتمان مناسب است، نخواهد ساخت؛ بلکه به گونه‌یی خواهند ساخت که متناسب خواست آنهاست. پس، اصل این است که ما خودمان بسازیم.»(۲)

۴/۵- تلاش مسؤولان

«بالا تر از استقلال سیاسی، استقلال اقتصادی است که مسؤولان کشور، نمایندگان مجلس و دست‌اندرکاران مسائل اقتصاد، باید توجه کنند که در زمینه پول، در زمینه ساز و کارهای اقتصادی و در زمینه فعالیت‌های اقتصادی، وابستگی خودشان را در همه بخشها قطع

۱- بیانات در دیدار با وزیر و جمعی از مسؤولان و کارشناسان وزارت نفت و مهندسان و کارگران

اطفای حریق چاه‌های نفت کویت، به تاریخ ۱۳۷۰/۹/۱۲.

۲- همان.

کنند.» (۱)

۵- خلأ استقلال اقتصادی در دوران طاغوت

«در گذشته همه چیز این ملت به گونه‌ی بنا شده بود که به همان قدرتها وابسته باشد، صنعت دقیق ما که جای خود دارد، حتی کشاورزی ما را وابسته کردند و بیگانگان و قدرتهای حاکم و رژیم منحط پهلوی و قبلیها، کاری کردند که کشاورزی ما با پیشرفتهای علمی دنیا ناآشنا باشد.» (۲)

«قبل از انقلاب، تسلط حکومتهای وابسته، یک اقتصاد کاملا وابسته به غرب و بخصوص امریکا را در این کشور رشد داده بود.» (۳)

«به گمان من، یکی از بزرگترین جرائم و گناهان رژیم پهلوی، عبارت بود از این که کشور را از لحاظ فنی، صنعتی و اقتصادی، وابسته نگهداشت و وابسته تر کرد. سرنوشت یک کشور را در نانش، در گندمش، در سیلوی گندمش، در وسیله آرد کردن گندمش، در مواد غذایی و در همه چیزش، به خارج وابسته کرد! شما از این مواد غذایی و نان بگیری، تا سایر چیزها، ایران به خارج از مرزها وابسته شد؛ به طوری که اگر یک وقت دشمنان اراده کنند، بتوانند این ملت

۱- بیانات در دیدار با پرسنل و فرماندهان ارتش، به تاریخ ۱۳۷۵/۱/۲۸.

۲- سخنرانی در دیدار با ائمه جمعه، روحانیون، مسؤولان و اقشار مختلف مردم شهرهای کیودرآهنگ و بهار همدان، هشتمین طوالش، سبزوار و مرند، اعضای ستاد نماز جمعه تهران، فرهنگیان و دانش‌آموزان گلپایگان و دست‌اندرکاران احداث حسینیه امام خمینی (ره)، به تاریخ ۱۳۶۸/۹/۱.

۳- خطبه‌های نماز جمعه تهران، به تاریخ ۱۳۶۹/۱/۱۰.



را از همه چیز محروم کنند. کسی که این طور کشوری درست کند و اداره نماید و به این جا برساند، خیانتی مرتکب شده است که هیچ خیانت دیگری جز آن که در همین سطح باشد، با آن قابل مقایسه نیست.» (۱)

۶- استقلال اقتصادی در جمهوری اسلامی ایران

«کشور ما از ساعت اول، در جهت استقلال اقتصادی حرکت کرد. درست است که قبل از انقلاب، تسلط حکومت‌های وابسته، یک اقتصاد کاملاً وابسته به غرب و بخصوص امریکا را در این کشور رشد داده بود و بریدن این رشته‌ها کار بسیار دشواری بود؛ اما این رشته‌ها بریده شد و ما توانستیم در جهت استقلال اقتصادی حرکت کنیم.» (۲)

«ما باید از لحاظ اقتصادی هم خودمان را به طور کامل از زیر نفوذ قدرتها خارج کنیم. یعنی ملت ما باید بتواند بنابر تشخیص و مصلحت خود، آن صنعت و کالا و متاعی را که احتیاج دارد، در داخل کشور و با استفاده از منابع و امکانات موجود تولید کند.» (۳)

«باید این ملت بتدریج، با ابتکار و تلاش خود و با قوت مدیریتی که بر آن اعمال می‌شود و نیز با وحدتی که همه مردم در جهت آزادی

۱ - بیانات در دیدار با کارگران و معلمان در آستانه روز کارگر و روز معلم، به تاریخ ۱۳۷۷/۳/۹.

۲ - خطبه‌های نماز جمعه تهران، به تاریخ ۱۳۶۹/۱/۱۰.

۳ - سخنرانی در دیدار با ائمه جمعه، روحانیون، مسؤولان و اقشار مختلف مردم شهرهای کبودرآهنگ و بهار همدان، هشتر طولش، سبزواری و مرند، اعضای ستاد نماز جمعه تهران، فرهنگیان و دانش‌آموزان گلپایگان و دست‌اندرکاران احداث حسینیه امام خمینی (ره)، به تاریخ ۱۳۶۸/۹/۱.

و استقلال دارند و همچنین با آشنایی آنها به توطئه و ترفندهای تبلیغاتی دشمن، به طرف آزادی و استقلال کامل اقتصادی بروند.» (۱)

«البته تا رسیدن به یک استقلال اقتصادی کامل، هنوز فاصله داریم و مردم باید کار کنند، جوانان باید درس بخوانند، متخصصان باید تلاش نمایند و کسانی که می‌توانند در این مقصود مهم ملی کمک کنند - هرگونه کمکی - آن را باید انجام دهند.» (۲)

۷- خلاصه استقلال اقتصادی در دنیا

«دولت امریکا هم به سرمایه‌دارهای صهیونیست بین‌المللی وابسته است. اگرچه ممکن است از لحاظ ملیت، خود آن سرمایه‌دارها هم امریکایی باشند، اما دولت وابسته است. اگر یک رئیس‌جمهور در امریکا، آن جایی که منافع سرمایه‌دارها ایجاب نمی‌کند، یک قدم کج بردارد - مثل کندی و امثال او - پایش را از دایره بیرون می‌کند و پدرش را درمی‌آورد.» (۳)

«ما کشورهای قوی و بزرگی را می‌شناسیم که صنعتی و پر ادعا و دارای پیشرفتهای گوناگونند که با تمام این خصوصیات، با کشوری معامله‌ی کرده و چند قلم جنس به یک کشور فروخته و پولش را هم گرفته است؛ اما وقتی می‌خواهد جنس را تحویل بدهد، امریکاییها از آن طرف دنیا اشاره می‌کنند که تحویل ندهد، این دولت هم دیگر

۱ - همان.

۲ - خطبه‌های نماز جمعه تهران، به تاریخ ۱۳۶۹/۱/۱۰.

۳ - خطبه‌های نماز جمعه تهران، به تاریخ ۱۳۶۸/۱۱/۲۰.



جرأت نمی کند جنس را تحویل بدهد! این کشور، اروپایی و صنعتی و پیشرفته هم است و اگر به او بگویید شما مستقل نیستی، رگهای گردنش بیرون می زند!» (۱)

«بیشتر کشورهای انقلابی در قرن معاصر، متمایل به شرق بودند. اینها از دولتها و قدرتهای شرقی استفاده می کردند. مثلاً وقتی که چین انقلاب کرد، تاده سال بلکه بیشتر، کشور شوروی - که برادر بزرگ او محسوب می شد و در انقلاب سوسیالیستی پیشگام بود - به چین کمک اقتصادی و فنی می کرد و متخصص و کارشناس به آن کشور می فرستاد. سایر کشورهای کمونیستی هم همین گونه بودند.» (۲)



۱ - همان.

۲ - خطبه‌های نماز جمعه تهران، به تاریخ ۱۳۶۹/۱/۱۰.



گفتار هفتم

پیشرفت و عدالت

(مفاهیم، آثار، پیش شرطها، الزامات)

اشاره:

پیشرفتِ موردِ نظر جمهوری اسلامی، پیشرفتی همه جانبه و با تمسک به ارزشهای اخلاقی و پایبندی به ایمان دینی است. پیشرفت مورد نظر ما تفاوتها و اشتراکاتی با دیدگاههای غربی دارد که باید در عرصه پیشرفت بشدت این تفاوتها و اشتراکات را مدنظر قرار دهیم چراکه دامنه پیشرفت آن قدر وسیع و پیچیده است که اگر کوچکترین بی‌دقتی و مسامحه در جریان آن رخ دهد ممکن است ناخواسته عوامل منفی پیشرفت غربی - که در دل دستاوردهای علمی و فنی شان نهفته است - در پیشرفت ما رسوخ کند و معضلاتی را از این بابت متوجه ما نماید.

در فرهنگ و اعتقادات ما مبانی معرفتی ناب و روشنی بخشی وجود دارد که می‌تواند اساس پیشرفت مان قرار گیرند و ما را از گرایش به مبانی غربی به بهانه پیشرفت و ترقی بی‌نیاز نمایند. ملاحظه عناصر اصلی هویت ملی در پیشرفت، رشد همه جانبه در کنار عشق به معنویت و ارتباط با خدا، عاطفه انسانی و احساس مسؤلیت از جمله ارزشهای متعالی فرهنگی و عقیدتی ما به شمار می‌آیند که می‌توانند پایه و پشتوانه هرگونه پیشرفتی باشند و نه تنها آسیبها و مضراتی ندارند بلکه تاریخ نشان داده است که آثار مثبت و برکات بی‌شماری نیز بر آنها مترتب است.

عدالت مقوله‌ای است که در اسلام به آن توجه ویژه‌ای شده است. به جرأت می‌توان گفت که در اسلام در عرصه مسائل اجتماعی، هیچ چیز به قدر عدالت، مورد توجه قرار نگرفته است.

در مکتب امام خمینی نیز عدالت اجتماعی یکی از مهمترین و اصلی ترین خطوط محسوب می گردد.

در مورد الزامات عدالت نیز می توان گفت که عقلانیت و معنویت، دو مورد از مهمترین الزامات آن را تشکیل می دهند. جایگاه عقلانیت در آن به این صورت است که اگر عقل و خرد در تشخیص مصادیق عدالت به کار گرفته نشود، انسان به گمراهی و اشتباه دچار می شود؛

یکی از مهمترین عرصه هایی که عدالت در آن مورد انتظار است عرصه اقتصادی می باشد. از میان رفتن فاصله ژرف میان طبقات و برخورداریهای نابحق و محرومیتها، یکسان کردن موجود و... همه و همه از جمله مفاهیم و مصادیق عدالت اقتصادی هستند. عدالت اقتصادی یعنی فرصتها در مقابل همه باشد و امکانات عمومی مورد استفاده همه قرار گیرد و از تبعیض در برخورداریهای اقتصادی به شدت اجتناب شود. چنین عدالتی نه تنها فواید و آثار مثبت فراوان و عظیمی دارد بلکه پشتوانه امنیت اقتصادی و فعالیتهای سالم اقتصادی نیز محسوب می گردد.

تأمین عدالت، هدف اصلی در نظام جمهوری اسلامی و محور انقلاب می باشد. ما معتقدیم در کشور باید عدالت باشد و ثروت ملی میان همه مردم تقسیم شود. حرکت در چهارچوب چنین اعتقادی، تاکنون دستاوردهای غرور انگیزی برای جمهوری اسلامی به همراه داشته است.



۱- پیشرفت

۱/۱- مفهوم پیشرفت

«آنچه که پیشرفت هست، این است که ما از هر که و هر جور، همه دانشهای مورد نیازمان را فرا بگیریم؛ این دانش را به مرحله عمل و کاربرد برسانیم، تحقیقات گوناگون انجام بدهیم، برای این که دامنه علم را توسعه بدهیم، تحقیقات بنیادی انجام بدهیم، تحقیقات کاربردی و تجربی انجام دهیم، تا فناوری را به وجود آوریم یا فناوری جدید را به وجود بیاوریم یا فناوری را تکمیل کنیم؛ تصحیح کنیم و انجام بدهیم؛ در زمینه آموزشهای مدیریتی از پیشرفتهای دنیا فرا بگیریم، آن را بین خودمان بر طبق نیازها و عرف و فرهنگ خودمان تحلیل و فهم کنیم و با جامعه مان تطبیق کنیم.» (۱)

«پیشرفت در یک جهت محض نیست. مقصود از پیشرفت، پیشرفت همه جانبه است.» (۲)

۱/۲- عناصر پیشرفت

«پیشرفت مادی کشور در درجه اول، متوقف بر دو عنصر است: یک عنصر، عنصر علم است؛ یک عنصر، عنصر تولید است. اگر علم نباشد، تولید هم صدمه می بیند؛ کشور با علم پیش می رود. اگر علم باشد، اما بر اساس این علم و بر بنیاد دانش، تولید تحول و تکامل و

۱- دیدار با دانشجویان، به تاریخ ۱۳۸۵/۸/۱۸.

۲- بیانات در اجتماع بزرگ زائران و مجاوران حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام)، به تاریخ

۱۳۸۸/۱/۱.



افزایش پیدا نکند، باز کشور درجا می‌زند. عیب کار ما در دوران حکومت طواغیت این بود که نه علم داشتیم، و چون علم نبود، نه تولید متکی بر پایه علم و پیشرونده و رشدیابنده داشتیم. لذا دنیا وقتی وارد میدان صنعت شد، پیش رفت؛ قاره آسیا که دیرتر از اروپا وارد میدان صنعت شده بود، پیش رفت؛ ولی ما بر اثر حکومت این طواغیت و شرایط گوناگون، عقب ماندیم. اگر می‌خواهیم جبران کنیم - که می‌خواهیم، و ملتمان حرکت هم کرده است و به میزان زیادی پیش هم رفته است - باید به علم و تولید اهمیت بدهیم.» (۱)

۱/۳ - پیش شرطها و پیش فرضهای پیشرفت

«توصیه بعدی من، توصیه به مسئولان و آحاد مردم به طور برابر است. این توصیه این است که عزیزان من! اگر کشور بخواهد به سمتی که برای آن مطلوب است - چه از لحاظ اقتصادی، چه از لحاظ سیاسی، چه از لحاظ معنوی یا سطح علم و سواد - پیشرفت کند، به محیط آرام و بی‌تشنج احتیاج دارد.» (۲)

«فعالیت و ابتکار و نوآوری و خلاقیت، اساس پیشرفت انسان و زندگی انسانی است.» (۳)

«یک نکته‌ای را در این جا عرض بکنم و آن مسأله جهانی شدن است. جهانی شدن، اسم خیلی قشنگی است و هر کشوری فکر می‌کند

- ۱ - بیانات در دیدار با کارگران نمونه سراسر کشور، به تاریخ ۱۳۸۹/۲/۸.
- ۲ - بیانات در اجتماع بزرگ مردم اراک، به تاریخ ۱۳۷۹/۸/۲۴.
- ۳ - بیانات در دیدار با کارکنان مجتمع مس سرچشمه، به تاریخ ۱۳۸۴/۲/۱۸.



بازارهای جهانی به رویش باز می‌شود. اما جهانی شدن به معنای تبدیل شدن به یک پیچ و مهره‌ای در ماشین سرمایه‌داری غرب، نباید مورد قبول هیچ ملت مستقلی باشد. اگر قرار است جهانی شدن به معنای درست کلمه تحقق پیدا بکند، باید کشورها استقلال خودشان - استقلال اقتصادی و استقلال سیاسی - و قدرت تصمیم‌گیری خودشان را حفظ کنند؛ و الا جهانی شدن که دهها سال پیش از طریق بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول و سازمان تجارت جهانی و امثال اینها - که همه ابزارهای امریکایی و استکباری بودند - به وجود آمده، ارزشی ندارد. بنابراین، یک اصل مهم، مسأله استقلال است؛ که اگر این نباشد پیشرفت نیست، سراب پیشرفت است.» (۱)

۱/۴ - آفات پیشرفت تقلیدی

«رایج شدن و پیشرفت تقلید، پیشرفت نیست. وابسته کردن اقتصاد، تقلیدی کردن علم، ترجمه‌گرایی در دانشگاه؛ که هر چه که آن طرف مرزها، مرزهای غربی و کشورهای اروپایی، گفته‌اند، ما همان را ترجمه کنیم و اگر کسی حرف زد، بگویند مخالف علم حرف می‌زند؛ پیشرفت نیست و ما این را پیشرفت نمی‌دانیم. نه این که ترجمه را رد کنیم؛ من این را بارها در مجامع دانشگاهی گفته‌ام؛ نخیر، ترجمه هم خیلی خوب است؛ یاد گرفتن از دیگران خوب است؛ اما ترجمه کنیم تا بتوانیم خودمان به وجود آوریم. حرف دیگران را بفهمیم تا حرف نو به ذهن خود ما برسد؛ نه این که همیشه پای حرف کهنه دیگران بمانیم. یک حرفی را در زمینه مسائل اجتماعی پنجاه، شصت

سال پیش فلان نویسنده یا فیلسوف یا شبه فیلسوف فرهنگی گفته، حالا آقایی بیاید در دانشگاه، دهنش را با غرور پُر کند و همان را دوباره به عنوان حرف نو برای دانشجو بیان کند! این پیشرفت نیست؛ پسرقت است. زبان و ملی را مغشوش کردن، هویت اسلامی ملی را سلب کردن و مدل بازی به جای مدل سازی، پیشرفت نیست. ما وابسته شدن و غربی شدن را پیشرفت نمی دانیم.» (۱)

۱/۵- برخورد مطلوب با پیشرفت و تحوّل

«حرف ما این است: یک؛ با تحوّل نباید سینه به سینه شد. دو؛ از تحوّل باید استقبال کرد. سه؛ نه فقط با تحوّل نباید دشمنی کرد، که باید از آن استقبال کرد. چهار؛ تحوّل را باید مدیریت کرد؛ در تحوّل، دگرگونی به سمت پیشرفت و تعالی را باید در نظر گرفت. تحوّل که موجب پسرقت بشود، تحوّل بدی است. پنج؛ تحوّل را با آنارشیستم و ساختارشکنی و هرج و مرج نباید اشتباه گرفت. و بالأخره پایه تحوّل را بایستی غیر از آن چیزی که امروز معیارهای پیشرفت در دنیا محسوب می شود- که اغلبش را شمردیم- دانست؛ و معیارهای ویژه جمهوری اسلامی و حرف نو اسلام در زمینه های اخلاق، معنویت، معرفت الهی، انسان دوستی و ارتباطات و عواطف بشری را در نظر گرفت و اینها را هم بایستی جزو معیارهای پیشرفت دانست.» (۲)

۱/۶- پیشرفت از دیدگاه اسلام

«اساس نگاه اسلامی به پیشرفت، بر پایه این نگاه به انسان است:

۱- دیدار با دانشجویان، به تاریخ ۱۳۸۵/۸/۱۸.

۲- همان.



اسلام انسان را یک موجود دوساحتی می‌داند؛ دارای دنیا و آخرت؛ این پایه همه مطالبی است که در باب پیشرفت باید در نظر گرفته بشود؛ شاخص عمده این است؛ فارق عمده این است. اگر یک تمدنی، یک فرهنگی و یک آئینی، انسان را تک ساحتی دانست و خوشبختی انسان را فقط در زندگی مادی دنیایی به حساب آورد، طبعاً پیشرفت در منطق او، با پیشرفت در منطق اسلام - که انسان را دو ساحتی می‌داند - بکلی متفاوت خواهد بود. کشور ما و جامعه اسلامی آن وقتی پیشرفته است که نه فقط دنیای مردم را آباد کند، بلکه آخرت مردم را هم آباد کند. پیغمبران این را می‌خواهند: دنیا و آخرت. نه دنیای انسان باید مغفول^{عنه} واقع بشود به توهم دنبالگیری از آخرت، نه آخرت باید مغفول^{عنه} واقع بشود به خاطر دنبالگیری از دنیا. این بسیار نکته مهمی است. اساس، این است. آن پیشرفتی که در جامعه اسلامی مورد نظر است. این چنین پیشرفتی است.» (۱)

۱/۷- نمونه پیشرفت مورد نظر غرب در ایران

«این که «پیشرفت چیست؟» حرفهای گوناگونی در سطح دنیا مطرح است. همه جور حرفی هست؛ نسخه‌های قلابی، توصیه‌های متناقض، عجیب و غریب و بعضاً خائنانه، که این بلایی بود که در آغاز شروع مدرن‌سازی کشور به جان ما ایرانیها افتاد. اول که نشانه‌های پیشرفت اروپایی برای ایرانیها معلوم شد، کم‌کم به فکر افتادند که بینند در اروپا، در آن طرف دنیا، چه خبر است؛ قبل از آن، اصلاً خبر نداشتند که در دنیا چه خبر است! سلاطین قاجاری آن‌قدر گرفتار حرمسراها و

سفره‌خانه‌ها و گرفتاریهای شخصی و مسائل بی‌ارزش خودشان بودند که اصلاً از این که در دنیا چه دارد می‌گذرد، خبر نداشتند، رنسانس چه بود؟ چطور به وجود آمد؟ چرا به وجود آمد؟ نتیجه‌اش چه شد؟ اصلاً این قضایا را تا دوران فتحعلی‌شاه و بعد از آن ملتفت نبودند! بعد که جنگ ایران و روس شد و دستگاه قاجاری به واسطهٔ سلاحهای پیشرفتهٔ روسها - که آن روز از امکانات جدید و سلاحهایی که برای خودشان ساخته بودند، بهره بردند - تو دهنی محکمی خورد، تازه کسانی را به اروپا فرستادند و سفرای اروپایی هم که در ایران زندگی می‌کردند، دست و پای باز کردند. پیغام آورها و مأموران ویژه‌ای هم برای زمینه‌سازی نفوذ سیاسی به ایران گسیل شدند و با روشهای خودشان به ایران آمدند. اولین کسانی که با موج به اصطلاح مدرنیته مواجه شدند، چه کسانی بودند؟ شاهزاده‌ها، رجال دربار قاجاری و شخصیت‌های متنفذ سیاسی آن روز. عامهٔ مردم که خبری نداشتند، علما که اطلاعی نداشتند و دیگران که چیزی نمی‌دانستند. اینها هم بجز خیلی افراد معدود، عموماً - تقریباً می‌شود گفت بدون استثنا - در مواجهه با این فرهنگ و پیشرفتهای غربی مات و مبهوت شدند؛ دست و پای خودشان را گم کردند و نتوانستند ذهن و عقل خودشان را به کار بگیرند و از پیشرفت طرف مقابل، به فکر پیشرفت خود بیفتند. نتیجه چه شد؟ نتیجه این شد که در دوران مشروطیت و بعد از استقرار آن، روشنفکرهای درجهٔ اول ما عقیده‌شان این شد که اگر ایران بخواهد پیشرفت کند، باید از فرق سر تا پا غربی کامل بشود! این، یعنی تقلید محض. و همین‌طور هم عمل کردند و این روند تا حکومت پهلوی ادامه داشت.



حکومت پهلوی آمد این را برنامه‌ریزی کرد تا با سرعت بیشتری این کار انجام بگیرد. به آن مقداری که در دوره قاجار بود، قانع نبودند. پهلوی را برای این سر کار آوردند؛ چند تا روشنفکر دست‌نشانده مورد اعتماد خودشان از ایرانیهای تحت تأثیر غرب را هم به عنوان عناصر فرهنگی، دور و بر آن گذاشتند تا همین کار را بکنند. مسأله کشف حجاب، مسأله تغییر لباس و مسأله حذف کردن نشانه‌های ایرانی اسم: میرزا، سید، خان، آقا، دادن امتیازات فراوان در زمینه‌های نفت و آوردن مستشارهای خارجی - که روز به روز هم بیشتر شد - از این قبیل است. بعد هم که - انگلیسیها رضاخان را کنار گذاشتند، در دوره بعد، امریکاییها از سال ۱۳۳۲ همه کاره کشور شدند؛ این سرگذشت تحولات ما در دوران طاغوت است که با همان مدیریت خطرناک که گفتم، به سمت نابود کردن اصالتها رفت. ای کاش در مقابل چیزی می‌گرفتند! نه، هیچ چیز هم نگرفتند. یعنی ایرانیها در طول سالهای متمادی - بیش از شصت، هفتاد سال - که در اختیار انگلیسیها و غربیها بودند، این قدرت را پیدا نکردند که مثلاً یک مرکز تحقیقات علمی در کشور به وجود آورند که ظرف پنجاه سال دو تا اختراع درست کند؛ دانشمندانی را تربیت کنند که دو، سه تا کشف جدید علمی بکنند؛ یعنی اینها این اندازه از غرب استفاده نکردند. آنها چه می‌خواستند؟ مصرف کننده می‌خواستند. مصرف کننده اقتصادی که به طور طبیعی با خودش مصرف فرهنگی و تسلیم سیاسی را هم همراه دارد. آنها این را می‌خواستند؛ اینها هم راحت تسلیم شدند و دادند. همه این تشنجه‌ها، درگیریها و چالشهایی که شما در دوران حکومت قاجاریه از زمان تنباکو تا دوران رضاخان و تا بعد از آن می‌بینید که



بین جبهه‌ای از مؤمنین به رهبری علما از یک طرف و حکام جائز از یک طرف انجام گرفت، نشأت گرفته از این قضیه است. در قضیه امتیاز «رژی»، میرزای شیرازی در مقابل دادن امتیاز مفت و مجانی یک منبع درآمد بزرگ در کشور به غریبه‌ها و خارجیها، مخالفت کرد. در قضیه امتیاز «رویترا» همین طور، و در قضیه قرارداد ۹۹- قرارداد معروف به «قرارداد وثوق الدوله» که در واقع طبق آن، همه کشور را به دست انگلیسها می‌دادند- هم همین طور بود، که مدرس، آن روحانی برجسته، مخالفت کرد.

در قضیه ملی شدن صنعت نفت هم که مرحوم آقای کاشانی (رضوان الله علیه) دخالت کرد، همین طور بود. این چالشهایی که علما با حکام دورانهای مختلف داشتند- که مردم و بسیاری از روشنفکرها هم با اینها همراهی کردند- همه در این مرز است؛ مرز منافع ملی، و آن طرف هم که تحوّل ناشی از اراده و تصمیم‌گیری قدرتهای بیگانه است. پس نسخه‌های پیشرفت و نسخه‌های غربی و بیگانه، بعضاً حتی خائنانه است.» (۱)

«همان طور که عرض کردم، از بیراهه‌ها باید ترسید. گاهی اوقات یک چیزها و راههایی را برای پیشرفت پیشنهاد می‌کنند که بیراهه است. یک نمونه‌اش را گفتم؛ مثل پیشرفتهای دوره پهلوی که حقیقتاً بعضی‌اش توقف و بعضی‌اش پسرفت و سقوط بود- که حالا جای تفصیلهایش در این جلسه نیست؛ چون وقت نیست- آن یک الگو بود



که واقعاً بیراهه بود؛ به ظواهر دلخوش کردن، غریبها را معیار و ملاک قرار دادن و دنبال آنها حرکت کردن که نتیجه‌اش همین می‌شود که در آن پنجاه، شصت سالِ شوم و سیاه در دوران پهلوی مشاهده شد.» (۱)

۱/۸- پیشرفت مورد نظر جمهوری اسلامی

۱/۸-۱- همه‌جانبه بودن پیشرفت

«پیشرفت را عرض کردم؛ مقصود، پیشرفتِ همه‌جانبه است؛ یعنی پیشرفتِ مادی و پیشرفتِ معنوی. پیشرفتِ مادی را هم نفی نمی‌کنیم. بعضی مطلقاً مسألهٔ معیشت مردم، مسألهٔ اشتغال مردم، مسألهٔ پیشرفتهای علمی و فناوری را مطلقاً دست کم نمی‌گیریم. اینها کاملاً مهم است و باید دنبال شود، تا در این زمینه‌ها فقر نباشد، بیکاری نباشد، گرانی و تورم قیمتها نباشد؛ در این تردیدی نیست. اما در کنارش، به این اکتفا هم نمی‌کنیم، بلکه باید فکر روشن، اعتقاد عمیق، انگیزهٔ روزافزون و جوشان و اخلاق انسانی و والای اسلامی در کنار اینها گسترش پیدا کن.» (۲)

«یک توهم خطرناکی در ذهنها وجود داشت، تزریق شده بود - شاید در بعضی از ذهنها هنوز هم این توهم وجود داشته باشد- و آن عبارت بود از توهم تقابل و تضاد میان عقلانی زیستن و توسعه‌افتگی از یک طرف، و معنوی زیستن و اخلاقی زیستن از طرفی دیگر. باور شده بود برای بعضی که اگر جامعه بخواد عقلانی و عملگرا و رونده

۱- بیانات در دیدار با دانشجویان سراسر کشور، به تاریخ ۱۳۸۷/۷/۷.

۲- همان.



و شتاب گیرنده در راه پیشرفت زندگی بکند، ناچار است از اخلاقیات و معنویات و دین و خدا فاصله بگیرد! اگر به همبستگی اخلاقی فکر کردیم، به معنویات دل بسته بودیم، ملاحظه ضوابط و حدود دینی و اخلاقی را کردیم، ناچاریم از پیشرفته بودن کشور صرف نظر کنیم؛ از زندگی عقلانی چشم پوشیم! یک چنین توهمی وجود داشته. دلایل تاریخی روشنی هم دارد این گمان؛ این گمان باطل، و دلایل جامعه‌شناسی هم دارد.

آنچه که ما می‌خواهیم بر آن پافشاریم، این است که جمهوری اسلامی و حاکمیت دین و اسلام این توهم را ابطال کرده. ما می‌خواهیم و می‌توانیم هم عقلانی و منطقی و علمی و پیشرفته زندگی کنیم، هم در عین حال متمسک به ارزشهای اخلاقی خودمان و پایبند به ایمان دینی خودمان و عامل به فرائض و لوازم زندگی مذهبی خودمان باقی بمانیم؛ بلکه در این جهت هم پیش‌تر برویم.» (۱)

۲-۱/۸- پیشرفت مطابق شاخصهای ایران اسلامی

«تعریفهایی برای پیشرفت و کشور پیشرفته در دنیا معمول است؛ ما اغلب اینها را قبول داریم و رد نمی‌کنیم؛ مثلاً صنعتی شدن و فرا صنعتی شدن کشور؛ اینها دلیل پیشرفت است. خودکفایی؛ کشور در مسائل حیاتی و اساسی باید خودکفا باشد. نه این که از دیگران بکلی بی‌نیاز باشد، نه؛ اما اگر به کسی یا کشوری، در چیزی احتیاج دارد، طوری روابطش را تنظیم کند که اگر خواست آن را به دست آورد، دچار مشکل نشود؛ او هم چیزی داشته باشد که مورد نیاز آن کشور است؛ خودکفایی یعنی این.



و فور تولیدات، و فور صادرات، افزایش بهره‌وری، ارتقاء سطح سواد، ارتقاء سطح معلومات عمومی مردم، ارتقاء خدمات شهروندی، خدمت دادن به شهروندان، رشد نرخ عمر متوسط - به قول تعبیرات اخیر، امید به زندگی - اینها جزو نشانه‌های پیشرفت است و درست است. کاهش مرگ و میر کودکان، ریشه کنی بیماریهای گوناگون در کشور، رشد ارتباطات و امثال اینها، شاخصهایی است که در دنیا برای یک کشور پیشرفته ذکر می‌کنند و ما این شاخصها را رد نمی‌کنیم و قبول داریم. منتها توجه داشته باشید این شاخصها را وقتی که به ما تحویل می‌دهند - به ما که تشکیل دهنده این شاخصها نیستیم - در لابه‌لای آن، چیزهایی است که دیگر آنها جزو شاخصهای پیشرفت و توسعه نیست؛ چیزهایی را به میان می‌آورند که این صادر کردن فرهنگ مخالف با هویت و شخصیت ملی و میل برای وابسته کردن کشورهاست.» (۱)

۱/۹- ابعاد پیشرفت در جمهوری اسلامی

«از همه ابعاد در کشور، این ملت، شایسته و سزاوار پیشرفت است: پیشرفت در تولید ثروت ملی، پیشرفت در دانش و فناوری، پیشرفت در اقتدار ملی و عزت بین‌المللی، پیشرفت در اخلاق و در معنویت، پیشرفت در امنیت کشور - هم امنیت اجتماعی، هم امنیت اخلاقی برای مردم - پیشرفت در ارتقای بهره‌وری. ارتقای بهره‌وری معنایش این است که ما بتوانیم از آنچه که داریم، بهترین استفاده را بکنیم. از نفت موجود، از گاز موجود، از کارخانه موجود، از راه موجود و از آنچه

که در اختیار هست، بیشترین و بهترین استفاده را بکنیم. همچنین پیشرفت در قانون‌گرایی و انضباط اجتماعی؛ که اگر ملتی دچار بی‌قانونی بشود، قانون‌شکنی بر ذهن و عمل مردم حاکم بشود، هیچ پیشرفت معقول و درستی نصیب آن ملت و کشور نخواهد شد. پیشرفت در وحدت و انسجام ملی؛ چیزی که دشمنان از اول انقلاب سعی کرده‌اند آن را به هم بزنند؛ اما خوشبختانه ملت ما اتحاد و انسجام خود را با همه زمینه‌هایی که ممکن بود برای تفرقه مورد سوءاستفاده قرار بگیرد، حفظ کرده است؛ این را ما باید هر چه بیشتر کنیم و ارتقاء ببخشیم. پیشرفت در رفاه عمومی؛ همه طبقات بتوانند از رفاه برخوردار شوند. پیشرفت در رشد سیاسی؛ که درک سیاسی، رشد سیاسی، قدرت تحلیل سیاسی برای جمعیت عظیمی مانند جمعیت ملت ما، مثل یک حصار پولادین در مقابل بدخواهی‌های دشمنان است؛ لذا ما باید رشد سیاسی خود را بالا ببریم. مردم ما از لحاظ رشد سیاسی، امروز هم از بسیاری از ملتها جلوترند؛ اما باز در این جهت هم باید پیشرفت کنیم. مسؤلیت‌پذیری، عزم و اراده ملی؛ در همه این زمینه‌ها باید پیشرفت بشود.»(۱)

۱/۱۰- عرصه‌های پیشرفت در نظام جمهوری اسلامی

«عرصه‌های این پیشرفت را به طور کلی بایستی مشخص کنیم. چهار عرصه اساسی وجود دارد.»(۲)

۱- بیانات در اجتماع بزرگ زائران و مجاوران حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام)، به تاریخ

۱۳۸۸/۱/۱

۲- بیانات در نخستین نشست اندیشه‌های راهبردی، به تاریخ ۱۳۸۹/۹/۱۰.



۱-۱۰-۱- پیشرفت در عرصه فکر

«در درجه اول، پیشرفت در عرصه فکر است. ما بایستی جامعه را به سمت یک جامعه متفکر حرکت دهیم؛ این هم درس قرآنی است. شما ببینید در قرآن چقدر «لقوم یتفکرون»، «لقوم یعقلون»، «أفلا یعقلون»، «أفلا یتدبرون» داریم. ما باید جوشیدن فکر و اندیشه‌ورزی را در جامعه خودمان به یک حقیقت نمایان و واضح تبدیل کنیم. البته این از مجموعه نخبگان شروع خواهد شد، بعد سرریز خواهد شد به آحاد مردم. البته این راهبردهایی دارد، الزاماتی دارد. ابزار کار، آموزش و پرورش و رسانه‌هاست؛ که باید در برنامه‌ریزیها اینها همه لحاظ شود و بیاید.» (۱)

۱-۱۰-۲- پیشرفت در عرصه علم

«عرصه دوم- که اهمیتش کمتر از عرصه اول است- عرصه علم است. در علم باید ما پیشرفت کنیم. البته علم هم خود، محصول فکر است. در همین زمان کنونی، در حرکت به سمت پیشرفت فکری، هیچ نبایستی توانی و کوتاهی و کاهلی به وجود بیاید. خوشبختانه چند سالی است که این حرکت در کشور شروع شده؛ نوآوری علمی و حرکت علمی و به سمت استقلال علمی حرکت کردن. علم هم این جووری است دیگر؛ بلافاصله در قالب فناوریها و اینها خودش را نشان می‌دهد. در موارد زیادی، محصول حرکت علمی هم مثل این مسأله مورد بحث ما از چیزهای بلندمدت نیست؛ نزدیکتر و ثمره آن دم‌دست‌تر است. کار علمی را بایستی عمیق و بنیانی انجام داد. این هم

یک عرصه پیشرفت است.» (۱)

۳-۱/۱۰- پیشرفت در عرصه زندگی

«عرصه سوم، عرصه زندگی است، که قبلاً عرض کردیم. همه چیزهایی که در زندگی یک جامعه به عنوان مسائل اساسی و خطوط اساسی مطرح است، در همین عنوان «عرصه زندگی» می‌گنجد؛ مثل امنیت، مثل عدالت، مثل رفاه، مثل استقلال، مثل عزت ملی. مثل آزادی، مثل تعاون، مثل حکومت. اینها همه زمینه‌های پیشرفت است، که باید به اینها پرداخته شود.» (۲)

۴-۱/۱۰- پیشرفت در عرصه معنویت

«عرصه چهارم - که از همه اینها مهمتر است و روح همه اینهاست - پیشرفت در عرصه معنویت است.» (۳)

۱/۱۱- تفاوت‌های پیشرفت مورد نظر جمهوری اسلامی ایران و پیشرفت غربی

«مبانی معرفتی در نوع پیشرفت مطلوب یا نامطلوب تأثیر دارد. هر جامعه و هر ملتی، مبانی معرفتی، مبانی فلسفی و مبانی اخلاقی‌یی دارد که آن مبانی تعیین کننده است و به ما می‌گوید چه نوع پیشرفتی مطلوب است، چه نوع پیشرفتی نامطلوب است. آن کسی که ناشیانه و نابخردانه، یک روزی شعار داد و فریاد کشید که باید برویم سرتاپا فرنگی بشویم و اروپایی بشویم، او توجه نکرد که اروپا یک سابقه و فرهنگ و مبانی معرفتی‌یی دارد که پیشرفت اروپا، بر اساس آن مبانی

۱ - بیانات در نخستین نشست اندیشه‌های راهبردی، به تاریخ ۱۳۸۹/۹/۱۰.

۲ - همان.

۳ - همان.



معرفتی است؛ ممکن است آن مبانی بعضاً مورد قبول ما نباشد و آنها را تخطئه کنیم و غلط بدانیم. ما مبانی معرفتی و اخلاقی خودمان را داریم. اروپا در دوران قرون وسطی، سابقه تاریخی مبارزات کلیسا با دانش را دارد؛ انگیزه‌های عکس‌عملی و واکنشی رنسانس علمی اروپا در مقابل آن گذشته را نباید از نظر دور داشت. تأثیر مبانی معرفتی و مبانی فلسفی و مبانی اخلاقی بر نوع پیشرفتی که او می‌خواهد انتخاب کند، یک تأثیر فوق‌العاده است.» (۱)

۱/۱۲- مبانی معرفتی پیشرفت در غرب

۱-۱/۱۲- فرد محوری و اباحه لذاتی

«پیشرفتی که بر فرد محوری و اباحه لذاتی که انسان به طور مطلق دوست می‌دارد؛ مبتنی باشد، پیشرفت نیست. دنیای صنعتی غرب امروز بر این پایه استوار است؛ اباحه لذات؛ هر لذتی که شرطش فقط این است که تعدی به دیگری نباشد. هر چیزی که دوست می‌داری، مباح است؛ لذت جویی کن. برای همین هم است که می‌بینید دیگر این تعبیرات شرم‌آوری که امروز وجود دارد، حتی به سطح کلیساهای آنها هم کشیده شده است! همجنس‌بازیه‌ها و کارهای زشتی که اینها می‌کنند، ارتباط و اختلاطهای نامشروع و مستهجن جنسی که بین اینها رایج است، یک روز مخفی بود، همین‌طور بتدریج طوری شده که امروز یک چیز رایج شده است. دو، سه سال پیش از این، کشیش یک کلیسایی در امریکا اعلام کرد که من حاضرم دو تا همجنس را که می‌خواهند با هم زندگی کنند، عقدشان را بخوانم! این همان

لذت‌گرایی است. می‌گویید از این خوشم می‌آید، پس باید انجام بدهم. این ممنوع و مطرود است. ما این را پیشرفت نمی‌دانیم.» (۱)

۲-۱/۱۲-۱- اقتدار مبتنی بر ظلم به ملت‌های دیگر

«اقتداری که مبتنی بر ظلم به ملت‌های دیگر و به بهای پسرفت ملت‌های دیگر باشد، پیشرفت و تحوّل‌ی که در خدمت یک طبقه خاص - طبقه سرمایه‌دار - باشد، که امروز در کشورهای غربی این‌طور است، مورد نظر ما نیست. ثروت این کشورهایی که زیاد است، یعنی درآمد عمومی‌شان زیاد است - به تعبیر رایج، درآمد ناخالص ملی - چگونه توزیع می‌شود؟ به هر کس چقدر و در مقابل چه مقدار کار، می‌رسد؟ معمولاً اینها را نگفته می‌گذارند. برای کسب معاش، زن و شوهر روز و شب کار کنند و توان نداشته باشند تا بتوانند زندگی خودشان را بگذرانند، اما در مقابل سرمایه‌داران بزرگ - راکفلرها و فوردها و آنهایی که حالا جدیداً در این میدان وارد شده‌اند - کوههایی از ثروت داشته باشند که نتوانند محاسبه کنند؛ اینها مورد نظر ما نیست. پیشرفتی که در خدمت طبقه سرمایه‌دارها باشد، پسرفت است. پیشرفتی که با باختن هویت مستقل ملی همراه باشد و انسان خودش را از دست بدهد، پیشرفت نیست.» (۲)

۳-۱/۱۲-۱- سود محوری و اصالت لذت

«فرض بفرمایید در یک جامعه‌ای تفکر سودمحور مطرح است؛ یعنی همه پدیده‌های عالم با پول محک زده می‌شوند و اندازه‌گیری می‌شوند: هر چیزی قیمت پولی‌اش و سود مادی‌اش چقدر است. امروز



۱ - دیدار با دانشجویان، به تاریخ ۱۳۸۵/۸/۱۸.

۲ - همان.

در یک بخش بزرگی از دنیا مسأله این است: همه چیز با پول سنجیده می‌شود! در این جامعه ممکن است برخی از کارها ارزشی باشد- برای خاطر این که آنها را به پول می‌رساند- اما در یک جامعه‌ای که در آن پول و سود، محور قضاوت نیست، همان کار ممکن است ضدارزش محسوب بشود. یا در یک جامعه‌ای اصالت لذت حاکم است. آقا شما چرا این عمل را مباح می‌دانید؟ چرا همجنس‌گرایی و همجنس‌بازی را مباح می‌دانید؟ می‌گوید: لذت است؛ انسان از او لذت می‌برد! این شد اصالت لذت؛ وقتی اصالت لذت بر یک جامعه و بر یک ذهنیت عمومی حاکم بود، یک چیزهایی مباح می‌شود.» (۱)

۴-۱/۱۲- احترام مطلق به پول

«در یک جامعه و در یک نظام اخلاقی‌یی، پول احترام مطلق دارد؛ از کجا آمده؟ مهم نیست. ممکن است از راه استثمار به دست آمده باشد، ممکن است از راه غارت به دست آمده باشد؛ فرقی نمی‌کند، پول است. البته امروز این چیزها اگر صریحاً گفته بشود- در آن جوامعی که به آنها مبتلایند- ممکن است انکار بشود؛ اما تاریخشان را که نگاه می‌کنید قضیه روشن می‌شود.» (۲)

۵-۱/۱۲- حفظ ثروت شخصی به طور مطلق

«در امریکا، ریشه این آزادی فردی و این لیبرالیسمی که به آن افتخار می‌کردند و می‌کنند و یکی از ارزشهای امریکایی به حساب می‌آورند، عبارت است از حفظ ثروت شخصی. یعنی محیطی که امریکا در آن محیط به وجود آمد و با آن مردمی که آن روز در

۱ - بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار با استادان و دانشجویان کردستان، به تاریخ ۱۳۸۸/۲/۲۷.

۲ - همان.



امریکا جمع شده بودند، حفظ فعالیت و تلاش مادی، نیاز به این داشت که به ثروت شخصی افراد یک ارزش مطلقى داده بشود. البته این از نگاه جامعه شناختی و با نگاه واقعی - مبتنی به جامعه امریکایی، داستان خیلی مفصلی دارد. آن روزی که منطقه امریکا - نه نظام سیاسی امریکا - به عنوان محلی برای کسب درآمد با آن زمینه طبیعی پرسود تبدیل شد، آن کسانی که در امریکا جمع شده بودند، بیشتر ماجراجویانی بودند که از اروپا راه افتاده بودند، توانسته بودند عرض اقیانوس متلاطم اطلس را بپیمایند و خودشان را به سرزمین اتازونی برسانند؛ هر کسی نمی آمد. آن کسی که در اروپا زندگی داشت، کار داشت، خانواده داشت، اصالت داشت، او که نمی آمد؛ افرادی می آمدند که یا از لحاظ مالی استیصال داشتند، یا تحت تعقیب جزائی بودند، یا ماجراجو بودند. می دانید، اقیانوس اطلس، متلاطم ترین دریاهاى دنیا است؛ از عرض این اقیانوس عبور کردن و خود را از اروپا به سرزمین آمریکا رساندن، خودش یک ماجراجویی می خواست. مجموعه ای از این ماجراجوها، عمدتاً نمی گویم عموماً - مردم اولیه آمریکا را تشکیل دادند. اگر بنا بود اینها بتوانند با هم و در کنار هم زندگی بکنند و ثروت تولید بکنند، باید به ثروت شخصی یک ارزش مطلق داده می شد. و داده شد. توی این فیلمهای کابوئی - البته اینها نه این که صد درصد واقعیت داشته باشد، به هر حال فیلم است، داستان است؛ اما نشانه های واقعیت کاملاً در آنها وجود دارد - شما می بینید برای خاطر یک گاوی که کسی از گله یک گله دار دزدیده، قاضی می نشیند قضاوت می کند، حکم اعدام به او می دهد، بعد هم به دارش می زنند! این به خاطر این است که ثروت شخصی و مالکیت



خصوصی، یک ارزش مطلق پیدا می‌کند. خوب، در یک چنین جامعه‌ای دیگر مهم نیست این پول از کجا آمده باشد. در جوامع غربی - تقریباً به طور عموم - از راه استعمار آمده است. ثروتی که انگلستان در قرن هجدهم و نوزدهم به دست آورد و توانست به وسیله آن ثروت و پول نقد و طلای نقد، سیاست خودش را بر کل اروپا و مناطق دیگر سیطره بدهد، به خاطر پولی بود که انگلیسیها از استعمار کشورهای شرقی و عمدتاً شبه قاره هند به دست آورده بودند؛ شبه قاره هند و کشور سیام سابق و بقیه کشورهای آن منطقه را غارت کردند! شما به تاریخ مراجعه کنید، مطالعه کنید؛ واقعاً در یکی دو کلمه نمی‌شود گفت که اینها با هند چه کردند؛ انگلیسیها ثروت هند را و ثروت آن منطقه را - که منطقه بسیار پر ثروتی بود - مثل یک انار آب لمبویی فشردند و همه رفت توی خزانه دولت انگلیس و کشور انگلیس تبدیل شد به یک ثروتمند! دیگر سؤال نمی‌شود این ثروت از کجا آمد. این ثروت احترام دارد! (۱)

۱/۱۳- مبانی معرفتی پیشرفت در جمهوری اسلامی ایران

۱-۱۳-۱- ملاحظه عناصر اصلی هویت ملی

«با وجود همه اینها، اساس تحوّل باید بر «ملاحظه عناصر اصلی هویت ملی» قرار داده شود، که آرمانهای اساسی و اصولی مهمترین آنهاست. من این را عرض می‌کنم که صنعتی شدن، فراصنعتی شدن، پیشرفت علمی، پیشرفت خدماتی و پیشرفتهای بهداشتی و درمانی، باشد؛ اما اساس اینها باید حفظ هویت ملی باشد. اگر یک کشوری

۱ - بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار با استادان و دانشجویان کردستان، به تاریخ ۱۳۸۸/۲/۲۷.

همه آنها را داشت، اما از لحاظ ملی، یک کشور بی هویتی بود، فرهنگش وابسته به دیگران بود، از گذشته و تاریخ خود هیچ بهره‌ای نداشت و نبرده بود، یا اگر گذشته‌ای داشت، آن گذشته را از چشمش دور نگه داشتند یا آن را در نظرش تحقیر کردند، این کشور مطلقاً پیشرفت نخواهد کرد؛ زیرا هویت ملی، اساس هر پیشرفتی است.» (۱)

۲-۱/۱۳-۱- رشد همه جانبه در کنار عشق به معنویت و ارتباط با خدا

«آنچه که ما در تحوّل، تحوّل‌گی که با پیشرفت همراه است، مورد نظرمان است- که جا دارد که این جزو آرمانهای ما باشد- مبارزه با فقر، مبارزه با تبعیض، مبارزه با بیماری، مبارزه با جهل، مبارزه با ناامنی، مبارزه با بی قانونی، مدیریتها را به سطح علمی تر ارتقاء دادن، رفتار شهروندان را به سطوح منضبط ارتقاء دادن و انضباط اجتماعی، رشد امنیت، رشد ثروت ملی، رشد علم، رشد اقتدار ملی، رشد اخلاق و رشد عزّت ملی است؛ همه آنها در این تحوّل و پیشرفت، به معنای صحیح دخالت دارند و ما اینها را پایه‌های اصلی می‌دانیم.

در کنار اینها، عشق به معنویت و ارتباط با خدا، مهمترین عاملی است که پیشرفت یک ملت را به معنای واقعی خودش تضمین می‌کند؛ اگر این نشد، همه آنچه که دستاوردهای به معنای عرفی و رایج جهان پیشرفته محسوب می‌شود، ممکن است در راههای غلطی مصرف شود. یعنی ممکن است یک کشور از لحاظ رفتارهای اجتماعی اش منضبط، مؤدب و با اخلاق باشد، ثروت و علم را هم به دست بیاورد، اما در عین حال همین ثروت و علم، و همین انضباط مردمی خودش را برای نابود کردن یک ملت دیگر به کار گیرد. این



غلط است؛ این در منطق ما درست نیست. علم خودش را به کار بگیرد برای ایجاد سلاحی مثل بمب اتم که وقتی یک جایی فرو افتاد، دیگر با گناه و بی‌گناه و مسلح و بچه کوچک و شیرخوار و انسانهای مظلوم را نگاه نمی‌کند و فرقی نمی‌گذارد و همه را نابود می‌کند. علمی که در این راه به کار بیفتد و کشوری که این را داشته باشد و تحوّل‌ی که بخواهد به این جا منتهی شود، مورد تأیید ما نیست و ما چنین تحوّل‌ی را دوست نمی‌داریم.» (۱)

۳-۱/۱۳- تقویت عاطفه انسانی و احساس مسؤلیت

«خداپرستی، عشق به معنویت، عاطفه انسانی در هر تحوّل‌ی، و عواطف و محبّت در انسانها باید تقویت بشود و در این جهت باید راه برویم. آن تحوّل اجتماعی با اقتصادی که انسانها را نسبت به هم بی‌تفاوت و بی‌محبّت می‌کند، ممدوح نیست؛ مذموم است. اگر شما می‌شنوید که در برخی از کشورهای عربی، فرزند و پدر در یک شهر زندگی می‌کنند، اما فرزند از پدرش سال به سال احوالی نمی‌پرسد، خانواده‌ها دور هم جمع نمی‌شوند، کودکان از عطوفتهای پدران و مادران برخوردار نمی‌شوند، زن و شوهرها جز به موجب یک قرارداد موقت - یک قرارداد قانونی بسته شده است - کنار هم نمی‌نشینند؛ زن یک جا کار دارد، مرد یک جا کار دارد، آخر کار این، ساعت هشت شب است، آخر کار آن، ساعت ده شب است، بعد یک قرار این با یک دوستی دارد، او قرار با یک همکاری دارد؛ اگر اینها را شما می‌شنوید که در جایی هست و اگر اینها واقعیت دارد، اینها دیگر نشانه‌های پسرفت است. آن تحوّل‌ی که به این چیزها بینجامد، مورد

تأیید ما نیست. ما تحوّل می خواهیم که بین پدرها، مادرها، خانواده‌ها، فرزندان، دوستان و همسایگان الفت و محبت بیشتر به وجود آورد؛ تا چهل خانه آن طرف تر را شما همسایه خود بدانید؛ این خوب است. محیط، محیط تراحم و تعاطف باشد؛

همه افراد جامعه نسبت به همدیگر احساس مسؤولیت کنند: «کلکم راع و کلکم مسؤول عن رعیت»؛ همه شما راعی هستید؛ یعنی رعایت کننده. همه شما مسؤول از رعیت تان هستید؛ یعنی آن کسی که مورد رعایت شما باید قرار بگیرد. آن تحوّل که در پیوندها و نظامات اجتماعی به یک چنین حقایقی منتهی بشود، آن پیشرفت است؛ پیشرفت مورد نظر اسلام و جمهوری اسلامی، این است.» (۱)

۱/۱۴- خطرپذیری، ابتکار، اقدام و انضباط، نقاط مشترک

«مطلب بعدی این است که ما اگر نقاط افتراق پیشرفت با منطق اسلامی را با توسعه غربی می‌شماریم. نباید از نقاط اشتراک غفلت کنیم؛ یک نقاط اشتراکی هم وجود دارد که اینها در توسعه کشورهای توسعه یافته غربی کاملاً وجود داشته؛ روح خطرپذیری - که انصافاً جزو خلیقات و خصال خوب اروپاییهاست - روح ابتکار، اقدام و انضباط، چیزهای بسیار لازمی است؛ در هر جامعه‌ای که اینها نباشد، پیشرفت حاصل نخواهد شد. اینها هم لازم است. ما اگر باید اینها را یاد بگیریم، یاد هم می‌گیریم؛ اگر هم در منابع خودمان باشد، باید آنها را فرا بگیریم و عمل کنیم.» (۲)



۱ - دیدار با دانشجویان، به تاریخ ۱۳۸۵/۸/۱۸.

۲ - بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار با استادان و دانشجویان کردستان، به تاریخ ۱۳۸۸/۲/۲۷.

۲- عدالت

۲/۱- اهمیت و حساسیت مقوله عدالت

«عدالت و عدل، مهمترین ارزش در جامعه است.» (۱)

«بالعدل قامت السموات والأرض»؛ عدالت در بنیان عالم و آفرینش، نقش اساسی دارد؛ یعنی سنت آفرینش، عدل است و هر نظام اجتماعی اگر به دنبال این سنت طبیعی و قانون الهی آفرینش حرکت کرد، ماندگار و موفق و کامیاب است.» (۲)

«عالم و آسمان و زمین قائم به عدالت است؛ «بالعدل قامت السموات والأرض.» (۳)

«حقایق بشری و اصالت‌های بشری با گذشت زمان تغییر پیدا نمی‌کنند. انسانها از اوّل تاریخ تا امروز و از امروز تا پایان دنیا، همیشه عدالت را دوست داشته‌اند و به عدالت نیازمند بوده‌اند؛ این تغییر پیدا نمی‌کند.» (۴)

۱ - بیانات در دیدار با مسؤولان دستگاه قضایی کشور و خانواده‌های شهدای هفتم تیر، به تاریخ ۱۳۷۷/۴/۷.

۲ - بیانات در دیدار با مسؤولان قوه قضاییه، خانواده‌های شهدای هفتم تیر و جمعی از قضات، به تاریخ ۱۳۸۰/۴/۷.

۳ - بیانات در دیدار با مسؤولان و کارگزاران نظام به مناسبت عید غدیر خم، به تاریخ ۱۳۸۱/۱۲/۱.

۴ - بیانات در خطبه‌های نماز جمعه تهران، به تاریخ ۱۳۸۴/۵/۲۸.

۲/۲- جایگاه عدالت در ادیان الهی و اسلام

«عدالت دغدغه همیشگی و تاریخی بشر بوده. به تبع احساس نیاز به عدالت که در طول تاریخ تا امروز در مردم عمومیت داشته، متفکران بشر، فیلسوفان و حکما در این مقوله وارد شدند و دغدغه آنها بوده است. بنابراین از قدیم‌ترین دورانهای تاریخ تا امروز درباره عدالت و عدالت اجتماعی به همین معنای عام، بحث شده، نظریه داده شده؛ لیکن نقش ادیان استثنائی است. یعنی آنچه که ادیان در طول زمان راجع به عدالت گفتند و خواستند و اهتمام کردند، بی‌ظیر و استثنائی است. در نظرات حکما و اندیشمندان، آن اهتمام ادیان مطلقاً مشاهده نمی‌شود.



اولاً به شهادت قرآن، ادیان هدف خودشان را عدالت قرار دادند: «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ» (۱). قطعاً این آیه حکم می‌کند بر این که هدف ارسال رسل و انزال کتب و آمدن بینات - یعنی حجت‌های متقن و غیر قابل تردیدی که پیغمبران ارائه می‌دهند؛ کتاب، یعنی منشور ادیان در مورد معارف، احکام و اخلاقیات؛ میزان، یعنی آن سنج‌ها و معیارها - قیام به قسط بوده است؛ «لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ». البته شکی نیست که قیام به قسط و همه آنچه که مربوط به زندگی دنیایی، اجتماعی و فردی افراد است، مقدمه آن هدف خلقت است: «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ» (۲)؛ یعنی عبودیت. اصلاً هدف خلقت، عبد خدا شدن است؛

۱ - سورة حدید: آیه ۲۵.

۲ - سورة داریات: آیه ۵۶.

که بالاترین کمالات هم همین عبودیت خداست. لیکن در راه رسیدن به آن هدف، هدف نبوتها و ارسال رسل است؛ که از جمله آن، آن چیزی است که این آیه به آن تصریح می‌کند. البته تصریحات دیگری هم در آیات قرآن هست که به سایر اهداف ارسال رسل اشاره می‌کند، که اینها با یکدیگر قابل جمع است. پس هدف شد عدالت. هدف نظام‌سازی، هدف تمدنها، هدف حرکت بشر در محیط جامعه، شد عدالت. در هیچ مکتب دیگری این وجود ندارد؛ این مخصوص ادیان است.

خصوصیات دیگر ادیان این است که انبیاء در طول تاریخ در کنار مظلومان قرار گرفته‌اند؛ یعنی برای عدالت عملاً پیکار کردند. ملاحظه کنید؛ در قرآن کریم تصریح شده که انبیاء با طواغیت مواجه‌اند، با مترفین مواجه‌اند، با ملأً مواجه‌اند؛ که همه اینها جزو طبقات ستمگرند؛ مترف و مترف، از دو جهت، منطبق با یک طبقه خاصی است؛ هر دو درست است. البته در قرآن «مترفین» هست، لیکن مترف هم درست است. مترفین در مقابل پیغمبرند؛ «ما أَرْسَلْنَا فِي قَرْيَةٍ مِّنْ نَّذِيرٍ إِلَّا قَالَ مُتْرَفُوهَا إِنَّا بِمَا أُرْسِلْتُمْ بِهِ كَافِرُونَ» (۱). هیچ پیغمبری نبوده که در مقابلش مترفین قرار نگیرند؛ یعنی پیغمبر با مترفین می‌جنگد. ملأ هم همین جور است. ملأ، آن اصحاب و دست‌اندرکاران قدرتند. طاغوت هم یک معنای عامی است که شامل همه اینها می‌شود. بنابراین پیغمبران در معارضه بین ظالم و مظلوم، همیشه در طرف مظلوم قرار گرفتند؛ یعنی برای عدالت وارد میدان شدند و جنگیدند؛ این هم

بی نظیر است. حکما درباره عدالت حرف زدند؛ اما خیلی اوقات مثل بسیاری از روشنفکران گوناگون حرفهایی می‌زنند، ولی در مقام عمل وارد میدان نمی‌شوند. ما این را در دوران مبارزات هم دیدیم، بعد آن مبارزات هم در دوران دفاع مقدس دیدیم، تا امروز هم کم و بیش می‌بینیم. انبیاء این جور نبودند؛ انبیاء وارد میدان می‌شدند، سینه سپر می‌کردند؛ حتی آن وقتی که مترفین به اینها می‌گفتند شما چرا طرفدار طبقات مظلوم هستید، از اینها جدا شوید، با اینها برخورد می‌کردند. آیه شریفه «وَلَا أَقُولُ لِلَّذِينَ تَزْدَرِي أَعْيُنُكُمْ لَنْ يُؤْتِيَهُمُ اللَّهُ خَيْرًا» (۱) - که بیانگر پاسخ حضرت نوح به مخالفین خودش است - در همین زمینه است. بنابراین آن کسانی که از عدالت محروم بودند، اولین گروندگان به پیغمبران هم هستند.

نکته سوم این که همه ادیان متفقند در این که پایان این حرکت عظیم تاریخی، یک پایان امید به عدل است. یعنی قاطعاً می‌گویند که یک دورانی خواهد آمد که دوران عدل خواهد بود، که آن دوران استقرار دین کامل است. در دعای بعد از زیارت شریف آل یاسین آمده است: «يَمَلَأُ اللَّهُ بِه الْأَرْضِ قِسْطًا وَ عَدْلًا - يَا «عَدْلًا وَ قِسْطًا»، که در جاهای مختلف تفاوت دارد - کما ملئت ظلما و جورا»؛ یک جاهایی هم دارد: «بعد ما ملئت ظلما و جورا.» همه انبیاء، همه ادیان، همه نبوتها به این نهایت اشاره کردند، روی آن تأکید کردند، اصرار کردند و گفتند به سمت آن داریم حرکت می‌کنیم. پس در مبدأ، در مسیر و در انتها، نبوتها تکیه‌شان بر روی عدل است؛ این بی نظیر است.» (۲)

۱ - سورة نور: آیه ۳۱.

۲ - بیانات در دومین نشست اندیشه‌های راهبردی با موضوع عدالت، به تاریخ ۱۳۹۰/۲/۲۷.



«شاید در اسلام در مورد مسائل اجتماعی، هیچ چیز به قدر عدالت، مورد توجه قرار نگرفته است. شما ببینید در مورد ظهور حضرت بقیةالله الاعظم اروحنافداه و عجلالله فرجه، در بیشتر روایات و ادعیه و زیاراتی که درباره آن بزرگوار است و اسمی از آن بزرگوار است، به دنباله مسأله ظهور و قیام آن حضرت، «یملأ الله الارض قسطا و عدلا» هست. خدا به وسیله او، زمین را پر از قسط و عدل می کند. البته خدا به وسیله امام زمان، زمین را از دین خودش هم پر می کند؛ اما آن چیزی که در دعا و زیارت و روایت گفته می شود، «یملأ الارض به الدین، دین الحق» نیست - مگر در بعضی از جاها که تعبیراتی هست - متعلق «یملأ»، قسط و عدل، عدالت، دادگری و انصاف است. چرا؟ چون بشر بیشتر از همه چیز، از ظلم و بیدادگری رنج می برد. این حکومت در راه عدالت حرکت کرده و در راه عدالت هم حرکت می کند؛ قوامش هم به عدالت است.» (۱)

۲/۳- عدالت در مکتب سیاسی امام خمینی (قدس سره)

«عدالت اجتماعی یکی از مهمترین و اصلی ترین خطوط در مکتب سیاسی امام بزرگوار ماست. در همه برنامه های حکومت - در قانونگذاری، در اجراء در قضا - باید عدالت اجتماعی و پر کردن شکافهای طبقاتی، مورد نظر و هدف باشد. این که ما بگوییم کشور را ثروتمند می کنیم - یعنی تولید ناخالص ملی را بالا می بریم - اما ثروتها در گوشه یی به نفع یک عده انبار شود و عده کثیری هم از مردم

دستشان خالی باشد، با مکتب سیاسی امام نمی‌سازد.»(۱)

۲/۴- عدالت در مکاتب مادی

۱-۲/۴- پیشرفت به دور از معنویت و عدالت

«نظامهای سرمایه‌داری در دنیا، دنبال آبادی، عمران و پیشرفت علم و صنعت در کشورهایشان رفتند؛ بدون این که به اصل عدالت اجتماعی، اهتمام قابل‌اعتنایی داشته باشند. البته خیلی از آن هدفها را توانستند کسب کنند؛ مانند کسب علم، زندگی راحت، فناوری پیشرفته، زندگی لوکس و کسب قدرت نظامی. اینها به دست آمد و این هم وعده الهی است. خداوند متعال وعده فرموده است که هر ملتی، چنانچه به طور جدی به دنبال هر هدفی حرکت کند، به آن هدف خواهد رسید. در این، شک نیست. آنهایی هم که به طور جدی حرکت کردند، به همان مقدار، به این ظواهر زندگی؛ یعنی به ثروت جامعه، قدرت نظامی و قدرت و پیشرفت علمی رسیدند؛ اما در زندگی‌شان، سعادت‌مند نشدند. در آن کشورها، دردهای بشریت، تمام نشده است. ثروتی که در آن جامعه هست، عده‌ای از افراد جامعه را برخوردار کرده است؛ اما نتوانسته‌اند تبعیض را برطرف و عدالت اجتماعی را برقرار کنند. حتی برای کسانی هم که از زندگی راحت برخوردارند، نتوانستند راحتی حقیقی، آرامش روحی و زندگی خوش به وجود آورند. آب خوش از گلویشان پایین نمی‌رود. انواع و اقسام گرفتاریها، گریبان آنها را گرفته است. البته بعضی از گرفتاریها فوری ظاهر می‌شود و بعضی بعد از مدتی ظاهر می‌گردد، که اکنون وقت



ظاهر شدن گرفتاریهای آنهاست. دنیای غرب، ممکن است بیست تا چهل سال پیش این طور نبوده است؛ اما اکنون گرفتاریهای زندگی مادّی، گریبان آن را گرفته است. دلیل آن، این است که به معنویت و عدالت اجتماعی توجه نکرده است.»(۱)

۲-۲/۴- شکاف طبقاتی در سطح گسترده

«من یک موقع گفتم که ما وقتی می‌گوییم منتظر امام زمان هستیم، بیشترین خصوصیتی که برای امام زمان ذکر می‌کنیم، این است که «یملأ الله به الارض قسطاً و عدلاً»؛ نمی‌گوییم: «یملأ الله دیناً و صلوة و صوما». با این که آن هم هست و قسط و عدل در چارچوب دین، بهترین و بیشترین تحقق را پیدا می‌کند، لیکن معلوم می‌شود که این عدل، یک مصرع بلند درخواستهای انسان است و اگر این روشی که الان بعضی غافلانه دنبال می‌کنند و آن، الگو گرفتن از زندگی غربی است، رواج پیدا کند، روزه‌روز این حالت بدتر خواهد شد. علاج این است که ما خودمان را از دنباله‌روی فرهنگ غربی در زمینه مسائل اقتصاد کاملاً خلاص کنیم و نجات ببخشیم. این طور نیست که اگر کشوری در آمد سرانه‌اش رقم بالایی است، معنایش این است که این در آمد سرانه به همه می‌رسد. شما الآن ببینید در آمارهایی که داده می‌شود، فرضاً می‌گویند در فلان کشور پیشرفته دنیا- مثلاً آمریکا یا کانادا- درجه حرارت به چهل و دو درجه رسید و فلان قدر آدم کشته شدند. آیا در تهران اتفاق می‌افتد که در چهل و دو درجه حرارت کسی کشته شود؟ یا مثلاً گفته می‌شود در فلان کشور سرما به پنج

درجه، ده درجه زیر صفر رسید و فلان تعداد انسان یخ زدند. اینها چه کسانی هستند که از حرارت زیاد کشته می‌شوند و یا در زمستان یخ می‌زنند؟ آنهایی که در ساختمانهایی نشسته‌اند که با سرما و گرمای آن‌چنانی اداره می‌شود، یخ نمی‌زنند؛ آنها که سرپناه دارند که یخ نمی‌زند و یا از گرما نمی‌میرند. این معنایش آن است که طبقاتی در آن‌جا وجود دارند که زندگی بر آنها سخت است. برزیل امروز هفتمین یا هشتمین قدرت اقتصادی دنیاست؛ اما در آن‌جا چند میلیون کودک وجود دارد که اینها نه پدر و مادر دارند، نه سرپناه دارند، نه مسکن دارند؛ شبها در کوچه‌ها می‌خوابند، در کوچه‌ها هم پرورش پیدا می‌کنند، در همان کوچه‌ها هم یا کشته می‌شوند و یا می‌میرند! ما نباید دنبال این زندگی برویم. ما نباید دنبال این اقتصاد برویم.» (۱)

۳-۲/۴- تولید ثروت رفتن بدون نگاه به عدالت

«دنبال تولید ثروت رفتن بدون نگاه به عدالت، همان چیزی می‌شود که امروز در کشورهای سرمایه‌داری مشاهده می‌کنیم. در غنی‌ترین کشور عالم - یعنی امریکا - کسانی هستند که از گرسنگی و از سرما و گرما می‌میرند؛ اینها که شعار نیست؛ واقعیت‌هایی است که مشاهده می‌کنیم. کسانی هستند که در آرزوی یک آپارتمان سه چهار اتاقه سالهای سال تلاش می‌کنند و چون به جایی نمی‌رسند، می‌روند خیانت می‌کنند تا به این امکانات برسند.

دو سه سال قبل یک عضو عالی‌رتبه سی.آی.ای را به جرم جاسوسی برای شوروی سابق و دنباله‌اش روسیه، دستگیر کردند. در

۱ - بیانات در جلسه پرسش و پاسخ با مدیران مسؤول و سردبیران نشریات دانشجویی، به تاریخ ۱۳۷۷/۱۲/۴.



مصاحبه‌یی از او پرسیدند - که ما این مصاحبه را در مطبوعه‌یی خواندیم - چرا این کار را کردی؟ گفته بود من دلم می‌خواست یک ویلای سه اتاقه داشته باشم، اما دیدم با این حقوق و درآمد نمی‌شود؛ مجبور شدم بروم نوکری شوروی را بکنم؛ با آن دشمنی و نقضتی که آن روز بین آن دو کشور وجود داشت. وقتی دنبال تولید ثروت رفتن از نگاه عدالت محور جدا باشد، به این جاها می‌رسد که در جامعه‌ی، کسانی که زرنگ‌تر و باهوش‌ترند، یک‌شبه به ثروتهای کلان و انبوه می‌رسند؛ کسانی هم که خودشان خانواده‌ی ثروتمند؛ اکثریتی هم هستند که در زندگیهای معمولی همراه با حسرت، و تعدادی هم در زندگیهای بسیار سخت و دشوار به سر می‌برند. بنابراین، این که ما بگوییم عدالت را مطرح نکنید، تولید ثروت را مطرح کنید؛ بهانه را هم این بیاوریم که بعد از تولید ثروت سراغ عدالت می‌رویم، این نمی‌شود.» (۱)

۲/۵- مقایسه عدالت در اسلام و مکاتب مادی

۱-۲/۵- اساسی بودن عدالت در اسلام و بی‌بنیانی عدالت در مکاتب مادی

«اساساً رویکرد نگاه اسلامی به عدالت، با رویکرد نظامهای غربی و نظریه‌های غربی متفاوت است. در اسلام، عدالت ناشی از حق است؛ همان‌طور که دوستان اشاره کردند - خوشبختانه حرفهای خوبی در این جلسه زده شد که بنده را بی‌نیاز می‌کند از توضیح بیشتر و توسعه در کلام - و علاوه بر این، در عدالت «باید» وجود دارد؛ یعنی از نظر اسلام، عدالت‌ورزی یک وظیفه الهی است؛ در حالی که در مکاتب

غربی این جور نیست. در مکاتب غربی به اشکال مختلف عدالت مطرح می‌شود- در سوسیالیسم یک جور، در لیبرالیسم یک جور- با همه تطورات و شکلهای گوناگونی که این مکاتب داشته‌اند، در هیچ کدام از اینها، نگاه به عدالت، یک نگاه بنیانی و اساسی و مبتنی بر ارزشهای اصولی مثل دین و مثل اسلام نیست.» (۱)

۲-۲/۵- رسیدگی عقلانیت و معنویت با عدالت

«اگر بخواهیم عدالت به معنای حقیقی خودش در جامعه تحقق پیدا کند، با دو مفهوم دیگر بشدت در هم تنیده است؛ یکی مفهوم عقلانیت است؛ دیگر معنویت. اگر عدالت از عقلانیت و معنویت جدا شد، دیگر عدالتی که شما دنبالش هستید، نخواهد بود؛ اصلاً عدالت نخواهد بود. عقلانیت به خاطر این است که اگر عقل و خرد در تشخیص مصادیق عدالت به کار گرفته نشود، انسان به گمراهی و اشتباه دچار می‌شود؛ خیال می‌کند چیزهایی عدالت است، در حالی که نیست؛ و چیزهایی را هم که عدالت است، گاهی نمی‌بیند. بنابراین عقلانیت و محاسبه، یکی از شرایط لازم رسیدن به عدالت است.

عقلانیت و محاسبه که می‌گوییم، فوراً به ذهن نیاید که عقلانیت و محاسبه به معنای محافظه‌کاری، عقل‌گرایی و تابع عقل بودن است. عاقل بودن و خرد را به کار گرفتن با محافظه‌کاری فرق دارد. محافظه‌کار، طرفدار وضع موجود است؛ از هر تحوّل بی‌مناک است؛ هر گونه تغییر و تحوّل را بر نمی‌تابد و از تحوّل و دگرگونی می‌ترسد؛ اما عقلانیت این طور نیست، محاسبه عقلانی گاهی اوقات خودش منشأ تحولات عظیمی می‌شود. انقلاب عظیم اسلامی ما ناشی از یک



عقلانیت بود. این طور نبود که مردم همین طور بی حساب و کتاب به خیابان بیایند و بتوانند یک رژیم آن چنانی را ساقط کنند؛ محاسبات عقلانی و کار عقلانی و کار فکری شده بود. در طول سالهای متمادی - به تعبیر رایج امروز - یک گفتمان حق طلبی، عدالتخواهی و آزادیخواهی در بین مردم به وجود آمده بود و منتهی شد به این که نیروهای مردم را استخدام کند و به میدان جهاد عظیم بیاورد و در مقابل آن دشمن صف آرایی کند و بر آن دشمن پیروز کند. بنابراین عقلانیت گاهی منشأ چنین تحولات عظیمی است. الآن هم همین طور است. الآن در نظام ما برخی از تحولات هست که منتجهٔ یک نگاه عقلانی و دقیق و موشکافانهٔ به وضع موجود و وضع دنیاست. من در زمینهٔ مسائل گوناگون این را دارم مشاهده می‌کنم. حالت خواب‌رفتگی و تن دادن به آنچه در جریان عمومی سیاسی و اقتصادی دنیا دارد می‌گذرد و تسلیم شدن به آن، خطر بزرگ جامعهٔ ماست و اگر کسی درست بفهمد و بیندیشد، می‌فهمد که باید با یک تحرک و تحول، این وضع را دگرگون کرد؛ هم در زمینهٔ مسائل اقتصادی، هم در زمینهٔ مسائل سیاسی. بنابراین عقلانیت با محافظه‌کاری فرق دارد. محاسبهٔ عقلانی را با محاسبهٔ محافظه‌کارانه به هیچ وجه مخلوط نکنید؛ اینها دو چیز است.

تا می‌گوییم محاسبه و عقلانیت، عده‌یی می‌گویند مواظب باشید، دست از پا خطا نکنید، عقل را رعایت کنید؛ نبادا یک حرف آن چنانی بزنید که در دنیا آن طوری بشود؛ نبادا یک کار آن چنانی بکنید که دنیا صف آرایی کند. اینها عقلانیتِ محافظه‌کارانه است؛ من به این اصلاً اعتقاد ندارم. بنابراین اگر بخواهید عدالت را بدرستی اجرا کنید،

احتیاج دارید به محاسبه عقلانی و به کار گرفتن خرد و علم در بخشهای مختلف، تا بفهمید چه چیزی می تواند عدالت را برقرار کند و اعتدالی را که ما بنای زمین و زمان را بر اساس آن اعتدال خدادادی می دانیم و مظهرش در زندگی ما عدالت اجتماعی است، تأمین کند.

اگر عدالت را از معنویت جدا کنیم - یعنی عدالتی که با معنویت همراه نباشد - این هم عدالت نخواهد بود. عدالتی که همراه با معنویت و توجه به آفاق معنوی عالم وجود و کائنات نباشد، به ریاکاری و دروغ و انحراف و ظاهر سازی و تصنع تبدیل خواهد شد؛ مثل نظامهای کمونیستی که شعارشان عدالت بود. ما می گفتیم عدالت و آزادی؛ اما آزادی اصلاً جزو شعارهای آنها نبود. در همه کشورهای که حرکت کمونیستی در آن جا به شکلی از اشکال - انقلاب یا کودتا - تحقق پیدا کرده بود، «عدالت» محور شعارهای آنها بود؛ اما واقعیت زندگی آنها مطلقاً نشان دهنده عدالت نبود؛ درست ضد عدالت بود. عده بی به اسم کارگر سر کار آمدند، که همان طبقه اشرافی رژیمهای طاغوتی بودند و هیچ تفاوتی با آنها نداشتند، زندگی سران کشورهای مارکسیستی این طور بود. بنده زمان مسؤولیت ریاست جمهوری وضعیت اقشار پایین بعضی از کشورهای سوسیالیستی را دیده بودم؛ آن چیزی که اسمش عدالت است و آن مفهومی که عدالت دارد، مطلقاً در آن جاها وجود نداشت. طبقه اشراف جدیدی در آن جا وجود داشت که با معیارهای حزبی و سیاسی خاص خودشان روی کار آمده بود از همه امکانات برخوردار بود؛ مردم هم در فقر و تهیدستی و بدبختی زندگی می کردند. این وضعیت حتی در بعضی از کشورهای درجه یکشان هم دیده می شد. بنابراین، این گونه عدالت طلبی بی دوام خواهد بود و از



طریق درستِ خودش منحرف و ریاکارانه و دروغین خواهد بود. عدالت باید با معنویت همراه باشد؛ یعنی باید شما برای خدا و اجر الهی دنبال عدالت باشید؛ در این صورت می‌توانید با دشمنان عدالت مواجهه و مقابله کنید. البته معنویت هم بدون گرایش به عدالت، یک بُعدی است. بعضیها اهل معنایند، اما هیچ‌نگاهی به عدالت ندارند؛ این نمی‌شود. اسلام، معنویت بدون نگاه به مسائل اجتماعی و سرنوشت انسانها ندارد؛ «من اصبح و لم یهتمّ بامور المسلمین فلیس بمسلم». آدم معنویی که با ظلم می‌سازد، با طاغوت می‌سازد، با نظام ظالمانه و سلطه می‌سازد، این چطور معنویتی است؟ این‌گونه معنویت را ما نمی‌توانیم بفهمیم. بنابراین معنویت و عدالت در هم تنیده است.» (۱)

۳-۲/۵- نقش اعتقاد به مبدأ و معاد در عدالت

«در مسأله عدالت، اعتقاد به مبدأ و معاد، یک نقش اساسی دارد؛ ما از این نباید غفلت کنیم. نمی‌توان توقع داشت که در جامعه عدالت به معنای حقیقی کلمه استقرار پیدا کند، در حالی که اعتقاد به مبدأ و معاد نباشد. هر جا اعتقاد به مبدأ و معاد نبود، عدالت یک چیز سربار، تحمیلی و اجباری بیش نخواهد بود، علت این هم که بعضی از طرح‌های قشنگ غربی در باب عدالت مطلقاً در عمل تحقق پیدا نمی‌کند، همین است؛ پشتوانه اعتقادی ندارد. حرف قشنگ است - حالا لااقل ظاهر قشنگی دارد، ولی خیلی برهانی نباشد - لیکن در عمل، در جوامع غربی، در زندگی غربی مطلقاً از آن خبری نیست؛ اصلاً انسان تحقق آنها را مشاهده نمی‌کند؛ بی‌عدالتی مطلق در آن‌جا وجود دارد. علت همین است که پشتوانه اعتقاد به مبدأ و معاد در آن

نیست. اعتقاد به معاد، اعتقاد به تجسم اعمال، اعتقاد به تجسم ملکات در قیامت، خیلی تأثیر دارد. ما عادل باشیم، عدل خواه باشیم، عدل را ستایش کنیم، برای عدل تلاش کنیم؛ اینها در قیامت تجسم پیدا خواهد کرد. نقطه مقابلش هم همین است. این اعتقاد، به انسان نشاط می‌دهد، نیرو می‌دهد. انسان بداند که رفتار ظالمانه، حتی اندیشه ظالمانه، در عرصه تجسم اعمال در قیامت، چه بلائی به روز او می‌آورد، طبعاً به عدالت نزدیک می‌شود.» (۱)

۲/۶- لزوم نظریه پردازی در زمینه عدالت

۱- ۲/۶- لزوم تبیین روشها و مبانی متقن

«ما اگر بخواهیم فاصله بین آنچه که از عدالت لازم داریم و باید باشد و آن وضعیت کنونی را- وضعیتی که فعلاً مستقر است- کم کنیم، بایستی به روشها و راهکارهای جدید و مؤثر دست پیدا کنیم. باید بدانیم شیوه‌های کاربردی عدالت چه چیزهایی است؛ یعنی زمان آزمون و خطا را سپری شده بدانیم. در این سی سال، در موارد زیادی کارمان عبارت بود از آزمون و خطا؛ چه در آن دهه اول با گرایش که آن روز وجود داشت- که بعضی از دوستان اشاره کردند- چه بعد، نقطه مقابل در دهه دوم و در خلال اینها، روشها و رویکردهای گوناگونی دیده شده. دیگر صلاح نیست ما این جوری عمل کنیم. باید بنشینیم روشهای متقن و مبتنی بر تعاریف متقن را پیدا کنیم، تشخیص بدهیم، روی آنها مستقر شویم و حرکت کنیم.» (۲)



۱- بیانات در دومین نشست اندیشه‌های راهبردی با موضوع عدالت، به تاریخ ۱۳۹۰/۲/۲۷.

۲- بیانات در دومین نشست اندیشه‌های راهبردی با موضوع عدالت، به تاریخ ۱۳۹۰/۲/۲۷.

۲-۲/۶- نگاه متجددانه و نوآورانه به منابع اسلامی

«در مرحله نظری، آنچه که ما می‌خواهیم به آن برسیم، رسیدن به نظریه اسلامی ناب در باب عدالت است. البته باید با نگاه متجددانه، با نگاه نوآورانه، به منابع اسلامی مراجعه کرد و آن نظریه را از متن منابع اسلامی - در چهارچوبهای علمی و فنی خودش، که بعضی از دوستان اشاره کردند - استخراج کرد. ما برای استنباط، شیوه‌ها، متدها و روشهای علمی تجربه شده کاملاً حساب شده‌ای داریم؛ از اینها باید استفاده شود. بنابراین در مرحله نظری و نظریه سازی، باید از منابع اسلامی و از متون اسلامی، نظریه ناب اسلام در باب عدالت به دست بیاید. من تکیه‌ام در این نکته این است که نمی‌خواهیم از مونتاژ و کنار هم چیدن نظریات گوناگون متفکرین و حکمای که در این زمینه حرف زدند، یک نظریه به وجود بیاوریم و تولید کنیم. یعنی در این قضیه باید جداً از التقاط جلوگیری کرد، باید پرهیز کرد. در موارد متعددی ما دچار این اشتباه شدیم. بدون این که بخواهیم، در مرداب التقاط لغزیدیم. بیرون آمدنش خیلی سخت خواهد بود. نه، حقیقتاً باید در منابع اسلامی جستجو کنیم. این منابع، فراوان هم هست؛ که دوستان هم اشاره کردند. در قرآن، در حدیث، در نهج البلاغه، در نوشته‌های فقهی، کلامی و حکمی بحثهای زیادی وجود دارد که همه‌اش می‌تواند منبع مورد استفاده ما در پیدا کردن نظریه ناب اسلامی باشد.

البته مثل همه موارد دیگر، آشنایی با نظرات دیگران می‌تواند در فهم متون اسلامی به ما کمک کند. در همه جا همین جور است، در بحثهای حقوقی و فقهی ما هم همین جور است. ما وقتی با یک نظر بیگانه آشنا می‌شویم و ذهن ما آن اتساع لازم را پیدا می‌کند، از منبع



اسلامی خودمان استفاده بهتر و کاملتری می‌کنیم؛ این جا هم همین جور است. لیکن ما باید دنبال رسیدن به نظریه اسلامی ناب باشیم و از التقاط پرهیزیم. البته بدیهی است که علت این که می‌گوییم نظریه اسلامی باید خالص و ناب باشد، این است که مسأله عدالت مبتنی است بر پایه‌ها و مبانی هستی‌شناسی و معرف‌شناسی و پایه‌های اساسی؛ و اگر بخواهیم به نظریات غربی - که عمدتاً آنهاست - استناد کنیم، در واقع تکیه کردیم به مبانی فلسفی‌ایی که قبول نداریم و نمی‌توانیم آنها را بپذیریم، که همان نظرات هستی‌شناسی است.»^(۱)

۳-۲/۶- تعدد و تضارب آراء

«در عرصه تفکر و نظریه‌پردازی، ما احتیاج داریم به تعدد آراء و تضارب آراء. یعنی این که ما می‌گوییم به یک نظریه باید برسیم و نظریه ناب اسلامی را کشف کنیم، مبتنی بر یک مقدمات نسبتاً طولانی و گسترده‌ای است؛ که اهمّ این مقدمات همین است که آراء متفکران تضارب پیدا کند، آراء مختلفی مطرح شود؛ و این لازم است؛ این نشاط علمی است. نباید تصور کرد که ما یک پیشداوری داریم، یک چیزی را از قبل در نظر گرفته‌ایم و می‌خواهیم حتماً به آن برسیم؛ نه، می‌خواهیم با تضارب آراء بیابیم آنچه را که حق است و آنچه که درست است. بنابراین تضارب آراء لازم است. حدّ یقف هم ندارد. یعنی بعد از آن که به نظر نهایی و مختار برای این برهه از زمان رسیدیم، باز احتمال این که آراء جدیدی، نظرات جدیدی، نکات تازه‌ای در آینده مطرح شود، هست؛ هیچ مانعی هم ندارد. لیکن به هر حال نیاز هست به این که به یک جمع‌بندی قوی برسیم که بر اساس



۱ - بیانات در دومین نشست اندیشه‌های راهبردی با موضوع عدالت، به تاریخ ۱۳۹۰/۲/۲۷.

آن، برنامه‌ریزیهای درازمدت در کشور صورت بگیرد. بنابراین تضارب آراء لازم است؛ لیکن در نهایت اداره کشور نیاز دارد به این که به یک جمع‌بندی قوی و متقن و مستدل در باب عدالت اجتماعی برسد که بتواند براساس آن جمع‌بندی، برنامه‌های بلند مدت را طراحی کند. البته بعد از آن که به این جمع‌بندی رسیدیم، باز پژوهشهای تازه‌ای شروع خواهد شد برای این که شیوه‌ها را پیدا کنید؛ یعنی پژوهشهای کاربردی. امروز من ملاحظه کردم که بعضی از بخشهای مباحث، مربوط به مبحث کاربردی است - بسیار هم خوب است - این دامنه‌اش خیلی وسیع است؛ یعنی بعد از آن که ما به یک نظریه متقن و جمع‌بندی شده‌ای در باب عدالت رسیدیم، تازه برای پیدا کردن شیوه‌های اجرا و تحقق آن در جامعه، به بحثهای کاربردی نیاز داریم؛ که این خودش پژوهشهای فراوانی را دنبال خواهد کرد. آن وقت در این جاست که ما می‌توانیم از تجربیات بشری استفاده کنیم.» (۱)

۴-۲/۶- استفاده از تجربیات دیگران

«من مطلبی را که یکی از آقایان گفتند، قبول دارم که روشها مطمئناً از اهداف تأثیرپذیر هستند - در این شکی نیست - اما این معنایش این نیست که ما از روشها و تجربه‌های دیگران هیچ نتوانیم استفاده کنیم؛ نه، بلاشک می‌توانیم استفاده کنیم. این جا در بخش پژوهشهای کاربردی، نوبت استفاده از تجربیاتی است که دیگران انجام داده‌اند. فرض کنید در زمینه بانکداری یا در هر زمینه دیگر در مسائل اقتصادی، یا در بحثهای اجتماعی به یک شکل دیگری، یا در

بحثهای قضائی به یک صورت دیگری، تجربه‌ای را یک ملتی انجام داده و با آن تجربه مدتی را گذرانده، آثارش هم مشخص است؛ خوب، از این می‌شود استفاده کرد؛ این هیچ اشکالی ندارد. بنابراین از تجربه‌های دیگران بایستی بهره برد.» (۱)

۵-۲/۶- عدالت‌پژوهی به عنوان یک رشته

«یکی از مهمترین کارها در عرصه نظری این است که ما عدالت‌پژوهی را در حوزه و دانشگاه به عنوان یک رشته تعریف شده علمی بشناسیم، که این امروز وجود ندارد؛ نه در حوزه وجود دارد، نه در دانشگاه. یعنی هیچ اشکال ندارد فرضاً در حوزه یکی از موضوعاتی که محل بحث قرار می‌گیرد، یک فقیه با روش فقیهانه بحث می‌کند، مسأله عدالت باشد. حالا همین قاعده عدل و انصافی که آقایان به آن اشاره کردند، بایستی تنقیح شود؛ این غیر منقح است. دلیل عدم تنقحش هم این است که آدم می‌بیند در بخشهای مختلف فقهی استادهایی به این قاعده می‌شود که هیچ نمی‌شود اینها را تمام کرد - یعنی قابل استدلال نیست - همین طور در بخشهای مختلف گفته می‌شود. چه اشکالی دارد که در حوزه علمیه - که خوب، بحمدالله فضایی برجسته‌ای در جلسه حضور دارند - یکی از بخشهایی که یک فقیه در درس فقه استدلالی خودش دنبال می‌کند، مسأله عدالت باشد؛ «کتاب العدالة»؟ این غیر از آن بحث عدالتی است که اشاره کردند شیخ (علیه‌الرحمة) فرموده‌اند؛ آن بحث دیگری است. در باب عدالت اجتماعی بحث شود؛ بحث فقهی قوی.



در دانشگاه یک دانش میان رشته‌ای به وجود بیاید و تعریف شود؛ بحث شود، کار شود، روی آن به طور مستقل سرمایه‌گذاری شود. به نظر من، این در عرصه نظری یک کار لازمی است؛ هم نظریه‌پردازی را گسترش می‌دهد، هم نیروهای توانمندی را در این عرصه تربیت می‌کند.» (۱)

۶-۲/۶- شاخص‌گذاری

«یک کار مهم دیگر، شاخص‌گذاری است؛ تعیین شاخصهای عدالت. یکی از کارهای مهم نظری ما این است که شاخصهای عدالت را پیدا کنیم. خب، امروز شاخصهایی که در غرب مطرح است، به طور مشروط قابل قبول است؛ بعضی‌اش مطلقاً شاخص نیست، بعضی شاخصهای ناقصی است، بعضی در شرائطی ممکن است شاخص باشد. ما باید بنشینیم مستقلاً شاخصهای عدالت را، استقرار عدالت در جامعه را پیدا کنیم؛ یکی از بخشهای مهم کار این است. البته در عرصه عمل هم خیلی کارها باید انجام بگیرد که یکی از آنها این است که عدالت را یک معیار و یک سنجه اساسی در قانونگذاری بالخصوص به مسأله عدالت و همچنین رصد دائمی آن توجه شود.» (۲)

۷-۲/۷- مفهوم عدالت اقتصادی

۱-۲/۷- از میان رفتن فاصله میان طبقات و برخورداریهای نابحق و محرومیتها

«عدالت اجتماعی، بدین معنی است که فاصله ژرف میان طبقات و برخورداریهای نابحق و محرومیتها از میان برود و مستضعفان و

۱- بیانات در دومین نشست اندیشه‌های راهبردی با موضوع عدالت، به تاریخ ۱۳۹۰/۲/۲۷.

۲- همان.



پایرهنگان که همواره مطمئن‌ترین و وفادارترین مدافعان انقلابند، احساس و مشاهده کنند که به سمت رفع محرومیت، حرکتی جدی و صادقانه انجام می‌گیرد.» (۱)

۲-۲/۷-۲- یکسان کردن فرصتهای بهره‌مندی از امکانات عمومی و جلوگیری از سوء استفاده

«در جامعه عدالت لازم است. عدالت در همه امور اجتماعی، از جمله در امور اقتصادی لازم است. نمی‌گوییم همه یک اندازه درآمد داشته باشند؛ اما فرصتهای بهره‌مندی از امکانات عمومی در اختیار همه قرار گیرد و سوء استفاده نباشد.» (۲)

۳-۲/۷-۳- توزیع عادلانه امکانات کشور

«عدالت یعنی امکاناتی که در کشور هست، عادلانه و عاقلانه تقسیم کنیم - نه عادلانه بی حساب و کتاب - و سعی کنیم همین امکانات را بیشتر کنیم تا به همه بیشتر برسد؛ نه این که به قشر خاص و به دسته خاصی بیشتر برسد.» (۳)

«بعضیها می‌گویند عدالت یعنی توزیع فقر. نخیر، کسانی که بحث عدالت را می‌کنند، به هیچ وجه منظورشان توزیع فقر نیست؛ بلکه توزیع عادلانه امکانات موجود است.» (۴)



۱ - پیام به ملت شریف ایران، در پایان چهلمین روز ارتحال حضرت امام خمینی (ره)، به تاریخ ۱۳۶۸/۴/۲۳.

۲ - بیانات در دیدار با مسؤولان دستگاه قضایی کشور و خانواده‌های شهدای هفتم تیر، به تاریخ ۱۳۷۷/۴/۷.

۳ - بیانات در دیدار با اعضای هیأت دولت، به تاریخ ۱۳۸۴/۶/۸.

۴ - همان.

۴-۲/۷- فرصتها و امکانات عمومی مورد استفاده همه

«امروز کشور ما بیش از هر چیز دیگر، تشنه عدالت اقتصادی است. علت هم این است که واقعاً یک شکافی به صورت میراث معیوبی از گذشته بود و این شکاف باید پُر می‌شد، که نشده است. البته به شکل معقولی باید پُر شود. ما پُر کردن این شکاف را به همان شکلی می‌گوییم که اسلام توصیه می‌کند؛ حرفهای غیرمنطقی و ناممکن و نامعقول را نمی‌خواهیم به میان بیاوریم؛ همان طوری که اسلام می‌گوید: فرصتها در مقابل همه باشد و امکانات عمومی مورد استفاده همه قرار گیرد.» (۱)

۵-۲/۷- جلوگیری از تجاوز به حق و تعرض به یکدیگر

«فعالیت اقتصادی و کار اقتصادی و تلاش اقتصادی حتماً باید با شاخص و شاقول عدالت باشد. بدون عدالت هر تلاش اقتصادی به ضرر منتهی خواهد شد. عدالت هم معنایش این نیست که ما سرمایه‌گذاری نکنیم یا به سرمایه‌گذار اجازه سرمایه‌گذاری ندهیم. این تصورات غلط آن افرادی است که آن روز خودشان را طرفدار عدالت معرفی می‌کردند. نه، کارآفرینی هم یک خیر است، یک عبادت است، یک کار بزرگ است که باید انجام بگیرد. مسأله، صحیح مدیریت کردن این مجموعه است. مدیریتهای کشوری، مدیریتهای دولتی چه در بخش تقنین، چه در بخش اجراء، چه در بخش قضا، بایستی مدیریت کنند تا تجاوز از حق انجام نگیرد؛ تجاوز از حقوق انجام نگیرد؛ تعرض به یکدیگر انجام نگیرد؛ این کاروان با همه اجزای

۱ - بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار با رئیس‌جمهور و اعضای هیأت دولت، به تاریخ

خودش ان شاء الله به پیش برود.» (۱)

۲/۸- آثار عدالت اقتصادی

۱- ۲/۸- عدالت پشتوانه امنیت اقتصادی

«بعضی گفتند شما که راجع به عدالت حرف می‌زنید، امنیت اقتصادی از بین می‌رود؛ بعکس است. اگر عدالت باشد، امنیت اقتصادی بیشتر است. دزدها و چپاولگرها هستند که از بی‌عدالتی سود می‌برند. انسانی که می‌خواهد سرمایه‌گذاری کند و طبق قانون سود ببرد، از عدالت خوشش می‌آید؛ عدالت پشتوانه و پشتیبان اوست.» (۲)

۲- ۲/۸- کاهش فاصله‌ها، از مصادیق عدالت اقتصادی

«عدالت هم یک واژه بسیار عمیق و وسیعی است که بایستی خطوط اصلی آن را جستجو و پیدا کرد. به نظر ما عدالت، کاهش فاصله‌های طبقاتی است، کاهش فاصله‌های جغرافیایی است. این جور نباشد که اگر یک مرکزی، یک استانی، یک شهری، یک کوره دهی از مرکز دور است، در یک نقطه دور جغرافیایی کشور قرار گرفته است، دچار محرومیت باشد؛ اما آن جایی که نزدیک است، برخوردار باشد؛ این عدالت نیست. هم فاصله‌های طبقاتی باید برداشته شود، فاصله‌های جغرافیایی باید برداشته شود، هم برابری در استفاده از امکانات و فرصتها باید به وجود بیاید. همه آحاد کشور، آن کسانی که استعداد دارند، آن کسانی که امکان دارند، بتوانند از امکانات عمومی



۱- بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار با اساتید و دانشجویان دانشگاههای شیراز، به تاریخ

۱۳۸۷/۲/۱۴.

۲- بیانات در دیدار با مسؤولان دستگاه قضایی کشور و خانواده‌های شهدای هفتم تیر، به تاریخ

۱۳۷۷/۴/۷.

کشور استفاده کنند. این جور نباشد که نورچشمی‌ها مقدم باشند و افراد متقلب و خدعه‌گو جلو بیفتند. کاری کنیم که افراد گوناگون کشور، همه بتوانند در برابر امکانات کشور، از فرصت برابر استفاده کنند. البته اینها آرزوهای بزرگی است، لیکن دست‌یافتنی است؛ دست‌نیافتنی نیست. اگر تلاش کنیم و کار کنیم، می‌توانیم به آن برسیم. سخت است، اما شدنی است.» (۱)

۳-۲/۸- مبارزه با فساد مالی و اقتصادی

«یکی از مصداقهای عدالت، مبارزه با فساد مالی و اقتصادی است که بایستی جدی گرفته شود. من سالها پیش هم این را گفته‌ام، بارها هم تأکید کرده‌ام، تلاشهای خوبی هم انجام گرفته است و دارد انجام می‌گیرد؛ اما مبارزه با فساد، کار دشواری است؛ کاری است که انسان، مخالف پیدا می‌کند. شایعه درست می‌کنند. دروغ می‌گویند و آن کسی که در این میدان جلوتر از دیگران حرکت کند، بیشتر از همه مورد تهاجم قرار می‌گیرد. این مبارزه هم لازم است و باید انجام بگیرد. خوب، کسانی که بخواهند این کارهای بزرگ را چه در زمینه پیشرفت، چه در زمینه عدالت انجام دهند، باید مدیرانی باشند که به این چیزها معتقد باشند؛ حقیقتاً عقیده داشته باشند که باید عدالت برقرار شود، باید با فساد مبارزه شود. مدیران معتقد و مؤمن به این مبانی که دارای شجاعت باشند، دارای اخلاص باشند، دارای تدبیر و عزم راسخ باشند، قطعاً می‌توانند این مقاصد و این اغراض عالی الهی

۱ - بیانات در اجتماع بزرگ زائران و مجاوران حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام)، به تاریخ

را تحقق ببخشند.»(۱)

۲/۹- بی‌عدالتی در دوران قبل از انقلاب

«سالها و قرنهای متمادی عدالت در این کشور سرکوب شده است. در دوران حکومت‌های جبار پادشاهان، بخصوص آن وقتی که در کنار استبداد، نیروی خارجی و نفوذ خارجی هم وارد شد و دخالت خارجی با دیکتاتوری و استبداد توأم شد، این مردم چه‌ها کشیدند از توأم شدن این دو نیروی شر و شیطانی در کشور ما.»(۲)

۲/۱۰- عدالت در جمهوری اسلامی ایران

۱-۲/۱۰- عدالت سرلوحه دغدغه‌های نظام

«در انقلاب اسلامی ما- که یک حرکت دینی بود- به طور طبیعی عدالت جایگاه ممتازی داشت و دارد. در شعارهای مردمی، در قانون اساسی، در بیانات امام راحل (رضوان‌الله‌علیه)، در گفتمانهای موضعی و در زمانهای مختلف و به مناسبت‌های مختلف که جمهوری اسلامی مطرح کرده، این جایگاه ممتاز دیده می‌شود. فرض کنید در دوران دفاع مقدس که هی می‌آمدند فشار می‌آوردند و شعار صلح را مطرح می‌کردند برای این که جمهوری اسلامی را از میدان خارج کنند، آن جا جمهوری اسلامی شعار «صلح عادلانه» را مطرح کرد. خوب، صلح یک ارزش مطلق نیست، یک ارزش نسبی است؛ یک جایی صلح خوب است، یک جایی صلح بد است، جنگ خوب است. اما



۱- بیانات در اجتماع بزرگ زائران و مجاوران حضرت علی بن موسی الرضا (علیه‌السلام)، به تاریخ ۱۳۸۸/۱/۱.

۲- بیانات در دیدار با رئیس و مسؤولان قوه قضائیه و خانواده‌های شهدای فاجعه هفتم تیر، به تاریخ ۱۳۸۴/۴/۷.

عدالت این جور نیست؛ عدالت یک ارزش مطلق است؛ یعنی هیچ جا نداریم که عدالت بد باشد. خب، در جمهوری اسلامی این وضعیت وجود داشته، سرلوحهٔ دغدغه‌های نظام از اول انقلاب بوده.» (۱)

۲-۱۰-۲- دستاوردهای جمهوری اسلامی در عرصهٔ عدالت

«برای تحقق عدالت، خیلی کار شده است. از اول انقلاب همهٔ فعالیتهایی که به نفع طبقات محروم انجام گرفته؛ یعنی بردن امکانات رفاهی، امکانات آموزشی و امکانات بهداشتی به اقصی نقاط کشور - که واقعاً از بس زیاد است، قابل شمارش نیست - در جهت عدالت بوده است. حقا و انصافاً این خدمت‌رسانی، اوضاع را زیر و رو کرده. کسانی که در دورهٔ قبل اوضاع طبقات محروم را دیدند، می‌توانند بفهمند، من خودم در نقاط محروم بودم و جاهای محروم را در آن دوره دیدم؛ حالا هم که خیلی اوقات رفتم و از نزدیک دیدم؛ واقعاً زیر و رو شده.» (۲)

۳-۱۰-۲- تأمین عدالت؛ هدف اصلی در نظام جمهوری اسلامی

«هدف اصلی در کشور ما و در نظام جمهوری اسلامی، عبارت از تأمین عدالت است و رونق اقتصادی و تلاش سازندگی، مقدمهٔ آن است.» (۳)

۴-۱۰-۲- تقسیم ثروت ملی میان همهٔ مردم

«هدف جمهوری اسلامی فقط این نیست که با ارقام و اعداد، تولید ناخالص ملی را در مجموع رقم بالایی نشان دهد؛ این کافی نیست. ما معتقدیم در کشور باید عدالت باشد و ثروت ملی میان همهٔ مردم

۱ - بیانات در دومین نشست اندیشه‌های راهبردی با موضوع عدالت، به تاریخ ۱۳۹۰/۲/۲۷.

۲ - بیانات در دیدار با اعضای هیأت دولت، به تاریخ ۱۳۸۴/۶/۸.

۳ - پیام به مناسبت حلول سال ۱۳۷۲ هجری شمسی، به تاریخ ۱۳۷۲/۱/۱.



تقسیم شود. این آرزوی بزرگ ماست و برای آن تلاش و مبارزه می‌کنیم.» (۱)

۵-۲/۱۰- عدالت حداکثری

«در بخش اجرای عدالت، انصافاً کارهای زیادی هم انجام گرفته؛ لیکن راضی کننده نیست. بعضی از دوستان در توصیف آنچه که انجام گرفته، اطلاعات و آمارهای خوبی دادند؛ در زمینه کارهایی که انجام گرفته، شاید اطلاعات من بیشتر باشد؛ می‌دانم کارهای وسیعی از اول انقلاب انجام گرفته؛ لیکن مطلقاً راضی کننده نیست. آن چیزی که ما نیاز داریم، آن چیزی که ما دنبالش هستیم، عدالت حداکثری است؛ نه صرفاً در یک حد قابل قبول؛ نه، ما دنبال عدالت حداکثری هستیم؛ ما می‌خواهیم ظلم در جامعه نباشد. تا این مرحله خیلی فاصله داریم. بنابراین برای این باید تلاش کرد.» (۲)

۱۱-۲- مسؤولان و عدالت

۱-۱۱-۲- قاطعیت، ارتباط با مردم، خودسازی و تهذیب

«بنابراین، عدالت یک اصل است و نیازمند قاطعیت. عدالت، با من بمیرم، تو بمیری درست نمی‌شود؛ عدالت، با تعارف درست نمی‌شود؛ اولاً قاطعیت می‌خواهد، ثانیاً ارتباط با مردم می‌خواهد، ثالثاً ساده‌زیستی و مردمی بودن لازم دارد و بالاتر از همه، خودسازی و تهذیب می‌خواهد؛ این هم جزو پیش شرطها و پیش نیازهای اجرای عدالت است. اول، باید خودمان را درست کنیم و یک دستی به سر و صورت خودمان بکشیم، تا بتوانیم عدالت را اجرا کنیم؛ وظیفه من و شما



۱ - بیانات در اجتماع بزرگ مردمی قزوین، به تاریخ ۱۳۸۲/۹/۲۵.

۲ - بیانات در دومین نشست اندیشه‌های راهبردی با موضوع عدالت، به تاریخ ۱۳۹۰/۲/۲۷.

اینهاست» (۱)

۲-۱۱-۲- جدّ و جهد و اخلاص در اجرای عدالت

«در نظام اسلامی، عدالت مبنای همه تصمیم‌گیریهای اجرایی است و همه مسؤولان نظام، از نمایندگان محترم مجلس شورای اسلامی، تا مسؤولان بخشهای مختلف اجرایی، بخصوص رده‌های سیاست‌گذاری و کارشناسی، و تا قضات و اجزای دستگاه قضایی، باید به جدّ و جهد و با همه اخلاص، در صدد اجرای عدالت در جامعه باشند.» (۲)

۳-۱۱-۲- اجرای عدالت مورد نظر اسلام در همه ابعاد

«مسؤولان باید همت کنند تا بتوانند این عدالت مورد نظر اسلام را در همه ابعاد - در ابعاد قضایی، در ابعاد اقتصادی، در تقسیم منابع ثروت ملی و فرصتهای گوناگون و در همه چیزهایی که در کشور برای انسانها اهمیت دارد - اجرا کنند. در هزینه بیت‌المال، در استفاده شخصی، در عزل و نصب و در همه کارهایی که یک مسؤول در قوای سه‌گانه - چه در قوه مجریه، چه در قوه قضائیه و چه در قوه مقننه - می‌تواند انجام دهد، باید هدف، اجرای عدالت؛ و روش، روش عادلانه باشد. اگر این‌طور شد - که در هر بخشی از بخشهای این کشور و این نظام به تحقق عدالت همت گماشته شد و کسانی دنبالش را گرفتند و عدالت در دسترس بود و مردم طعم آن را چشیدند؛ در همه بخشهای زندگی باید سعی کنیم اثری از بی‌عدالتی نماند - آن روز است که جمهوری اسلامی خواهد توانست به همه مردم دنیا و به همه امتهای

۱ - بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار با مسؤولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی، به تاریخ ۱۳۸۵/۳/۲۹.

۲ - پیام به مناسبت دومین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی (ره)، به تاریخ ۱۳۷۰/۳/۱۳.



اسلامی، به عنوان الگوی حقیقی اسلام، خودش را نشان دهد.» (۱)

۴-۲/۱۱- پر کردن شکاف اقتصادی در بین مردم و رفع تبعیض

«پر کردن شکاف اقتصادی در بین مردم و رفع تبعیض در استفاده از منابع گوناگون ملی در میان طبقات مردم، مهمترین و سخت‌ترین مسئولیت ماست. همه برنامه‌ریزان، قانونگذاران، مجریان و همه کسانی که در دستگاه‌های گوناگون مشغول کار هستند، باید این را مورد توجه قرار دهند و یکی از مهمترین شاخصهای حرکت خود به حساب آورند.» (۲)

۵-۲/۱۱- رواج عدالت در بدنه حاکمیت

«حالا عدالت چیست؟ البته ممکن است در معنا کردن عدالت، افرادی، کسانی یا گروه‌هایی اختلاف نظر داشته باشند؛ اما یک قدر مسلم‌هایی وجود دارد: کم کردن فاصله‌ها، دادن فرصتهای برابر، تشویق درستکار و مهار متجاوزان به ثروت ملی، عدالت را در بدنه حاکمیتی رایج کردن - عزل و نصبها، قضاوتها، اظهارنظرها - مناطق دوردست کشور و مناطق فقیر را مثل مرکز کشور زیر نظر آوردن، منابع مالی کشور را به همه رساندن، همه را صاحب و مالک این منابع دانستن، از قدر مسلمها و مورد اتفاقهای عدالت است که باید انجام بگیرد.» (۳)



۱ - بیانات در خطبه‌های نماز جمعه تهران، به تاریخ ۱۳۷۹/۱۲/۲۶.

۲ - بیانات در مراسم پانزدهمین سالگرد ارتحال امام خمینی (ره)، به تاریخ ۱۳۸۳/۳/۱۴.

۳ - بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار با مسؤولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی، به تاریخ ۱۳۸۵/۳/۲۹.

۳- رابطه بین پیشرفت و عدالت

۳/۱- ضرورت همراهی پیشرفت با عدالت

«پیشرفت اگر با عدالت همراه نباشد، پیشرفتِ مورد نظر اسلام نیست. اینی که ما تولید ناخالص ملی را، درآمد عمومی کشور را به یک رقم بالایی برسانیم، اما در داخل کشور تبعیض باشد، نابرابری باشد، عده‌ای آلف و الوف برای خودشان داشته باشند، عده‌ای در فقر و محرومیت زندگی کنند، این آن چیزی نیست که اسلام می‌خواهد؛ این آن پیشرفتی نیست که مورد نظر اسلام باشد. باید عدالت تأمین بشود.» (۱)

۳/۲- خسارت بار بودن پیشرفت بدون عدالت

«ما گفتیم پیشرفت و عدالت، این خیلی معنادار است. فرض بفرمایید یکی از شاخصهای مهم، افزایش درآمد ناخالص ملی در کشورهاست. فلان کشور درآمد ناخالص ملی اش، مثلاً چندین هزار میلیارد است، فلان کشور یک دهم اوست؛ پس آن کشور اولی پیشرفته است! این منطق، منطق درستی نیست. افزایش درآمد ناخالص ملی - یعنی درآمد عمومی یک کشور - به تنهایی نمی‌تواند نشانه پیشرفت باشد؛ باید دید این درآمد چگونه تقسیم می‌شود. اگر درآمد ملی بسیار بالاست، اما توی همین کشور آدمهایی شب توی خیابان می‌خوانند و با گرمای چهل و دو درجه هوا عده زیادیشان می‌میرند، این پیشرفت نیست. شما ببینید توی خبرها: در فلان شهر معروف

۱ - بیانات در اجتماع بزرگ زائران و مجاوران حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام)، به تاریخ

بزرگ غربی - مثلاً در امریکا یا جای دیگر - حرارت هوا به چهل و دو درجه رسید و فلان تعداد آدم مردند! چرا با چهل و دو درجه حرارت بمیرند؟ این معنایش این است که اینها سرپناه و جا ندارند. اگر در جامعه‌ای، انسانهایی وجود دارند که بی سرپناه زندگی می‌کنند یا باید چهارده ساعت در روز کار کنند تا نان بخور و نمیر پیدا کنند، درآمد ناخالص ملی ده برابر اینی هم که امروز هست باشد، این پیشرفت نیست. در منطق اسلامی این پیشرفت نیست. بنابراین پسوند عدالت این قدر اهمیت دارد.» (۱)

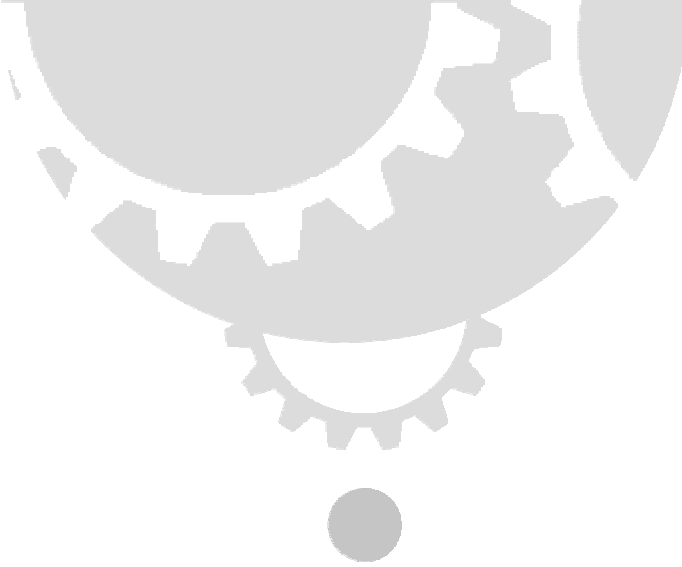
۳/۳ - مردود بودن پیشرفت منهای عدالت از نظر اسلام

«پیشرفت منهای عدالت، از نظر اسلام اصلاً پیشرفت نیست.» (۲)



۱ - بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار با استادان و دانشجویان کردستان، به تاریخ ۱۳۸۸/۲/۲۷.

۲ - بیانات در جمع مردم و کارکنان صنعت نفت عسلویه، به تاریخ ۱۳۹۰/۱/۸.



گفتار هشتم

مبارزه با مفاسد اقتصادی

(ضرورت و اهمیت، آثار و فواید، الزامات، موافقان و مخالفان، چالشها، وظایف مسؤولان و دستگاهها، سختی کار)

اشاره:

مبارزه با مفاسد اقتصادی ضرورتی حیاتی در تمامی کشورها محسوب می‌گردد و اجرایی نمودن آن در هر کشوری زمینه‌ساز پویاتر شدن و روانی کار در عرصه فعالیتهای اقتصادی می‌گردد. مبارزه با مفاسد اقتصادی از همان آغاز انقلاب و شکل‌گیری نظام در دستور کار مسؤولان قرار داشته است اما این روند با تشکیل ستاد مبارزه با مفاسد اقتصادی و فرمان هشت ماده‌ای مقام معظم رهبری به سران قوا در اردیبهشت ماه ۱۳۸۰، نقطه عطفی و چراغ راهی در مسیر مبارزه با این پدیده شوم و خانمان سوز بود. در بخشی از این فرمان آمده است:

«لازم است نکاتی را به حضرات آقایان و دیگر دست‌اندرکاران کشور که می‌توانند در مبارزه با فساد مالی ایفاء نقش کنند، تذکر دهم:

۱- با آغاز مبارزه جدی با فساد اقتصادی و مالی، یقیناً زمره‌ها و بتدریج فریادها و نعره‌های مخالفت با آن بلند خواهد شد. این مخالفتها عمدتاً از سوی کسانی خواهد بود که از این اقدام بزرگ متضرر می‌شوند و طبیعی است بددلانی که با سعادت ملت و کشور مخالفند یا ساده‌دلانی که از القائنات آنان تأثیر پذیرفته‌اند با آنان همصدا شوند. این مخالفتها نباید در عزم راسخ شما تردید بیفکند. به مسؤولان خیرخواه در قوای سه‌گانه پیاموزید که تسامح در مبارزه با فساد، به نوعی همدستی با فاسدان و مفسدان است. اعتماد عمومی به دستگاههای دولتی و قضائی در

گرو آن است که این دستگاہها در برخورد با مجرم و متخلف قاطعیت و عدم تزلزل خود را نشان دهند.

۲- ممکن است کسانی بخطا تصور کنند که مبارزه با مفسدان و سوءاستفاده کنندگان از ثروتهای ملی، موجب ناامنی اقتصادی و فرار سرمایه‌ها است. به این اشخاص تفهیم کنید که بعکس، این مبارزه موجب امنیت فضای اقتصادی و اطمینان کسانی است که می‌خواهند فعالیت سالم اقتصادی داشته باشند. تولید کنندگان این کشور، خود نخستین قربانیان فساد مالی و اقتصاد ناسالم‌اند.

۳- کار مبارزه با فساد را چه در دولت و چه در قوه قضائیه به افراد مطمئن و برخوردار از سلامت و امانت بسپارید. دستی که می‌خواهید با ناپاکی دریفتد باید خود پاک باشد، و کسانی که می‌خواهند در راه اصلاح عمل کنند باید خود برخوردار از صلاح باشند.

۴- ضربه عدالت باید قاطع ولی در عین حال دقیق و ظریف باشد. متهم کردن بی‌گناهان، یا معامله یکسان میان خیانت و اشتباه، یا یکسان گرفتن گناهان کوچک با گناهان بزرگ جایز نیست. مدیران درستکار و صالح و خدمتگزار - که بی‌گمان، اکثریت کارگزاران در قوای سه‌گانه کشور را تشکیل می‌دهند - نباید مورد سوءظن و در معرض اهانت قرار گیرند و یا احساس ناامنی کنند. چه نیکو است که تشویق صالحان و خدمتگزاران نیز در کنار مقابله با فساد و مفسد، وظیفه‌ای مهم شناخته شود.

۵- بخشهای مختلف نظارتی در سه قوه از قبیل سازمان بازرسی کل کشور، دیوان محاسبات و وزارت اطلاعات باید با همکاری صمیمانه، نقاط دچار آسیب در گردش مالی و اقتصادی کشور را بدرستی شناسایی کنند و محاکم قضائی و نیز مسئولان آسیب‌زدایی در هر مورد را یاری رسانند.

۶- وزارت اطلاعات موظف است در چهارچوب وظایف



قانونی خود، نقاط آسیب‌پذیر در فعالیتهای اقتصادی دولتی کلان مانند: معاملات و قراردادهای خارجی، و سرمایه‌گذاریهایی بزرگ، طرحهای ملی، و نیز مراکز مهم تصمیم‌گیری اقتصادی و پولی کشور را پوشش اطلاعاتی دهد و به دولت و دستگاه قضائی در تحقق سلامت اقتصادی یاری رساند و به طور منظم به رئیس‌جمهور گزارش دهد.

۷- در امر مبارزه با فساد نباید هیچ تبعیضی دیده شود. هیچ کس و هیچ نهاد و دستگاهی نباید استثنا شود. هیچ شخص یا نهادی نمی‌تواند با عذر انتساب به این‌جانب یا دیگر مسئولان کشور، خود را از حساب‌کشی معاف بشمارد. با فساد در هر جا و هر مسند باید برخورد یکسان صورت گیرد.

۸- با این امر مهم و حیاتی نباید به گونه‌ی شعاری و تبلیغاتی و تظاهرگونه رفتار شود. به جای تبلیغات باید آثار و برکات عمل، مشهود گردد. به دست‌اندرکاران این مهم تأکید کنید که به جای پرداختن به ریشه‌ها و ام‌الفسادها به سراغ ضعفها و خطاهای کوچک نروند و نقاط اصلی را رها نکنند. هرگونه اطلاع‌رسانی به افکار عمومی که البته در جای خود لازم است، باید بدور از اظهارات نسنجیده و تبلیغات گونه بوده و حفظ آرامش و اطمینان افکار عمومی را در نظر داشته باشد.»(۱)

بنابراین مبارزه با مفاسد اقتصادی امری حساس و حیاتی و ضروریست که فواید و برکات زیادی بر آن مترتب است که از جمله آنها می‌توان زمینه‌سازی برای پیشرفت در کارهای اقتصادی، بسترسازی برای رقابت‌ سالم اقتصادی را نام برد. مبارزه با مفاسد اقتصادی الزامات و چالشهایی هم دارد. اطلاع‌رسانی بهنگام و صحیح، جدیت و دوری از جنجال‌سازی،



بلند مدت بودن و برخورد عملی و واقعی کردن و پیشداوری نکردن از مهم‌ترین الزامات این مبارزه را تشکیل می‌دهند. عمده‌ترین چالش‌های پیش روی مبارزه با مفسد اقتصادی نیز عبارتند از اهرمهای فشار و جنجال‌سازی دشمن. این چالش‌ها عظیم و پردامنه هستند و فائق آمدن بر آنها کاری سخت و دشوار است لذا می‌توان گفت که مسؤولان برای مقابله با مفسد اقتصادی و مالی، باید شجاعانه و بی‌محابا و بدون رو در بایستی وارد میدان شوند.



۱- تعریف و مفهوم مفاسد اقتصادی

«امروز یکی از مهمترین مسائل ما، مبارزه با فساد است. این را باید همهٔ مسؤولان کشور بفهمند. فساد یعنی چه؟ فساد یعنی این که کسانی با زرنگی، با قانوندانی، با زبان چرب و نرم و با چهرهٔ حق‌به‌جانب، به جان بیت‌المال این ملت بیفتند و کیسه‌های خود را پُر کنند.» (۱)

۲- ریشه‌های مفاسد اقتصادی

۲/۱- تخطی از قوانین

«از جمله مواردی که باید از تقوای مسؤولان و نظام بروز کند، رعایت حدود قانونی و همهٔ بخشهاست و عدم تخطی از آنچه که قانون اساسی و قوانین معتبر برای بخشها و دستگاههای مختلف معین کرده‌اند. تخطی از این قوانین، در مواردی مشکل بزرگ فساد اقتصادی و فساد دستگاههای مسؤول را به وجود می‌آورد.» (۲)

«اگر می‌خواهیم دنیا آباد شود، باید خودمان را کنترل کنیم. من و شما که زمامدار و مدیر هستیم و ادارهٔ امور مالی و صنعتی و کشاورزی کشور دست ماست - یعنی گلوگاههای فعال کشور دست من و شماست - باید خود را کنترل کنیم. فقط شخص خود ما نیستیم؛ ما یعنی مجموعه. شما، یعنی شما و معاونان و مدیران و مسؤولان اثر گذارتان. البته ممکن است کسی در گوشه‌یی و در سطوح خیلی

۱ - بیانات د دیدار اقبال مختل مردم به مناسبت ۱۹ دی ماه، سالروز قیام مردم قم، به تاریخ

۱۳۸۰/۱۰/۱۹.

۲ - بیانات در دیدار مسؤولان و کارگزاران نظام، به تاریخ ۱۳۸۲/۸/۱۱.



پایین خطایی بکند که قابل کنترل و پیشگیری و پیش‌بینی نباشد؛ آن بحث دیگری است؛ اما مجموعه‌ای که شما مدیر و رئیس و وزیر آن هستید، باید این خصوصیات را داشته باشد. «لأشرف أنفس الولاية على الجمع»، آنها می‌خواهند جمع کنند، «و سوء ظنهم بالبقاء و قلة انتفاعهم بالعبر». «سوء ظنهم بالبقاء». «یعنی برای باقیمانده عمرشان دچار سوء‌ظن‌اند، که مثلاً بعد چه می‌شود. نباید سوء‌ظن داشت؛ باید به خدای متعال و به خود حسن‌ظن داشت. همچنین فرمود: «قلة انتفاعهم بالعبر»؛ از عبرتها کم بهره‌برداری می‌کنند.» (۱)

۲/۲- ناامنی محیطهای اقتصادی

«ناامنی اقتصادی، بخش دیگری از ناامنی است. آن کسانی که محیطهای اقتصادی را ناامن می‌کنند؛ اگر کسانی سرمایه‌های کوچکی دارند، اینها با کارهای غیرقانونی، با زرنگیها، این سرمایه‌های کوچک و امکانات مردم را نابود می‌کنند و به سود خودشان مصادره می‌کنند. آنهایی که بالاتر از این، امکانات دولتی و عمومی را با زرنگیها، با تسلط بر قوانین و مقررات و گریز گاههای قانونی، به نفع خودشان مصادره می‌کنند و هر جا که بتوانند، از سوء‌استفاده‌های شخصی نمی‌گذرند؛ اینها محیطهای اقتصادی را ناامن می‌کنند. شما ببینید اگر در یک کشور وضع اقتصادی بیمار است، یکی از چند علت، وجود همین گریز گاههای از قانون است که کسانی می‌توانند با استفاده از اینها سوء استفاده کنند و جیبهای خودشان را پر کنند و امکانات مردم



و دولت را به نفع و سمت خودشان بکشانند.» (۱)

۲/۳- سرایت فساد مالی و اقتصادی مسؤولان در کشور

ما قویاً معتقدیم که فساد مالی و اقتصادی در تشکیلات مسؤولان موظف و در میان آنها، به بدنه اقتصادی کشور سرایت می کند؛ لذا باید جلو آن گرفته شود.» (۲)

۱- ۲/۳- سوء استفاده از خزانه کشور

«این کار چند ضرر دارد: یکی این که خزانه این کشور که باید صرف مردم شود- صرف ساختن پل و راه و سد و آبرسانی و آباد کردن روستاها و سامان دادن به زندگی مردم شود- به جیب یک نفر یا یک جمع خاص می رود. وقتی شما می بینید یک نفر آدم در طول مدت کوتاهی به جیب یک نفر یا یک جمع خاص می رود. وقتی شما می بینید یک نفر آدم در طول مدت کوتاهی- سه، چهار سال- دهها میلیارد تومان از پول بیت المال را در صندوق شخصی خود قرار می دهد، معنایش چیست؟ معنایش این است، آن پولی که با آن می شد مثلاً هزار روستا را آباد کرد که مردم از زندگی لذت ببرند و مزه فقر را نچشند، مزه زندگی راحت را بچشند، یک نفر بتواند با زرنگی، با زبان چرب و نرم، با چهره حق به جانب و با استفاده از کمک افراد غافل، همه این پولها را به چنگ آورد. بنابراین اولین ضرر این است که بیت المال خالی می شود و پول مردم به جیب یک شخص طماع و

۱- بیانات در اجتماع بزرگ زائران و مجاوران حضرت رضا (علیه السلام) در مشهد مقدس، به تاریخ ۱۳۷۹/۱/۶.

۲- بیانات در دیدار با گروه کثیری از اصناف، به تاریخ ۱۳۸۰/۴/۱۰.



حریص و خودخواه و زیاده‌طلب می‌رود.» (۱)

۲-۲/۳-۲- تشویق به پول درآوردن از راه نامشروع!

«ضرر دوم این است: کسانی که می‌خواهند با پول خود در کشور فعالیت اقتصادی کنند- کارخانه تأسیس کنند، مزرعه راه بیندازند و تولید کنند- وقتی دیدند از راههای نامشروع می‌شود این همه ثروت به دست آورد، آنها هم تشویق می‌شوند که بروند کار نامشروع کنند، عده‌ای می‌گویند مبارزه با مفاسد اقتصادی موجب می‌شود که سرمایه‌دار، سرمایه‌گذاری نکند؛ اما من می‌گویم قضیه عکس است؛ اگر با فساد اقتصادی مبارزه نشود، هر سرمایه‌داری وسوسه و تشویق می‌شود که به جای وارد شدن به کار پُر درد سر تولید و مقدمات آن و راههای طولانی دیگر، برود مشغول بند و بست و کارهای فساد انگیز شود. یک فاسد، دیگران را هم به فساد می‌کشاند و تشویق می‌کند. بنابراین ضرر دوم این است که کشور از فعالیت اقتصادی باز خواهد ماند.» (۲)

۳-۲/۳-۳- رواج رشوه‌خواری و گرایش به فساد در دستگاههای دولتی

«ضرر سوم این است که آدم فاسد وقتی بخواهد از بیت‌المال مسلمانان استفاده کند، به طور مستقیم که او را راه نمی‌دهند؛ مجبور است به مدیران و مسؤولان و هر کسی که سر راه او قرار دارد، رشوه بدهد. هر کسی هم نمی‌تواند در مقابل رشوه مقاومت کند. البته بعضی افراد مقاومت می‌کنند، بعضی هم دانسته یا ندانسته تسلیم می‌شوند.

۱- بیانات در دیدار با اقشار مختلف مردم، به مناسبت ۱۹ دی ماه، سالروز قیام مردم قم، به تاریخ

۱۳۸۰/۱۰/۱۹

۲- همان.



بنابراین آدم فاسد برای رسیدن به هدف خود، با رشوه دادن و شیرینی دادن، عده‌ای را فاسد می‌کند؛ مدیران را فاسد می‌کند، مأموران را فاسد می‌کند، مأمور بانک را فاسد می‌کند، مأمور فلان وزارتخانه را فاسد می‌کند.» (۱)

۴-۲/۳-۴- رایج شدن گناه و تعمیم فساد در سایر عرصه‌ها

«ضرر چهارم این است که وقتی پول و لقمه حرام در بین مردم و نخبگان و زبندگان رایج شد، گناه رایج می‌شود؛ «امرنا مترفیها ففسقوا فیها». وارد شدن در میدان فساد مالی، مقدمه ورود به میدان فساد اخلاقی و فساد جنسی و فساد شهوانی و انواع و اقسام فسادهاست.» (۲)

۵-۲/۳-۴- مهره دشمن شدن

«ضرر پنجم این که وقتی مدیران و مردمی فاسد شدند، به پایگاه دشمن خارجی تبدیل می‌شوند. دشمن خارجی از آدمهای فاسد، برای اهداف سیاسی خود در کشور، خوب استفاده می‌کند.» (۳)

۴-۲/۴- مصادره سرمایه‌های ملی

«یکی از نکاتی که می‌خواهم بار دیگر روی آن تأکید کنم- البته در جلسات خصوصی با مسؤولان مختلف قوه مجریه این را مطرح کرده‌ام، ولی الان هم باز می‌خواهم مجدداً تکرار کنم- این است که مسئله مبارزه با فساد را جدی بگیرید. ببینید! شما می‌نشینید برای کارهای سازنده برنامه‌ریزی می‌کنید، تأمین سرمایه می‌کنید،

۱- همان.

۲- همان.

۳- بیانات در دیدار با اقشار مختلف مردم، به مناسبت ۱۹ دی ماه، سالروز قیام مردم قم، به تاریخ

۱۳۸۰/۱۰/۱۹.

صرفه جویی می کنید، برای این که بتوانید تعدادی شغل در فعالیتهای صنعتی یا کشاورزی یا خدماتی یا ساختمانی و غیره به وجود آورید؛ اما بعد از گوشه‌ای نقبی زده شود، یک شخص با یک باند سودجو وارد میدان شود و همه یا بخش مهمی از چیزی را که شما به عنوان سرمایه ملی می خواهید استحصال کنید و به سود کشور به کار بزنید، بمکد و از بین ببرد و به سود خودش استحصال و مصادره کند. این چیز خیلی خطرناک و واقعاً نگران کننده‌ای است و این وجود دارد.» (۱)

۲/۵- تمرکز ثروت در یک نقطه و گسترش محرومیت و تبعیض در نقاط دیگر

«در نظام اسلامی، مراکز قدرت و کسانی که دستگاههای مختلف و مدیریتهای و امضاءها را در اختیار دارند، باید به جمع ثروت شخصی برای خود، به عنوان یک گناه نگاه کنند. اگر این طور شد، آن گناه دستها و دامنها پاک خواهد ماند؛ والا اگر مسؤولی که فلان تجارت خارجی و فلان مناقصه بزرگ در اختیار اوست؛ فلان پروژه مهم و پرخرج زیر امضای اوست و فلان صندوق پول زیر کلید اوست، به خودش اجازه دهد برای منافع شخصی و جمع آوری ثروت برای خود یا نزدیکانش، از این امکان - که متعلق به کشور و مردم است - استفاده کند، همان چیزی اتفاق خواهد افتاد که در کشورهای دچار سیستمهای ظالمانه در گذشته و امروز در دنیا اتفاق افتاده است؛ یعنی ثروت در یک نقطه متمرکز خواهد شد و جمع کثیری دچار



محرومیت و فقر خواهند گردید. این تبعیض است؛ این چیزی است که اسلام برای مبارزه با آن آمده است. ما هم که مدعی اسلام هستیم، باید با آن مبارزه کنیم.» (۱)

۲/۶- دور باطل پول در خدمت قدرت و قدرت در خدمت پول

«زیان بزرگ فساد اقتصادی در دستگاههای دولتی این است که پول را در خدمت قدرت و قدرت را در خدمت پول به کار می‌گیرد و دور باطلی به وجود می‌آید.» (۲)

۲/۷- فساد اقتصادی در دستگاههای دولتی

«مبارزه با فساد، موضوعی اصلی و اساسی است. فساد اقتصادی در دستگاههای دولتی موجب می‌شود که سود همه تلاشهای انجام شده در راستای پیشرفت و تولید ثروت عمومی برای رفاه مردم، به جیب عده‌ای مفت‌خور و سوءاستفاده‌چی سرازیر شود؛ لذا مبارزه با فساد، جدی‌ست.» (۳)

۲/۸- انباشته شدن ثروت حرام در یک‌جا

«لازمه انباشته شدن ثروت حرام در یک‌جا، گود افتادن و خالی شدن کیسه عده‌ای دیگر در کنار آن است؛ همین که امیرالمؤمنین فرمود: «ما رأیت نعمة موفورة الا و فی جانبها حق مضیع.» (۴)

۱ - بیانات در دیدار با اقشار مختلف مردم به مناسبت نیمه شعبان در مصلاهی تهران، به تاریخ ۱۳۸۱/۷/۳۰.

۲ - همان.

۳ - بیانات در اجتماع مردم مشهد در حرم مقدس، به تاریخ ۱۳۸۲/۱/۱.

۴ - بیانات در دیدار با دانشجویان دانشگاه شهید بهشتی، به تاریخ ۱۳۸۲/۲/۲۲.



۲/۹- هدر شدن ثروت مردم

«ما مبارزه با فساد را مطرح کردیم و گفتیم فساد در دستگاههای اقتصادی و حکومتی موجب می‌شود منابع ثروت متعلق به مردم از بین برود.» (۱)

۲/۱۰- کُند کردن حرکت کشور و ایجاد ناامیدی در مردم

«یکی از چیزهایی که حرکت کشور را کُند می‌کند، تفرقه، اختلاف و دست به گریبان شدن است؛ این ایجاد اختلاف یا دامن زدن به اختلاف، جزو گناهان مخصوص طبقه ماها مجموعه مسؤولان و سیاستمدارهاست. یا فساد اقتصادی؛ چه دست داشتن در فساد اقتصادی، چه چشم بستن بر فساد اقتصادی، چیزهایی است که حرکت عمومی کشور را کُند می‌کند. فساد اقتصادی، هم خودش یک کُند کننده است، از جهت این که فساد است و مسأله مالیه عمومی کشور را دچار مشکل می‌کند، هم انعکاسش در ذهن مردم از جهت دیگری موجب فساد است، که ناامیدی ایجاد می‌کند؛ لذا چه شرکت داشتن در یک فساد- العیاذبالله و خدای نخواستہ- چه دیدن و چشم بستن بر یک فساد؛ یا کشاندن مردم به فساد؛ نوع ادبیات، نوع حرف و کاری که مردم را نسبت به مسائل مفسدانه جری و گستاخ کند- چه فساد مالی، چه فساد امور جنسی و امثال اینها- کُند کردن حرکت کشور است، و اینها گناهان ماست.» (۲)



۱- بیانات در اجتماع با شکوه مردم استان زنجان، به تاریخ ۱۳۸۲/۷/۲۱.

۲- بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار با مسؤولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی، به تاریخ ۱۳۸۵/۷/۱۸.

۲/۱۱- مفاسد اقتصادی مانع فعالیت اقتصادی سالم

«مفاسد اقتصادی مانع فعالیت اقتصادی سالم است، نو مید کننده عناصر مؤمنی است که می خواهند فعالیت اقتصادی خوب داشته باشند، یک بلاست، یک بیماری عظیم است؛ مثل وبائی که در جامعه می آید، مثل بیماریهای واگیری است که تا می آید، همه دستگاهها -قوة مجریه، قوة مقننه، قوة قضائیه- به حرکت می افتند که جلویش را بگیرند.» (۱)

۲/۱۲- رواج مفاسد اقتصادی سبب تزلزل عناصر خوب دستگاهها

«وجود و رواج مفاسد اقتصادی یکی از بزرگترین خطرهایش این است که عناصر خوب دستگاهها را متزلزل می کند، زیر پای آنها را سست می کند. بسیاری از این موارد و قضایای مفاسد اقتصادی که به طور مشخص گزارش شده و برای ما گفته شده است، به این ترتیب بوده است که آن مفسد اقتصادی برای پیشبرد کار خود لازم دانسته در داخل فلان دستگاه نفوذ کند و تعدادی از عناصری را که در آنجا کار می کنند، با خودش همراه کند. خوب، آن عناصری که آنجا کار می کنند، مردمان مؤمنی هستند؛ اما شیطان هوس، زیاده طلبی و پول را به جان اینها می اندازد، همه هم طاقت نمی آورند، مجذوب می شوند، میلغزند؛ این یکی از بزرگترین خطرات مفاسد اقتصادی است.» (۲)

۱ - دیدار با مسؤولان قضائی کشور، به تاریخ ۱۳۸۷/۴/۵.

۲ - همان.



۳- مصادیق مفساد اقتصادی

۳/۱- دست‌اندازی به اموال عمومی

«وقتی ما می‌گوییم دستگاه- چه دستگاه قضایی، چه دستگاه قانونگذاری و چه دستگاه انتظامی و غیره- با کسانی که با ثروتهای عمومی بازی می‌کنند و برای دست انداختن به درآمدهای ناپاک و نامشروع حدی قائل نیستند، باید برخورد کند، به خاطر این است. کسانی هستند که تلاش می‌کنند و حقیقتاً در صدد این هستند که طبقه ممتاز جدیدی در نظام جمهوری اسلامی به وجود آورند. به خاطر انتخابها و انتصابات و زرنکیها و دست و پاداریها و مشرف بودن بر مراکز ثروت، و از طریق نامشروعی که با زرنکی آن را یاد گرفته‌اند، به اموال عمومی دست بیندازند و یک طبقه‌ای جدید- طبقه ممتازان و مرفه‌های بی‌درد- درست کنند. نظام اسلامی، با مرفه‌های بی‌درد و معارض و مخل، آن‌طور برخورد سختی کرد؛ حال از درون شکم نظام اسلامی، یک طبقه مرفه بی‌درد جدید طلوع کند! مگر این شدنی است؟! به فضل پروردگار، مخلصان انقلاب و اسلام نخواهند گذاشت که چنین انحرافهای بزرگی به وجود آید.» (۱)

۳/۲- سوءاستفاده از اختیارات قانونی توسط مسؤولان

«این که امیرالمؤمنین علیه‌السلام می‌فرماید: «ما رأیت نعمة موفورة ألاً و فی جانبها حقّ مضیع»؛ یعنی هر جا شما دیدید ثروت انباشته‌ای به وجود آمده، بدانید در کنارش حقوق ضایع شده فراوانی وجود دارد؛ مظهر اصلی و مصداق عمده‌اش همین است که کارگزاران و مسؤولان



۱- بیانات در دیدار با جمعی از فرماندهان و پرسنل نیروی انتظامی، به تاریخ ۱۳۷۶/۴/۲۵.

حکومت، با استفاده از نفوذ و قدرت، راحت بتوانند از امکانات عمومی استفاده کنند؛ بانکها راحت وام بدهند؛ مراکز گوناگون، امکان استفاده از زمین، آب، هوا، تجارت و وارد کردن و صادر کردن را در اختیار آنها بگذارند؛ ناگهان ببینید کسانی که دستشان از مال دنیا تا اندکی پیش خالی بود، ثروتهای گزاف پیدا کرده‌اند؛ ظاهر کار هم قانونی است.»

۳/۳- استفاده سوء از پیچ و خمهای قانون

«من یک وقت گفتم قانوندانه‌های قانون‌شکن، خطرناکتر از همه‌اند؛ کسانی که قانون را خوب بلدند، پیچ و خمها و دالانهای تودرتوی قانون را خوب می‌شناسند، اما خودشان قانون‌شکنند؛ بدون این که معلوم شود کارشان قانون‌شکنی است. اگر خدای نکرده چنین چیزی برای ملت ما رواج پیدا کند، یک فاجعه است. این چیزی است که با نظام اسلامی و با انتظار مهدی موعود کاملاً منافات دارد.» (۱)

۳/۴- استفاده از امکانات برای منافع شخصی خود و نزدیکان!

«اگر مسؤولی که فلان تجارت خارجی و فلان مناقصه بزرگ در اختیار اوست؛ فلان پروژه مهم و پرخرج زیر امضای اوست و فلان صندوق پول زیر کلید اوست، به خودش اجازه دهد برای منافع شخصی و جمع‌آوری ثروت برای خود یا نزدیکانش، از این امکان - که متعلق به کشور و مردم است - استفاده کند، همان چیزی اتفاق خواهد افتاد که در کشورهای دچار سیستمهای ظالمانه در گذشته و

۱ - بیانات در دیدار با اقشار مختلف مردم به مناسبت نیمه شعبان در مصلاهی تهران، به تاریخ



امروز در دنیا اتفاق افتاده است؛ یعنی ثروت در یک نقطه متمرکز خواهد شد و جمع کثیری دچار محرومیت و فقر خواهند گردید. این تبعیض است؛ این چیزی است که اسلام برای مبارزه با آن آمده است. ما هم که مدعی اسلام هستیم، باید با آن مبارزه کنیم.»^(۱)

۳/۵- انبوه شدن ثروت در قدرت طلبان

«مسابقه رفاه میان مسئولان، بی‌اعتنائی به گسترش شکاف طبقاتی در ذهن و عمل برنامه‌ریزان، ثروتهای سربرآورده در دستانی که تا چندی پیش تهی بودند، هزینه کردن اموال عمومی در اقدامهای بدون اولویت، و به طریق اولی در کارهای صرفاً تشریفاتی، میدان دادن به عناصری که زرنگی و پررویی آنان همه گلوگاههای اقتصادی را به روی آنان می‌گشاید، و خلاصه پدیده بسیار خطرناک انبوه شدن ثروت در دست کسانی که آمادگی دارند آن را هزینه کسب قدرت سیاسی کنند. و البته با تکیه بر آن قدرت سیاسی اضعاف آنچه را که هزینه کرده‌اند گرد می‌آورند.

اینها و امثال آن نقطه‌های استفهام برانگیزی است که هر جوان معتقد به عدل اسلامی ذهن و دل خود را به آن متوجه می‌یابد و از کسانی که مظنون به چنین تخلفاتی شناخته می‌شوند پاسخ می‌طلبد. و همچنین در کنار آن از دولت و مجلس و دستگاه قضائی عملکرد قاطعانه برای ریشه کن کردن این فسادها را مطالبه می‌کند.»^(۲)



۱- همان.

۲- پیام به مناسبت دومین همایش جنبش دانشجویی، به تاریخ ۱۳۸۱/۸/۶.

۳/۶- رسیدن به ثروتهای کذایی از راه تقلب و قاچاق

«اگر کسی از راه صحیح می‌تواند ثروت جمع کند، هیچ کس به او اعتراض ندارد؛ منتها این که کسانی با سرعت به ثروتهای کذایی می‌رسند، اصلاً از راه صحیح و جز با تقلب و روشهای ممنوع و حرام امکان ندارد. منابع کشور محدود است. لازمه انباشته شدن ثروت حرام در یک‌جا، گود افتادن و خالی شدن کیسه عده‌ای دیگر در کنار آن است. همین که امیرالمؤمنین فرمود: «ما رأیت نعمة موفورة الا و فی جانبها حق مضیع». اصلاً تمام تلاش ما این است که این موضوع نباشد. تکیه ما روی مبارزه با مفاسد اقتصادی و قاچاق برای همین است. روی این خیلی کار تبلیغاتی نشده و نمی‌خواستیم هم بشود. بنده در یکی دو سال اخیر تلاش مفصلی را برای وادار کردن دستگاهها-چه قضایی، چه اجرایی- به مبارزه با قاچاق شروع کرده‌ام. قاچاق، پدیده عجیبی است و همین مفاسد از آن درمی‌آید.» (۱)

۴- ضرورت و اهمیت مبارزه با مفاسد اقتصادی

۴/۱- مبارزه با فساد، پایه اصلی و روش امیرالمؤمنین (ع)

«امروز اگر شعار مبارزه با فساد مالی و اقتصادی داده می‌شود، هر کس پیرو امیرالمؤمنین است، باید از این شعار پیروی کند. هر کس به معنای واقعی کلمه، دنبال صلاح و اصلاح است، باید دنبال این کار، حرکت کند. دستگاههای مسؤول- اعم از قوه قضاییه با قوه مجریه یا قوه مقننه- خود را موظف بدانند این شعار را تحقق بخشند و نگذارند

در حد یک شعار توخالی و یک لفاظی، باقی بماند.» (۱)

«مبارزه با فساد، یکی از پایه‌های اصلی حکومت و نظام اسلامی است. این روش امیرالمؤمنین است. امیرالمؤمنین از مردم ملاحظه نکرد؛ حتی از کسانی که از او توقع داشتند، ملاحظه نکرد. آن‌جایی که دید فساد وجود دارد، با آن مبارزه کرد. ما نمی‌توانیم مثل امیرالمؤمنین عمل کنیم؛ ادعایش را هم نداریم. ما قابل این نیستیم بنده خودم را عرض می‌کنم - که بخواهیم پشت سر امیرالمؤمنین حرکت کنیم، لیکن باید تلاشمان را بکنیم.» (۲)



«مبارزه با مفاسد اقتصادی و گرایش به سمت بی‌بندوباری در امور مالی و مسائل بیت‌المال، از جمله اولین خطوط برنامه امیرالمؤمنین بوده است. ما در نظام جمهوری اسلامی باید افتخار کنیم که این راه را دنبال می‌کنیم.» (۳)

۴/۲- مبارزه با فساد اداری و اقتصادی از اصول انقلاب

«مبارزه با فساد اداری و فساد اقتصادی و سوءاستفاده از امکاناتی که قدرت در اختیار افراد می‌گذارد - چه سوءاستفاده مالی و چه سوءاستفاده سیاسی - از اصول انقلاب است.» (۴)

۱ - بیانات در خطبه‌های نماز جمعه ۲۱ رمضان، به تاریخ ۱۳۸۰/۹/۱۶.

۲ - همان.

۳ - بیانات در اجتماع بزرگ زائران و مجاوران حضرت علی بن موسی الرضا (علیه‌السلام) در روز عید سعید غدیر خم، به تاریخ ۱۳۸۰/۱۲/۱۲.

۴ - بیانات در اجتماع بزرگ زائران حرم امام خمینی (ره)، به تاریخ ۱۳۸۱/۳/۱۴.

۴/۳- اهمیت حیاتی برخورد با مفاسد اقتصادی برای نظام

«مفاسد اقتصادی، جریان آلوده‌ای است که اگر جلوگیری و با آن مبارزه نشود، کلّ فضا را آلوده خواهد کرد. بحث یک جرم منفرد و تک افتاده نیست؛ برخورد با مفاسد اقتصادی برای نظام اهمیت حیاتی دارد.» (۱)

۴/۴- جلوگیری از مفاسد اقتصادی، روش اسلام و امام

«ما به فضل پروردگار در دستگاه‌های دولتی و حکومتی فساد لانه کرده نداریم. در دستگاهی که ممکن است کسانی در اجزاء آن سوءاستفاده کنند و فاسد باشند، و دستگاههایی مثل رژیم طاغوت که بنیان آن بر فساد است، تفاوت است. در دستگاه طاغوت، فساد، سوءاستفاده، دنیاطلبی و حیف و میل اموال عمومی از ریشه و رأس یک سنت و رویه قطعی و عادت همیشگی بوده است.

در نظام جمهوری اسلامی تعالیم و روش اسلام و امام راحل، جامعه را از چنین چیزی باز داشته است. عناصری سوءاستفاده‌چی همیشه در گوشه و کنار وجود داشته‌اند. کسانی هم در بیرون از دستگاه‌های دولتی، از امکانات آنها برای پُر کردن کیسه‌های خود سوءاستفاده می‌کنند. باید به طور جدی با آنها مبارزه شود.» (۲)

۴/۵- خطر عظیم مفاسد اقتصادی برای کشور

«مفاسد اقتصادی را صرفاً به عنوان یک کار خلاف نباید در کشور در نظر گرفت. این کار اگر چنانچه دنبال نشود، تعقیب نشود،

۱- بیانات در دیدار رئیس، معاونان و کارکنان قوه قضاییه، در آستانه سالروز هفتم تیر، به تاریخ ۱۳۸۱/۴/۵.

۲- بیانات در اجتماع مردم مشهد در حرم مقدس، به تاریخ ۱۳۸۲/۱/۱.



ریشه‌یابی نشود، قوای مختلف کشور دست به دست هم ندهند برای خشک کردن ریشه این کار، ضربه و خطرش برای کشور بسیار کلان و عظیم خواهد بود. مفساد اقتصادی، مفساد فرهنگی را هم با خود می‌آورد، مفساد اخلاقی را هم می‌آورد.» (۱)

۵- آثار و فواید مبارزه با مفساد اقتصادی

۵/۱- کمک به گشایش اقتصادی کشور

«مبارزه با مفسده اقتصادی و مالی یکی از کارهایی است که به گشایش اقتصادی کشور هم کمک خواهد کرد.» (۲)

۵/۲- مبارزه با فساد زمینه‌ساز پیشرفت

مبارزه با فساد، هم موجب می‌شود که افراد، دقت بیشتری بکنند، هم موجب می‌شود که دستهای خیانتکار بترسند و عقب بکشند. این دو عامل موجب خواهد شد که در کارهای اقتصادی و جاری کشور و دولت، پیشرفت به وجود آید.» (۳)

۵/۳- بسترساز رقابت سالم اقتصادی

«اگر مبارزه با مفساد اقتصادی به همان صورتی که بنده گفتم، با همان جدیت انجام بگیرد، کمک بسیار مهمی به همین فعالیت اقتصادی و نشاط سالم اقتصادی خواهد کرد. این دو تا مکمل هم‌اند. همان چند سال پیش که بنده اول بار راجع به مفساد اقتصادی



۱- دیدار با مسؤولان قضایی کشور، به تاریخ ۱۳۸۷/۴/۵.

۲- بیانات پس از مراسم تفیذ حکم ریاست جمهوری آقای سید محمد خاتمی، به تاریخ ۱۳۸۰/۵/۱۱.

۳- بیانات در دیدار با اعضای مجلس خبرگان، به تاریخ ۱۳۸۰/۶/۱۵.

صحبت کردم، بعضی از مسؤولان در ذهنشان این بود که ممکن است مشکلاتی ایجاد کند. من گفتم نه، آن کسانی که می‌خواهند فعالیت سالم اقتصادی داشته باشند، خوشحال می‌شوند از این که یک عده کلاش و قلاش و کلاهبردار و پشت‌هم‌انداز و قانون‌شکن در میدان نباشند، راهها را نبندند، اینها را بدنام نکنند. ما این دو تا را نه فقط با همدیگر منافی نمی‌دانیم، بلکه بنده اینها را مکمل هم می‌دانم؛ معتقدم که مبارزه با فساد و ریشه‌کنی فساد، بسترساز رقابت سالم اقتصادی است.» (۱)

۶- الزامات مبارزه با مفساد اقتصادی

۶/۱- اطلاع‌رسانی بهنگام، بجا و به شکل متین و صحیح

«در آن نامه‌ای که به رؤسای محترم سه قوه نوشتم، عرض کردم مراقب باشید تخلفات مدیریتی را که غالباً به اشتباه برمی‌گردد، را جرائمی که کسی از روی عمد مرتکب می‌شود، مخلوط نکنید، مراقب باشید اول، کار انجام گیرد و بعد مردم از کاری که انجام گرفت، مطلع شوند. جنجال تبلیغاتی نسبت به کاری که هنوز انجام نگرفته است، نه فقط مفید فایده نیست، بلکه ضررهایی هم ایجاد می‌کند. کار را بکنیم، بعد اطلاع دهیم این کار شد- مثلاً این پرونده رسیدگی و مختومه شد، یا این طور احقاق حق گردید- نه این که قبل از آن که کاری صورت گیرد، جنجال کنیم که می‌خواهیم این کار را بکنیم؛ بعد هم نتوانیم، یا اشکالی پیش آید، یا معلوم شود فلان

۱- بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار با مسؤولان اقتصادی و دست‌اندرکاران اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی، به تاریخ ۱۳۸۵/۱۱/۳۰.

گوشه‌اش را اشتباه کرده بودیم. بنده معتقد به خبررسانی و اطلاع‌رسانی‌ام؛ مکرر هم به رئیس محترم قوه و دوستان دیگر در این زمینه عرض کرده‌ام. باید افکار عمومی را مطلع کرد و اطلاع‌رسانی صحیح و درست انجام داد؛ لیکن اطلاع‌رسانی بهنگام، بجا و به شکل متین و صحیح.» (۱)

۶/۲- جدیت و دوری از جنجال‌سازی

«مبارزه با فساد مالی و اقتصادی جدی است و ادامه دارد. البته من به مسئولین قوه قضاییه و مجریه سفارش کردم که جنجال به راه بیندازند؛ جنجال موجب گم شدن اصل مسأله می‌شود. باید با آن مبارزه کرد.» (۲)

۶/۳- لزوم مبارزه جدی بلند مدت

«عناصری سوءاستفاده‌چی همیشه در گوشه و کنار وجود داشته‌اند. کسانی هم در بیرون از دستگاه‌های دولتی، از امکانات آنها برای پر کردن کیسه‌های خود سوءاستفاده می‌کنند. باید به طور جدی با آنها مبارزه شود. البته مبارزه با آنها کار دشواری است؛ چون پول دارند و به تبلیغات می‌پردازند و شایعه‌پراکنی می‌کنند. دشمنان داخل و خارج کشور هم سعی می‌کنند از حرکت‌های اصلاحی در کشور جلوگیری کنند. اراده و همت و عزم جازم مسؤولان می‌تواند همه این موانع را از سر راه بردارد و ان شاء الله این‌طور خواهد شد. البته این کارها بلند

۱- بیانات در دیدار، رئیس، معاونان و کارکنان قوه قضاییه، در آستانه سالروز هفتم تیر، به تاریخ

۱۳۸۱/۴/۵.

۲- بیانات در اجتماع مردم مشهد در حرم مقدس، به تاریخ ۱۳۸۲/۱/۱.



مدت است.» (۱)

۶/۴- برخورد عملی و واقعی، بدون و پیشداوری

«به مردم عزیز عرض می‌کنم برای مبارزه با فساد، نباید منتظر جنجال بود و پیشداوری کرد. بایستی منتظر عمل و کار واقعی بود. امیدواریم مسئولان به توفیق و کمک الهی، با ادعیه حضرت بقیه‌الله (ارواح‌نافداه) و با همت و عزم جازم خود با جدیت این راه را دنبال کنند.» (۲)

۶/۵- برخورد بی‌محابا

«با فساد و تخلفات مالی بی‌محابا برخورد کنید.» (۳)

۶/۶- سرعت و قاطعیت

«بنده در پرونده‌های مفاسد اقتصادی معتقد به جنجال و هیاهو نیستم، لیکن معتقد به سرعت و قاطعیت در کار هستم.» (۴)

۷- موافقان و مخالفان مبارزه با مفاسد اقتصادی

«بعضی می‌گویند شما که می‌گویید مبارزه با فساد اقتصادی، معنایش این است که مدیران و مسئولان زحمتکش نظام، مورد اتهام قرار گیرند! نه؛ این غلط است. اگر فساد در بین دستگاه‌های مختلف جایگزین شود، اصلاً اسم مبارزه و فکر مبارزه مطرح نخواهد شد. مبارزه، با آن پدیده‌ای است که به صورت عارضی و تحمیلی، برنظام

۱- همان.

۲- بیانات در اجتماع مردم مشهد در حرم مقدس، به تاریخ ۱۳۸۲/۱/۱.

۳- بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار با رئیس‌جمهور و اعضای هیأت دولت، به تاریخ ۱۳۸۵/۶/۶.

۴- دیدار با مسئولان قضائی کشور، به تاریخ ۱۳۸۷/۴/۵.



وارد می‌شود. دلیل سلامت نظام همین است که وقتی مبارزه با مفسد اقتصادی آغاز می‌شود، مسئولان طراز اول و مدیران میانی نظام، با شور و شوق حقیقی وارد این میدان می‌شوند. معنای آن این است که نظام به فضل پروردگار و به برکت اسلام و نام امیرالمؤمنین توانسته است جریان کلی و اصلی خود را در بستر صلاح و سداد ادامه دهد. هر رودخانه تمیز سالمی هم ممکن است چند جریان آلوده از این طرف و آن طرف واردش شوند. ما می‌خواهیم جلو این را بگیریم. مدیران ارشد و مسئولان پیکره اصلی نظام، مثل آحاد مردم، از مبارزه با فساد خوشحال می‌شوند. دشمنان این ملت و کسانی که می‌خواهند ما این مبارزه با نکنیم تا فساد در جامعه جایگیر شود، مبارزه با فساد را حمل می‌کنند بر این که جامعه فاسد شده است! نخیر؛ ما در دستگاه نظام اسلامی و جمهوری اسلامی با چیزهایی مبارزه می‌کنیم که در بسیاری از نظامهای جهانی، امروز به صورت یک عرف و کار رایج درآمده است؛ فساد در آن جا نهادینه شده است.» (۱)

۸- چالشهای پیش روی مبارزه با مفسد اقتصادی

۸/۱- جنجال و هیاهوی اهرمهای فشار

«این را همه باید وظیفه خود بدانند؛ نه این که اگر دستگاهی با فاسد و مفسدی مقابله کرد، باز همان اهرمهای فشار به حرکت درآیند و جنجال و هیاهو کنند و دست و پای کسانی را که در این راه حرکت می‌کنند، بلرزانند.» (۲)

۱ - بیانات در اجتماع بزرگ زائران و مجاوران حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) در روز

عید سعید غدیر خم، به تاریخ ۱۳۸۰/۱۲/۱۲.

۲ - بیانات در خطبه‌های نماز جمعه ۲۱ رمضان، به تاریخ ۱۳۸۰/۹/۱۶.



۸/۲- جنجال سازی دشمن

«اگر امروز با مفاسد اخلاقی و با بی بندوباری در جامعه مقابله صحیح و هوشمندانه شود، آنها جنجال می کنند؛ این بدیهی است. جنجال آنها حقیقت را عوض نمی کند، وظیفه را هم عوض نمی کند؛ مسؤولان باید بدانند چه می کنند. دشمن با تبلیغاتی که در دست دارد، حرفی ندارد که اگر لازم باشد، روز روشن را بگوید شب است و یک عده آدم ساده‌نگر را هم با ابزارهای هنری و روشهای گوناگون تبلیغی قانع کند؛ این کار را در دنیا می کند.» (۱)

۸/۳- فشار و اعمال قدرت مفسدان

«در داخل کشور اسلامی یک سوءاستفاده‌چی، یک مفسد، یک طماع، یک آدم زرننگ و ناقلابیاد از منابع عمومی کشور که متعلق به همه قشرهاست- با وجود این همه آدم فقیر و ضعیفی که در کشور هست- سوءاستفاه کند و بی حساب و کتاب ببرد. باید با این مقابله شود. معلوم است که این حرکت در قوه قضائیه و قوه مجریه و قوه مقننه- هر کدام در حد خودشان- عکس‌العمل ایجاد می کند؛ آرام نمی‌نشینند، ساکت نمی‌نشینند. بعضیها موضوع را خلط می‌کنند، خراب می‌کنند؛ مثل همین قضائیه که توی افواه این اواخر به وجود آمد؛ اینها خراب کردن اصل قضیه است؛ اینها منحرف کردن اصل مطلوب است. یک جور این است، یک جور هم فشار آوردن و رابطه برقرار کردن و تلفن کردن و واسطه شدن و اعمال قدرت کردن و توی رودربایستی افراد را گیر انداختن و اینهاست. باید با همه اینها

۱- بیانات در دیدار با اعضای بسیج و پرسنل اداره کل اطلاعات استان همدان، به تاریخ



مقابله شود. این یکی از کارهای بزرگ است.» (۱)

۹- وظایف دستگاهها در قبال مبارزه با مفاصد اقتصادی

۹/۱- مبارزه با فساد یک جهاد همه جانبه

«مبارزه با فساد، یک جهاد همه جانبه است. من از مسؤولان کشور خواهش می کنم این جهاد عظیم را به اغراض سیاسی آلوده نکنند. اگر مسؤولان کشور آن خودآگاهی لازم را داشته باشند، آن گاه می فهمند که امروز مبارزه با فساد لازم است و یک جهاد است.» (۲)

۹/۲- اعمال قاطعیت علوی

«مبارزه با فساد، یک حرکت و رفتار علوی است و قاطعیت علوی را لازم دارد و به فضل پروردگار مسؤولانی که دست اندر کار این مبارزه هستند، با الهام از امیرالمؤمنین علیه الصلاة والسلام باید این قاطعیت را اعمال کنند و اعمال خواهند کرد.» (۳)

۹/۳- قدرت و همدلی و سرعت

«از همه خدمتگزاران این ملت عزیز می خواهم که با تلاش مضاعف و پرهیز از تفرقه، شکرگزار این مردم باشند و با قدرت و همدلی و سرعت و همکاری و شجاعت، موانع پیشرفت و ترقی این ملت و خصوصاً مفاصد مالی و اقتصادی و اداری را مرتفع نمایند.» (۴)



۱- دیدار با مسؤولان قضائی کشور، به تاریخ ۱۳۸۷/۴/۵.

۲- بیانات در دیدار با اقشار مختلف مردم، به مناسبت ۱۹ دی ماه، سالروز قیام مردم قم، به تاریخ ۱۳۸۰/۱۰/۱۹.

۳- بیانات در اجتماع بزرگ زائران و مجاوران حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) در روز عید سعید غدیر خم، به تاریخ ۱۳۸۰/۱۲/۱۲.

۴- پیام در تجلیل از راهپیمایی ۲۸ تیر ۱۳۸۱، به تاریخ ۱۳۸۱/۴/۲۹.

۹/۴- نگاه مراکز قدرت به جمع ثروت شخصی به عنوان یک گناه

«در نظام اسلامی، مراکز قدرت و کسانی که دستگاههای مختلف و مدیریتهای و امضاءها را در اختیار دارند، باید به جمع ثروت شخصی برای خود، به عنوان یک گناه نگاه کنند. اگر این طور شد، آن گناه دستها و دامنها پاک خواهد ماند.» (۱)

۹/۵- مبارزه با فساد، در درجه اول کار دولت

«به مناسبت هفته دولت، یکی از دوستان برای من یادداشتی نوشته - یادم نیست از کجا و کی بود- و گفته بودند در همه جای دنیا مبارزه با فساد، کار دولت است؛ چرا ما قوه قضاییه را مسؤول این کار می کنیم؟ من به این حرف معتقدم. معتقدم مبارزه با فساد، در درجه اول کار خود دولت است.» (۲)

۹/۶- همراهی قوه قضاییه با دولت

«در بخشهای اقتصادی، پولی، صنعتی، خدماتی و دیگر بخشهای تولیدی و آنجایی که بخصوص معاملات خارجی و کلان وجود دارد، حضور شما حقیقتاً به عنوان مدعی و معارض فساد و مفسد تلقی شود. وقتی با این جدیت دنبال رفع فساد رفتید، در جایی می بینید باید به قوه قضاییه بگویید ما از شما می خواهیم به این قضیه رسیدگی کنید. در این صورت با میل و خواست و مطالبه شما، قوه قضاییه وارد میدان خواهد شد.» (۳)

۱ - بیانات در دیدار با اقشار مختلف مردم به مناسبت نیمه شعبان در مصالای تهران، به تاریخ ۱۳۸۱/۷/۳۰.

۲ - بیانات در دیدار با اعضای هیأت دولت، به مناسبت هفته دولت، به تاریخ ۱۳۸۱/۶/۴.

۳ - همان.



۹/۷- مبارزه با فساد دستگاههای دولتی

«به مسؤولان بارها گفته‌ام، تأکید هم کرده‌ام، باز هم می‌گویم و پای این مطلب ایستاده‌ام: باید با فساد در دستگاههای دولتی و دیگر دستگاههای حکومتی مبارزه شود. متعهد این مبارزه، خود مسؤولان دولتی، خود وزرا و خود مدیران ارشد مسؤوند. نگذارند در مجموعه‌های آنها فساد به وجود آید. اگر آنها بخواهند مبارزه کنند و اگر این مبارزه را جدی بگیرند، بهتر از هر کس خواهند توانست مبارزه کنند. البته باید حواسشان جمع باشد که دامنه‌های خود را پاکیزه نگهدارند.»

این را همه بدانند: کسی که خودش آلوده به فساد باشد، قادر نخواهد بود با فساد مبارزه کند. خود مسؤولان باید با هشیاری و دقت، با این پدیده مبارزه کنند.» (۱)

۹/۸- گرفتن گلوگاههای فساد

«بخشی که مربوط به قوه مجریه است، گرفتن گلوگاههای فساد است. در بخشهای مالی، پولی، بازرگانی و گمرکی گلوگاههای فساد مالی وجود دارد؛ بی توجهی به این مراکز موجب می‌شود فساد به وجود آید. وقتی دستگاهها نظارت و مراقبت خود را دقیق کنند، جلو فساد گرفته خواهد شد؛ این می‌شود پیشگیری.» (۲)

«یکی از موانع پیشرفت اقتصادی کشور، وجود گلوگاههای فساد

۱- بیانات در دیدار با اقشار مختلف مردم به مناسبت نیمه شعبان در مصلای تهران، به تاریخ ۱۳۸۱/۷/۳۰.

۲- بیانات در دیدار با دانشجویان دانشگاه شهید بهشتی، به تاریخ ۱۳۸۲/۲/۲۲.



است که بشدت باید از آن ترسید و با آن مقابله و مبارزه کرد. البته کار سختی هم هست. من در جریان آن نامه هشت ماده‌ای که نوشتم، هم به رئیس جمهور محترم، هم به رئیس محترم قوه قضاییه و هم به رئیس محترم مجلس گفتم که بدانید مبارزه با فساد، یک مبارزه جدی و واقعی است. مفسدین تهاجم خواهند کرد و فشار خواهند آورد؛ لذا کار سختی است. برای مقابله با شیوع فساد اقتصادی و مالی، باید لباس مبارزه به تن کرد.» (۱)

۹/۹- جدیت بیشتر دولت

«در داخل تشکیلات دولتی، اهمیت مبارزه با فساد اقتصادی بیشتر است از عین همین کار در دستگاه قضائی. دستگاه قضائی مجازات مفسد را بر عهده دارد، دستگاه اجرائی جلوگیری از بروز فساد را بر عهده دارد؛ این مهمتر است؛ این پیشگیری است. در پیچ و خم دالانهای گوناگون اجرائی است - چه در مرحله برنامه‌ریزی، چه در مرحله اجرا - که فساد جان می‌گیرد؛ این میکربهای فساد به وجود می‌آیند و رشد می‌کنند و تکثیر می‌شوند؛ جلوی اینها را باید گرفت.» (۲)

۹/۱۰- برخورد بی‌اغماض و بدون ملاحظه

«دستگاه قضایی هم باید بی‌اغماض و بدون ملاحظه، هر جا فساد و یا عملی را برخلاف قانون و در جهت سوءاستفاده ملاحظه کرد، با آن

۱ - بیانات پس از مراسم تنفیذ حکم ریاست جمهوری آقای سید محمد خاتمی، به تاریخ ۱۳۸۰/۵/۱۱.

۲ - بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار رئیس جمهور، مسئولان و کارگزاران نظام، به تاریخ ۱۳۸۶/۴/۹.



مقابله کند.»(۱)

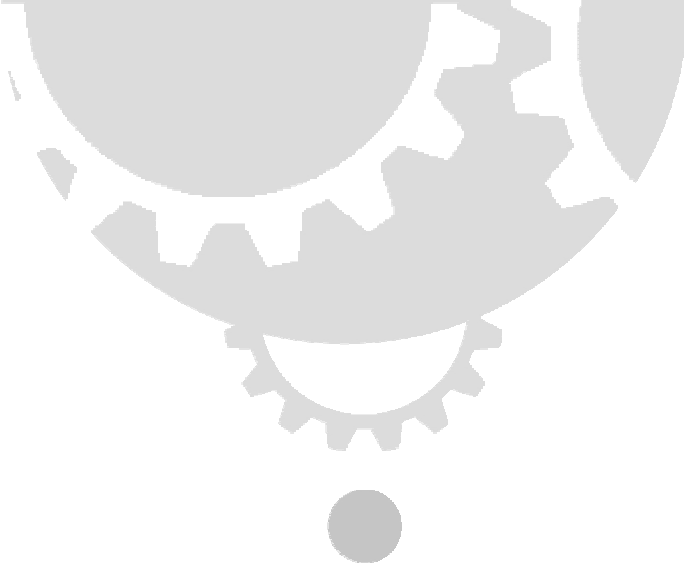
۹/۱۱- ادای سهم توسط قوه قضائیه

«سهم قوه قضائیه در مقابله با مفسد اقتصادی سهم بسیار سنگین و مهمی است. پیشگیری از وقوع مفسده هم به عهده قوه قضائیه است. به قانون اساسی مراجعه کنید، ملاحظه کنید، یکی از وظائف قوه قضائیه در قانون اساسی همین پیشگیری است. خوب، پیشگیری ابزارهای لازم خودش را دارد. دستگاههای متناسب خودش را دارد. پیشگیری با استفاده از ضابطین قضائی هم احیاناً خواهد بود؛ از جمله دستگاههای امنیتی، از جمله دستگاههای اطلاعاتی. از همه اینها باید در پیشگیری استفاده شود.»(۲)



۱- بیانات در دیدار با اقشار مختلف مردم به مناسبت نیمه شعبان در مصلاهی تهران، به تاریخ ۱۳۸۱/۷/۳۰.

۲- دیدار با مسؤولان قضائی کشور، به تاریخ ۱۳۸۷/۴/۵.



گفتار نهم

ساده‌زیستی، مبارزه با اسراف و تجمل‌گرایی و
اشرافیگری

(ضرورت، راهکارها)

اشاره:

ساده‌زیستی و مبارزه با اسراف و تجمل و اشرافیگری، از جمله مهمترین اصولی هستند که در اسلام و انقلاب و راه امام بر آنها تأکید گردیده و پایبندی به این ارزشها بخصوص برای مسؤولان واجب و حیاتی شمرده شده است.

زندگی ساده و کمتر بهره بردن از جلوه‌های دنیا و غرق نشدن در مادیات، موجب راحتی و سربلندی در دنیا و آخرت است و گرایش به ساده‌زیستی، یک ارزش متعالی و پرافتخار برای همه و بویژه برای مسؤولان و کارگزاران محسوب می‌گردد.

همه باید مراقبت کنند تا از ساده‌زیستی فاصله نگیرند و زرق و برق دنیا فریفته‌شان نگرداند و به دام تشریفات زائد نیفتند، چرا که اگر بیفتند موجبات ضرر و زیان خود و دیگران را فراهم می‌آورند.

اسراف و تجمل و اشرافیگری، زیانها و مضرات بسیار عدیده و فوق‌العاده خسارت باری برای مردم و مسؤولان در بر دارند. از جمله مهمترین مضرات آن برای مردم می‌توان مختل کردن زندگی دیگران از لحاظ روانی، عدم همدردی با محرومان و عدم استفاده از پول در موارد صحیح و از جمله مهمترین مضرات آن برای مسؤولان می‌توان عدم تحقق عدالت اجتماعی و روحیه برادری و همدلی، گُند کردن روند حرکت به سمت عدالت، خسارت به بیت‌المال، فرهنگ‌سازی منفی و تشویق عوام به ریخت و پاش را نام برد.

همه باید مواظب باشند که به دام اسراف کاری و تجمل گرایی نیفتند و در اشرافیگری غرق نشوند، بویژه مسؤولان باید در این راستا کوشاتر باشند چرا که تمایل پیدا نکردن به کاخ‌نشینی و اشرافیگری از جانب مسؤولان، از جمله شاخصهای راه امام محسوب می‌شود. امام به مسؤولین اصرار داشتند که از اشرافیگری پرهیز کنند. آفت مسؤولیت در یک نظامی که متکی به آراء مردم و متکی به ایمان مردم است، این است که مسؤولین به فکر رفاه و جمع‌آوری ثروت برای خود باشند و در هوس زندگی اشرافی، به این در و آن در بزنند! امام خمینی (ره) از این آفت عظیم بکلی برکنار ماندند و مسؤولین کشور را هم بارها توصیه کردند که به کاخ‌نشینی و به اشرافیگری تمایل پیدا نکنند و سرگرم مال اندوزی نشوند.

از مهمترین راهکارهای مبارزه با اسراف و تجمل و اشرافیگری برای مردم عبارت است از: الگوسازی مسؤولان؛ خرج و مصرف کردن به قدر نیاز و حاجت؛ کمک به محرومان، انفاق و مشارکت در کارهای اقتصادی.

عمده‌ترین راهکارهای مبارزه با اسراف و تجمل و اشرافیگری برای مسؤولان عبارت است از: سرمشق قرار دادن معصومین (علیهم‌السلام) در ساده زیستی و اندازه نگه‌داشتن در تمامی امور زندگی؛ حد نگه داشتن در مورد تغییر دکوراسیونها، تغییر خانه‌ها و خرجهای اضافی؛ پرهیز از هزینه کردن بیت‌المال در امور شخصی و غیر ضروری؛ دل‌ن بستن به پول، تشریفات، جاه و جلال و ضد ارزش دانستن اشرافیگری و گرایش به اشرافیگری.

همه باید به اشرافیگری به دیده یک پدیده زشت و منفور و ناپسند و نکوهیده نگاه کنند و با تمام توان در جهت اجتناب و دوری از آن تلاش نمایند.



۱- مفهوم ساده‌زیستی

«عزیزان من، یکی از شعارهای ما قبل از پیروزی انقلاب - نه شعارهای انقلاب، شعارهای دوستانه خودمان در مجموعه رفاقتی و مجموعه‌هایی که با هم بودیم، با هم فکر می‌کردیم و کار و مبارزه می‌کردیم - «ساده‌زیستی» بود؛ زندگی ساده و کمتر بهره بردن از جلوه‌های دنیا! بعد که انقلاب، پیروز شد، سعی کردیم باز هم همین روش، همین شعار و همین مبنا را دنبال کنیم.» (۱)

۲- ضرورت گرایش به ساده‌زیستی از جانب مسؤولین و مردم

«عزیزان من، یکی از شعارهای ما قبل از پیروزی انقلاب - نه شعارهای انقلاب، شعارهای دوستانه خودمان در مجموعه رفاقتی و مجموعه‌هایی که با هم بودیم، با هم فکر می‌کردیم و کار و مبارزه می‌کردیم - «ساده‌زیستی» بود؛ زندگی ساده و کمتر بهره بردن از جلوه‌های دنیا! بعد که انقلاب، پیروز شد، سعی کردیم باز هم همین روش، همین شعار و همین مبنا را دنبال کنیم.

امام بزرگوار ما خودش مظهر همین معنا بود؛ آدمی بود که تعینات دنیوی، حقیقتاً برایش ارزش نداشت. آدم این را در آن مرد معنوی و بزرگوار می‌دید که تعینات، تعلقات و تکلفات دنیوی، اصلاً برای خودش ارزش نداشت! شما که بحمدالله روشنفکر و آگاه و فهمیده هستید، احتیاج نمی‌بینم که اینها را توضیح بدهم. این که دارم می‌گویم، منظورم بهره‌مندی شخصی است؛ معنایش این نیست که کشور، کار آبادانی و عمران نکند و دنیا را آباد نکند. اینها همیشه،

۱ - بیانات در دیدار شرکت کنندگان در همایش آسیب‌شناسی انقلاب، به تاریخ ۱۳۷۷/۱۲/۱۵.

تخلیه‌ها و شبهه‌افکنیهای مخالفین اسلام بوده، می‌گفتند که اسلام با دنیا مخالف است؛ یعنی دنیا را آباد نکنیم! نه، آن دنیایی که گفته می‌شود، دنیای شخصی است؛ یعنی خود شما دنبال تکلیف زندگی دنیایی نباشید و زندگی را ساده بگذرانید، معنایش این است. امیرالمؤمنین (علیه‌السلام)، شخصاً زاهدانه‌ترین زندگیها را داشت؛ اما در عین حال، مرتب هم کار می‌کرد، مزرعه را آباد و چاه آب، جاری می‌کرد، جهاد می‌کرد و کشور را اداره می‌کرد، حکومت به آن عظمت را ریاست می‌کرد، سیاستگذاری و سیاستمداری می‌کرد.

غرض و مراد ما، دل سپردن به دنیاست که البته مقدار زیادی از مشکلات ما ناشی از این مسأله است! من مسؤول دولتی و حکومتی، یا من روحانی، باید مواظب باشم - بخصوص ما دو صنف، خصوصیتی داریم - یک وقت گفتند: «وای به حال آن کسانی که هر دو هستند؛ هم مسؤول حکومتی، هم روحانی - اینها مشکل‌شان بیشتر و تکلیف‌شان سنگین‌تر است! توقع مردم، بجا و بحق از آنها بیشتر است؛ خدای متعال هم آنها را بیشتر مورد سؤال قرار خواهد داد، چون اثر عمل‌شان هم بیشتر است.

ما باید بیشتر مواظب باشیم، دیگران هم باید مواظب باشند، شما هم که دانشجویید، یا اساتید، باید مواظب باشید، شما هم که رئیسید، باید مواظب باشید؛ همه باید مواظب باشند که به دام تکلیفات و تعینات زندگی نیفتند و در اشرافیگری و اینها غرق نشوند، زینت دنیا را به قدری که خدای متعال قرار داده و مباح است، برای همه کس بخواهند.



البته «الْمَالُ وَالْبَنُونَ زِينَةُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا» (۱)، هیچ ایرادی ندارد. نه مال ایراد دارد، نه فرزندان ایراد دارد، نه مقام و اینها؛ لیکن غرق شدن در اینها، عمده کردن و هدف قراردادن اینها و خود را در تکلیفات و تعینات زندگی، منحصر کردن است که آسیب می‌زند.» (۲)

۳- مبارزه با اسراف و تجمل و اشرافیگری

۳/۱- پرهیز از بی‌انضباطی مالی

«بعضی افراد، پولدارند و درآمدی ان‌شاءالله از راه حلال دارند- آنها که از راه حرام کسب درآمد کنند که وضعشان بدتر است- اینها هم اگر در خرج کردن و وضع زندگی و تجملات بیهوده و بی‌جا و اعیان منشی، ریخت و پاش و اسراف کنند، بی‌انضباطی مالی و اقتصادی انجام داده‌اند. این کارها اسمش ریخت و پاش است و ریخت و پاش امری نکوهیده و ناپسند است.» (۳)

۳/۲- پرهیز از چشم و هم‌چشمی و ریخت و پاش

«در مصارف گوناگون شخصی و خانوادگی، اسراف فردی صورت می‌گیرد. تجمل‌گراییها، چشم و هم‌چشمی‌ها، هوسرانی افراد خانواده، مرد خانواده، زن خانواده، جوان خانواده، چیزهای غیر لازم خریدن؛ اینها از موارد اسراف است. وسایل تجملات، وسایل آرایش، مبلمان خانه، تزئینات داخل خانه؛ اینها چیزهایی است که ما برای آنها پول صرف می‌کنیم. پولی که می‌تواند در تولید مصرف شود،

۱ - سورة كهف: آية ۴۶.

۲ - بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با شرکت کنندگان در همایش آسیب‌شناسی انقلاب، به تاریخ ۱۳۷۷/۱۲/۱۵.

۳ - پیام نوروزی به مناسبت حلول سال جدید، به تاریخ ۱۳۷۴/۱/۱.



سرمایه‌گذاری شود، کشور را پیش ببرد، به فقرا کمک کند، ثروت عمومی کشور را زیاد کند، این را ما صرف می‌کنیم به این چیزهای ناشی شده از هوس، چشم و هم‌چشمی، آبروداریهای خیالی. مسافرت می‌روند، می‌آیند، میهمانی درست می‌کنند - گاهی خرج آن میهمانی، از مسافرت مکه‌ای که رفته‌اند، بیشتر است! - عروسی می‌گیرند، عزا می‌گیرند؛ هزینه‌ای که برای این میهمانیها مصرف می‌کنند، هزینه‌های گزافی است؛ انواع غذاها! چرا؟ چه خبر است؟ در کشور ما هنوز هستند کسانی که از اولیات هم محرومند. باید کمک کنیم کشور پیش برود. نمی‌گوییم پول را بردارید بروید حتماً انفاق کنید - البته اگر انسان انفاق بکند، بهترین کار است - اما حتی اگر انفاق هم نکنند، همین پولی که صرف این تجملات می‌شود، در تولید برای خودشان به کار بیندازند، در کارخانجات سهام شوند و تولید کنند، باز برای کشور مفید است. ما به جای این کارها میهمانی درست می‌کنیم، عزا درست می‌کنیم، هی رخت و بر روزبه‌روز دگرگون برای خودمان درست می‌کنیم؛ چرا؟ چه لزومی دارد؟ عقلای عالم این کار را نمی‌کنند؛ این فقط سخن دین نیست. قرآن می‌فرماید: «وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ» (۱)، «كُلُوا وَاشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا» (۲)؛ بخورید، بیاشامید، اما زیاده‌روی نکنید. در آیه شریفه دیگر: «كُلُوا مِنْ ثَمَرِهِ إِذَا أَثْمَرَ وَآتُوا حَقَّهُ يَوْمَ حَصَادِهِ وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ» (۳) خداوند اسراف کنندگان را دوست نمی‌دارد. ما بندگان خدا هستیم. اینها حرف دین است و روایات فراوانی در این زمینه وجود دارد. در



۱ و ۲ - سورة اعراف: آیه ۳۱.

۳ - سورة انعام: آیه ۱۴۱.

روایت دارد که کسی میوه‌ای را خورد و نیمی از میوه ماند، آن را دور انداخت. امام (علیه‌السلام) به او نهیب زد که اسراف کردی؛ چرا انداختی؟ در روایات ما هست که از دانه خرما استفاده کنید. تا این حد! خرده‌های نان را استفاده کنید. آن وقت در هتلهای میهمانی درست کنند و به یک عده‌ای میهمانی بدهند؛ بعد هر چه که غذا ماند، به بهانه این که بهداشتی نیست، توی سطل آشغال بریزند! این مناسب یک جامعه اسلامی است؟ این جور می‌شود به عدالت رسید؟» (۱)

۳/۳- تجمل همراه با اسراف، دون شأن انسان

«اصل پایبندی به تجملات و تشریفات است که این بد و دون شأن انسان والاست؛ یعنی یک وقت انسان به یک چیز غیر لازم پایبند می‌شود که دون شأن انسان است؛ بعلاوه، مسرفانه است؛ تضييع سرمایه‌ها، تضييع اموال و تضييع موجودیها در آن هست. این یک بعد قضیه است که اصل اسراف بد است؛ اصل تجمل همراه با اسراف و همراه با زیاده روی است و بد است.» (۲)

۳/۴- حرام بودن مانور اشرافیگری در جلوی چشم مردم

«یک وقت هست که ما در زندگی شخصی خود مثلاً حرکت اشراف‌گونه‌یی داریم بین خودمان و خدا؛ که اگر حرام باشد، حرام است؛ اگر مکروه باشد، مکروه است؛ اگر مباح باشد، مباح است؛ اما یک وقت هست که ما جلوی چشم مردم یک مانور اشرافیگری می‌دهیم؛ این دیگر مباح و مکروه ندارد؛ همه‌اش حرام است؛ به خاطر

۱- بیانات در اجتماع بزرگ زائران و مجاوران حضرت علی بن موسی الرضا (علیه‌السلام)، به تاریخ ۱۳۸۸/۱/۱.

۲- بیانات در دیدار با کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران، به تاریخ ۱۳۷۸/۱۰/۴.

این که تعلیم دهنده اشرافیگری است.» (۱)

۳/۵- مواظبت از غرق شدن در دام اشرافیگری

«همه باید مواظب باشند که به دام تکلفات و تعینات زندگی نیفتند و در اشرافیگری و اینها غرق نشوند. زینت دنیا را به قدری که خدای متعالی قرار داده و مباح است، برای همه کس بخواهند.

البته «الْمَالُ وَالْبَنُونَ زِينَةُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا» (۲)، هیچ ایرادی ندارد. نه مال ایراد دارد، نه فرزندان ایراد دارد، نه مقام و اینها؛ لیکن غرق شدن در اینها، عمده کردن و هدف قرار دادن اینها و خود را در تکلیفات و تعینات زندگی، منحصر کردن است که آسیب می‌زند.» (۳)

۳/۶- توصیه مهم امام در پرهیز مسئولین از رفاه شخصی

«به مسئولان اصرار داشتند که از اشرافیگری پرهیز کنند. این، یکی از توصیه‌های مهم امام بزرگوار بود. ما نباید اینها را فراموش کنیم. آفت مسئولیت در یک نظامی که متکی به آراء مردم و متکی به ایمان مردم است، این است که مسئولین به فکر رفاه شخصی بیفتند؛ به فکر جمع‌آوری برای خودشان بیفتند؛ که هوس زندگی اشرافیگری، به این در و آن در بزنند؛ این آفت بسیار بزرگی است. امام خودش از این آفت بکلی برکنار ماند و مسئولین کشور را هم بارها توصیه می‌کرد که به کاخ‌نشینی و به اشرافیگری تمایل پیدا نکنند، سرگرم مال‌اندوزی



۱ - بیانات در دیدار اعضای هیأت دولت، به تاریخ ۱۳۸۴/۶/۸.

۲ - سوره کهف: آیه ۴۶.

۳ - بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با شرکت کنندگان در همایش آسیب‌شناسی انقلاب، به تاریخ ۱۳۷۷/۱۲/۱۵.

نشوند.» (۱)

۴- مضرات اسراف و تجمل و اشرافیگری

۴/۱- اختلال در زندگی دیگران

«ریخت و پاش امری نکوهیده و ناپسند است. این کارها زندگی دیگران را از لحاظ روانی مختل می‌کند. شما مثلاً مبالغه زیادی مواد خوراکی در فلان مهمانی معمولی مصرف می‌کنید؛ در حالی که لازم نیست و در کنار شما و در همسایگی شما در یک محل دورتر، ولو در اقصی نقاط کشور، کسانی به این مواد غذایی برای ادامه زندگی خود و فرزندان و عزیزانشان نیاز مبرم دارند.» (۲)

۴/۲- صرف از پول در مسیر هوس و چشم و هم‌چشمی

«پولی که می‌تواند در تولید مصرف شود، سرمایه‌گذاری شود، کشور را پیش ببرد، به فقرا کمک کند، ثروت عمومی کشور را زیاد کند، این را ما صرف می‌کنیم به این چیزهای ناشی شده از هوس، چشم و هم‌چشمی، آبروداریهای خیالی.» (۳)

۴/۳- فقدان عدالت اجتماعی و روحیه برادری

«وقتی شما جلو چشم مردم، وضع اتاق و دفتر و محیط کار و محیط زندگی را آن‌چنانی می‌کنید، این یک درس عملی است و هر کسی این را می‌بیند، بر او اثر می‌گذارد. حداقل این را باید رعایت کرد. فضا

۱ - بیانات در بیست و دومین سالگرد رحلت امام خمینی (ره)، به تاریخ ۱۳۹۰/۳/۱۴.

۲ - پیام نوروزی به مناسبت حلول سال جدید، به تاریخ ۱۳۷۴/۱/۱.

۳ - بیانات در اجتماع بزرگ زائران و مجاوران حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام)، به تاریخ

۱۳۸۸/۱/۱.

را، فضای تجملاتی و تجمل‌گرایی و عادت کردن به تجمل قرار ندهیم؛ چون امروز اگر این روحیه تجمل‌گرایی در جامعه ما رواج پیدا کند - که متأسفانه تا میزان زیادی هم رواج پیدا کرده است - بسیاری از مشکلات اقتصادی و اجتماعی و اخلاقی کشور اصلاً حل نخواهد شد. تجمل‌گرایی و گرایش به اشرافیگری در زندگی، ضررها و خطرهای زیادی دارد: هیچ وقت عدالت اجتماعی تأمین نخواهد شد؛ هیچ وقت روحیه برادری و الفت و انس و همدلی - که برای همه کشورها و همه جوامع، بخصوص جامعه ما، مثل آب و هوا لازم است - پیش نخواهد آمد. این همان تأثیر حرف و اقدام و عملکرد من و شما در روحیه مردم است.» (۱)



۴/۴ - کند کردن حرکت به سوی عدالت

«عزیزان من! این نکته را در این جا بگویم: از جمله چیزهایی که روند حرکت به سمت عدالت را در جامعه کند می‌کند، نمود اشرافیگری در مسئولان بالای کشور است؛ از این اجتناب کنید. اشرافیگری دو عیب دارد؛ عیب دومش از عیب اولش بزرگتر است. عیب اول اشرافیگری، اسراف است - اشرافیگری حلال را می‌گوییم؛ یعنی آن چیزی که پوش از راه حلال و بحق به دست آمده - اما عیب دوم بدتر است و آن این است که فرهنگ‌سازی می‌کند؛ یعنی چیزی برای مسابقه دادن همه درست می‌کند. البته در این زمینه مسئولان درجه یک بسیار نقش دارند؛ تلویزیون بسیار نقش دارد؛ منش من و

شما هم بسیار نقش دارد.» (۱)

۴/۵- فرهنگ‌سازی برای دیگران

«به نظر من زرق و برق در زندگی شما وقتی به بیرون منعکس شود، آن اشکال دوم را دارد: فرهنگ می‌سازد و یک عده نوکیسه و تازه به دوران رسیده را به خرجها و تجمل‌بازی زیادی تشویق می‌کند. بعد هم می‌بینند رؤسای نظام هستند؛ هم به آن طرف حرکت می‌کنند؛ آن وقت از شما تندتر هم می‌روند؛ چون شما بالاخره ملاحظاتی دارید که بسیاری از آنها ندارند.» (۲)

۴/۶- خسارت به بیت‌المال

«یک وقت هست که ما در زندگی شخصی خود مثلاً حرکت اشراف‌گونه‌یی داریم بین خودمان و خدا؛ که اگر حرام باشد، حرام است؛ اگر مکروه باشد، مکروه است؛ اگر مباح باشد، مباح است؛ اما یک وقت هست که ما جلوی چشم مردم یک مانور اشرافیگری می‌دهیم؛ این دیگر مباح و مکروه ندارد؛ همه‌اش حرام است؛ به خاطر این که تعلیم دهنده اشرافیگری است به: اولاً زیردستهای خودمان، ثانیاً آحاد مردم به این تشویق می‌شوند. ما نباید مردم را به این کار تشویق کنیم. ممکن است در داخل جامعه کسانی پولدار باشند و ریخت و پاش کنند- البته این کار بدی است، ولی به خودشان مربوط است- اما ریخت و پاش ما اولاً از جیبمان نیست، از بیت‌المال است؛ ثانیاً ریخت و پاش ما مشوق ریخت و پاش دیگران است.» (۳)

۱- بیانات در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیأت دولت، به تاریخ ۱۳۸۰/۶/۵.

۲- همان.

۳- بیانات در دیدار با اعضای هیأت دولت، به تاریخ ۱۳۸۴/۶/۸.

۵- راهکارهای مبارزه با اسراف و تجمل و اشرافیگری

۵/۱- الگوسازی مسؤلان

«ما باید خودمان را به معنای واقعی کلمه - نه به معنای تعارفی کلمه - خدمتگزار مردم بدانیم. ما در هر سطحی از سطوح که هستیم، باید این فکر را که: «از امکاناتی که در اختیار ماست، می توانیم برای تأمین خواسته‌ها و هوسهای خود استفاده کنیم؛ پس بکنیم»، بکلی دور بیندازیم. مسؤلان کشور باید به معنای واقعی کلمه، از لحاظ زهد - یعنی بی‌رغبتی به زخارف دنیایی - سرمشق دیگران باشند؛ حد آن هم، حد ورع است.

امیرالمؤمنین (علیه‌الصلاة والسلام) در آن نامه معروف خود به «عثمان بن حنیف»، بعد از آن که می‌فرماید تو سر چنین سفره‌یی بودی و چنین و چنان، زندگی خودشان را می‌فرمایند: «الا و انّ امامکم قد اکتفی من دیناه بطمریه و من طعمه بقرصیه». بعد می‌فرمایند: «الّا و انکم لا تقدرّون علی ذلک»؛ یعنی من از شماها توقع این‌طور زندگی را ندارم.

من و شما کجا می‌توانیم به خاطرمان خطور بدهیم که قادریم در آن حد اوج پرواز کنیم؟ مگر شوخی است؟ بحث این نیست که ما از خودمان مسؤلیت را دفع کنیم. نه، اگر کسی می‌تواند، باید بکند. بحث این نیست که برای عمل خودمان، توجیهی درست کنیم. نه، آن‌طور زندگی کردن، یک عمل تصنعی نیست؛ بلکه به یک روح پولادین متکی است، که آن روح در امیرالمؤمنین وجود داشت.

در دنبال آن می‌فرمایند: «ولیکن اعینونی بورع و اجتهاد»؛ ورع پیشه کنید و هر چه می‌توانید، در این راه سعی و کوشش نمایید. اگر



آن طوری نمی‌توانید، تا هر جا که می‌توانید، این را دنبال کنید. ما اگر می‌خواهیم و شعار می‌دهیم و می‌گوییم که می‌توانید، این را دنبال کنید. ما اگر می‌خواهیم و شعار می‌دهیم و می‌گوییم که جامعه ما باید روحیه مصرف‌گرایی را کنار بگذارد و خودش را از آن چیزهایی که در فرهنگهای غربی ترویج می‌شود، رها کند، عمل به آن، متوقف به عمل ماست. ما هستیم که باید این را به مردم یاد بدهیم. مگر می‌شود خود ما دچار انواع و اقسام تشریفات و تجملات ممکن باشیم، اما در عین حال از مردم توقع داشته باشیم که تجملاتی نباشند؟! اگر در جاهای دیگر شعارش را می‌دهند، ما باید عمل کنیم.» (۱)

۵/۲- به قدر نیاز و حاجت، خرج و مصرف کردن

«کسانی که بی‌خود خرج می‌کنند؛ زیادی خرج می‌کنند و زیادی برای خودشان مصرف می‌کنند و رعایت موجودی جامعه را از لحاظ امکانات اقتصادی نمی‌کنند، انسانهایی هستند که از نظر من بی‌انضباط از لحاظ امکانات اقتصادی و مالی هستند. اگر چنین وضعیتی ادامه پیدا کند، این ملت کارش مشکل خواهد شد. به کسانی که بی‌خود خرج می‌کنند، اگر بگوییم شما چرا این قدر خرج کردید و چرا این میهمانی بی‌خود و بی‌جهت را با این همه ریخت و پاش ترتیب دادی؟ می‌گویند داریم و می‌کنیم! آیا این دلیل کافی است که دارم و می‌توانم خرج کنم؟ نه؛ این دلیل به هیچ وجه دلیل قانع کننده‌ای نیست. باید به قدر نیاز و حاجت، خرج و مصرف کرد. بخصوص

۱ - سخنرانی در دیدار با مسؤولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران، به همراه حجت‌الاسلام والمسلمین حاج سید احمد خمینی، به تاریخ ۱۳۶۹/۹/۱۴.

کسانی که اموال عمومی را مصرف می کنند. آنها هم مانند کسانی که اموال خودشان را بی حساب و کتاب خرج می کنند، مخاطب این مطلبند و نباید زیادی مصرف کنند.» (۱)

۵/۳- کمک به محرومان، مشارکت در کارهای اقتصادی

«مسافرت می روند، می آیند، میهمانی درست می کنند- گاهی خرج آن میهمانی، از مسافرت مکه ای که رفته اند، بیشتر است!- عروسی می گیرند، عزا می گیرند؛ هزینه ای که برای این میهمانیها مصرف می کنند، هزینه های گزافی است؛ انواع غذاها! چرا؟ چه خبر است؟ در کشور ما هنوز هستند کسانی که از اولیات هم محرومند. باید کمک کنیم کشور پیش برود. نمی گویم پول را بردارید بروید حتماً انفاق کنید- البته اگر انسان انفاق بکند، بهترین کار است- اما حتی اگر انفاق هم نکنند، همین پولی که صرف این تجملات می شود، در تولید برای خودشان به کار بیندازند، در کارخانجات سهام شوند و تولید کنند، باز برای کشور مفید است.» (۲)

۵/۴- سرمشق قرار دادن معصومین (علیهم السلام) در ساده زیستی

«نمی شود ما در زندگی مادی مثل حیوان بچریم و بغلتیم و بخواهیم مردم به ما به شکل یک اسوه نگاه کنند؛ مردمی که خیلی شان از اولیات زندگی محرومند.

در این راه، از خیلی چیزها باید گذشت. نه فقط از شهوات حرام، از شهوات حلال نیز باید گذشت. نمی گویم مثل پیامبر باشیم،

۱- پیام نوروزی به مناسبت حلول سال جدید، به تاریخ ۱۳۷۴/۱/۱.

۲- بیانات در اجتماع بزرگ زائران و مجاوران حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام)، به تاریخ



نمی‌گویم مثل امیرالمؤمنین - که شاگرد پیامبر بود - باشیم؛ که انسان آن مطالب را که می‌خواند، تنش می‌لرزد. امیرالمؤمنینی که زهدش در زندگی و دنیا مثل سایر است و مسلمان و غیرمسلمان آن را می‌دانند، دربارهٔ پیامبر می‌گوید: «قد حقر الدنيا و صغرها و اهون بها و هوتها»؛ دنیا را تحقیر کرد - یعنی همین لذایذ و بهره‌مندیاها و برخورداریهای دنیا را کوچک کرد - به آنها توهین کرد و سبکشان نمود.

در قُبَا برای پیامبر آب آوردند و چیزی هم مثل عسل قاطی آن کردند. پیامبر فرمود: من این را حرام نمی‌کنم، اما نمی‌خورم. این دو، دو چیز است؛ یا آب یا عسل. آن را از ما نخواسته‌اند. اگر از من و شما بخواهند، پدرمان درآمده است! مگر ما می‌توانیم آن‌طور زندگی بکنیم؟ پیداست که نفس قدسی ملکوتی، یک چیز دیگر است.

امیرالمؤمنین در همین جمله می‌فرماید که خدای متعال به پیامبر فهماند که اگر من دنیا را به اختیار از تو می‌گیرم، برای این است که چیز شیرین‌تری به تو بدهم. آن چیز شیرین‌تر را اولیای خدا می‌دیدند. من و شما آن را حس نمی‌کنیم؛ اما در آن راه باید برویم، در آن راه باید قدم برداریم، کمتر خرج کنیم، کمتر بذل و بخشش بیجا کنیم، کمتر به زندگی شخصی خودمان پردازیم.

من و شما همان طلبه یا معلم پیش از انقلابیم. یکی از شماها معلم بود، یکی دانشجو بود، یکی طلبه بود، یکی منبری بود، همه‌مان این‌طور بودیم؛ اما حالا مثل عروسی اشراف عروسی بگیریم، مثل خانهٔ اشراف خانه درست کنیم، مثل حرکت اشراف در خیابانها حرکت کنیم! اشراف مگر چگونه بودند؟ چون آنها فقط ریششان تراشیده بود، ولی ما ریشمان را گذاشته‌ایم، همین کافی است؟! نه، ما هم مترفین

می‌شویم. «والله در جامعه اسلامی هم ممکن است مترف به وجود بیاید. از آیه شریفه «وَإِذَا أَرَدْنَا أَنْ نُهْلِكَ قَرْيَةً أَمَرْنَا مُتْرَفِيهَا فَفَسَقُوا فِيهَا» (۱) بترسیم. ترف، فسق هم دنبال خودش می‌آورد. اندازه نگهدارید.» (۲)

۵/۵- حد نکه داشتن در تغییر دکوراسیونها و خرجهای اضافی!

«اگر مبلغی از مخارج دولت، عبارت از تغییر دکوراسیون اتاق مدیر کل و معاون وزیر و وزیر و فلان مسؤول قضایی و فلان مسؤول در بخشهای گوناگون دیگر باشد، این جرم و خطاست. اگر یکی از مخارج دولت این باشد که فلان تعداد ماشین جدید بیاوریم و بین دستگاهها تقسیم بکنیم، ما حق نداریم این را جزو مخارج دولت حساب کنیم و به حساب آن از سوبسید مردم بزنیم. نه، این خلاف است. برای این کارها حد بگذارید. دستگاهها باید بخشنامه کنند و در مورد این تغییر دکوراسیونها و تغییر خانه‌ها و خرجهای اضافی حدی معین بکنند. من نمی‌گویم مثل بعضی از تندروها باشیم که می‌گویند در مسجد بنشینیم و وزارت کنیم؛ نه، در مسجد نمی‌شود. وزارت کردن، یک ساختمان و چهار اتاق و تعدادی مسؤول و یک مقدار هم بالاخره امکانات برای زندگی آن آقای که می‌خواهد خدمت بکند، می‌خواهد؛ اما باید در حدی باشد.» (۳)



۱ - سوره بنی اسرائیل: آیه ۱۶.

۲ - سخنرانی در دیدار با مسؤولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران، به تاریخ ۱۳۷۰/۵/۲۳.

۳ - سخنرانی در دیدار با مسؤولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران، به تاریخ ۱۳۷۰/۵/۲۳.

۵/۶- هزینه نکردن بیت‌المال در امور شخصی و غیر ضروری

«پیوند حقیقی با مردم، مستلزم حضور در میان آنان و دور نشدن از سطح متوسط زندگی آنان است. ساده‌زیستی و پرهیز از اسراف و پرهیز از هزینه کردن بیت‌المال در امور شخصی و غیر ضروری، شرط لازم برای حفظ این پیوند است.» (۱)

۵/۷- دل نبستن به پول، تشریفات و جاه و جلال

«نباید ما در جمهوری اسلامی کمک کنیم به ایجاد یک طبقه جدید، یک طبقه برخوردار اشرافی جدید. نباید بگذاریم این کار انجام بگیرد. این هم با دستور و حکم و فرمان حاصل نمی‌شود، با دل، با ایمان، با انگیزه، شدنی است. انسان گاهی اوقات وارد یک میدانی می‌شود، پاک وارد می‌شود، لیکن ممکن است خدای نکرده پاک از آن جا بیرون نیاید. انگیزه‌های مادی جذاب‌اند، خطرناک‌اند. پول چیز خطرناکی است عزیزان من!

ببینید امام سجاد (سلام‌الله‌علیه) در آن دعای مرزداران صحیفه سجّادیه، که به مرزداران و سربازان و مجاهدان جبهه دعا می‌کند، از جمله دعاهایش این است که پروردگارا! یاد مال فتون را از دل اینها ببر. این تعبیر «فتون»؛ فتنه‌انگیز، فقط در مورد مال در این دعا به کار رفته؛ «المال الفتون». مال، فتنه‌انگیز است. فتنه همیشه به معنای فتنه در عرصه اجتماع نیست؛ بدتر از او، فتنه در عرصه دل انسان است. اگر راه دل‌بستن به پول و به زندگی و به تشریفات و به جاه و جلال و اینها را بر روی دل باز کردید، دیگر واقعاً حد یقف ندارد. و اصل قضیه هم

۱- پیام به مناسبت آغاز به کار هفتمین دوره مجلس شورای اسلامی، به تاریخ ۱۳۸۲/۳/۶.

همان‌طور که عرض کردیم، مراقبت از خود است. خودسازی و مراقبت از خود، اساس همه این کارهاست که می‌تواند ان‌شاءالله همه ما را هدایت کند و خدای متعال بایستی کمک کند.» (۱)

۵/۸- ضد ارزش دانستنِ اشرافیگری و گرایش به آن

«اشرافیگری و گرایش به اشرافیگری، یک ضد ارزش بود در انقلاب. یعنی افرادی در سطوح مختلف بودند که از این که به اشرافیگری نسبت داده شوند، یا از آنها چیزی دیده شود که جزو خصوصیات اشرافیگری باشد، بشدت اجتناب می‌کردند. مسئولین کشور در درجه اول متعهد به این قضیه هستند و باید باشند.» (۲)



۱- بیانات در اولین دیدار با نمایندگان مجلس هشتم، به تاریخ ۱۳۸۷/۳/۲۱.
۲- بیانات در دیدار با اساتید و دانشجویان در دانشگاه علم و صنعت، به تاریخ ۱۳۸۷/۹/۲۴.



گفتار دهم
محرومیت زدایی
(عوامل مؤثر، الزامات)

اشاره:

حرکت کلی ادیان الهی، به سمت رفع استضعاف و محرومیت است. در اسلام نیز رفع فقر و محرومیت، در شمار هدفهای طراز اول است. اسلام می‌خواهد محرومیت از روی زمین و بخصوص در جوامع اسلامی، برداشته شود.

در مکتب امام خمینی نیز محرومیت‌زدایی جایگاه‌اعلایی دارد. خدمت به مستضعفان و محرومان از جمله مهمترین شاخصهای راه امام و کوشش برای رفاه طبقات محروم از جمله مهمترین وصیتهای ایشان محسوب می‌گردد. اصلاً امام خمینی محرومان را صاحبان اصلی کشور می‌دانستند و دائماً روی طبقات محروم و پابرهنگان کشور تکیه می‌کردند.

محرومیت ریشه‌هایی دارد. از جمله اساسی‌ترین ریشه‌های محرومیت می‌توان تضييع حق و توطئه‌های استکباری را برشمرد. برای از بین بردن محرومیت باید با ریشه‌های آن مقابله کرد و الزاماتی را هم رعایت نمود. مهمترین الزامات محرومیت‌زدایی عبارتند از: توکل به خدای متعال، همت مردم و مسؤولان، فرهنگ‌سازی برای گسترش روحیه انفاق و نیکوکاری در قبال محرومان.

۱- جایگاه محرومان در ادیان الهی

«طبق آیه قرآن که فرمود: «و نُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُوا فِي الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ أُمَّةً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ» (۱)، انسان می فهمد جهت حرکت کلی ادیان الهی، به سمت رفع استضعاف و محرومیت است.» (۲)

۲- جایگاه محرومان در اسلام

«در نظام اسلامی، رفع فقر و محرومیت، در شمار هدفهای طراز اول است.» (۳)

«اسلام می خواهد محرومیت از روی زمین و بخصوص در جوامع اسلامی، برداشته شود. آن جا که دین خدا حاکم است، باید محرومیت نباشد. انسانها باید از مواهب الهی برخوردار شوند، تا بتوانند در یک محیط مناسب و مساعد، خود را به کمال برسانند.» (۴)

۳- جایگاه محرومان در مکتب امام خمینی (ره)

۳/۱- از بین بردن فقر و محرومیت در کشور

«وظیفه داریم فقر و محرومیت را در کشور از بین ببریم و به زندگی این قشر بیشتر رسیدگی کنیم. این، وظیفه ما و وصیت امام (ره)



۱- سورة قصص: آیه ۵.

۲- بیانات در جمع مردم چهارمحال و بختیاری، در استادیوم ورزشی شهرکرد، به تاریخ ۱۳۷۱/۷/۱۵.

۳- پیام به مناسبت اولین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی (ره)، به تاریخ ۱۳۶۹/۳/۱۰.

۴- بیانات در جمع مردم چهارمحال و بختیاری، در استادیوم ورزشی شهرکرد، به تاریخ ۱۳۷۱/۷/۱۵.

است.» (۱)

۳/۲- خدمت به مستضعفان و محرومان شاخص راه امام

«در نظام ما، هر حرکت و سیاست و قانون و تلاشی، باید در خدمت مردم مستضعف و محرومی باشد که حکومت طولانی و بلندمدت طاغوتها، آنها را از جهات مختلف، به استضعاف و ضعف دچار کرده است. این، راه ماست. این، آن راهی است که امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) پیمود. این، آن راهی است که امام و معلم و رهبر عظیم‌الشأن این انقلاب، آن را از علی (علیه‌السلام) درس گرفت و پیش پای ما گذاشت. باید در آن راه حرکت کنیم.» (۲)

۳/۳- نجات محرومین؛ محور فعالیتهای اقتصادی

«در منطق و در خط حکومتی امام امت، محرومان و مستضعفان محور تصمیم‌گیرها محسوب می‌شدند و همه فعالیت‌های اقتصادی و امثال آن، بر محور نجات محرومین از محرومیتها بود.» (۳)

«طبقات محروم، پابرهنگان و مستضعفین جامعه، باید برای تمام تلاشها و فعالیتهای محور و معیار باشند. کسانی که به تعبیر امام، صاحبان این کشورند؛ کسانی که جنگ را، بسیج را، دفاع فداکارانه در مقابل تجاوز دشمن را، با جان خودشان تحمل کردند. همه چیز باید برای

۱ - سخنرانی در مراسم بیعت گروهی از رزمندگان سپاه پاسداران و روحانیون شهرهای خمین، دامغان و گناباد، به تاریخ ۱۳۶۸/۴/۳.

۲ - سخنرانی در دیدار با اقشار مختلف مردم و مسؤولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران، در سالروز میلاد حضرت علی (علیه‌السلام)، به تاریخ ۱۳۶۹/۱۱/۱۰.

۳ - بیانات در مراسم سالگرد ارتحال حضرت امام (ره)، به تاریخ ۱۳۷۱/۳/۱۴.



آنها و در جهت منافع آنها باشد.»(۱)

۳/۴- توجه خاص به طبقات محروم و مستضعف

«امام، پابرهنگان را مهمترین عنصر در پیروزیهای این ملت می دانست؛ همین طور هم هست و همان طور که گفتیم، امام به گفتن هم اکتفا نکرد. امام از همان اول انقلاب، جهاد سازندگی، کمیته امداد، بنیاد مستضعفان، بنیاد پانزده خرداد و بنیاد مسکن را به وجود آورد و دستورات مؤکد به دولتهای وقت داد. عدالت اجتماعی، جزو شعارهای اصلی است؛ نمی شود این را در درجه دوم قرار داد و به حاشیه راند. مگر می شود؟! حالا عده ای از آن طرف در می آیند که امام فرمود: انقلاب ما انقلاب نان نیست، برای نان نیست! بله؛ انقلاب اکتبر روسیه که در سال ۱۹۱۷ پیدا شد، به خاطر قطع شدن نان در شهرهای اصلی آن روز- مثلاً مسکو- بود. اگر مردم آن روز نان داشتند- همین نان معمولی- آن انقلاب پیش نمی آمد. انقلاب ما این گونه نبود، انقلاب ما براساس یک ایمان بود؛ اما معنایش این نیست که انقلاب نباید به زندگی مردم، به اقتصاد، به نان و به رفاه مردم پردازد. این چه حرفی است؟! امام به این مسائل می پرداخت و دستور می داد و آنچه در درجه اول، مورد نظر امام بود، عبارت بود از طبقات محروم و مستضعف.»(۲)

۳/۵- تکیه امام روی طبقات محروم و پابرهنگان کشور

«امام دائماً روی طبقات محروم و پابرهنگان کشور تکیه



۱- بیانات در مراسم سالگرد ارتحال حضرت امام (ره)، به تاریخ ۱۳۷۱/۳/۱۴.

۲- خطبه های نماز جمعه تهران، به تاریخ ۱۳۷۸/۳/۱۴.

می‌کردند.» (۱)

«از روز اوّل تا روزهای آخر عمر، امام بزرگوار روی قشرهای مستضعف، پابرنه‌ها و محرومان تکیه کرد. بارها و بارها در آغاز تشکیل نظام اسلامی و در طول ده سال عمر با برکتش در مقام رهبری نظام اسلامی، به مسؤولان و به همه ما تأکید کرد که باید رعایت حال ضعفا را بکنید؛ شما مرهون طبقه پابرنه این کشورید. عزیزان من؛ ملت بزرگ ایران! هر جا و در هر موردی ما به این توصیه امام توجه نمودیم و در برنامه‌ریزیها، قانونگذاریها، اجرا و عزل و نصبها، به این نصیحت عمل کردیم، پیروزی نصیب ما شد.» (۲)

۴- ریشه‌های محرومیت

۴/۱- تضييع حق محرومين

«ما معتقدیم که در نظامی اسلامی و در جامعه‌ی که برکات و نعمات متعلق به همه مردم است، چنانچه کسانی هستند که در محرومیت به سر می‌برند، مسلماً حق آنان تضييع شده و حقوقشان داده نشده است. با قبول این اصل، حالا بینیم آن کسانی که از لحاظ امور زندگی، در عسرت و تنگدستی و ناراحتی به سر می‌برند، چه کسانی هستند و در کجا قرار دارند و چند درصد جامعه ما را تشکیل می‌دهند؛ باید حق آنان را به آنان برگردانیم. این، باید محور همه سیاستهای ما

۱ - بیانات در اجتماع زائران مرقد مطهر امام خمینی (ره)، به تاریخ ۱۳۸۰/۳/۱۴.

۲ - بیانات در چهاردهمین سالگرد رحلت بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران حضرت امام خمینی (ره)، به تاریخ ۱۳۸۲/۳/۱۴.



باشد.»(۱)

۴/۲- توطئه‌های استکباری

«همچنان که می‌بینید امروز در دنیا علم وسیله سقوط بشر است و از علم برای به زنجیر کشیدن ملتها و دگرگون جلوه دادن حقایق و گرسنگی دادن به انسانها استفاده کرده‌اند. چقدر انسانها در اطراف عالم به خاطر سلطه استعمارگرانی که با ابزار علم بر آنها تاختند و سلطه پیدا کردند، امروز از منابع حیاتی متعلق به خود محرومند و در فقر و مسکنت و محرومیت و بیچارگی زندگی می‌کنند!»(۲)

۵- عوامل مؤثر در رفع محرومیت

۵/۱- ایجاد عدالت

«اهتمام اصلی دولت در همه سیاستهای اجرایی و بخشی، باید رفع محرومیت به نفع ایجاد عدالت باشد. این باید اولین چیزی باشد که مورد نظر قرار می‌گیرد. با این کار، چقدر ما رفع محرومیت می‌کنیم و چقدر کشور را به عدالت نزدیک می‌کنیم. البته این که چه چیزهایی در رفع محرومیت بیشتر مؤثرند، شما آنها را خیلی خوب می‌دانید، اشتغال، مسکن، درمان، بیمه و موارد گوناگون دیگر، در کاهش و رفع محرومیت مؤثرند.»(۳)



۱- سخنرانی در دیدار با مسؤولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران، به همراه حجت‌الاسلام والمسلمین حاج سید احمد خمینی، به تاریخ ۱۳۶۹/۹/۱۴.
۲- بیانات در دیدار مسؤولان و کارگزاران نظام در سالروز عید سعید مبعث، به تاریخ ۱۳۸۲/۷/۲.
۳- بیانات در دیدار با رئیس جمهور و اعضای هیأت دولت، به تاریخ ۱۳۸۰/۶/۵.

۵/۲- استفاده از امکانات طبیعی و نیروی انسانی کشور

«البته مسؤولان دارای ایمان و انگیزه‌اند؛ لذا همه ابزار و وسایل کار را باید جمع کنید. کشور ما به طور طبیعی فقیر نیست؛ ما امکانات فراوان طبیعی کم نداریم؛ از لحاظ نیروی انسانی هم کشور ما بالقوه ثروتمند است؛ لذا مسؤولان باید از این امکانات استفاده کنند و چهره زشت فقر و نیاز و عدم استقلال در زمینه‌های اقتصادی را از این کشور پاک کنند و بزایند.» (۱)

۵/۳- همت مردم و مسؤولان و توکل به خدای متعال

«در کشور ما محرومیت باید نماند؛ منطقه محروم باید وجود نداشته باشد؛ بی‌سوادی باید در سطح کشور نباشد؛ نقطه غیرآبادی که قابل آبادی است، باید نباشد؛ بیکاری باید نباشد. این، با همت مردم و همت مسؤولان و توکل به خدای متعال، شدنی است.» (۲)

۵/۴- فرهنگ‌سازی برای گسترش روحیه انفاق و نیکوکاری

«روح انفاق و نیکوکاری بایستی در جامعه توسعه پیدا کند و جزو ایمان مردم بشود و هر کس بنا را بر این بگذارد که در اموالش - «وَفِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ لِّلسَّائِلِ وَالْمَحْرُومِ» (۳) - واقعاً برای محرومان حق قائل باشد؛ یعنی این را حق آنها بر خودش بداند؛ تفضل خودش بر دیگران نداند؛ قرآن این طوری می‌گوید؛ نمی‌گوید که شما به دیگری تفضل می‌کنید؛ می‌گوید او در مال شما حق دارد؛ «حق للسائل والمحروم». در

۱ - بیانات در دیدار با کشاورزان، به مناسبت هفته کشاورزی، به تاریخ ۱۳۸۰/۱۰/۱۲.

۲ - سخنرانی در اجتماع بزرگ مردم خرم‌آباد، به تاریخ ۱۳۷۰/۵/۳۰.

۳ - سورة الذاریات: آیه ۱۹.



جای دیگر می‌فرماید: «حق معلوم. للسائل و المحروم». به هر حال، ما در جامعه اسلامی باید این را به عنوان یک فرهنگ در بیاوریم.» (۱)

۶- محرومیت در دوران طاغوت

«در نظامهای باطل و فاسد، هر نقطه‌یی که از مرکز دور باشد - چه مرکز سیاسی، چه مرکز انسانی - هندسه معیوب آن نظام، موجب محرومیت آن نقطه می‌شود؛ یعنی در نظامهای باطل و فاسد، هر کسی یا هر دستگاهی که به مرکز قدرت نزدیکتر است، بهره‌مندتر است؛ و هر دستگاهی که از مرکز قدرت دورتر است، به طور عادی محرومتر است؛ مگر این که بتواند با چنگ و دندان خودش را به نحوی سرپا نگهدارد! این یک هندسه معیوبی است که همیشه در نظامهای باطل وجود داشته است و در ایران پادشاهی هم این معنا وجود داشت. چیزی که کسی به فکر آن در مرکز نبود، رفع محرومیت در نقاط محروم بود. اگر یک وقت شما مشاهده می‌کردید که در آن دوران کاری هم انجام می‌گرفت که به نحوی در خدمت محرومان بود - که البته نادر و کم بود - این به نحوی خود به خاطر رفع محرومیت نبود؛ به خاطر دلسوزی برای محرومان نبود؛ به خاطر جهت دیگری بود. فرض بفرمایید برای فلان پایگاه جاده درست می‌کردند تا بتوانند ارتباط امریکاییها را با منطقه دریا از راه زمین آسان کنند؛ یا جاده می‌کشیدند تا مثلاً کشورهای عضو پیمان سنتو را به هم وصل کنند؛ البته قهراً چهار تا شهر و روستا هم از این جاده استفاده می‌کردند. برای این که



۱ - بیانات در دیدار با اعضای شورای مرکزی و مسؤولان کمیته امداد امام خمینی (ره)، به مناسبت سالگرد تأسیس این نهاد، به تاریخ ۱۳۷۰/۱۲/۱۲.

منطقه‌یی صدایشان درنیاید، مجبور می‌شدند یک وقتی یک کاری برای آن منطقه بکنند؛ اما اگر از منطقه‌یی نمی‌ترسیدند و در آن، هدف مربوط به خودشان را تأمین شده نمی‌یافتند، آن منطقه در عزلت مطلق باقی می‌ماند!»(۱)

۷- جایگاه محرومان در جمهوری اسلامی

۷/۱- دفاع محرومان از انقلاب و اسلام

«امروز در جامعه ما، برترین گام در راه استقرار عدل، رفع محرومیت از طبقات محروم و تهیدست و کم درآمد است که غالباً بیشترین بار نظام را در همه مراحل بر دوش داشته‌اند و دارند و همواره با اخلاص و صمیمیت، از انقلاب و اسلام دفاع کرده‌اند.»(۲)

«در تمام مدت پیروزی انقلاب تا امروز و قبل از آن، کسانی که بیش از همه سینه سپر کردند، از نظام دفاع کردند، سختیهای نظام را به جان خریدند و در مقابل دشمنان ایستادند، طبقات محروم و پابرنه و مستضعفان جامعه بوده‌اند.»(۳)

۷/۲- اهمیت و ضرورت محرومیت‌زدایی در جمهوری اسلامی

«سیاست اداره کشور، باید در جهت سود طبقات محروم و رفع محرومیت از آنها باشد.»(۴)

۱- بیانات در جمع اعضای شورای اداری استان بوشهر، به تاریخ ۱۳۷۰/۱۰/۱۲.

۲- پیام به مناسبت دومین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی (ره)، به تاریخ ۱۳۷۰/۳/۱۳.

۳- بیانات در اجتماع زائران مرقد مطهر حضرت امام خمینی (ره)، به تاریخ ۱۳۸۰/۳/۱۴.

۴- سخنرانی در دیدار با گروه کثیری از معلمان و مسؤولان امور فرهنگی کشور و جمعی از کارگران، به مناسبت روز معلم و روز جهانی کارگر، به تاریخ ۱۳۶۹/۲/۱۲.

«پابرهنگان و کوخ‌نشینان و اکثریت مردم ما که بر اثر سیاستهای خائنانه و خانه‌برانداز رژیم ستمشاهی، در فقر و محرومیت به سر می‌برند، همواره صادق‌ترین و با اخلاص‌ترین یاوران این انقلاب و این نظام بوده‌اند و هستند و نظام اسلامی باید رفع محرومیت از آنان را در صدر برنامه‌های سازنده خود قرار دهد.» (۱)

«پایبندی به اصول انقلاب، بدون مجاهدت در راه نجات مستضعفان و محرومان، سخنی بی‌معنی و ادعایی پوچ است.» (۲)

«محرومان کشور، کسانی هستند که علی‌رغم حق برابرشان با دیگر اعضای این خانواده، به آنها در طول سالیان دراز ظلم شده است. در این کشور، فامیلهای قشرهای بالا و مقتدر، خوانین و کمپانی‌داران حکومت می‌کردند و قدرت و قانون به نفع آنها بوده است. همه چیز بایستی در جهت عکس آن روند حرکت کند؛ یعنی ثروت و همت و مدیریت و امکانات مادی و معنوی کشور، در جهت از خاک برکشیدن آن قشرهای محروم و مظلوم برود، در تمام برنامه‌های دولت، بایستی این معنا مورد توجه قرار بگیرد.» (۳)



۱ - پیام به مناسبت اولین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی (ره)، به تاریخ ۱۳۶۹/۳/۱۰.

۲ - همان.

۳ - بیانات در دیدار با رئیس جمهور و اعضای هیأت وزیران، در آستانه‌ی هفته دولت، به تاریخ

۱۳۶۹/۶/۱.

۷/۳- دفاع از قشرهای محروم در رأس همه برنامه‌ریزیهای کشور

«دفاع از قشرهای محروم- که صاحبان واقعی انقلابند- باید در رأس همه برنامه‌ریزیهای کشور و محور کلیه تحرکات اقتصادی در بخشهای مختلف آن باشد و صحت هر سیاست و برنامه اقتصادی، با چگونگی و اندازه پیشرفت در این هدف، در کوتاه‌مدت یا بلندمدت، سنجیده شود.» (۱)

۷/۴- رفع محرومیت از طبقات محروم؛ برترین گام در راه استقرار عدل

«امروز در جامعه ما، برترین گام در راه استقرار عدل، رفع محرومیت از طبقات محروم و تهیدست و کم‌درآمد است که غالباً بیشترین بار نظام را در همه مراحل بردوش داشته‌اند و دارند و همواره با اخلاص و صمیمیت، از انقلاب و اسلام دفاع کرده‌اند.» (۲)

۷/۵- رفع فقر و محرومیت اصلی‌ترین برنامه کشور

«در تنظیم برنامه‌های کشور، اصلی‌ترین مسأله عبارت است از رفع فقر و محرومیت و نجات طبقات مستضعف و محروم و پابرهنگان؛ که از تبعات دوران ستمشاهی و آثار سلطه بیگانگان است. همه برنامه‌های اقتصادی و تولیدی و سازندگی و رونق اقتصادی، باید به این هدف متوجه باشد و تنها در این صورت است که این برنامه‌ها، درست و قابل قبول است.» (۳)

۱- پیام به مناسبت دومین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی (ره)، به تاریخ ۱۳/۳/۱۳۷۰.

۲- همان.

۳- پیام به مناسبت افتتاح چهارمین دوره مجلس شورای اسلامی، به تاریخ ۱۳۷۱/۳/۷.



۷/۶- آباد کردن روستاها سیاست کلی نظام

«سیاست کلی باید این باشد: روستاها را آباد کنید؛ زندگی را در روستاهای کشور آسان کنید؛ دسترسی روستاییان عزیز را- که از قشرهای محروم کشور هستند- به امکانات زندگی ممکن کنید؛ برای آنها وسیله ارتباط، راه و جاده و امکان حمل و نقل و بقیه امکاناتی که برای یک زندگی راحت لازم است، به طور کامل فراهم کنید.» (۱)

«هر کاری در کشور صورت می گیرد، باید با هدف رفع فقر و محرومیت و ایجاد رونق در زندگی عموم مردم- نه بخشی از مردم و قشرهای خاص- باشد.» (۲)

۸- طبقات محروم در نظامهای سرمایه‌داری

«امروز در دنیای سرمایه‌داری و کشورهایی که زیر سلطه استکبار جهانی است، حرکت به سمت رشد پولداران و سرمایه‌داران است؛ و آنچه به فکر آن نیستند، طبقات محروم است. اگر یک وقت کمکی هم به محرومین بشود، برای این است که بتوانند از آنها به نفع پولداران و سرمایه‌داران استفاده کنند. مبنای اقتصاد امروز دنیای سرمایه‌داری و استکبار، بر این است. در طول زمان هم، همیشه سلاطین و قدرتمندان و مستکبران، بر همین روال حرکت کرده‌اند.» (۳)



۱- بیانات در دیدار با کشاورزان، به مناسبت هفته کشاورزی، به تاریخ ۱۳۸۰/۱۰/۱۲.

۲- بیانات در اجتماع بزرگ مردم جیرفت، به تاریخ ۱۳۸۴/۲/۱۷.

۳- بیانات در جمع مردم چهارمحال و بختیاری، در استادایوم ورزشی شهرکرد، به تاریخ

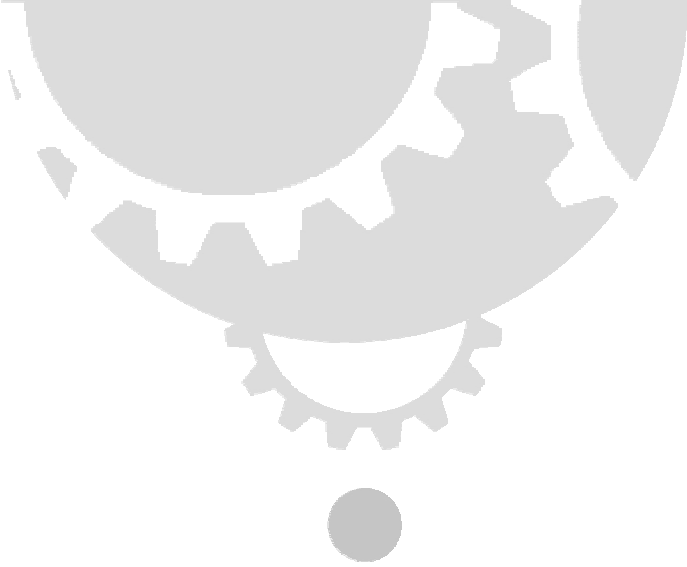
۱۳۷۱/۷/۱۵.

۹- محرومان در نظام‌های سوسیالیستی!

«عدل در جامعه باید مستقر شود. این، شعار اسلام است و شعاری است که دنبال آن، عمل است و شعاری است که برای توده‌های مظلوم و محروم عالم، دارای جاذبه است. نه مثل آن سوسیالیست‌ها و کسانی که دم از طرفداری از محرومین می‌زدند؛ اما هفتاد سال کشورها و ملت‌ها و جوامع را معطل کردند و روز به روز آنها را عقب‌تر راندند. نه مثل آنهایی که خواستند ایمان دینی را از مردم بگیرند. انسانی که ایمان دینی ندارد، امید روشن ندارد. انسانی که ایمان دینی ندارد قدرت برخورد با مشکلات را، به صورت اساسی ندارد. در نیمه راه می‌ماند و از نیمه راه برمی‌گردد. لذا شما دیدید آن کشورهایی که هیأت‌های حاکمه آنها، بی‌دینی و الحاد و بی‌خدایی و تفکرات مارکسیستی را بر مردم خودشان تحمیل کردند، در نیمه‌ی راه ماندند و از پا درآمدند و غرب غارتگر و استعمارگر بر آنها فائق و پیروز شد.» (۱)



۱- بیانات در جمع مردم چهار محال و بختیاری، در استادیوم ورزشی شهرکرد، به تاریخ



گفتار یازدهم

اقتصاد ایران

(قبل از انقلاب، بعد از انقلاب)

اشاره:

با آن که در دوران قبل از انقلاب فساد و وابستگی اقتصادی بیداد می کرد و جامعه ایرانی، یک جامعه مصرف کننده، فقیر، غارت زده و دارای شکاف طبقاتی در اعلی درجه خود بود، با این وجود ملت ایران پس از انقلاب با سرعتی مافوق تصور در جهت پیشرفت و قطع وابستگیها و برقراری عدالت اجتماعی حرکت کردند و علاوه بر بازسازی ویرانیها و جبران عقب ماندگیها توانستند موفقیتها و دستاوردهای عظیم و حیرت انگیز و حتی در برخی موارد باورنکردنی در تمامی عرصه ها و بویژه در عرصه اقتصاد کسب نمایند.

ساخت ادوات پیچیده نظامی، سدسازی در سطحی گسترده، توانمندی در تولید سلولهای بنیادی، توانمندی در عرصه فعالیتهای صلح آمیز هسته ای، پرتاب ماهواره، ساخت کارخانه های پیچیده و تجارت علم و فناوری با کشورهای جهان، پیشرفت در بخشهای زیست فناوری، هوافضا، نانوفناوری، سلولهای بنیادی، تولید رادیوداروها، تولید داروهای ضدسرطان، تولید موتور توربینهای بادی، تولید ابررایانه ها و فناوری انرژیهای نو و هزاران نمونه دیگر از این قبیل گوشه ای از دستاوردهای جمهوری اسلامی ایران در عرصه علوم و فنون و اقتصاد محسوب می گردند.

جمهوری اسلامی پیشرفتهای اقتصادی صدها درصدی و هزارها درصدی نسبت به دوران ستمشاهی داشته است و اقتصاد جمهوری اسلامی با اقتصاد طاغوتی اصلاً قابل مقایسه نیست. بحمدالله پیشرفتهای اقتصادی ما تاکنون افتخارآمیز و غرورانگیز

بوده است اما نباید به همین مقدار بسنده کنیم بلکه باید افق دیدمان به سوی تحقق آرمانهای اقتصادی نظام باشد. هر چه نزدیکتر شدن به عدالت اجتماعی و اقتدار اقتصادی از جمله آرمانهای اقتصادی جمهوری اسلامی هستند که باید در جهت دستیابی به آنها کوشا و تلاشگر بود.



۱- اقتصاد ایران در دوران قبل از انقلاب

۱/۱- لطمات انحصارات زمان ناصرالدین شاه

«می‌دانید که در بیست سال آخر زندگی ناصرالدین شاه، انحصارات خارجی پدر این مملکت را درآورد. انگلیسیها می‌آمدند انحصاری می‌گرفتند- انحصار گمرکات، انحصار دخانیات، انحصار راه آهن و... باز روسها از آن طرف می‌آمدند و می‌گفتند شما به رقیب ما امتیاز این معامله انحصاری و این به اصطلاح تجارت را دادی، باید به ما هم بدهید؛ به آنها هم چیزی می‌دادند! بعدها اسم این را «موازنه مثبت» گذاشتند؛ موازنه بین روس و انگلیس در سیاست خارجی و ارتباطات اقتصادی؛ منتها بر مبنای مسابقه! یک چیزی به این قدرت بدهند، دیگری فردا بگوید چرا به من ندادید؛ اینها هم بگویند بگیر این هم مال تو! باز او بگوید مال من کم شد، بگویند این هم مال تو! ایران را به نفع خاندان سلطنت- یعنی همان ناصرالدین شاه و درباریها و هر کسی که بتواند از این سفره یغما لقمه‌ای ببرد- غارت می‌کردند.» (۱)

۱/۲- رواج فساد به وسیله طبقات مرفه بی‌درد

«در دوران رژیم فاسد و مفسد پهلوی، فساد را طبقات مرفه بی‌درد، سرمایه‌داران فاسد، آن کسانی که به پولی که از راههای نامشروع و بند و بستهای سیاسی و فساد در عمل به دست آمده بود، متکی بودند، در جامعه رایج می‌کردند. همانها موجب شدند که آن رژیم ساقط شد؛

چون رژیم منحوس پهلوی، متکی به آنها بود.»(۱)

۱/۳- فساد مالی رضاخان و خانواده‌اش

«آن حکومت، اولاً فاسد بود؛ فساد مالی داشتند؛ فساد اخلاقی داشتند؛ فساد اداری داشتند. در فساد مالیشان همین بس که خود شاه و خانواده او در بیشتر معاملات اقتصادی کلان این کشور داخل می شدند. خود او و برادران و خواهرانش، جزو کسانی بودند که بیشترین ثروت اندوزی شخصی را کردند. رضاخان در دوران شانزده، هفده ساله سلطنت خود، ثروت کلانی اندوخت. بد نیست بدانید که بعضی از شهرهای این کشور، به حسب سند، در بست متعلق به رضاخان بود! مثلاً شهر فریمان تماماً ملک رضاخان بود! بهترین املاک و زمینهای این کشور، متعلق به او بود. او به این چیزها و به جواهرات علاقه داشت. البته بچه‌هایش قدری مشرب و سیعتری داشتند؛ هرگونه ثروتی را دوست می داشتند و جمع می کردند! بهترین دلیل هم این است که وقتی اینها از این کشور رفتند، میلیاردها دلار ثروتشان در بانکهای خارجی انباشته شده بود! شاید بدانید که ما بعد از انقلاب خواستیم که ثروت شاه را به ما برگردانند و البته طبیعی هم بود که جواب ندهند. آن وقت تخمینی که از مال مجموع این خانواده زده می شد، دهها میلیارد دلار بود! رفتند در جاهای مختلف دنیا مستقر گردیدند و همه‌شان جزو ثروتمندان شدند. این پولهای کلان را با زحمتکشی که به دست نیاورده بودند، کاسبی مشروع که نکرده



۱ - سخنرانی در دیدار با گروه کثیری از معلمان و مسؤولان امور فرهنگی کشور و جمعی از کارگران، به مناسبت روز معلم و روز جهانی کارگر، به تاریخ ۱۳۶۹/۲/۱۲.

بودند؛ اینها پولهایی بود که زراندوزیها و ثروت‌اندوزیهای غیرمشروع آن را به وجود آورده بود. نظامی که در رأس خودش این قدر فساد مالی داشت، ببینید چگونه نظامی بود و با مردم چه می‌کرد!» (۱)

۱/۴- جامعه مصرف‌کننده، فقیر و غارت‌زده

«در مقابل امام، کشوری وجود داشت که از لحاظ سیاسی وابسته و تابع بود. هر کاری که دولت امریکا در آن برهه اراده می‌کرد، در ایران انجام می‌گرفت. هر کاری می‌خواستند، می‌توانستند بکنند؛ در زمینه اقتصادی، در ایران انجام می‌گرفت. هر کاری می‌خواستند، می‌توانستند بکنند؛ در زمینه اقتصادی، در زمینه نفت، در زمینه انتصابات، در زمینه دولتها- فلان دولت برود، فلان دولت بیاید- در زمینه ارتباطات بین‌المللی، در زمینه عادات و رفتاری که بر مردم تحمیل می‌شد، در زمینه دانشگاهها. بنابراین، هر کار می‌خواستند در ایران بکنند، می‌توانستند. ما کاملاً تابع و وابسته شده بودیم. از لحاظ اقتصادی، کاملاً مصرف‌کننده و فقیر بودیم؛ همه چیز را باید وارد می‌کردیم. من یک وقت گفتم، اما بعضیها باور نمی‌کردند؛ اما باور کنید که در کشور ما «دسته بیل» وارد می‌کردند؛ سوزن خیاطی وارد می‌کردند؛ انواع و اقسام خوراکیها وارد می‌کردند؛ انواع و اقسام محصولات صنعتی وارد می‌کردند! همه چیز مصرفی بود؛ یعنی این ملت، این استعدادها، این مغزها و این جوانان، قدرت یا فرصت این را نداشتند که بخشی از نیازهای خودشان را خودشان تولید کنند، که

۱- بیانات در دومین روز از دهه مبارکه‌ی فجر (روز انقلاب اسلامی و جوانان)، به تاریخ

بتوانند بگویند ما به خارج احتیاجی نداریم.

اگر صنعتی را هم در داخل کشور می‌آوردند- مثل صنعت اتومبیل‌سازی، یا ذوب آهن و امثال اینها، که به شکل بسیار ناقصی وارد کشور شده بود- سر تا پای آن صنعت، وابستگی بود. وسایل پیشرفته و مدرنی هم که می‌فروختند- مثل هواپیماهای جنگی- اجازه تعمیرش را حتی به داخل نمی‌دادند؛ تعمیرش هم باید در خارج انجام می‌گرفت! از لحاظ اقتصادی، صددرصد وابسته و مصرف کننده؛ از لحاظ علمی، تقریباً صفر؛ این ملت هیچ حرف تازه‌یی در بازار علم و دانش نوب جهانی نداشت. در دانشگاهها- که البته از لحاظ کمیت هم بسیار کم بودند؛ که در آخرین سالهای رژیم پهلوی، در حدود یک دهم وضع فعلی، دانشجو در کشور بود- اگر درسی در کلاسی گفته می‌شد- در هر زمینه‌ای؛ چه علوم انسانی، چه علوم فنی و صنعتی، چه علوم طبیعی- همان حرفهای دیگران بود؛ چیز نوبی از لحاظ علمی وجود نداشت! از لحاظ ثروت ملی، غارتزده بودیم: نفت را می‌بردند، معادن را می‌بردند، همه چیز را می‌بردند؛ با هر قیمتی که خودشان می‌خواستند! از لحاظ اجتماعی و وضعیت فقیر و غنی، کشور بشدت مفلوک بود. هزاران، بلکه دهها هزار روستا در این کشور بود که برق و آب تصفیه شده و امثال اینها را نه دیده بودند، نه امیدش را داشتند! فقط به تهران و چند شهر بزرگ می‌رسیدند؛ آن هم به آن شکلی که همان روز تهران یکی از کثیف‌ترین و زشت‌ترین پایتختهای دنیا محسوب می‌شد! فقط به خودشان می‌رسیدند؛ هر جا خودشان جا پایی داشتند، آن جا فرودگاه هم بود، وسایل راحتی هم بود؛ اما آن جایی که مربوط به خودشان نبود، بکلی رها شده بود! شکاف طبقاتی در اعلی



درجه خود بود.» (۱)

۱/۵- محل آزمون نظرات اقتصادی غرب!

«در مجامع جهانی، نامی از ایران به عنوان صاحب یک نظر، صاحب یک رأی و صاحب یک شخصیت، وجود نداشت؛ صدقه‌بگیر و محل آزمایش دیگران شده بود! بعضی از نظرات اقتصادی و غیره را برای این که آزمایش کنند، این جا عمل می کردند، تا ببینند چگونه جواب می دهد! از لحاظ معنوی، فقیر؛ از لحاظ مادی، فقیر؛ از لحاظ سیاسی، فقیر؛ از لحاظ شخصیتی، فقیر!» (۲)

۱/۶- بزرگترین خیانت رژیم پهلوی به اقتصاد ایران

«این نکته را مخصوصاً جوانان بدانند- کسانی که در آن زمان بوده اند، وقایع را از نزدیک لمس کرده اند- در ایران قبل از انقلاب، نه فقط از لحاظ اقتصاد زمان پهلوی، بلکه از لحاظ حتی پایه های اقتصادی- که تا سالها بعد هم اثرش باقی ماند- بزرگترین خیانت را رژیم پهلوی به اقتصاد ایران کرده است! ایران را به انبار کالاهای وارداتی کم ارزش و بی فایده غربی تبدیل کردند؛ ابزارهای بنجل و چیزهای زیادی و غیر لازم را با پولهای کلان خریدند! کشاورزی این کشور را که یک روز بکلی خود کفا بود، بکلی نابود کردند؛ به طوری که بعد از گذشت سالها هنوز هم که هنوز است، کشاورزی ما به حال اول برنگشته است، چون سیل مهاجرتهایی که با تشویق آنها به سمت شهرها به راه افتاد، چیزی نبود که به آسانی بشود جلوش را گرفت.

۱- بیانات در خطبه های نماز جمعه تهران، به تاریخ ۱۳۷۸/۷/۹.

۲- بیانات در خطبه های نماز جمعه تهران، ۱۳۷۸/۷/۹.

ملت را از لحاظ کشاورزی، وابسته به بیگانه کردند. آن روز گندم ایران را از امریکا می خریدند؛ سیلوی گندم را هم شورویها می ساختند! یعنی هم از لحاظ گندم، هم از لحاظ جای نگهداری گندم، وابسته بودند. آن روز روستاها را تخریب کردند. صنعت کشور را - که وقت پیشرفت آن بود - متوقف نگه داشتند. آن پیشرفتی که باید در صنعت پیش می آمد، برای این که بتواند جلو واردات را بگیرد، ایجاد نشد. جلو صنعت فعال در این کشور گرفته شد و آن صنعتی ترویج شد که وابستگی اش به خارج، به قدر کالاهای تولید شده - یا حتی بیشتر بود. علم را متوقف کردند. آن همه دم از دانشگاه و دانشجو زدند، اما عملاً دانشگاههای کشور از کمترین فعالیت علمی برخوردار بودند! هر کس مغز فعال و استعداد درخشانی بود، اگر می خواست کار کند، اگر در داخل کشور سرکوبش نمی کردند، مجبور بود برود بیرون کار کند؛ این جا نمی شد.

کمپانیهای خارجی را بر بیشترین منابع اقتصادی کشور مسلط کردند و بیشترین ذخایر نفتی را به صورت رایگان از دست دادند. البته امروز هم قیمت نفت ارزان است. امروز هم پولی که تولید کنندگان نفت برای نفت می گیرند، حقیقتاً شاید بشود گفت یک دهم پولی است که باید بگیرند. من این را به شما عرض می کنم، پولی که امروز دولتهای وارد کننده نفت به عنوان مالیات دریافت می کنند، بیشتر از سودی است که کشورهای صادر کننده نفت از پول فروش نفت به دست می آورند. امروز نیز همین طور است؛ اما آن روز با امروز قابل مقایسه نبود. سالهای متمادی - تا اوایل دهه پنجاه - قیمت هر بشکه نفت زیر یک دلار بود. بعد خود اروپاییها و امریکاییها برای این که



بتوانند اجناس خودشان را به قیمت گران به اینها بفروشند، و چون اینها توان پولی نداشتند، به اراده خود آنها قیمت نفت تکانی خورد و به حدود هشت، نه دلار رسید؛ تا اینها پولی پیدا کنند و بتوانند با آن، اجناس کارخانجات آنها را بخرند. همین طور هم شد. در ایران زمان رژیم شاه، در صندوقهای متعلق به امریکاییها پولهایی بی حساب ریخته می شد، تا در مقابل آنها قطعات یدکی هواپیما و چیزهایی که لازم بود، باز بی حساب و کتاب به اینها بدهند و بفروشند و اصلاً مسأله ساخت مطرح نبود. اقتصاد آن روز ایران، برای ملت ایران بدترین اقتصادها بود. البته برای غارتگران و امریکاییها چیز بسیار خوبی بود. این جناب، امروز بعد از گذشت سالهای متمادی که هر تحلیلگر و اقتصاددانی می داند - آن روز هم می دانستند و بر افراد وارد پنهان نبود - که رژیم شاه چه بلایی بر سر اقتصاد کشور در آورده است.» (۱)

۱/۷ - کشور صد در صد وابسته و مصرف کننده

«کشور ما که زیر سلطه امریکا بود - با این همه غارتی که امریکا از این کشور کرد - حتی یک قدم به سمت پیشرفت برنداشت. در آن دوره نه پیشرفت علمی کردیم، نه پیشرفت اقتصادی کردیم و نه یک کار صنعتی انجام دادیم. یک کشور صددرصد وابسته و مصرف کننده بازار مصنوعات امریکایی و غیر امریکایی بودیم. نه فقط مصرف کننده مصنوعات و فرآورده های صنعتی، بلکه مصرف کننده محصولات کشاورزی و فرهنگی و غیره هم بودیم! یک منطقه ثروتمند مثل ایران،

۱ - بیانات در اجتماع بزرگ زائران و مجاوران حضرت رضا (علیه السلام) در مشهد مقدس، به تاریخ ۱۳۷۹/۱/۶.



ملک طلق سیاستهای امریکایی و در اختیار کمپانیهایی بود که دولت امریکا را هم در حقیقت همانها اداره می کردند و می کنند.» (۱)

۱/۸- ساخت سدهای دارای اشکلات فنی فراوان

«از اوّلی که سدسازی به این کشور وارد شد تا وقتی که طاغوت از این کشور ازاله شد، ده، دوازده سد، آن هم به دست خارجیها، ساخته شده بود که بعضی از آنها اشکلات فنی فراوان داشت.» (۲)

۱/۹- جلوگیری از مشارکت متخصصان بومی در طرحهای اقتصادی

«بعد از آن که شرکتهای خارجی قسمتی از سد دز ما را ساختند، برای مدت کوتاهی بهره‌برداری از نیروگاه آن را به یک شرکت داخلی دادند، بعد می خواستند ظرفیت نیروگاه را دو برابر کنند. یک شرکت امریکایی که متعهد شد بیاید ظرفیت نیروگاه را دو برابر کند، وقتی دید بهره‌بردار، ایرانی است، گفت اینها باید بیرون بروند؛ بنابراین اجازه نداد. دولت ایران بهره‌بردار ایرانی را بیرون کرد و بهره‌برداری از نیروگاه دز را به یک شرکت ایتالیایی داد؛ آن وقت امریکاییها ظاهراً حاضر شدند بیانند پنجاه درصد دیگر نیروگاه را تکمیل کنند. بنابراین به ایرانی اصلاً اجازه داده نمی شد؛ حتی در زمینه بهره‌برداری. برای همین هم هست که ما در زمینه‌های ساخت - چه ساختهای صنعتی، چه سازه‌های ساختمانی، عمران و مهندسیهای گوناگون در آن زمان - واقعاً یک چیز قابل ذکر و قابل عرضه‌ی که ساخت ایرانی باشد،



۱ - بیانات در دیدار با دانشجویان و دانش‌آموزان به مناسبت گرامیداشت سالروز ۱۳ آبان، به تاریخ

۱۳۸۱/۸/۱۳.

۲ بیانات در خطبه‌های نماز جمعه تهران، به تاریخ ۱۳۸۳/۸/۱۵.

نداریم.» (۱)

۱/۱۰- وابستگی اقتصادی؛ سیاست دوران طاغوت

«آن روز به ما می گفتند شما بروید لوله‌نگ بسازید؛ آفتابه‌های گلی‌یی که آن وقتها می ساختند؛ یعنی آفتابه حلبی هم نه! ما حتی دسته بیل را هم از خارج وارد می کردیم؛ همچنین بقیه چیزهای مورد مصرف و مورد نیاز روزافزون صنعتی را. سطح زندگی پیشرفت می کرد و نیازهای فراوان روزبه‌روز پیش می آمد؛ همه اینها را ما باید از دیگران می گرفتیم و وارد می کردیم. برنامه ریزان آن وقت افتخار هم می کردند! سال ۴۴ یا ۴۵ در مشهد به دیدن دوستی رفته بودیم و تصادفاً یکی از نمایندگان مجلس شورای ملی آن روز هم به این جلسه آمده بود. دوره جوانی و پرشوری ما بود و از وابستگی و تسلط بیگانگان و این گونه مطالب حرفهایی زدیم؛ بی توجه به این که این آقا نماینده مجلس است. نماینده مجلس آن وقت - یعنی کسی که دربار لیست داده بود که ایشان باید نماینده فلان جا شود؛ آن وقت که انتخابات نبود - در جواب من یک مقدار با تفرعن و تکبر و اخم و تخم حرفهایی زد؛ از جمله این که گفت شما چه می گوئید و به چه چیزی اعتراض می کنید؟ امروز اروپاییها و غربیها مثل نوکر دارند برای ما کار می کنند. ما نفت داریم، پول داریم، پول می دهیم و آنها کارگر مایند و مثل نوکر دارند برای ما کار می کنند! این، منطق یک نماینده مجلس آن روز است! دوره انحطاط که می گویم، یعنی این. فکر این بود که ما چرا تولید کنیم؟ چرا بسازیم؟ چرا یاد بگیریم؟ ما در

خانه‌های خود مثل آقاها می‌نشینیم، برایمان می‌آورند و وسایل لازم را در اختیار ما می‌گذارند؛ ما هم پول نفت داریم، می‌دهیم و زندگی اشرافی می‌کنیم. این، منطبق آن روز یک دولت‌مرد در سطح بالا بود. فرهنگ حاکم آن روز بر دستگاه‌های اداره‌کننده کشور، همین بود.»(۱)

۱/۱۱- حرکت تقلیدی در خودروسازی

«ما از سالهای دهه ۴۰ که صنعت خودروسازی وارد کشور شده -در حدود سی سال تقریباً- همین‌طور درجا زدیم. در مرحله تقلید محض و تقلید صرف باقی ماندیم. نمی‌توان مسئولین کشور را در دهه ۶۰ مؤاخذه کرد؛ زیرا دهه ۶۰، دهه انقلاب است، دهه دفاع مقدس است؛ به قول مسؤول محترم، این سالن، سالن تسلیح رزمندگان است؛ همه خانه‌های ملت ایران در واقع به یک نحوی عقبه میدان جنگ بوده. دهه ۶۰ را نمی‌شود مؤاخذه کرد؛ اما قبل از دهه ۶۰ را، قبل از دوران انقلاب را، چرا؛ باید محاسبه کرد، باید مؤاخذه کرد. دوران حرکت تقلیدی برای خودسازی در کشورهایی که خواستند خودروساز بشوند، چهار پنج سال است. چرا باید در این‌جا این‌قدر طول بکشد؟ این گناه آن کسانی است که به منافع کشور فکر نمی‌کردند؛ برای عزت کشور دل نمی‌سوزاندند؛ برای ضایع شدن و دور ریخته شدن سرمایه‌های مادی کشور اهمیتی قائل نبودند.»(۲)



۱- بیانات در دیدار با جمعی از مهندسان و محققان فنی و صنعتی کشور، به تاریخ ۱۳۸۳/۱۲/۴.

۲- بیانات در بازدید از توانمندی‌های صنعت خودروسازی، به تاریخ ۱۳۸۹/۱/۹.

۲- اقتصاد ایران در دوران پس از انقلاب

«انقلاب اسلامی و نظام اسلامی کشور را از وابستگی نجات داد؛ این قید و بندها را برداشت و راه ملت را باز کرد. امروز کشور در صنعت، در تولید، در فناوری، در علم، در تهیه زیرساختهای اساسی برای بنای آینده کشور، با قبل از انقلاب قابل مقایسه نیست. وقتی آمارها و شاخصها را نگاه می‌کنیم، بعضی از موارد صدها درصد، بعضی از موارد هزار درصد، و بعضی از موارد هزارها درصد در شاخصهای اساسی پیشرفت پیدا شده است.» (۱)

۲/۱- مصنوعات داخلی ما اغلب، بهتر از مصنوعات خارجی

«امروز که شما نگاه کنید، می‌بینید مصنوعات داخلی ما در موارد بسیاری، بهتر از مصنوعات خارجی است.» (۲)

۲/۲- تعمیر و بازسازی هواپیماهای خارجی

«من یک وقت عرض کردم: «هوشی که ملت ایران دارد از متوسط هوش مردم دنیا بالاتر است.» پس این ملت با تکیه بر این هوش و استعداد والا می‌تواند روی پای خود بایستد. انقلاب عظیم اسلامی ما، بحمدالله نیروهای داخلی را در یک فضای آزاد قرار داد. به طوری که امروز، همان قطعه معیوب از هواپیمای جنگی را که سابقاً با اختصاص هزینه برای یکی دو نفر همراه قطعه و دیگر تشریفات، به خارج می‌فرستادند، تکنسین هواپیما و ارتشی ما با صرف وقت و هزینه‌ای

۱ - بیانات در اجتماع بزرگ مردم کرمان، به تاریخ ۱۳۸۴/۳/۱۱.

۲ - بیانات در دیدار با کارگران و معلمان، در «روز کارگر» و «هفته معلم»، به تاریخ ۱۳۷۳/۰۲/۱۳.



اندک می تواند بهتر از روز اول تعمیر و بازسازی کند.» (۱)

۲/۳- ساخت ادوات پیچیده نظامی

«در دوران جنگ، ما در تولید ساده ترین مهمات این کشور مشکل داشتیم؛ اما امروز بخشی از ابزارهای بسیار پیچیده - که خیلی از کشورهای ما سابقه بیشتری در صنعت دارند، از آن محرومند - به وسیله همین جوانان متعهد و مدیران دلسوز، در بخشهای دفاعی ما ساخته می شود.» (۲)

«سامانه های دفاعی ای که امروز در کشور تولید می شود، یک روز به رؤیا و خواب هم نمی آمد که کشور ما بتواند حتی محصولاتش را داشته باشد؛ اما امروز اینها را تولید می کنند.» (۳)

«امروز ما در زمینه ضد زره، جزو ده کشور سطح اول دنیا هستیم.» (۴)

«در اول جنگ، ما نمی دانستیم آر.پی.جی چیست - آر.پی.جی یک موشک کوچک است؛ آنهایی که توی جنگ بودند، آن را دیدند و بارها تجربه کردند - نه داشتیم، نه بلد بودیم، نه جزو سلاحهای سازمانی ما بود؛ حالا بعد از گذشت چند سال، با تحریم، کشور ما



- ۱ - بیانات در دیدار با کارگران و معلمان، در «روز کارگر» و «هفته معلم»، به تاریخ ۱۳۷۳/۲/۱۳.
- ۲ - بیانات در دیدار با گروه کثیری از اصناف، به تاریخ ۱۳۸۰/۴/۱۰.
- ۳ - بیانات در دیدار با مسؤولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران، به تاریخ ۱۳۸۲/۵/۱۵.
- ۴ - بیانات در دیدار با جمعی از مهندسان و محققان فنی و صنعتی کشور، به تاریخ ۱۳۸۳/۱۲/۵.

موشک سجیل می سازد، موشک ماهواره بر می سازد؛ دنیا هم همین طور و می ایستد، با تعجب نگاه می کند. اول هم انکار کردند؛ گفتند بیخود می گویند، دروغ می گویند، نمی توانند؛ بعد دیدند نخیر، هست. در همه بخشها همین جور است.» (۱)

۲/۴- سدسازی در سطحی گسترده

«ما دهها سد در این کشور ساختیم. بنده به یاد می آورم که اوایل انقلاب در یکی از سدها نشت آب وجود داشت. آن روز بعضی افراد جمع شدند و گفتند: همان مهندسهایی که این سد را ساخته اند، باید بگوییم از فلان کشور اروپایی بیایند و جلونشت آب را از این سد بگیرند. اما همین جوانان و نیروهای مؤمن و متعهد و همین مدیران دلسوز ما در این چند سال، دهها سد ساخته اند.» (۲)

«امروز بزرگترین سد منطقه را- که سد کرخه است- بچه های سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ساخته اند. چهار، پنج سال قبل از این، هنگامی که سد کرخه را می ساختند، من رفتم از آن بازدید کردم؛ دیدم روی کوه روبه روی سد با خط درشت- که از چند کیلومتری خوانده می شد- این فرمایش امام را نوشته اند که «ما می توانیم». بله، می توانیم.» (۳)

۱- بیانات در دیدار با کارگران نمونه سراسر کشور، به تاریخ ۱۳۸۹/۲/۸.

۲- بیانات در دیدار با گروه کثیری از اصناف، به تاریخ ۱۳۸۰/۴/۱۰.

۳- بیانات در دیدار با گروه کثیری از اصناف، به تاریخ ۱۳۸۰/۴/۱۰.



«در دوران انقلاب بیش از هفتاد سد طراحی شده که بسیاری از اینها ساخته شده و دهها سد هم الآن از انواع و اقسام بزرگ و کوچک، بتونی و خاکی در حال ساخته شدن است که به طور مرتب ساخته و آبگیری می‌شود. در این حد انبوه‌سازی سد، آن هم با فناوری بومی و صددرصد به دست متخصصان بومی - آن‌طور که به من گزارش کردند - باعث شده که ما یکی از پنج، شش کشوری باشیم که می‌تواند با این کیفیت سدهای بزرگ را، آن هم با این حجم انبوه، به وجود بیاورد و بسازد.»(۱)



«در قبل از پیروزی انقلاب، هم راهها را می‌بستند و هم انگیزه‌ها را سست می‌کردند و می‌گفتند آقا! ایرانی که نمی‌تواند، ایرانی که عرضه ندارد؛ این را بزرگان‌شان می‌گفتند و صریحاً هم می‌گفتند. می‌زدند توی سر این نسل بارآور و این استعداد جوشان؛ که یکی از بزرگترین خیانت‌های آنها این است. انقلاب آمد، هم راه را باز کرد و هم گفت آقا! شما می‌توانید. رفتیم دیدیم راست می‌گویند، «توانستیم». این کشوری که در طول سالهای متمادی، فقط چند سد در این کشور ساخته شده بود، آن هم همه‌اش به دست بیگانه‌ها؛ چه کسی باور می‌کرد که این کشور در سدسازی در کل منطقه، از لحاظ فناوری و توانایی و قدرت علمی و قدرت محاسبه و امثال اینها اول بشود!»(۲)

۱ - بیانات در خطبه‌های نماز جمعه تهران، به تاریخ ۱۳۸۳/۸/۱۵.

۲ - بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار با کارگران، به تاریخ ۱۳۸۵/۲/۶.

۲/۵- تولید سلولهای بنیادی انسولین ساز

«خوب است شما بدانید که در بعضی از بخشهای بسیار حساس علمی کشور ما کارهایی شده که هنوز در دنیا صورت نگرفته است. در فناوری تولید سلولهای بنیادی که بنده چند وقت پیش، از آن یاد کردم، یک مشت جوان مثل شماها که در تهران هستند، فعالیت می کنند. اینها همت کردند و رفتند از دیگران یاد گرفتند؛ خودشان هم فکر کردند، سرمایه گذاری فکری کردند و توانستند کلید تولید و انجامد و حفظ و کاشت سلولهای بنیادی را به دست بیاورند. امروز اینها برای اولین بار در ایران سلولهای بنیادی انسولین ساز را تولید کرده اند که در دنیا هنوز تولید نشده است.» (۱)

«همین مسأله سلولهای بنیادی- که من چند بار تا حالا آن را مطرح کرده ام- که جوانهای مؤمن، متعبد و انقلابی ما در آزمایشگاههای خودشان توانسته اند سلولهای بنیادی را تولید، تکثیر و منجمد کنند و به کار ببرند؛ قلب درست کنند؛ به قلب تزریق کنند؛ به مغز استخوان تزریق کنند، جزو کارهای پیچیده و پیشرفته و مهم دنیاست که وقتی در حدود هفت، هشت ماه قبل سمیناری تشکیل شد و دانشمندان جهانی آمدند و از نزدیک این مسائل را دیدند، باورشان نمی آمد؛ حیرت کردند و اعتراف کردند که کار بسیار بزرگی انجام گرفته؛ تلویزیون اعترافهای آنها را پخش کرد. در این کار ایران جزو ده

۱- بیانات در دیدار با جوانان، اساتید، معلمان و دانشجویان دانشگاههای استان همدان، به تاریخ

کشور اوّل دنیا است؛ ما پیش رفته‌ایم.» (۱)

«ملتی که از لحاظ علوم زیستی هیچ کس به او کمک نکرده، ناگهان نگاه می‌کنند می‌بینند از سلولهای بنیادی، حیوان تولیدی به وجود می‌آورد. در دنیا چند تا کشور این را دارند؟ هفت تا، هشت تا، نه تا کشور. در بین این همه کشورها، این همه مدعیان، ناگهان از ردیف دویستم - مثلاً فرض کنید - می‌آید به ردیف هشتم قرار می‌گیرد.» (۲)



۲/۶- دستیابی به فناوری و تولید سوخت هسته‌ای

«الآن دهها کشور از سوخت هسته‌ای استفاده می‌کنند؛ اما کشورهایی که سوخت هسته‌ای را می‌توانند تولید بکنند - که امروز در جریان همین مسأله این جنجال هسته‌ای ایران را راه انداختند - خیلی معدودند؛ شاید حدود ده کشورند، که یکی از آنها ایران است.» (۳)

«وقتی جمهوری اسلامی که اگر آنها حاضر نشدند سوخت به او بدهند، می‌رود با جوانان، مهندسان، دکترا و تحصیل کرده‌هایش شب و روز کار می‌کند و با یک مدیریت خوب، خودش فناوری تولید سوخت را کسب می‌کند و به دست می‌آورد، برایشان تلخ است؛

۱ - بیانات در خطبه‌های نماز جمعه تهران، به تاریخ ۱۳۸۳/۸/۱۵.

۲ - بیانات در دیدار با کارگران نمونه سراسر کشور، به تاریخ ۱۳۸۹/۲/۸.

۳ - بیانات در خطبه‌های نماز جمعه تهران، به تاریخ ۱۳۸۳/۸/۱۵.

برایشان مطلوب نیست؛ لذا با آن مقابله می‌کنند.» (۱)

«امروز ما در زمینه غنی‌سازی اورانیوم جزو ده، یازده کشور دنیا هستیم که این فناوری را در این حد داریم، این فناوری، بومی هم هست.» (۲)

«ملتی که هیچ کس به او کمک نمی‌کند، درهای محصولات صنعتی و پیشرفتهای فناوری را به روی او می‌بندند، بعد نسل دوم و سوم و چهارم سانتریفیوژ را خودش تولید می‌کند! همه دارندگان قوای هسته‌ای و صنعت هسته‌ای در دنیا مبهوت می‌مانند.» (۳)

۲/۷- سیلوسازی معتبر بین‌المللی با ظرفیت‌های بالا

«قبل از انقلاب جزو حرفه‌ایی که ما همیشه می‌زدیم، این بود که ما گندم را از امریکا می‌خریم و سیلوی ما را هم شوروی‌ها می‌سازند. بنده اوایل انقلاب به منطقه جنوب رفتم و دیدم بچه‌های جهاد سازندگی و مهندسان شما یک سیلوی با ظرفیت کم ساخته‌اند. به نظرم همان‌جا به سجده افتادم؛ چون سیلو، سازه دشواری است؛ خیلی آسان نیست. وقتی انسان به ظاهر آن نگاه می‌کند، چیز ساده‌یی به نظر می‌آید؛ اما سازه پیچیده‌یی است. ما این چیز پیچیده را توانستیم درست کنیم. امروز ما یکی از سیلوسازهای معتبر بین‌المللی با

۱- بیانات در خطبه‌های نماز جمعه تهران، به تاریخ ۱۳۸۳/۸/۱۵.

۲- بیانات در دیدار با جمعی از مهندسان و محققان فنی و صنعتی کشور، به تاریخ ۱۳۸۳/۱۲/۵.

۳- بیانات در دیدار با کارگران نمونه سراسر کشور، به تاریخ ۱۳۸۹/۲/۸.



ظرفیتهای بالا هستیم؛ برای خیلی جاهای دیگر هم ساخته‌ایم.» (۱)

۲/۸- پیشرفت در اقتباس، قطعه‌سازی و مشابه‌سازی

«ما در زمینه‌های اقتباس، قطعه‌سازی، مشابه‌سازی و در مدل‌های

فناوری امروز دنیا پیشرفتهای خیلی خوبی کرده‌ایم.» (۲)

۲/۹- پیشرفت فضایی و پرتاب ماهواره امید

«جوانان عزیز ما و ملت پرهمت و پرتلاش ما توانسته‌اند در زمینه

علمی پیشرفت شگرفی را نشان بدهند و این پیشرفتهای مهم و

شگفت آور، تبلیغات سی ساله علیه انقلاب را که از اطراف و اکناف

تبلیغ می‌کردند، خشتی کرد.

از جمله این پیشرفتهای علمی و فناوری، پرتاب ماهواره امید بود.

این، قدم اول از این کار بزرگ است که کشور را در ردیف

کشورهای بسیار معدود جهان در مورد این فناوری قرار داد و چشم

جهانیان را متوجه ایران کرد و نشان داد که ملت ایران از درون

می‌جوشد و از درون رشد می‌کند و توانایی پیشرفت ملت ایران،

توانایی محدودی نیست.» (۳)

«یک روزی جوانهای ما حتی گلوله آر.پی.جی را نمی‌توانستند

پرتاب کنند و نمی‌شناختند؛ امروز همان جوانها موشک پرتابگر

ماهواره می‌فرستند که چشم دانشمندان جهان را به خود جلب می‌کند،



۱- همان.

۲- بیانات در دیدار با جمعی از مهندسان و محققان فنی و صنعتی کشور، به تاریخ ۱۳۸۳/۱۲/۵.

۳- پیام نوروزی رهبر معظم انقلاب به مناسبت آغاز سال نو، به تاریخ ۱۳۸۸/۱/۱.

همه را متوجه می‌کند. (۱)

۲/۱۰- تواناییهای جوانان دانشمند و متخصص جمهوری اسلامی

«امروز کشور ما مثل دههٔ اول یا دههٔ دوم انقلاب نیست که زیرساختهای علمی و مورد نیاز را در کشور فاقد باشد، امروز جوانهای ما و متخصصین ما و دانشمدان در هر رشته‌ای که وارد می‌شوند، می‌توانند کارهای بزرگ انجام دهند؛ لذا امروز در کشور آن چیزهایی که برای یک پیشرفت وسیع در زمینهٔ ارتباطات، در زمینهٔ مواصلات، در زمینهٔ تحقیقات علمی، در زمینهٔ ساخت و سازها مورد نیاز است، بحمدالله آماده است. ما از لحاظ راههای مهم و بین‌المللی، از لحاظ ساخت فرودگاه، از لحاظ ارتباطات بی‌سیم و باسیم، شبکه‌های ارتباطی، از لحاظ ساخت سدها، احتیاجی به دیگران نداریم.» (۲)

«یک روزی بود که به خاطر کسی خطور هم نمی‌کرد که عناصر داخلی و متخصصین داخلی بتوانند سد بسازند، سیلو بسازند، بزرگراه بسازند، فرودگاه بسازند، کارخانهٔ فولاد بسازند؛ در همهٔ این چیزها چشم ملت ما به بیگانگان بود. بعد هم که بیگانگان دستشان قطع شد، ما از این جهت در کشور فقیر بودیم؛ اما امروز از این جهت توانایی زیادی داریم.» (۳)

۱ - بیانات در اجتماع بزرگ زائران و مجاوران حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام)، به تاریخ

۱۳۸۸/۱/۱

۲ - همان.

۳ - همان.



«امروز حرکت کشور در جهت به دست آوردن دانش و فناوری در بسیاری از رشته‌ها، بخصوص در رشته‌های بسیار نو و برتر کشور مشهود است. در بخشهای گوناگون؛ در بخش زیست‌فناوری، در بخش هوافضا، در بخش نانوفناوری، در بخش سلولهای بنیادی، در تولید رادیو داروهای بسیار مهم، در تولید داروهای ضد سرطان، در تولید موتور توربینهای بادی که وابستگی انرژی کشور را از نفت تا حدود زیادی از بین می‌برد، در تولید ابررایانه‌ها که برای کشور بسیار مهم است، در فناوری انرژی‌های نو - که همه اینها از دانشهای سطح بالای دنیا هستند - خوشبختانه انسان مشاهده می‌کند که دانشمندان ما و جوانان ما به نحو فزاینده و شتابنده مشغول پیشروی هستند.» (۱)

۲/۱۱ - ساخت کارخانه‌های پیچیده و تجارت علم و فناوری با کشورهای جهان

«جوانان ما کارخانه‌های پیچیده را می‌سازند، کارهای پیچیده علمی و فناوری را انجام می‌دهند؛ نیاز کشور را برآورده می‌کنند، به کشورهای دیگر هم به عنوان مستشار و به عنوان کسانی که تجارت علم و فناوری می‌کنند، کمک می‌رسانند، در این جهت، کشور وضعیت شاخصی پیدا کرده است؛ این پیشرفت کمی نیست.» (۲)

«امروز ملت ایران خدمات فنی را صادر می‌کند. امروز کشور شما یکی از برجسته‌ترین و در طراز بالای سدسازی و نیروگاه‌سازی در

۱ - بیانات در حرم مطهر رضوی در آغاز سال ۹۰.

۲ - بیانات در اجتماع بزرگ زائران و مجاوران حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام)، به تاریخ



همه دنیاست. این کجا، آن کجا؟ امروز کارهایی را که شما دارید انجام می‌دهید - کارهای صنعتی، خدمات صنعتی، خدمات فنی - در بسیاری از کشورها مشتری دارد. در خیلی از کشورهای دنیا خطوط تولید دارید راه می‌اندازید. اصلاً این حرفها در دوران طاغوت معنی نداشت. ما برویم برای یک کشوری، یک کشور پرجمعیت، احیاناً دارای نفت، دارای ثروت، خطوط تولید راه بیندازیم؟! تولید صنعتی؟! این حرفها اصلاً معنی نداشت؛ اما امروز تحقق پیدا کرده است. بنابراین نسبت به گذشته، ما خیلی جلویم؛ اما نسبت به آنچه که شأن ملت ایران است، نسبت به آنچه که لازمه میراث تاریخی ماست، نسبت به آنچه که باید ایران در مجموعه کشورهای دنیا باشد، ما عقبیم؛ باید جلو برویم.» (۱)

۲/۱۲- ساخت پالایشگاه و نیروگاه

«یک روزی ما برای استفاده از نیروگاههایی که در کشور داشتیم، احتیاج به متخصص داشتیم؛ امروز جوانان کشور ما خودشان آن چنان در صنعت پیشرفت کردند که پالایشگاه، نیروگاه و امکانات گوناگون را خودشان می‌سازند و تولید می‌کنند.» (۲)

۲/۱۳- تولید موتور ملی خودرو

«امروز این موتور ملی که از ایده و طراحی تا آخرین اجزایش را هنر ایرانی و سرانگشت ایرانی و فکر ایرانی و تلاش ایرانی ساخته، یک نماد عزت برای کشور است؛ این خیلی چیز پرمعنایی است. مسأله

۱ - بیانات در دیدار با کارگران نمونه سراسر کشور، به تاریخ ۱۳۸۹/۲/۸.

۲ - بیانات در اجتماع بزرگ زائران و مجاوران حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام)، به تاریخ

فقط این نیست که ما توانسته‌ایم یک موتور خودرو تولید بکنیم؛ مسأله فراتر از اینهاست. امروز دنیا میدان مسابقه و سائل انواع موتورهاست و موتور خودرو به عنوان یک وسیله متعارف زندگی و جلو چشم و مورد استفاده همه، یکی از برجسته‌ترین اقلام است. توی این دنیای پر کشمکش، شما توانستید هنر سرانگشت هنرمند ایرانی را این‌جا نشان بدهید؛ این خیلی با ارزش است. دل انسان خون می‌شود وقتی به یاد می‌آورد که ما در طول سالهای متمادی در خودروهای کشورمان - چه آنهایی که از خارج می‌آمده، چه آنهایی که به ظاهر در داخل تولید می‌شده - موتورهایی کار می‌کرده که یکسره بیگانه بوده؛ دیگران ساخته بودند؛ کارگر دیگری این را ساخته. ما به جای این که کارگر خودمان را به کار مشغول کنیم، از هنر او استفاده کنیم، به او سود برسانیم و کشور را پیش ببریم، در واقع به دیگران کمک کردیم.» (۱)



۲/۱۴ - توجه ویژه به روستاها و شهرهای دور دست

«یکی از نمونه‌های مهم عدالت اجتماعی، تقسیم و توزیع متناسب فرصتهای کشور است. در نظامهای غافل از حقیقت عدالت اجتماعی، بر روی طبقه خاصی تکیه می‌شود، بر روی مناطق خاصی از کشور تکیه می‌شود؛ اما در جمهوری اسلامی هر چه پیش می‌آیم - تا امروز که سی و دو سال گذشته - این معنا را قوی‌تر می‌بینیم. روستاها در حوزه مراقبت قرار می‌گیرند، شهرهای دوردست در حوزه مراقبت قرار می‌گیرند. این همه مسکن‌سازی در روستاها، این همه جاده‌سازی

۱ - بیانات در بازدید از توانمندیهای صنعت خودروسازی، به تاریخ ۱۳۸۹/۱/۹.

به سمت شهرهای دور کشور و روستاها، راههای ارتباطی، ارتباطات گوناگون، نیروی برق، آب مناسب، تلفن، امکانات زندگی، اینها در سرتاسر کشور توزیع شده است.»^(۱)

۲/۱۵- خودکفایی در تولید بنزین

«گفتند بنزین را تحریم می کنیم. یکی از مشکلات کار ما در طول زمان همین بوده است؛ ما کشور تولید کننده نفت، مبالغ زیادی فرآورده نفت را که بنزین است، از خارج وارد می کردیم. اینها گفتند این نقطه ضعف جمهوری اسلامی است، نمی گذاریم بنزین وارد شود. مسئولین کشور ما، قبل از آن که آنها دست به کار شوند، مشغول تهیه مقدمات شدند. کار به جایی رسید که در تولید بنزین، کشور عزیز ما خودکفا شد؛ این به برکت تحریم آنها بود. «ان الله يؤيد هذا الدين بأقوام لا خلاق لهم». به وسیله تحریم آنها، مسئولین ما به فکر افتادند؛ تلاش کردند، ما از وارد کردن بنزین بی نیاز شدیم.»^(۲)

۳- آرمانهای اقتصادی جمهوری اسلامی ایران

۳/۱- آبادانی کشور و ریشه کنی محرومیت

«امروز، آبروی اسلام در گرو آن است که ایران اسلامی به کشوری آباد تبدیل شود، کار و ابتکار در آن همه گیر شود، زندگی مردم سر و سامان یابد، فقر و محرومیت ریشه کن شود، تولید داخلی با نیازهای مردم متعادل گردد، کشور در صنعت و کشاورزی به خودکفایی برسد، دشمن از طریق احتیاجات زندگی مردم، راهی به

۱ - خطبه های نماز جمعه تهران، به تاریخ ۱۳۸۹/۱۱/۱۵.

۲ - بیانات در حرم مطهر رضوی در آغاز سال نو، ۱۳۹۰/۱/۱.

اعمال فشار نداشته باشد و خلاصه دین در کنار معنویت، زندگی مادی مردم را نیز سامان بخشد.» (۱)

۳/۲- رشد این کشور در حد شایسته مسلمانان

«باید از همه جهات مادی و معنوی و صنعتی و کشاورزی و فرهنگی، این کشور در حد شایسته مسلمانان رشد کند.» (۲)

۳/۳- هر چه نزدیک شدن به عدالت اجتماعی

«ما می خواهیم سازندگی شود و کشور رونق اقتصادی و پیشرفت مادی پیدا کند و از لحاظ اقتصادی رشد کند، تا بتواند به عدالت اجتماعی نزدیک شود و فقیر نداشته باشیم؛ تا دیگر، طبقات محروم در جامعه، احساس محرومیت نکنند و محروم نباشند؛ تا منطقه محروم در کشور نداشته باشیم و فاصله بین فقیر و غنی، روزبه روز کمتر شود.» (۳)

۳/۴- اقتدار اقتصادی

«مسائل اقتصادی، بسیار مهم است. ما از اقتدار ملی صحبت کردیم؛ همه هم قبول دارند؛ یعنی آحاد ملت و مسؤولان کشور، اقتدار ملی را شعار و پرچمی می دانند که باید همه به آن توجه کنند. حقیقتش هم همین است؛ چون اقتدار ملی، اقتدار زید و عمرو نیست؛ اقتدار یک ملت و یک کشور است. این اقتدار چگونه به دست می آید؟

فرض بفرمایید یک رکن اقتدار ملی، اقتدار اقتصادی است؛ یعنی کشور از لحاظ اقتصادی بتواند پول ملی خودش را تقویت کند؛ در



۱ - پیام به مناسبت اولین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی (ره)، به تاریخ ۱۳۶۹/۳/۱۰.

۲ - سخنرانی در دیدار با گروه کثیری از آزادگان، به تاریخ ۱۳۶۹/۶/۴.

۳ - پیام به مناسبت حلول سال ۱۳۷۲ هجری شمسی، به تاریخ ۱۳۷۳/۱/۱.

بازارهای اقتصادی دنیا حضور تأثیرگذار داشته باشد؛ در بهبود وضع اقتصادی کشور از امکانات خودش استفاده کند؛ فقر را در کشور ریشه کن و یا حداقل کم کند و بتواند به عنوان یک کشور ثروتمند و غنی، در مقابل چشم دنیا، کارایی نظام خودش را نشان دهد. این می‌شود اقتدار اقتصادی، که مسؤولان اقتصادی کشور موظفند این کارها را انجام دهند. اقتدار اقتصادی همچنین به معنای این است که در کشور، بیکاری وجود نداشته باشد؛ اشتغال وجود داشته باشد؛ تولید صنعتی و کشاورزی در حد مطلوب باشد؛ از منابع و معادن کشور به نحو بهینه استفاده شود. این هم اقتدار اقتصادی است که بخشهای گوناگون نسبت به آن مسؤولیت دارند.»(۱)



گفتار دوازدهم جهاد اقتصادی

(تعریف، اهمیت و ضرورت، الزامات، عرصه‌ها و مصادیق)

اشاره:

فرهنگ جهادی و روحیه جهادی یکی از مهمترین اختصاصات نظام اسلامی به شمار می آید. انقلاب اسلامی روحیه جهادی به مردم داد و ملت ایران نیز از اول انقلاب با همین روحیه وارد تمامی میدانها شدند و به برکت آن حماسه‌ها و افتخارات شگفت‌انگیز در عرصه‌های مختلف خلق نمودند.

انقلاب اسلامی ایران دستگاههایی را به وجود آورد که در ذات‌شان حرکت و جوش انقلابی و جهادی نهفته بود. جهاد سازندگی، پاسداران سپاه و بسیج، مهمترین دستگاههایی بودند که از دل انقلاب متولد شدند و روحیه ایثارگرانه و جهادی اساس سازماندهی و عملکردشان را تشکیل می‌داد. این دستگاهها شکل اداری و ثابت و ایستا و منجمد نداشتند. البته سازماندهی و تشکیلات و نظم در آنها وجود داشت، اما همراه با تحرک و پیشرفت و جهش بود که آثار این روحیه جهادی را در هشت سال دفاع مقدس و در میدان کار و سازندگی و پیشرفت از سوی این دستگاهها دیدیم.

امروز مسأله اقتصاد از همه نیازهای کشور فوریت و اولویت بیشتری دارد. لذا می‌توان گفت که یکی از با ضروری‌ترین عرصه‌ها برای بکارگیری فرهنگ جهادی در حال حاضر، عرصه اقتصاد است. لذا جهاد اقتصادی در حال حاضر ضرورتی بزرگ برای کشور به حساب می‌آید.

جهاد اقتصادی الزاماتی دارد که از جمله آنها می‌توان داشتن

روحیه جهادی، استحکام معنویت جامعه و حفظ اتحاد و انسجام ملی و... را نام برد.

جهاد اقتصادی عرصه‌ها و مصادیق بسیار متنوع و گوناگونی هم دارد که مهمترین آنها عبارت است از درست مصرف کردن و ایجاد فرهنگ کار و تلاش لله.



۱- روحیه جهادی

۱/۱- فراموش کردن خود و غرق شدن در ایمان

«آن جایی که حرکت و روح جهادی وجود دارد، انسان در ایمان و آرمان و خدمت به دیگران حل می‌شود و خود را فراموش می‌کند.» (۱)

۱/۲- مقابله با دشمن در عرصه‌های مختلف

«جهادی عمل کردن، مفهوم خاصی دارد. هر جور کاری، جهادی نیست.»

جهاد با جهد و تلاش از لحاظ ریشه یکی‌اند؛ یعنی در آن معنای جهد و کوشش وجود دارد؛ اما جهاد فقط این نیست؛ جهاد یعنی مبارزه؛ مبارزه در همین اصطلاح متعارف فارسی امروز ما. مبارزه انواع و اقسامی دارد: مبارزه نظامی داریم، مبارزه آشکار داریم، مبارزه پنهان داریم؛ اما یک نقطه مشترک در همه اینها وجود دارد و آن این که در مقابل یک خصم است؛ در مقابل یک مانع است. مبارزه با دوست معنی ندارد؛ مبارزه در مقابل یک دشمن است.

فرض کنید در دوران اختناق، کسی هر هفته مثلاً پنج تا کتاب می‌خواند؛ خیلی کار بود؛ اما لزوماً مبارزه نبود؛ جهد بود، جهاد نبود. اگر می‌خواست جهاد باشد، باید کتابی را می‌خواند که در حرکت او در مواجهه‌ی با رژیم طاغوت و رژیم اختناق، تأثیر داشت؛ آن وقت می‌شد جهاد. خاصیت جهاد این است.» (۲)

۱- بیانات در دیدار با جهادگران و کشاورزان، به تاریخ ۱۴/۱۰/۱۳۸۲.

۲- بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در بازدید از پژوهشکده رویان، به تاریخ ۲۵/۴/۱۳۸۶.



«جهاد یک بار معنایی ویژه‌ای دارد. هر تلاشی را نمی‌شود گفت جهاد. در جهاد، حضور و رویارویی با دشمن، مفروض است. انسان یک تلاشی می‌کند، دشمنی در مقابل او نیست؛ این جهاد نیست. اما یک وقت شما می‌خواهید یک تلاشی را انجام دهید، که بخصوص یک دشمنی سینه به سینه شما ایستاده است؛ این می‌شود جهاد. ممکن است یک وقت این جهاد به شکل قتال باشد، ممکن است جهاد مالی باشد، ممکن است جهاد علمی باشد، ممکن است جهاد فنی باشد؛ همه اینها جهاد است؛ انواع و اقسام جهاد و مبارزه است. اگر بخواهیم در ادبیات امروز ما برای «جهاد» معادلی پیدا کنیم، می‌شود «مبارزه».(۱)



۱/۳- کار برای خدا، با جدیت و به صورت خستگی‌ناپذیر

«اگر ما در بخشهای گوناگون، روحیه جهادی داشته باشیم؛ یعنی کار را برای خدا، با جدیت و به صورت خستگی‌ناپذیر انجام دهیم - نه فقط به عنوان اسقاط تکلیف - بلاشک این حرکت پیش خواهد رفت».(۲)

۱/۴- فرهنگ جهادی، دستاورد انقلاب اسلامی

«در نظام جمهوری اسلامی و به برکت انقلاب اسلامی، همه تلاشها سرعت و کارایی مضاعفی پیدا می‌کند. آنچه انقلاب اسلامی به مردم ما داد، فرهنگ جهادی بود. فرهنگ جهادی در همه صحنه‌ها و عرصه‌ها به کار می‌آید و در زمینه کارهای زیربنایی کشاورزی و دامداری و امثال اینها هم از اول انقلاب، روح و فرهنگ جهادی وارد

۱- بیانات در جمع مردم و کارکنان صنعت نفت عسلویه، به تاریخ ۱۳۹۰/۱/۸.

۲- بیانات در حرم مطهر رضوی در آغاز سال نو، به تاریخ ۱۳۹۰/۱/۱.

میدان شد. بعضی از صاحب نظران دربارهٔ انقلابهای دنیا این طور اظهار نظر کرده‌اند که انقلابها بعد از آن که به پیروزی رسیدند، سیال بودن و جوشندگی و تحرک و پیشرفت آنها از بین می‌رود و به دستگاههای ایستا و بی تحرک تبدیل می‌شوند. ممکن است در برخی از انقلابها همین طور باشد- ما نسبت به آنها قضاوتی نمی‌کنیم- اما در مورد انقلاب ما پدیده‌ای دیده شد که این فرضیه را از کلیت انداخت و در این جا غلط از آب درآمد؛ زیرا خود انقلاب دستگاههایی را به وجود آورد که در ذاتشان حرکت و جوشش انقلابی و سریع و جهادی وجود داشت. یکی از دستگاهها جهاد سازندگی بود، یکی از دستگاهها سپاه بود، یکی از دستگاهها بسیج بود. اینها دستگاههایی هستند که شکل اداری و ثابت و ایستا و متحجر و منجمد نداشتند. ولو سازماندهی و تشکیلات و نظم در اینها وجود داشت، اما همان حالت حرکت، پیشرفت و جهش که در خود انقلاب موجود بود، در اینها هم وجود داشت و ما اثرش را هم در بیرون دیدیم. در دفاع هشت ساله، بسیج و تحرک مردم را دیدند. در میدان کار و سازندگی و پیشرفت، روحیهٔ جهادی را دیدید، که البته مخصوص جهاد سازندگی هم نماند؛ این روحیه در بسیاری از دستگاهها رسوخ کرد.»(۱)

۱/۵- پیشرفت ملت با روحیهٔ جهادی در میادین مختلف

«ملت ما از اوّل انقلاب تا امروز در هر جایی که با روحیهٔ جهادی وارد میدان شده، پیش رفته؛ این را ما در دفاع مقدس دیدیم، در جهاد

سازندگی دیدم، در حرکت علمی داریم مشاهده می‌کنیم.» (۱)

۲- جهاد اقتصادی

«جهاد اقتصادی، صرفاً تلاش اقتصادی نیست. جهاد یک‌بار معنایی ویژه‌ای دارد. هر تلاشی را نمی‌شود گفت جهاد. در جهاد، حضور و رویارویی با دشمن، مفروض است. انسان یک تلاشی می‌کند، دشمنی در مقابل او نیست؛ این جهاد نیست. اما یک‌وقت شما می‌خواهید یک تلاشی را انجام دهید، که بخصوص یک دشمنی سینه به سینه‌ی شما ایستاده است؛ این می‌شود جهاد. ممکن است یک وقت این جهاد به شکل قتال باشد، ممکن است جهاد مالی باشد، ممکن است جهاد علمی باشد، ممکن است جهاد فنی باشد؛ همه اینها جهاد است؛ انواع و اقسام جهاد و مبارزه است. اگر بخواهیم در ادبیات امروز ما برای «جهاد» معادلی پیدا کنیم، می‌شود «مبارزه». جهاد اقتصادی، یعنی مبارزه اقتصادی.» (۲)

۳- اهمیت و ضرورت جهاد اقتصادی

«به نظر صاحب‌نظران، امروز در این برهه از زمان، مسأله اقتصادی از همه مسائل کشور فوریت و اولویت بیشتری دارد. اگر کشور عزیز ما بتواند در زمینه مسائل اقتصادی، یک حرکت جهادگونه‌ای انجام بدهد، این گام بلندی را که برداشته است، با گامهای بلند بعدی همراه کند، بلاشک برای کشور و پیشرفت کشور و عزت ملت ایران تأثیرات

۱ - بیانات در حرم مطهر رضوی در آغاز سال نو، به تاریخ ۱۳۹۰/۱/۱.

۲ - بیانات در جمع مردم و کارکنان صنعت نفت عسلویه، به تاریخ ۱۳۹۰/۱/۸.



بسیار زیادی خواهد داشت.» (۱)

«از مسؤولان کشور، چه در دولت، چه در مجلس، چه در بخشهای دیگری که مربوط به مسائل اقتصادی می‌شوند و همچنین از ملت عزیزمان انتظار دارم که در عرصه اقتصادی با حرکت جهادگونه کار کنند، مجاهدت کنند. حرکت طبیعی کافی نیست؛ باید در این میدان، حرکت جهشی و مجاهدانه داشته باشیم.» (۲)

«جهاد اقتصادی متوجه یک نکته اساسی است در مسأله اداره کشور و مدیریت کشور؛ و آن این است که امروز دشمن برای مبارزه با اسلام و جمهوری اسلامی، بر روی مسأله اقتصاد متمرکز شده است. نه این که عرصه‌های دیگر را فراموش کردند؛ نه، در زمینه فرهنگ و در زمینه امنیت و در زمینه سیاست و در همه زمینه‌ها علیه نظام جمهوری اسلامی آنچه از دستشان برمی‌آید، می‌کنند - حالا شکست می‌خورند، مطلب دیگری است؛ اما آنها تلاش خودشان را می‌کنند - لیکن تمرکز عمده آنها بر روی مسائل اقتصادی است. برای این که مردم را از دولت جدا کنند، از نظام جدا کنند، فاصله و شکاف ایجاد کنند، دنبال این هستند که در مسأله اقتصادی کشور مشکل ایجاد کنند. پس جهاد اقتصادی لازم است؛ یعنی همین مبارزه، همین پیکار، منتها جهادگونه، با همه توان، با همه وجود، با قصد خالص، با فهم و بصیرت این که داریم چه کار می‌کنیم. سال جهاد اقتصادی معنایش

۱ - همان.

۲ - پیام نوروزی رهبر معظم انقلاب اسلامی، به تاریخ ۱۳۹۰/۱/۱.

این است. بخشهای اقتصادی کشور در همه قسمتهای دولتی و غیر دولتی اگر به توفیق الهی پایبند به این مجاهدت باشند، یک جهش به وجود خواهد آمد و همه مردم در این موفقیت سهیم اند.»(۱)

۴- الزامات جهاد اقتصادی

۴/۱- داشتن روحیه جهادی

«اگر ما بخواهیم این حرکت عظیم اقتصادی در کشور در سال ۹۰ انجام بگیرد، یک الزاماتی هم دارد. این الزامات را هم من فهرست وار عرض بکنم. اولاً روحیه جهادی لازم است. ملت ما از اول انقلاب تا امروز در هر جایی که با روحیه جهادی وارد میدان شده، پیش رفته؛ این را ما در دفاع مقدس دیدیم، در جهاد سازندگی دیدیم، در حرکت علمی داریم مشاهده می کنیم. اگر ما در بخشهای گوناگون، روحیه جهادی داشته باشیم؛ یعنی کار را برای خدا، با جدیت و به صورت خستگی ناپذیر انجام دهیم - نه فقط به عنوان اسقاط تکلیف - بلاشک این حرکت پیش خواهد رفت.»(۲)

۴/۲- استحکام معنویت و روح ایمان و تدین در جامعه

«دوم، استحکام معنویت و روح ایمان و تدین در جامعه است. عزیزان من! این را همه بدانند؛ تدین جامعه، تدین جوانان ما، در امور دنیایی هم به ملت و به جامعه کمک می کند. خیال نکنند که متدین شدن جوانان، اثرش فقط در روزهای اعتکاف در مساجد یا در شبهای جمعه در دعای کمیل است. اگر یک ملت جوانانش متدین باشند، از



۱ - بیانات در دیدار هزاران نفر از کارگران سراسر کشور، به تاریخ ۱۳۹۰/۲/۷.

۲ - بیانات در حرم مطهر رضوی در آغاز سال نو، به تاریخ ۱۳۹۰/۱/۱.

هرزگی دور خواهند شد؛ از اعتیاد دور خواهند شد؛ از چیزهایی که جوان را زمینگیر می‌کند، دور خواهند شد؛ استعداد آنها به کار می‌افتد، کار می‌کنند، تلاش می‌کنند؛ در زمینه علم، در زمینه فعالیت‌های اجتماعی، در زمینه فعالیت‌های سیاسی، کشور پیشرفت می‌کند. در اقتصاد هم همین جور است. روحیه معنویت و تدبیر، نقش بسیار مهمی دارد.» (۱)

۴/۳- اصل قرار ندادن مسائل حاشیه‌ای

«یک شرط دیگر این است که کشور به مسائل حاشیه‌ای مبتلا نشود. ببینید، در بسیاری از اوقات یک مسأله اصلی در کشور وجود دارد که همه باید همت کنند و به سراغ این مسأله اصلی بروند؛ باید مسأله کانونی کشور این باشد؛ اما ناگهان می‌بینیم از یک گوشه‌ای یک صدایی بلند می‌شود، یک مسأله حاشیه‌ای درست می‌کنند، ذهنها متوجه آن می‌شود. این مثل این می‌ماند که در یک مسافرت مهمی، کاروانی، قطاری دارد حرکت می‌کند، هدفش رسیدن به یک نقطه خاص است؛ ناگهان ذهنها را مشغول کنند به یک چیز حاشیه‌ای در بیابان، از راه باز بمانند، احیاناً امکان ادامه حرکت هم از آنها گرفته شود. مسائل حاشیه‌ای نباید به میان بیاید. مردم ما خوشبختانه قدرت تحلیل دارند، هوشمندند، هوشیارند؛ می‌توانند مسائل فرعی و حاشیه‌ای را از مسائل اصلی جدا کنند. توجه شود مسائل حاشیه‌ای کانون توجه افکار عمومی قرار نگیرد.» (۲)

۱- بیانات در حرم مطهر رضوی در آغاز سال نو، به تاریخ ۱۳۹۰/۰۱/۰۱.

۲- بیانات در حرم مطهر رضوی در آغاز سال نو، به تاریخ ۱۳۹۰/۰۱/۰۱.



۴/۴- حفظ اتحاد و انسجام ملی

«یک شرط دیگر، حفظ اتحاد و انسجام ملی است. این اتحادی که امروز در میان مردم و در بین مردم و مسئولین وجود دارد، مردم به مسئولین خودشان علاقه‌مندند، به آنها اعتماد دارند، به آنها کمک می‌کنند، با آنها همراهی می‌کنند، بین خود مردم اتحاد و وحدت وجود دارد، بایستی باقی بماند و روزبه‌روز تقویت شود. یکی از نقشه‌های بزرگ دشمنان ملت ایران، ایجاد تفرقه و شکاف در داخل بوده است؛ به بهانه قومیت، به بهانه مذهب، به بهانه گرایشهای سیاسی، به بهانه جناح‌بندیها، به بهانه‌های گوناگون. اتحاد را باید حفظ کرد. خوشبختانه ملت ما آگاه‌اند. همه کسانی که به کشورشان علاقه‌مندند، به نظام مردم‌سالاری دینی - که مایه افتخار امروز ملت ایران است - علاقه‌مندند، باید با هم هماهنگی داشته باشند. مسئولین کشور هم همین جور؛ آنها هم باید سعی کنند اگر گله‌ای از هم دارند - که گاهی ممکن است این گله‌ها بحق هم باشد - این گله را در معرض افکار عمومی مطرح نکنند؛ این ضربه به اتحاد ملی است؛ این را همه توجه داشته باشند. من به مسئولین کشور به طور جدّ این را تذکر و هشدار می‌دهم. ممکن است مسئولین از هم گله داشته باشند - که همیشه بوده؛ از اوّل انقلاب که ما دست‌اندرکار مسائل بودیم، دیدیم؛ گاهی قوه مجریه از قوه مقننه، گاهی قوه مقننه از قوه قضائیه، گاهی قوه قضائیه از قوه مجریه گله‌هایی داشتند؛ طبیعت کار هم همین است. گله به وجود می‌آید - ممکن است گله‌ها بحق هم باشد؛ اما این را نباید در عرصه افکار عمومی بیاورند، ذهن مردم و دل مردم را ناراحت کنند، مردم را مأیوس کنند؛ بین خودشان حل کنند. مهمترین مسائل



دنیا با مذاکره قابل حل است؛ این مسائل جزئی اهمیتی ندارد. پس انسجام قوا با یکدیگر، هماهنگی قوا با یکدیگر هم مهم است.» (۱)

۵- عرصه‌ها و مصادیق جهاد اقتصادی

۵/۱- درست مصرف کردن

«یک جمله خطاب به همه ملت ایران است، و آن این که در این جهاد اقتصادی همه شریکند. در اداره اقتصاد یک ملت، مصرف هم یک رکن عمده است؛ مصرف درست، مصرف خوب، مصرف دور از اسراف و تبذیر و اتلاف مال؛ همین چیزی که همیشه توصیه می‌شود.» (۲)

۵/۲- ایجاد فرهنگ کار و تلاش لله

«ایجاد فرهنگ کار و تلاش لله. شما حتی سر یک کلاس، یک معلم هم که باشید، می‌توانید در این جهاد اقتصادی سهم باشید؛ این فرهنگ را به این جوان، به این نیروی انسانی فردا تعلیم می‌دهید؛ این می‌شود جهاد اقتصادی. در هر بخشی که باشید، می‌توانید در این جهاد سهم باشید.» (۳)

۵/۳- مصرف کالای تولید داخل

«نکته دیگر که خطاب به همه مردم کشور است، مصرف کالای داخلی است. یکی از آفات موجود اجتماعی ما که ریشه آن، میراث دوران طاغوت و دوران ظلمانی گذشته است، همین است که افراد،

۱- بیانات در حرم مطهر رضوی در آغاز سال نو، به تاریخ ۱۳۹۰/۱/۱.

۲- بیانات در جمع مردم و کارکنان صنعت نفت عسلویه، به تاریخ ۱۳۹۰/۱/۸.

۳- همان.



دل بسته به تولیدات بیگانه باشند. یک وقت تولید داخلی نداشتیم؛ یک وقت تولید داخلی، تولید غیر قابل مصرفی بود؛ امروز این جوری نیست؛ امروز تولیدات داخلی، تولیدات مرغوب و مطلوب است. در عین حال یک عده‌ای خوششان می‌آید که بگویند فلان نشان خارجی روی لباسشان هست یا روی وسیله خوراکی‌شان هست؛ این یک بیماری است؛ این بیماری را باید علاج کرد. این کار، توجه نکردن به این است که ما در این مملکت داریم زندگی می‌کنیم و از نعمتهای الهی بر این کشور داریم برخوردار می‌شویم. آن وقت پولی را که در این کشور به دست می‌آوریم، می‌ریزیم توی جیب یک کارگر خارجی، به زیان یک کارگر داخلی. این معنایش این است که ما به نیاز داخل، به کارگر داخل که دارد زحمت می‌کشد و جنس تولید می‌کند، بی‌اعتنایی می‌کنیم، می‌رویم سراغ کارگر خارجی. این خیلی عادت بدی است. در سال جهاد اقتصادی، به نظر من یکی از قلم‌های مجاهدت اقتصادی مردم این است که بروند سراغ کالای ساخت داخل؛ آن را بخواهند. البته این طرف قضیه هم این است که کالای ساخت داخل بایستی قانع کننده باشد؛ بایستی دوامش، استحکامش، مرغوبیتش جوری باشد که مشتری را قانع کند؛ این هر دو در کنار هم، یک کار لازم و واجبی است.» (۱)

۵/۴- کارآفرینی، اشتغال و توجه به زیرساختهای اقتصادی

«البته مسائلی که باید مسؤولین کشور ان شاء الله با همت دنبال کنند، مسائل متعددی در زمینه سال جهاد اقتصادی است. مسأله اشتغال بسیار



مهم است؛ کارآفرینی بسیار مهم است؛ مسأله پرداختن به زیرساختهای اقتصادی در سراسر کشور، که خب، افراد صاحب فکری، صاحب نظری نشسته اند اینها را بررسی کردند، مشخص کردند، دنبال کردن اینها بسیار مهم است. همچنین مسأله صنعت، مسأله کشاورزی، مسائل گوناگونی که در این زمینه ها هست، مسائل مهمی است. همه اینها کارهای اساسی است و پرداختن به هر کدام از اینها جهاد فی سبیل الله است.» (۱)





گفتار سیزدهم

سیاستهای کلی نظام در عرصه اقتصاد

(امنیت اقتصادی، انرژی، منابع طبیعی، حمل و نقل، اصل
۴۴ قانون اساسی، اصلاح الگوی مصرف، شهرسازی، مسکن،
تشویق سرمایه‌گذاری)

اشاره:

تعیین سیاستهای کلی در عرصه‌های مختلف، سنت بسیار حسنه‌ای است که در هر کشور و نظامی انجام شود فواید و برکات بی‌شماری نصیب آن نظام خواهد گردید. تدوین سیاستهای کلی در هر عرصه‌ای بمنزله سند راه و چشم‌انداز فعالیتها در آن عرصه خواهد بود که ساختار عملکردی را مشخص نموده و با سنجش لحظه به لحظه عملکردها و خط مشی‌ها با اهداف کلی، سستی و انحراف در دستیابی به مقصد نهایی را نمایان می‌نماید.

عمل به این سنت حسنه از جمله سیاستهای ارزنده و ثمربخشی است که سالهاست در جمهوری اسلامی ایران وجود دارد، بدین صورت که در گام نخست سند چشم‌انداز بیست ساله جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴ هجری شمسی تهیه گردید و در سیزدهم آبان ماه ۱۳۸۲ توسط رهبر معظم انقلاب به سران قوای سه‌گانه ابلاغ شد. متن کامل این سند از این قرار است:

«با اتکال به قدرت لایزال الهی و در پرتو ایمان و عزم ملی و کوشش برنامه‌ریزی شده و مدبرانه جمعی و در مسیر تحقق آرمانها و اصول قانون اساسی، در چشم‌انداز بیست ساله، ایران کشوری است توسعه یافته با جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در سطح منطقه با هویت اسلامی و انقلابی، الهام‌بخش در جهان اسلام و با تعامل سازنده و مؤثر در روابط بین‌الملل.

جامعه ایرانی در افق این چشم‌انداز چنین ویژگیهایی خواهد

داشت:

توسعه یافته، متناسب با مقتضیات فرهنگی، جغرافیایی و تاریخی خود، متکی بر اصول اخلاقی و ارزشهای اسلامی، ملی و انقلابی، با تأکید بر مردم‌سالاری دینی، عدالت اجتماعی، آزادیهای مشروع، حفظ کرامت و حقوق انسانها و بهره‌مندی از امنیت اجتماعی و قضایی.

برخوردار از دانش پیشرفته، توانا در تولید علم و فناوری، متکی بر سهم برتر منابع انسانی و سرمایه اجتماعی در تولید ملی. امن، مستقل و مقتدر با سامان دفاعی مبتنی بر بازاریابی همه‌جانبه و پیوستگی مردم و حکومت.

برخوردار از سلامت، رفاه، امنیت غذایی، تأمین اجتماعی، فرصتهای برابر، توزیع مناسب درآمد. نهاد مستحکم خانواده، به دور از فقر، تبعیض و بهره‌مند از محیط زیست مطلوب. فعال، مسؤولیت‌پذیر، ایثارگر، مؤمن، رضایت‌مند، برخوردار از وجدان کاری، انضباط، روحیه تعاون و سازگاری اجتماعی، متعهد به انقلاب و نظام اسلامی و شکوفایی ایران و مفتخر به ایرانی بودن.

دست یافته به جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در سطح منطقه آسیای جنوب غربی (شامل آسیای میانه، قفقاز، خاورمیانه و کشورهای همسایه) با تأکید بر جنبش نرم‌افزاری و تولید علم، رشد پرشتاب و مستمر اقتصادی، ارتقاء نسبی سطح درآمد سرانه و رسیدن به اشتغال کامل.

الهام‌بخش، فعال و مؤثر در جهان اسلام با تحکیم الگوی مردم‌سالاری دینی، توسعه کارآمد، جامعه اخلاقی، نواندیشی و پویایی فکری و اجتماعی، تأثیرگذار بر همگرایی اسلامی و منطقه‌ای بر اساس تعالیم اسلامی و اندیشه‌های امام خمینی (ره). دارای تعامل سازنده و مؤثر با جهان براساس اصول عزت،



حکمت و مصلحت.

ملاحظه: در تهیه، تدوین و تصویب برنامه‌های توسعه و بودجه‌های سالانه، این نکته مورد توجه قرار گیرد که شاخصهای کمی کلان آنها از قبیل نرخ سرمایه‌گذاری، درآمد سرانه، تولید ناخالص ملی، نرخ اشتغال و تورم، کاهش فاصله درآمد میان دهکهای بالا و پایین جامعه، رشد فرهنگ و آموزش و پژوهش و تواناییهای دفاعی و امنیتی، باید متناسب با سیاستهای توسعه و اهداف و الزامات چشم‌انداز، تنظیم و تعیین گردد و این سیاستها هدفها به صورت کامل مراعات شود.»

پس از تهیه و ابلاغ این سند بتدریج سیاستهای کلی نظام در عرصه‌های مختلف نیز تهیه و ابلاغ گردیدند.

سیاستهای کلی امنیت اقتصادی، سیاستهای کلی انرژی، سیاستهای کلی منابع آب، سیاستهای کلی اصل ۴۴ قانون اساسی، سیاستهای کلی نظام اداری، سیاستهای کلی اصلاح الگوی مصرف، سیاستهای کلی نظام در امور «ترویج و تحکیم فرهنگ ایثار و جهاد و ساماندهی امور ایثارگران»، سیاستهای کلی نظام در امور «امنیت فضای تولید و تبادل اطلاعات و ارتباطات (افتا)»، سیاستهای کلی نظام در امور «پدافند غیرعامل»، سیاستهای کلی نظام در امور «تشویق سرمایه‌گذاری»، سیاستهای کلی نظام در امور «مسکن» و... از جمله مواردی هستند که تاکنون تعیین و ابلاغ شده‌اند.



۱- سیاستهای کلی امنیت اقتصادی، انرژی، منابع آب، معدن، منابع طبیعی، حمل و نقل

بسم الله الرحمن الرحيم

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران ترجمان خواسته‌ها و آرمانهای ملت ایران و نشان دهنده جهت و مسیر حرکت مردم و چارچوب کلی برای تدوین قوانین و سیاستهای کلی نظام است. یکی از ویژگیهای ممتاز قانون اساسی، قدرت انعطاف و انطباق با شرایط و تحولات است و برای خروج از معضلات و تنگناها و استفاده بیشتر از نظرات افراد خبره و صاحب نظران راه‌حلهای عملی ارائه نموده است.

اینک در مرحله جدید از تعیین سیاستهای کلی نظام و در پی دریافت مشورتهای مجمع تشخیص مصلح نظام مطابق بند یکم اصل ۱۱۰ قانون اساسی اولین مجموعه از سیاستهای کلی و بلندمدت جمهوری اسلامی در موضوعاتی که در نظر آن مجمع از اولویت بیشتری برخوردار بوده است (امنیت اقتصادی- انرژی- منابع آب- بخش معدن- منابع طبیعی- بخش حمل و نقل) تعیین و به قوای سه گانه کشور ابلاغ می گردد.

در پایان ضمن یادآوری دو نکته بر خود لازم می دانم از زحمات رئیس و اعضای محترم مجمع تشخیص مصلحت نظام و دبیرخانه و کلیه مسؤولان و افراد صاحب نظر که در فراهم آمدن چنین مجموعه نقش داشته‌اند سپاسگزاری کنم.

۱- این جانب با توجه به اصل ۱۱۰ قانون اساسی نظارت بر حسن اجرای سیاستهای ابلاغی را برعهده مجمع تشخیص مصلحت نظام



نهاده‌ام و آن مجمع موظف است با ساز و کار مصوب، گزارش نظارت خود را به این جانب ارائه کند.

۲- سیاستهای ابلاغی در چارچوب اصول قانون اساسی نافذ است و تخطی از این قانون در اجرای سیاستهای کلی پذیرفته نیست. مزید توفیقات همگان را از خداوند متعال خواستارم.

سیدعلی خامنه‌ای

۱- سیاستهای کلی امنیت اقتصادی

۱/۱- حمایت از ایجاد ارزش افزوده و سرمایه‌گذاری و کارآفرینی از راههای قانونی و مشروع.

۱/۲- هدف از امنیت سرمایه‌گذاری، ایجاد رفاه عمومی و رونق اقتصادی و زمینه‌سازی برای عدالت اقتصادی و از بین بردن فقر در کشور است. وضع قوانین و مقررات مربوط به مالیات و دیگر اموری که به آن هدف کمک می‌کند، وظیفه الزامی دولت و مجلس است.

۱/۳- قوانین و سیاستهای اجرایی و مقررات باید دارای سازگاری و ثبات و شفافیت و هماهنگی باشند.

۱/۴- نظارت و رسیدگی و قضاوت در مورد جرایم و مسائل اقتصادی باید دقیق و روشن و تخصصی باشد.

۱/۵- شرایط فعالیت اقتصادی (دسترسی به اطلاعات، مشارکت آزادانه اشخاص در فعالیتهای اقتصادی و برخورداری از امتیازات قانونی) برای بخشهای دولتی، تعاونی و خصوصی، در شرایط عادی باید یکسان و عادلانه باشد.

۲- سیاستهای کلی انرژی

الف- سیاستهای کلی نفت و گاز



- ۱- اتخاذ تدابیر و راهکارهای مناسب برای گسترش اکتشاف نفت و گاز و شناخت کامل منابع کشور.
- ۲- افزایش ظرفیت تولید صیانت شده نفت متناسب با ذخایر موجود و برخورداری کشور از افزایش قدرت اقتصادی و امنیتی و سیاسی.
- ۳- افزایش ظرفیت تولید گاز، متناسب با حجم ذخایر کشور به منظور تأمین مصرف داخلی و حداکثر جایگزینی با فرآورده‌های نفتی.
- ۴- گسترش تحقیقات بنیادی و توسعه‌ی و تربیت نیروی انسانی و تلاش برای ایجاد مرکز جذب و صدور دانش و خدمات فنی-مهندسی انرژی در سطح بین‌الملل و ارتقاء فناوری در زمینه‌های منابع و صنایع نفت و گاز و پتروشیمی.
- ۵- تلاش لازم و ایجاد سازماندهی قانونمند برای جذب منابع مالی مورد نیاز (داخلی و خارجی) در امر نفت و گاز در بخشهای مجاز قانونی.
- ۶- بهره‌برداری از موقعیت منطقه‌ی و جغرافیایی کشور برای خرید و فروش و فرآوری و پالایش و معارضه و انتقال نفت و گاز منطقه به بازارهای داخلی و جهانی.
- ۷- بهینه‌سازی مصرف و کاهش شدت انرژی.
- ۸- جایگزینی صادرات فرآورده‌های نفت و گاز و پتروشیمی به جای صدور نفت خام و گاز طبیعی.
- ب- سیاستهای کلی سایر منابع انرژی
- ۱- ایجاد تنوع در منابع انرژی کشور و استفاده از آن با رعایت مسائل زیست محیطی و تلاش برای افزایش سهم انرژیهای تجدیدپذیر



با اولویت انرژی‌های آبی.

۲- تلاش برای کسب فناوری و دانش هسته‌ای و ایجاد نیروگاه‌های هسته‌ای به منظور تأمین سهمی از انرژی کشور و تربیت نیروهای متخصص.

۳- گسترش فعالیتهای پژوهشی و تحقیقاتی در امور انرژی‌های گداخت هسته‌ای و مشارکت و همکاری علمی و تخصصی در این زمینه.

۴- تلاش برای کسب فناوری و دانش فنی انرژی‌های نو و ایجاد نیروگاه‌ها از قبیل بادی و خورشیدی و پیل‌های سوختی و زمین گرمایی در کشور.

ج- سیاست‌های کلی منابع آب

۱- ایجاد نظام جامعه مدیریت در کل چرخه آب بر اساس اصول توسعه پایدار و آمایش سرزمین در حوضه‌های آبریز کشور.

۲- ارتقاء بهره‌وری و توجه به ارزش اقتصادی و امنیتی و سیاسی آب در استحصال و عرضه و نگهداری و مصرف آن.

۳- افزایش میزان استحصال آب و به حداقل رساندن ضایعات طبیعی و غیرطبیعی آب در کشور از هر طریق ممکن.

۴- تدوین برنامه جامع به منظور رعایت تناسب در اجرای طرح‌های سد و آبخیزداری و آبخوان‌داری و شبکه‌های آبیاری و تجهیز و تسطیح اراضی، و حفظ کیفیت آب و مقابله با خشکسالی و پیشگیری از سیلاب و بازچرخانی و استفاده از آب‌های غیرمتعارف و ارتقاء دانش و فنون و تقویت نقش مردم در استحصال و بهره‌برداری.

۵- مهار آب‌هایی که از کشور خارج می‌شود و اولویت استفاده از



منابع آبهای مشترک.

د- سیاستهای کلی بخش معدن

۱- سیاستگذاری و اطلاع‌رسانی جامعه و هماهنگی در علوم و فنون زمین.

۲- تقویت خلاقیت و ابتکار و دستیابی به فناوریهای نوین و ارتقاء سطح آموزش و تربیت نیروی انسانی و تعمیق پژوهش و گسترش زمین‌شناسی بنیادی، اقتصادی، مهندسی، محیطی و دریایی برای بهره‌برداری مناسب از ذخایر معدنی کشور.

۳- ارتقاء سهم معدن و صنایع معدنی در تولید ناخالص ملی و اولویت دادن به تأمین مواد مورد نیاز صنایع داخلی کشور و صادرات مواد معدنی فرآوری شده و استفاده از موقعیت ویژه زمین‌شناسی ایران و گسترش همکاریهای بین‌المللی (علمی، فنی، اقتصادی) جهت جذب و جلب دانش و منابع و امکانات داخلی و خارجی در زمینه اکتشافات معدنی و ایجاد واحدهای فرآوری و تبدیل مواد معدنی به مواد واسطه و مصرفی.

۴- تعیین اولویتهای مناطق دارای ظرفیت معدنی و ایجاد زمینه‌های مناسب برای رشد صنایع معدنی و فلزی در بخش آلیاژها و فلزات گرانبها و عناصر کمیاب و تولید مواد پیشرفته.

ه- سیاستهای کلی منابع طبیعی

۱- ایجاد عزم ملی بر احیای منابع طبیعی تجدید شونده و توسعه پوشش گیاهی برای حفاظت و افزایش بهره‌وری مناسب و سرعت بخشیدن به روند تولید این منابع و ارتقاء بخشیدن به فرهنگ عمومی و جلب مشارکت مردم در این زمینه.



۲- شناسایی و حفاظت منابع آب و خاک و ذخایر ژنتیکی گیاهی - جانوری و بالا بردن غنای حیاتی خاکها و بهره‌برداری بهینه بر اساس استعداد منابع و حمایت مؤثر از سرمایه‌گذاری در آن.

۳- اصلاح نظام بهره‌برداری از منابع طبیعی و مهار عوامل ناپایداری این منابع و تلاش برای حفظ و توسعه آن.

۴- گسترش تحقیقات کاربردی و فناوریهای زیست محیطی و ژنتیکی و اصلاح گونه‌های گیاهی و حیوانی متناسب با شرایط محیطی ایران و ایجاد پایگاههای اطلاعاتی و تقویت آموزش و نظام اطلاع‌رسانی.

و- سیاستهای کلی بخش حمل و نقل

۱- ایجاد نظام جامع حمل و نقل و تنظیم سهم هر یک از زیربخشهای آن با اولویت دادن به حمل و نقل ریلی و با توجه به جهات زیر:

- ملاحظات اقتصادی و دفاعی و امنیتی.

- کاهش شدت مصرف انرژی.

- کاهش آلودگی زیست محیطی.

- افزایش ایمنی.

- برقراری تعادل و تناسب بین زیرساختها و ناوگان و تجهیزات

ناوبری و تقاضا.

۲- افزایش بهره‌وری تا رسیدن به سطح عالی از طریق پیشرفت و

بهبود روشهای حمل و نقل و مدیریت و منابع انسانی و اطلاعات.

۳- توسعه و اصلاح شبکه حمل و نقل با توجه به نکات زیر:

- نگرش شبکه‌یی به توسعه محورها.



- آمایش سرزمین.
 - ملاحظات دفاعی - امنیتی.
 - سودآوری ملی.
 - موقعیت ترانزیتی کشور.
 - تقاضا.
- ۴- فراهم کردن زمینه جذب سرمایه‌های داخلی و خارجی و جلب مشارکت مردم و گسترش پوشش بیمه در همه فعالیت‌های این بخش.
- ۵- دستیابی به سهم بیشتر از بازار حمل و نقل بین‌المللی. (۱)

۲- سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی

بسم الله الرحمن الرحيم

سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مطابق بند ۱ اصل ۱۱۰ ابلاغ می‌گردد. لازم است نکاتی را در این زمینه یادآور شوم؛

- ۱- اجرای این سیاستها مستلزم تصویب قوانین جدید و بعضاً تغییراتی در قوانین موجود است؛ لازم است دولت و مجلس محترم در این زمینه با یکدیگر همکاری نمایند.
- ۲- نظارت مجمع تشخیص مصلحت نظام بر حسن اجرای این سیاستها با اتخاذ تدابیر لازم و همکاری دستگاههای مسئول و ارائه گزارشهای نظارتی هر سال در وقت معین مورد تأکید است.
- ۳- در مورد «سیاستهای کلی توسعه بخشهای غیر دولتی از طریق واگذاری فعالیتهای و بنگاههای دولتی» پس از دریافت گزارشها و



مستندات و نظریات مشورتی تفصیلی مجمع راجع به: رابطه خصوصی سازی با هر یک از عوامل ذیل اصل ۴۴، نقش عوامل مختلف در ناکارآمدی بعضی از بنگاههای دولتی، آثار انتقال هر یک از فعالیتهای صدر اصل ۴۴ و بنگاههای مربوط به بخشهای غیر دولتی، میزان آمادگی بخشهای غیر دولتی و ضمانتها و راههای اعمال حاکمیت دولت، اتخاذ تصمیم خواهد شد. ان شاء الله

سیدعلی خامنه‌ای

۱۳۸۴/۳/۲

بسم الله الرحمن الرحيم

سیاستهای کلی اصل ۴۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

با توجه به ذیل اصل ۴۴ قانون اساسی و مفاد اصل ۴۳ و به منظور:
- شتاب بخشیدن به رشد اقتصاد ملی.

- گسترش مالکیت در سطح عموم مردم به منظور تأمین عدالت اجتماعی.

- ارتقاء کارایی بنگاههای اقتصادی، و بهره‌وری منابع مادی و انسانی و فناوری.

- افزایش رقابت‌پذیری در اقتصاد ملی.

- افزایش سهم بخشهای خصوصی و تعاونی در اقتصاد ملی.

- کاستن از بار مالی و مدیریتی دولت در تصدی فعالیتهای اقتصادی.

- افزایش سطح عمومی اشتغال.

- تشویق اقشار مردم به پس‌انداز و سرمایه‌گذاری و بهبود درآمد خانوارها.



مقرر می‌گردد:

الف - سیاستهای کلی توسعه بخشهای غیردولتی و جلوگیری از بزرگ شدن بخش دولتی:

۱- دولت حق فعالیت اقتصادی جدید خارج از موارد صدر اصل ۴۴ را ندارد و موظف است هرگونه فعالیت (شامل تداوم فعالیتهای قبلی و بهره‌برداری از آن) را که مشمول عناوین صدر اصل ۴۴ نباشد، حداکثر تا پایان برنامه پنج ساله چهارم (سالانه حداقل ۲۰٪ کاهش فعالیت) به بخشهای تعاونی و خصوصی و عمومی غیردولتی واگذار کند.

با توجه به مسئولیت نظام در حسن اداره کشور، تداوم و شروع فعالیت ضروری خارج از عناوین صدر اصل ۴۴ توسط دولت، بنا به پیشنهاد هیأت وزیران و تصویب مجلس شورای اسلامی برای مدت معین مجاز است.

اداره و تولید محصولات نظامی، انتظامی و اطلاعاتی نیروهای مسلح و امنیتی که جنبه محرمانه دارد، مشمول این حکم نیست.

۲- سرمایه‌گذاری، مالکیت و مدیریت در زمینه‌های مذکور در صدر اصل ۴۴ قانون اساسی به شرح ذیل توسط بنگاهها و نهادهای عمومی غیردولتی و بخشهای تعاونی و خصوصی مجاز است:

۱-۲ صنایع بزرگ، صنایع مادر (از جمله صنایع بزرگ پایین دستی نفت و گاز) و معادن بزرگ (به استثنای نفت و گاز).

۲-۲ فعالیت بازرگانی خارجی در چارچوب سیاستهای تجاری و ارزی کشور.

۲-۳ بانکداری توسط بنگاهها و نهادهای عمومی غیردولتی و



شرکتهای تعاونی سهامی عام و شرکتهای سهامی عام مشروط به تعیین سقف سهام هر یک از سهامداران با تصویب قانون.

۲-۴- بیمه.

۲-۵- تأمین نیرو شامل تولید و واردات برق برای مصارف داخلی

و صادرات.

۲-۶- کلیه امور پست و مخابرات به استثنای شبکه‌های مادر

مخابراتی، امور واگذاری فرکانس و شبکه‌های اصلی تجزیه و مبادلات و مدیریت توزیع خدمات پایه پستی.

۲-۷- راه و راه‌آهن.

۲-۸- هواپیمایی (حمل و نقل هوایی) و کشتیرانی (حمل و نقل

دریایی).

سهام بهینه بخشهای دولتی و غیردولتی در فعالیتهای صدر اصل ۴۴،

با توجه به حفاظ حاکمیت دولت و استقلال کشور و عدالت اجتماعی و رشد و توسعه اقتصادی، طبق قانون تعیین می‌شود.

ب- سیاستهای کلّی بخش تعاونی:

۱- افزایش سهم بخش تعاونی در اقتصاد کشور به ۲۵٪ تا آخر

برنامه پنج ساله پنجم.

۲- اقدام مؤثر دولت در ایجاد تعاونیها برای بیکاران در جهت

اشتغال مولد.

۳- حمایت دولت از تشکیل و توسعه تعاونیها از طریق روشهایی از

جمله تخفیف مالیاتی، ارائه تسهیلات اعتباری حمایتی به وسیله کلیه مؤسسات مالی کشور و پرهیز از هرگونه دریافت اضافی دولت از

تعاونیها نسبت به بخش خصوصی.



- ۴- رفع محدودیت از حضور تعاونیها در تمامی عرصه‌های اقتصادی از جمله بانکداری و بیمه.
- ۵- تشکیل بانک توسعه تعاون با سرمایه دولت با هدف ارتقاء سهم بخش تعاونی در اقتصاد کشور.
- ۶- حمایت دولت از دستیابی تعاونیها به بازار نهایی و اطلاع‌رسانی جامع و عادلانه به این بخش.
- ۷- اعمال نقش حاکمیتی دولت در قالب امور سیاستگذاری و نظارت بر اجرای قوانین موضوعه و پرهیز از مداخله در امور اجرایی و مدیریتی تعاونیها.
- ۸- توسعه آموزشهای فنی و حرفه‌ای و سایر حمایت‌های لازم به منظور افزایش کارآمدی و توانمندسازی تعاونیها.
- ۹- انعطاف و تنوع در شیوه‌های افزایش سرمایه و توزیع سهام در بخش تعاونی و اتخاذ تدابیر لازم به نحوی که علاوه بر تعاونیهای متعارف امکان تأسیس تعاونیهای جدید در قالب شرکت سهامی عام با محدودیت مالکیت هر یک از سهامداران به سقف معینی که حدود آن را قانون تعیین می‌کند، فراهم شود.
- ۱۰- حمایت دولت از تعاونیها متناسب با تعداد اعضا.
- ۱۱- تأسیس تعاونیهای فراگیر ملی برای تحت پوشش قرار دادن سه دهک اول جامعه به منظور فقرزدایی.
- ج- سیاستهای کلی توسعه بخشهای غیردولتی از طریق واگذاری فعالیتها و بنگاههای دولتی:
- (سیاستهای کلی این بند متعاقباً تعیین و ابلاغ خواهد شد).
- د- سیاستهای کلی واگذاری:



۱- الزامات و واگذاری:

۱-۱- توانمندسازی بخشهای خصوصی و تعاونی بر ایفای فعالیتهای گسترده و اداره بنگاههای اقتصادی بزرگ.

۱-۲- نظارت و پشتیبانی مراجع ذی ربط بعد از واگذاری برای تحقق اهداف و واگذاری.

۳-۱- استفاده از روشهای معتبر و سالم و واگذاری با تأکید بر بورس، تقویت تشکیلات و واگذاری، برقراری جریان شفاف اطلاع رسانی، ایجاد فرصتهای برابر برای همه، بهره گیری از عرصه تدریجی سهام شرکتهای بزرگ در بورس به منظور دستیابی به قیمت پایه سهام.

۴-۱- ذی نفع نبودن دست اندرکاران و واگذاری و تصمیم گیرندگان به قیمت پایه سهام.

۵-۱- رعایت سیاستهای کلی بخش تعاونی در واگذاریها.

۲- مصارف درآمدهای حاصل از واگذاری:

وجوه حاصل از واگذاری سهام بنگاههای دولتی به حساب خاصی نزد خزانه داری کل کشور واریز و در قالب برنامه ها و بودجه های مصوب به ترتیب زیر مصرف می شود:

۲-۱- ایجاد خوداتکایی برای خانواده های مستضعف و محروم و تقویت تأمین اجتماعی.

۲-۲- اختصاص ۳۰٪ از درآمدهای حاصل از واگذاری به تعاونیهای فراگیر ملی به منظور فقرزدایی.

۲-۳- ایجاد زیربنای اقتصادی با اولویت مناطق کمتر توسعه یافته.



۲-۴- اعطای تسهیلات (وجوه اداره شده) برای تقویت تعاونیها و نوسازی و بهینه‌سازی بنگاههای اقتصادی غیردولتی با اولویت بنگاههای واگذار شده و نیز برای سرمایه‌گذاری بخشهای غیردولتی در توسعه مناطق کمتر توسعه یافته.

۲-۵- مشارکت شرکتهای دولتی با بخشهای غیردولتی تا سقف ۴۹٪ به منظور توسعه اقتصادی مناطق کمتر توسعه یافته.

۲-۶- تکمیل طرحهای نیمه تمام شرکتهای دولتی با رعایت بند الف این سیاستها.

۵- سیاستهای کلی اعمال حاکمیت و پرهیز از انحصار:

۱- تداوم اعمال حاکمیت عمومی دولت پس از ورود بخشهای غیردولتی از طریق سیاستگذاری و اجرای قوانین و مقررات و نظارت بویژه در مورد اعمال موازین شرعی و قانونی در بانکهای غیردولتی.

۲- جلوگیری از نفوذ و سیطره بیگانگان بر اقتصاد ملی.

۳- جلوگیری از ایجاد انحصار، توسط بنگاههای اقتصادی

غیردولتی از طریق تنظیم و تصویب قوانین و مقررات. (۱)

۳- سیاستهای کلی اصلاح الگوی مصرف

بسم الله الرحمن الرحيم

سیاستهای کلی اصلاح الگوی مصرف

۱- اصلاح فرهنگ مصرف فردی، اجتماعی و سازمانی، ترویج فرهنگ صرفه‌جویی و قناعت و مقابله با اسراف، تبذیر، تجمل‌گرایی و مصرف کالای خارجی با استفاده از ظرفیتهای فرهنگی، آموزشی و



هنری و رسانه‌ها بویژه رسانه ملی.

۲- آموزش همگانی الگوی مصرف مطلوب.

۳- توسعه و ترویج فرهنگ بهره‌وری با ارائه و تشویق الگوهای موفق در این زمینه و با تأکید بر شاخصهای کارآمدی، مسؤولیت‌پذیری، انضباط و رضایت‌مندی.

۴- آموزش اصول و روشهای بهینه‌سازی مصرف در کلیه پایه‌های آموزش عمومی و آموزشهای تخصصی دانشگاهی.

۵- پیشگامی دولت، شرکتهای دولتی و نهادهای عمومی در رعایت الگوی مصرف.

۶- مقابله با ترویج فرهنگ مصرف‌گرایی و ابراز حساسیت عملی نسبت به محصولات و مظاهر فرهنگ مروج اسراف و تجمل‌گرایی.

۷- صرفه‌جویی در مصرف انرژی با اعمال مجموعه‌ای متعادل از اقدامات قیمتی و غیرقیمتی به منظور کاهش مستمر «شاخص شدت انرژی» کشور به حداقل دو سوم میزان کنونی تا پایان برنامه پنجم توسعه و به حداقل یک دوم میزان کنونی تا پایان برنامه ششم توسعه با تأکید بر سیاستهای زیر:

- اولویت دادن به افزایش بهره‌وری در تولید، انتقال و مصرف انرژی در ایجاد ظرفیتهای جدید تولید انرژی.

- انجام مطالعات جامع و یکپارچه سامانه انرژی کشور به منظور بهینه‌سازی عرضه و مصرف انرژی.

- تدوین برنامه ملی بهره‌وری انرژی و اعمال سیاستهای تشویقی نظیر حمایت مالی و فراهم کردن تسهیلات بانکی برای اجرای طرحهای بهینه‌سازی مصرف و عرضه انرژی و شکل‌گیری نهادهای



مردمی و خصوصی برای ارتقاء کارایی انرژی.

- پایش شاخصهای کلان انرژی با ساز و کار مناسب.

- بازرگری و تصویب قوانین و مقررات مربوط به عرضه و مصرف انرژی، تدوین و اعمال استانداردهای اجباری ملی برای تولید و واردات کلیه وسایل و تجهیزات انرژی بر و تقویت نظام نظارت بر حسن اجرای آنها و الزام تولید کنندگان به اصلاح فرآیندهای تولیدی انرژی بر.

- اصلاح و تقویت ساختار حمل و نقل عمومی با تأکید بر راه آهن درون شهری و برون شهری به منظور فراهم کردن امکان استفاده سهل و ارزان از وسایل حمل و نقل عمومی.

- افزایش بازدهی نیروگاهها، متنوع سازی منابع تولید برق و افزایش سهم انرژیهای تجدیدپذیر و نوین.

- گسترش تولید برق از نیروگاههای تولید پراکنده، کوچک مقیاس و پربازده برق و تولید همزمان برق و حرارت.

- بهبود روشهای انتقال حاملهای انرژی از جمله حداکثرسازی انتقال فرآوردههای نفتی از طریق خط لوله و راه آهن.

۸- ارتقاء بهره‌وری و نهادینه شدن مصرف بهینه آب در تمام بخشها بویژه بخش کشاورزی در چارچوب سیاستهای زیر:

- طراحی، تدوین و اجرای سند ملی الگوی مصرف آب در بخشهای مختلف و بهنگام سازی آن.

- اعمال سیاستهای تشویقی و حمایتی از طرحهای بهینه سازی استحصال، نگهداری و مصرف آب.

- تدوین و اعمال استانداردها و ضوابط لازم برای کاهش ضایعات



آب، پایش کیفیت منابع آب و جلوگیری از آلودگی آبها.
- اصلاح الگوی کشت و اعمال شیوه‌های آبیاری کارآمدتر، ایجاد سامانه‌های بهینه تأمین و توزیع آب شرب و بهینه‌سازی تخصیص و مصرف آب در بخش تولید بر اساس ارزش راهبردی و اقتصادی بیشتر.

- برنامه‌ریزی برای استفاده مجدد و باز چرخانی آب.
- تدوین و اجرای برنامه‌های عملیاتی مناسب برای ایجاد تعادل بین منابع و مصارف آب بویژه در سفره‌های زیرزمینی دارای تراز منفی و اعمال مدیریت خشکسالی و سیل، سازگار با شرایط اقلیمی.
۹- اصلاح الگوی مصرف نان کشور از طریق ارتقاء و بهبود شرایط و کیفیت فرآیندهای «تولید و تبدیل گندم به نان» و «مصرف نان» در چارچوب سیاستهای زیر:

- تمرکز در سیاستگذاری، هدایت و نظارت و تعیین دستگاه متولی تنظیم بازار نان.

- اعمال سیاستهای حمایتی و تشویقی برای ارتقاء سطح بهداشتی مراکز تولید نان و استفاده از نیروی انسانی ماهر و آموزش دیده در فرایند تولید نان.

- حفظ ذخیره استراتژیک گندم.

- تنظیم مبادلات تجاری بازار گندم و آرد با هدف تنظیم بازار داخلی.

- اصلاح ساختار تولید و بهبود فرآیند و توسعه تولید انواع نانهای با کیفیت، بهداشتی و متناسب با ذائقه و فرهنگ مردم از طریق تدوین و اعمال استانداردها و روشهای تجربه شده و اصول صحیح تولید



گندم، آرد و خمیر و پخت نان.

۱۰- ارتقاء بهره‌وری در چارچوب سیاستهای زیر:

- تحوّل رویکرد تحقق درآمد ملی به سمت اتکای هرچه بیشتر به منافع حاصل از کسب و کار جامعه.

- افزایش بهره‌وری با تأکید بر استقرار نظام تسهیم منافع حاصل از بهره‌وری از طریق:

- حداکثرسازی ارزش افزوده و منافع ناشی از سرمایه‌های انسانی، اجتماعی و مادی با تأکید بر اقتصاد دانش پایه.

- استقرار ساز و کارهای انگیزشی در نظام پرداختها در بخش عمومی و بنگاهی.

- استقرار بودجه‌ریزی عملیاتی و بهبود فرآیند تخصیص منابع کشور بر اساس منافع اقتصادی و اجتماعی.

- اصلاح ساختارهای ارزیابی و ارزشیابی، اتخاذ رویکرد نتیجه‌گرا و اجرای حسابرسی عملکرد در دستگاههای دولتی.

- اصلاح قوانین و مقررات، روشها، ابزارها و فرآیندهای اجرایی.

- اولویت توانمندسازی نیروی کار در کلیه برنامه‌های حمایتی. (۱)

۴- سیاستهای کلی نظام در امور «شهرسازی»

۱- مکان‌یابی توسعه شهرها در چارچوب طرح آمایش سرزمینی و بر اساس استعدادهای اقتصادی و با رعایت معیارهای زیست محیطی و مراقبت از منابع آب و خاک کشاورزی، و ایمنی در مقابل سوانح طبیعی و امکان استفاده از زیرساختها و شبکه شهری.



۲- تعیین ابعاد کالبدی شهرها در گسترش افقی و عمودی با تأکید بر هویت ایرانی- اسلامی و با رعایت ملاحظات فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، امنیتی، حقوق همسایگی و امکانات زیربنایی و الزامات زیست محیطی و اقلیمی.

۳- هماهنگ‌سازی مقررات و ایجاد هماهنگی در نظام مدیریت تهیه، تصویب و اجرای طرحهای توسعه و عمران شهری و روستایی.

۴- تأمین منابع پایدار برای توسعه و عمران و مدیریت شهری و روستایی با تأکید بر نظام درآمد- هزینه‌ای و در چارچوب طرحهای مصوب.

۵- حفظ هویت تاریخی در توسعه موزون شهر و روستا با احیاء بافتهای تاریخی و بهسازی یا نوسازی دیگر بافتهای قدیمی.

۶- جلوگیری از گسترش حاشیه‌نشینی در شهرها و ساماندهی بافتهای حاشیه‌ای و نامناسب موجود.

۷- تقویت و کارآمد کردن نظام مهندسی.

۸- ایمن‌سازی و مقاوم‌سازی محیط شهری و روستایی.

۹- رعایت هویت تاریخی و معنوی شهرها در توسعه و بهسازی محیط شهری بویژه شهرهایی از قبیل قم و مشهد.

۱۰- سطح‌بندی شهرهای کشور و جلوگیری از افزایش و گسترش بی‌رویه کلان شهرها.

۱۱- رعایت نیاز و آسایش جانبازان و معلولان در طراحی فضای شهری و امکان عمومی. (۱)



۵- سیاستهای کلی نظام در امور «مسکن»

- ۱- مدیریت زمین برای تأمین مسکن و توسعه شهر و روستا در چارچوب استعداد اراضی و سیاستها و ضوابط شهرسازی و طرحهای توسعه و عمران کشور و ایجاد و توسعه شهرهای جدید.
- ۲- احیای بافتهای فرسوده شهری و روستایی از طریق روشهای کارآمد.
- ۳- برنامه‌ریزی دولت در جهت تأمین مسکن گروههای کم‌درآمد و نیازمند و حمایت از ایجاد و تقویت مؤسسات خیریه و ابتکارهای مردمی برای تأمین مسکن اقشار محروم.
- ۴- برنامه‌ریزی جامع برای بهبود وضعیت مسکن روستایی با اولویت مناطق آسیب‌پذیر از سوانح طبیعی و متناسب با ویژگیهای بومی.
- ۵- ایجاد و اصلاح نظام مالیاتها و ایجاد بانک اطلاعاتی زمین و مسکن.
- ۶- حمایت از تولید طرحهای، انبوه و صنعتی مسکن.
- ۷- اجباری کردن استانداردهای ساخت و ساز مقررات ملی ساختمان و طرحهای صرفه‌جویی انرژی.
- ۸- رعایت ارزشهای فرهنگی و حفظ حرمت و منزلت خانواده در معماری مسکن.
- ۹- تقویت پژوهش و ارتقاء سطح دانش علمی در حوزه مسکن. (۱)



۶- سیاستهای کلی نظام در امور «تشویق سرمایه‌گذاری»

۱- حمایت از مالکیت و کلیه حقوق ناشی از آن از جمله مالکیت معنوی.

۲- تقویت و حمایت از توسعه سرمایه‌گذاری بخش خصوصی و تعاونی در فعالیتهای اقتصادی کشور برابر با سیاستهای ابلاغی اصل ۴۴ قانون اساسی.

۳- تنظیم سیاستهای پولی، مالی و ارزی با هدف دستیابی به ثبات اقتصادی و مهار نوسانات و تقویت تولید ملی.

۴- افزایش بهره‌وری اقتصاد کشور با اصلاحات و اقدامات لازم بویژه اصلاحات ساختاری و مدیریتی و کاهش هزینه‌های مبادله و رفع موانع.

۵- افزایش توان رقابت اقتصادی در داخل و صحنه‌های بین‌المللی از طریق لغو انحصارات غیرضرور و تقویت ساختار رقابتی و زیرساختهای لازم و حمایت از کارآفرینی و ارتقاء خلاقیت و نوآوری.

۶- اصلاح نظام مالیاتی در جهت تقویت سرمایه‌گذاری از طریق ثبات مالیاتها، شفافیت درآمدها، صراحت در مقررات و منطقی کردن معافیتها.

۷- تجهیز پس‌انداز ملی، تقویت نظام پولی و هدایت بازارهای پول و سرمایه در جهت حمایت از سرمایه‌گذاری.

۸- توجه به کسب دانش فنی، دسترسی به بازارهای بین‌المللی، رشد اقتصادی، توسعه اشتغال و ارتقاء مدیریت و بهره‌وری، در جذب سرمایه‌گذاری خارجی، با اولویت سرمایه‌گذاری مستقیم و بلند مدت.



- ۹- تنظیم فعالیت مجاز سرمایه گذاری خارجی در بورس اوراق بهادار به نحوی که ثبات و تعادل بازارهای مالی و ارزی حفظ شود.
- ۱۰- سازماندهی رفتار تقنینی، اداری، قضایی، بازرسی، نظارت، حسابرسی و تخصصی کردن امور در جهت حمایت از سرمایه گذاری و تولید.
- ۱۱- توانمندسازی بخشهای خصوصی و تعاونی بر ایفای فعالیتهای گسترده و اداره بنگاههای اقتصادی بزرگ. (۱)





گفتار چهاردهم

خصوصی سازی و اصل ۴۴

(مفهوم، اهمیت و ضرورت، فواید، آفات، بسترها و
پشتوانه‌ها)

اشاره:

در اصل ۴۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بر وجود بخش خصوصی در اقتصاد تأکید شده است. خصوصی سازی مقوله‌ای است که ضرورت آن از دیر باز در کشور احساس شده است. در سال ۱۳۸۴ با ابلاغ سیاستهای کلی اصل ۴۴ قانون اساسی از جانب رهبر معظم انقلاب اسلامی، گامهای اساسی برای عملیاتی نمودن خصوصی سازی در کشور برداشته شد.

سیاستهای ابلاغی از جانب رهبر انقلاب شامل پنج بند بودند که خلاصه این بندها و سیاستها عبارت است از آزاد شدن دولت از فعالیتهای اقتصادی غیر ضروری، باز شدن راه برای حضور حقیقی سرمایه گذار در عرصه اقتصاد کشور، تکیه بر تعاونیها، پرداختن دولت به آداب و قواعد نقش حاکمیتی، سیاستگذاریهای اجرایی و ایفای نقش حاکمیتی و صرف چگونگی درآمدهای ناشی از واگذاریها و سرانجام الزامات دولت در امر واگذاری. اینها، خلاصه سیاستهای ابلاغی اصل ۴۴ هستند.

خصوصی سازی فواید و آفاتی هم دارد. افزایش بازده اقتصادی کشور و سوق دادن ثروتهای عمومی به سمت اقشار محروم، اشتغالزایی، کمک به پیشرفت کشور و برطرف کردن فقر و محرومیت از جمله مهمترین فواید و آثار مثبت خصوصی سازی به شمار می آیند. در مقابل سوء استفاده از مقوله امنیت اقتصادی و سوء استفاده از قوانین، آفتهایی هستند که بر سر راه خصوصی سازی وجود دارند.

خصوصی سازی بستری هم دارد که به پشتوانه آنها می تواند اجرایی شود. امنیت اقتصادی، مبارزه با فساد و ریشه کنی فساد، تلاش سه قوه، شفاف سازی مقررات و اطلاع رسانی به مردم و معرفی فرصت های سرمایه گذاری، مهمترین بسترها و پشتوانه های خصوصی سازی را تشکیل می دهند.



۱- مفهوم خصوصی سازی

«من باز مفید می دانم در این جا عرض بکنم، مسأله تصدی گری دولت در غیر وظایف حاکمیت است. این از مسائل مهم است. باید حتماً تا آن جایی که می توانید، در غیر وظایف حکومتی و حاکمیتی، از تصدی گری دولت اجتناب کنید؛ بگذارید کار دست مردم باشد. حالا در این مسأله اصل ۴۴- به اصطلاح این مصوبه ای که به عنوان تفسیر و بیان اصل ۴۴ ارائه شد- بند «ج» آن حالا محل بحث و کلام و ابلاغ است- که حالا ایشان اشاره کردند- اما آن بندهای «الف» و «ب» مصوبه ما خیلی مهم است؛ آن جلوگیری از ورود دولت در سرمایه گذاریهای جدید و تصدی گریهای جدید است؛ نه این که دست دولت را بکلی کوتاه کنیم؛ اما یک حدودی در آنها مشخص شده است. به این توجه کنید.» (۱)

۲- اصل ۴۴ قانون اساسی

«نویسندگان قانون اساسی و اصل ۴۴، هم هوشمند بودند، هم منصف؛ به نظر بنده. ما با بیشتر اینها از نزدیک کار کرده بودیم. در محصول کار هم که همین اصل ۴۴، اصل ۴۳ و اینهاست، کاملاً پیداست که اینها هم مردمان هوشمندی بودند، هم مردمان با انصافی بودند. اینها آن چیزی را که از نظرشان به شکل کلی درست هم هست، خط میانه بین اقتصاد سرمایه داری و اقتصاد سوسیالیسم شناخته بودند و این را در قالب آن سه محور اصلی مالکیت، در اصل ۴۴

۱- بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار با رئیس جمهوری و اعضای هیأت دولت، به تاریخ

ریختند. مالکیت‌های اختصاصی دولتی، مالکیت تعاونی، و مالکیت بخش خصوصی؛ اینها را تقسیم‌بندی کردند. بعد، در ذیلش برای این، دو سه تا شرط قرار دادند. یکی از شرطها این است که این تقسیم‌بندی با این مصادیق - که مصادیق را ذکر کردم - باید موجب رشد و توسعه اقتصاد بشود؛ باید مایه زیان نباشد. یعنی اگر یک روزی مسئولان کشور تشخیص دادند که این تقسیم‌بندی، مایه زیان است؛ موجب رشد اقتصادی نیست، این قانون دیگر در آن روز، بدین شکل اعتبار ندارد و به شکلی که منطبق بر مصلحت باشد، انطباق دارد. این، هوشمندی و انصاف آنها را می‌رساند.»(۱)



۳- سیاستهای اصل ۴۴

«دولت و وظائف سنگینی در حوزه‌های راهبردی، در فعالیتهای جدید، سرمایه‌گذاریهای فراوان در زمینه فناوریهای پیشرفته دارد. کارهایی که بخش خصوصی به طور طبیعی انجام نمی‌دهد، اینها را باید دولت انجام بدهد و آینده کشور متوقف به اینهاست؛ مثل همین مسأله هسته‌ای.

از طرفی، عین همین نگرانیها در بخش مربوط به عدالت - مسأله رفع فقر و محرومیت - هم وجود دارد. همین‌طور نگرانیها هست، که قبلاً اشاره کردم. البته امروز شما به تبلیغات خارجیا که نگاه کنید - چه تبلیغات علنی‌شان، چه آنچه که در محاورات سیاسی و دیپلماسی دوجانبه بیان می‌کنند، که شاید این گفتگوها در اختیار بعضی از شماها

۱ - بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار با مسئولان اقتصادی و دست‌اندرکاران اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی، به تاریخ ۱۳۸۵/۱۱/۳۰.

باشد- می بینید می خواهند مسؤولیت این وضع را به گردن دولت کنونی بیندازند. این غلط است؛ این طور نیست، بلکه در طول سالها بتدریج به وجود آمده؛ کسی هم سوءنیت نداشته است. روش، روش، روش درستی نبود و به این جا منتهی شد.

اینها بر روی هم موجب شد که ما مسأله سیاستهای ابلاغی اصل ۴۴ را مدنظر قرار بدهیم. البته از آن وقتی که بنده به مجمع تشخیص مصلحت- سال ۷۸ به نظرم یا ۷۷ بود- گفتم که روی این مسأله کار بکنند، تا سال ۸۳ که آمد و تا سال ۸۴ که ما ابلاغ کردیم، چد سال طول کشید. سیاستهای ابلاغی اصل ۴۴- این پنج بندی که ما در این سیاستها قرار داده ایم- خلاصه اش این است: بند «الف»، بند «ب»، بند «ج»، بند «د»، بند «ه». بعضی از این بندها مثل بند «الف» یا بند «د» به دو بخش تقسیم می شود. خلاصه این سیاستها عبارت است از آزاد شدن دولت از فعالیتهای اقتصادی غیر ضرور، باز شدن راه برای حضور حقیقی سرمایه گذار در عرصه اقتصاد کشور، تکیه بر تعاون- شرکتهای تعاونی- و چتر گسترده شرکتهای تعاونی بر روی اقشار ضعیف مردم، پرداختن دولت به آداب و قواعد نقش حاکمیتی، سیاستگذاریهای اجرایی و ایفای نقش حاکمیتی و صرف چگونگی مصرف درآمدهای ناشی از این واگذاری در بخشهایی که ذکر شده، و بعد، الزامات دولت در امر واگذاری. این، خلاصه سیاستهای ابلاغی اصل ۴۴ است.» (۱)

۴- اهمیت و ضرورت خصوصی سازی

۴/۱- زنده و فعال شدن اقتصاد با حضور و پشتیبانی مردم

«امروز، همه امور کشور، به همه مردم در شهرهای دور دست و روستاهای دورافتاده و عشایر و چادرنشینها و مردم شهرهای بزرگ مربوط است. اقتصاد کشور هم به وسیله مردم و با پشتیبانی آنها باید زنده و فعال بشود.» (۱)

۴/۲- اجرای سیاستهای اصل ۴۴؛ زمینه ساز تحول در پیشرفت کشور

«همه اعتراف دارند که سیاستهای اصل ۴۴ اگر اجرائی بشود، یک تحول در پیشرفت کشور- در زمینه های اقتصادی و به تبع او در زمینه های دیگر- به وجود می آید.» (۲)

۴/۳- تحول عظیم اقتصادی در کشور

«این سیاستهای اصل ۴۴ آن روزی که مطرح شد، همه دست اندرکاران اقتصادی و خبرگان مسائل گوناگون مدیریتی کشور اعتراف کردند، اقرار کردند که اگر چنانچه این کار انجام بگیرد، یک تحول عظیم اقتصادی در کشور انجام خواهد گرفت.» (۳)



۱- سخنرانی در دیدار با هیأت نظارت، بازرسان و ناظران شورای نگهبان و هیأت اجرایی انتخابات میان دوره‌یی مجلس و خانواده‌های شهدا، اسراء، مفقودان و جانبازان استانهای فارس و همدان، به تاریخ ۱۳۶۸/۹/۲۲.

۲- دیدار با رئیس جمهور و اعضای هیأت دولت، به تاریخ ۱۳۸۷/۶/۲.

۳- بیانات در دیدار با اعضای هیأت دولت، به تاریخ ۱۳۸۸/۶/۱۸.

۵- فواید خصوصی سازی

۵/۱- افزایش بازده اقتصادی کشور و سوق دادن ثروتهای عمومی به سمت اقشار محروم

«البته این سیاستها این طور که من شرح دادم، واضح است که به معنای چوب حراج زدن بر ثروت دولت نیست؛ به هیچ وجه ما میل نیستیم و اجازه نمی دهیم که ثروتهای دولت که مال مردم است، چوب حراج زده شود و از بین برود؛ نه، این تبدیل این موجودی کم بازده و بی اثر یا کم اثر به یک موجودی پراثر و پیش برنده اقتصاد کشور است و البته در کنار این، سوق دادن ثروتهای عمومی، یعنی بیت المال، به سمت اقشار محروم است.» (۱)

۵/۲- اشتغال زایی، کمک به پیشرفت کشور و برطرف کردن فقر و محرومیت

«این همت مردم است که می تواند کشور را بی نیاز کند. سرمایه گذاریهایی که مردم انجام می دهند در بخشهای مختلف، بسیار ارزشمند است؛ بخصوص در بخشهای تولیدی، و من برای آن مردمی که به کارهای خدمت رسانی به مردم علاقه مندند، این را بهترین عمل، بهترین حسنه و صدقه می دانم که در کارهای تولیدی سرمایه گذاری کنند؛ هم اشتغال ایجاد شود، هم به پیشرفت کشور کمک کند، هم فقر و محرومیت را از بخشهای مهمی از کشور برطرف کند. این آن سیاست عمومی نظام جمهوری اسلامی است: کمک گرفتن از سرمایه

۱ - بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار مسؤولان اقتصادی و دست اندرکاران اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی، به تاریخ ۱۳۸۵/۱۱/۳۰.

مالی، سرمایه فکری، بازوی توانا و کارآمد مردم عزیزمان که کشور مال آنهاست و آینده متعلق به آنهاست.» (۱)

۶- آفات خصوصی سازی

۶/۱- سوءاستفاده از مقوله امنیت اقتصادی

«مبادا کسی خیال کند که ایجاد امنیت اقتصادی، یعنی باز گذاشتن راه برای مفتخورهای اقتصادی، سوءاستفاده چیهایی اقتصادی و زالوهای اقتصادی! امنیت اقتصادی، به معنای این نیست که قوانین و مقررات سالم کشور، ندیده گرفته شود. امنیت اقتصادی یعنی این که انسانها و آحاد مردم این کشور، از هر قشری، بخواهند کار اقتصادی بکنند - چه کار صنعتی، چه کار کشاورزی، چه سرمایه گذاری، چه تجارت - بدانند که کسی مزاحم آنها نخواهد شد؛ اما این معنایش آن نیست که آن کسانی که چه در دوران جنگ و چه در دوران سازندگی، توانستند از پیچ و خمهای اقتصادی استفاده‌های نامشروع بکنند و ثروتهای نامشروع به وجود آورند، این امکان را داشته باشند که بتوانند چنین حرکت نامشروعی را به عنوان امنیت اقتصادی انجام دهند. معنای امنیت اقتصادی، هرهری مسلک بودن در مسأله اقتصاد نیست؛ معنایش میدان دادن به زرنگها و سوءاستفاده چیها و کسانی که منتظرند از هر فرصتی برای پر کردن کیسه خود از راه نامشروع - نه راه مشروع - بهره ببرند، نیست؛ این را توجه داشته باشند. هر نوع سرمایه گذاری که قانون آن را اجازه دهد، بایستی امنیت داشته باشد. تصور هم نشود که تا به حال ناامنی اقتصادی از ناحیه مسؤولان کشور



یا بخشهای قانونی کشور بوده است؛ نخیر، ناامنی اقتصادی هم بیشتر از قبل آدمهای سوء استفاده‌چی بوده است. هر جا که یک سوء استفاده‌چی هست، یک نوع اختلال در کارها هست و یک‌طور ناامنی هم وجود دارد. بنابراین، امنیت اقتصادی هم مسأله مهمی است و ما هم به آن اعتقاد داریم.» (۱)

۶/۲- سوء استفاده از قوانین

«بشر موجود عجیبی است عزیزان من! گاهی عبادت و نماز شب هم می‌شود وسیله نفوذ شیطان، وسیله فریب نفس خود انسانی که دارد نماز شب می‌خواند! همه ایده‌های خوب، همه فکرهای خوب و شریف می‌تواند منفذی بشود برای شیطان. سیاستهای اصل ۴۴ خیلی خوب است، خیلی لازم است و حتماً باید با گسترش تمام اجرا شود؛ اما مراقب باشند مثل آن نماز شب دام شیطان نشود. از این جا هم ممکن است شیطانها نفوذ کنند. بارها گفته‌ام؛ آدمهای سوء استفاده‌چی، قانوندانهای قانون‌شکن، کسانی که بلدند چه جوری سر مأمور و مسؤول و رئیس و مرئوس و آدم کوچه و بازار را بیچانند، برای این که به یک طعمه‌ای دست پیدا کنند؛ اینها کارخانه را بخرند، بعد به بهانه‌های گوناگون کارخانه را زمینگیر کنند، کارگرها را بیکار کنند؛ بعد از ماشین‌آلات فرسوده همان کارخانه، پول فروشش را در بیاورند، از زمین آن کارخانه هم به میلیاردها و آلفا و الوف برسند؛ از این کارها شده است، می‌شود؛ باید همه حواسشان جمع باشد.» (۲)

۱- بیانات در مراسم دیدار با گروه کثیری از سپاهیان و بسیجیان در مشهد، به تاریخ ۱۳۷۸/۶/۱۰.

۲- بیانات در دیدار با کارگران نمونه سراسر کشور، به تاریخ ۱۳۸۹/۲/۸.

۷- بسترها و پشتوانه‌های خصوصی سازی

۷/۱- امنیت اقتصادی

«این روزها بحث امنیت اقتصادی هم مطرح است؛ که حرف درستی هم هست و ما هم آن را تأیید می‌کنیم. ما هم درباره امنیت اقتصادی در این کشور، اعتقاد راسخ داریم که باید طوری باشد که در این کشور، کار اقتصادی، حرکت اقتصادی، تلاش اقتصادی، رونق اقتصادی و سازندگی اقتصادی- از هر نوعش- امکان‌پذیر باشد و کسانی که اراده این کار را دارند، با امنیت بتوانند این کار را انجام دهند.» (۱)



۷/۲- مبارزه با فساد و ریشه‌کنی آن

«معتقدیم که مبارزه با فساد و ریشه‌کنی فساد، بسترساز رقابت سالم اقتصادی است و کمک به همین سیاستهای اصل ۴۴ است که ابلاغ کردیم، البته برای این که فساد در این کار راه پیدا نکند، یک الزاماتی وجود دارد که دولت، مجلس و قوه قضائیه، باید به آنها پایبند باشند، من اجمالاً اشاره خواهم کرد:

باید مقررات را شفاف کنند، راهها را کوتاه کنند، پیچ و خمهای اداری را کم کنند.» (۲)

۷/۳- تلاش سه قوه

«همه در این بخش، وظیفه دارند. علت این که من با دوستان

۱- بیانات در مراسم دیدار با گروه کثیری از سپاهیان و بسیجیان در مشهد، به تاریخ ۱۳۷۸/۶/۱۰.
۲- بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار با مسؤولان اقتصادی و دست‌اندرکاران اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی، به تاریخ ۱۳۸۵/۱۱/۳۰.

خواستم صحبت بکنم، همین بود که همه توجه کنند که در بخشهای خودشان اجرای این کار را تسهیل کنند؛ هم در مجلس قوانین و مقرراتی بایستی تدوین شود یا تغییر پیدا کند، هم در بخشهای مختلف دولت بایست مدیران و مسؤولان به این کار اهتمام بورزند و با جدیت آن را دنبال کنند، و هم در قوه قضائیه، که ما جلسه‌ای که با آقایان داشتیم، از قوه قضائیه خواستیم که دادگاههای تخصصی برای رسیدگی به این مسائل و دفاع از حقوق مالکیت افراد تشکیل بدهند. هم در این زمینه دادگاه تخصصی لازم است، هم در زمینه مسائل مربوط به مفاسد اقتصادی. در هر دو جا بخشهای تخصصی لازم است، هم در زمینه مسائل مربوط به مفاسد اقتصادی. در هر دو جا بخشهای تخصصی و دادگاههای تخصصی لازم است که کسانی باشند که با اهتمام کامل مسأله را دنبال کنند. در بخشهای دولتی هم باید همه جدیت داشته باشند و سرعت عمل. البته «سرعت عمل» که می‌گوییم، مرادمان شتابزدگی نیست؛ سرعت عمل بدون شتابزدگی. یک مقطعی را مشخص کنند و کارها را پیش ببرند و نتایج کارها را به مسؤولان بالاتر گزارش بدهند. ما هم در این جا از چند ماه پیش یک کار گروهی را تشکیل دادیم برای این که در سه قوه موضوع را دنبال کنند. حالا در مجلس هم کمیسونی برای این کار تشکیل شده، در دولت هم مجموعه‌ای برای این کار هست. باید کار را سرعت ببخشند. سرعت بخشیدن به کار منافات ندارد با این که کار شتابزده انجام نگیرد؛ یعنی مطالعات را بکنند و اطرافش را هم درست بسنجند؛ با آدمهای صاحب نظر مشورت بکنند. این یک وظیفه است که همه باید در کار خودشان جدی باشند.



دوم این که همه بخشهای این سیاستها را مدنظر قرار بدهند. این سیاستها از بند «الف» دارد تا بند «ه». پنج بند است.» (۱)

۷/۴- شفاف سازی مقررات

«مقررات را بایستی شفاف کرد که جای توجیه و تبدیل و تعبیر و تأویل نباشد. راههای تقلب بسته بشود، جلوی کسانی که اهل سوءاستفاده از ظواهر قوانین هستند، گرفته شود.» (۲)

۷/۵- اطلاع رسانی به مردم و معرفی فرصتهای سرمایه گذاری

«کار دیگری که لازم است انجام بگیرد، اطلاع رسانی به مردم است. مردم باید در جریان جزئیات کار قرار بگیرند و بدانند که در کجا می توانند فعالیت اقتصادی کنند، کجا می توانند سرمایه گذاری کنند، چه طور می توانند در یک تعاونی وارد شوند. غالب مردم بی اطلاعند. سال گذشته وقتی این سیاستها از تلویزیون اعلام شد و گفته شد، بعضی از خواص شنیدند، خوشبخت شدند؛ خوشحال شدند. اغلب مردم که ما می دیدیم، اصلاً توجه نداشتند که موضوع چیست! باید برای مردم تشریح بشود؛ تبیین بشود؛ بدانند چگونه می توانند از کمک دولت استفاده کنند، بخش خصوصی از چه امتیازاتی می تواند استفاده کند، دولت چه کمکهایی می تواند به او کند؛ چه حمایتهایی می کند، در کجاها می تواند وارد بشوند و سرمایه گذاری کنند.

کار بعدی مسأله تقنین است که اشاره کردیم که حتماً مرکز پژوهشهای مجلس و بخشهای مربوط به این مسأله در مجلس، باید



۱ - بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار با مسؤولان اقتصادی و دست اندرکاران اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی، به تاریخ ۱۳۸۵/۱۱/۳۰.

واقعاً به قوانینی که لازم است، پردازند و اینها را تهیه کنند؛ فراهم کنند و با دولت هم همکاری و همفکری کنند.

و آخرین مطلب هم حمایت کامل قضائی از مالکیت‌های قانونی است.» (۱)

۷/۶- آگاه‌سازی مردم نسبت به روشهای مشارکت مستقیم در امر اقتصاد

«مشارکت مستقیم مردم در امر اقتصاد، لازم است. این نیازمند توانمند شدن است. نیازمند اطلاعات لازم است؛ که اینها را باید مسؤولین در اختیار مردم بگذارند و امیدواریم ان‌شاءالله این روند روزبه‌روز توسعه پیدا کند. البته رسانه‌ها نقش دارند، رادیو و تلویزیون نقش دارند، می‌توانند مردم را آگاه کنند؛ دولت هم باید فعال برخورد کند و بتوانند ان‌شاءالله مسأله اقتصادی را پیش ببرند.» (۲)

۷/۷- اتخاذ سیاست تسهیل سرمایه‌گذاری بخش خصوصی و گسترش تعاونها

«مسأله افزایش سرمایه‌گذاری بخش خصوصی و کمک به بخش خصوصی که بتواند در زمینه مسائل اقتصادی کشور سرمایه‌گذاری کند، از جمله مسائل مهم و اساسی است؛ که یکی از کارهای مهم در این باب، ایجاد تعاونهاست، که به وسیله تعاونها سرمایه‌های بزرگ تشکیل بشود و بتواند در مسائل مهم اقتصادی کشور سرمایه‌گذاری کنند و گره‌های مهم را باز کنند و دولت بتواند این کار را انجام دهد.

۱- بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار با مسؤولان اقتصادی و دست‌اندرکاران اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی، به تاریخ ۱۳۸۵/۱۱/۳۰.

۲- بیانات در حرم مطهر رضوی در آغاز سال نو، به تاریخ ۱۳۹۰/۱/۱.



بایستی زیرساختهای حقوقی و قانونی اش آماده شود. این، یعنی حمایت از شکوفایی کار.»(۱)

۸- دشمنانِ خصوصی سازی

«این را هم من می خواهم جدأً به دوستان عرض بکنم که این کار، یعنی اجرای این سیاستها، مخالفان و دشمنانی دارد. چون دشمنانی دارد، پس تلاش در اجرای این سیاستها یک نوع جهاد است. هر تلاشی که در مقابله با دشمنان باشد، مجاهدت است و در عرف اسلامی اسمش جهاد است؛ اگر با اخلاص و درست انجام بگیرد. دشمنانش چه کسانی هستند؟ بعضی از مخالفان نمی خواهند با اجرایی شدن این سیاستها، کمبودها برطرف شود. اصلاً نمی خواهند نظام اسلامی آن شکوفایی و پیشرفت اقتصادی و رونق اقتصادی را داشته باشد. روی فشار اقتصادی بر کشور برنامه ریزی کرده اند. خارجیا از این قبیل اند. الان ببینید، همین طور مثل یک گرگ گرسنه ای که نشسته و منتظر است که فرصتی پیدا کند و حمله کند، منتظرند بتوانند یک اقدام اقتصادی بکنند، البته از اقدام نظامی و اجتماعی مأیوسند؛ خودشان هم می گویند که باید فشار اقتصادی بیاوریم. می خواهند فشارهای اقتصادی را زیاد کنند. یکی از چیزهایی که می تواند این فشارها را کم کند، یا تأثیرش را بسیار کم کند، همین اجرای این سیاستهاست. آنها مایل نیستند این سیاستها اجرا شود. ممکن است در داخل هم دوستان و طرفدارانی داشته باشند. بعضی - که این دیگر مربوط به داخلیهاست - در وضع کنونی منافی دارند؛ ذی نفع اند و



دلشان نمی خواهد این وضعیت به هم بخورد. از این که اجازه یک مدیر، گردش قلم یک مدیر یا یک مسئول، حالا در هر جا - چه در قوه مجریه، چه در قوه قضائیه، چه در مجلس - توانایی این را داشته باشد که خیلی از این چیزها را جابه جا بکند، این را مغتنم می شمارند و نمی خواهند از بین برود. بنابراین، اینها هم جزء مخالفان هستند.» (۱)



۱ - بینات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار با مسؤولان اقتصادی و دست‌اندرکاران اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی، به تاریخ ۱۳۸۵/۱۱/۳۰.



گفتار پانزدهم

اصلاح الگوی مصرف و هدفمند کردن
یارانه‌ها

(اهمیت، اهداف، الزامات، دستاوردها)

اشاره:

مقوله‌هایی همچون صرفه‌جویی، درست مصرف کردن، عاقلانه مصرف کردن، مدیریت مصرف انرژی، اصلاح الگوی مصرف و... از جمله مهمترین مباحثی هستند که در عرصه اقتصاد مطرح می‌باشند. هدفمند کردن یارانه‌ها، سیاستی است که مکمل و در برگیرنده تمامی این مقوله‌هاست و آثار و برکات و دستاوردهای بسیار و بی‌شماری دارد.

در بسیاری از کشورها هدفمندسازی یارانه یا هدف مدیریت مصرف و ایجاد رشد و پیشرفت اقتصادی انجام شده است و دستاوردهای ارزنده‌ای هم برای کشورهای اجراکننده این سیاست به همراه داشته است.

در کشور ما نیز مدتی است که طرح هدفمند کردن یارانه‌ها به مرحله اجرا درآمده است و سیاستهای مربوط به آن در حال عملیاتی شدن هستند.

هدفمند کردن یارانه‌ها یک قدم بلند برای پیشرفت کشور است. همه صاحب‌نظران اقتصادی معتقدند که هدفمند کردن یارانه‌ها یک کار بسیار لازم و اساسی و مفید است. با هدفمند کردن یارانه‌ها، توزیع عادلانه انجام می‌گیرد چرا که در این طرح یارانه‌ها به نسبت واحدی به اقشار نیازمند و دارای شرایط اختصاص داده می‌شوند.

حمایت بیشتر از قشرهای محروم و طبقات متوسط به پایین جامعه، زمینه‌سازی برای عدالت اجتماعی، توزیع عادلانه یارانه‌ها

و مدیریت مصرف منابع عمومی کشور از جمله اهداف کلان و متعالی‌ای هستند که در این طرح مدنظرند و انتظار می‌رود با اجرای این طرح محقق گردند.

هدفمند کردن یارانه‌ها الزاماتی هم دارد که در صورت رعایت آنها دستیابی به اهداف کلان این سیاست امکان‌پذیر خواهد بود. برخی از الزامات طرح هدفمند کردن یارانه‌ها عبارتند از: پرهیز از عجله و شتابزدگی در اجرای طرح، ملاحظه تبعات طرح و مقابله با تورم احتمالی‌یی که ممکن است در اثر اجرای طرح به وجود آید.



۱- ضرورت و فواید اصلاح الگوی مصرف

۱/۱- مصرف عقلایی و تحت کنترل

«بسیاری از منابع کشور، شاید بشود گفت بخش مهمی از منابع کشور در همه زمینه‌ها - چه در زمینه مسائل شخصی، و چه تا حدودی در زمینه‌های عمومی - صرف اسرافها و زیاده‌رویهای ما در مصرف می‌شود. ما بایستی مصرف کردن را مدبرانه و عاقلانه مدیریت کنیم. مصرف نه فقط از نظر اسلام، بلکه از نظر همه عقلای عالم، چیزی است که باید تحت کنترل عقل قرار بگیرد. با هوی و هوس، با خواهش دل و آنچه که نفس انسان از انسان مطالبه می‌کند، نمی‌شود مصرف را مدیریت کرد. کار به جایی می‌رسد که منابع کشور به هدر می‌رود، شکاف بین فقرا و اغنیاء زیاد می‌شود. عده‌ای در حسرت اولیات زندگی می‌مانند و عده‌ای با ولخرجی و ولنگاری در مصرف، منابع را هرز و هدر می‌دهند.

ما بایستی الگوی مصرف را اصلاح کنیم. ما بایستی به سمت اصلاح الگوی مصرف حرکت کنیم.» (۱)

۱/۲- ضرورت اصلاح الگوی مصرف برای سازندگی کشور

«از همه آن چیزهایی که می‌تواند برای سازندگی کشور در دورانهای آینده مورد استفاده قرار بگیرد، یا زندگی عمومی مردم را رفاه و رونق ببخشد، باید حداکثر استفاده بشود؛ یعنی همان چیزی که یکی از ارکانش اصلاح الگوی مصرف است.» (۲)

۱ - پیام نوروزی رهبر انقلاب به مناسبت آغاز سال ۱۳۸۸، به تاریخ ۱۳۸۷/۱۲/۳۰.

۲ - بیانات در اجتماع زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی، به تاریخ ۱۳۹۰/۱/۱.



۱/۳- اصلاح الگوی مصرف برای جلوگیری از تضییع اموال

«بسیاری از کسانی که سرمایه دارند، پول دارند، درآمدهای کلانی دارند، نمی‌دانند این درآمدها را چگونه باید صرف کنند. این جا هم باز همان اصلاح الگوی مصرف خود را نشان می‌دهد. پول را به جای سرمایه‌گذاری تولیدی، صرف تجملات می‌کنند؛ سفرهای خارجی بیهوده، بی‌ثمر، پر خرج و احياناً فسادآور، بهانه برای تغییر وسائل خانه، وسائل زندگی؛ این چیزها یک حرکت مسرفانه است نسبت به ثروت. می‌شود پول را، درآمد را سرمایه‌گذاری کرد. امروز وسائل این کار فراهم است. با فعال شدن بورس‌هایی که در کشور هست، می‌توان سرمایه‌گذاری کرد. همه می‌توانند آنچه را که دارند، در سرمایه‌گذاریها دخالت بدهند.» (۱)

۲- شاخصهای اصلاح الگوی مصرف

۲/۱- انضباط اقتصادی و مالی

«انضباط اقتصادی و مالی یعنی مقابله با ریخت و پاش، زیاده‌روی و اسراف. ریخت و پاش مالی و زیاده‌روی در خرج کردن و زیاده‌روی در مصرف، به هیچ وجه صفت خوبی نیست. نه اسمش جود و سخاست و نه کرم و بزرگ منشی است. فقط اسمش «بی‌انضباطی اقتصادی و مالی» است. کسانی که بیخود خرج می‌کنند؛ زیادی خرج می‌کنند و زیادی برای خودشان مصرف می‌کنند و رعایت موجودی جامعه را از لحاظ امکانات اقتصادی نمی‌کنند، انسانهایی هستند که از نظر من بی‌انضباط از لحاظ امکانات اقتصادی و مالی هستند. اگر چنین



وضعیتی ادامه پیدا کند، این ملت کارش مشکل خواهد شد. به کسانی که بیخود خرج می‌کنند، اگر بگوییم شما چرا این قدر خرج کردید و چرا این میهمانی بیخود و بی‌جهت را با این همه ریخت و پاش ترتیب دادید؟ می‌گویند داریم و می‌کنیم! آیا این دلیل کافی است که دارم و می‌توانم خرج کنم؟ نه؛ این دلیل به هیچ وجه دلیل قانع‌کننده‌ای نیست. باید به قدر نیاز و حاجت، خرج و مصرف کرد. بخصوص کسانی که اموال عمومی را مصرف می‌کنند. آنها هم مانند کسانی که اموال خودشان را بی‌حساب و کتاب خرج می‌کنند، مخاطب این مطلبند و بناید زیادی مصرف کنند. بعضی افراد، پولدارند و درآمدی ان‌شاءالله از راه حلال دارند- آنها که از راه حرام کسب درآمد کنند که وضعشان بدتر است- اینها هم اگر در خرج کردن و وضع زندگی و تجملات بیهوده و بی‌جا و اعیان منشی، ریخت و پاش و اسراف کنند، بی‌انضباطی مالی و اقتصادی انجام داده‌اند. این کارها اسمش ریخت و پاش است و ریخت و پاش امری نکوهیده و ناپسند است. این کارها زندگی دیگران را از لحاظ روانی مختل می‌کند. شما مثلاً مبالغ زیادی مواد خوراکی در فلان مهمانی معمولی مصرف می‌کنید؛ در حالی که لازم نیست و در کنار شما و در همسایگی شما در یک محل دورتر، ولو در اقصی نقاط کشور، کسانی به این مواد غذایی برای ادامه زندگی خود و فرزندان و عزیزانشان نیاز مبرم دارند. آیا این کار در چنین شرایط کار درستی است؟ پس در اموال شخصی و مالی که از راه حلال هم به دست آمده باشد، ریخت و پاش غلط و خلاف انضباط است. کسانی که اموال دولتی را مصرف می‌کنند، دیگر بیشتر. من از مسؤولین امور می‌خواهم جدا در زمینه مصرف اموال عمومی،



در جاهایی که اولویت ندارد- ولو ممکن است مورد نیاز هم باشد، اما نیاز درجه یک نیست- خودداری کنند. آن جایی که امر دایر است بین نیاز با اولویت و نیاز بی اولویت، خودداری کنید. آن جایی که نیاز نیست و حاجت نیست، حتماً مصرف نشود. آن جایی که حاجت هست، اما حاجت بالاتری نیز هست آن جا هم مصرف نشود و این امکان مالی در حاجت برتر و بالاتر مصرف گردد.»(۱)

۲/۲- قناعت و صرفه جویی و پرهیز از اسراف

«من مردم را به «قناعت» دعوت می کنم؛ قناعت سرفرازانه، قناعت انسان عاقل و خردمندی که می داند آینده خود را با قناعت تأمین می کند و زندگی و روال اقتصادی کشور را تسهیل و به مسئولین کمک می کند که بتوانند تدابیر صحیح را در کار اداره مملکت اعمال کنند.»(۲)

«لازم است به عنوان یک سیاست، ما مسأله صرفه جویی را در خطوط اساسی برنامه ریزیهایمان در سطوح مختلف اعمال کنیم. مردم عزیزمان توجه داشته باشند که صرفه جویی به معنای مصرف نکردن نیست؛ صرفه جویی به معنای درست مصرف کردن، بجای مصرف کردن، ضایع نکردن مال، مصرف را کارآمد و ثمربخش کردن است. اسراف در اموال و در اقتصاد این است که انسان مال را مصرف کند، بدون این که این مصرف اثر و کارایی داشته باشد. مصرف بیهوده و



۱ - پیام نوروزی به مناسبت حلول سال جدید، به تاریخ ۱۳۷۴/۱/۱.

۲ - پیام به ملت شریف ایران، به مناسبت حلول سال نو، به تاریخ ۱۳۷۷/۱/۱.

مصرف هرز، در حقیقت هدر دادن مال است. جامعه ما باید این مطلب را به عنوان یک شعار همیشگی در مقابل داشته باشد؛ چون وضع جامعه ما از لحاظ مصرف، وضع خوبی نیست. این را من عرض می‌کنم؛ ما باید اعتراف کنیم به این مسأله. عاداتهای ما، سنتهای ما، روشهای غلطی که از این و آن یاد گرفته‌ایم، ما را سوق داده است به زیاده‌روی در مصرف به نحو اسراف. یک نسبتی باید در جامعه میان تولید و مصرف وجود داشته باشد؛ یک نسبت شایسته‌ای به سود تولید؛ یعنی جامعه میان تولید و مصرف وجود داشته باشد؛ یک نسبت شایسته‌ای به سود تولید؛ یعنی تولید جامعه همیشه باید بر مصرف جامعه افزایش داشته باشد. جامعه از تولید موجود کشور استفاده کند؛ آنچه که زیادی هست، صرف اعتلای کشور شود. امروز در کشور ما اینجوری نیست. مصرف ما به نسبت، از تولیدمان بیشتر است؛ این، کشور را به عقب می‌رساند؛ این، ضررهای مهم اقتصادی بر ما وارد می‌کند؛ جامعه دچار مشکلات اقتصادی می‌شود. در آیه شریفه قرآن بارها راجع به پرهیز از اسراف در امور اقتصادی تأکید شده؛ این به خاطر همین است. اسراف، هم لطمه اقتصادی می‌زند، هم لطمه فرهنگی می‌زند. وقتی جامعه‌ای دچار بیماری اسراف شد، از لحاظ فرهنگی هم بر روی او تأثیرهای منفی می‌گذارد. بنابراین مسأله صرفه‌جویی و اجتناب از اسراف، فقط یک مسأله اقتصادی نیست؛ هم اقتصادی است، هم اجتماعی است، هم فرهنگی است؛ آینده کشور را تهدید می‌کند.

من یکی دو تا از این آمارهای تکان‌دهنده را عرض بکنم؛ اسراف در قلمهای مهم مصرفی کشور، از جمله اسراف در نان. بر حسب

بررسی میدانی‌ای که در تهران و بعضی از مراکز استانها شده است، گفته می‌شود که ۳۳ درصد نان ضایعات است. یک سوم همه نانی که در این شهرها تولید می‌شود، دور ریخته می‌شود. فکرش را بکنید شما؛ یک سوم! آن وقت کشاورز ما با آن زحمت گندم را تولید کند و اگر یک سالی بارندگی کم بود- مثل سال گذشته که تولید گندم در کشور کم شد- دولت از پول عمومی، از بودجه مردم گندم از خارج وارد کند، این گندم آرد بشود، خمیر بشود، نان بشود، بعد یک سوم از این همه ثروت دور ریخته شود، چقدر تأسف آور است! متأسفانه این واقعیت دارد، این هست.

در مورد آب بررسیهایی که کرده‌اند، می‌گویند تلفات آب در مصرف خانگی تا حدود ۲۲ درصد است. کشور ما کشور پرآبی نیست. حداکثر صرفه جویی را ما مردم ایران در آب باید انجام دهیم. آن وقت این آبی که با این زحمت تولید می‌شود، از راههای دور آورده می‌شود، با بهای سنگین سدهایی به وجود می‌آید؛ این همه دانش، تجربه و تلاش به کار می‌رود تا این آب به خانه ما بیاید؛ بعد در خانه ما ۲۲ درصد از این آب هدر برود! این فقط مصرف خانگی است؛ مصرف کشت و مصرف صنعت هم یک جور دیگر اسرافهایی دارد. آنچه که بر حسب بررسیها به عنوان آمار در اختیار ماست. ما مجموعاً بیش از دو برابر مصرف متوسط جهان در انرژی- چه برق، چه حاملهای انرژی- مصرف می‌کنیم؛ یعنی نفت، گاز، گازوئیل، بنزین. مصرف این چیزها در کشور ما از دو برابر متوسط جهان بیشتر است. خوب، این اسراف است. اسراف نیست؟

شاخصی به نام شاخص شدت انرژی وجود دارد؛ یعنی نسبت بین



انرژی که مصرف می‌شود، با کالایی که تولید می‌شود؛ که هر چه انرژی که مصرف می‌شود، کمتر باشد، برای کشور سودمندتر است. در این زمینه گاهی نسبت به بعضی از کشورهای پیشرفته، مصرف شدت انرژی ما هشت برابر بیشتر است! اینها اسرافهایی است که در جامعه دارد انجام می‌گیرد.

در مصارف گوناگون شخصی و خانوادگی، اسراف فردی صورت می‌گیرد. تجمل‌گراییها، چشم و هم‌چشمیها، هوسرانی افراد خانواده، مرد خانواده، زن خانواده، جوان خانواده، چیزهای غیر لازم خریدن؛ اینها از موارد اسراف است. وسائل تجملات، وسائل آرایش، مبلمان می‌تواند در تولید مصرف شود، سرمایه‌گذاری شود، کشور را پیش ببرد، به فقرا کمک کند، ثروت عمومی کشور را زیاد کند، این را ما صرف می‌کنیم به این چیزهای ناشی شده از هوس، چشم و هم‌چشمی، آبروداریهای خیالی. مسافرت می‌روند، می‌آیند، میهمانی درست می‌کنند - گاهی خرج آن میهمانی، از مسافرت مکه‌ای که رفته‌اند، بیشتر است! - عروسی می‌گیرند، عزا می‌گیرند؛ هزینه‌ای که برای این میهمانیها مصرف می‌کنند، هزینه‌های گزافی است؛ انواع غذاها! چرا؟ چه خبر است؟ در کشور ما هنوز هستند کسانی که از اولیات هم محرومند. باید کمک کنیم کشور پیش برود. نمی‌گوییم پول را بردارید بروید حتماً انفاق کنید - البته اگر انسان انفاق بکند، بهترین کار است - اما حتی اگر انفاق هم نکنند، همین پولی که صرف این تجملات می‌شود، در تولید برای خودشان به کار بیندازند، در کارخانجات سهم شوند و تولید کنند، باز برای کشور مفید است. ما به جای این کارها میهمانی درست می‌کنیم، عزا درست می‌کنیم، می

رخت و بر روزه‌روز دگرگون برای خودمان درست می‌کنیم؛ چرا؟ چه لزومی دارد؟ عقلای عالم این کار را نمی‌کنند؛ این فقط سخن دین نیست. قرآن می‌فرماید: «وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ» (۱)، «كُلُوا وَ اشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا» (۲)؛ بخورید، بیاشامید، اما زیاده‌روی نکنید. در آیه شریفه دیگر: «كُلُوا مِنْ ثَمَرِهِ إِذَا أَثْمَرَ وَآتُوا حَقَّهُ يَوْمَ حَصَادِهِ وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ» (۳).

خداوند اسراف‌کنندگان را دوست نمی‌دارد. ما بندگان خدا هستیم. اینها حرف دین است و روایات فراوانی در این زمینه وجود دارد. در روایت دارد که کسی میوه‌ای را خورد و نیمی از میوه ماند، آن را دور انداخت. امام (علیه‌السلام) به او نهیب زد که اسراف کردی؛ چرا انداختی؟ در روایات ما هست که از دانه خرما استفاده کنید. تا این حد! خرده‌های نان را استفاده کنید. آن وقت در هتلهای میهمانی درست کنند و به یک عده‌ای میهمانی بدهند؛ بعد هرچه که غذا ماند، به بهانه این که بهداشتی نیست، توی سطل آشغال بریزند! این مناسب یک جامعه اسلامی است؟ این جور می‌شود به عدالت رسید؟

باید خودمان را اصلاح کنیم. باید الگوی مصرف جامعه و کشور اصلاح شود. ما الگوی مصرفمان غلط است. چه جوری بخوریم؟ چه بخوریم؟ چه پوشیم؟ تلفن همراه توی جیبمان گذاشته‌ایم؛ به مجرد این که یک مدل بالاتر وارد بازار می‌شود، این را کانه دور می‌اندازیم و آن مدل جدید را باید بخریم؛ چرا؟! این چه هوس‌بازی است که ما به آن دچار هستیم.

۱ و ۲- سورة اعراف: آیه ۳۱.

۳- سورة انعام: آیه ۱۴۱.



مسئولان موظفند. اسراف فقط در زمینه فردی نیست؛ در سطح ملی هم اسراف می‌شود. همین برق و انرژی که گفتیم اسراف می‌شود، بخش مهمی از این اسراف در اختیار مردم نیست؛ در اختیار مسئولین کشور است. این شبکه‌های ارتباطی، شبکه‌های انتقال برق، سیمهای برق، اینها وقتی فرسوده بشود، برق هدر می‌رود. برق را تولید کنیم، بعد با این شبکه فرسوده آن را هدر بدهیم، که بخش مهمی هدر می‌رود. یا شبکه‌های انتقال آب اگر فرسوده باشد، آب هدر می‌رود. اینها اسرافهای ملی است؛ در سطح ملی است؛ مسئولین آن، مسئولین کشورند. اسراف در سطح سازمان هم اتفاق می‌افتد. رؤسای سازمانهای گوناگون مصرف شخصی نمی‌کنند، اما مصرف بی‌رویه در مورد سازمان خودشان اتفاق می‌افتد؛ تجمّلات اداره، اتاق کار، تزئیناتش، سفرهای بیهوده، مبلمانهای گوناگون؛ باید با مراقبت و نظارت از این کارها جلوگیری کرد. هم در سطح دولت، هم در سطح آحاد مردم، هم در سطح سازمانها بایستی نگاه عیبجویانه به اسراف وجود داشته باشد. همان‌طور که عرض کردیم، با حرف هم تمام نمی‌شود؛ باید برنامه‌ریزی کنند. قوه مقننه و قوه مجریه موظفند به پیگیری. برنامه‌ریزی کنند، قانونگذاری کنند، قانون را با قاطعیت تمام اجراء کنند. این پیشرفتی که ما در این ده سال خواهیم داشت، بخش مهمی‌اش مربوط به همین قضیه است.

این صرفه‌جویی که لازم است، از تولید تا مصرف تا بازیافت: آب را صرفه‌جویی کنیم؛ یعنی از سدهایمان صیانت کنیم، شبکه‌های آبرسانی را اصلاح کنیم، آبیاریهای با صرفه در کشاورزی را آموزش بدهیم که چه جوری آبیاری بشود. البته این کارها خوشبختانه در این

سالها به میزان زیادی انجام گرفته، اما این کافی نیست؛ باید توسعه پیدا کند. زمینه‌سازی کنیم برای کاهش مصرف آب خانگی. این که گفته می‌شود از کسانی که مصرف زیاد دارند، مالیات بیشتری گرفته شود، یارانه کمتری به آنها داده شود، حرف بسیار معقولی است، حرف خوبی است. آن کسانی که مصرف کمی دارند، از کمکهای دولتی، از کمکهای عمومی بهره‌مند شوند. بعضیها هستند به قدری کم آب مصرف می‌کنند که اگر دولت از آنها پول آب را هم نگیرد، مانعی ندارد. بعضیها ده برابر آنها، بیست برابر آنها آب مصرف می‌کنند؛ خوب، اینها بایستی هزینه بیشتری بدهند. در امر نان، تولید گندم خوب، تولید آرد خوب، نگهداری درست، پخت خوب، بعد هم مصرف درست؛ همه اینها لازم است. این مسأله اسراف و صرفه‌جویی بود، که لازم بود من عرض کنم.» (۱)

۲/۳- بهره‌وری بیشتر از امکانات و منابع

«استفاده بهینه از امکانات و منابع موجود کشور و بهره‌وری مهم است؛ بهره‌وری بیشتر از آنچه که داریم و آنچه که بسیاری از آنها متأسفانه مورد اسراف و استفاده غلط قرار می‌گیرد.» (۲)

۳- هدفمند کردن یارانه‌ها پشوانه اصلاح الگوی مصرف

۳/۱- هدفمندی یارانه‌ها، یک قدم بلند در پیشرفت کشور

«مسأله هدفمند کردن یارانه‌ها، واقعاً، چیز خیلی مهمی است؛ در

۱- بیانات در اجتماع بزرگ زائران و مجاوران حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام)، به تاریخ

۱۳۸۸/۱/۱.

۲- بیانات در اجتماع زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی، به تاریخ ۱۳۸۹/۱/۱.



دولتهای قبل هم مطرح بوده- بارها صحبت شده بود و گفته شده بود- منتها پیشرفت نمی کرد. یا مشکلاتی که در قضیه بانکها و مالیات و بیمه و گمرک و سایر چیزهایی که در بخشهای مختلف این طرح تحوّل وجود دارد، کارهای بسیار بزرگ و مهمی است؛ حتماً هم باید انجام بگیرد. من قضیه می کنم در این کار حزم به خرج بدهید؛ یعنی مطلقاً نگذارید در این قضیه بزرگ، شتابزدگی به وجود بیاید. این کار، کار مهم و کار بزرگی است؛ اگر ان شاء الله بتوانید این را خوب انجام بدهید، یک قدم بلند برای پیشرفت کشور برداشته اید؛ البته اگر خوب انجام نگیرد، آن وقت خطرها و ضررهایی هم دارد.»(۱)

۳/۲- هدفمندی یارانه‌ها یک کار بسیار لازم، اساسی و مفید

«خوب است ملت عزیز ما بدانند که همه صاحب نظران اقتصادی- چه آن کسانی که از لحاظ دیدگاههای اقتصادی با دولت فعلی موافقت، و چه آن کسانی که دیدگاههای اقتصادی آنها مخالف با نظرات دولت فعلی است- متفقند که هدفمند کردن یارانه‌ها یک کار بسیار لازم، بسیار اساسی و بسیار مفید است. این، جزو آرزوهایی بود که سالهای گذشته از دولتها مطالبه می شد.»(۲)

۳/۳- هدفمندی کردن یارانه‌ها یک گام بلند در جهت ایجاد عدالت اجتماعی

«با هدفمند کردن یارانه‌ها، توزیع عادلانه انجام می گیرد؛ یعنی به همه، به نسبت واحدی می رسد. این، یک گام بلند در جهت ایجاد

۱- دیدار با رئیس جمهوری و اعضای هیأت دولت، به تاریخ ۱۳۸۷/۶/۲.

۲- بیانات در حرم مطهر رضوی در آغاز سال نو، به تاریخ ۱۳۹۰/۱/۱.

عدالت اجتماعی است.» (۱)

«همین هدفمند کردن یارانه‌ها، یک کار بزرگی است. اگر ان شاء الله مسؤولین کشور بتوانند این را خوب اجرا کنند و عمل کنند، این خیلی مهم است. این یارانه‌ای که دولت برای نیروی برق به همه مردم می‌داد، خب، آن کسی که توی خانه چهلچراغ و لوستر روشن می‌کند و مصرف برق بیشتری می‌کند، آن کجا، آن کسی که یک شعله، دو شعله برق توی خانه دارد، این کجا؟ آن کسی که ثروتمند است، بیشتر از این یارانه، استفاده می‌کرد؛ این ظلم بود. می‌خواهند جلوی این ظلم را بگیرند. همین‌طور در قضیه نان، همین‌طور در قضیه بنزین و غیر اینها. ما ایستادیم. نظام بر روی شعار عدالت اجتماعی ایستاد.» (۲)



۳/۴- حمایت بیشتر از قشرهای محروم و طبقات متوسط به پایین جامعه

«نمونه دیگر، همین مسأله هدفمند کردن یارانه‌هاست، که این ناشی از تجربه بلندمدت نخبگان کشور است که در طول این سالها به این نقطه رسیده‌اند که یارانه‌هایی که از کیسه بیت‌المال - یعنی از جیب عموم مردم - بیرون می‌رود و به عموم تعلق می‌گیرد، بیشتر متوجه به قشرهایی بشود که نیاز آنها بیشتر است؛ یعنی قشرهای محروم و طبقات متوسط به پایین جامعه، از بیت‌المال و از کیسه عمومی ملت بیشتر

۱- همان.

۲- خطبه‌های نماز جمعه تهران، به تاریخ ۱۳۸۹/۱۱/۱۵.

برخوردار شوند تا طبقات بسیار مرفه و کسانی که در حقیقت احتیاجی هم به این یارانه‌ها ندارند. رسیدن به این حقیقت و تصمیم و عزم راسخ بر اجرای آن، ناشی از تجربه طولانی مدتی است که در طول این سالها متراکم شده است و به مرحله عمل درآمده است.» (۱)

۳/۵- یارانه، عامل توزیع عادلانه

«اهداف مهم این کار، در درجه اول، توزیع عادلانه یارانه‌هاست. دستگاه مدیریت کشور یارانه‌هایی را بین مردم تقسیم می‌کند. با شکل قبلی، این یارانه‌ها به کسانی که بیشتر پول داشتند، بیشتر مصرف می‌کردند، بیشتر می‌رسید؛ اما به کسانی که کمتر پول داشتند، کمتر مصرف می‌کردند، این یارانه‌ها کمتر می‌رسید. با هدفمند کردن یارانه‌ها، توزیع عادلانه انجام می‌گیرد.» (۲)

۳/۶- مدیریت مصرف منابع عمومی کشور

«یک هدف دیگر، مدیریت مصرف منابع عمومی کشور است؛ از جمله آب، از جمله انرژی، در دو سال قبل از این، ما شعار سال را «اصلاح الگوی مصرف» قرار دادیم؛ صرفه‌جویی، دوری از اسراف. این، یکی از راههایی است که می‌تواند الگوی مصرف را به معنای واقعی کلمه اصلاح کند؛ کما این که تاکنون هم آثاری از آن دیده شده است.» (۳)

۱ - بیانات در اجتماع بزرگ زائران و مجاوران حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام)، به تاریخ ۱۳۸۸/۱/۱.

۲ - بیانات در حرم مطهر رضوی، در آغاز سال نو، به تاریخ ۱۳۹۰/۱/۱.

۳ - همان.



۴- الزامات طرح هدفمند کردن یارانه‌ها

۴/۱- پرهیز از عجله و شتابزدگی در اجرا و ملاحظه تبعات آن

«مراقبت بکنید که هیچ عجله و شتابزدگی نباشد. توقف و ترسیدن از ورود در این میدان را به هیچ وجه توصیه نمی‌کنیم؛ اما نگاه کردن جلوی پا، نگاه کردن به چشم اندازهای دوردست و تبعاتی که ممکن است به وجود بیاید و راه جلوگیری از آن تبعات را توصیه می‌کنم.» (۱)

۴/۲- مقابله با تورم احتمالی اجرای طرح

«فرض کنیم ممکن است یک بخشی از این طرح تحوّل، مثلاً تورم‌زا باشد. خوب، فکر کنید برای مقابله با این تورم چه کار باید بکنید. چه اقدامی باید انجام بدهید که این یا پیش نیاید و تورم ایجاد نشود؛ یا اگر ایجاد می‌شود، کمتر ایجاد بشود تا این کار اقتصادی و این جراحی بزرگ، بخوبی و به سلامت انجام بگیرد. خوب، در کشور ما واقعاً مسأله تورم، مسأله‌ای است. یعنی شما این همه خدمت کرده‌اید و این همه زحمت کشیده‌اید که بایستی در وضع زندگی مردم اثرات خودش را بگذارد. الآن هم تورم هست - البته همین طور که اشاره کردند، تورم جهانی هم هست - منتها بخشی از آن مربوط به تورم جهانی است، بخشی از آن مسلم مربوط به خشکسالی است، بخشی از آن مربوط به سرمای سخت زمستان گذشته است، اما بخشی از آن هم احتمالاً چیزهای قابل اجتنابی است. پس بایستی عوامل قابل اجتناب را



شناسایی و از آنها اجتناب کنید.» (۱)

۵- دستاوردهای نظام در عرصه اجرای هدفمند کردن یارانه‌ها

«در همین چند ماهی که هدفمندی یارانه‌ها دارد اجرا می‌شود، مصرف انرژی پایین آمده است؛ که این به نفع کشور است. اسراف در نان و دور ریختن نان و ضایع شدن گندم - که نعمت بزرگ خداست و با چه زحمتی به دست می‌آید - کم شده است، مصرفها تعادل پیدا کرده است. این از جمله فوایدی است که تاکنون حاصل شده و البته فواید بسیاری ان شاء الله در آینده خواهد داشت. اصلاح ساختار اقتصاد هم از این قبیل است.» (۲)

۱ - همان.

۲ - بیانات در حرم مطهر رضوی در آغاز سال نو، به تاریخ ۱۳۹۰/۱/۱.



گفتار شانزدهم
کار آفرینی و ایجاد اشتغال

(ارزش و اهمیت، آثار و فواید)

اشاره:

کارآفرینی یک عبادت، یک کار باارزش و نوعی ارزش آفرینی است.

کارآفرینی و ایجاد اشتغال هم جنبه اقتصادی بزرگی دارد و هم جنبه انسانی خیلی والایی. از نظر اقتصادی، کارآفرینی تولید محصول به همراه دارد و موجب گردش چرخه های اقتصادی می شود. جنبه انسانی آن نیز از این نظر است که کارآفرینان یک انسانی را که در او استعدادهایی وجود دارد، به کار می گیرند و زمینه بروز و شکوفایی استعدادهایش را به وجود می آورند که این کار از اهمیت شایانی برخوردار است.

ما امروز در مقابل یک فشار جهانی در تمامی عرصه ها و بویژه در عرصه اقتصادی قرار داریم. دشمنان ما می خواهند با فشار اقتصادی و تحریم، سلطه اهریمنی شان را دوباره برقرار کنند. کارآفرینی سلاحی مؤثر در برابر این دسته از توطئه ها محسوب می گردد. با کارآفرینی می توان فشارها را از بین برد و تحریمها را دور زد. کارآفرینی علاوه بر ایجاد کار و تولید ثروت، می تواند اقتصاد مقاومتی به وجود بیاورد و تحریمها را بی اثر نماید.

در عرصه کارآفرینی انتظاراتی وجود دارد که برخی متوجه مسؤولان و برخی دیگر متوجه کارآفرینان است. مسؤولان باید در وهله اول خود را موظف بدانند به ایجاد کار و کارآفرینی و در مرحله بعد از کارآفرینان حمایت نموده و سیاست تشویق کارآفرینان را در پیش بگیرند. از کارآفرینان نیز انتظارات

مختلفی وجود دارد که از جمله مهمترین آنها می‌توان افزایش مرغوبیت و کیفیت تولید داخلی و لحاظ کردن نوآوری و ابتکار و زیبایی در تولیدات کشور را نام برد.



۱- ارزش و اهمیت کارآفرینی و ایجاد اشتغال

۱/۱- جنبه اقتصادی و جنبه انسانی خیلی والای کارآفرین

«همان‌طور که در روایت شریف هست که: «العلم یهتف بالعمل فان اجاب و الا ارتحل»؛ علم، عمل را به دنبال خود فرا می‌خواند، دعوت می‌کند. اگر عمل به دنبال علم آمد، آن وقت علم می‌ماند، باقی می‌ماند- یا شاید بشود گفت توسعه پیدا می‌کند، رشد پیدا می‌کند- اگر عمل به دنبال علم نیامد، علم هم باقی نمی‌ماند. «والا ارتحل»؛ عمل که نبود، علم هم می‌رود. اهمیت عمل را این‌جا می‌شود فهمید؛ اهمیت کار را این‌جا می‌شود فهمید. کار بدون علم، کم‌اثر است؛ علم بدون کار، بی‌اثر است. اهمیت کار این است. خوب، وقتی کار این‌قدر مهم است، پس کارآفرینی هم به همین نسبت حائز اهمیت است. اگر کسی بتواند زمینه کار را فراهم بکند، یک عبادت انجام داده است. نگاه به این کاری که تولید می‌شود، فقط از جنبه این نباشد که ما یک بیکار را دستش را به یک کاری بند می‌کنیم تا یک درآمدی داشته باشد؛ خوب، این که البته خیلی چیز خوبی است، لازم است، بلاشک. یعنی کارآفرینی، ایجاد اشتغال در کشور موجب می‌شود که ثروت تولید بشود؛ همچنانی که سرمایه و سرمایه‌دار، ایجاد کار می‌کند- چه سرمایه مالی، چه سرمایه علمی- کارگر هم ایجاد سرمایه می‌کند، ایجاد ثروت می‌کند. این البته یک جنبه مهمی است در اشتغال، اما اهمیت اشتغال فقط این نیست. یک بعد دیگر اهمیت اشتغال این است که شما یک گنج را دارید استخراج می‌کنی. یک انسانی که در او استعدادهایی وجود دارد، می‌تواند تولید کند، می‌تواند بیافریند، این افتاده بود آن‌جا، شما دست او را به کار بند کردید، این گنجینه درونی



استخراج شد؛ خیلی اهمیت دارد. انسانی که کار ندارد، اشتغال ندارد، یک استعداد پنهان مخفی خداداده را غالباً بدون اختیار خودش راکد گذاشته، وقتی شما این انسان را مشغول کار می کنید، این چشمه که در درون بود و از او استفاده ای نمی شد، تشنه ای از او سیراب نمی شد، این چشمه را شما به جریان می اندازید. پس اشتغال و اشتغال آفرینی، هم جنبه اقتصادی بزرگی دارد، هم جنبه انسانی خیلی والا ای دارد.» (۱)

«کار آفرینی یک عبادت است؛ یک کار با ارزش است؛ یک ارزش آفرینی است.» (۲)

۱/۲- اهمیت ویژه کار آفرینی در شرایط کنونی جمهوری اسلامی

«کار فی نفسه مهم است؛ اما امروز به دو دلیل اساسی کار و کار آفرینی مهمتر از همیشه است. اینی که گفتند کار در اسلام مهم است، خوب این همه روایات فراوانی از ائمه علیهم السلام در اهمیت کار، در فضیلت کار وارد شده که این کارهایی که شما ذکر کردند، نمونه هایی از همین چیزی است که مورد فضیلت است، که حالا من این روایت را این جا یادداشت کردم: «من يعمل یزدد قوه و من بقصر فی العمل یزدد فتره»؛ کار که بکنید، نیروی کار هم افزایش پیدا می کند. خاصیت کار، کاهش نیست، افزایش است؛ افزایش خود نیروی کار، نه محصول کار. خوب، محصول کار که معلوم است افزایش پیدا می کند- وقتی کار کردید، کار یک محصولی دارد- اما



۱- بیانات در دیدار با جمعی از کارآفرینان سراسر کشور، به تاریخ ۱۳۸۹/۶/۱۶.

۲- همان.

در این روایت، امیرالمؤمنین علیه‌السلام می‌فرماید که وقتی کار کردید، قدرت کار و نیروی کار هم افزایش پیدا می‌کند. «و من بقصر فی العمل»، کسی که در کار کردن کوتاهی کند، تقصیر بکند، «یزدد فتره» یا «فتری»، فتور و سستی او افزایش پیدا می‌کند. این مال شخص فقط نیست؛ این «مَن» که فرمود: «من يعمل»، معنایش فقط این نیست که هر کسی این کار را بکند؛ خب، این روی اشخاص نیست، روی جوامع هم هست: هر ملتی، هر جامعه‌ای. هر چه کار بکنید، نیروی کارتان بیشتر می‌شود. هر چه تحرک انسان داشته باشد، نشاط حرکتش بیشتر می‌شود. این خب، مال کار است که در اسلام درباره کار این همه حرف هست، که از جمله حالا این روایت را من این‌جا خواندم. لکن امروز گفتیم به دو دلیل کار و طبعاً کارآفرینی اهمیت بیشتری دارد.»(۱)

۱/۳- آمادگی کشور برای جهش در پیشرفت

«دلیل اولش این است که ما در یک برهه‌ای هستیم که آماده جهشیم؛ ما امروز آماده جهش در پیشرفتیم. مسأله ما امروز فقط مسأله حرکت به جلو نیست. شرایط کشور به گونه‌ای شده که این ملت می‌تواند یک حرکت عظیم، یک جهش در پیشرفت برای خودش به وجود بیاورد. چرا؟ اولاً زیرساختهای زیادی آماده شده؛ علم در کشور بالا رفته؛ مدیریتهای قوی به وجود آمده است. یکی از مشکلات ما در گذشته‌ها، نبودن مدیریتهای قوی و سالم در کشورمان بوده. امروز ما تجربه یک مدیریت انقلابی قوی سی ساله داریم. پس این یک

زیرساخت است. زمینه‌های کار فراهم شده است؛ امید به پیشرفت زیاد شده است. وقتی می‌آیند می‌گویند ما دارویی را در کشور ساختیم که همه دنیا به آن احتیاج دارند، همه دنیا هم به آن مبتلا هستند، هیچ کدام از مراکز علمی دنیا هم هنوز آن دارو را نتوانستند بسازند، ما توانستیم بسازیم، این خوب، امید می‌دهد به جوان ما. وقتی که ملت مشاهده می‌کند که ما بدون این که یک کشور پشتیبانی داشته باشیم، توانسته‌ایم از درون خودمان دانش هسته‌ای را رشد بدهیم، فوران بدهیم، به پیشرفت برسانیم، خوب جوان امیدوار می‌شود.

در دنیا چند تا از کشورهای دارنده دانش هسته‌ای این را به طور بومی توانسته‌اند در خودشان به وجود بیاورند؟ بسیار کم. هستند، اما بسیار بسیار نادر؛ از دیگران گرفته‌اند. بسیاری از همینهایی که الان - ما این را اطلاع داریم، بنده می‌دانم؛ از روی اطلاع دارم عرض می‌کنم - دانش هسته‌ای دارند، کشورهای پشتیبان به آنها بسته دانش را اهداء کردند؛ روی دلائل ایدئولوژیکی و سیاسی و بقیه چیزها. ما نه؛ ما توانستیم خودمان این کار را انجام بدهیم. همان‌طور که گزارش دادند، کارهای بزرگی در این زمینه انجام گرفته. در زمینه سلولهای بنیادی، جوانهای ما توانستند با پیگیری، با پشتکار، با فراگیری، کارهای بزرگی را انجام بدهند. خوب، اینها خیلی امیدبخش است.

پس امروز ما تجربه‌مان بیشتر است، امیدمان بیشتر است، زیرساختهایمان زیادتر است، و فصل توانایی و فصل جهش فرا رسیده. ملت خود را شناخته؛ جوان خود را شناخته؛ ضریب بالای هوشی کشور شناخته شده است؛ پس فصل جهش است. وقتی فصل جهش است، پس کار اهمیت مضاعف پیدا می‌کند؛ کارآفرینی هم به همین



نسبت اهمیت مضاعف پیدا می‌کند. این یک دلیل» (۱)

۱/۴- وجود فشارهای جهانی

«دلیل دوم ما که امروز کار برامان مهم است، کارآفرینی مهم است، این است که ما امروز در مقابل یک فشار جهانی قرار داریم. دشمنی وجود دارد در دنیا که می‌خواهد با فشار اقتصادی و با تحریم و با این کارهایی که شماها می‌دانید، سلطه اهریمنی خودش را برگرداند به این کشور، هدف این است.» (۲)

۲- آثار و فواید کارآفرینی و ایجاد اشتغال

۲/۱- ایجاد کار و تولید ثروت

«ایجاد اشتغال در کشور موجب می‌شود که ثروت تولید بشود؛ همچنانی که سرمایه و سرمایه‌دار، ایجاد کار می‌کند- چه سرمایه مالی، چه سرمایه علمی- کارگر هم ایجاد سرمایه می‌کند، ایجاد ثروت می‌کند.» (۳)

۲/۲- ایجاد اقتصاد مقاومتی و بی‌اثر کردن تحریمها

«تحریم برای این است که ملت ایران به ستوه بیاید، بگوید آقا ما به خاطر دولت جمهوری اسلامی داریم زیر فشار تحریم قرار می‌گیریم؛ رابطه ملت با نظام جمهوری اسلامی قطع بشود. هدف اصلاً این است. البته ملت ما را نمی‌شناسند؛ مثل همه موارد دیگر محاسبات‌شان غلط اندر غلط است. از نظر نظام سلطه، گناه بزرگ ملت ایران این است

۱- بیانات در دیدار جمعی از کارآفرینان سراسر کشور، به تاریخ ۱۳۸۹/۶/۱۶.

۲- همان.

۳- بیانات در دیدار با جمعی از کارآفرینان سراسر کشور، به تاریخ ۱۳۸۹/۶/۱۶.



که خودش را از زیر بار سلطه آزاد کرده. می‌خواهند مجازات کنند به خاطر این گناه، که چرا خودت را از زیر بار سلطه، ای ملت! آزاد کرده‌ای. این ملت راه را پیدا کرده. اصلاً محاسبات‌شان اشتباه است؛ نمی‌فهمند چه کار باید بکنند و چه کار دارند می‌کنند. خب، اما فشار می‌آورند؛ فشار اقتصادی از راه تحریمها.

ما باید یک اقتصاد مقاومتی واقعی در کشور به وجود بیاوریم. امروز کارآفرینی معنایش این است. دوستان درست گفتند که ما تحریمها را دور می‌زنیم؛ بنده هم یقین دارم. ملت ایران و مسئولین کشور تحریمها را دور می‌زنند، تحریم کنندگان را ناکام می‌کنند.» (۱)

۳- انتظارات از مسؤولان در زمینه کارآفرینی

۳/۱- تشویق کارآفرینان

«رونق دادن به اشتغال و تشویق کارآفرینان و ایجاد بنگاه‌های کاری هم یکی از این کارهای لازم است.» (۲)

۳/۲- ایجاد کار و تولید و کارآفرینی

«همه مسؤولان و دلسوزان کشور که خود را موظف بدانند، مکلف بدانند به ایجاد کار، به تولید، به کارآفرینی، به پر رونق کردن روزافزون این کارگاه عظیم؛ که کشور ایران حقیقتاً امروز یک کارگاه عظیمی است.» (۳)



۱- همان.

۲- بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار با گروه کثیری از کارگران و کارآفرینان، به تاریخ ۱۳۸۷/۲/۴.

۳- بیانات در دیدار با جمعی از کارآفرینان سراسر کشور، به تاریخ ۱۳۸۹/۶/۱۶.

۴- انتظارات از کارآفرینان

۴/۱- افزایش مرغوبیت و کیفیت تولید داخلی

«یک نکته اساسی ای که در باب کار وجود دارد و کارآفرینان باید به او توجه کنند، مسأله مرغوبیت تولید داخلی است؛ کیفیت تولید داخلی است؛ این خیلی مهم است. البته بخشی از این، ارتباط پیدا می کند به همان قضایای مالی و نمی دانم مقررات و غیرذلک، و پشتیبانیهای دولت؛ اما بخشی هم ارتباط پیدا می کند به عزم و اراده مسؤولین کارآفرین و کننده کار. فرمود: «رحم الله امرا عمل عملا فاتقنه»؛ رحمت خدا بر آن انسانی که کاری را انجام بدهد و آن را متقن انجام بدهد، درست انجام بدهد. این آینده نگری است، غیر از امروز. شما امروز ببینید در دنیا کمپانیهایی هستند صد سال است اینها دارند کار می کنند، صد و پنجاه سال است دارند کار می کنند و محصولاتشان در دنیا فروش می رود. اسم اینها کافی است که جنس را تو بازار رائج کند؛ به خاطر این که درست کار کردند، خوب کار کردند، مشتری مطمئن است به اینها. شما می گوئید که ما سفارش کنیم به مردم که تولیدات داخلی را مصرف کنند. من که خب چند سال است دارم سفارش می کنم؛ بنده که بارها گفته ام، منتها این با شعار درست نمی شود. خب، بله یک مقداری مردم حالا یک اعتمادی بکنند، یک اعتنایی بکنند به حرف ما، به خاطری که مثلاً ما گفتیم، بروند یک مقداری چه کنند؛ این یک بخشی از قضیه است. یک بخش دیگر هم مربوط به کیفیت است. خب کیفیت را باید بالا برد؛ کیفیتها را باید بالا برد. بله، من مسأله واردات را که چند نفر از دوستان گفتند، بنده به آن عقیده دارم. در جلسه مسؤولین، در همین جا اوائل

ماه رمضان اعلام کردم، گفتم؛ هم به مجلس، هم به دولت که به مسئله واردات پردازد؛ حالا هم از وزیر محترم بازرگانی تو راه سؤال کردم، ایشان اطلاع دادند که کارهای خوبی در این زمینه دارد انجام می‌گیرد؛ بله راست است. مسئله واردات بی‌رویه و بی‌منطق ضرر بزرگی است، خطر بزرگی است؛ مردم هم باید این را بدانند. وقتی یک محصول خارجی را ما داریم مصرف می‌کنیم، در واقع داریم یک کارگر خودمان را بی‌کار می‌کنیم، یک کارگر دیگر را داریم به کار وادار می‌کنیم؛ این هست، متنها مسئله مرغوبیت و کیفیت خیلی مهم است؛ و استحکام؛ اینها خیلی مهم است. اگر چنانچه جنس داخلی، تولید داخلی، این خصوصیات را داشته باشد، به طور طبیعی تمایل پیدا می‌شود.» (۱)

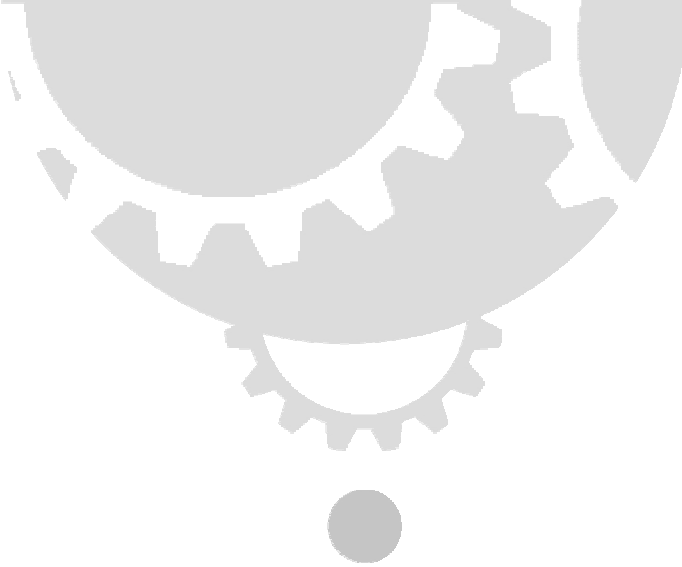
۴/۲- لحاظ کردن نوآوری و ابتکار و زیبایی در تولیدات کشور

«یک نکته دیگر هم مسئله نوآوری و ابتکار و زیبایی است در تولیدات کشور، از جمله چیزهایی که باید مورد توجه قرار بگیرد، نوآوری کردن در همه تولیدات به صورت پی‌درپی و لحاظ حس، یعنی اشباع حس زیبایی‌شناسی در مصرف‌کننده است. این یکی از مسائل قابل توجه هست که بایستی به آن اهمیت بدهیم.» (۲)



۱ - بیانات در دیدار با جمعی از کارآفرینان سراسر کشور، به تاریخ ۱۳۸۹/۶/۱۶.

۲ - همان.



گفتار هفدهم

معیشت

(ضرورتِ رسیدگی به معیشت مردم، فوایدِ رسیدگی به
معیشت، موانعِ رسیدگی به معیشت، راهکارهای بهبود
معیشت)

اشاره:

رسیدگی به معیشت مردم، رفع مشکلات معیشتی و بهبود وضعیت معیشتی از جمله مهمترین مقوله‌هایی هستند که در هر نوع حکومتی مطرح می‌باشند. تفاوت توجه جمهوری اسلامی به این مقوله‌ها با سایر نظامهای مادی در آن است که در جمهوری اسلامی ساده‌زیستی مسؤولان و مردمی بودنشان یک اصل دینی و اساسی و پذیرفته شده است. لذا مسؤولان از مردم هستند و در میان مردم رفت و آمد دارند و با مشکلات و نابسامانیهای معیشتی‌شان از نزدیک آشنا هستند و در جهت رفع این مشکلات و بهبود معیشت مردم تلاش می‌کنند. در نظامهای مادی، چون مادیات اصل هستند ارزشهای معنوی همچون مردمی بودن و ساده‌زیستی و خدمتگزاری اصل محسوب نمی‌شوند و مسؤولان وقتی روی کار می‌آیند اغلب در منازل رویایی و اشرافی سکونت می‌گزینند و بهره‌روی هر چه بیشتر از مقام و شهرت و ثروت را رویه‌شان قرار می‌دهند.

به دلیل اصل نبودن عدالت اقتصادی و رفع تبعیض در نظامهای مادی، هرگاه هم که صحبت از رفع مشکلات معیشتی مردم می‌شود اغلب شعارهایی صوری و اغواکننده داده می‌شود و هرگز بهبود معیشت مردم به صورت واقعی و عادلانه و همه‌جانبه در دستور کار قرار نمی‌گیرد.

اما در نظام جمهوری اسلامی مسأله معیشت در اولویت قرار دارد و باز کردن گره‌های معیشتی و اداره معیشت مردم و بهبود

آن، از جمله مهمترین انتظارات از مسؤولان به شمار می‌رود. البته مسؤولان باید به ارتقای دین و اخلاق و فرهنگ در کنار توجه به معیشت پردازند و بهبود معیشت را زمینه‌ساز ارتقای ارزشها قرار دهند.

رسیدگی به معیشت و حل مشکلات معیشتی امری دشوار است و موانع بزرگی هم بر سر راه آن وجود دارد که از جمله مهمترین آنها می‌توان تلاش دشمن برای جلوگیری از حل شدن مشکلات معیشتی مردم، اشتباه در شناخت مشکلات مردم و جایگزین کردن شعارهای سیاسی جنجالی بی‌محتوا به جای مشکلات اصلی و... را ذکر کرد.

برای از میان برداشتن این موانع و حل مشکلات معیشتی لوازم و راهکارهای مؤثری وجود دارند که با استفاده از آنها می‌توان در جهت بهبود وضعیت معیشتی مردم تلاش نمود. عمده‌ترین این لوازم و راهکارها عبارتند از: مبارزه با فقر و فساد و تبعیض، ابتکار و پشتکار، نوآوری، همکاری دستگاهها و تلاش همه‌جانبه، اصلاح مبانی اقتصاد کشور، امنیت و هماهنگی و هم‌افزایی دستگاهها.



۱- ضرورت رسیدگی به معیشت مردم و بهبود وضعیت معیشتی

۱/۱- مسأله معیشت، در اولویت اول

«مسأله معیشت قطعاً در اولویت اول است. معیشت که نبود، دین هم نیست؛ اخلاق هم نیست؛ حفظ عصمت و عفت هم نیست؛ امید هم نیست.» (۱)

«این که بنده تأکید می‌کنم مسأله معیشت اولویت دارد، یک بخش عمده‌اش به خاطر این است؛ چون بخش معیشت، بخش مشکلی است.» (۲)

۱/۲- مسأله معیشت، فوری‌ترین نیاز کشور

«به اعتقاد من امروز فوری‌ترین کار این است که به مسائل اقتصادی و مسأله معیشت و در رأس همه مسأله اشتغال، به جدیت پرداخته شود.» (۳)

۱/۳- گره‌گشایی از امور معیشت مردم، از مصادیق مبارزه با دشمن

«امروز امریکا صلاحیت ندارد راجع به مردم‌سالاری حرف بزند. دولت امریکا صلاحیت ندارد راجع به اصلاح کشورها سخنی بر زبان جاری کند؛ خود آنها کانون فسادند. امروز بزرگترین مبارزه با امریکا، کار کردن و تلاش نمودن و مجاهدت برای اصلاح امور کشور است؛

۱- بیانات در دیدار با نمایندگان دوره ششم مجلس شورای اسلامی، به تاریخ ۱۳۷۹/۳/۲۹.

۲- بیانات در دیدار با مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران، به تاریخ ۱۳۷۹/۴/۱۹.

۳- بیانات پس از مراسم تنفیذ حکم ریاست جمهوری آقای سید محمد خاتمی، به تاریخ



امریکاییها این را نمی‌خواهند. مسؤولان دولتی و بخشهای مختلف باید برای ایجاد اشتغال و مبارزه با فساد و باز کردن گره‌های امور معیشت مردم و رونق دادن به اقتصاد کشور، حقیقتاً کار و تلاش کنند. هر کس در این زمینه‌ها مجاهدت و کار کند، بزرگترین مبارزه را با امریکا کرده است؛ چون امریکاییها نمی‌خواهند گره‌های این کشور و این ملت باز شود؛ آنها می‌خواهند این مشکلات بماند.» (۱)

۱/۴- اداره معیشت مردم، جزو وظائف مدیران اسلامی

«اداره معیشت مردم، اداره امور اقتصادی مردم، فراهم کردن وسائل رونق اقتصادی، اینها همه کارهای مثبت و لازم و جزو وظائف فرد مسلمان و مدیران اسلامی است.» (۲)

۲- ضرورت رسیدگی توأمان به معنویات و معیشت مردم

«جامعه اسلامی، زندگی معنوی و مادی را با هم دارد. جامعه اسلامی، هم دین و اخلاق و فرهنگ و معارف مردم را غنی می‌کند، و هم به زندگی مادی و معیشت و کار و تولید و استخراج و اختراع آنها توجه دارد. در یک جامعه اسلامی، همه اینها تأمین شده است. باید دنبال چنین حرکتی برویم.» (۳)



۱- بیانات در دیدار با اعضای ستادهای نماز جمعه سراسر کشور، به تاریخ ۱۳۸۱/۵/۵.

۲- خطبه‌های نماز جمعه تهران در روز هجدهم رمضان ۱۴۲۹، به تاریخ ۱۳۸۷/۶/۳۰.

۳- سخنرانی در دیدار با وزیر، مسؤولان و جمعی از جهادگران جهاد سازندگی، خانواده‌های شهدا، گروهی از عشایر، و جمعی از بازماندگان زمین‌لرزه استانهای گیلان و زنجان، به تاریخ ۱۳۷۰/۳/۲۸.

۳- فواید رسیدگی به معیشت و بهبود وضعیت مردم

۳/۱- تأمین معاش مردم زمینه‌ساز تدبیر مردم

«باید خودتان را سرباز دین بدانید و همت شما این باشد که مردم متدبیر شوند. البته اعتقاد من این است که بخشهای اقتصادی ما اگر می‌خواهند مردم متدبیر شوند، معاش مردم را تأمین کنند؛ چون «من لامعاش له لامعاده». اگر بخشهای اقتصادی دولت، معاش مردم را تأمین کردند، مردم متدبیر خواهند شد.» (۱)

۳/۲- معیشت شایسته و مناسب زمینه‌ساز حرکت به سمت تعالی معنوی

«حیات طیبۀ اسلامی، زندگی‌یی است که در آن، راه رسیدن به معنویت و اهداف و سرمنزل‌های نهایی این راه، از زندگی دنیایی مردم عبور می‌کند. اسلام دنیای مردم را آباد می‌کند؛ منتها آبادی دنیا هدف نهایی نیست. هدف نهایی عبارت است از این که انسانها در زندگی دنیوی از معیشت شایسته و مناسب، از آسودگی و امنیت خاطر، و از آزادی فکر و اندیشه برخوردار باشند و از این طریق به سمت تعالی و فتوح معنوی حرکت کنند. حیات طیبۀ اسلامی شامل دنیا و آخرت-هر دو- است. مسأله این است که زندگی دنیوی- که به سمت اهداف الهی حرکت می‌کند- باید زندگانی حقیقی و راستین عادلانه را برای مردم تأمین کند.» (۲)

۱- بیانات در دیدار با رئیس‌جمهور و اعضای هیأت دولت، به تاریخ ۱۳۸۰/۶/۵.

۲- بیانات در اجتماع بزرگ مردم رفسنجان، به تاریخ ۱۳۸۴/۲/۱۸.

۴- موانع رسیدگی به معیشت و بهبود وضعیت مردم

۴/۱- تلاش دشمن

«به طور خلاصه، دشمنان به چند چیز امید بسته‌اند که هم ملت ایران و هم عناصر سیاسی باید به آن توجه کنند. اولین هدف آنها این است که ملت را نسبت به نظام اسلامی دلسرد و ناامید کنند؛ بیشتر تبلیغات و شایعه‌پراکنی آنها متوجه به این هدف است. نقطه دومی که به آن امید بسته‌اند، این است که بتوانند اعتقادات و ایمان مردم را که موتور حرکت آنها در گذشته‌های سخت بوده است، خاموش کنند و از مردم بگیرند. هدف سوم این است تا آن جایی که می‌توانند، کاری کنند که مشکلات معیشتی مردم - که دستگاه‌های اجرایی و مسؤولان دولتی و غیره تلاش می‌کنند آنها را برطرف کنند - حل نشود. از یک طرف با شایعه‌پراکنی و تبلیغات سوء علیه نظام و انقلاب و امام و ارزش‌های انقلابی، مردم را بدبین و ناامید کنند؛ از طرف دیگر با تلاش‌های گوناگون مانع از اصلاح امور مردم شوند و نگذارند مشکلات مردم برطرف گردد؛ از یک طرف هم هر ضعفی که در کشور وجود داشته باشد - ولو ضعفهایی که مدیران اجرایی و دولتها دارند - آن را به نظام اسلامی نسبت دهند.» (۱)

۴/۲- اشتباه در شناخت مشکلات مردم و جایگزینی شعارهای سیاسی

«مسأله اساسی‌یی که امروز کشور و ملت ما به آن احتیاج دارد، این است که مسؤولان کشور در یک جبهه واحد، تلاش متحد و هماهنگی را برای برطرف کردن مشکلات اقتصادی و معیشتی مردم



شروع کنند. البته گفتن این مطلب به این معنا نیست که این کار شروع نشده است؛ نخیر، مسؤولان دولتی و قوای مختلف تلاش می‌کنند و حقاً زحمت می‌کشند؛ اما باید موانع پیشرفت کارها را شناخت و آنها را از سر راه برداشت.

یکی از مهمترین موانع پیشرفت این است که مسؤولان و نخبگان و قشرهایی که می‌توانند روی ذهنهای دیگران اثر بگذارند، در شناخت مشکلات مردم اشتباه کنند و خواسته‌های مردم را درست نفهمند یا خواسته‌های مردم را به نقاط کم‌ارزش و بی‌ارتباط با زندگی واقعی مردم ربط دهند؛ این چیز بسیار بدی است. باید نخبگان، مسؤولان، برجستگان و کسانی که می‌توانند روی افکار مردم به راحتی اثر بگذارند، به این نکته توجه کنند.

من در روزهای قبل از آمدن به زنجان، دو نظرخواهی را از مردم زنجان مطالعه کردم. یک نظرخواهی را مسؤولان خود استان انجام داده و از مردم پرسیده بودند که اگر فلانی به زنجان بیاید، حرف و خواسته‌ی شما از دولت و مسؤولان چیست و می‌خواهید چه چیزی را به رهبری منتقل کنید؟ یک نظرخواهی هم از مرکز- تهران- انجام گرفت. با این که این نظرخواهیها را دو دستگاه بی‌ارتباط با هم انجام داده بودند، عجیب این است که نتایج آن بسیار به هم نزدیک است و بلکه در عمده‌ترین موارد، یکی است. وقتی از مردم می‌پرسند مشکل اصلی شما چیست، می‌گویند مشکل اصلی بیکاری، گرانی و مشکل معیشتی است. این نشان‌دهنده تشخیص درستی است که در سال گذشته و سال قبل از آن داده شد و به مسؤولان گفته شد که روی موضوع ایجاد اشتغال و برطرف کردن مشکلات معیشتی مردم کار



کنید؛ مردم این را انتظار دارند. البته این مشکل، مخصوص زنجان نیست؛ بلکه در همه نقات دیگر که مردم حرف و نظر خود را درباره مهمترین خواسته‌هایشان مطرح کرده‌اند، همین مطالب را گفته‌اند. در زمینه مسائل داخلی، نیازهای مردم این موضوعات است و مردم آن را از مسؤولان می‌خواهند. البته عده‌ای هم پیدا می‌شوند که شعارهای سیاسی جنجالی بی‌محتوا را جایگزین این مسائل می‌کنند.» (۱)

۵- راهکارهای مؤثر برای رفع مشکلات معیشتی

۵/۱- صداقت و دلسوزی و علاقه‌مندی

«این که بنده تأکید می‌کنم مسأله معیشت اولویت دارد، یک بخش عمده‌اش به خاطر این است؛ چون بخش معیشت، بخش مشکلی است. همه نیروتان را که شما جمع کنید، با همه صداقت و دلسوزی و علاقه‌مندی هم که کار کنید، سرعت خاصی خواهید داشت؛ بقیه بخشها را هم باید با همان سرعت حرکت دهید.» (۲)

۵/۲- مبارزه با فقر و فساد و تبعیض

«بنده باز هم با صدای بلند اعلام می‌کنم که مسؤولان کشور- چه در قوه مجریه، چه در قوه قضاییه و چه در قوه مقننه- باید با فقر و فساد و تبعیض در این مملکت مبارزه کنند. اگر بخواهند وضع امنیت کشور را، وضع معیشت مردم را، وضع عزت بیت‌المللی ما را تأمین کنند، راهش مبارزه با همینهاست.» (۳)



۱- بیانات در اجتماع با شکوه مردم استان زنجان، به تاریخ ۱۳۸۲/۷/۲۱.

۲- بیانات در دیدار با مسؤولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران، به تاریخ ۱۳۷۹/۴/۱۹.

۳- بیانات در خطبه‌های نماز عید سعید فطر، به تاریخ ۱۳۷۹/۱۰/۷.

۵/۳- تلاش، جدیت، ابتکار و پشتکار

«به اعتقاد من امروز فوری‌ترین کار این است که به مسائل اقتصادی و مسأله معیشت و در رأس همه مسأله اشتغال، با جدیت پرداخته شود. هیچ کدام از اینها معضلات و گره‌های کوری نیستند که دستهای توانا و فکری کارآمد، نتوانند آنها را حل کنند. همه اینها کارهای ممکن و روانی هستند؛ منتها تلاش، جدیت، ابتکار و پشتکار لازم است تا این کارها انجام گیرد.» (۱)

۵/۴- نوآوری و تلاش

«شما اگر به تبلیغات جهانی - که بی‌گمان از مرکزیت‌های حساب شده سیاسی و امنیتی هدایت می‌شود- نگاه کنید، می‌بینید یکی از نقاط امید دشمنان ما برای فلج کردن نظام اسلامی، همین مسأله اقتصاد است. ما منابع ثروت و درآمد و نیروی کار فراوان و زمینه‌های متعددی برای شکوفایی اقتصادی داریم. ما می‌توانیم بسیاری از کارها را انجام دهیم. ما می‌توانیم چهره زشت فقر را از کشور بزداییم. پس مسؤولان دولتی، پیش و بیش از هر کار به این مسأله همت بگذارند. بخش اقتصادی دولت در واقع بزرگترین بخش از بدنه دولت است. چه مسؤولان ستادی اقتصادی و چه مسؤولان اجرایی بخشهای گوناگون تولیدی و خدماتی، همه باید یک جهت و یکدل مشغول کار شوند. در این قضیه هیچ‌گونه درنگی جایز نیست. اعتقاد من این است که با زمینه‌های فراوانی که ما داریم، مسؤولان خواهند توانست در مدتی نه چندان طولانی، به همه آحاد ملت بقبولانند و نشان دهند

۱ - بیانات پس از مراسم تنفیذ حکم ریاست جمهوری آقای سید محمد خاتمی، به تاریخ



که در وضع معیشتی و وضع عمومی اقتصادی، دگرگونی حاصل شده است. این مژده را بدون این که دائماً بر زبان جاری کنند، در عمل به مردم بدهند. این عمل صالح بزرگی است که مسؤولان اجرایی کشور باید به آن پردازند. به وسوسه‌های دشمن اعتنایی نکنید. شکی نیست که امروز دستگاه‌های استکباری جهانی از طرق مختلف در فکر قبضه کردن همه منابع ثروت و امکانات در همه جای دنیا هستند و اگر لازم باشد یک وقت تبلیغ خلافی به صورت وسوسه در دل‌های کسانی بیفکنند، حرفی ندارند و این کار می‌کنند. شما به واقعیت‌های کاری خودتان نگاه کنید و با جدیت و تکیه بر بیناتی که قانون اساسی برای ما معین کرده است - که به احکام اسلامی و مقررات اسلامی متکی است - در زمینه‌های پولی و مالی و تولیدی و خدماتی و همه آن چیزهایی که به اقتصاد مردم وابسته است، نوآوری و تلاش کنید. خدای متعال به این تلاش برکت خواهد داد.» (۱)

۵/۵- همکاری دستگاهها و تلاش همه جانبه

«همه باید ذهن‌های خود را به کارهایی که برای پیشرفت و حل مشکلات کشور لازم است - مسائل معیشتی مردم، مسائل اقتصادی مردم، مسئله اشتغال - منعطف کنند. دستگاهها باید به هم کمک کنند و این کارها را انجام دهند. کار صورت می‌گیرد، اما باید شتاب بیشتری پیدا کند و همه جانبه شود.» (۲)

۱ - بیانات پس از مراسم تنفیذ حکم ریاست جمهوری آقای سید محمد خاتمی، به تاریخ ۱۳۸۰/۵/۱۱.

۲ - بیانات در دیدار با گروه کثیری از کارگران و معلمان به مناسبت روز کارگر و هفته معلم، به تاریخ ۱۳۸۱/۲/۱۱.



۵/۶- همت مسؤولان برای پیدا کردن راههای عاقلانه و منطقی

«راه برای خدمت و باز کردن گره‌های اقتصادی و معیشتی مردم باز است؛ راه برای اجرای عدالت و پر کردن شکاف طبقاتی- که در جامعه ما که اسلامی است و نباید باشد، ولی متأسفانه وجود دارد- باز است. راههای عاقلانه و منطقی وجود دارد؛ مسؤولان باید همت کنند.» (۱)

۵/۷- مستحکم کردن پایه‌های اقتصادی

«در جامعه انسانی، فضیلت و شرف و آبرو و کرامت انسانی و ارزش معنوی حرف اول را می‌زند، البته این بهانه نشود برای این که به فکر مادیات و ترمیم معیشت نباشند؛ باید باشند و راهش هم همان چیزی است که عرض کردم: پایه‌های اقتصادی را مستحکم کنند.» (۲)

۵/۸- اصلاح مبانی اقتصاد کشور

«برطرف کردن مشکل معیشتی از قشر کارگر و معلم و قشرهای دیگر، به اصلاح مبانی اقتصاد کشور بستگی دارد. فرض کنیم ما حقوق این انسان زحمتکش را بیست درصد یا چهل درصد اضافه کردیم؛ اما اگر تورم را مهار و ارزش پول ملی را تأمین نکردیم، آن مقداری که او امسال از ما اضافه می‌گیرد، چنانچه از رشد بی‌رویه قیمتها پایین‌تر باشد، فایده‌ای برای او ندارد؛ پس ما برای او کار نکرده‌ایم؛ بنابراین اساس کار آن جاست.» (۳)

۱- بیانات در اجتماع بزرگ زائران حرم امام خمینی (ره)، به تاریخ ۱۳۸۱/۳/۱۴.

۲- بیانات در دیدار با معلمان و کارگران، به تاریخ ۱۳۸۲/۲/۱۰.

۳- همان.

۵/۹- تلاش متحد و هماهنگ مسؤولان کشور

«مسئله اساسی‌یی که امروز کشور و ملت ما به آن احتیاج دارد، این است که مسؤولان کشور در یک جبهه واحد، تلاش متحد و هماهنگی را برای برطرف کردن مشکلات اقتصادی و معیشتی مردم شروع کنند.» (۱)

۵/۱۰- امنیت

«امنیت، بسیار مقوله مهمی است و بدون امنیت، یک کشور در همه عرصه‌ها و صحنه‌های فعالیت و تلاش، دچار مشکل است؛ در مقوله علم، در مقوله پیشرفتهای اقتصادی، در مقوله مسائل معیشتی و شهروندی، در مقوله سازندگی کشور، در همه مقولاتی که می‌تواند افتخارات بزرگ ملی را برای یک کشور به ارمغان بیاورد، پیش نیاز اصلی و اساسی عبارت است از امنیت.» (۲)

۵/۱۱- هماهنگی و هم‌افزایی دستگاهها

«کار مهم دیگر، که مخاطب و مسؤول آن، دولت است- اهتمام به رفع عوامل نارضایی و مشکل‌ساز برای مردم است: مسئله معیشت، مسئله اشتغال، مسئله سامانه‌های اداری، مسئله منصوبان دستگاهها - بخصوص در سطوح بالا- مسئله شهرداریها، مسئله نیروی انتظامی، که مبشراً و مستقیماً با مردم روبه‌رو هستند و می‌توانند بسیاری از مشکلات مردم را برطرف کنند یا خدای نکرده نارضایی‌هایی به وجود بیاورد. بنابراین دستگاهها در مسائل گوناگون، اهتمام و هماهنگی داشته



۱ - بیانات در اجتماع با شکوه مردم استان زنجان، به تاریخ ۱۳۸۲/۷/۲۱.

۲ - بیانات در صبحگاه مشترک نیروهای نظامی و انتظامی استان کرمان، به تاریخ ۱۳۸۴/۲/۱۵.

باشند؛ هماهنگی و هم‌افزایی داشته باشند؛ اختلاف وجود نداشته باشد؛
که این هم مربوط به دستگاه‌های دولتی است.»





گفتار هجدهم

تولید

(جایگاه، راههای تقویت و ارتقاء)

اشاره:

برای اقتصاد یک کشور، مهمترین بخشی که می‌تواند یک شکوفایی پایدار را به وجود بیاورد تولید است. تولید اساس اقتصاد است. تولید، چه در عرصه صنعت و چه در عرصه کشاورزی از اهمیت درجه اول برخوردار است. کشوری که تولید نداشته باشد یا در تولید ضعفهای اساسی و بنیادین داشته باشد، خواسته یا ناخواسته وابسته و ذلیل خواهد بود.

تقویت و ارتقای تولید از جمله مهمترین اهداف کلان در هر کشوری محسوب می‌گردد. این کار راه حلها و راهکارهایی دارد که به عنوان نمونه می‌توان وجدان کاری و محکم کاری و درستکاری در مجموعه تولید، فرهنگ سازی برای استفاده از تولیدات داخلی، ایجاد امنیت شغلی برای کارگران، اهمیت به کیفیت، استفاده از ذوق و هنر ایرانی و ساخت محصول با دوام و زیبا و فاخر و... را نام برد.

رفع مشکلات تولید یکی از وظایف مسئولان است. مسئولان باید ببینند در کدام نقطه از مجموعه مقررات کشور تنگنا و چالش برای تولید وجود دارد، آن را علاج کنند.

مدیریت پیشرفت تولید وظیفه دیگری است که بر دوش مسئولان دولتی قرار دارد. باید تولید در کشور - بخصوص تولید دانش بنیان و متکی به دانش و مهارتهای علمی و تجربی - پیش برود؛ این به دست کارگر و کارفرماست. مدیریت آن هم با دولت است.

سیاستگذاری در جهت افزایش تولید ملی از لحاظ کمیت و کیفیت و برنامه ریزی برای ارتقای مهارت‌های مجموعه کارآفرینی و کارگری از طریق انجام آموزشهای لازم و برگزاری دوره‌های فنی و مهارتی، از جمله دیگر وظایف مسئولان در عرصه تولید به شمار می‌آیند.

توسعه و پیشرفت در تولید، اساسی‌ترین نیاز اقتصادی هر کشوری را تشکیل می‌دهد که دستیابی به این امر مستلزم وظیفه‌شناسی و نقش‌آفرینی شایسته مسئولان و تولیدکنندگان و زیرمجموعه‌های تولید می‌باشد.



۱- جایگاه بخش تولید در اقتصاد کشور

۱/۱- تولید اساس اقتصاد و اهمیت درجه اول

«در زمینه‌های کار اقتصادی، عمده تلاش را باید روی تولید برد.

اساس مسأله، تولید است.» (۱)



«تولید، چه در عرصه صنعت و چه در عرصه کشاورزی، از اهمیت درجه اول برخوردار است. کشوری که تولید نداشته باشد، خواهی نخواهی وابسته است. اگر همه نفت و گاز دنیا هم زیر زمینهای ما و در چاههای ما ذخیره شده باشد، به دردمان نمی خورد؛ کما این که می بینید کشورهایی وجود دارند که از لحاظ ذخائر معدنی و طبیعی - چه ذخائر انرژی، چه ذخائر فلزهای بسیار ذی قیمت و کمیاب - در کمال ثروتمندی هستند؛ اما خودشان بر روی این زمینی که زیرش این همه گنج خفته است، زندگی نکبت بار و فلاکت باری دارند.» (۲)

۱/۲- تولید اساس شکوفایی پایدار

برای اقتصاد یک کشور، مهمترین بخشی که می تواند یک شکوفایی پایدار را به وجود بیاورد تولید است؛ بخصوص آن بخش اقتصاد تولیدی که متکی است به دانش، متکی است به علم.» (۳)

۱- بیانات در دیدار با اعضای هیأت دولت، به تاریخ ۱۳۸۲/۶/۵.

۲- بیانات در دیدار با کارگران نمونه سراسر کشور، به تاریخ ۱۳۸۹/۲/۸.

۳- بیانات در جمع مردم و کارکنان صنعت نفت عسلویه، به تاریخ ۱۳۹۰/۱/۸.

۲- راههای تقویت و ارتقای تولید

۲/۱- وجدان کاری و محکم کاری و درستکاری

«امروز در کشور ما خوشبختانه تحرك و تلاش کار، تلاش خوبی است. مجموعه دست انداز کاران تولید، تلاش خوبی را انجام دادند و پیشرفت کردند؛ ولی ما هنوز در اوائل راهیم. ما باید خیلی جلو برویم، خیلی باید تلاش کنیم. هم وجدان کاری، محکم کاری و درستکاری در مجموعه تولید- یعنی کارگر و مولد کار و تولید کننده کار- لازم است، هم در مسؤولین دولتی و مسؤولین رسمی، رعایت و مراقبت و توجه لازم است که این حرکت، حرکت صحیح و متعادلی باشد و انجام بگیرد.» (۱)



۲/۲- فرهنگ سازی برای استفاده از تولیدات داخلی

«در مورد مسأله کار آنچه ك من بر آن تأکید کرده‌ام و امروز هم تأکید می‌کنم، این است که ما باید فرهنگ کشور خودمان را به سمت ترویج تولید داخلی تنسيق و تنظیم کنیم و پیش ببریم؛ این خیلی چیز مهمی است. در گذشته، سالهای متمادی این فرهنگ به ملت ما تزریق شده است که به دنبال مصنوعات و ساخته‌های بیگانه و خارجی بروند. وقتی گفته می‌شد این جنس خارجی است، این یک استدلال تام و تمامی بود برای بهتر بودن و مرغوب تر بودن این جنس. این فرهنگ باید عوض شود. البته کیفیت تولید داخل در این مؤثر است، تبلیغ نکردن بیجا و بی رویه تولیدات خارجی در این مؤثر است، تشویق

۱- بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار با گروه کثیری از کارگران و کارآفرینان، به تاریخ

کارآفرین داخلی در این مؤثر است، وجدان کاری در کننده کار- چه کارگر ساده یا کارگر مجرب یا مهندس کار- در این مؤثر است، دولت نقش دارد، مسؤولین نقش دارند، خود کارگر نقش دارد، کارآفرین نقش دارد، تاجر وارد کننده کالای خارجی نقش دارد. همه باید دست به دست هم بدهند تا تولید داخل رجحان پیدا کند؛ ارزش پیدا کند و فرهنگی بر جامعه ما و بر ذهنهای ما حاکم شود که مصرف کردن تولید داخلی را ارزش بدانیم. ما به قیمت به کار واداشتن یک کارگر بیگانه که تولید او را مصرف می کنیم، یک کارگر داخلی کشور را بیکار می کنیم. همه مسؤولین کشور، سیاستگذاران کشور، مسؤولان تبلیغات کشور، خود کارآفرینان، خود کارگران، دولت بخشهای مربوطه به این نکته باید اهمیت بدهند.

امروز خوشبختانه بسیاری از محصولات و مصنوعات داخل کشور برتر و گاهی بسیار برتر از مشابههای بیرونی و خارجی است. چرا ما باید نسبت به مصنوعات خودمان بی اعتناء باشیم؟ گذشت آن روزی که وابستگان به دستگاه قدرت به دست خودشان، با بیانات زهر آگین خودشان تلقین می کردند که ایرانی قادر به تولید و ساخت نیست. آنها ایران را عقب انداختند. آنها به روح ابتکار و شوق کار در کشور لطمه زدند. انقلاب آمد وضع را عوض کرد. امروز جوانان ما پیچیده ترین کارها را دارند انجام می دهند. این همه زیر ساخت در کشور به وجود آمده است برای کارهای بزرگ، این همه کارهای پیچیده فنی با ذهن و ابتکار جوان ایرانی دارد انجام می گیرد. مسؤولین دنبال این کارند. امروز باید رو بیاورند همه به سمت مصنوعات و تولیدات داخلی؛ این



باید یک فرهنگ شود.» (۱)

۲/۳- ایجاد امنیت شغلی برای کارگران

«امروز باید رو بیاورند همه به سمت مصنوعات و تولیدات داخلی؛ این باید یک فرهنگ شود. البته یک بخش مهم از این هم مربوط می‌شود به امنیت شغلی کارگران، که این هم بایستی همه به آن توجه داشته باشند؛ کارگر فارغ‌البال باشد؛ مطمئن باشد؛ امنیت شغلی داشته باشد. و کارفرما و کارگر، سرمایه‌گذار و کارگر، مدیر کارگاه و کارگر دست به دست هم بدهند برادروار، کارها را پیش ببرند. این مربوط به مسأله کار.» (۲)



۲/۴- اهمیت دادن به کیفیت تولیدات

«ما امروز تولیدات داخلی زیادی داریم؛ هم در زمینه صنعت، هم در زمینه کشاورزی؛ باید به کیفیت اینها اهمیت بدهیم، کیفیت اینها را بالا ببریم. باید جوری باشد که مصرف‌کننده احساس کند آنچه که در کشورش تولید می‌شود، به دست کارگر ایرانی تولید می‌شود، از لحاظ کیفیت، یا بهتر از نوع خارجی است یا لاقبل همسطح آن است.» (۳)

۲/۵- استفاده از ذوق و هنر ایرانی و ساخت محصول بادوام و زیبا و فاخر

«کارگر ایرانی آنجایی که ذوق خود را به کار می‌برد، سلیقه خود

۱- بیانات در دیدار با جمعی از معلمان، پرستاران و کارگران، به تاریخ ۱۳۸۸/۲/۹.

۲- همان.

۳- بیانات در اجتماع زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی، به تاریخ ۱۳۸۹/۱/۱.

را به کار می‌برد و سرپنجهٔ ماهر خود را به کار می‌برد، کار جالب و تماشایی از آب درمی‌آید. این کارهای هنری آمیخته‌ای از هنر و کار که ایرانیها در گذشته داشتند، امروز هم وجود دارد؛ این معنا محسوس و مشهود است. آن جایی که ذوق و هنر ایرانی به میدان می‌آید - همین کارگری که دارد کار می‌کند، ابتکارش، ذوقش، هنرش، محکم کاری‌اش - کار می‌شود جالب و ماندگار. الآن خوشبختانه در تولیدات کشور محصولات زیادی هست که از مشابهاات خارجی‌اش بعضی بهتر است، بعضی بمراتب بهتر است؛ هم زیباتر، هم محکم‌تر، هم جالب‌تر؛ این را ما باید عمومیت بدهیم، در همهٔ مواد تولیدی‌مان؛ چه مواد مصرفی خوراکی، چه مسائل مربوط به پوشاک، چه مسائل زندگی، چه مسائل تزئینی. در همهٔ چیزهایی که تولید می‌شود، باید این را در نظر بگیریم؛ و می‌توانیم. مجموعهٔ کارگری، طراحان، مهندسان، سرمایه‌گذاران، کارگران دستی، کارگران ماشینی می‌توانند این کار را انجام دهند. ما باید همتان را بر این قرار بدهیم؛ ایجاد محصول بادوام، زیبا و فاخر. این، یک کار کلان است.» (۱)

۳- وظایف مسؤولان در قبال بخش تولید

۳/۱- رفع مشکلات تولید

«ببینید در کدام نقطه از مجموعهٔ مقررات کشور مزاحم با تولید وجود دارد، آن را علاج کنید. البته این کار نگاه کلان و دید وسیع اقتصادی لازم دارد که مجموع بخشها - وزارت اقتصاد و دارایی، بانک مرکزی، وزارتخانه‌های صنایع، کشاورزی، بازرگانی و... که شریک

در امر ترکیب و ساماندهی اقتصادی کشور هستند، با همدیگر روی این مسأله فکر کنند و ببینند کجا گیرهایی وجود دارد که مانع تولید -چه تولید صنعتی و چه تولید کشاورزی، علمی و آنچه مربوط به وزارت علوم و آموزش و پرورش و کارهای تحقیقاتی و پژوهشها می شود- است. امروز حقیقتاً زمینه تولید در کشور وجود دارد و ما مدیران، متخصصان و فناوران خوب و استعدادهای درخشان و بالا و دل‌های گرم داریم.» (۱)

۳/۲- مدیریت پیشرفت تولید

«باید تولید در کشور -بخصوص تولید دانش‌بنیان، متکی به دانش و مهارت‌های علمی و تجربی- پیش برود؛ این به دست کارگر و کارفرماست. مدیریت آن هم با دولت است؛ بایستی سازماندهی کنند، کار کنند. این سیاست‌های اصل ۴۴ که ما چند سال پیش به دستگاه‌های دولتی و قانونگذاری ابلاغ کردیم، می‌تواند نقش ایفاء کند؛ منتها بایستی همه دقت لازم را در این جا بکنند.» (۲)

۳/۳- سیاستگذاری در جهت افزایش تولید ملی

«ما باید تولید ملی را افزایش بدهیم، تقویت کنیم؛ عادت کنیم به مصرف تولیدات داخلی؛ عادت کنیم به بالا بردن کیفیت تولیدات داخلی، که البته در این مورد مسؤولین دولتی و همچنین قانونگذاران و وظائف سنگینی دارند.» (۳)



۱- بیانات در دیدار با اعضای هیأت دولت، به تاریخ ۱۳۸۲/۶/۵.

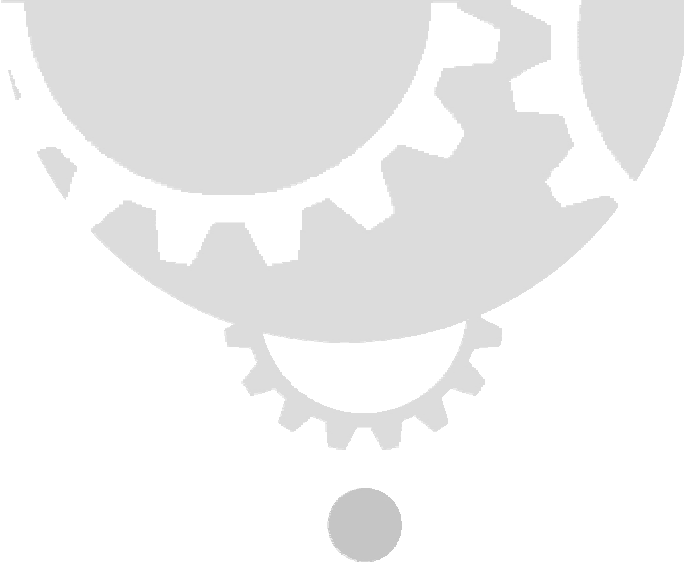
۲- بیانات در دیدار با کارگران نمونه سراسر کشور، به تاریخ ۱۳۸۹/۲/۸.

۳- بیانات در دیدار کارگزاران نظام، به تاریخ ۱۳۸۹/۹/۵.

۳/۴- برنامه‌ریزی برای ارتقای مهارت‌های مجموعه

«ما باید کاری کنیم که کالای ایرانی به عنوان یک کالای محکم، مطلوب، زیبا، همراه با سلیقه و بادوام در ذهن مصرف‌کننده ایرانی و غیر ایرانی باقی بماند. این باید همت مجموعه کارآفرینی و کارگری و متصدیان این امر باشد. البته این کار، پیش‌نیازهایی دارد. ممکن است آموزش مهارت‌های لازم، دوره‌های ایجاد مهارت لازم باشد- که اینها کار دستگاه‌های دولتی و امثال دولتی است- لیکن باید هدف این باشد.»(۱)





گفتار نوزدهم علم و فناوری

(جایگاه و اهمیت، آفات، الزامات، پیش نیازها)

اشاره:

علم مایه رونق اقتصادی و اقتدار علمی زیر بنای اقتدار اقتصادی است.

علم پشتوانه ثروت اقتصادی است و تولید دانش بنیان از جمله مهمترین اهداف اقتصادی در هر کشوری محسوب می گردد چرا که اقتصاد تولیدی متکی به دانش، بستر ساز شکوفایی اقتصادی می باشد.

علم با یک مقوله مهم دیگر ارتباط تنگاتنگ و در هم پیچیده ای دارد که آن هم فناوری است. فناوری یکی از بزرگترین محصولات علم است که جایگاه عظیم و سرنوشت سازی در دنیای امروز دارد.

تاریخچه پیشرفت علم و فناوری در غرب، تاریخچه تلخ و تأسف آور و فاجعه باری بوده است که دلایل آن را هم باید در آفات علم و فناوری در دنیای مادی جستجو کرد. آفاتی همچون سلطه گری، تخریب طبیعت و اسارت انسان، انحصار طلبی، در خدمت اهداف سرمایه داران و ثروت اندوزان و قدرتمندان قرار گرفتن و خشونت گرایی از جمله معضلاتی هستند که از دیرباز گریبانگیر علم و فناوری در غرب شده اند و سبب گردیده اند تا کشورهای صنعتی و توسعه یافته دنیا با وجود پیشرفتهای شگفت آور و ما فوق تصورشان در عرصه های مادی، از نظر معنوی و اخلاقیات روند رو به انحطاطی را طی کنند و فساد و ابتذال و خوی تجاوزگری در آنها چشمگیر باشد.

در ایران قبل از انقلاب نیز به خاطر مادیگرا و غربزدگی

سردمداران طاغوت، وضعیت نه تنها بهتر از این نبود بلکه بدتر هم بود. قبل از انقلاب تکیه علم و فناوری کشور به طور کامل به غرب بود. در دوران قاجار و پهلوی عقب ماندگی و وابستگی علمی و فناوری عظیمی در کشور وجود داشت و آفات اخلاقی فرهنگ غربی همچون فساد و بی بندباری در کشور در سطحی گسترده نمایان بود.

خوشبختانه پیروزی انقلاب این روال را بر هم زد و جمهوری اسلامی از همان نخست در مسیر نفی وابستگیها و دستیابی به اقتدار علمی و فناوری حرکت نمود و این موضوعی بود که خوشایند مستکبران عالم نبود؛ لذا به توطئه‌گری علیه نظام اسلامی در تمامی زمینه‌ها از همان سالهای نخست انقلاب آغاز گردید که البته جمهوری اسلامی هم با تقویت فناوری و پیشاهنگ شدن در تولید علم به مقابله با توطئه‌های دشمنان مبادرت ورزید.

جمهوری اسلامی در حال حاضر به یک اقتدار نسبی در عرصه علم و فناوری رسیده است. کشورمان اولاً به تولید علم و رشد فناوری با تکیه بر نیروهای بومی اهمیت می‌دهد و در وهله دوم از علم و فناوریهای دنیا با شرط حفظ عزت و تکیه به نیروهای خودی و حفاظت از انقلاب استفاده می‌نماید.

جمهوری اسلامی ایران با این سیاست و رویه علمی و فناوری، دستاوردهای عظیم و فوق‌العاده تحسین‌برانگیزی در عرصه علم و فناوری بدست آورده است که مهمترین آنها عبارتند از: آمیختن دانش و فناوری با ارزشهای معنوی و استقلال و آزادی، انجام کارهای پیچیده علمی و فناوری و صدور آن به خارج، دستیابی به پیشرفتهای خیره‌کننده و کم‌نظیر در عرصه علم و فناوری، انجام ناممکن‌های عرصه علم و فناوری توسط جوانان ایران زمین، دستیابی به پیشرفتهای چشمگیر در عرصه علم و فناوری و...



۱- اهمیت و عظمت علم

«من یک وقتی این روایت را که از معصوم (علیه السلام) است، عرض کردم، که فرمود: «العلم سلطان»؛ یعنی علم و دانش برای یک ملت و برای یک فرد مایه اقتدار است. «من وجده صال و من لم یجده صیل علیه»؛ کسی که این قدرت را پیدا کند، دست برتر را دارد و آن کسی که نتواند علمی را به دست بیاورد، زیر دست باقی می ماند و دیگران بر او دست برتر را خواهند داشت.» (۱)

۲- رابطه بین علم و اقتصاد

۲/۱- علم، مایه رونق اقتصادی

«علم با خودش رفاه و سیادت سیاسی و برتری نظامی می آورد؛ در همه بخشهای اقتصادی و سیاسی نفوذ کلمه ایجاد می کند؛ پول یک کشور را تقویت می کند و اقتصاد یک کشور را رونق می دهد. اینها همه هنرهای علم است.» (۲)

۲/۲- اقتدار علمی زیربنای اقتدار اقتصادی

«یک ملت، با اقتدار علمی است که می تواند سخن خود را به گوش همه افراد دنیا برساند؛ با اقتدار علمی است که می تواند سیاست برتر و دست والا را در دنیای سیاسی حائز شود. اقتصاد هم به دنبال اینها به دست می آید؛ پول تابع تواناییهاست. امروز این طوری است؛ علم را می شود به پول تبدیل کرد و از لحاظ اقتصادی هم قوی شد.

۱- بیانات در حرم مطهر رضوی در آغاز سال نو، به تاریخ ۱۳۹۰/۱/۱.

۲- بیانات در دیدار با جمعی از برگزیدگان المپیادهای جهانی و کشوری و افراد ممتاز آزمونهای سراسری سال ۸۰ و ۱۳۸۱، به تاریخ ۱۳۸۱/۷/۳.

این، جایگاه علم است.» (۱)

۲/۳- پیشرفت علم زمینه ساز رفح عقب ماندگی، تبعیض و بی عدالتی در اقتصاد

«همه انسانها توانایی دانش پژوهی و دانشمندی را دارند. استعدادها البته مختلف است، لکن هیچ کشوری نیست که در آن انسانها توانایی این را نداشته باشند که در این دامنه وسیع و عظیم علم بالقوه و بالاستعداد، یک جایگاهی برای خودشان پیدا کنند و یک نقشی در آن ایفا کنند. اگر کشوری که سابقه او، تاریخ او، تجربه او، نشان می دهد که توانایی استعداد او، توانایی بالایی است و از متوسط بالاتر است- که کشور ما قطعاً از این قبیل است- این بایستی در ایجاد علم، در توسعه علم، در پیشرفت علم نقش ایفا کند و اگر توانست این نقش را ایفا کند، آن وقت این عقب ماندگی، این تبعیض و بی عدالتی در همه زمینه های سیاسی و اجتماعی و اقتصادی از بین خواهد رفت و خواهد شد دارای سهم برابر در مقابل کشورهای دیگر و در مقابل قدرتهایی که امروز وجود دارند.» (۲)

۲/۴- علم پستوانه ثروت

«ثروت هم اگر به دست می آید، از ناحیه علم به دست می آید. علم را اهمیت بدهید.» (۳)



۱- بیانات در دیدار با اساتید و دانشجویان دانشگاه امام صادق (علیه السلام)، به تاریخ ۱۳۸۴/۱۰/۲۹.

۲- بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در بازدید از پژوهشکده رویان، به تاریخ ۱۳۸۶/۴/۲۵.

۳- بیانات در دیدار جمعی از نخبگان علمی کشور، به تاریخ ۱۳۸۸/۸/۶.

۲/۵- در اولویت قرار داشتن تولید دانش بنیان در اقتصاد

«باید تولید در کشور- بخصوص تولید دانش بنیان، متکی به دانش و مهارت‌های علمی و تجربی- پیش برود.»(۱)

۲/۶- اقتصاد تولیدی متکی به دانش، بستر ساز شکوفایی اقتصادی

«برای اقتصاد یک کشور، مهمترین بخشی که می‌تواند یک شکوفایی پایدار را به وجود بیاورد، تولید است؛ بخصوص آن بخش اقتصاد تولیدی که متکی است به دانش، متکی است به علم.»(۲)

۳- علم و فناوری و رابطه آنها

۳/۱- پیشرفت علمی و فناوری پشتوانه اقتدار مادی و معنوی

«در برنامه‌ریزی توسعه کشور، آن چیزی که خیلی مهم است، این است که ما بینیم عمده تمرکز سرمایه‌گذارهای مادی و معنوی ما باید کجا باشد؛ چون بدیهی است سرمایه مادی و سرمایه معنوی- یعنی همت و نیروی انسانی و انگیزه- نامحدود نیست. اگر می‌خواهیم کشور را به توسعه برسانیم- توسعه به معنای مطلوب و منظور خودمان، نه لزوماً توسعه به معنای رائج غربی- بینیم کجاها باید بیشتر برای سرمایه‌گذاری متمرکز شویم.

اعتقاد راسخ من این است که اگر چنانچه بر روی مسأله علم و فناوری و نخبه‌پروری سرمایه‌گذاری کنیم، حتماً در یکی از با اولویت‌ترین کارها سرمایه‌گذاری کرده‌ایم. پیشرفت علمی و به دنبال آن، پیشرفت فناوری، به کشور و ملت این فرصت و این امکان را

۱- بیانات در دیدار با کارگران نمونه سراسر کشور، به تاریخ ۱۳۸۹/۲/۸.

۲- بیانات در جمع مردم و کارکنان صنعت نفت عسلویه، به تاریخ ۱۳۹۰/۱/۸.

خواهد داد که اقتدار مادی و معنوی پیدا کند. بنابراین با یک نگاه راهبردی، علم یک چنین اهمیتی دارد. تکیه ما بر این اساس است. حالا این علم با چه هدفی است، اگر ان شاء الله وقت بود و من هم یادماند، در آخر شاید یک جمله‌ای عرض خواهم کرد که جهتگیری حرکت علمی ما چه باید باشد.

بنابراین یکی از بااولویت‌ترین کارها عبارت است از مسأله علم و فناوری؛ این در کشور لازم است.» (۱)

۳/۲- پیشرفت علمی پیش نیاز پیشرفت مقتدرانه در عرصه فناوری

«وقتی پیشرفت علمی وجود داشته باشد، پیشرفت فناوری را هم با خودش می‌آورد، و پیشرفت فناوری هم کشور را رونق می‌دهد و در جامعه نشاط به وجود می‌آورد. اگر علم نباشد، هیچ چیز نیست؛ و اگر فناوری هم باشد، فناوری عاریه‌یی و دروغی و وام گرفته از دیگران است؛ مثل صنعت‌های مونتاژی که وجود دارد. علم را باید رویانید.» (۲)

۳/۳- توسعه علم لازمه ایجاد و تکمیل فناوری

«آنچه که پیشرفت هست، این است که ما از هر که و هر جور، همه دانش‌های مورد نیازمان را فرا بگیریم؛ این دانش را به مرحله عمل و کاربرد برسانیم، تحقیقات گوناگون انجام بدهیم، برای این که دامنه علم را توسعه بدهیم، تحقیقات بنیادی انجام بدهیم، تحقیقات کاربردی و تجربی انجام دهیم، تا فناوری را به وجود آوریم یا فناوری جدیدی را به وجود بیاوریم یا فناوری را تکمیل کنیم؛ تصحیح کنیم و



۱- بیانات در دیدار با نخبگان جوان، به تاریخ ۱۳۸۹/۷/۱۴.

۲- بیانات در دیدار با رئیس و مدیران سازمان صدا و سیما، به تاریخ ۱۳۸۳/۹/۱۱.

انجام بدهیم.» (۱)

۴- آفات علم و فناوری در دنیای مادی

۴/۱- سلطه‌گری

«نظام سلطه جهانی همیشه کوشیده است که به وسیله عوامل تبلیغی خود، احساس حقارت و ناتوانی و نیاز را در ملت‌هایی که از قافله علم و فناوری عقب مانده‌اند، تقویت کند و آنان را همیشه نیازمند خود نگهدارند.» (۲)



۴۱۵

«واقعیت قضیه در پیشرفت علمی غرب، واقعیت بسیار تلخ و بسیار تأسف آوری است؛ واقعیتی است که انسان به هیچ قیمتی حاضر نیست به سمت آن حرکت کند. پیشرفت علم در دنیای غرب، چه از وقتی که اساساً تحریک علمی غرب شروع شد- باید گفت تحریک فکری، که مقدمه تحریک علمی بود- که از قرن شانزدهم میلادی در ایتالیا و در انگلیس و در جاهای دیگر شروع شد، چه آن وقتی که انقلاب صنعتی در قرن هجدهم ابتدا در انگلیس به وجود آمد، ایجاد کارخانجات بزرگ و ماشینهای عظیم که بتدریج در طول چند ده سال این اتفاق افتاد، بعد تولید ثروت از این راه- حالا آنچه که در خود آن جاها شد، چه حقوقی پایمال شد، چه فقرایی از بین رفتند، طبقه‌ای که بر اثر این ماشینهای بزرگ به وجود آمد، چه ظلمهایی به مردم کردند، آنها بماند- بعد بتدریج گسترش این علم و فناوری در دیگر

۱- دیدار با دانشجویان، به تاریخ ۱۳۸۵/۸/۱۸.

۲- بیانات در دیدار با میهمانان داخلی و خارجی دهمین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی (ره)، به تاریخ ۱۳۷۸/۳/۱۲.

کشورهای اروپایی، به قیمت نابودی آزادی بسیاری از ملتها، تهدید هویت بسیاری از ملتها و وارد آمدن یک ظلم عظیم، همراه با سبیت بر بسیاری از کشورها و ملتها تمام شد. آنها احساس کردند مواد اولیه لازم دارند، احساس کردند بازار فروش لازم دارند؛ این هم در کشورهای دیگر بود؛ لذا از این دانش استفاده کردند و در مقابل شمشیر و نیزه، توپخانه تولید کردند؛ بعد هم انگلیسیها و هلندیها و پرتغالیها و فرانسویها و بعضی دیگر از کشورهای اروپایی راه افتادند رفتند به اطراف دنیا، آنقدر با ابزار علم و فناوری در دنیا فاجعه آفرینی کردند که اگر اینها را جمع کنند، یک دایره المعارف عظیم خواهد شد با دهها مجلد و گریه آور. ... فقط آمریکا هم نیست؛ آمریکا بعد ملحق شده.



شما ملاحظه کنید اینها در هند چه کردند، در چین چه کردند. در قرن نوزدهم، انگلیسیها در هند فجایعی آفریدند که من یقین دارم - شما جوانها کمتر هم به تاریخ و به این چیزها اهمیت می‌دهید - یک هزارم آنچه را که اتفاق افتاده، شما در تبلیغات و در حرفها نشنیده‌اید. «نهر» در کتاب خودش می‌نویسد اینها آمدند هند. به گفته او، در دورانی که هنوز انقلاب صنعتی نشده بود و ماشینهای بزرگ به وجود نیامده بود، شبه قاره هند از لحاظ صنعت، یکی از کشورهای پیشرفته دنیا بوده. اینها برای این که کار خودشان را پیش ببرند، صنعت هند را نابود کردند؛ طبقه متوسط هند را نابود کردند؛ پیدایش حرکت به سمت دانش و صنعت را با انواع و اقسام تزییقها متوقف کردند؛ یک بیماری مزمن در کالبد یک ملت به وجود آوردند و تزریق کردند؛ که هنوز که هنوز است، بعد از گذشت تقریباً صد و پنجاه سال از شروع این

کارها در هند، این بیماری در آنجا علاج نشده. شبیه این کار را در چین کردند؛ فجایی که در چین آفریدند، فشاری که به ملت چین وارد کردند. اینها مال قرن نوزدهم است. در آفریقا چه کردند. به کمک علم، در خود قاره آمریکا چه فجایی را آفریدند. در آفریقا و در آمریکای لاتین، چقدر انسانهای آزاد برده شدند. چقدر خانواده‌ها تار و مار و نابود شدند. علم را این جوری پیدا کردند.

بنابراین جهت علم عبارت بود از حرکت به سمت ثروت، بدون رعایت ذرّهای اخلاق و ایمان و معنویت. اروپاییها همان وقت هم ادعای تمدن می کردند، اما رفتارشان از وحشی‌ترین قبائل در حملات گوناگون قبیله‌ای وحشیانه‌تر بوده. اینهایی که عرض می‌کنم، شعار نیست؛ اینها هر کدامش سند، مدرک و تعییرات دقیق دارد که چه کار می کردند؛ که الان مجال توضیح نیست. اگر من گوشه‌ای از آنها را می‌گفتم، می‌فهمیدید که در آسیای شرقی، در آفریقا و در نقاط دیگر، به وسیله همین اروپاییها و غربیها و با ابزار علم آنها چه اتفاقی افتاده است. چون هدف، ثروت بود، بنابراین اخلاقی وجود نداشت، مذهبی وجود نداشت، خدایی وجود نداشت.

ما این علم را نمی‌خواهیم. این علم، آن وقتی که رشد پیدا می‌کند و به انتها درجه می‌رسد، می‌شود مثل این چیزی که امروز کشورهای غربی دارند؛ می‌شود بمب اتم، می‌شود این همه ظلم و ستم، می‌شود نابودی دموکراسی در مدعی‌ترین کشور دنیا از لحاظ دموکراسی - یعنی آمریکا - می‌شود اختلاف طبقاتی روزافزون و شکاف طبقاتی؛ میلیونها کارتن‌خواب، میلیونها زیر خط فقر در یک کشور ثروتمند و پیشرفته. این علم فایده‌ای ندارد. ما دنبال این علم نیستیم. نه تعلیمات

انبیاء، نه تعلیمات اسلام، نه وجدان انسانی، ما را به این طریق سوق نمی‌دهند؛ هیچ شوقی در انسان نمی‌آفریند.» (۱)

۴/۲- تخریب طبیعت و اسارت انسان

«از غرب هم نمی‌خواستیم و نمی‌توانستیم الگو بگیریم؛ چون غرب چیزهایی داشت، اما به قیمت نداشتن چیزهای مهمتری. در غرب، علم بود، اما اخلاق نبود؛ ثروت بود، اما عدالت نبود؛ فناوری پیشرفته بود، اما همراه با تخریب طبیعت و اسارت انسان.» (۲)

۴/۳- انحصارطلبی

«حرف من به‌طور کلی همین است که اگر علم به یک دلیل تاریخی - که آن دلیل تاریخی را هم فکر می‌کنیم کاملاً می‌شناسیم - در انحصار مجموعه‌ای از ملتها و بخشی از مردم دنیا قرار گیرد و اینها علم را انحصاری نگه‌دارند و تبعیض قائل شوند و علم را به ملتهای دیگر بفروشند و آن را وسیله‌ای برای تحمیل سیاستهای خودشان قرار دهند - که استعمار اصلاً از همین نقطه به‌وجود آمد - این، ظلم بزرگ به بشریت است. علم باید مثل ثروت، عادلانه توزیع شود. نظر اسلام هم همین است که علم باید بین همه کشورهای و ملتها توزیع شود. این که ما این فناوری را نبایستی به مردم آسیا یا جاهای دیگر بدهیم، همان طلبیدن انحصار فناوری است که وقتی در اقتصاد پیش می‌آید، کارتهای عظیم اقتصادی به وجود می‌آید و آنها به انسانها ظلم می‌کنند.» (۳)



۱ - بیانات در دیدار با نخبگان جوان، به تاریخ ۱۳۸۹/۷/۱۴.

۲ - بیانات در خطبه‌های نماز جمعه تهران، به تاریخ ۱۳۷۹/۲/۲۳.

۳ - بیانات در دیدار با جوانان تخبه، به تاریخ ۱۳۸۲/۱۱/۲۱.

۴/۴- در خدمت اهداف سرمایه‌داران و قدرتمندان قرار گرفتن

«امروز علم دست کسانی است که از بشریت بویی نبرده‌اند. علم و فناوری در خدمت اهدافی است که صددرصد به زیان جامعه بشری و به نفع سرمایه‌داران و ثروتمندان و قدرتمندان است.» (۱)

۴/۵- خشونت‌گرایی

«دنیای غرب از دو سه قرن قبل از این به دانش برتر و فناوری برتر دست یافت و سوراخ دعای ثروت و انباشت ثروت را پیدا کرد. مکتبهای اجتماعی گوناگونی پدید آمد، تفکرات فلسفی اجتماعی گوناگونی پدید آمد- لیبرالیسم مبتنی بر تفکر اومانیستی، فکر دموکراسی و امثال اینها- هدف اینها یا هدف آن کسانی که دنبال این افکار رفتند، این بود که بتوانند بشر را به آسایش، به آرامش و به رفاه برسانند؛ لیکن آنچه در واقع تحقق پیدا کرد. عکس اینها بود. بشر در سایه تفکر اومانیستی و در جهت نظامهای انسانگرانه فقط به انسانیت دست نیافت، به آسایش دست نیافت، بلکه بیشترین جنگها، بیشترین کشتارها، بدترین قساوتها، زشت‌ترین رفتارهای انسان با انسان در این دوره به وجود آمد.

آن کسانی که در این میدان پیشرفته‌تر بودند، بدتر بودند. دیروز توی روزنامه خواندم که از منابع آمریکایی نقل کرده بود که آمریکا از دهه ۴۰ تا دهه ۹۰- یعنی در ظرف پنجاه سال- هشتاد کودتای نظامی در دنیا راه انداخته! شما ببینید این کسانی که به قله‌های ثروت و فناوری و سلاح و ساخت تجهیزات و چه و چه و چه دست پیدا



کردند، وحشیگری‌شان این است.» (۱)

۵- علم و فناوری در ایران قاجار و پهلوی

«از اواسط دوره قاجار نشانه‌های پیشرفت اروپایی در کشور ما بتدریج شروع کرد ظاهر شدن. روشنفکران ما کسانی بودند که به اروپا می‌رفتند یا نوشته‌های آنها را می‌خواندند؛ لذا با پیشرفتهای آنها آشنا می‌شدند و خود را در مقابل آنها ناتوان و حقیر می‌دیدند. این حرف تکرار شده است از طرف روشنفکرهای صدر مشروطه، که ما فقط و فقط باید دنبال غربیها راه بیفتیم و به هر چه آنها می‌گویند، در همه شئون زندگیمان عمل کنیم؛ این حرفی که از تقی‌زاده و دیگران نقل شده و واقعیت هم دارد. اینها می‌گفتند ما باید صددرصد به نسخه آنها عمل کنیم تا پیش برویم؛ یعنی مجال ابتکار، ابداع، خلاقیت و نگاه بومی به مسائل علمی و صنعتی مطلقاً در محاسبه آنها نمی‌گنجید. این را از این طرف حساب کنید؛ حالا طرف مقابلی که ما توصیه می‌شدیم به این که از او تبعیت کنیم، چیست؟ همان انقلاب صنعتی و انقلاب علمی و پیشرفت علمی‌یی است که نگاهش فقط محدود به چارچوب کشور خود نمی‌شود؛ بلکه به دنیا به چشم یک ذخیره و یک انبار بزرگ که باید از آن استفاده کند و ببلعد تا این که بتواند حجم خودش را بیشتر کند و خود را توسعه دهد، نگاه می‌کند. این زمانی که من اشاره می‌کنم، زمانی است که بیش از صد سال از شروع استعمار گذشته بود؛ یعنی پرتغالیها، اسپانیاییها، انگلیسیها، هلندیها و بخشهای مختلف اروپا به مناطق ثروتمند دست‌نخورده دنیا، از جمله



منطقه ما، منطقه اقیانوس هند، شبه قاره هند، اندونزی، آفریقا و بقیه مناطق گوناگون دست انداخته بودند و آن ثروتهای عجیب و دست نخورده را پیدا کرده بودند. البته خُلقیات اروپاییها هم در این کار تأثیر داشت. بعضی از این خُلقیات مثبت است، بعضی از آنها منفی. من از کسانی نیستم که غریبها را یکسره دارای خُلقیات منفی بدانم؛ نه، خلیقیات مثبت هم دارند؛ خطرپذیرند، شجاع اند، دنبالگیرند. اینها سوار کشتی شدند، راه افتادند، رفتند تا به کشورها و مناطق دست نخورده برسند؛ یعنی انبارهای ثروت طبیعی. آسیا را فتح کردند، آفریقا را فتح کردند، طبعاً آمریکا را هم فتح کردند.

وقتی در ایران، متفکر عالم سیاسی ما می گوید ما باید صد درصد کوچک ابدال غریبها و دنباله رو آنها شویم، چه وضعی پیدا می کنیم؟ اگر آن طرفی که ما می خواستیم کوچک ابدال و نوچه و دنباله رو او بشویم، انسان منصف و موجود عادل بود و قصد تجاوز و تعرض نداشت، خیلی خوب بود؛ اما طرف مقابل ما کی بود؟ آن موجود متعرض، متجاوز و نگرنده به گستره عظیم جهانی با عنوان یک انبار مواد رشد و تعالی زیستی؛ ما شدیم کوچک ابدال او. او هم وارد شد و علم و صنعت خودش را به ما نداد؛ ما را تربیت علمی و فرهنگی نکرد، مثل استاد دلسوزی که شاگرد را تربیت می کند؛ ما در دوران نوسازی علمی و صنعتی ایران و به قول آقایان، دوران مدرنیزاسیون - که بنده از این گونه تعبیرات خوشم نمی آید - شدیم مثل یک کارگر ساده ساختمانی در اختیار یک معمار و یک مهندس. یک کارگر ساده ساختمانی چه کار می تواند بکند؟ بله، در ساختن خانه نقش دارد، اما صرفاً نقش جسمانی و غیرفکری؛ گل بده، آجر بده، گچ بده، یا اینها



را روی هم بچین. دوره انحطاط ما از این جهت است.» (۱)

۶- الزامات علم و فناوری در جمهوری اسلامی ایران

۶/۱- شروع محاصره علمی و فناوری از همان سالهای نخست انقلاب

«ملاحظه کنید! نظام جمهوری اسلامی به وجود آمد؛ قدرتهای مسلط دنیا در آن روز می فهمیدند که نظام جمهوری اسلامی برای مقاصد قدرت طلبانه آنها یک تهدید است؛ این را درک می کردند، لذا از اول با او مخالفت کردند؛ اما این تهدید به خاطر خود کشور ایران نبود، بلکه به خاطر این بود که جمهوری اسلامی حرف نو و حرف تازه‌یی است؛ در دنیای اسلام و در عرصه سیاست بین‌الملل، حرف و ایده‌های نو جمهوری اسلامی، جزو ایده‌های جذاب است و خیلی از مبانی آنها را متزلزل می کند. آنها این مسائل را می دانستند؛ لیکن به خودشان تسلا می دادند که جمهوری اسلامی قادر بر ماندن نیست؛ چون در دنیایی که علم و فناوری حرف اول را می زند و ثروت هم از راه علم و فناوری به دست می آید، وقتی کشوری از لحاظ علمی و فناوری توانایی نداشت و محاصره هم شد، نگذاشتند به آن برسند، به خودی خود خواهد خشکید؛ مثل درختی و نهالی که به آن آب و هوا ندهی؛ بتدریج می خشکد و احتیاجی نیست که آن را قطع کنید؛ خودش از بین می رود. آنها درباره جمهوری اسلامی این‌طور خیال می کردند؛ لذا در اوایل انقلاب می گفتند تا دو ماه دیگر، گاهی می گفتند تا یک سال دیگر و گاهی می گفتند تا پنج سال دیگر، جمهوری اسلامی رفتنی و نابودشدنی است! مرتب به خودشان وعده



می‌دادند. آنها هم محاصره اقتصادی کردند، هم محاصره علمی کردند، هم محاصره فناوری و تکنولوژیک کردند، هم جنگ را تحمیل کردند، هم از طرف مقابل ما در جنگ، هرچه توانستند حمایت کردند و کمکش کردند که بلکه بتوانند این مشکلات را آوار کنند روی سر جمهوری اسلامی و آن را از بین ببرند؛ اما حالا می‌بینند که بعد از بیست و پنج سال، جمهوری اسلامی از زیر آوارها قد کشیده و بیرون آمده؛ روی پای خودش ایستاده و به خود متکی و امیدوار است و به آینده خوش‌بین و در زمینه علمی و فناوری هم پیشرفت کرده است؛ اینها واقعیاتی است؛ این واقعیات را آنها می‌فهمند و می‌دانند که در بعضی از زمینه‌های بسیار مهم و حساس، رتبه‌های اول را در دنیا به دست آورده است.» (۱)

۶/۲- تقویت فناوری و پیشاهنگ شدن در تولید علم

«آنچه می‌تواند ما را در مقابل تهاجم همه جانبه دشمنان در سطوح مختلف حفظ کند، همین فهرستی است که عرض کردم: تقویت ایمان، تقویت علم، تقویت فناوری، تسلط بر فنون روز، پیشاهنگ شدن در تولید علم، شکوفایی استعدادها، آحاد ملت و جوانان در رشته‌های مختلف - چه علوم انسانی، چه علوم طبیعی، چه انواع گوناگون علوم تجربی - همبستگی ملی و تقویت همدلی در میان مردم؛ اینهاست که می‌تواند یک ملت را تقویت کند.» (۲)

۱ - بیانات در خطبه‌های نماز جمعه تهران، به تاریخ ۱۳۸۳/۸/۱۵.

۲ - بیانات در اجتماع بزرگ مردم کرمان، به تاریخ ۱۳۸۴/۲/۱۱.



۶/۳- حفظ عزت

«جمهوری اسلامی ایران، آنچه را که امروز دارد، با همت فرزندان خود به دست آورده است. ما گردنمان زیر بار منت هیچ کس در دنیا خم نیست. البته از تجهیزات مدرن جهانی استفاده کرده ایم؛ اما با عزت. باز هم استفاده خواهیم کرد؛ اما با عزت.» (۱)

۶/۴- تکیه به نیروهای خودی

«من امروز به شما فرزندان شجاع این آب و خاک عرض می‌کنم: به خودتان متکی باشید. ما، در راه و راه را به روی خودمان نمی‌بندیم که از امکانات جهان و فناوری جدید استفاده نکنیم. علم و فناوری متعلق به همه بشریت است و هیچ کس نمی‌تواند آن را منحصر به خود بداند و منت آن را بر سر کسی بگذارد. همه بشر در تکوین موجودی امروز مدنیت بشری، با هم سهیم بوده‌اند. ما راه را به روی خودمان نمی‌بندیم و این را حق خودمان می‌دانیم. اما دو نکته مسلم است: نکته اول این که، تکیه اصلی ما به نیروهای خودی است. شما باید همت کنید؛ شما باید بسازید؛ شما باید مهارت به دست بیاورید؛ همچنان که پس از پیروزی انقلاب اسلامی، گامهای بسیار بلندی در این راه برداشت کسانی که اطلاعات و اخبار را دارند، می‌دانند که امروز، آشنایی، مهارت و تسلط جوانان ما در نیروهای مسلح جمهوری اسلامی بر تجهیزات پیچیده و مدرن، دهها برابر بیش از قبل از انقلاب است. امروز ما روی پای خودمان هستیم.» (۲)



۱- بیانات در جمع پرسنل «پایگاه هوایی شهید بابایی» اصفهان، به تاریخ ۱۳۷۱/۷/۱۸.

۲- همان.

۶/۵- حفاظت از انقلاب

«نکته دوم این که، محصول این همه دستاورد، برای حفاظت از انقلاب است؛ حفاظت از این گوهر گرانبهائی که ملت ما با خون خود آن را به دست آورده است.» (۱)

۶/۶- ضرورت پیشرفت و شکستن مرزهای علم به کمک غرور ملی

«این که ما باید پیشرفت کنیم و مرزهای علم را بشکنیم و باز کنیم، یک نگاه نژادپرستانه خودخواهانه نیست، که ما چون ایرانی هستیم، باید این کار را بکنیم. بله، ما غرور ملی هم داریم؛ این را انکار نمی‌کنیم. ما به گذشته خودمان نگاه می‌کنیم و احساس عزت و سرافرازی می‌کنیم. ما کسانی بودیم که اسلام را با آغوش باز پذیرفتیم؛ ما کسانی بودیم که اهل بیت را زودتر از خیلی‌های دیگر شناختیم؛ ما کسانی بودیم که در راه گسترش اسلام این همه تلاش کردیم؛ ما کسانی بودیم که مظلومان اهل بیت را که در خانه‌های خود- یعنی مدینه و مکه و کوفه- امان نداشتند، در آغوش خود پذیرفتیم. شما ببینید چقدر امامزاده در ایران هستند؛ آن امامزاده‌ها کی هستند؟ اینها که ایرانی نبودند. اینها کسانی‌اند که به ایران آمدند و ایرانیها با آغوش باز اینها را پذیرفتند؛ حتی گاهی برای اینها جنگیدند و در راه اینها تلاش کردند. از همین مازندران ما و گیلان ما- منطقه شمال رشته کوه البرز- یک عده‌یی از ایرانیهای ما بلند شدند و به یمن رفتند و حکومت شیعه زیدی را در آن جا برپا کردند. یمنیها شیعه زیدی هستند و حکومت زیدی داشتند؛ این به وسیله سربازان ایرانی و

مجاهدان و مدافعان اسلام و تشیع صورت گرفت. توقع ما برای آینده، ناشی از اعتزاز ملی خودمان است؛ این را انکار نمی‌کنیم؛ اما فقط این نیست - همان‌طور که گفتیم - نگاه انسانی و اسلامی است. البته تحقیقات لازم است، بودجه اختصاصی لازم است، فضای تشویق و میدان دادن به کار لازم است، اتصال دانشگاه با صنعت لازم است؛ همه اینها جزو لوازم کار است.» (۱)

۶/۷- لزوم مراکز فعال تحقیقاتی و حمایت از آن

«مسئولان دولتی هم باید این پایه و اساس را - که همان تحقیق است - مورد توجه قرار دهند و بدانند که نه علم و نه فناوری، بدون وجود مراکز فعال تحقیقاتی، پیشرفتی نخواهد داشت. هم دانشگاه‌های ما، هم مراکز تحقیقاتی خارج از دانشگاهها باید ان‌شاءالله مورد حمایت و توجه قرار بگیرند.» (۲)

۶/۸- احصاء نیازهای اصلی کشور در حوزه علوم و فناوری

«نیازهای اصلی کشور در حوزه علوم و فناوری باید احصاء شوند.» (۳)

۶/۹- تلاش برای جبران عقب‌ماندگی کشور در عرصه علم و فناوری

«یکی از با اولویت‌ترین کارها عبارت است از مسأله علم و فناوری؛ این در کشور لازم است. ما در این زمینه‌ها یک عقب‌افتادگی مزمن تاریخی فاحشی داریم، که گناهِش به گردن کسانی است که با



۱ - بیانات در دیدار با جمعی از مهندسان و محققان فنی و صنعتی کشور، به تاریخ ۱۳۸۳/۱۲/۵.

۲ - بیانات در دیدار با اساتید دانشگاهها، به تاریخ ۱۳۸۹/۶/۱۴.

۳ - بیانات در دیدار با اساتید دانشگاه، به تاریخ ۱۳۸۴/۷/۲۱.

سیاست خودشان، با رفتار خودشان، با طمع ورزشی‌های خودشان، با سهل‌انگاری‌های خودشان، این بیماری مزمن را بر یک چنین ملت بزرگی تحمیل کردند. و ما حالا می‌خواهیم خودمان را از زیر این بار، از زیر این بختک سنگین خلاص کنیم. بنابراین من، شما، مسئولین ذی‌ربط، مسئولین بخشهای مختلف کشور و هر انسان باسرف در این کشور که امکانی دارد، باید در این زمینه تلاش کند؛ هر کس به قدر خودش. همه مسئولند؛ از یک دانشجویی که امسال وارد دانشگاه شده، تا دانشجوهای برتر و بالاتر، تا اساتید، تا مسئولین نظام آموزشی و علمی کشور، تا بخشهای مختلف، در سلسله مراتب اداری و علمی کشور. همه باید تلاش کنیم، همه باید کار کنیم، همه باید بدویم تا بتوانیم این عقب‌افتادگی تاریخی تحمیل شده بر خودمان را جبران کنیم؛ این یک مسأله جدی است.» (۱)

۶/۱۰- تجاری سازی نجیبانه محصولات علمی

«مسأله تجاری‌سازی خیلی مهم است. یافته‌های علمی و صنعتی بایستی بتوانند در کشور تولید ثروت کنند. برادران مسؤول در دفتر ما یک محاسبه‌ای کردند؛ نظر آنها این است که تا سال ۱۴۰۴ ما باید بتوانیم حداقل بیست درصد از درآمد کشور را از راه صنایع دانش‌بنیان و فعالیتهای تجاری دانش‌بنیان تأمین کنیم؛ یعنی از محل فروش محصولات علمی. این چیزی است که باید خیلی از دسترس دور نباشد. دانش، منشأ تولید ثروت است؛ البته به شکل صحیح، به شکل نجیبانه، نه آن‌چنان که دنیای غرب از دانش برای تحصیل ثروت

استفاده کرد که من بعد ان شاء الله اشاره مختصری خواهم کرد. البته تجاری کردن اگر در ذهنیت دستگاههای مسؤول باشد، بایستی از آغاز- یعنی از وقتی که ما پروژه علمی و پروژه صنعتی را تعریف می کنیم- به فکر تجاری کردنش باشیم؛ نگذاریم بعد از آن که کار تمام شد، به فکر بیفتمیم که بازاریابی کنیم. از اول باید این مسأله در محاسبات بیاید؛ که البته این مربوط به دستگاههای مسؤول کشور است که دنبال کنند.»(۱)

۶/۱۱- تأسیس شرکتهای علمی و فناوری

«پیشنهاد کردند- من این جا یادداشت کردم- که امکان تأسیس نوع تازه ای از شرکتهای علمی و فناوری، در کشور فراهم شود. خیلی ها هستند که مایلند دسته جمعی کار علمی کنند، تحقیقات علمی کنند. این کمکی که دولت و مسؤولان به پیشرفتهای علمی و فناوری می کنند، منحصر نماند به کمک به افراد؛ این شرکتهای مورد حمایت قرار بگیرند. البته اینها با شرکتهای تجاری که مالیات و تسهیلات متعارف بانکی به آنها تعلق می گیرد، اشتباه نشوند؛ بلکه به طور ویژه به این شرکتهای کمک شود. فکر می کنم این کار، کار لازم و مهمی است. دولت باید در این زمینه یک مدیریت هوشمندانه ای به کار ببرد.»(۲)

۶/۱۲- تشکیل پژوهشگاههای ویژه

«یک مسأله دیگر که خیلی مهم است، تشکیل پژوهشگاههاست.

۱- بیانات در دیدار با نخبگان جوان، به تاریخ ۱۳۸۹/۷/۱۴.

۲- بیانات در دیدار با اساتید دانشگاهها، به تاریخ ۱۳۸۹/۶/۱۴.



در هر دانشگاهی علاوه بر پژوهشگاههای مستقلی که وجود دارد، لاقلاً باید یک پژوهشگاه جدی به وجود بیاید. خود دانشگاهها به امر پژوهش، به صورت یک مجموعه در درون دانشگاه اهمیت بدهند. نخبه‌های ما بروند به سمت پژوهشگاهها. البته نه این که رابطه‌شان با دانش و تعلیم و تعلم قطع شود، بلکه همچنان که میل خود نخبگان هم همین است که سراغ پژوهش بروند، جذب این پژوهشگاهها شوند و در آنجا کار پژوهشی انجام دهند. امکانات- همان‌طوری که قبلاً عرض کردیم- در اختیارشان قرار بگیرد تا بتوانند پژوهش کنند؛ این همان چیزی است که یک نخبه را راضی می‌کند، قانع می‌کند؛ هم استعداد او را به جریان می‌اندازد و به فعلیت می‌رساند و احساس می‌کند می‌تواند کار کند، هم وسوسه‌هایی که در مورد عدم امکان کار در کشور می‌شود- که روز به روز هم این وسوسه‌ها توسعه پیدا می‌کند- خنثی و بی‌اثر خواهد شد. شرکتهای علمی در این پژوهشگاهها این امکان وجود دارد که از تجربه علمی و از پختگی اساتید دانشگاهها که بعد از پایان دوره خدمتشان بازنشسته شده‌اند، استفاده شود و اینها حضور پیدا کنند. در این صورت، یک حلقه وصلی خواهد شد بین نسل جدید پژوهنده و پژوهشگر- که همین جوانهایند- و مجربینی که دورانی را در دانشگاهها گذرانده‌اند.» (۱)

۶/۱۳- لزوم ایجاد چرخه تبدیل علم به فناوری و صنعت

«چرخه علمی کامل لازم است. علاوه بر این، چرخه دیگر لازم است؛ از پدید آمدن یک فکر در ذهن یک نخبه یا یک نابغه، تا

تحويل آن به مرکز علمی و فعالیت علمی روی آن و تبدیل این فکر به یک علم یا به شاخه‌ای از یک علم، تا عبور از این مرحله و رفتن به میدان فناوری و به عرصه آمدن فناوران و نخبگان فناوری و صنعتی بر روی این یافته علمی، تا بعد به مسأله تجاری کردن- که به آن خواهم پرداخت- برسد؛ این هم باز یک چرخه دیگر است. پس علاوه بر این که یک چرخه علمی باید به وجود بیاید که علوم، همدیگر را تکمیل کنند، به هم کمک کنند، یک منظومه به وجود بیاید، چرخه و سلسله زنجیره‌وار دیگری از تولید اندیشه علمی و ایده علمی، تا تشکیل یک مجموعه ذهنی علمی، تا آمدن به میدان فناوری و صنعت، تا آمدن به بازار و تبدیل به محصول هم باید حتماً به وجود بیاید.» (۱)



۷- دستاوردهای نظام جمهوری اسلامی در عرصه علم و فناوری

۷/۱- آمیختن دانش و فناوری با ارزشهای معنوی و استقلال و آزادی

«ما با اتکال به خدای بزرگ و مقتدر و با بهره‌گیری از نیروی ملتی که به ایمان و معرفت، مجهز است، هدفهای بزرگ خود را تعقیب کرده و با گامهای مستحکم به سوی آن پیش رفته‌ایم.

دانش و فناوری را آمیخته با ارزشهای معنوی و استقلال و آزادی را همراه با تقیّد به حدود دینی و مردم‌سالاری را برخاسته از آموزشهای قرآنی فرا گرفته و به کار بسته‌ایم.» (۲)

۷/۲- انجام کارهای پیچیده علمی و فناوری و صدور آن به خارج

«جوانان ما کارخانه‌های پیچیده را می‌سازند، کارهای پیچیده علمی

۱- همان.

۲- پیام به کنگره عظیم حج، به تاریخ ۱۳۸۲/۱۱/۸.

و فناوری را انجام می‌دهند، نیاز کشور را برآورده می‌کنند، به کشورهای دیگر هم به عنوان مستشار و به عنوان کسانی که تجارت علمی و فناوری می‌کنند، کمک می‌رسانند.»(۱)

۷/۳- دستیابی به پیشرفتهای خیره‌کننده و کم‌نظیر

«ملتی که هیچ‌کس به او کمک نمی‌کند، درهای محصولات صنعتی و پیشرفتهای فناوری را به روی او می‌بندند، بعد نسل دوم و سوم و چهارم سانتریفیوژها را خودش تولید می‌کند! همه دارندگان قوای هسته‌ای و صنعت هسته‌ای در دنیا مبهوت می‌مانند. خوب، اینها از کی یاد گرفتند؟ ملتی که از لحاظ علوم زیستی هیچ‌کس به او کمک نکرده، ناگهان نگاه می‌کنند می‌بینند از سلولهای بنیادی، حیوان تولیدی به وجود می‌آورد. در دنیا چند تا کشور این را دارند؟ هفت تا، هشت تا، نه تا کشور. در بین این همه کشورها، این همه مدعیان، ناگهان از ردیف دوایم - مثلاً فرض کنید - می‌آید به ردیف هشتم قرار می‌گیرد. این حاکی از چیست؟ حاکی از استعداد فوق‌العاده نیست؟»(۲)

۷/۴- رشد حیرت‌انگیز در عرصه علم و فناوری توسط جوانان ایران زمین

«امروز جوانهای ما در زمینه علم، در زمینه فناوری کارهایی می‌کنند که خیلی برای ما، برای کسانی که پانزده سال پیش، بیست سال پیش، بیست و پنج سال پیش می‌خواستند برای آینده فکر کنند،

۱ - بیانات در اجتماع بزرگ زائران و مجاوران حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام)، به تاریخ ۱۳۸۸/۱/۱.

۲ - بیانات در دیدار با کارگران نمونه سراسر کشور، به تاریخ ۱۳۸۹/۲/۸.

از نظر آنها دور بود، اما تحقیق پیدا کرد.» (۱)

۷/۵- دستیابی به پیشرفتهای چشمگیر

«در زمینه علمی، در زمینه فناوری، در زمینه سیاسی، در زمینه خدمات گوناگون، در زمینه عمران کشور، ما به پیشرفتهای چشمگیری دست یافته‌ایم. امروز خوشبختانه سرتاسر کشور مثل یک کارگاه بزرگ است که در همه جایش دارد کار انجام می‌گیرد، خدمت انجام می‌گیرد، کارهای عمرانی انجام می‌گیرد؛ هم کارگزاران ایرانی مهارت و خبرویت و تجربه پیدا می‌کنند، هم مردم بهره‌مند می‌شوند، هم ما از دیگران بی‌نیاز می‌شویم.» (۲)

۷/۶- رسیدن در زمینه دانش و فناوری در حد شأن ملت ایران

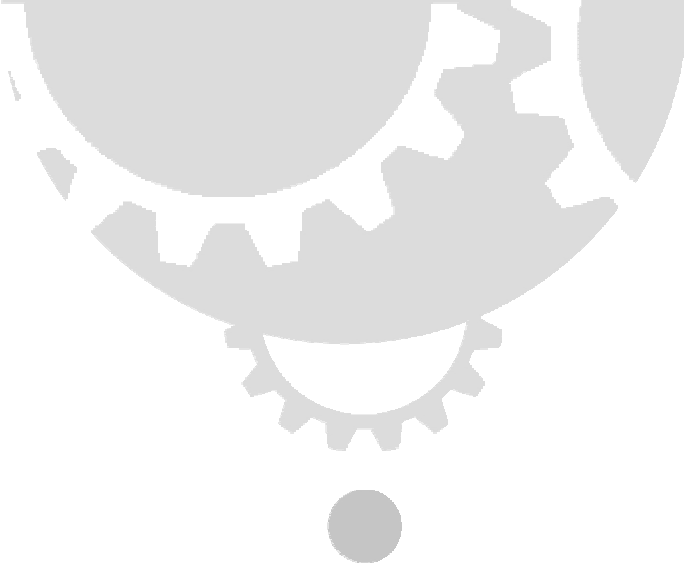
«ما هنوز با دانش جهانی خیلی فاصله داریم. البته این فاصله در دوران انحطاط، خیلی زیاد بود؛ اما امروز این فاصله به آن اندازه نیست. ما توانسته‌ایم پیش برویم، اما هنوز فاصله داریم. این که من گفتم تولید علم، معنایش این نیست که علم دیگران را یاد بگیریم - آن را که باید یاد بگیریم و در این شکی نیست - معنایش این است که ما خطِ مرز دانش را بشکنیم، باز کنیم و آفاق جدیدی را فتح کنیم؛ البته این کار دشواری است. ما باید به فناوری جهشی دست پیدا کنیم؛ ما باید بتوانیم بر فناوریهای موجود دنیا بیفزاییم؛ ما باید بتوانیم اختراع صددرصد ایرانی را در بازارهای دنیا مطرح کنیم. البته در راهی که تا امروز آمده‌ایم، خیلی خوب آمدیم؛ در این شکی نیست. من تا حدود



۱ - بیانات در دیدار با کارگزاران نظام، به تاریخ ۱۳۸۹/۸/۱۲.

۲ - بیانات در دیدار با دانش آموزان در آستانه ۱۳ آبان، به تاریخ ۱۳۸۹/۸/۱۲.

زیادی با کارها آشنا هستیم. سالهاست که ما آمارهای گوناگون را از بخشهای مختلف می‌گیریم و می‌خوانیم؛ می‌دانیم خیلی پیشرفت کرده‌ایم؛ اما این پیشرفتها برای جامعه ایرانی کافی نیست. جامعه‌ای که پزشکی و ستاره‌شناس و عالم اجتماعی هزار سال قبلش قرن‌ها بعد در دنیا متأللی و درخشیده است، این پیشرفتها برای او کم است. امروز هم با این که دنیای پزشکی ممکن است از تحقیقات هزار سال پیش ابن سینا استفاده زیادی نبرد - اگر چه عقیده‌ام این است که باز هم دانش امروز می‌تواند از آنها در زمینه‌هایی استفاده کند - اما وقتی به این تحقیقات نگاه می‌کند، تحسین و تجلیل می‌کند. تحقیقات محمدبن زکریای رازی و خواجه‌نصیر و خیام و خوارزمی و دیگران هم همین طور است. شأن ما این است؛ لذا این پیشرفتها برای ملت ما کم است. همین چند روز قبل، یکی از چهره‌های سیاسی ما به یکی از کشورهای مطرح اسلامی رفته بود - که من نمی‌خواهم اسم بیاورم - رئیس‌جمهور آن کشور جلوی حضار غیرایرانی و غیر بومی آن کشور، که از کشورهای اروپایی بودند - نه در جلسه خصوصی که حمل بر مصاحبه و تعارف شود - گفته بود که ما مسلمانان به ایران افتخار می‌کنیم؛ هم به امروز ایران و نظام جمهوری اسلامی، هم به ایران در تاریخ اسلام. گفته بود این پیشرفتهای اسلامی، دانش اسلامی و تمدن اسلامی را ایرانیها رشد داده‌اند و به بالندگی رسانده‌اند و به یک معنا پایه‌گذاری کرده‌اند. ما این توقع را از خودمان داریم؛ ما می‌خواهیم در زمینه دانش و فناوری به جایی برسیم که شأن ملت ایران است» (۱)



گفتار بیستم انرژی هسته‌ای

(اهمیت، فواید، توطئه‌ها)

اشاره:

فناوری هسته‌ای جایگاه برجسته‌ای را در حیات اقتصادی کشورها به خود اختصاص داده است و بدون شک با گذر زمان و افزایش نیازهای صنعتی و پزشکی و انرژی، به طور فزاینده‌ای اهمیت آن بیشتر خواهد شد.

دانش و فناوری هسته‌ای، با اولویت‌ترین دانش و فناوری در دنیای امروز محسوب می‌گردد که فواید اقتصادی زیادی هم به همراه دارد. تولید برق و کاربرد درمانی و پزشکی از جمله مهمترین آثار این دانش و فناوری به حساب می‌آید.

انرژی هسته‌ای، یک شاخص بزرگ و نمایان برای پیشرفت به تناسب پیشرفتهای امروز علمی دنیاست؛ و توانایی تولید سوخت هسته‌ای، یک نیاز مبرم و قطعی برای ملت ایران است. انرژی هسته‌ای یک نیاز اساسی و اصلی برای کشور ماست چرا که منابع دیگرمان محدودند و سایر انرژیها قطعاً روزی به پایان خواهند رسید.

انرژی هسته‌ای و فناوری آن حق مسلم ملت ایران است و هیچ کس نمی‌تواند از این حق مسلم صرف نظر کند و کوتاه بیاید. ملت ایران از یک سو می‌دانند که انرژی هسته‌ای حق مسلم آنهاست و از سوی دیگر می‌دانند که کشورشان قادر است بدون اعتنای به دیگران، این حق مسلم خود را به دست آورد.

قدرتهای استکباری که هرگونه پیشرفت ما در هر عرصه‌ای را متضاد با منافع نامشروعشان می‌دانند، تاکنون به مخالفت با

فعالیت‌های هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران در سطحی وسیع پرداخته‌اند و برای ایجاد اختلال در هسته‌ای شدن ما، همواره ما را متهم به ساخت سلاح هسته‌ای نموده‌اند! در مقابل جمهوری اسلامی ایران همواره تأکید کرده است که اعتقادی به سلاح هسته‌ای ندارد و فعالیت‌های هسته‌ای‌اش صلح‌آمیز است و قبول معاهده بین‌المللی MPT از جانب جمهوری اسلامی ایران و حرکت در چارچوب مقررات جهانی و نظارت‌های آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، خود دلیلی بر این مدعا است.

جمهوری اسلامی ایران تاکنون در سایه پیگیری خواسته‌های برحقش در زمینه هسته‌ای و در پرتو تکیه بر دانش و نیروهای بومی توانسته است موفقیت‌های حیرت‌انگیز و باورنکردنی‌یی در عرصه فعالیت‌های صلح‌آمیز به دست آورده که مهمترین آنها دستیابی به چرخه تولید سوخت هسته‌ای می‌باشد.

در عرصه سیاسی نیز فعالیت‌های هسته‌ای ایران دستاوردهای درخشانی داشته است. بیش از صد کشور غیرمتعهد و حدود پنجاه کشور اسلامی، ملت ایران را به خاطر پافشاری بر احقاق حقوق هسته‌ای‌اش از ته دل تحسین و تشویق می‌کنند. بسیاری از مرم و سیاست‌مداران دنیا سیاستها و موفقیت‌های هسته‌ای ایران را ستایش می‌کنند. شعار انرژی هسته‌ای ملت ایران امروز در دنیای اسلام، آن‌چنان منعکس شده که آن به خواست عمومی ملت‌های عرب نیز تبدیل شده است. جمهوری اسلامی با ایستادگی خود توانسته است وضعیتی را در افکار عمومی جهان به وجود بیاورد که سبب شود ملت‌ها و دولت‌ها در مقابل مقاصد هسته‌ای آمریکا و سایر قطب‌های هسته‌ای دنیا بایستند.

توسعه فرهنگ مبارزه با گسترش تسلیحات هسته‌ای از جمله بزرگترین دستاوردهای سیاسی جمهوری اسلامی در عرصه هسته‌ای است. جمهوری اسلامی ایران همیشه از مقوله مبارزه با



گسترش سلاحهای کشتار جمعی و بویژه سلاح هسته‌ای استقبال کرده است و بر آمادگی‌اش برای بسیج امکانات علیه گسترش سلاحهای کشتار جمعی تأکید ورزیده است.



۱- اهمیت انرژی و دانش هسته‌ای

۱/۱- انرژی هسته‌ای، یک فناوری با ارزش

«انرژی هسته‌ای یک فناوری با ارزش و محصول یک دانش پیشرفته است و برای زندگی مردم لازم است.» (۱)

۱/۲- انرژی هسته‌ای، به عنوان انرژی جایگزین

«دنیا به جای نفت به سراغ انرژیهای جایگزین رفته است که از همه مهمتر و قابل اطمینان‌تر، انرژی هسته‌ای است.» (۲)

۱/۳- علوم هسته‌ای از بزرگترین دستاوردهای بشری

«اتم‌شناسی و علوم هسته‌ای یکی از بزرگترین دستاوردهای بشری است که می‌تواند و باید در خدمت رفاه ملت‌های جهان و رشد و توسعه همه جوامع انسانی باشد.» (۳)

۲- فواید انرژی هسته‌ای

۲/۱- تولید برق

«بسیاری از نیروگاه‌های دنیا در کشورهای پیشرفته، نیروگاه‌های هسته‌ای است. تولید برق، یکی از کارهای دانش و فناوری هسته‌ای است و برای یک کشور امتیاز است.» (۴)

۲/۲- درمان و مصارف پزشکی

«انرژی هسته‌ای برای درمان و مصارف پزشکی هم به کار



۱- بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در صحن جامعه رضوی، به تاریخ ۱۳۸۴/۱/۱.

۲- همان.

۳- پیام به نخستین کنفرانس بین‌المللی خلع سلاح و عدم اشاعه، به تاریخ ۱۳۸۹/۱/۲۸.

۴- بیانات در صحن جامع رضوی، به تاریخ ۱۳۸۴/۱/۱.

می‌رود.» (۱)

۲/۳- نقش برجسته در حیات اقتصادی

«گستره کاربرد علوم هسته‌ای طیف وسیعی از نیازهای پزشکی، انرژی و صنعتی را پوشش می‌دهد که هر یک از اهمیت شایسته‌ای برخوردار است. به این دلیل می‌توان گفت که فناوری هسته‌ای جایگاه برجسته‌ای در حیات اقتصادی را به خود اختصاص داده است و با گذر زمان و افزایش نیازهای صنعتی و پزشکی و انرژی به طور فزاینده‌ای اهمیت آن بیشتر خواهد شد و به همین میزان، تلاش برای دستیابی به انرژی هسته‌ای و بهره‌گیری از آن نیز افزایش می‌یابد. ملتهای خاورمیانه که مانند دیگر ملتهای جهان تشنه صلح و امنیت و پیشرفت اند حق دارند که با بهره‌گیری از این فناوری جایگاه اقتصادی و موقعیت برتر نسلهای آتی خود را تضمین کنند.» (۲)

۳- ضرورت برخورداری جمهوری اسلامی ایران از انرژی هسته‌ای

۳/۱- برخورداری از فواید علمی و فناوری پزشکی

«آنچه امروز در تبلیغات غریبه‌ها- بخصوص امریکاییها- در مورد انرژی هسته‌ای گفته می‌شود، هدفش این است که ملت ایران را از یک پیشرفت علمی و فناوری محروم کند. این حق ماست؛ چرا محروم شویم؟ بله، این حق مسلم ملت ایران است؛ هم علم است، هم فناوری است، هم سلامت محیط زیست است، هم دارای مصارف

۱- بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در سخن جامع رضوی، به تاریخ ۱۳۸۵/۱/۱.

۲- پیام به نخستین کنفرانس بین‌المللی خلع سلاح و عدم اشاعه، به تاریخ ۱۳۸۹/۱/۲۸.

پزشکی است، هم امید و چشم‌انداز پیشرفت برای جوانان کشور است، و بدیهی است که ملت ما این را از دست نمی‌دهد.» (۱)

۳/۲- جایگزینی برای نفت

«ما می‌خواهیم جایگزین نفت داشته باشیم و آن، انرژی هسته‌ای است. آنها می‌گویند نه، نداشته باشید؛ همان نفتتان را مصرف کنید تا تمام شود. اگر می‌خواهید نیروگاه هسته‌ای هم داشته باشید، سوختش را باید از ما بخرید. این حرف زوری است که امروز بخشی از دنیای غرب دارد با ما در میان می‌گذارد. مجرم این قضیه هم باز در درجه اول امریکاست.» (۲)



«انرژی هسته‌ای و توانایی تولید سوخت هسته‌ای، در طول سالهای نه چندان دور آینده، یک نیاز مبرم و قطعی برای ملت ایران است. اگر ملت ایران امروز برای کشور خود فناوری هسته‌ای را تحصیل نکنند، چند سال بعد، آن روزی که این جوانها وارد بازار کار و فعالیت می‌شوند، آن روزی که جمعیت ملت ایران میلیونها نفر از حالا بیشتر است؛ آن روز، ملت در یکی از اساسی‌ترین نیازهای خود مجبور است دستش را به طرف بیگانگان و احیاناً دشمنان دراز کند. مثل این که امروز ما نفت نداشته باشیم؛ نفت یک منبع تمام شدنی و تجدیدناپذیر است. نفت تا ابد که باقی نمی‌ماند؛ اگر این‌طور که امروز مصرف می‌شود، مصرف شود، تا بیست سال، بیست و پنج سال دیگر نفت

۱ - بیانات در صحن جامعه رضوی، به تاریخ ۱۳۸۴/۱/۱.

۲ - بیانات در خطبه‌های نماز جمعه تهران، به تاریخ ۱۳۸۴/۵/۲۸.

ملت ایران تمام خواهد شد. دنیا به جای نفت به سراغ انرژیهای جایگزین رفته است که از همه مهمتر و قابل اطمینان‌تر، انرژی هسته‌ای است. اگر کشور ما بیست سال دیگر انرژی هسته‌ای نداشته باشد، برای راه‌اندازی یک کارخانه، دستش به سمت کسانی دراز است که پیشرفت ملت ایران را به هیچ قیمتی نمی‌پسندند. آبرو و عزت ملت را می‌گیرند تا یک مختصری از آنچه که در اختیار دارند، به این ملت بدهند.» (۱)

«من یک وقتی در همین مشهد در حضور جمعیت عظیم مردم گفتم، اگر این نفتی که امروز در اختیار ماست، در اختیار اروپا و امریکا بود، ما برای هر بشکه‌اش باید در مقابل آنها سجده می‌کردیم تا یک بشکه نفت به ما بدهند؛ مگر می‌دادند؟! اینها می‌خواهند پانزده سال، بیست سال آینده ملت ایران برای نیاز صنعتی و کشاورزی خود و برای جریان حیات در کشور خود، محتاج آنها باشد؛ برود در خانه آنها؛ اهمیت انرژی هسته‌ای این است. حالا می‌گویند انرژی هسته‌ای برای درمان و مصارف پزشکی هم به کار می‌رود؛ بله، اینها هم است؛ اما اینها درجه‌چندم است، در درجه اول این یک نیاز اساسی و اصلی برای کشور ماست. اگر امروز مسئولین و دست‌اندرکاران ما این را تأمین نکنند، بیست سال بعد همه مردم حق خواهند داشت اینها را لعنت کنند. آن روز هم نمی‌شود به دستش آورد. وقتی یک ملت احتیاج به چیزی دارد، به او گرانفروشی می‌کنند، به او نمی‌دهند، او را

تحقیق می کنند و به او بی اعتنایی می کنند.» (۱)

۳/۳- یک شاخص بزرگ و نمایان برای پیشرفت

«ملت ما هم می داند که انرژی هسته‌ای یک شاخص بزرگ و نمایان برای پیشرفت به تناسب پیشرفتهای امروز علمی دنیاست که اگر ملت نداشت، کلاهش پس معرکه است.» (۲)

۳/۴- انرژی هسته‌ای و فناوری، حق مسلم ملت ایران

«به ما می گویند شما نفت دارید، انرژی اتمی می خواهید چه کار کنید؛ مگر امریکا نفت ندارد؛ امریکا که نفت دارد، چرا انرژی هسته‌ای دارد؟ همین اخیراً رئیس جمهور امریکا گفت، ما باید برای تولید هسته‌ای سرمایه گذاری بیشتری کنیم. همه دنیای پیشرفته دارند می روند به سمت سرمایه گذاری برای تولید هسته‌ای، آن وقت به ملت ما می گویند شما نداشته باشید! این حرف زور را ما قبول نکرده ایم و شما ملت ایران بدانید مسئولین کشور قبول نخواهند کرد. بنده به هیچ قیمتی زیر بار این حرف زور نخواهم رفت.

انرژی هسته‌ای و فناوری هسته‌ای حق مسلم شما ملت ایران است و هیچ کس حق ندارد از این حق مسلم صرف نظر کند و کوتاه بیاید. دشمن شبهه پراکنی می کند و یک عده‌ای هم نادانسته، شاید بعضی هم دانسته، همین حرفهای دشمن را در داخل پر و بال می دهند. حقیقت قضیه این چیزی است که من به شما عرض کردم. امروز اگر شما این حق را به چنگ نیاورید، دهها سال ملت ایران به عقب خواهد رفت و



۱- بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در صحن جامع رضوی، به تاریخ ۱۳۸۵/۱/۱.

۲- دیدار با مردم استان سمنان، به تاریخ ۱۳۸۵/۸/۱۷.

عقب مانده خواهد ماند. هیچ فرد مسؤولی، هیچ پیرو پیامبر اعظم راضی نخواهد شد. دنیا هم این حق را قبول دارد.»(۱)

«روحیه ملت خود ما هم یک روحیه امیدوارانه و بالاست. همین شعاری که شما دادید و همه جای این کشور این شعار را راجع به انرژی هسته‌ای می‌دهند، یک چیز ساده و عادی نیست؛ خیلی از ملتها نه می‌دانند انرژی هسته‌ای چیست، نه می‌دانند حق مسلم آنهاست؛ و نه اگر بدانند، می‌توانند در این زمینه قدم از قدم بردارند؛ اما ملت ما هم می‌داند که انرژی هسته‌ای یک شاخص بزرگ و نمایان برای پیشرفت به تناسب پیشرفتهای امروز علمی دنیاست که اگر ملتی نداشت، کلاهش پس معرکه است؛ و می‌داند که این حق مسلم آنهاست و این را شعار می‌دهند و از ته دل از مسؤولین شان می‌خواهند؛ و هم می‌دانند که کشورشان قادر است بدون اعتنای به دیگران، بدون دراز کردن دست نیاز به سوی دیگران، این حق مسلم خودش را بگیرد و به دست آورد. این، خیلی چیز مهمی است.»(۲)

۴- اهداف جمهوری اسلامی ایران از انجام فعالیتهای صلح آمیز هسته‌ای

۴/۱- قبول معاهده بین المللی MPT از جانب جمهوری اسلامی ایران

«معاهده بین المللی MPT هم وجود دارد که همه قبول کرده‌اند، ما هم قبول کردیم و از لحاظ مقررات جهانی هم هیچ اشکالی

۱- بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در سخن جامع رضوی، به تاریخ ۱۳۸۵/۱/۱.

۲- دیدار با مردم استان سمنان، به تاریخ ۱۳۸۵/۸/۱۷.

ندارد.» (۱)

۴/۲- استفاده صلح آمیز از انرژی هسته‌ای

«ملت ایران به دنبال سلاح هسته‌ای نیست؛ به دنبال استفاده صلح آمیز از انرژی هسته‌ای در مسائل زندگی؛ و این راه را دنبال خواهد کرد و به کوری چشم دشمنان با قدرت تمام به این خواهد رسید.» (۲)

۴/۳- به دست آوردن دانش هسته‌ای

«در قضیه هسته‌ای آنچه که ایران به دنبال آن است، دانش مورد نیاز است؛ دانشی که اگر امروز ملت ایران آن را دنبال نکند، فردا دیر خواهد بود؛ فردایی که نفتی به کار نباشد و همه چرخهای اقتصادی دنیا بر اساس نیروی هسته‌ای حرکت کند و ملت ایران دستش خالی باشد؛ بنشیند منتظر که دیگران به او کمک کنند؛ آنها این را می‌خواهند. مسأله هسته‌ای ما این است؛ من بارها گفته‌ام.» (۳)

۴/۴- حفظ منابع تجدیدناپذیرمان برای نسلهای آینده

«ما می‌خواهیم منابع تجدیدناپذیرمان برای نسلهای دیگر بماند. این طور نباشد که بیست سال دیگر، بیست و پنج سال دیگر، این کشور نفت نداشته باشد؛ مجبور باشیم نفت خود را از امریکا یا از عوامل امریکا بخریم.» (۴)



۱- بیانات در خطبه‌های نماز جمعه تهران، به تاریخ ۱۳۸۴/۵/۲۸.

۲- بیانات رهبر معظم انقلاب در مراسم نوزدهمین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی (ره)، به تاریخ ۱۳۸۷/۳/۱۴.

۳- بیانات در دیدار با مردم به مناسبت عید غدیر، به تاریخ ۱۳۸۸/۹/۱۵.

۴- بیانات در خطبه‌های نماز جمعه تهران، به تاریخ ۱۳۸۴/۵/۲۸.

۵- موفقیتها و دستاوردهای سیاسی جمهوری اسلامی ایران در عرصه هسته‌ای

۵/۱- پافشاری ایران برای احقاق حقوقش

«ملتهای دنیا که هیچ، حتی دولتهای دنیا که نشانه آن بیش از صد کشور غیر متعهد و حدود پنجاه کشور اسلامی است که در کنفرانس اسلامی و در جنبش عدم تعهد گرد آمده‌اند و چند مجموعه دیگر که اکثریت قاطع کشورهای دنیا هستند، همه طرفدار این هستند که انرژی هسته‌ای از انحصار چند قدرت مدعی و طلبکار جهانی بیرون بیاید و ملت ایران را برای این که در این راه شجاعانه ایستاده، از ته دل تحسین و تشویق می‌کنند.» (۱)

«شما ببینید ملت ایران دنیا را متوجه خود کرده. درست است که سیاستمدارها و تبلیغاتچی‌ها دشنام می‌دهند، اما شما بدانید ملتها تحسین می‌کنند، خود آن سیاستمدارها همه در دلشان ایران را تحسین می‌کنند. مذاکرات گوناگون را - چه در آژانس هسته‌ای، چه در بعضی از محافل سیاسی - برای ما می‌آورند، می‌بینیم ملت ایران را به خاطر پیگیری، به خاطر اشتیاق به دانش، اصرار بر حفظ این غرور علمی و ملی تحسین می‌کنند و شگفت‌زده می‌شوند. همه این گزارشهایی که ما داریم، این را نشان می‌دهد. این یک نمونه‌اش است.» (۲)

۱ - دیدار با مردم استان سمنان، به تاریخ ۱۳۸۵/۸/۱۷.

۲ - بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار با معلمان استان فارس، به تاریخ ۱۳۸۷/۲/۱۲.

۵/۲- تبدیل خواست ایران، به خواست عمومی ملت‌های عرب

«امروز ملت‌های جهان به ملت ایران نگاه می‌کنند، از ملت ایران نیرو می‌گیرند، انگیزه می‌گیرند، انرژی می‌گیرند. امروز شعارهای ضد استکباری ملت ایران در همه دنیای اسلام گسترش پیدا کرده است. امروز شما به هر کشوری از کشورهای اسلامی که حرکت کنید، با هر گونه رژیم، با هر گونه دستگاه حاکمه‌ای، می‌بینید ملت‌های آنها به شعارهای شما، به انگیزه‌ها و آرمان‌هایی که شما ترسیم کردید، با چشم عزت و احترام نگاه می‌کنند؛ شعار ضدیت با ظلم، ضدیت با سلطه، دفاع از مظلومان، دفاع از ملت فلسطین، دشمنی با شبکه اختاپوسی صهیونیسم، این دل‌ملت‌های مسلمان است؛ این گسترش انقلاب اسلامی است. حتی شما می‌بینید این شعار انرژی هسته‌ای ملت ایران- اینی که ملت ایران در مقابل فشار دشمنان ایستادگی به خرج داد و حق خود را مطالبه کرد- امروز در دنیای اسلام آن‌چنان منعکس شده که سخنگویان کشورهای اسلامی و عربی اعلام می‌کنند که خواست انرژی هسته‌ای به خواست عمومی ملت‌های عرب تبدیل شده است.»(۱)

۵/۳- ایستادگی افکار عمومی جهان در مقابل مقاصد هسته‌ای امریکا

«یک حادثه مهم دیگر که خوب است ملت ما به اهمیت آن توجه داشته باشد و این حادثه معنا دارد، اتفاقی است که در گردهمایی طولانی مربوط به ان.پی.تی در نیویورک افتاد. اصلاً این گردهمایی را تشکیل داده بودند تا قدرتهای زورگو بتوانند به برکت این گردهمایی



۱- بیانات رهبر معظم انقلاب در مراسم نوزدهمین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی(ره)، به تاریخ ۱۳۸۷/۳/۱۴.

ملتهایی را که هنوز به انرژی هسته‌ای دسترسی پیدا نکرده‌اند، باز هم محدودتر کنند، موانع سر راه آنها را بیشتر کنند. البته دلشان می‌خواست و برنامه‌ریزی کرده بودند که در این اجلاس، بالخصوص نسبت به جمهوری اسلامی کینه‌ورزی خودشان را آشکار کنند. درست عکس آنچه که می‌خواستند، اتفاق افتاد. تقریباً یک ماه این گردهمایی طول کشید. به جای این که آنها بتوانند مقاصد خودشان را پیش ببرند و کشورهای مثل جمهوری اسلامی را محدود کنند، نتیجه‌ای که از این کنفرانس طولانی به دست آمد، این بود که قدرتها به وسیلهٔ ۱۸۹ کشور موظف شدند که سلاحهای هسته‌ای خودشان را نابود کنند؛ از ادامهٔ تولید این سلاحها مانع بشوند؛ حق دستیابی به قدرت هسته‌ای صلح‌آمیز به وسیلهٔ کشورهای دیگر شناخته شد و رژیم صهیونیستی - که دایه‌های او در این کنفرانس بشدت هم به نفع او فعال بودند - محکوم شد به این که بایستی به قرارداد ان.پی.تی پیوندند؛ درست عکس آنچه آنها می‌خواستند. این حادثهٔ کوچکی نیست؛ این نشان‌دهندهٔ این است که قدرت زورگو و متکبر و مستکبر امریکا و دیگر قدرتهای زورگو و دنباله‌روان اینها در دنیا حرفشان پیشروی ندارد. امروز دیگر امریکا در موضعی نیست که بتواند در سیاستهای بین‌المللی دخالت مؤثر بکند. جمهوری اسلامی با ایستادگی سی سالهٔ خود توانسته است وضعیتی را در افکار عمومی جهان به وجود بیاورد که نه فقط ملتها، حتی دولتها هم - یعنی ۱۸۹ دولت - در مقابل امریکا می‌ایستند و علی‌رغم او تصمیم‌گیری می‌کنند و رأی می‌دهند. اینها

جزو بشارتهای الهی است به ملت بزرگ ایران.» (۱)

۵/۴- بومی بودن فناوری هسته‌ای در جمهوری اسلامی ایران

«این چینها- که الآن شما مشاهده کردید و در جریان المپیک در پکن، یک گوشه‌ای از تواناییهای فنی چینها نشان داده شد و در واقع رو شد- خیلی پیشرفتهای خوبی دارند از لحاظ علمی؛ اما توجه داشته باشید، اینها در ۱۹۴۸- که چین جدید و چین کمونیست در آن سال تشکیل شده- هیچ چیز نداشتند! ولیکن شوروی- یک حکومت با سابقه‌تر از لحاظ ایدئولوژی، و با سابقه بسیار بیشتر از لحاظ پیشرفتهای علمی و فنی- هر چه داشت در اختیار چین قرار داد؛ زمان استالین هم بود. وجود یک کشور عظیم مثل چین- البته آن وقت جمعیتش مثل حالا نبود؛ اما بالاخره کشور بزرگ، پهناور و پرجمعیتی بود- در کنار کشور بزرگ شوروی و در قلب آسیا، برای شوروی کمونیستی آن روز خیلی با ارزش بود. هر چه داشتند، در اختیار چینها گذاشتند؛ حتی انرژی هسته‌ای را.

انرژی هسته‌ای را جوانهای ما خودشان به دست آوردند. چینها انرژی هسته‌ای را مثل یک هدیه‌ای از روسها گرفتند. کما این که به کره شمالی هم دادند؛ هم چینها دادند. هم روسها دادند. ببینید پیشرفتهای کشورهایی مثل چین، به برکت حمایتهای فوق‌العاده و استثنائی کشورهای دیگر بود. هند هم همین جور است؛ البته از جهات دیگری. آن وقت که بین روسیه و چین اختلاف به وجود آمد



۱ - خطبه‌های نماز جمعه تهران در حرم امام خمینی (ره) در بیست و یکمین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی (ره)، ۱۳۸۹/۳/۱۴.

– می‌دانید دیگر تا چند ده سال متمادی بعد از دوره استالین، بین این دو کشور بزرگ کمونیستی اختلاف شدید و عمیقی بود؛ مثل اختلاف شرق و غرب و شاید هم یک خرده تندتر – این اختلاف موجب شد که روسها آمدند به کمک هندیا که همسایه چین بود؛ چینیها هم رفتند به کمک پاکستان که رقیب هند بود! یعنی عوامل سیاسی در یارگیریها تأثیر گذاشت. آن وقت چینیها انرژی هسته‌ای را دادند به پاکستان؛ روسها هم انرژی هسته‌ای و بسیاری از پیشرفته‌ها را دادند به هند. یعنی هم هند، هم پاکستان، دستاوردهایشان را از دیگران گرفتند.» (۱)

۶- ابعاد توطئه‌های استکبار جهانی علیه ایران در عرصه‌ فعالتهای صلح آمیز هسته‌ای

۶/۱- ابزار قرار دادن شورای امنیت سازمان ملل

«حالا تهدید شورای امنیت کردند، انگار شورای امنیت آخر دنیاست. ما هم شورای امنیت چشیده هستیم. در جنگ تحمیلی، آن روزی که عراقیها چند هزار کیلومتر خاک ما را زیر پا داشتند، همین شورای امنیت قطعنامه صادر کرد که بایستی جنگ را تمام کنید، دفاع و مقاومت نکنید؛ ما هم چون برخلاف مصالح کشورمان بود، قبول نکردیم. هر وقت برخلاف مصالح کشور باشد، قبول نمی‌کنیم. ملت ما ایستاده‌اند، خوشبختانه مسئولین ما با نشاط ایستاده‌اند، خدا پشتیبان ماست و اقتدار آینده کشور ما امروز در گروه تصمیم و همت مسئولان و مردم ماست. به توفیق الهی، به کمک همت و اراده و عزم

بلند مردم و به تأیید ولی عصر - ارواحنافداه - بر این حق پافشاری خواهیم کرد و آن را با همه وجود به چنگ خواهیم آورد.» (۱)

۶/۲- القاء مخالفت جهانی با غنی سازی در ایران!

«امروز شما ببینید در همین قضیه انرژی هسته‌ای - که سعی می کنند در دنیا جنجال کنند - وضعیت دنیا نسبت به ما چیست؛ بخصوص وضعیت کشورهای آسیا و خاورمیانه و کشورهای اسلامی. حالا امریکاییها مثل همیشه دهانشان را باز می کنند، چشمشان را می بندند و هر چه به دهشان می آید: می گویند دنیا با غنی سازی ایران مخالف است (!)، نه شما باید که دنیا را نمی شناسید، دنیا را نمی بینید.» (۲)

۶/۳- تهمت زدن به ملت ایران مبنی بر تلاش در جهت تولید سلاح هسته‌ای

«ملت ایران بارها اعلام کرده است که ما دنبال سلاح هسته‌ای نیستیم، این را همه می دانند؛ منطق هم همین را تأیید می کند، امروز امریکاییها وقتی می خواهند درباره مسئله هسته‌ای ایران حرف بزنند و موضعگیری کنند، چون نمی توانند صریحاً حق ملت را نادیده بگیرند و اعلام کنند که با حق یک ملت مخالفند، برای توجیه حرف خودشان در افکار عمومی دنیا، ایران را متهم می کنند که به دنبال تسلیحات هسته‌ای است. خودشان هم می دانند که دروغ می گویند؛ خودشان هم می دانند که این حرف دروغ است.» (۳)



۱ - بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در صحن جامعه رضوی، به تاریخ ۱۳۸۵/۱/۱.

۲ - دیدار با مردم استان سمنان، به تاریخ ۱۳۸۵/۸/۱۷.

۳ - بیانات رهبر معظم انقلاب در مراسم نوزدهم سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی (ره)، به تاریخ

۱۳۸۷/۳/۱۴.

«ما امروز برای دانش هسته‌ای که برای ما مهم است، کار می‌کنیم که بیست سال دیگر، سی سال دیگر، فرزندان ما، جوانان ما، نسل آینده، ملت بزرگ ایران، آن روز دستش به طرف غریبها دراز نباشد. غریبها امروز که نفت مال ماست، از زمین ما نفت استخراج می‌شود و به آنها داده می‌شود، دارند برای همین نفت به ما زور می‌گویند! -امروز این نفتی که از چاههای این منطقه بیرون می‌آید، سودش برای دولتهای غربی از سودش برای کشورهای نفت خیز بیشتر است! -امروزی که نفت مال ماست، در اختیار ماست، دست ماست، زور گویی می‌کنند، فردا که ما بخواهیم انرژی هسته‌ای را از خود آنها بگیریم، شما ببینید چه بر سر ملتها می‌آید. نظام جمهوری اسلامی فکر آن روز را می‌کند. لذا امروز اصرار می‌کند که ما بایستی این علم را، این فناوری را، این دانایی را، این تمکن را برای خودمان کسب کنیم. آن وقت جنجال راه می‌اندازند در دنیا که چرا می‌خواهید شما این را کسب کنید؟ و تهمت می‌زنند، افکار عمومی را گمراه می‌کنند که اینها دنبال بمب اتم‌اند، اینها فلائند.» (۱)

۶/۴- تهدید اتمی!

«حالا بی عقلها ملت ایران را تهدید می‌کنند! رئیس جمهور امریکا هفته گذشته به زبان تلویح و اشاره، تهدید اتمی کرد. این تهدیدها در ملت ایران کارگر نیست، اما این مایه ننگی شد برای تاریخ سیاسی امریکا؛ این نقطه سیاهی شد در کارنامه دولت امریکا. تهدید اتمی!؟

معلوم شد پشت صحنه نمایش صلح دوستی و بشردوستی و پابندی و اصرار بر معاهدات اتمی چیست! معلوم شد پشت صحنه نمایش دست دوستی دراز کردن چیست! ادبیات روباه منش تبدیل شده به ادبیات گرگ منش. تا حالا می گفتند که بله، ادست طبیعت خوانخوار و سلطه طلب دنبال چیست. اینها می خواهند اتم را و قدرت اتمی را وسیله ای قرار بدهند برای سلطه بر دنیا. قدرتهای اتمی همه شان همین جورند؛ همه شان این را وسیله و ابزاری قرار می دهند برای این که بتوانند بر ملتها سلطه پیدا کنند، بر دنیا سلطه پیدا کنند. هیچ کدام این معاهدات اتمی آژانس بین المللی انرژی اتمی را نه امضاء کرده اند، نه قبول کرده اند، و نه به طریق اولی عمل می کنند. اینها دروغگوی واضح اند. آن وقت در مورد کشورهای دیگر بنا می کنند ایراد گیری، نکته گیری، که به فلان بخش از معاهده، به فلان بند از معاهده، عمل نشد، قبول ندارند؛ اینها می خواهند رقیبی در عرصه نیروی اتم و سلاح اتمی در مقابلشان نباشد؛ مسأله این است.

سیاست هسته ای ما واضح است؛ بارها هم گفته ایم و تکرار کردیم: ما اهل استفاده از سلاحهای مخرب جمعی نیستیم؛ اما آنها هم بدانند که در مواجهه با ملت، از این جور تهدیدها و این جور گنده گویی ها طرفی نخواهند بست. ملت ایران اینها را با همه ادعاهایی که دارند، در مقابل خود ذلیل خواهد کرد و به زانو در خواهد آورد.» (۱)



۱ - بیانات در دیدار با گروه کثیری از پرستاران نمونه کشور به مناسبت سالروز میلاد حضرت زینب کبری (سلام الله علیها)، به تاریخ ۱۳۸۹/۲/۱.

۶/۵- سوء استفاده از نشستهای ان.پی.تی

یک حادثه مهم دیگر که خوب است ملت ما به اهمیت آن توجه داشته باشد و این حادثه معنا دارد، اتفاقی است که در گردهمایی طولانی مربوط به ان.پی.تی در نیویورک افتاد. اصلاً این گردهمایی را تشکیل داده بودند تا قدرتهای زورگو بتوانند به برکت این گردهمایی، ملتهایی را که هنوز به انرژی هسته‌ای دسترسی پیدا نکرده‌اند، باز هم محدودتر کنند، موانع سر راه آنها را بیشتر کنند.» (۱)

۶/۶- بدقولی و کارشکنی در دادن سوخت بیست درصد به ایران

«اما در قضیه هسته‌ای، چرخه تولید سوخت حق ماست و ما از این حق کوتاه نخواهیم آمد و دست برنخواهیم داشت؛ این حق ماست. ما می‌خواهیم سوخت را تولید کنیم، چندین هزار مگاوات، ما به سوخت هسته‌ای نیاز داریم. نیروگاههای هسته‌ای باید به وجود بیاید. خوراک این نیروگاهها باید در داخل تولید بشود. اگر قرار شد برای خوراک این نیروگاهها به خارج متوسل بشویم و محتاج باشیم. امور کشور نخواهد گذشت؛ باید داخل بتواند خودش تولید کند. بنابراین حق ماست و دنبال این را خواهیم گرفت. آنها در جواب می‌گویند خوب، ایران احتیاج دارد به سوخت هسته‌ای، ما برایش تأمین می‌کنیم؛ بانک جهانی درست بکنیم، چه می‌کنیم، تأمین می‌کنیم. این حرف، حرف مهملی است، حرفی بی‌معنا و بی‌وجهی است. در همین ماجرای جریان تبادل سوخت بیست درصد، معلوم شد که چقدر اینها صادقند! (۱) ما

۱ - خطبه‌های نماز جمعه تهران در حرم امام خمینی (ره) در بیست و یکمین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی (ره)، ۱۳۸۹/۳/۱۴.

نیاز داشتیم برای این نیروگاه کوچک و آزمایشی، به سوخت بیست درصد. خوب، این چیز معمولی هم هست، در دنیا می گیرند، ما هم قبلها، چندین سال قبل از این، پانزده شانزده سال قبل از این خودمان گرفته بودیم؛ این را خریده بودیم و هیچ مشکلی هم وجود ندارد. اینها بمجرد این که حس کردند ایران به این احتیاج دارد، شروع کردند به بازی درآوردن و این را تبدیل کردند به یک مسأله. خود این به نظر من اشتباه بزرگی بود از طرف امریکا و غرب؛ اشتباه کردند در قضیه سوخت بیست درصد این جوری عمل کردند.

اولا با این کارشناس ما را تشویق کردند که ما خودمان برویم سراغ سوخت بیست درصد. ما نمی خواستیم؛ ما تصمیم نداشتیم سوخت بیست درصد تولید کنیم؛ ما همان سه و نیم درصد برایمان کافی بود؛ اما با این کار، اینها ما را تشویق کردند، وادار کردند، به ما تفهیم کردند که باید برویم سراغ بیست درصد؛ و رفتیم. این اشتباه اولشان بود. اشتباه دوم این بود که به همه دنیا ثابت کردند، مدلل کردند که امریکا و بقیه کسانی که این سوخت را می توانند تولید کنند، قابل اطمینان نیستند برای این که انسان سوختش را به امید اینها بگذارد. چون تا مورد احتیاج قرار گرفت، همه مدعاهای خودشان، همه خواسته های خودشان را فهرست می کنند، می گویند: آقا! باید اینها را عمل کنید تا ما این سوخت را به شما بدهیم! خوب، این که معامله نشد. بنابراین در مسأله هسته ای حرفی ندارند، منطقی ندارند. ما هم راه پیدا کرده ایم، داریم حرکت می کنیم؛ ان شاء الله همین راه را هم ادامه



خواهیم داد.» (۱)

۶/۷- نیازمند کردن ایران به سوخت هسته‌ای نیروگاهها

«من یک وقت گفتم که اگر نفت در اختیار آنها بود و ما احتیاج به نفت داشتیم، یک بطری نفت را به قیمت پدر و مادرشان به ما می‌فروختند. این طور نبود که یک بشکه نفت را مثلاً فرض کنید بیست، سی یا سی و پنج دلار - و در واقع مفت - که ما الان داریم می‌فروشیم، بفروشند. ولی می‌بینید که کشورهای دارای نفت، سرمایه تجدید نشدنی خودشان را تبدیل می‌کنند به یک پول ناقابل. اینها می‌خواهند همین معادله را در مسأله سوخت اتمی به وجود بیاورند؛ یعنی کاری کنند که اگر ما نیروگاه اتمی هم داریم، برای سوختش محتاج آنها باشیم.» (۲)

۶/۸- وابسته نگه داشتن اقتصاد ایران به نفت

«این برای استکبار جهانی مشکل است که ملت ایران توانسته باشد با اراده و توانیهای ذاتی خود گام بزرگی را در راه علم و فناوری بردارد؛ مثل انرژی هسته‌ای. اینها می‌خواهند انرژی کشور همیشه وابسته به نفت باشد، که نفت هم تحت تأثیر سیاستهای قدرتهای جهانی است. می‌خواهند ملتها را با ریسمانهای نامرئی همیشه در مشت خودشان نگهدارند؛ ملت ایران این را قبول نمی‌کند.» (۳)

۱ - بیانات در دیدار با کارگران نظام، به تاریخ ۱۳۸۹/۵/۲۷.

۲ - بیانات در دیدار با هیأت علمی و کارشناسان جهاد دانشگاهی، به تاریخ ۱۳۸۳/۴/۱.

۳ - بیانات در دیدار با مردم پاکدشت، در سالروز عید سعید غدیر، به تاریخ ۱۳۸۳/۱۱/۱۰.



۶/۹- محروم کردن ملت ایران از پیشرفت علمی و فناوری

«آنچه امروز در تبلیغات غربیها- بخصوص امریکاییها- در مورد انرژی هسته‌ای گفته می‌شود، هدفش این است که ملت ایران را از یک پیشرفت علمی و فناوری محروم کند.»(۱)

۶/۱۰- تحقیر ملت ایران

«آن چیزی که امریکا به ما می‌گوید، این است که شما این فناوری را که خودتان هم به دست آورده‌اید، این را بگذارید کنار، ما به شما سوخت هسته‌ای می‌دهیم. یعنی چه؟ یعنی شما نیروگاه بسازید، بعد برای سوخت این نیروگاه بیاید سراغ ما تا ما با هر شرایط و هر قیمتی که دلمان خواست، آن را به شما بدهیم. مثل این می‌ماند که امروز نفت در اختیار امریکا باشد، بخواهد به ما نفت بدهد. شما فرض کنید. اگر در این شرایط ما برای تولید انرژی در داخل کشور احتیاج به نفت یا گازوئیل داشتیم و می‌خواستیم آن را از امریکاییها بگیریم، با ما چه رفتاری می‌کردند! ملت ایران را چقدر تحقیر می‌کردند! این که می‌گویم انرژی هسته‌ای یا به تعبیر درست تر فناوری هسته‌ای، چرخه سوخت امکان غنی‌سازی هسته‌ای حق مسلم ملت ماست، این به معنای این است که اگر این را امروز برای این ملت تأمین نکنیم، فردا این ملت دست‌گدایی به سوی دشمنان و مخالفین خودش دراز کند. ملت ما زیر بار این حرف نخواهد رفت.»(۲)



۱- بیانات در صحن جامع رضوی، به تاریخ ۱۳۸۴/۱/۱.

۲- بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در صحن جامع رضوی، به تاریخ ۱۳۸۵/۱/۱.

۶/۱۱- ممانعت از ورودِ صنعت اتمی و روشهای نوین و فناوری جدید به ایران

«ملاحظه کردید که دربارهٔ نیروگاه اتمی و تشکیل کورهٔ اتمی، چه جنجالی در دنیا به وجود آوردند و گفتند که ایران می‌خواهد بمب اتم درست کند! می‌دانند که این طور نیست. آنها می‌خواهند صنعت اتمی، وارد کشور نشود. می‌خواهند روشهای نوین و فناوری جدید، به این ملت نرسد؛ زیرا اگر این ملت، با این استعدادی که دارد، دستش به دانش و فناوری جدید رسید، دیگر به هیچ وجه نمی‌توانند با او مقابله کنند. این، جزو همان روشهاست.» (۱)

۶/۱۲- ممانعت از توجه جدی ملتهای منطقه به حق طبیعی‌شان

«شاید یکی از اهداف غبارآلود کردن فضا در مورد برنامه‌های صلح‌آمیز هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران این است که مانع از توجه جدی ملتهای منطقه به این حق طبیعی و ارزشمند خود شوند.» (۲)

۷- دلایل مخالفتِ قدرتهای استکباری با فعالیتهای صلح‌آمیز هسته‌ای ایران

۷/۱- خود اتکایی ایران در تولید برق و تولید سوخت اتمی

«آنچه امروز جنجال امریکاییها علیه ایران را به وجود آورده و اینها را دستپاچه کرده، این است که اینها دارند می‌بینند که ایران نیروگاه هسته‌ای را به وجود آورده و می‌تواند برق هسته‌ای تولید کند و سوخت و خوراک آن را هم خودش در داخل تولید می‌کند. این،

۱ - بیانات به مناسبت روز مبارزه با استکبار جهانی، به تاریخ ۱۳۷۵/۸/۹.

۲ - پیام به نخستین کنفرانس بین‌المللی خلع سلاح و عدم اشاعه، به تاریخ ۱۳۸۹/۱/۲۸.



اولین نقطه نگرانی اینهاست.» (۱)

۷/۲- بومی بودن و ایجاد بیداری اسلامی کردن

«نقطه دوم نگرانی آنها این است که از این ناراحتند که این دانش در داخل رشد کرده و رویده است؛ یعنی در واقع بومی است. البته این به معنای آن نیست که ما این دستگاه را اختراع کردیم؛ نه، بلکه به این معناست که ما برای فراگیری این کار در خانه آنها رفتیم. محققان جوان خودمان - همین جوانهایی مثل شما - و صدها مغز متفکر و خوشفکر توانسته‌اند این دستگاه عظیم را راه‌اندازی کنند و به نتیجه برسانند؛ دانش را در میان خودشان بارور کنند؛ فناوری را به وجود بیاورند و در خانه این و آن نروند؛ این یکی از نگرانیهای آنهاست؛ چرا، چون می‌بینید این درست بر خلاف آن فلسفه استکباری است که کشورهای که می‌خواهند تحت سلطه باشند، نباید در دانش و فناوری استقلال داشته باشند؛ باید دستشان دراز باشد؛ محتاج آنها باشند. آنها می‌دانند که اگر امروز کشور و ملت ایران توانست بر قله این فناوری بنشیند، سخن حق او در دنیا که همان استقلال امت اسلامی و عزت اسلامی است، بیشتر در بین مسلمانها و در جوامع اسلامی جایگزین خواهد شد و ذهنها بیشتر آن را قبول خواهند کرد؛ از این ناراحتند؛ لذا جنجال می‌کنند. بنابراین حقیقت قضیه غیر از آن چیزی است که آنها می‌گویند.» (۲)



۱ - بیانات در دیدار با هیأت علمی و کارشناسان جهاد دانشگاهی، به تاریخ ۱۳۸۳/۴/۱.

۲ - همان.

۷/۳- نگرانی از شکل گرفتن یک ایران قدرتمند و پیشرفته

«امروز تهدیدها و جنجالهایی که دولتمردان امریکا پی‌درپی می‌کنند، بیشتر ناظر به مسأله انرژی هسته‌ای و به دروغ تهمت ساختن سلاح هسته‌ای است. هم رئیس‌جمهور امریکا و هم دولتمردان این کشور بارها و بارها از خطر سلاح هسته‌ای که به وسیله ایران تولید شود، حرف زده‌اند. خود آنها بخوبی می‌دانند که ماجرای ساخت سلاح هسته‌ای یک افسانه است و هیچ واقعیتی ندارد. مسأله آنها این است که از شکل گرفتن یک ایران قدرتمند و پیشرفته نگرانند. آنها با پیشرفت ملت ایران مخالفند؛ و الا می‌دانند که ما دنبال سلاح هسته‌ای نیستیم، آنها نمی‌خواهند در این منطقه حساس که بیشترین نفت دنیا را دارد و یکی از حساس‌ترین مناطق دنیاست - یعنی خاورمیانه - کشوری که مستقل است و زیر پرچم اسلام زندگی می‌کند، پیشرفته باشد و از دانش و پیشرفت علمی و فناوری مدرن برخوردار باشد.» (۱)

۷/۴- مخالفت با نوآوری و خلاقیت و قطع وابستگی ایران

«یکی از علل دشمنی استکبار و توطئه‌های جهانی با ملت ایران در قضیه انرژی هسته‌ای و قضایای مشابه همین است. شما می‌بینید در همان حالی که آمریکاییها پیشقراولند و بعضی از اروپاییها هم دنباله‌رو امریکا در ضدیت با دستیابی ملت ایران به انرژی هسته‌ای و تلاش می‌کنند و تهدید می‌کنند و الفاظ درشت به کار می‌برند، می‌روند با کشورهای دیگری که از لحاظ علمی و صنعتی بمراتب عقب مانده‌تر هستند و بسیار با ملت ایران فاصله دارند، قرارداد انرژی هسته‌ای

می‌بندند! معنای این حرف چیست؟ معنایش این است که اگر انرژی هسته‌ای موجب وابستگی بیشتر یک ملت به خودشان شود، آن را برای آن ملت مجاز می‌دانند. آنها با آن انرژی هسته‌ای مخالفند که یک ملت با ابتکار خود، به دست خود، بدون نیاز به آنها، با استقلال کامل به دست آورده است. جوانان عزیز ما، ملت بزرگ ما، این امتیاز را پیدا کرده‌اند که به این رتبه علمی و صنعتی پیشرفته با اتکاء به نیروی خود رسیدند؛ وابستگی ایجاد نکردند، بلکه این ضدِ وابستگی است. همین انرژی هسته‌ای برای دیگر ملتها که دولتهای مستکبر به آنها می‌دهند، موجب وابستگی است؛ اما برای ملت ایران که خود از درون می‌جوشد، ابتکار می‌کند، نوآوری می‌کند، خودش خلاقیت و تولید می‌کند، موجب قطع وابستگی است. استکبار جهانی و دشمنان ملت ایران، با این دشمنند.» (۱)



۸- ضرورت مبارزه با گسترش تسلیحات هسته‌ای

۸/۱- اجماع قاطع جامعه جهانی برای نابودی تسلیحات هسته‌ای

«از زمانی که انفجار نخستین جنگ افزارهای هسته‌ای توسط دولت ایالات متحده امنیت بشری را با تهدید مواجه ساخت، ضرورت نابودی کامل این سلاحها مورد اجماع قاطع جامعه جهانی قرار داشته است. استفاده از سلاح هسته‌ای نه تنها به کشتار و تخریب گسترده منجر شد، بلکه میان آحاد ملت، نظامی و غیرنظامی، کوچک و بزرگ، زن و مرد و کهنسال و خردسال تمایزی قائل نشد و آثار ضد بشری آن مرزهای

۱ - بیانات رهبر معظم انقلاب در مراسم نوزدهمین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی (ره)، به تاریخ ۱۳۸۷/۳/۱۴.

سیاسی و جغرافیایی را در نوردید، و حتی به نسلهای بعدی نیز خسارتهای جبران‌ناپذیر وارد نمود و لذا هرگونه استفاده و حتی تهدید به استفاده از این سلاح، نقض جدی مسلم‌ترین قواعد بشردوستانه و مصداق بارز جنایت جنگی به شمار می‌آید.»^(۱)

۸/۲- اصرار دولتهای استکباری بر نگهداری و افزایش سلاحهای هسته‌ای شان

«به لحاظ نظامی و امنیتی نیز به دنبال دستیابی چند قدرت به این سلاح ضد بشری، تردیدی باقی نماند که پیروزی در جنگ هسته‌ای ناممکن و درگیری در چنین جنگی غیر عقلانی و ضد انسانی است. ولی برغم این بدیهیات اخلاقی، عقلانی، انسانی و حتی نظامی، خواست مؤکد و مکرر جامعه جهانی برای نابودی این سلاحها توسط گروه انگشت‌شماری از دولتها، که امنیت خیالی خود را بر ناامنی همگانی بنا کرده‌اند، نادیده گرفته شده است.

اصرار این دولتها بر نگهداری، افزایش و گسترش توان تخریبی این سلاحها، که هیچ کاربردی جز ارباب و ترور دسته‌جمعی و ایجاد امنیت کاذب، مبتنی بر بازدارندگی ناشی از نابودی تضمین شده همگانی نداشته و ندارد، استمرار کابوس هسته‌ای جهان را به دنبال داشته است.»^(۲)

۸/۳- نفاق آمریکا در ادعای مبارزه با گسترش سلاح هسته‌ای!

«تنها مجرم اتمی جهان، اینک به دروغ خود را مدعی مبارزه با

۱ - پیام به نخستین کنفرانس بین‌المللی خلع سلاح و عدم اشاعه، به تاریخ ۱۳۸۹/۱/۲۸.

۲ - همان.



گسترش سلاح اتمی معرفی می‌کند؛ در حالی که یقیناً هیچ اقدام جدی در این مسیر صورت نداده است و هرگز صورت نخواهد داد. اگر ادعای مبارزه با گسترش سلاح هسته‌ای آمریکا دروغ نبود، آیا رژیم صهیونیستی می‌توانست ضمن خودداری از پذیرش مقررات بین‌المللی در این زمینه بویژه ان.پی.تی، سرزمین اشغال شده فلسطین را به زرادخانه‌ای مبدل سازد که انبوهی از سلاحهای هسته در آن ذخیره شده است؟

نام اتم به همان میزان که بیانگر پیشرفت دانش بشری است، متأسفانه یادآور زشت‌ترین واقعه تاریخ و بزرگترین نسل‌کشی و سوءاستفاده از دست آورد علمی انسان نیز است. هر چند که کشورهای متعددی اقدام به تولید و انباشت سلاح هسته‌ای کرده‌اند که فی‌نفسه می‌تواند مقدمه ارتکاب جرم تلقی شده و صلح جهانی را شدیداً در معرض تهدید قرار داده است، اما فقط یک دولت مرتکب جرم اتمی شده است. تنها دولت ایالت متحده آمریکا است، که ملت مظلوم ژاپن در هیروشیما و ناکازاکی را در جنگی نابرابر و غیر انسانی مورد هجوم اتمی قرار داد.» (۱)

۸/۴- قدرتها، بزرگترین ناقضین معاهده عدم اشاعه تسلیحات هسته‌ای

«منابع خارج از شمار اقتصادی و انسانی در رقابت غیر عقلانی هزینه شده‌اند تا هر یک از ابرقدرتها توان خیالی پیدا کنند که بیش از ده هزار بار رقیبان خود و سایر ساکنان کره خاکی منجمله خودشان را نابود کنند. بی دلیل نیست که این راهبرد «بازدارندگی مبتنی بر نابودی



تضمین شده متقابل»، یا دیوانگی نام گرفته است.

برخی از دولتهای هسته‌ای در سالهای اخیر از نظریهٔ بازدارندگی در مقابل سایر قدرتهای هسته‌ای بر مبنای «نابودی تضمین شده متقابل» هم فراتر رفته‌اند تا جایی که در راهبرد هسته‌ای این دولتها، بر حفظ انتخاب هسته‌ای در برابر تهدیدات متعارف از سوی ناقضین معاهده عدم اشاعه تأکید شده است، در حالی که بزرگترین ناقضین معاهده عدم اشاعه، قدرتهایی هستند که علاوه بر نقض تعهد خود در ۶ معاهده برای خلع سلاح هسته‌ای، حتی در اشاعه عمودی و افقی این سلاحها گوی سبقت را از دیگران ربوده و منجمله با کمک به تسلیح رژیم صهیونیستی به سلاحهای هسته‌ای و حمایت از سیاستهای آن رژیم، در اشاعهٔ واقعی این سلاحها نقش مستقیم و مغایر تعهدات خود بر مبنای مادهٔ ۱ معاهده ایفا کرده و منطقهٔ خاورمیانه و جهان را با تهدیدی جدی روبه‌رو کرده‌اند و در رأس این دولتها، رژیم زورگو و متجاوز ایالات متحده آمریکا است.» (۱)

۸/۵- آمادگی جمهوری اسلامی ایران برای بسیج امکانات علیه گسترش سلاحهای کشتار جمعی

«به اعتقاد ما افزون بر سلاح هسته‌ای، دیگر انواع سلاحهای کشتار جمعی، نظیر سلاح شیمیایی و سلاح میکروبی نیز تهدیدی جدی علیه بشریت تلقی می‌شوند. ملت ایران که خود قربانی کاربرد سلاح شیمیایی است، بیش از دیگر ملتها خطر تولید و انباشت این گونه سلاحها را حس می‌کند و آماده است همهٔ امکانات خود را در مسیر

مقابله با آن قرار دهد.

ما کاربرد این سلاحها را حرام، و تلاش برای مصونیت بخشیدن
ابناء بشر از این بلای بزرگ را وظیفه همگان می‌دانیم.» (۱)

۸/۶- مخالفت ملت ایران با تسلیحات اتمی

«امروز هیچ ملت عاقلی، هیچ مسؤولین عاقلی، به دنبال تسلیحات
هسته‌ای نمی‌روند. و ملت ایران هم از لحاظ مبنای اسلامی و فکری با
این جور تسلیحات مخالف است، هم از لحاظ تدبیر و عقلانیت مخالف
است.

تسلیحات هسته‌ای جز هزینه ایجاد و هزینه نگهداری هیچ فایده‌ای
ندارد. تسلیحات هسته‌ای برای یک ملت قدرت نمی‌آورد؛ چون قابل
اجرا و قابل استفاده نیست.» (۲)

۸/۷- کاربرد نداشتن سلاح هسته‌ای از نظر عقلی و منطقی

«آن کسانی که امروز بمب هسته‌ای دارند، خودشان خوب می‌دانند
که اگر دست از پا خطا کنند و این سلاح هسته‌ای را به کار بیندازند،
آن‌چنان دامن خودشان را خواهد گرفت- همچنانی که یک روز
تروریستها را تقویت کردند، دامن خودشان را گرفت- که دیری
نخواهد گذشت که تروریستهای دنیا به سلاح هسته‌ای دست پیدا کنند
و امنیت را از همه مستکبران عالم و از همه ملتها بگیرند. می‌دانند که
سلاح هسته‌ای کاربرد ندارد.» (۳)

۱- همان.

۲- بیانات رهبر معظم انقلاب در مراسم نوزدهمین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی (ره)، به
تاریخ ۱۳۸۷/۳/۱۴.

۳- همان.





گفتار بیست و یکم

صنعت

(اهمیت و جایگاه، رابطه با اقتصاد، راهبردها، آفات،
الزامات، انتظارات)

اشاره:

صنعت، پیشقراول توسعه اقتصادی است و تأثیر بسیار اساسی در پیشرفت آن دارد. اصلاً پیشرفت در صنعت، عنصر اصلی پیشرفته محسوب شدن هر کشوری محسوب می‌گردد.

صنعت در غرب بیش از آن که در خدمت آسایش و رفاه انسانها باشد و راحتی و آرامش به وجود بیاورد، در خدمت اهداف استکباری قرار گرفته و در جهت تولید اسلحه و جنگ افزار با هدف تجاوز به حقوق ملتها و سلطه بر کشورها به کار گرفته شده است. جدایی از معنویت بزرگترین آفت صنعت در دنیای مادی است که سبب شده تا صنعت در کنار مزایا و دستاوردهای شگفت انگیزش، تبعات ناگوار و ویران کننده‌ای را هم برای تمدن مادی به ارمغان آورد.

در جمهوری اسلامی ایران الزاماتی برای پیشرفت در بخش صنعت در نظر گرفته شده است که آن را از آثار زیان بار و فاجعه آفرینش مبرا می‌نماید و در جهت خدمت به مردم و بشریت قرار می‌دهد.

همراه بودن با رشد اخلاقی، پایبندی به اصول و تفکرات انقلابی اصیل و رعایت ملاحظات دینی و اخلاقی و انسانی از جمله اساسی ترین الزامات صنعت در جمهوری اسلامی هستند که رعایت آنها نه تنها جلوی پیشرفت صنعتی کشور را نگرفته است بلکه دستاوردهای کم نظیری را هم برای نظام و انقلاب به همراه داشته است.

پیشرفتهای صنعتی موجود باید بستر و زمینه‌ای باشند برای تحقق آرمانهای صنعتی کشور که عمده‌ترین این آرمان‌ها پیشرفتِ جهشی در صنعت و رفتن به سمتِ صادراتِ محصولاتِ صنعتی است.

ضریبِ هوشی بالای ایرانیان، ذوق و هنر ایرانی، ابتکار و نوآوریهای خاص ملت ایران، سابقه درخشانِ نظام در زمینه استفاده از نیروهای بومی و... همه و همه امتیازاتِ نظام جمهوری اسلامی در عرصه صنعت هستند که دست به دست یکدیگر داده و نویدِ دستیابی به آرمانهای صنعتی را در آینده‌ای نه چندان دور می‌دهند.



۱- اهمیت و جایگاه صنعت

۱/۱- تأثیر صنعت در پیشرفت کشور

«معتقدیم که صنعت تأثیر بسیار اساسی‌ای دارد در پیشرفت کشور.» (۱)

۱/۲- ضرورت پیشرفت در صنعت

«در واقع عنصر اصلی پیشرفته محسوب شدن یک کشور و لوازمی که دارد، پیشرفت در صنعت است.» (۲)

۱/۳- پیشرفت صنعت، پشتوانه پیشرفت کشاورزی

«کشاورزی هم که برای ما خیلی اهمیت دارد و از نظر من یک رکن اساسی قوام و حیات کشور ما است، بستگی دارد به صنعت، پیشرفت کشاورزی جز با پیشرفت صنعتی ممکن نیست. یعنی من که رو صنعت تکیه می‌کنم، این نفی بخش کشاورزی نباید به حساب بیاید. این در واقع تأیید و کمک پیشرفت مجموعی کشور است که از جمله بخش کشاورزی هم در آن هست.» (۳)

۱/۴- صنعت، پیشقراول توسعه اقتصادی

«ما باید به جایگاه بخش صنعت در کشور توجه کنیم؛ چون همان‌طور که اشاره کردند و درست هم هست - پیشقراول توسعه اقتصادی کشور، بخش صنعت است.» (۴)

۱ - بیانات در بازدید از توانمندیهای صنعت خودروسازی، به تاریخ ۱۳۸۹/۱/۹.

۲ - همان.

۳ - همان.

۴ - بیانات در دیدار گروه کثیری از اصناف، به تاریخ ۱۳۸۰/۴/۱۰.



۲- استقلال صنعتی

«یکی از شرایط توسعه یک کشور، استقلال صنعتی آن است. ما باید بتوانیم در همه زمینه‌های صنعتی بر پای خودمان بایستیم؛ به فکر خودمان تکیه کنیم؛ تواناییهای خودمان را به کار بگیریم.» (۱)

«دنیا، دنیای تبادل است؛ اما تبادل دو جانبه. تبادل؛ دادن و ستاندن. آن وقتی شما می‌توانید در بازار تبادل صنعتی حرفی برای گفتن داشته باشید که خودتان روی پای خودتان در زمینه صنعت بایستید. ما این را می‌خواهیم؛ ما این را لازم داریم.» (۲)

۳- انواع راهبردها و طرز فکرها در عرصه صنعت

۳/۱- واگذاری اختیار صنعت به بیگانگان

«در کشورهایی که از کاروان پیشرفتهای علمی و صنعتی عقب مانده‌اند، دو طرز تفکر وجود دارد:

یک طرز تفکر، غلط و مایه بدبختی ملت است؛ یک طرز تفکر، درست است. آن طرز تفکر غلط، همان تفکری است که در دوران حاکمیت عوامل امریکا بر این کشور حاکم بود؛ و آن این که علم و صنعت و تکنولوژی و امور فنی، باید به وسیله خارجیها، اروپاییها و غریبها آماده بشود و به صورت محصول در اختیار ما قرار بگیرد؛ ما باید پول و نفت بدهیم و از محصول کار آنها استفاده کنیم؛ این یک طرز تفکر بود. متأسفانه الآن هم این طرز تفکر در بعضی از کشورهای



۱ - بیانات در بازدید از توانمندیهای صنعت خودروسازی، به تاریخ ۱۳۸۹/۱/۹.

۲ - همان.

استعمارزده وجود دارد؛ می‌گویند ما پول می‌دهیم، غریبها برای ما می‌سازند، به این جا می‌آورند و نصب می‌کنند! گاهی احمقانه تصور می‌کنند که این یک نوع اربابی نسبت به غریبهاست؛ که ما پولدار هستیم، آنها می‌آیند برای ما می‌سازند!

امروز این طرز تفکر وجود دارد؛ در دوران گذشته هم در کشور ما وجود داشت. در دوران حاکمیت ستمشاهی، این فکر در قشر تعیین کننده و تصمیم گیر کشور بود؛ ما هم این حرف را حتی از زبان بعضی از عوامل آنها شنیده بودیم. البته این به معنای آن نیست که آنها به فکر نبودند که کارخانجاتی هم وارد کشور کنند؛ خیر، اما باز همان کارخانجات هم در اختیار بیگانه و با مدیریت بیگانه بود. در ایران کارخانه ذوب آهن آوردند؛ اما به دست بیگانه، با مدیریت بیگانه، حتی با ملکیت بیگانه!

آن روزی که انقلاب پیروز شد، از کارخانجات حساس این کشور، جمع کثیری از بیگانه‌هایی که این جا بودند، رفتند؛ آن کسانی که کارشان این نبود که بیایند به مردم ایران علم و تکنولوژی بیاموزند؛ کارشان این بود که به عنوان یک صاحبکار بزرگ و به عنوان یک دانا بیایند، یک مشت آدمهای زیردست را از این کشور انتخاب کنند، تا هم سرمایه کشور را ببرند، و هم کلید صنایع کشور در دست خودشان باشد. لذا اگر شما به نقشه صنعتی کشور نگاه کنید، خواهید دید که غریبها و امریکاییها و بعضی از اروپاییها این نقشه را به نحوی ترتیب داده بودند که اگر از این مملکت رفتند و دروازه‌های این مملکت به روی آنها بسته شد، ایرانیها خودشان از پیشبرد و اداره صنعت عاجز بمانند؛ یعنی عمداً حلقه‌های مفقوده‌ی در سلسله صنعت



این کشور به وجود آورده بودند، با قصد این که این ملت هیچ وقت نتواند روی پای خودش بایستد و کمر راست کند؛ می خواستند همیشه محتاج آنها باقی بماند.» (۱)

۳/۲- در اختیار گرفتن اداره صنعت

«یک طرز فکر، طرز فکر درست است، و آن این که ممکن است ما علم و فن و صنعت را از بیگانه‌یی که آن را دارد و ما نداریم، بگیریم؛ اما اداره آن کار را خودمان به دست خواهیم گرفت؛ خودمان صنعت را انتخاب خواهیم کرد؛ آنچه را که برای کشور لازم است، خودمان به وجود خواهیم آورد.» (۲)

۴- آفات صنعت غربی

۴/۱- وابستگی

«در گذشته، صنعتی هم که می آوردند، صنعت دروغینی بود؛ صنعت بود، اما آن صنعتی نبود که کشور را بی‌نیاز بکند. جاهای گوناگونی از تسلسل صنعتی - آن زنجیره لازمی که در یک کشور هست؛ از معدن و از مواد اولیه، تا محصول مورد استفاده در داخل خانه‌های مردم - منقطع بود؛ عمداً منقطع نگه می داشتند؛ برای این که



۱ - سخنرانی در دیدار با جمعی از خانواده‌های شهدا و اقشار مختلف مردم شهرهای شیروان، رودسر، کلپیر، برزوک کاشان، ساوه و تهران، به همراه جمعی از ائمه جمعه، نمایندگان مجلس شورای اسلامی و مسؤولان اداری این شهرها، گروهی از جانبازان استانهای خراسان و تهران، مسؤولان و کارکنان و کارگران کارخانه ایران خودرو و فرماندهان نیروی انتظامی تهران به همراه فرمانده کل نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران، به تاریخ ۱۳۷۰/۹/۱۳.

همیشه به خارج احتیاج داشته باشند.» (۱)

۴/۲- جدایی از معنویت

«تمدن غربی بر پایه ستیز با معنویت و طرد معنویت بنا شد؛ این خطای بزرگ کسانی بود که تمدن و حرکت علمی و صنعتی را در اروپا شروع کردند. به علم اهمیت دادند- این خوب بود- اما با معنویت به جنگ برخاستند؛ این بد و انحراف بود. لذا این تمدن مادی و دور از معنویت هر چه پیشرفت کند، انحرافش بیشتر می‌شود؛ هم خود آنها و هم همه بشریت را با میوه‌های زهرآگین خود تلخ‌کام می‌کند؛ همچنان که تا امروز کرده است. پدیده استعمار- که دهها کشور و میلیونها انسان را سالهای متمادی غرق در سخت‌ترین و شدیدترین محنتها کرد- یکی از چیزهایی است که در نتیجه تفکیک علم از معنویت، سیاست از معنویت و دولت از اخلاق در اروپا اتفاق افتاد. دو جنگ جهانی اول و دوم هم از همان میوه‌های تلخ بود. کمونیزم و حکومت‌های اختناق مارکسیستی هم جزو نتیجه‌ها و میوه‌های تلخ جدایی حرکت علمی و صنعتی از معنویت بود.» (۲)

۵- الزامات پیشرفت در بخش صنعت

۵/۱- همراه بودن با رشد اخلاقی

«علم باید در کنار اخلاق، و پیشرفت صنعتی و علمی و مادی در کنار رشد اخلاقی باشد.» (۳)

۱ - بیانات در جمع علما و مدرسان و فضایی حوزه علمیه قم، در خجسته سالروز میلاد حضرت مهدی (عج)، به تاریخ ۱۳۷۰/۱۱/۳۰.

۲ - بیانات در مراسم پانزدهمین سالگرد ارتحال امام خمینی (ره)، به تاریخ ۱۳۸۳/۳/۱۴.

۳ - سخنرانی در دیدار با جمعی از خانواده‌های شهدا و اقشار مختلف مردم و جمعی از مسئولان

۵/۲- استفاده از نیروی جوان

«این جوانان ما که امروز در مراکز فنی و صنعتی و علمی حضور دارند، باید بدانند که ایران را آنها باید بسازند.» (۱)

۵/۳- تدبیر و مدیریت و میدان دادن به سرمایه‌های مردم

«بخش صنعت را باید با تدبیر، مدیریت و امکان دادن و میدان دادن به سرمایه‌های مردم- که بتوانند در بخش صنعت سرمایه‌گذاری کنند- پیش برد.» (۲)

۵/۴- پابندی به اصول و تفکرات انقلابی اصیل

«هر جا ما با همان اصول و تفکرات انقلابی اصیل جلو رفته‌ایم، واقعاً پیش رفته‌ایم؛ نمونه‌هایش همین پیشرفتهای صنعتی و علمی و گشایشهای گوناگونی است که در کارها به وجود آمده.» (۳)

۵/۵- رعایت ملاحظات دینی و اخلاقی و انسانی

«صنعت می‌تواند یک صنعت پیشرفته باشد، در عین حال ملاحظات دینی، ملاحظات اخلاقی، ملاحظات انسانی در صنعت کاملاً رعایت



ادارات و سازمانهای شهرهای تهران، شهرداد کرمان، قم، و مسؤولان و دانشجویان دانشگاه هنر، به تاریخ ۱۳۷۰/۸/۱.

۱ - سخنرانی در دیدار با جمعی از خانواده‌های شهدا و اقشار مختلف مردم شهرهای شیروان، رودسر، کلئیر، برزوک کاشان، ساوه و تهران، به همراه جمعی از ائمه جمعه، نمایندگان مجلس شورای اسلامی و مسؤولان اداری این شهرها، گروهی از جانبازان استانهای خراسان و تهران، مسؤولان و کارکنان و کارگران کارخانه ایران خودرو و فرماندهان نیروی انتظامی تهران به همراه فرمانده کل نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران، به تاریخ ۱۳۷۰/۹/۱۳.

۲ - بیانات در دیدار با گروه کثیری از اصناف، به تاریخ ۱۳۸۰/۴/۱۰.

۳ - بیانات در دیدار با دانشجویان بسیجی، به تاریخ ۱۳۸۴/۳/۵.

بشود.» (۱)

۵/۶- تنظیم سیاست تعدیل بازرگانی و جلوگیری از واردات بی‌رویه صنعتی

«ما اگر اهمیت می‌دهیم به صنعت داخلی - حالا در زمینه خودرو که فعلاً محل کلام ماست و یا زمینه‌های دیگر - بایستی سیاست تعدیل بازرگانی خودمان را در این زمینه حتماً تنظیم کنیم. یعنی واردات بی‌رویه قطعاً ضرر خواهد زد. دستگاه‌های سیاستگذار کشور و کسانی که سیاست‌های اجرایی را تنظیم می‌کنند، به این نکته باید توجه کنند. فراوانی و ارزانی چیز خیلی خوبی است، اما از آن مهمتر و بهتر، رشد صنعت داخلی است؛ قوام گرفتن صنعت داخلی است. این درست نیست که ما به دلایل گوناگونی که غالباً هم دلایل واهی است، دروازه را به روی واردات باز کنیم. من بارها به مسؤولین - مسؤولین گوناگون در بخش‌های مختلف دولتی - گفتم: اگر فلسفه شما، منطق شما برای افزایش واردات و تسهیل واردات ساخته‌های صنعتی این است که می‌گویید کیفیت مصنوعات داخلی باید بالا برود، خب فشار را روی این بخش بگذارید. سیاست‌هایی وجود دارد که می‌شود وادار کرد، مجبور کرد تولید کننده داخلی را به این که کیفیت را ارتقاء بدهد. بدترین گزینه برای بالا بردن کیفیت داخلی این است که ما راه را برای مصنوعات خارجی باز کنیم؛ این، بدترین گزینه است. گزینه‌های بهتری وجود دارد برای این که ما کیفیت را بالا ببریم.» (۲)

۱ - بیانات در بازدید از توانمندی‌های صنعت خودروسازی، به تاریخ ۱۳۸۹/۱/۹.

۵/۷- دانش محور بودن

«یک نکته دیگری که مهم است، مسأله تحقیق است؛ تحقیق و توسعه فناوری. امروز همه صنایع دنیا از جمله صنعت خودرو دانش محور است. مرتب دارند فکر می کنند، کار می کنند، تحقیق می کنند، پژوهش می کنند، برای این که این را کامل تر، بی عیب تر، زیباتر، کم مصرف تر، ارزان تر از آب در بیاورند. این جز با پیشرفت علمی، جز با تأمل و دقت و تحقیق، ممکن نیست. باب تحقیق را بایستی باز گذاشت. دستگاههای مختلف، کارخانجات صنعتی و مدیران صنعتی و مدیران دولتی مشرف بر صنعت، بر روی مسأله تحقیق باید خیلی تلاش بکنند. این کمک می کند به این که صنعت بتواند در شرایط سخت رقابتی، خودش را حفظ کند؛ در رقابت با رقبای پیشرفته زمین نخورد. این با تحقیق امکان پذیر است.» (۱)

۵/۸- تحقیق و استفاده از اندیشه

«اصرار دارم بر این که بخش صنعت پیشرفت بکند و این پیشرفت هم با تحقیق، با به کار انداختن فکر و هوش سرشاری که بحمدالله در شما عزیزان هست، و سرانگشتان ماهر ایرانی، امکان پذیر است.» (۲)

۵/۹- استفاده از هوش و استعداد در کنار کار و تلاش پیگیر و خستگی ناپذیر

«من عرض بکنم به شما، خیلی از این کشورهایی که امروز در زمینه صنعت نام آورند و در دنیا در واقع در ردیف اول قرار دارند،



۱ - بیانات در بازدید از توانمندیهای صنعت خودروسازی، به تاریخ ۱۳۸۹/۱/۹.

۲ - همان.

اطلاعات متقنی که بنده دارم، این است که سطح هوشی آنها از سطح هوشی متوسط کشور ما بسیار پایین تر است! منتها با پرکاری و با تلاش فراوان توانسته‌اند پیشرفت بکنند. هوشمندی و برخورداری از هوش و استعداد و ظرفیت ذهنی یکی از عوامل بسیار مهم است که در ما هست. باید آن عنصر و عامل دوم را که عامل کار و تلاش پیگیر و خسته نشدن است هم همراه بکنیم. بدانید که در آن صورت، ان شاء الله کشور حرکت جهشی خواهد داشت، پیشرفت جهشی خواهد کرد و کارهای بزرگ انجام خواهد داد.» (۱)

۵/۱۰- ارتباط با دانشگاه

«این مسأله پیوند با دانشگاه را هم که یکی از آقایان اشاره کردند، بسیار مهم است؛ بسیار مهم است. من چندین سال است که به دانشگاهها، به دستگاههای دولتی این سفارش را می‌کنم که بین صنعت و بین دانشگاه یک ارتباط مستحکمی برقرار بشود. احتیاج داریم ما به این که در دانشگاه کانونهای دانشی، مخصوص بخش صنعت و بخشهای گوناگون صنعت، مثلاً مخصوص بخش خودرو به وجود بیاید که پشتیبانی کنند.» (۲)

۶- انتظارات از صنعت

۶/۱- پیشرفت جهشی در صنعت

«ما می‌خواهیم شما صنعتگران کشورمان، مدیران صنعت، نماد این حقیقت باشید. پایبند به دین و در همان حال و به همان استناد، پایبند به

۱- همان.

۲- همان.



پیشرفت جهشی صنعت.» (۱)

۶/۲- رفتن به سمت صادرات

«یک مسأله مهم در باب صنایع ما و از جمله حالا صنعت خودرو، همین مسأله صادرات است. دستگاههای گوناگون دولتی باید تلاش بکنند تا بازار صادراتی را تأمین بکنند. این یکی از آن کارهای بسیار حساس، بسیار هنرمندانه و مبتنی بر تلاشهای متنوع و مرکب چند جانبه است. بعضی از کشورهای همسایه ما صادرات خودروشان در سال، میلیاردها دلار درآمد برایشان دارد! این کار بسیار مهمی است؛ یعنی از اول باید حرکت سازندگان خودرو ناظر باشد- حالا خودرو را من به عنوان یک نمونه بارز عرض می کنم. مجموعه صنایع از این قبیل است- که باب صادرات باز بشود؛ یعنی از اول فکر بشود و دستگاههای دولتی، پیدا کردن بازارهای صادراتی را یکی از اهداف خودشان قرار بدهند.» (۲)

۶/۳- صنعت و پیشرفت صنعتی، مقدمه برای زندگی سالم و شیرین

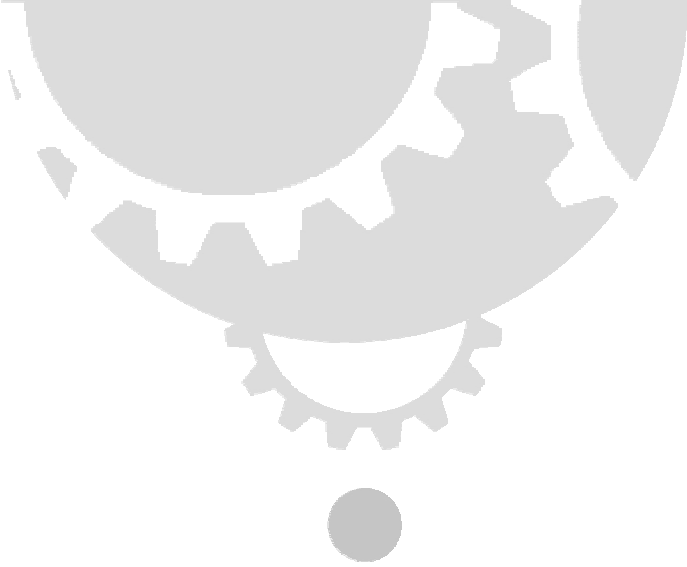
«صنعت و پیشرفت صنعتی و درآمدهای فزاینده کشور و افتخارات گوناگون علمی، متن زندگی و واقعیت زندگی را شیرین نمی کند؛ همه آنها باید مقدمه باشد برای این که مردم زندگی سالم و شیرین و مطلوب داشته باشند.» (۳)



۱- بیانات در بازدید از توانمندیهای صنعت خودروسازی، به تاریخ ۱۳۸۹/۱/۹.

۲- همان.

۳- بیانات در بوستان ولایت به مناسبت روز درختکاری، ۱۳۸۹/۱۲/۱۷.



گفتار بیست و دوم
بازاریان و اصناف

(شأن و جایگاه، وظایف)

اشاره:

بازاریان و اصناف عام‌ترین و گسترده‌ترین اقشاری هستند که به صورت مستقیم با اقتصاد سر و کار دارند و نقش عمده و مؤثری در اقتصاد هر کشوری دارند.

در جمهوری اسلامی ایران، بازاریان و اصناف علاوه بر آن که نقش برجسته و اثرگذاری در عرصه اقتصاد کشور دارند، از سابقه درخشان و پر افتخاری هم برخوردارند.

در مبارزات و موضع‌گیری‌های گوناگون سیاسی و دینی در دوران قبل از انقلاب، حضور اصناف و کسبه و اهل بازار و دادوستد، حضور پر رنگ و ملموسی بود. هر گاه که علمای شیعه برای ایستادگی در برابر رژیم بر سر منافع ملت دستور می‌دادند که بازارها تعطیل شود، بازاریان و کسبه بلافاصله اطاعت کرده و بدون چون و چرا کسب و کارشان را تعطیل می‌نمودند؛ یعنی پشت سر علما می‌ایستادند که این امر تأثیر زیادی در مبارزاتِ ضد ظلم و ضد طاغوت داشت. کمک‌های متعدد مالی اصناف و بازاریان به نهضت از جمله دیگر خدمات انقلابی این قشر محسوب می‌گردید. در واقع می‌توان گفت که اصناف بازاری قدرتمند نهضت به شمار می‌آمدند.

پس از پیروزی انقلاب نیز کسبه و اصناف در عرصه‌ها و میدانهای انقلابی مانند راهپیمایی‌ها و جبهه‌ها حضور شایسته‌ای داشتند و حمایت‌های مالی‌شان همواره پشتیبان اهداف نظام بوده است.

وظایفی که متوجه بازاریان و اصناف است عبارت است از در خدمت قوانین اسلامی و مطیع قوانین بودن، سوءاستفاده نکردن از نوسانات اقتصادی، فرار نکردن از مالیات، در خدمت اهداف اقتصادی اسلام و نظام بودن، انصاف، پرهیز از اختلاف و تفرقه، متحد و متفق و یکپارچه بودن و... کسبه محترم باید همچون گذشته نقش آفرینی ارزنده‌ای در عرصه انجام وظایف شان داشته باشند و بیش از پیش در خدمت اهداف اسلام و انقلاب و آرمانهای اقتصادی باشند.

انجمنهای اسلامی و معتمدان بازار نیز که از جمله ارکان بازار به حساب می‌آیند باید همگام با بازاریان در خدمت نظام باشند و نظارت عمومی بر کار اصناف و جلوگیری از تخطیهای گوناگون را که مهمترین وظیفه‌شان است را به نحو مطلوب به انجام رسانند.



۱- شأن و جایگاه بازاریان و اصناف در نظام اسلامی

۱/۱- خدمات درخشان و افتخاراتگیز در دوران قبل از انقلاب

«از دوره‌های گذشته تا امروز، کسبه و اصناف و تجار و کسانی که در کار دادوستد بوده‌اند، اهل عمل به دین و عقیده دینی و اعتقاد به علمای دین و حضور در کنار آنها بوده‌اند. کسی نمی‌تواند این نکته را انکار کند. از دوران قدیم تا دوران حاضر، کسبه در کشور ما، جزو قشرهای متدین بوده‌اند و هستند. همین تدین و انس با علما موجب شده است که در هر میدانی که علمای دین حضور داشته‌اند- در مبارزات، در موضع‌گیری‌های گوناگون سیاسی و یا دینی- حضور اصناف و کسبه و اهل بازار و دادوستد در آن جا قطعی باشد. وقتی که علمای اعلام می‌خواستند در دوران مبارزات- چه مبارزات نهضت اخیر، یعنی سالهای دههٔ چهل و پنجاه، و چه قبل از آن- یک حضور مردمی قاطع را نشان بدهند، دستور می‌دادند که بازارها تعطیل بشود، و بازاریان و کسبه تعطیل می‌کردند؛ یعنی پشت سر علما می‌ایستادند، و این تأثیر زیادی هم داشت. رژیم‌های جبار هم این را فهمیده بودند؛ لذا به انواع طرق درصدد بودند که این لشکر مردمی را، یا با فشار و ارباب و تهدید، یا با بستن مالیاتهای سنگین استثنایی در دوران ستمشاهی، و یا با تبلیغات، از روحانیون جدا کنند؛ غالباً هم اثری نمی‌کرد.» (۱)

۱- سخنرانی در دیدار با اعضای جامعهٔ انجمنهای اسلامی اصناف و بازار و مجامع امور صنفی سراسر کشور، به تاریخ ۱۳۷۰/۴/۱۳.



۱/۲- خدمات و نقش آفرینی ارزنده در دوران بعد از انقلاب

«از اوّل انقلاب نیز کسبه و اصناف شهری ما، در میدانهای انقلاب -راهپیماییها و جبهه‌ها و کمکهای مالی- حضور خوبی داشتند. پس، ما این قشر را یک قشر اسلامی و انقلابی می‌شماریم. معنای انقلابی هم همین است که در مواضع انقلاب حضور داشته باشند؛ یعنی هر جا که انقلاب از آنها متوقع است، باشند. این، در بسیاری از دوره‌های گذشته و در بخش مهمی از دوران بعد از پیروزی انقلاب، نسبت به جمع کثیری از اصناف کشور وجود داشته است. این نکته را نباید کسی مورد مناقشه قرار بدهد.» (۱)

۱/۳- اصناف در خدمت اسلام و انقلاب و مطیع ولایت فقیه

«بعضی عادت کرده بودند، یا عادت کرده‌اند که نسبت به اصناف و کسبه و بازرگان، به‌طور مطلق زبان به بدگویی باز کنند؛ این غلط است. بله، بنا بر تفکرات بیگانه از اسلام- تفکرات مارکسیستی و غیره- اصلاً وجود اصناف و کسبه و بازرگان، یک وجود زیادی است. آنها اصل این قشر را قبول ندارند، کاری به کار دین و مذهب و اعتقادشان ندارند و خوب و بدشان را هم تفکیک نمی‌کنند. بعضی از تفکرات الحادی رایج در آن زمانهای مبارزات، این قشر را اصلاً قبول نداشت. کسی نباید تحت تأثیر آن حرفها و آن شعارها قرار بگیرد. تا آن جا که ما فهمیده‌ایم و دیده‌ایم و لمس کرده‌ایم، در ایران اسلامی، اصناف در خدمت اسلام و انقلاب و مطیع امام بزرگوار بوده‌اند و در



همه میدانهای انقلاب نیز حضور داشته‌اند.»(۱)

۱/۴- اصناف بازوی قدرتمند نهضت در دوران قبل از انقلاب

«همین اصناف و بازار کسانی بودند که در دوران اختناق به این نهضت کمک کردند، امام فرمود، اصناف بازوی قدرتمند نهضت‌اند. همین‌طور هم بود؛ اینها تلاش و مجاهدت کردند. تاجر و کاسب بازاری سرمایه خودش را در معرض تطاول مأموران بی‌انصاف رژیم سفاک گذشته قرار داد، برای این که به مرجع تقلید و به دین خود و نهضت اسلامی کمک کند.»(۲)

۲- وظایف بازاریان و اصناف

۲/۱- در خدمت قوانین اسلامی و مطیع قوانین بودن

«خود اصناف باید این موقعیت اسلامی و انقلابی را حفظ کنند و نباید بگذارید که در درون اصناف و واحدهای صنفی، وضعی پیش بیاید که اولاً آنها را از موضع انقلابی جدا کند؛ ثانیاً زبانهایی را که شاید خیرخواه هم نباشند، به روی آنها باز نماید. اصناف باید در خدمت قوانین اسلامی و مطیع قوانین باشند.»(۳)

۲/۲- سوء استفاده نکردن از نوسانات اقتصادی

«البته اوضاع کشور از لحاظ اقتصادی، غالباً بر یک روال نیست. مسائل اقتصادی کشور به عوامل گوناگونی بسته است که بسیاری از

۱- سخنرانی در دیدار با اعضای جامعه انجمنهای اسلامی اصناف و بازار و مجامع امور صنفی سراسر کشور، به تاریخ ۱۳۷۰/۴/۱۳.

۲- بیانات در دیدار با گروه کثیری از اصناف، به تاریخ ۱۳۸۰/۴/۱۰.

۳- سخنرانی در دیدار با اعضای جامعه انجمنهای اسلامی اصناف و بازار و مجامع امور صنفی سراسر کشور، به تاریخ ۱۳۷۰/۴/۱۳.



آن عوامل، خارج از مرزهاست. وضع تورم جهانی، وضع عرضه‌های گوناگون جهانی، وضع پول در دنیا و بسیاری از این گونه مسائل، روی اقتصاد یک کشور اثر می‌گذارد. اقتصاد کشور مستقلاً مثل ما که می‌خواهد مستقل زندگی بکند، غالباً با بعضی از نوسانها همراه است. نباید اجازه بدهید که از این نوسانها و از این کم و زیاده‌ها، کسانی به نفع جیب شخصی خودشان استفاده کنند، و تا رقم مالیاتی بر صنفی بسته شد، بلافاصله آن مالیات خودش را در زندگی مصرف کننده‌ی که به آن صنف مراجعه دارد، نشان بدهد. این درست نیست و بر عدل اسلامی منطبق نمی‌باشد. شما باید اینها را مراقب باشید.» (۱)

۲/۳- فرار نکردن از مالیات

«من به شما عرض کنم که مالیات یک امر الزامی و شرعی است و در جامعه اسلامی، دولت در صورتی که لازم بداند، برطبق قانون باید از درآمدها مالیات بگیرد. کسانی هستند که با داشتن درآمدهای کلان، از زیر این وظیفه قانونی شرعی الزامی - که به نفع کشور و برای طبقات کم‌درآمد و در خدمت مصالح اسلامی است - استنکاف می‌کنند. باید راهی پیدا کنید و نگذارید که این طور بشود.» (۲)

۲/۴- در خدمت اهداف اقتصادی اسلام و نظام بودن

«اصناف مؤمن، بازرگانان متدین، چهره‌های انقلابی، سابقه‌داران، جوانان، کسانی که جبهه‌ها را دیدید، برای جبهه‌ها پشتیبانی کردید، آن کاروانهای کذایی را راه انداختید، چه قدر زحمت را تحمل

۱- همان.

۲- سخنرانی در دیدار با اعضای جامعه انجمنهای اسلامی اصناف و بازار و مجامع امور صنفی سراسر کشور، به تاریخ ۱۳/۴/۱۳۷۰.



کردید، کسانی که در رژیم گذشته آن مبارزات را کردند، آن ایستادگیها را در بازار نشان دادند، کسانی که در همه حضورهای سیاسی دوران انقلاب خودشان را نشان دادند و دشمن را مأیوس کردند، بایستی در اساسی ترین میدانها یعنی میدان اقتصادی، در خدمت اهداف دولتی و اسلامی و نظام انقلابی - و نه فقط برای سود شخصی - یک حضور فعال داشته باشند و داشته باشیم.» (۱)

۲/۵- انصاف

«این درست نیست که کسی خیال کند که بله، من کاسیم، تاجرم و برای سود کار می کنم؛ نه، ما انسانهای مؤمنی و متدیانی را می شناسیم که به خاطر انقلاب، دکان و کسب و کار و خرید و فروش و سود و استفاده را بوسیدند و کنار گذاشتند و به میدان انقلاب آمدند و زندگی خودشان را شب و روز برای انقلاب مصرف کردند. البته ما از همه این طور توقعی را نداریم؛ اما از همه توقع انصاف را داریم.» (۲)

۲/۶- پرهیز از اختلاف و تفرقه

«نگذارید در جامعه صنفی و در مجموعه اصناف کشور، به بهانه های مختلف ایجاد شقاق و اختلاف بشود. اصناف همیشه یک مجموعه یکپارچه بوده اند؛ برای خدا باز هم باشید.» (۳)

۲/۷- متحد و متفق و یکپارچه بودن

«بین خودتان، اصناف را به اختلافات و باندبازی و گروهبازی و

۱- همان.

۲- سخنرانی در دیدار با اعضای جامعه انجمنهای اسلامی اصناف و بازار و مجامع امور صنفی سراسر کشور، به تاریخ ۱۳/۴/۱۳۷۰.

۳- همان.



سیاسیکاری نکشانید. همه باید در خدمت سیاستهای جمهوری اسلامی باشند. همه اصناف باید اهل سیاست باشند؛ اما نگذارید که این دودستگیهای ناشی از دسته‌بندی سیاسی، در بین اصناف راه پیدا کند. یک جامعه متحد و متفق و یکپارچه و در خدمت هدفهای اسلامی و نظام اسلامی باشید.»(۱)

۳- وظایف انجمنهای اسلامی و معتمدان بازار

۳/۱- نظارت عمومی بر کار اصناف و جلوگیری از تخطیهای گوناگون

«من این وظیفه نظارت عمومی بر کار اصناف و جلوگیری از تخطیهای گوناگونی را که بعضی از سوءاستفاده‌چی‌ها در اصناف می‌کنند، بر عهده انجمنهای اسلامی، مخصوصاً رؤسای انجمنها و معتمدان محترم بازار می‌دانم. آنان مورد اعتماد امام بودند و مورد اعتماد ما نیز هستند. ما آنان را از سالهای پیش شناخته‌ایم. آنان بایستی به دولت کمک کنند و مانع سوءاستفاده کسانی بشوند که به خیال خودشان تا دیدند بازار آشفته‌یی است، فوراً درصدد باشند که سوءاستفاده کنند و جیب خودشان را پُر نمایند.»(۲)

۳/۲- در خدمت نظام بودن

«اعضای انجمنهای اسلامی، در زمینه کار اصناف، این نظارت را برای خودشان در هر جای کشور قایل باشند. برای جلوگیری از تخلفهای درون اصناف، شما باید در خدمت نظام باشید.»(۳)



۱- همان.

۲- سخنرانی در دیدار با اعضای جامعه انجمنهای اسلامی اصناف و بازار و مجامع امور صنفی سراسر کشور، به تاریخ ۱۳/۴/۱۳۷۰.

۳- همان.



گفتار بیست و سوم کارگران

(شأن و جایگاه، رابطه با کارفرما، نقش اقتصادی، خدمات)

اشاره:

کارگران از جمله عناصری هستند که نقشی اساسی و تعیین کننده در اقتصاد دارند. کارگران به وجود آورنده رشد اقتصادی و تحقق بخش اهداف و برنامه‌ها و پیشرفتهای علم اقتصاد به شمار می‌آیند.

بار اصلی تولید روی دوش کارگران است و بازوها و پنجه‌های توانا و قدرتمند کارگران چرخهای کارخانه‌ها را به کار می‌اندازند.

کار کارگر از مهمترین ارکان توسعه اقتصادی و تلاش و زحمت کارگران، پشتوانه استقلال اقتصادی است.

کارگران از شأن و منزلتی متعالی در اسلام برخوردارند. در اسلام کار یک ارزش و یک فضیلت اسلامی است و کارگری افتخار محسوب می‌گردد. در بیان ارزش و عظمت مقام کارگر در اسلام همین بس که پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله) دست کارگر را بوسیدند و دست کارگر را دستی دانستند که آتش دوزخ آن را لمس نمی‌کند.

متأسفانه در نظامهای مادی و از نظر دیدگاه مادی ارزش کارگر این گونه نیست. کارگر در دنیای سرمایه‌داری یک ابزار است برای دستیابی به مقاصد مادی و تا وقتی عزیز است که سرمایه‌داران بتوانند از او کار بکشند و به مقاصد مادی‌شان برسند. مقوله دیگری که در عرصه کار و کارگری وجود دارد رابطه بین کارگر و کارفرماست که از این نظر هم تفاوت‌های بنیادینی بین

دیدگاه اسلام و جمهوری اسلامی و دیدگاههای مادی گرا وجود دارد.

در اسلام رابطه کارگر و کارفرما، رابطه دو تا همکار است که باید نسبت به هم صداقت و محبت و صفا داشته باشند. در نظام اسلامی دولت وظیفه دارد این رابطه را تنظیم نماید. نقش دولت اسلامی ایجاد یک خط عادلانه میانه برای همکاری کارگر و کارفرماست به گونه‌ای که نه کارفرما به کارگر ظلم کند و نه کارگر از کار کم بگذارد و موجبات نارضایتی کارفرما را فراهم آورد.

با توجه به نقش و جایگاه کارگران در اقتصاد هر کشوری، کارگران از جمله مهمترین اقشاری هستند که همواره آماج توطئه‌های گوناگون قرار می‌گیرند. قشر کارگر و شعارهای سیاسی‌ای که در دنیا برای قشر کارگر فراهم می‌شود، همیشه یکی از اهرمهای فشار بر ضد حکومتهاست.

در جمهوری اسلامی ایران نیز کارگران از آغاز تا به حال در معرض شدیدترین و وسیع‌ترین توطئه‌ها قرار داشته‌اند و بیگانگان و عناصر نفوذی بسیار کوشیده‌اند تا با القائات‌شان به جامعه کارگری، کارگران را تشویق به تعطیلی کارها و ایستادن در برابر نظام کنند که بحمدالله تا کنون تمامی نقشه‌ها و توطئه‌ها به برکت بیداری و احساس مسئولیت کارگران خنثی و نقش بر آب گردیده است. اما با توجه به آن که هنوز توطئه‌ها ادامه دارد و هر روز بر دامنه‌اش افزوده هم می‌گردد، کارگران باید هوشیار و بیدار باشند و آماده مقابله با هر گونه توطئه‌ای در عرصه کار باشند. بزرگترین رسالت کارگران در قبال توطئه‌ها، خوب و محکم و با کیفیت کار کردن و انجام کار به صورت مجذانه و مبتکرانه است.



۱- نقش کارگران در اقتصاد

۱/۱- کارگران؛ عامل رشد اقتصادی

«تجلیل از کارگران هم از دو جهت است: یکی به خاطر این است که هر کشوری هرچه رشد مادی و ثروت دارد، از سرانگشت کارگر دارد. کارگر است که ثروت را تولید می‌کند و رشد اقتصادی را به وجود می‌آورد. اگر کارگر نباشد، همه طراحان و برنامه‌ریزان و متفکران اقتصادی، کارشان بیهوده خواهد ماند. آن عنصر و عاملی که همه فکر و هدفها و برنامه‌ها و پیشرفتهای علم اقتصاد را در مقام عمل تحقق می‌بخشد، سرپنجه کارگر است.» (۱)

۱/۲- بازوی توانای کارگر ضامن بهره‌مندی از سرمایه

«اگر همه پولهای عالم را هم جمع کنند، عنصر کار و کارگر در کنار آن نباشد، همه نیازهای انسان بر زمین می‌ماند. پول را نه می‌شود خورد، نه می‌شود پوشید، نه می‌شود استفاده کرد. آن چیزی که از ثروت انسانها و نعمتهای روی زمین، نیازهای انسان را تأمین می‌کند، عنصر کار است. کار هم متکی به کارگر است. بنابراین نقش بازوی توانا و سرپنجه ماهر و ذهن و ذوق و سلیقه کارگر در حیات انسان - چه حیات فردی اش، چه حیات اجتماعی اش - یک امر واضح عقلانی است.» (۲)

۱- بیانات در دیدار کارگران و معلمان به مناسبت روز جهانی کارگر و سالگرد شهادت استاد مطهری، به تاریخ ۱۳۷۹/۲/۱۴.

۲- بیانات در دیدار با هزاران نفر از کارگران سراسر کشور، به تاریخ ۱۳۹۰/۲/۷.



۲- شأن و منزلت کار و کارگر و کارفرما در نگاه اسلام و جمهوری اسلامی

۲/۱- کار، یک ارزش و یک فضیلت اسلامی

«در مورد کارگران، نکته‌ای که لازم است عرض کنم این است که کار، یک ارزش و یک فضیلت اسلامی است. فقط این نیست که کسی که کار می‌کند، سازندگی و تولید می‌کند - چه تولید صنعتی و فنی، چه تولید کشاورزی و چه هر گونه تولیدی که برای جامعه به نحوی مفید و سازنده است - و شغلی را انجام می‌دهد تا نانی بخورد؛ بلکه هر کارگر تولید کننده، در حال زنده کردن و مجسم کردن یک فضیلت اسلامی است. کار، فضیلت و ارزش است.» (۱)

۲/۲- افتخار کارگری

«کارگری افتخار است، افتخار است که کسی کارگر باشد.» (۲)

۲/۳- عبادت بودن کار از دیدگاه اسلام

«همه کارگرها - چه کارگران ماهر و تحصیل کرده سطح بالا، چه کارگران متوسط و چه کارگران ساده معمولی - این نکته را باید بدانند که خود نفس «کار» از نظر اسلام، عمل صالح است. این که «إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ» (۳)؛ این عمل صالحی که انسان را از خسران خارج می‌کند، این فقط نماز خواندن و روزه گرفتن و زیارت رفتن و ذکر گفتن نیست؛ آنها هم هست؛ اما

۱ - بیانات در دیدار با جمع زیادی از معلمان و کارگران، به تاریخ ۱۳۷۱/۲/۹.

۲ - بیانات در دیدار با کارگران و فرهنگیان کشور، به مناسبت «روز کارگر» و «روز معلم»، به تاریخ ۱۳۷۲/۲/۱۵.

۳ - سورة والعصر: آیه ۲ و ۳.



کار وظیفه زندگی را خوب انجام دادن هم عمل صالح است و یکی از مهمترینهایش «کار» است.

در روایت وارد شده است که اگر پیغمبر می‌دید یک آدم جوانی و قادر بر کاری نشسته است، تنبلی می‌کند و کار انجام نمی‌دهد، می‌فرمود: «سقط من عینی!»؛ از چشمم افتاد. کار، عمل صالح است. شنیده‌اید، پیغمبر دست این صحابی را دید زمخت و پینه‌بسته است؛ گفت: «چرا دست این طور است؟» گفت: «یا رسول‌الله! من با این دست کار می‌کنم.» پیغمبر این دست را گرفت و بوسید و فرمود: «هذه يد لا تمسه النار»؛ آتش، این دست را لمس نمی‌کند. عمل صالح بالاتر از این؟! این طوری کار کنید. وقتی به کارگاه می‌روید، وقتی به مزرعه می‌روید، وقتی به محیط کار می‌روید، از هر نوع کاری که اسمش «کار» است؛ چه آن کار کارگر ماهر و متخصص سطح بالا - که امروز بحمدالله کارگران ماهر متخصص سطح بالا ما در کشور کم نداریم - چه کارگران متوسط و چه کارگر ساده - آن کارگر ساده هم عیناً همین طور است - وقتی پای ماشین می‌رود یا در هر نقطه‌ای از نقاط کارخانه که می‌خواهد مشغول کار شود، بداند این کاری که امروز او می‌خواهد بکند، کاری است که خدای متعال برای این کار به او ثواب و اجر خواهد داد. نفس کار ارزش دارد؛ غیر از این که «کار» وسیله اعاشه و درآمد زندگی است؛ که آن هم به جای خود مطلب مهم و عبادت دیگری است.

شما ببینید اگر در یک کشوری جامعه عمومی آن کشور به کار با این چشم که کار عبادت است، نگاه کنند آن وقت وضع پیشرفت اقتصادی و علمی آن کشور به کجا خواهد رسید. این منطق اسلام

است. لذا اگر ما نسبت به کارگر در هر سطحی احساس ارادت و محبت می‌کنیم، این گزاف نیست؛ این به خاطر آن است که پشت این احساس محبت و احترام، یک چنین فرهنگ عمیق و غنی اسلامی‌ای وجود دارد.» (۱)

۲/۴- کارگر عنصر محوری در نظام تشکیلاتی کار

«نقش کارگر هم جزو نقشهایی است که امروز در دنیا تقریباً شناخته شده است. اگر چه که حق کارگران در بسیاری از مناطق عالم پایمال می‌شود؛ اما کارگر در واقع آن عنصر محوری در نظام تشکیلاتی فعالیت در درون یک جامعه است. آنی که با دستان خود، با چشم خود، با مغز خود، با مهارت خود و کاردانی خود کار را به سامان می‌رساند، مصنوع را تولید می‌کند و نیاز ضروری جامعه را برآورده می‌کند، کارگر است.» (۲)

۲/۵- قشر کارگر در صفوف مقدم تلاش عمومی کشور

«قشر کارگر در حقیقت یکی از صفوف مقدم تلاش عمومی کشور و ملت برای ساختن فرداست. آنچه که اسلام در مورد کارگر - به معنای عام کلمه - بیان می‌کند، تعارف نیست؛ برای دلخوش کردن نیست. وقتی پیغمبر عظیم‌الشان اسلام خم می‌شود و دست یک کارگر را می‌بوسد، این را دیگر نمی‌شود حمل کرد بر یک عمل تعارف آمیز؛ این فرهنگ‌سازی است، درس است؛ این برای این است که در امت اسلامی و در طول زمان و تاریخ، سرپنجه ماهر کارگر و بازوان



۱ - بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار با کارگران، به تاریخ ۱۳۸۵/۲/۶.

۲ - بیانات در دیدار با جمعی از معلمان، پرستاران و کارگران، به تاریخ ۱۳۸۸/۲/۹.

فعال کارگر قدرشناسی شود. ما با این چشم به طبقه کارگر نگاه می کنیم. کارگر ساده، کارگر ماهر، مهندس، طراح و همه کسانی که در سلسله تولید کار و تولید محصول تلاش می کنند، مشمول این تکریم و تجلیل اسلام قرار دارند.» (۱)

۲/۶- لمس نکردن آتش دست کارگر را

«پیغمبر اکرم فرمود: «هذه ید لا تمسها النار». وقتی پیغمبر دست کارگر را گرفت و بوسید، همه تعجب کردند، حضرت فرمود: «این دستی است که آتش آن را لمس نمی کند؛ این دستی است که به آتش نمی رسد.» یعنی نماز شب هم که می خوانیم، قرآن هم که می خوانیم، توسل هم که به خدای متعال می کنیم، در واقع حجابهای بین خودمان و آتش را ایجاد می کنیم. کار هم که می کنیم، با همین کار، بین خودمان و آتش، ایجاد مانع و حجاب می کنیم. این خیلی چیز بالایی است، خیلی چیز مهمی است. این، نگاه اسلام است.» (۲)

۲/۷- منزلت معنوی کارگر در اسلام

«کارگر در پشت دستگاه، یا در حین طراحی و نقشه برداری، یا در کار در مزرعه، یا در هر نقطه ای که کار دارد تولید می شود و محصولی دارد به وجود می آید، باید احساس کند و بداند که یک عمل بزرگ را، یک عمل مهم را، یک ارزش را دارد به وجود می آورد؛ اسلام این را می خواهد بیان کند. این، اعتقاد قلبی ماست. خیلی فاصله است بین این نگاه و نگاه دنیای مادی، اعم از دنیای

۱ - بیانات در دیدار با کارگران نمونه سراسر کشور، به تاریخ ۱۳۸۹/۲/۸.

۲ - بیانات در دیدار با هزاران نفر از کارگران سراسر کشور، به تاریخ ۱۳۹۰/۲/۷.



سرمایه‌داری، گاهی بعضی از کارگرها از لحاظ برخورداری مادی وضعیتشان هم خوب است - البته عمومیت ندارد، بعضاً این جور است که وضعیتشان خوب است - لیکن همان هم از چشم کارفرما، از چشم سیاستگذاران کار و تولید، یک ابزار است؛ مثل یک پیچ و مهره؛ تا وقتی ارزش دارد که بتواند به آنها ارزش مادی تحویل بدهد. خیلی فاصله است بین این نگاه به کارگر، و این نگاه که کارگر را یک مجاهد فی سبیل الله می‌داند؛ برای کاری که او انجام می‌دهد، فراتر از همه اجزای مادی، یک اجر الهی، یک ارزش الهی، یک پاداش الهی در نظر می‌گیرد؛ اینها خیلی با هم فاصله دارد.» (۱)

۲/۸ - رابطه کارگر و کارفرما در اسلام، همچون رابطه دو همکار

«در اسلام رابطه کارگر و کارفرما، رابطه دو تا دشمن نیست، رابطه دو تا همکار است؛ رابطه استثمارگری هم نیست؛ یعنی کارفرما سلطان کارگر نیست.» (۲)

«بر خلاف نگاه چپ و مارکسیستی که همه چیز را بر اساس تضاد می‌داند - که بحمدالله از صفحه تفکرات فلسفی دنیا محو شد - نظر اسلام، نظر التیام است؛ نظر همکاری است. دو عنصر به جای این که با هم ضد باشند تا تولید یک موجود سومی را بکنند، با هم التیام پیدا می‌کنند تا موجود سومی به وجود بیاید. این، نگاه اسلام است؛ نگاه طبیعت، نگاه سنت الهی و قوانین آفرینش. در همه قضایای عالم همین

۱ - بیانات در دیدار با کارگران نمونه سراسر کشور، به تاریخ ۱۳۸۹/۲/۸.

۲ - بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار با کارگران، به تاریخ ۱۳۸۵/۲/۶.



جور است؛ از قضایای طبیعی، تا قضایای سیاسی، تا قضایای تاریخی، اقتصادی و غیراقتصادی. نظریهٔ اسلام در مقابل نظریهٔ تضاد مارکسیستی، نظریهٔ التیام و ائتلاف و ازدواج و همراهی و همسویی است. در مورد مسألهٔ کارگر و کارفرما هم همین است؛ دو تا عنصرند، اینها باید دستها را در دست هم بگذارند تا کار به وجود بیاید، تا تولید به وجود بیاید.» (۱)

۲/۹- لزوم رابطهٔ صداقت و صفا بین کارگر و کارفرما

«کارگر و کارفرما دو عنصرند، هر کدام نباشند، کار زمین است. کارگر آن کسی است که بالمباشره کار و محصول کار را تولید می‌کند؛ کارفرما آن کسی است که زمینهٔ این تولید را فراهم می‌کند. او تولید کنندهٔ کار و محصول کار است؛ این فراهم آورندهٔ زمینه و کارآفرین است. او هم نباشد، کار لنگ می‌شود؛ این هم نباشد، کار لنگ می‌شود؛ مثل دو شریک، مثل دو همسنگر. این نگاه اسلام است. هر دو باید نسبت به هم صداقت و محبت و صفا داشته باشند؛ هم کارفرما نسبت به کارگر، هم کارگر نسبت به کارفرما. حق هر کدام به وسیلهٔ آن دیگری رعایت شود. اگر این شد، که این نگاه اسلام است؛ هم حرمت سرمایه‌گذار و کارآفرین و کارفرما باقی و محفوظ می‌ماند؛ هم حرمت کارگر و کنندهٔ کار و حاضر در صحنه. حرمت و حق هر دو محفوظ است و کشور هم به سوی اعتلا پیش می‌رود. رابطهٔ کارگر و کارفرما این است. کارگران قدر کارفرماها را بدانند، کارفرماها هم قدر کارگران را بدانند؛ مثل دو همسنگری که اگر هر

کدام آسیب ببینند، آن دیگری هم آسیب خواهد دید؛ مسأله این است. تنظیم این روابط هم به عهده مسؤولان کشور است؛ چه آنهایی که قانون می‌گذارند و چه آنهایی که قانون را اجرا می‌کنند. این هم یک مطلب است که باید مورد توجه باشد.» (۱)

«کارگر بدون کارفرما کاری از او ساخته نیست، کارفرما هم بدون کارگر هیچ کاری نمی‌تواند بکند. این دو تا کنار هم که قرار گرفتند، یک رابطه سالم. اخلاقی و انسانی بین خودشان تعریف کردند، آن وقت فضا می‌شود فضای گسترش تولید. علاوه بر پیشرفت مادی، معنویت هم به وجود می‌آید. این، نگاه ماست.» (۲)



۲/۱۰- نقش دولت، ایجاد رابطه عادلانه میان کارگر و کارفرما

«در منطق کشورهای سرمایه‌داری، کارگر یک ابزار است؛ وسیله‌ای است در خدمت کارفرما. در منطق آن مکتبهای مضمحل شده و نابود شده‌ای که ادعای طرفداری از کارگر می‌کردند، وجود جنگ میان کارفرما و کارگر بود. از این جنگ بود که آن نظامها می‌خواستند نان بخورند و اسمشان را بگذارند مدافعین کارگر. آن وقت در نظام به اصطلاح سوسیالیستی شوروی سابق، همان بساط سرمایه‌داری، همان اسرافها، همان فسادهای گوناگون مالی به اسم کارگر و به نام دفاع از طبقه کارگر وجود پیدا کرده بود. منطق‌شان، منطق تضاد و تعارض بود. اسلام و نظام اسلامی و جمهوری اسلامی

۱- بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار با کارگران، به تاریخ ۱۳۸۵/۲/۶.

۲- بیانات در دیدار با کارگران نمونه سراسر کشور، به تاریخ ۱۳۸۹/۲/۸.

هیچ‌یک از این دو طریق را قبول ندارد؛ معتقد است که این دو عامل، یعنی عامل کارآفرینی و ایجاد بنگاه‌های اشتغال و کارآفرینی یک بازوست، وجود نیروی کار یک بازوی دیگر است. اینها باید هر دو باشند و همکاری کنند. نقش دولت، ایجاد یک خط عادلانه میانه برای این همکاری است؛ ظلم نشود. نه آنها به اینها تعرض کنند، نه اینها از کار آنها کم بگذارند؛ هیچ کدام به حقوق یکدیگر تعرض نکنند. اگر این جور باشد، آن وقت جامعه با سلامت و صفا پیش خواهد رفت؛ نه آن پرخوریها و اسرافها و زیاده‌رویها فرهنگ رایج خواهد شد، نه محرومیت یک طبقه برای آن طبقه فرهنگ ثابت خواهد شد. این، منطبق نظام جمهوری اسلامی است.» (۱)

۲/۱۱- کارفرما نه ملعون نه صاحب اختیار

«ما نه کارفرما را مثل آن جریان چپ، ملعون و مطرود می‌دانیم؛ نه مثل آن جریان راست، سلطان و صاحب اختیار می‌دانیم؛ نه، کارفرما می‌تواند عنصر شریفی باشد- وقتی حقیقتاً همکاری بکند، واقعاً شریف است- عنصر شریف دیگری در کنار عنصر شریف کارگر؛ با همدیگر، دست در دست هم، با روابط تعریف شده انسانی و اسلامی حرکت کنند. این، آن پایه کار است. همه باید در این جهت کار کنند. طراحان، سیاست‌سازان، سیاست‌مداران، کسانی که در مرحله اجرا قرار دارند، باید در این جهت کار کنند. آن وقت خود کارگر و خود کارفرما هم باید با اخلاص کامل سعی کنند محصول کارشان

۱ - بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار با گروه کثیری از کارگران و کارآفرینان، به تاریخ

کشور را جلو ببرد.» (۱)

۲/۱۲- بار اصلی تولید روی دوش کارگران

«شما کارگرها نقش مهمی در کشور دارید. بار اصلی تولید روی

دوش شماست.» (۲)

«کارگران و عناصر فنی، کیفیت صنعتی را تا آن جا که به دقت و دلسوزی در کار مربوط است، بالا برده، با روح ابتکار و اعتماد به نفس، نیاز کشور به محصولات و دانش فنی بیگانگان را کاهش دهند و پایه‌های صنعت اصیل و ملی را استوار سازند و موجب شوند که مصرف کنندگان به محصولات داخلی اطمینان و علاقه پیدا کنند. همچنین راه به سمت صنعت پیشرفته و پیچیده را باز کنند و نشان دهند که استعداد و ابتکار ایرانی قادر است کشور را- حتی در صنایع پیشرفته- از دیگران بی‌نیاز سازد.» (۳)

۲/۱۳- تلاش و زحمت کارگران، پشتوانه استقلال اقتصادی

«امروز اگر کارگر ایرانی با همه وجود، با وجدان کار، با احساس مسؤولیت، با ابتکار و خلاقیت، و با احساس این که ثوابی را به جا می‌آورد، کار بکند- که می‌کند- و نتیجه آن را در اختیار ملت خود قرار بدهد، ما به آن هدفی که از اول اعلام کردیم- یعنی هدف «نه



۱- بیانات در دیدار با کارگران نمونه سراسر کشور، به تاریخ ۱۳۸۹/۲/۸.

۲- سخنرانی در مراسم بعثت هزاران نفر از نمایندگان با کارگران سراسر کشور، به تاریخ ۱۳۶۸/۴/۵.

۳- پیام به ملت شریف ایران، در پایان چهلمین روز ارتحال حضرت امام خمینی (ره)، به تاریخ ۱۳۶۸/۴/۲۳.

شرقی و نه غربی»، که معنایش عدم وابستگی به قدرتهاست - خواهیم رسید؛ و آلاً این طور نخواهد شد.

پس ببینید، یک شعار بزرگ انقلاب، یعنی استقلال ملت و کشور - که دشمنان ما در دنیا با همین مخالفانند - بسته به وجود کارگر و تلاش و زحمت زحمتکشان این قشر و احساس حسنه در آنهاست. کارگر باید احساس کند که «مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ مَثَلِهَا» (۱). یعنی هر کسی کار حسنه‌ای انجام بدهد، خدای متعال ده برابر به او اجر می‌دهد. این کار، همان حسنه است.» (۲)

۲/۱۴ - راه‌اندازی چرخهای کارخانه‌ها

«کارگری افتخار است. افتخار است که کسی کارگر باشد؛ چه رسد به آن بازوها و پنجه‌های توانا و قدرتمندی که این چرخهای کارخانه‌ها را به کار می‌اندازند؛ که اگر آن بازوها نباشند، آن چرخها به کار نخواهد افتاد و ملتی که به چنین وضعی دچار شود، روزگارش سیاه خواهد بود.» (۳)

۱/۱۵ - کار کارگر از مهمترین ارکان توسعه اقتصادی

«امروز هم اگر ما دنبال توسعه اقتصادی هستیم، باید کار را تقویت کنیم؛ بدون کار نمی‌شود. مرتب صحبت از سرمایه‌گذاری است. بنده نقش سرمایه‌گذاری را قبول دارم؛ بدون سرمایه‌گذاری هم کاری

۱ - سورة انعام: آیه ۱۶۰.

۲ - سخنرانی در دیدار با گروه کثیری از کارگران و معلمان سراسر کشور، به مناسبت روز جهانی کارگر و روز معلم، به تاریخ ۱۳۷۰/۲/۱۱.

۳ - بیانات در دیدار با کارگران و فرهنگیان کشور، به مناسبت «روز کارگر» و «روز معلم»، به تاریخ ۱۳۷۲/۲/۱۵.



صورت نمی‌گیرد؛ اما سرمایه‌گذاری یک رکن کار است؛ رکن اساسی، کار کارگر است. کاری که از روی دلسوزی، از روی کاردانی، با پیگیری و با قبول شرایط دشوار همراه نباشد، نمی‌تواند کشور را نجات دهد. کشور بدون چنین کاری، به آن جایی که باید برسد، نمی‌رسد.» (۱)

۲/۱۶- توجه به کار و کارگران، زمینه‌ساز تحقق اقتصاد بدون نفت

«ما امروز دنبال استقلال اقتصادی هستیم؛ دنبال رها شدن کشور از وابستگی به نفت هستیم. امروز می‌خواهیم در وضع اقتصادی کشور ترتیبی داده شود که پایین آمدن فلان مقدار از قیمت یک بشکه‌ی نفت، نتواند در کشور ما این همه تأثیر بگذارد. این کارها چگونه ممکن است؟ اگر ما بخواهیم خودمان را از نفت بی‌نیاز کنیم، غیر از این است که باید به محیط کار، به جامعه کارگری، به مسأله کارگاهها و به مسأله آموزش کارگران، اهتمام ویژه‌ای بشود؟» (۲)

۲/۱۷- نقش برجسته و ممتاز کارگران در کشور ایران

«یکی از میزات انقلاب اسلامی ایران این است که کارگران نسبت به انقلاب، وضعیت اختصاصی و استثنایی داشتند. «کارگر» در نظام جمهوری اسلامی، در دو جبهه - که مرجع هر دو یک مبنای بود - چنان حضوری از خود نشان داد که واقعاً تاریخی و به یادمانده‌ی است. یکی از این دو جبهه، جبهه کار و تولید و تلاش، و دیگری جبهه دفاع از انقلاب بود. کارگر انقلابی و مسلمان ما که در طول ده



۱ - بیانات در دیدار با جمع کثیری از کارگران و معلمان، به مناسبت روز کارگر و هفته معلم، به تاریخ ۱۳۷۸/۲/۱۵.

۲ - همان.

سال گذشته، در جبهه و سنگر کار، اخلاص و از خود گذشتگی و خستگی ناپذیری نشان داد، درست با همان انگیزه عمل می کرد که در جبهه جنگ یا در جبهه دفاع از انقلاب، از خود ایستادگی نشان می داد.

وقتی به جنگ نگاه می کنیم، نقش کارگران را در آن بارز و روشن می بینیم، من بسیاری از اوقات، در میان این عزیزان بسیجی در جبهه های جنگ بوده ام. وقتی از آنها سؤال می کردید که شما چه کسی هستید و از کجا آمده اید و شغلتان چیست، می دیدید کارگر زحمتکشی است که از شهر و روستا و نقاط دورافتاده کشور به جبهه آمده است. در اوایل جنگ، وقتی جبهه ها ضعیف و خلوت بودند، حضور چند هزار نفری آنها تعیین کننده بود و امداد بزرگی را به نیروهای رزمنده می رساند.

از قشرهای مختلف در جنگ شرکت می کردند؛ لیکن جبهه ها عمدتاً از همین طبقه زحمتکش و کارگر پُر می شد. گاهی کارگری با داشتن خانواده و چند سرعائله، زندگی خود را رها می کرد و در جبهه جنگ حضور می یافت. نقش این قشر زحمتکش جامعه، که با جسم و سرپنجه خود تولید را افزایش می دهند و نیازهای مردم را تأمین می کنند، در همه صحنه های حضور، چشمگیر و پُر تحرک است. هیچ کس نمی تواند منکر این واقعیت شود، مگر این که مطلع نباشد.

گاهی در جبهه دفاع از انقلاب، کارگران ایثارهایی می کردند که واقعاً انسان از این همه اخلاص شرمنده می شد، مثلاً در بحبوحه جنگ با خبر می شدیم که کارگران کارخانه ای، بخشی از حقوق خود را به حساب جنگ واریز کرده اند! مگر حقوق یک کارگر چه قدر بود که



خود را در هزینه‌های جنگ هم سهم می‌دانست؟!

جبهه کار و تولید نیز همین تحرک را داشت. در ابتدای پیروزی انقلاب، وقتی همه سرگرم کارهای حاد انقلاب بودند و مثل پروانه دور شمع وجود امام عزیز می‌گشتند، در گوشه و کنار کشور، عده‌ای ضدانقلاب و ضداسلام، درصدد اخلال در کارخانه‌ها و تشکل منسجم کارگران برآمده بودند. این شبکه‌های جاسوسی، مارکسیستهای امریکایی (!) نام داشتند؛ که برای شناخت آنها، هیچ اسمی بهتر از این اصطلاح نبود. این گروه، هرچند ظاهراً چپ عمل می‌کردند، اما باطناً وابسته به استکبار امریکا بودند. تمام همت آنها این بود که نظام و انسجام انقلاب اسلامی را به هم زنند و از طریق سازماندهی و برنامه‌ریزی نیروهایشان، در کارخانه‌ها اخلال کنند. هیچ کس نمی‌تواند بگوید که ما در آن زمان کاملاً متوجه نقشه‌های آنان شده بودیم.

به خاطر حساسیت اوضاع، روزهای نوزدهم تا بیست و دوم بهمن ماه سال ۵۷ را به اتفاق افراد دیگر در منطقه کارگری غرب تهران گذراندیم؛ حتی خبر پیروزی انقلاب را از طریق رادیو در همان‌جا شنیدیم. واقعاً نمی‌دانستیم چه اتفاقی خواهد افتاد. در آن روزها خدای متعال دستمان را گرفت و ما را در جایی که باید باشیم، برد.

کارگرها در جامعه، یک قشر آگاه محسوب می‌شوند. من این قشر را جزو گروههای روشنفکر - به معنای عام آن - می‌دانم. در ابتدای پیروزی انقلاب، مارکسیستهای امریکایی (!) سرمایه‌گذاری روی این قشر را شروع کردند. قصد آنها این بود که این دست کارآمد و بازوی قوی را از انقلاب بگیرند، و اگر بتوانند، آن را علیه نظام به کار بندند؛ خیلی هم تبلیغات می‌کردند. اگر قرار بود این تبلیغات مؤثر واقع شود،



می باید حداقل یکی دو سال اول انقلاب، در واحدهای صنعتی کشور بیکاری مزمن می داشتیم.

در پاسخ به زمینه‌های تبلیغاتی آن روزها، مشت طبقه کارگر، چنان به دهان دشمنان اسلام و انقلاب خورد که آنها را مأیوس و گیج کرد و تا مدتی به سراغ این قشر نیامدند. این روحیه در دنیا کم‌نظیر است. حتی در نظامهای کارگری که صرفاً به اسم کارگر توجه می‌شود. وفاداری به انقلاب، مثل وفاداری کارگران به جمهوری اسلامی نیست. بنابراین، نقش کارگران در کشور ایران، برجسته و ممتاز است.»^(۱)

۲/۱۸- نقش مهم کارگرها در به ثمر رسیدن مبارزات ملت ایران

«کارگرها در به ثمر رسیدن مبارزات ملت ایران، یک نقش مهمی ایفاء کردند. اگر جامعه کارگری - عمدتاً در نفت و در برخی از جاهای حساس و مهم دیگر - وارد میدان نمی‌شدند، مشکلاتی بر سر راه پیروزی انقلاب باقی می‌ماند. بعد مسأله دفاع مقدس پیش آمد. قبل از دفاع مقدس، همین مسائل اوائل انقلاب پیش آمد - که خیلی از شما جوانها یا نبودید، یا یادتان نیست؛ ما از نزدیک شاهد بودیم - و کارگران و جامعه کارگری کشور نقش ایفاء کردند. خود من در روزهای بیست و یک و بیست و دوی بهمن توی یکی از همین کارخانجات نزدیک تهران در بین کارگرها بودم و از نزدیک شاهد بودم که چطور عوامل و عناصر تحریک شده چپ آن روز - یعنی کمونیستها و دنباله‌هاشان - می‌خواهند از یک جا یک حرکت به

۱ - سخنرانی در مراسم بیعت هزاران نفر از نمایندگان کارگران سراسر کشور، به تاریخ



اصطلاح کارگری را شروع کنند و انقلاب اسلامی را تبدیل کنند به یک انقلاب کمونیستی و مارکسیستی. این کار داشت در تهران انجام می گرفت. آن که در مقابل اینها ایستاد، کارگرا بودند. البته آن کارخانه چند صد نفر بیشتر کارگر نداشت، اما آن را مبدأ کار قرار داده بودند. ما هم رفتیم آنجا در بین کارگرا، کارگرا صدای دین را صدای آشنا شناختند. آنها بنده را هم نمی شناختند - من یک طلبه معمولی بودم - اما دیدند صدای دین، صدای آشناست؛ صدای ضد دینها، صدای نا آشنا و بیگانه بود؛ برایشان منکر بود. اگر از کارگراهای آن روز آن کارخانه کسانی باشند این حرف را بشنوند و بنشینند شرح بدهند قضایای آن سه چهار شبانه روزی که تقریباً ما آنجا می رفتیم می آمدیم - ساعتها من آنجا می ماندم - یک تجربه عجیب و مهمی در کشور است. کارگرا این جوری نقش ایفاء کردند. یعنی آن کسانی که می خواستند جامعه کارگری را در مقابل اسلام و جمهوری اسلامی علم کنند، به دست خود کارگرا سیلی و تودهنی خوردند. در طول این سالها همیشه همین جور بوده، تا امروز هم همین جور است. بعد هم قضیه دفاع مقدس و آن هشت سال و حضور وسیع و عظیم کارگران در این عرصه پیش آمد. بعد هم حضور در میدان کار بوده است.» (۱)

۲/۱۹ - سوءاستفاده از قشر کارگر به عنوان اهرم فشار بر ضد حکومتها

«می دانید قشر کارگر و شعارهای سیاسی ای که در دنیا برای قشر کارگر فراهم می شود، همیشه یکی از اهرمهای فشار بر ضد



حکومتهاست. در نظام جمهوری اسلامی، از روز اوّل دشمنانی سعی کردند از این اهرم فشار علیه جمهوری اسلامی استفاده کنند. بنده خودم در روزهای نوزدهم و بیستم و بیست و یکم و بیست و دوم بهمن سال ۵۷ چند روز متوالی به خاطر یک حادثه‌ای، یک علتی، خبری که به ما دادند، رفتم به یکی از کارخانجات جاده کرج. خود کارگرا به ما خبر دادند، از خود کارخانه به ما خبر رسید که یک عده‌ای از وابستگان به گروهکهای مارکسیستی و چپ رفتند آنجا، تصمیم دارند آنجا را پایگاهی قرار بدهند - آنجا هم که خوب، ولوله کارگر است؛ این همه کارخانه در جاده قدیم کرج به صورت متراکم حضور دارند - کارگرا را از آنجا جمع کنند، راه بیفتند به طرف بیت امام و به طرف مدرسه علوی که امام در آنجا ساکن بودند، و به خیال خودشان اوضاع را قبضه کنند و در دست بگیرند. بنده رفتم آنجا. آن کارخانه حدود سیصد چهارصد نفر کارگر داشت. عده‌ای که در آن سالن اجتماع کرده بودند، هفتصد هشتصد نفر بودند؛ یعنی غیر کارگرا هم آمده بودند. چند روز من در آن کارخانه صبح رفتم، عصر برگشتم؛ صبح رفتم، شب برگشتم؛ یک روز نزدیک به هفت ساعت بنده پشت تریبون ایستادم، صحبت کردم، حرف زدم؛ کسی از آنها آمد، شعار داد، استدلال کرد، جواب دادم، توجیه کردم. بالأخره کارگرا خودشان آن گروه مخرب را از کارخانه اخراج کردند، بیرونشان کردند. از آن روز تا امروز، ایجاد شعار سیاسی، به دست گرفتن اهرم سیاسی به وسیله کارگر علیه اسلام و علیه نظام اسلامی، در برنامه دشمنان اسلام و دشمنان جمهوری اسلامی بوده است. سی سال است که آنها تلاش می‌کنند از این اهرم علیه نظام جمهوری اسلامی

استفاده کنند، و سی سال است که کارگران کشور ما توی دهن آنها می‌زنند. این، شناخت ما از قشر کارگر است. این، صمیمیت بین قشر کارگر و نظام اسلامی است. که تکیه دارد بر ایمان؛ تکیه دارد بر آن پایه مستحکمی که نظام اسلامی بر اساس آن به وجود آمده است. لذاست که حرکت مجموعه کشور، در جهت تولید، با محوریت کارگر و تولیدکنندگان کار- اعم از کارگر و کارفرما- پیش خواهد رفت و نمی‌توانند اخلالی به وجود بیاورند.»(۱)

۲/۲۰- خوب و محکم و با کیفیت کار کردن

«با بیان دیگری می‌توانیم عرض کنیم که نظام اسلامی و میهن عزیز ما، در طول سالهای بعد از انقلاب تا امروز، با دشمنان رو به رو و سینه به سینه بوده است. این، حقیقت واضحی است که در طول سالهای متمادی تا امروز، دشمنان اسلام و ایران و دشمنان فضیلت و درستی، هیچ فرصتی را برای ضربه زدن به جمهوری اسلامی و به ایران عزیز و به ملت ایران از دست ندادند. البته غالباً شکست خورده‌اند؛ اما خباثت و نیت سوء خودشان را نشان داده‌اند. گرچه در بسیاری از موارد، کاری از پیش نبرده‌اند. پس محیط ایران اسلامی، محیط تلاش برای مقابله با دشمنان است. دنیای امروز دنیای مبارزه است. هرکس که در مقابله با گرگهای آدمی خوار، دفاع و مبارزه نکند، کارش ساخته است. هر ملتی که با دشمنان و جهانخواران، مقابله نکند، از بین رفته است؛ همچنان که نمونه‌های واضحش را در دنیا می‌بینیم.

در این میدان عظیم مبارزه جهادی و مبارزه اسلامی، کار، یک



مبارزه است. شما که کارگر هستید، در هر کارخانه، در هر مزرعه و یا در هر نقطه که مشغول کاری هستید، این کار، کشور شما را از دشمنان و بیگانگان بی‌نیاز، و به آبادانی کشور و آسایش مردم کمک می‌کند. شما در حال مبارزه‌اید و این مبارزه بسیار مؤثری است. اگر در دوران جنگ، مبارزه کارگران در دستگاه‌های تولیدی و در صف تولید نبود، ما در جنگ وضع بدی پیدا می‌کردیم. لذا شما مشاهده کرده‌اید که در طول این دوران - بخصوص در اوایل پیروزی انقلاب - دشمنان تلاش می‌کردند کارخانه‌ها یا مزارع را از کار تولیدی محروم کنند. شاید یادتان باشد که آن اوایل، چقدر شب‌نامه منتشر می‌شد و چقدر برای تعطیل کردن کارخانه‌ها تلاش و تبلیغات می‌کردند. البته دشمن که نمی‌گوید «من می‌خواهم کارخانه تعطیل شود تا اسلام شکست بخورد.» این را که صریحاً اعتراف نمی‌کند. دشمن که نمی‌گوید «من می‌خواهم کارخانه‌ها تعطیل شود تا ایران محتاج بماند.» دشمن روی اقدامات خود، اسمی می‌گذارد که نیت پلیدش را مکتوم و پنهان بدارد.

به عنوان «حق کارگر»، به عنوان «گرفتن حقوق محرومین» و از این قبیل، شعارهای دروغین درست می‌کردند تا کارخانه‌های ما را به تعطیل بکشانند. این تلاش را چه کسی جواب داد؟ این تلاش را چه کسی خنثی کرد و چه کسی بر دهان دشمنان اسلام و جمهوری اسلامی زد؟ همین طبقه کارگر، همین دستهای کارگران ما که با دل‌های مؤمن حرکت می‌کردند. وقتی دست کار آمد، با دل مؤمن همراه و همنوا باشد، آن وقت کارها کیفیت پیدا می‌کند. من می‌خواهم عرض کنم: کارگران کشور، در هر نقطه که مشغول کار



سازنده‌ای برای آبادانی کشور هستند، بدانند که مشغول مبارزه‌اند. این مبارزه را هر چه می‌توانید با کیفیت بهتر و محکمتر انجام دهید.

این حدیث را مکرر عرض کرده‌ام که فرمود: «رحم الله امرء عمل عملاً فأتقنه.» خداوند رحمت کند کارگر و کسی را که کاری انجام دهد، و خوب و محکم انجام دهد. کارگر مسلمان باید کارش را بالاتر و بهتر از معیارها و حدود و استانداردهای کار اجرا کند و تحویل دهد. این، فرهنگ و دستور اسلامی است.

این روزها- که روزهای بزرگداشت کارگران است- عرضم این است که هم خود کارگران، هم مسؤولین نظام کارگری کشور و هم نویسندگان، باید روی این نکته تکیه کنند که امروز کار، یک فضیلت و ارزش و یک عبادت و مبارزه است.» (۱)

۲/۲۱- انجام کار به صورتِ مجدّانه و مبتکرانه و مبتنی بر ذوق و سلیقه ایرانی

«کارگر ایرانی با غیرت و با شرف، کار را پیکار خود می‌داند، مبارزه خود می‌داند. شما با کارتان دارید مبارزه می‌کنید با آن کسانی که می‌خواهند کشور را به ورطه سقوط اقتصادی و رکود اقتصادی شکست اقتصادی بکشانند. جامعه کارگری عزیز ما در سرتاسر کشور بدانند؛ امروز کاری که شما انجام می‌دهید- کار مجدّانه، کار مبتکرانه، کار مبتنی بر ذوق و سلیقه و شیوایی ذهن ایرانی- یک پیکار است، یک مبارزه است. شما با کارتان دارید با دنیای استکبار مبارزه می‌کنید.» (۲)

۱- بیانات در دیدار با جمع زیادی از معلمان و کارگران، به تاریخ ۱۳۷۱/۲/۹.

۲- بیانات در دیدار با هزاران نفر از کارگران سراسر کشور، به تاریخ ۱۳۹۰/۲/۷.



۳- نگاه نظام‌های مادی به کارگران

۳/۱- کارگر در دنیای سرمایه‌داری یک ابزار است

«امروز در دنیای سرمایه‌داری، گاهی بعضی از کارگرها از لحاظ برخورداری مادی و وضعیتشان هم خوب است- البته عمومیت ندارد، بعضاً این جور است که وضعیتشان خوب است- لیکن همان هم از چشم کارفرما، از چشم سیاستگذاران کار و تولید، یک ابزار است؛ مثل یک پیچ و مهره؛ تا وقتی ارزش دارد که بتواند به آنها ارزش مادی تحویل بدهد، پول تحویل بدهد.» (۱)

«در نظام سرمایه‌داری غربی، مالک امور، کارفرماست؛ حالا برای مصلحت ممکن است یک امتیازاتی هم برای کارگر قائل شود تا کار او را از دست ندهد؛ اما رابطه این است، او مثل ابزار کار است. نگاهش به کارگر، نگاه به یک انسان نیست، نگاه مثل یک ماشین است.» (۲)

۳/۲- بین کارگر و کارفرما در مکاتب مادی، رابطه خصمانه

«در مکاتب مادی، چه مکتهای سرمایه‌داری- که یکسره طرفدار سرمایه‌دارند و به کارگر مثل ابزار و ماشین نگاه می‌کنند- و چه در مکتب کمونیسم- که خود را طرفدار قشر کارگر می‌دانستند و وانمود می‌کردند که بهشت را برای کارگران در همین دنیا به ارمغان خواهند آورد و عملکردشان نشان داد که دوزخ زندگی را، نه فقط بر کارگر،

۱- بیانات در دیدار با کارگران نمونه سراسر کشور، به تاریخ ۱۳۸۹/۲/۸.

۲- بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار با کارگران، به تاریخ ۱۳۸۵/۲/۶.

بلکه بر دیگر قشرهای جامعه ملتهب تر می کنند- در هر دو نظام (چه نظام سرمایه داری و چه نظام کمونیستی) رابطه کارگر و کارفرما، رابطه خصمانه است.» (۱)

۳/۳- منطق غربی، کارفرما سلطان و صاحب امتیاز کارگر

«نگاه دیگر، نگاه منطق غربی است که کارفرما سلطان کارگر است، صاحب اختیار کارگر است، کارگر ابزاری است در دست او و در اختیار او. این هم تحقیر شخصیت انسان است؛ غلط اند و غلط هر دو نگاه، غلط است.» (۲)

۳/۴- در منطق سوسیالیستی، کارگر و کارفرما دو دشمن در مقابل هم

«در منطق تفکر سوسیالیستی، کارگر و کارفرما دو تا دشمن بودند در مقابل هم؛ دو تا دشمن، به خون هم تشنه؛ این تحلیل شان بود. راه حلی که نشان دادند، راه حل ضایع باطل غلطی بود: مالکیت دولت بر همه منابع تولید و ابزارهای تولید؛ که بعد از گذشت چند دهه، به آن فضاحت انجامید. آن یک نگاه بود، که نگاه دشمنی و ستیزه گری بین کارگر و کارفرما بود.» (۳)



۱- بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار با کارگران، به تاریخ ۱۳۸۵/۲/۶.

۲- بیانات در دیدار با کارگران نمونه سراسر کشور، به تاریخ ۱۳۸۹/۲/۸.

۳- همان.



گفتار بیست و چهارم کشاورزی

(ارزش و اهمیت، جایگاه در اسلام، جایگاه در ایران، افقها)

اشاره:

کشاورزی، پایه و زیربنا و اساس اقتصاد محسوب می‌گردد، و یکی از اساسی‌ترین محورهای توسعه و یکی از پایه‌های اساسی حیات هر کشوری به شمار می‌آید.

کشاورزی پشتوانه امنیت غذایی است و شریان اصلی زندگی در هر جامعه‌ای در این بخش می‌باشد.

کشاورزی در اسلام جایگاه والایی دارد به گونه‌ای که بسیاری از بزرگان دین ما بدان اشتغال داشته‌اند و احادیث و روایاتی هم در مورد اهمیت آن در مکتب ما وجود دارد.

در جمهوری اسلامی ایران نیز که نظامی اسلامی است کشاورزی از اهمیت و ارزش فوق‌العاده عظیمی برخوردار بوده و امری مقدس به حساب می‌آید.

کشور ما دستاوردهای درخشان و پرافتخاری هم در عرصه کشاورزی به دست آورده است از جمله آن که امروز کشور ما یکی از کشورهای مطرح از لحاظ سیلوسازی در دنیا است و دیگر آن که نظام جمهوری اسلامی مدتهاست که به خودکفایی در تولید محصول حیاتی و فوق‌العاده استراتژیک گندم دست یافته است.

مهمترین انتظار از کشاورزان عبارت است از: دنبال کردن کار کشاورزی به عنوان یک کار سازنده و اثرگذار و مقدس، داشتن روحیه جهادی، استفاده از نیروهای مطلع و خبیره در کار کشاورزی و...

وظایف مسؤولان در قبال کشاورزی، وظایف سنگینی است چرا که مسؤولان این بخش سر رشته داران امور اساسی ترین و زیربنایی ترین بخش اقتصاد هستند. اتخاذ سیاستهای ثابت و ماندگار و پیگیری شده، رسیدگی به مسائل تولید کنندگان کشاورزی، تقویت آن با روحیه جهادی، سوق دادن کشاورزی به سوی سودآور شدن، مقدس دانستن خدمت در عرصه کشاورزی، تلاش در جهت تقویت بُعد علمی آن و... همه و همه از جمله مهمترین انتظاراتی هستند که از مسؤولان و دست اندرکاران امر در عرصه کشاورزی وجود دارد.



۱- ارزش و اهمیت کشاورزی

۱/۱- کشاورزی؛ از اساسی‌ترین محورهای توسعه

«کشاورزی از اساسی‌ترین محورهای توسعه در کشور ماست؛ یک امر حاشیه‌ای نیست.» (۱)

«توجه به صنعت - که لازم است - نباید موجب عطف توجه از کشاورزی شود. کشاورزی، پایه و زیربنا و اساس است.» (۲)

۱/۲- کشاورزی؛ یکی از پایه‌های اساسی حیات کشور

«حرف بنده به شما کشاورزان عزیز و به همه کشاورزان سراسر کشور این است که کاری که شما بر عهده گرفته‌اید، کار کوچکی نیست. همان کشاورزی که در یک نقطه دوردستی از کشور فرض کنیم بر روی یک یا پنج هکتار زمین مشغول کار است، به سهم خود یکی از پایه‌های اساسی حیات این کشور را بالا می‌برد.» (۳)

۱/۳- ارزش کشاورزی، ارزش طبیعی و ذاتی

«کشاورزی بسیار حائز اهمیت و دارای عزت است. ارزشی هم که در شرع مقدس اسلام شنیده‌اید که برای قشر کشاورز بیان شده است. ناشی از اهمیت این کار است. شما چه می‌کنید؟ شما با استفاده از نعمت خدادادی زمین و آب، گنجینه‌های الهی را - که در ذرات هست، در خاک هست، به وسیله نور خورشید و عوامل طبیعی این

۱- بیانات در دیدار با جهادگران و کشاورزان، به تاریخ ۱۳۸۲/۱۰/۱۴.

۲- همان.

۳- بیانات در دیدار با کشاورزان، به تاریخ ۱۳۸۴/۱۰/۱۴.



گنجینه‌ها بارور می‌شود- استخراج می‌کنید، تا انسانهایی که روی این زمین زندگی می‌کنند، زنده بمانند. اگر غذا نباشد، زندگی نیست؛ و شما غذای انسانها را تأمین می‌کنید؛ لذا عظمت و ارزش این کار یک ارزش طبیعی و شبیه ارزش ذاتی است.» (۱)

«کشاورز ایرانی برای ملت ایران امنیت غذایی را تأمین می‌کند؛ این، افتخار بزرگی است.» (۲)

۱/۴- بالا بودن ارزش و کرامت و تأثیر شغل کشاورزی

«من این را عرض می‌کنم برای این که در سرتاسر کشور، جوانان مناطق کشاورزی که گاهی جاذبه مشاغل دیگر آنها را به خود جذب می‌کند، بدانند که ارزش و کرامت و تأثیر این شغل از اکثر مشاغل دیگر، در زندگی جمعی ملت‌شان، بالاتر است و جای گسترش هم دارد.» (۳)

۱/۵- مهم بودن کشاورزی در ابعاد ملی و بین‌المللی

«این، مطلبی بود که می‌خواستم به شما کشاورزها بگویم، کارتان بزرگ و مهم است؛ مهم در ابعاد ملی. اگر درست نگاه کنیم، با اهمیت نظام جمهوری اسلامی و این پرچم برافراشته اسلام در این سرزمین، کار شما در ابعاد بین‌المللی مهم است. این کار را قدر بدانید و خدا را شکر کنید بر این که یک چنین توفیقی به شما ارزانی داشته

۱- بیانات در دیدار با کشاورزان، به تاریخ ۱۳۸۴/۱۰/۱۴.

۲- همان.

۳- همان.



است.» (۱)

۱/۶- شریان اصلی زندگی جامعه در بخش کشاورزی

«باید امر کشاورزی را در کشور سبک نشمرند. البته صنعت هم مهم است و وقتی ما روی کشاورزی تکیه می‌کنیم، صنعت را نفی نمی‌کنیم؛ آن هم یک محور اساسی دیگری برای پیشرفت کشور است؛ اما جاذبه‌های گوناگون و زرق و برق و نام و نشان بخشهای دیگر، مبدا اهمیت این بخش بسیار مهم را تحت‌الشعاع قرار بدهد؛ شریان اصلی زندگی جامعه، در این بخش است و زندگی واقعی و ملموس جامعه - حیات اجتماعی - در این بخش، بیشتر معنا پیدا می‌کند؛ چون این جا مسأله غذا و مسأله امنیت غذایی و مسأله استقلال ناشی از امنیت غذایی و خودکفایی مطرح است.» (۲)

۱/۷- کشاورزی؛ محور اصلی در اداره کشور

«بخش کشاورزی یک محور اصلی در اداره کشور است.» (۳)

۲- جایگاه کشاورزی در اسلام

«در اسلام هم آگاهانه و با توجه، نسبت به کشاورزی تأکید شده است. حدیث بسیار پُر معنا و پُر مضمونی درباره کشاورزان نقل شده است: «الزَّارِعُونَ كُنُوزُ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ»؛ یعنی کشاورزان کسانی هستند که گنجینه‌های خدا در زیر زمین را می‌دروند و استخراج می‌کنند. مهمترین گنجینه خدا در زمین و خاک عبارت است از موادی که مایه

۱- بیانات در دیدار با کشاورزان، به تاریخ ۱۳۸۴/۱۰/۱۴.

۲- همان.

۳- همان.

ادامه حیات بشر و حیوانات است. این از طلا و نفت مهمتر است. طلا و نفت وسیله به دست آوردن مایحتاج زندگی است؛ اما محصول غذایی، مهمترین مایحتاج زندگی است.» (۱)

۳- وضعیت و جایگاه کشاورزان در ایران

۳/۱- در دوران طاغوت، گندم از امریکا بود و سیلو از روسها!

«در دوران رژیم طاغوت، گندم را از امریکا می خریدند و سیلو را روسها برایشان می ساختند؛ آنها سیلو را هم نمی توانستند بسازند! باید روسها می آمدند؛ این صنعت در ایران نبود.» (۲)

۳/۲- امروز ایران یکی از کشورهای مطرح از لحاظ سیلوسازی در دنیا

«در سالهای اول انقلاب، این جوانان جهاد دانشگاهی آمدند و گفتند امام دستور داده اند مردم گندم بکارند؛ خوب، گندم سیلو لازم دارد؛ در خانه چه کسی برویم، جز در خانه همت و ابتکار خودمان؛ شروع کردند. افرادی می دیدند که این سیلو بالا می رود-البته در روز اول، با ظرفیت کم- اما باور نمی کردند! و امروز کشور ما یکی از کشورهای مطرح از لحاظ سیلوسازی در دنیاست؛ به برکت همین جوانها.» (۳)

۳/۳- خودکفایی در تولید گندم

«ما همان کشوری هستیم که در دوران طاغوت، پایه کشاورزی ما



۱ - بیانات در دیدار با کشاورزان، به تاریخ ۱۳۸۴/۱۰/۱۴.

۲ - همان.

۳ - همان.

را متزلزل کردند، برای این که ما را وابسته کنند؛ برای این که بازار برای گندم خودشان و بقیه محصولات کشاورزی دیگران - بیگانگان - درست کنند. با این افزایش جمعیت - امروز کشورمان بیش از دو برابر اول انقلاب جمعیت دارد - اگر بنا بود ما مثل آن روز آنها از نظر گندم محتاج بیگانگان باشیم، برای هر تن گندمی که به ما می دادند، یک منت سنگین، یک بار سنگین تحقیر بر روی دوش این ملت سوار می شد؛ هر وقت هم که مایل بودند، می توانستند این را قطع کنند؛ اما ملت ما در گندم به خود کفایی رسید.» (۱)

۳/۴ - کار کشاورزی به عنوان یک کار

«من به شما کشاورزان عزیز عرض می کنم که این کار را به عنوان یک کار سازنده، اثر گذار و یک کار مقدس دنبال کنید.» (۲)

۳/۵ - استفاده از نیروهای مطلع و خبره در کار کشاورزی

«به همه روستاییان و همه کشاورزان و کسانی که دست اندر کار کشاورزی اند، توصیه می شود که از این جوانان مطلع و خبره در کار کشاورزی استقبال کنند. بنده در بعضی از روستاها از نزدیک ملاحظه کردم که جوانهای خبره و دانش آموخته کشاورزی، یک نفرشان بیکار نمانده بود! همه در مزارع مشغول کار شده بودند و نتیجه این شده بود که آن بخش از لحاظ محصول کشاورزی، رشد فوق العاده کرد.» (۳)

۱ - همان.

۲ - بیانات در دیدار با جهادگران و کشاورزان، به تاریخ ۱۴/۱۰/۱۳۸۲.

۳ - بیانات در دیدار با کشاورزان، به تاریخ ۱۴/۱۰/۱۳۸۴.



۴- وظایف مسؤولان در قبال کشاورزی

۴/۱- اتخاذ سیاستهای ثابت، ماندگار و پیگیری شده

«یکی از اساسی‌ترین کارها این است که در باب کشاورزی و محصولات کشاورزی، سیاستها ثابت، ماندگار و پیگیری شده باشد و به مسائل تولید کنندگان کشاورزی رسیدگی شود. این طور نباشد که یک سال ما به خاطر کمبود پیاز، پیاز وارد کنیم؛ اما سال بعد که کشاورز ما پیاز تولید کرد، این محصول در انبارها پیوسد.» (۱)

۴/۲- ضرورت روحیه جهادی

«بعضیها اشتباه می‌کنند که در مقابل آرمان‌گرایی، واقع‌بینی را مطرح می‌کنند، در نظر اینها واقع‌بینی نقطه مقابل آرمان‌گرایی است. این خطای بزرگی است؛ چون آرمان‌گرایی، خودش واقعیتها را در جامعه می‌سازد. یک مجموعه با آرمان و دارای هدفهای بلند می‌تواند واقعیتها را طبق آرمان خود شکل دهد و به وجود آورد. دنیا این طور پیش رفته است. آرمانها را کنار بگذاریم، به بهانه واقع‌بینی؟! این کمال غفلت است. آرمان‌گرایی به وجود آورنده واقعیتهای شیرین و مطلوب است. وقتی یک انسان، یک مجموعه و یک ملت با مسؤولان و دست‌اندرکارانش پای آرمانها ایستادند و حاضر نشدند کوتاه بیایند و برایش کار کردند، چه اتفاقی می‌افتد؟ واقعیتها به سمت آرمانها تغییر می‌کند. این خودش بزرگترین واقعیت و قانون زندگی است؛ چرا بعضی این را فراموش می‌کنند؟ لفظ «جهاد» در اول اسم وزارت جهاد کشاورزی معنا دارد؛ یعنی کار باید با روحیه جهادی صورت گیرد.



این وزارتخانه امروز می‌تواند و می‌باید با همین روحیه وارد میدان کار شود.» (۱)

«آن جایی که حرکت و روح جهادی وجود دارد، انسان در ایمان و آرمان و خدمت به دیگران حل می‌شود و خود را فراموش می‌کند. این روحیه را باید در جامعه تقویت کرد. کشاورزی و دامداری ما هم با این روحیه رونق واقعی خود را پیدا خواهد کرد.» (۲)

۵۲۷

«در هر بخشی از بخشهای گوناگون صنعتی و فنی و علمی و تحقیقاتی که ما با روحیه جهادی وارد شدیم، پیش رفته‌ایم. روحیه جهادی یعنی چه؟ یعنی اعتقاد به این که «ما می‌توانیم»؛ و کار بی‌وقفه و خستگی‌ناپذیر و استفاده از همه ظرفیت وجودی و ذهنی و اعتماد به جوانها، الآن در همین بخش انرژی هسته‌ای که این همه دنیای استکبار را سراسیمه کرده، اکثر کسانی که در آنجا مشغول کار هستند، جوانهای تحصیلکرده‌اند؛ صدها جوان کم‌سال و تحصیلکرده، این چرخ را می‌چرخانند و این عزت را برای کشور پدید آورده‌اند. در همه بخشها همین‌طور است. به نیروهای با استعداد، چه از جوانها باشند و چه از انسانهای با تجربه، اعتماد کنند. اعتماد به این افراد و توکل به خدای متعال و اخلاص نیت برای خدا، اساس کار است. جهاد کشاورزی باید در معنای حقیقی کلمه، برای مسائل کشاورزی کشور و دامداری و بقیه کارهایی که برعهده این وزارت است، جهادی عمل

۱ - بیانات در دیدار با جهادگران و کشاورزان، به تاریخ ۱۴/۱۰/۱۳۸۲.

۲ - همان.

کند.» (۱)

۴/۳- سوق دادن کشاورزی به سوی سودآور شدن

«من به شما کشاورزان عزیز عرض می‌کنم که این کار را به عنوان یک کار سازنده، اثرگذار و یک کار مقدس دنبال کنید. ان شاء الله سیاستهای مسؤولان هم به کمک شما بیاید و همان‌طور که اشاره کردند، تولید کشاورزی، اقتصادی، سودآور و تشویق‌کننده برای سرمایه‌گذاری شود.» (۲)

۴/۴- مقدس دانستن خدمت در عرصه کشاورزی

«مسؤولان محترم هم در وزارت جهاد کشاورزی خدمت خود را مقدس بدانند. کار آنها بسیار مهم و یکی از انسانی‌ترین کارهاست. البته خدای متعال هم تفضّل و لطف خواهد کرد. هر جا شما تلاش و مجاهدت کنید، مطمئن باشید کمک الهی بالای سرتان است.» (۳)

۴/۵- تقویت و ارتقای کشاورزی

«مسؤولان با این نگاه، با نگاه، «حائز اهمیت»، باید به بخش کشاورزی نگاه کنند. بخش کشاورزی یک محور اصلی در اداره کشور است؛ و باید با این چشم در تنظیم معلومات دانشگاهی، در تخصیص بودجه، در گماشتن افراد کارآمد و توانا در رأس کارها، به آن نگاه کرد؛ باید امر کشاورزی را در کشور سبک‌نشمرد. البته صنعت هم مهم است و وقتی ما روی کشاورزی تکیه می‌کنیم، صنعت



۱- بیانات در دیدار کشاورزان، به تاریخ ۱۴/۱۰/۱۳۸۴.

۲- بیانات در دیدار با جهادگران و کشاورزان، به تاریخ ۱۴/۱۰/۱۳۸۲.

۳- همان.

را نفی نمی‌کنیم؛ آن هم یک محور اساسی دیگری برای پیشرفت کشور است؛ اما جاذبه‌های گوناگون و زرق و برق و نام و نشان بخشهای دیگر، مبدا اهمیت این بخش بسیار مهم را تحت الشعاع قرار بدهد؛ شریان اصلی زندگی جامعه، در این بخش است و زندگی واقعی و ملموس جامعه - حیات اجتماعی - در این بخش، بیشتر معنا پیدا می‌کند؛ چون این جا مسأله غذا و مسأله امنیت غذایی و مسأله استقلال ناشی از امنیت غذایی و خودکفایی مطرح است؛ این نکته اول، که مسؤولان با این چشم به مسأله کشاورزی نگاه کنند. این نگاه - همان‌طور که گفتیم - در دانشگاه، در بخشهای دانشگاهی مربوط به کشاورزی، در تنظیم دروسها، در گرفتن دانشجو، در پرداختن به استاد، اثر می‌گذارد، تا بقیه خدمات گوناگونی که دولت می‌تواند به کشاورزان بدهد؛ مانند آنچه که مربوط به بانکهاست، آنچه که مربوط به سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی است، آنچه که مربوط به خود وزارت جهاد کشاورزی است.» (۱)

۴/۷ - آموزش روشهای صحیح بهره‌وری از آب و خاک

«مرتب از این که ما از لحاظ آب در مضیقه هستیم، حرف می‌زنند؛ خوب بله، ما می‌دانیم کشور ما از آن کشورهای پُر آب نیست؛ اما آیا از همین آبی که امروز داریم، استفاده بهینه می‌شود؟ جواب، منفی است. این، جزو کارهای وزارت جهاد کشاورزی و وزارتخانه‌ها و دستگاههای گوناگون دولتی است که آموزش چگونگی استفاده از آب، تنظیم جریان آب در بخشهای مختلف، نگهداری از همین مقدار

آبی که از نزولات مبارک آسمانی است. با انواع و اقسام شیوه‌هایی که امروز در دنیا معمول است، جزو کارها قرار بگیرد. بنابراین، کشور ما از کشورهای پر آب نیست، اما همین مقدار آبی که داریم، قادر است محصولات کشاورزی را سیراب کند. در زمین هم همین طور هستیم. من در گزارشها خوانده‌ام که ما امروز اندکی بیش از هجده میلیون هکتار زمین قابل کشت داریم؛ در بخشهای مختلف: دیمی و آبی و باغی و غیره، که این مقدار می‌تواند به سی میلیون هکتار افزایش پیدا کند؛ یعنی نزدیک به دو برابر. من در بعضی از بخشهای این کشور- در مسافرت‌هایی که کرده‌ام- زمین‌هایی را دیده‌ام که با «کار» می‌توانند تبدیل بشوند به زمینهای قابل کشت. ما خیلی امکانات در این کشور داریم. ما یک کشور به معنای حقیقی کلمه غنی هستیم و این «غنا» را مردم باید حس کنند؛ از این غنا باید استفاده کنند. به زارع می‌توانیم بگوییم روی این زمین، خوب و با شیوه علمی کار کن و محصول به دست بیاور؛ چیز دیگری در اختیار او نیست؛ ولی این مسؤولانند که بایستی نظام این کار را طراحی کنند.» (۱)

۴/۸- تلاش در جهت تقویت بُعد علمی کشاورزی

«بخش آموزش کشاورزی و ترویج و استفاده از دانش موجود دنیا در دانشگاه‌های ما و فرستادن جوانها برای کمک به روستایها، جزو کارهای بسیار مهم است.» (۲)



۱ - بیانات در دیدار با کشاورزان، به تاریخ ۱۳۸۴/۱۰/۱۴.

۲ - همان.

۴/۹- اصلاح شیوه‌های آبیاری کشاورزی

«صرفه‌جویی در مواد اساسی، از جمله صرفه‌جویی در مصرف آب. امروز نود درصد آبی که ما در کشور مصرف می‌کنیم، در بخش کشاورزی مصرف می‌شود اگر دولت به توفیق الهی بتواند شیوه‌های آبیاری کشاورزی را اصلاح کند، اگر از این نود درصد، ده درصد کم بشود، شما ببینید چه اتفاقی می‌افتد. غیر از بخش کشاورزی، در همه بخشهای دیگر- بخش خانگی، بخش صنعتی و بخشهایی که احتیاج به آب دارد- ما فقط از ده درصد آب کشور داریم استفاده می‌کنیم. اگر ما بتوانیم در بخش کشاورزی ده درصد صرفه‌جویی کنیم، ببینید چه اتفاقی می‌افتد. در واقع امکانات بهره‌برداری از آب در بخش غیر کشاورزی دو برابر می‌شود؛ که این بسیار چیز مهم و باارزشی است.» (۱)

۵- افتحای کشاورزی

۵/۱- خود کفایی در محصولات اصلی و اساسی غذایی کشور

«در بخش کشاورزی و دامداری- که یکی از بخشهای مهم ماست- اساس توجه باید به این باشد که ما در محصولات اصلی مصرف کشور، به خود کفایی برسیم.» (۲)

«ملت ما در گندم به خود کفایی رسید. عین همین قضیه باید در بقیه محصولات مهم و اساسی غذایی به وجود بیاید؛ در برنج، در روغن،

۱- بیانات در حرم مطهر رضوی در آغاز سال نو، به تاریخ ۱۳۹۰/۱/۱.

۲- بیانات در دیدار با گروه کثیری از اصناف، به تاریخ ۱۳۸۰/۴/۱۰.

در گوشت، در لبنیات، که نیازهای کشور است. باید کشور به دیگران اصلاً محتاج نباشد و مردم کشور بدانند که شما قشر کشاورز و دامدار با غیرت خود، با ایمان خود، با همت خود، غذای آنها را تأمین می‌کنید و مردم محتاج این نیستند که از دیگران درخواست کنند؛ هم پول بدهند، هم منت بکشند، هم دایم ته دلشان نگران باشد که اگر یک مشکلی به خاطر یک مسأله سیاسی و غیره پیش آوردند، چه کنیم.» (۱)

۵/۲- اقتدار کشاورزی

«در باب کشاورزی و کشاورزان آنچه که در کشور ما بسیار مهم است، این است که این ملت عزیز و سربلند، در امر تغذیه و تهیه مواد غذایی اصلی خود، نباید به بیرون مرزها هیچ احتیاجی داشته باشد. از اول انقلاب تا امروز، تکیه بر مسأله کشت و زرع، برای تأمین این منظور بوده است. اگر یک ملت به دست خود و با ابتکار و نیروی خود، تولید و مصرف کند و حتی بتواند شعاع مصرف تولیدات خود را در بیرون مرزهایش گسترش دهد، به مفهوم خاص و مهمی از اقتدار دست خواهد یافت. این نیاز کشور ماست. تأکید جمهوری اسلامی از آغاز تا امروز بر روی مسأله کشاورزی، عمدتاً به این خاطر است. ما برای گندم و برنج و روغن و لبنیات و خوراک دام و بقیه مصارف عمده و اصلی کشورمان نباید نیازمند دیگران باشیم. بحمدالله امکانات طبیعی و انسانی در کشور وجود دارد و من امیدوارم حرکت اساسی و



صحیحی در این باره انجام بگیرد.»(۱)

۵/۴- صادرات در کشاورزی

«ما به کشاورزان می‌گوییم تلاش کنید تا امنیت غذایی برای کشور به وجود بیاورید؛ اما به مسئولان‌مان می‌گوییم این پایان کار نیست؛ ما بایستی به صادرکنندگان این محصولات تبدیل شویم؛ ما باید بتوانیم دیگران را بهره‌مند کنیم. این کار، کار دستگاه‌های گوناگون دولتی است که وسایلش را فراهم کنند؛ ما می‌توانیم.»(۲)



۱- بیانات در دیدار با کشاورزان، به مناسبت هفته کشاورزی، به تاریخ ۱۳۸۰/۱۰/۱۲.

۲- بیانات در دیدار با کشاورزان، به تاریخ ۱۳۸۴/۱۰/۱۴.



گفتار بیست و پنجم بودجه و سرمایه‌های ملی

(ضرورتِ امین بودنِ مسؤولان، جلوگیری از اسراف و ضرر رساندن)

اشاره:

از جمله مهمترین مواردی که در اسلام و حکومت پیامبر (صلی الله علیه وآله) و امام علی (علیه السلام) بسیار به آن اهمیت داده شده، مقولۀ بیت المال مسلمین است. دقت در صرف بیت المال و اسراف نکردن در آن و عادلانه تقسیم کردن آن و... از جمله اموری هستند که در اسلام بر آنها بسیار تأکید شده است و مصادیق درخشان و افتخارانگیزی برای آن در سیرت نبوی و علوی وجود دارد.

در حال حاضر نیز که بیت المال مسلمین به صورت بودجه و ثروتهای عمومی و سرمایه های ملی در اختیار مسؤلان قرار دارد، مسؤلان باید نهایت سعی شان را در عرصه امین بودن نسبت به موجودی و داراییهای کشور و تقسیم عادلانه آن بنمایند. اگر مسؤولیتی خدای ناخواسته، در بیت المال اسراف کند یا آن را در مصارف شخصی و یا برای دوستان و نزدیکان و مرتبطين خود مصرف کند، این کار، تخلف از عدل و خیانت به بیت المال است. بیت المال مسلمین باید در همان طریقی که قانوناً معین شده و همان مصارف عمومی و بخشهایی که وظیفه ای از وظایف کشور را بر عهده دارد، مصرف شود.

مسؤلان باید نسبت به بیت المال امین باشند و پرهیز از سوء استفاده از بودجه و بیت المال را سرلوحه کارهای شان قرار دهند؛ نه تنها باید امین باشند بلکه باید رعایت اولویتها در هزینه کردن از بودجه و بیت المال را نیز بنمایند. معمولاً مسؤلان بعضی سمینارها

و اجتماعات و میهمانیها و سفرها را برگزار می‌کنند که بلاشک اینها فوایدی هم دارد؛ اما این فایده داشتن کافی نیست در حالی که درآمدهای کشور محدود و نیازها بسیار زیاد است. مسئولان نباید در کارهای‌شان به این اکتفا کنند که اقدامات‌شان فقط مفید باشد. صرف مفید بودن کارها، دلیل هزینه کردن برای آن نیست؛ بلکه کارها باید سبک و سنگین شوند و اولویتها مشخص شوند و بودجه فقط در زمینه مسائل دارای اولویت خرج شود. هزینه کردن اعتبارات و پولهای کشور در جاهای فاقد اولویت امری نکوهیده و مطرود است و برای هر مسؤولی در جمهوری اسلامی حرام و ممنوع می‌باشد.

برخی از مهمترین مصادیق اسراف در بودجه و بیت‌المال و ضرر زدن به بیت‌المال عبارتند از: ایجاد دستگاههای زاید، استخدامهای زاید، توسعه دانههای زاید، کاغذپراکنی و زیاده‌نویسیهای بیهوده و وقت تضييع کن، رانت خوری، استفاده از امکانات دولتی و... مسئولان باید از این رذایل و ضد ارزشها بشدت پرهیز نمایند و با تمام قوا در مسیر بهره‌مندی حد اکثری مردم از ثروتها و داراییهای کشور گام بردارند.

حفظ سرمایه‌های ملی که بخشی از داراییهای عمومی کشور است نیز ضرورت دیگری است که مسئولان نباید از آن غفلت کنند. مسئولان ذی‌ربط باید از تخریب منابع طبیعی و ضایع کردن سرمایه‌های ملی که متعلق به همگان است جلوگیری نمایند.



۱- زمینه صرف بودجه و بیت‌المال

«باید بیت‌المال مسلمین در همان طریقی که قانوناً معین شده و همان مصارف عمومی و بخشهایی که وظیفه‌ای از وظایف کشور را بر عهده دارد، مصرف شود.» (۱)

۲- ضرورت تقسیم عادلانه بیت‌المال و راه آن

«امیرالمؤمنین علیه الصلوة والسلام، عدالت را در بین مسلمانان و جامعه اسلامی جاری می‌کردند و مانع از این شدند که بیت‌المال به اسراف مصرف شود. نگذاشتند دست تظاول باز شود. نگذاشتند کسانی بیت‌المال مسلمین را به ناحق مصرف کنند.

البته بیت‌المال مسلمین در آن روز، به این شکل بود که درآمدهای جامعه اسلامی به شکل سرانه، بین مردم تقسیم می‌شد. این روش مالیه جدید و این شکلی که امروز در دنیا وجود دارد، آن روزها معمول نبود. همان درآمد را، امیرالمؤمنین علیه الصلوة والسلام، بالسویه تقسیم می‌کردند. بیت‌المال را بین صحابی و غیر صحابی و قرشی و هاشمی و غیر قرشی و غیر خاندان پیغمبر و همه و همه، به شکل یکسان تقسیم می‌کردند و این، مایه اعتراض خلیه‌ها شد؛ اما امیرالمؤمنین، علی الصلوة والسلام، اعتنایی نکردند. امروز وضع تقسیم بیت‌المال به شکل عادلانه، آن‌طور نیست. امروز تقسیم سرانه نیست و روشهای دیگری در استقرار عدالت وجود دارد. امروز کسانی که با بیت‌المال مسلمین سروکار دارند، باید از مصرف و خرج کردن

۱ - بیانات در دیدار با مسؤولان و کارگزاران نظام، به مناسبت عید غدیر خم، به تاریخ

بیت‌المال در غیر مصارف عمومی و مردمی، خودداری کنند. این، راه تقسیم عادلانه بیت‌المال است. اگر مسؤولی خدای ناخواسته، در امر بیت‌المال اسراف بورزد، یا آن را در مصارف شخصی و یا برای دوستان و نزدیکان و مرتبطين خود مصرف کند، این، تخلف از عدل و قرار واقعی در امر بیت‌المال است. باید بیت‌المال مسلمین در همان طریقی که قانوناً معین شده و همان مصارف عمومی و بخشهایی که وظیفه‌ای از وظایف کشور را بر عهده دارد مصرف شود.» (۱)

۳- ضرورت امین بودن مسؤولان نسبت به ثروتهای عمومی کشور

۳/۱- امانتداری، توقع مردم از مسؤولان

مردم می‌خواهند این احساس را داشته باشند که مسؤولان کشور در سطوح مختلف، نسبت به موجودی کشور، امانتدار و امینند. این را می‌خواهم از شما به طور جدّ بخواهم که مراقب باشید، این امانت و این روحیه امانتداری نسبت به آنچه که از مردم در اختیار ماست - بیت‌المال و آنچه که مربوط به ثروتهای عمومی کشور است - اختلال پیدا نکند.» (۲)

۳/۲- دقت در صرف بودجه، از مشخصه‌های تقوای مسؤولین

«من این جمله‌ای را هم که بارها به مسؤولان عرض کرده‌ام، در پایان عرایضم عرض کنم: شما که مسؤول هستید و بخشی از بودجه در

۱ - بیانات در دیدار با مسؤولان و کارگزاران نظام، به مناسبت عید غدیر خم، به تاریخ

۱۳۷۱/۳/۳۰.

۲ - همان.



اختیارتان است، در صرف و خرج بودجه هم باید خیلی دقت کنید. یکی از مشخصه‌های تقوای شما همین است.» (۱)

۴- ضرورت رعایت اولویتها در هزینه کردن بودجه و بیت‌المال

۴/۱- بدون اولویت، هزینه کردن جایز نیست

«بدون اولویت، هزینه کردن جایز نیست. بعضیها در محیط کارشان و در دفترشان بعضی کارها را می‌کنند؛ بعضی سمینارها و بعضی از اجتماعات و دعوتها و مهمانیها و سفرها را برگزار می‌کنند؛ بلاشک اینها فوایدی هم دارد؛ اما این فایده داشتن کافی نیست. در حالی که درآمدهایمان محدود و نیازهایمان بسیار زیاد است، باید اولویتها را رعایت کنیم.» (۲)

۴/۲- در نظر گرفتن شرایط و اولویتها در مصرف بودجه

«شما که مسؤول هستید و بخشی از بودجه در اختیارتان است، در صرف و خرج بودجه هم باید خیلی دقت کنید. یکی از مشخصه‌های تقوای شما همین است. این طور نباشد که ما هر اقدامی که می‌خواهیم بکنیم که مستلزم هزینه‌ای است، به این اکتفا کنیم که این اقدام، اقدام مفیدی است. این کافی نیست. صرف مفید بودن این کار، کافی نیست برای این که ما این هزینه را بکنیم، در شرایط کنونی ما، باید اولویت داشته باشد.» (۳)

۱ - بیانات در دیدار با کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران، به تاریخ ۱۳۷۸/۱۰/۴.

۲ - بیانات در دیدار با مسؤولان و کارگزاران نظام، به مناسبت عید غدیر خم، به تاریخ ۱۳۷۱/۳/۳۰.

۳ - بیانات در دیدار با کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران، به تاریخ ۱۳۷۸/۱۰/۴.



۴/۳- حرام بودن هزینه کردن اعتبارات و پولهای کشور در جاهای غیر لازم

«باید اسراف نشود، هزینه کردن اعتبارات و پولهای کشور در جاهای غیر لازم و تشریفاتی و زیادی، حرام است.» (۱)

۵- مصادیق اسراف در بودجه و بیت المال و ضرورت جلوگیری از آن

۵/۱- حد نکه داشتن در تغییر دکوراسیونها و تغییر خانه‌ها و خرجهای اضافی!

«اگر مبلغی از مخارج دولت، عبارت از تغییر دکوراسیون اتاق مدیر کل و معاون وزیر و وزیر و فلان مسؤولان قضایی و فلان مسؤولان در بخشهای گوناگون دیگر باشد، این جرم و خطاست. اگر یکی از مخارج دولت این باشد که فلان تعداد ماشین جدید بیاوریم و بین دستگاهها تقسیم بکنیم، ما حق نداریم این را جزو مخارج دولت حساب کنیم و به حساب آن از سوبسید مردم بزنیم. نه، این خلاف است. برای این کارها حد بگذارید. دستگاهها باید بخشنامه کنند و در مورد این تغییر دکوراسیونها و تغییر خانه‌ها و خرجهای اضافی حدی معین بکنند. من نمی‌گویم مثل بعضی از تندروها باشیم که می‌گویند در مسجد بنشینیم و وزارت کنیم؛ نه، در مسجد نمی‌شود. وزارت کردن، یک ساختمان و چهار تا اتاق و تعدادی مسؤول و یک مقدار هم بالاخره امکانات برای زندگی آن آقای که می‌خواهد خدمت



۱- بیانات در دیدار با گروه کثیری از کارگران و معلمان به مناسبت روز کارگر و هفته معلم، به تاریخ ۱۳۸۱/۲/۱۱.

بکند، می‌خواهد؛ اما باید در حدّی باشد.»(۱)

۵/۲- خودداری از ایجاد دستگاهها، استخدامها، توسعه دادنهاى زايد

«امیرالمؤمنین علیه‌الصلاة والسلام، آن روز به کسانی که مسؤولیت امور کشور را بر عهده داشتند، سختگیری را به جایی رساندند که به قول امروز، بخشنامه کردند: «ادقوا اقلامکم»؛ سر قلمهای خودتان را که با آن می‌نویسید، ریز بتراشید. هم صرفه‌جویی در قلم، هم صرفه‌جویی در کاغذ، هم صرفه‌جویی در مرکب! «و قاربوا بین سطورکم»؛ سطوری را که در کاغذ می‌نویسید به هم نزدیک بنویسید و در کاغذ صرفه‌جویی کنید. «واقصدوا قصد المعانی»؛ مطالب لازم را بنویسید. از زیاده‌روی و زیاده‌نویسی پرهیز کنید.

اگر امروز بخواهند این حرفها را تکرار کنند، به این شکل خواهد بود که از ایجاد دستگاههای زايد، استخدامهای زايد و توسعه دادنهاى زايد، خودداری کنید، یعنی باید از کاغذپراکنی و زیاده‌نویسیهای بیهوده و وقت‌تضییع‌کن، خودداری کنیم. این خصوصیات را، امیرالمؤمنین علیه‌الصلاة والسلام، رعایت می‌کردند. در آخر این جمله هم، که بعضی از فقراتش را من عرض کردم، می‌فرمایند: «فان اموال المسلمین لا یحتمل الاضرار.» ضرر رساندن به اموال مسلمانان را تحمل نمی‌کردند که کسی بخواهد ولو به اندازه کمی به اموال عمومی ضرر برساند. این، یعنی امانتدار دانستن خود و همه مسؤولین بیت‌المال.»(۲)

۱- سخنرانی در دیدار با مسؤولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران، به تاریخ ۱۳۷۰/۵/۲۳.

۲- بیانات در دیدار با مسؤولان و کارگزاران نظام، به منابت عید غدیر خم، به تاریخ ۱۳۷۱/۳/۳۰.

۵/۳- پرهیز از درآمدهای نامشروع، رانت خواری و استفاده از امکانات دولتی

«این چند سال مسؤولیت، ابدی نیست، نماینده مجلس هستید، عضو دولت هستید، وزیرید، مدیرید؛ این سه سال، چهار سال، پنج سال، ده سال می گذرد. اگر این چند سال را دندان روی جگر بگذارید و دنبال کسب پول، دنبال درآمدهای نامشروع، دنبال رانت خواری، دنبال استفاده از امکانات دولتی و دنبال تعرض به بیت‌المال نباشید- این که خیلی دشوار نیست- آن وقت «انَّ الَّذِينَ سَبَقَتْ لَهُمْ مِنَّا الْحُسْنَىٰ أُولَٰئِكَ عَنْهَا مُعَذَّوْنَ» (۱). «هَذَا يَوْمَكُمُ الَّذِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ» (۲)؛ فرشتگان الهی پیش متقین و مؤمنین می آیند و می گویند این همان روز شماست؛ همان روزی است که وعده و مژده آن را انبیا در طول تاریخ به مؤمنین داده‌اند. لذت ببرید؛ «ادخلوا الجنة». ما بیشتر از دیگران باید مراقب باشیم و بیشتر از دیگران از جهنم بترسیم. آتش دوزخ کسانی را که مسؤولیت مضاعف دارند، بیشتر تهدید می کند تا آدمهای معمولی که خودشان هستند و بار مسؤولیت خودشان در دایره خیلی محدود و کوچکی. وضع ما سخت تر است.» (۳)

۶- ضرورت حفظ سرمایه‌های ملی و جلوگیری از تخریب منابع طبیعی

«یک مسأله مهم، حفظ سرمایه‌های ملی است. بعضی از دوستان حالا به این ساخت و سازها و توسعه شهرهای بزرگ و بخصوص



۱- سورة انبياء: آية ۱۰۱.

۲- سورة انبياء: آية ۱۰۳.

۳- بیانات در دیدار با مسؤولان نظام، به تاریخ ۱۳۸۳/۸/۶.

تهران اشاره کردند. از پانزده، شانزده سال قبل که این ساخت و سازهای اطراف تهران، به صورت یک حرکت سرطانی آغاز شد، ما همین‌طور مکرر شهردارها- همه شهرداریهایی که در این مدت تا امروز آمده‌اند- را مورد خطاب قرار دادیم و به آنها دائم مطالبی را گفتیم. بعد به این نتیجه رسیدیم که فقط مسأله شهرداریها نیست. متصدیان منابع طبیعی این جا تخلفات بزرگی کرده‌اند؛ منابع طبیعی را با سفارش و رفاقت و با ملاحظه و برای جلب حمایت این و آن، همین‌طور بی‌دریغ در اختیار اشخاص و گروهها و مسؤولان و عمامه‌ای و غیر عمامه‌ای و نهادهای انقلابی و... قرار داده‌اند. یعنی یک ملاحظه و مصلحت کوتاه‌مدت را در نظر گرفته‌اند و دیگر نگاه نکرده‌اند. آدم وقتی به طرف شمال تهران و ارتفاعات می‌رود، واقعاً وحشت می‌کند؛ یک بخشهایی هست که بنده هر وقت می‌روم، با این که محیط حرکت و گردش و تحرک و ورزش است، با اعصاب ناراحت به خانه برمی‌گردم. هر دفعه می‌روم، می‌بینم باز یک کارهای جدیدی انجام گرفته است. این دولت به طور جدی مسؤول است؛ هم وزارت مسکن، هم وزارت کشاورزی- که منابع طبیعی را در اختیار دارد- همه بقیه دستگاهها و هم از جمله وزارت کشور و شهرداریها. نباید بگذارید این اتفاق بیفتد؛ دارد همه جا اتفاق می‌افتد. (۱)

۱ - بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار با رئیس‌جمهور و اعضای هیأت دولت، به تاریخ



گفتار بیست و ششم

نفت

(اهمیت، آرمانها)

اشاره:

نفت، جایگاه حساس و استراتژیک و سرنوشت سازی در اقتصاد جهان دارد.

نفت، ماده ارزشمندی است که پشتوانه صنعت و تکنولوژی و تولید در دنیاست.

نفت نه تنها بر اقتصاد بلکه بر سیاست نیز تأثیر گذار است. بسیاری از سیاستهای دنیا بر محور نفت می چرخد. دستیابی به منابع نفتی کشورهای دنیا، از جمله اهدافی است که به سیاستهای مستکبران جهان سمت و سو می دهد.

دنیا در زمینه نفت با دو واقعیت تلخ و فاجعه بار روبه روست؛ یکی غفلت کشورهای مسلمان از اهمیت نفت و دیگری توطئه های مستکبران عالم در عرصه نفت. این دو، از مهمترین آفات نفت به شمار می آیند که تاکنون بر اثر آنها، مصیبتها و خسارتهای مهلک و سهمگین و گاه جبران ناپذیری در سرتاسر جهان به وجود آمده است.

در باب غفلت کشورهای مسلمان از اهمیت نفت، این نکته را می تواند خاطر نشان کرد که کشورهای تولید کننده نفت، ثروت خدادادی شان را می دهند و در مقابل وسایلی می گیرند که جز انحطاط و فساد در زندگی آنان، تأثیر دیگری ندارند.

در مورد توطئه های مستکبران عالم، در عرصه نفت نیز می توان به پیاده کردن نیروی نظامی و ایجاد سیستم دفاعی و امنیتی در منطقه خلیج فارس از جانب مستکبران با هدف تسلط بر

منابع نفت اشاره نمود. خیانت بعضی از کشورهای تولید کننده نفت و همدستی شان با دزدان غارتگر بین‌المللی، یکی از دلایل استثمار نفت و نمونه دیگری از توطئه‌های عرصه نفت به شمار می‌رود. از همه اینها بدتر همدستی اوپک با دولتهای سلطه‌گر و کمک اوپک به برآورده شدن اهداف استکبار در عرصه نفت است.

یکی از آرمانهای اقتصادی جمهوری اسلامی ایران، حرکت به سوی اقتصاد بدون نفت است. وابستگی نفت به سیاستهای بین‌المللی و نقشه‌های استکباری برای نفت از جمله مهمترین ضرورتها و دلایلی هستند که ما را وادارند تا در جهت تحقق اقتصاد بدون نفت گام برداریم.

برای تحقق اقتصاد بدون نفت، راه حلها و راهبردهای گوناگونی وجود دارد که مهمترین آنها عبارتند از: خودباوری و تکیه بر امکانات ذاتی، تلاش همگانی، افزایش تولید و صادرات، استفاده از منابع فراوان و عظیم کشور و...



۱- اهمیتِ نفت

۱/۱- نفت پشوانهٔ صنعت

«نفت، جنسی است که اگر امروز آن را به دنیا ندهند همه جا فاقد نور و حرارت و حرکت و صنعت خواهد شد. تمدن صنعتی امروز، پایه اش بر ماشین استوار است. اگر نفت نباشد، این ماشین از حرکت خواهد ایستاد. اهمیتِ نفتِ ما تا این اندازه است.» (۱)

۱/۲- نفت، ذخیرهٔ همیشگی

«نفت، ذخیرهٔ همیشگی این ملت است و می ماند.» (۲)

۱/۳- نفت، ثروتِ ملت و دولت ایران

«نفت، ثروتِ ملت ایران و ثروتِ دولت است.» (۳)

۱/۴- نفت، مادهٔ ارزشمند

«مادهٔ ارزشمندی که امروز دنیا جانش به آن بند است - یعنی نفت - به ملت‌های خاصی متعلق است.» (۴)

۱/۵- نفتِ ساحی در دستِ جهان اسلام برای مقابله با قدرتمندان عالم

«اگر امت اسلامی از نفت خود، از نیروی انسانی خود، از بازارهای خود، از علم خود، از ذخایر گوناگون مادی و معنوی خود خوب استفاده کند، قدرتمندان عالم و سلطه‌گران نمی‌توانند این جور به او

۱ - بیانات در دیدار با کارگران و معلمان، در «روز کارگر» و «هفتهٔ معلم»، به تاریخ ۱۳۷۳/۲/۱۳.

۲ - بیانات در صحن مطهر حضرت ثامن الحجج، امام رضا (علیه‌السلام)، به تاریخ ۱۳۷۷/۱/۱.

۳ - همان.

۴ - خطبه‌های نماز جمعهٔ تهران، به تاریخ ۱۳۷۷/۱۰/۴.



زور بگویند.» (۱)

۱/۶- نفت، خون حیاتبخش تحرک دنیای امروز

«نفت، خون حیاتبخش تحرک دنیای امروز است. حالا فردا چه بشود، نمی‌دانیم؛ اما امروز و توی این دنیا، نفت مایه تولید، مایه گرما، مایه نور و روشنایی و در واقع مایه حیات برای خیلی از کشورهاست. اگر نفت نباشد، کارخانه‌ها نیست، تولیدات نیست، تجارتها نیست. نفت یعنی خون؛ یعنی زندگی.» (۲)

۲- وضعیت نفت در دنیا

۲/۱- مبادله نفت با کالاهای بی‌تأثیر

«اگر شما وارد بازار کشورهای فقیر منطقه خودمان - نفت خیز و غیر نفت خیز - بشوند، خواهید دید پروپاگاندا و تبلیغات اجناس مصرف زاید و غیر لازم غربی، تمام فضای زندگی اینها را پر کرده است. آیا بشر به این چیزها احتیاج داشت؟! کشورهای تولید کننده نفت، ثروت خدادای متعلق به همه مردم را که باید صرف عمران و آبادی کشورشان بشود، می‌دهند و در مقابل وسایلی می‌گیرند که جز انحطاط و فساد در زندگی، تأثیر دیگری ندارند. همه اینها صادرات فرهنگ غربی و امریکا و اروپا به کشورهای جهان سوم است.» (۳)



۱ - بیانات در دیدار با مسؤولان نظام و سفرای کشورهای اسلامی، به تاریخ ۱۳۸۳/۸/۲۴.
۲ - دیدار جمعی از دانش‌آموزان و دانشجویان در آستانه سالروز سیزده آبان، به تاریخ ۱۳۸۷/۸/۸.
۳ - سخنرانی در مراسم بیعت جمع کثیری از اقشار مختلف مردم شهرهای قم، رفسنجان و کهنوج، به تاریخ ۱۳۶۸/۴/۱۹.

۲/۲- پیاده کردن نیروی نظامی با هدف تسلط بر منابع نفت

«مهمترین منابع نفت و بسیاری از منابع دیگر عالم، در اختیار مسلمانان است. امروز دنیای استکباری و امپراتوریهای زر و زور می‌دانند که اگر اسلام در دل مسلمانان و جوامع اسلامی حیات دوباره پیدا بکند، منافع آنها- منافع متکی به سلطه و زورگویی و دو قطبی بودن عالم- به خطر خواهد افتاد.

امنیت این منطقه، در درجهٔ اول، متعلق به ملت‌های این منطقه است. شما مشتری نفت این ملت‌ها هستید؛ بیرون در بایستید و در کار اینها دخالت نکنید؛ بگذارید خودشان امنیت این منطقه را تأمین بکنند. اینها نفت خودشان را صادر خواهند کرد و به هر کس که مصلحت دانستند، خواهند فروخت. آیا این حرف منطقی است که دولتی فقط به اتکا زورمند بودن و قلدری، از آن طرف دنیا به این جا بیاید و بگوید که چون من مشتری این منطقه هستم، باید امنیت این جا را تأمین کنم؛ ولو این تأمین امنیت- به قول او- ضد امنیت و ضد مصالح ملت‌های این منطقه باشد! کدام منطق عقلانی بشری، این را قبول می‌کند؟ غیر از شما امریکایی‌های زورگو و دیگر قلدرها و زورگوهای عالم، چه کسی چنین حرفی را می‌گوید و پای آن می‌ایستد؟!

می‌گویند چون ما به نفت این منطقه احتیاج داریم، بایستی به این جا بیایم، نیروی نظامی بیاوریم و سیستم دفاعی و امنیتی درست کنیم! اگر شما در این جا سیستم دفاعی و امنیتی درست کردید، برخلاف امنیت ملت‌های این منطقه خواهد بود. شما می‌خواهید در خانهٔ دیگران، ولو به قیمت ناراحتی صاحبان خانه، برای خودتان جای پا درست کنید! این، با کدام منطق قابل قبول است؟ آن‌چنان هم قرص و با

و قاحت این حرفها را می‌زنند که انسان از وقاحت آنها حیرت می‌کند!» (۱)

۲/۳- نفت ابزار فشار مستکبران بر ملت‌های دنیا در آینده دور خواهد بود

«اگر یک روز نفت منطقه خاورمیانه تمام شود- که ممکن هم هست چنان روزی پیش آید- دولت‌ها باید به فکر باشند. این که ما این قدر روی اقتصاد بدون نفت تکیه می‌کنیم و اصرار داریم که هر چه ممکن است، درآمد کشور را از نفت به درآمدهای دیگر ببریم، به همین خاطر است. امروز بعضی از کشورها- از جمله خود امریکا- نفت خودشان را استخراج نمی‌کنند؛ نفت وارد می‌کنند، چون به این قیمتی که نفت را می‌خرند، یعنی در واقع مفت! نفت صادر کنندگان این منطقه، با استخراج هر چه بیشتر و فروختن هر چه بیشتر به این ثمن بخش، بعد از گذشت چند سال تمام می‌شود؛ ولی چاه‌های آنها هنوز نفت خواهد داشت. البته چاه‌های نفت امریکا، به برکت وفور چاه‌های نفت ما نیست- چاه‌های متوسطی است- ولی به هر حال نفت هست.

آن روزی که آنها نفت داشته باشند و کشوری مثل ما العیاذبالله نفت نداشته باشد و بخواهد از آنها نفت بخرد- که امیدوارم چنین روزی پیش نیاید- آنها بابت هر شیشه نفتی که به ما بدهند، ده برابر قیمت یک بشکه نفت از ما پول خواهند گرفت! آنها به ما نفت می‌دهند؟ کسانی که جلو چشمشان، ملت‌ها از گرسنگی می‌میرند، ولی



۱- سخنرانی در دیدار با فرزندان ممتاز شاهد، جانبازان شهرهای مشهد و تهران و استان کردستان، جمعی از دانش‌آموزان مدارس تهران و مدرسان مراکز تربیت معلم، و گروهی از ورزشکاران و مسئولان سازمان تربیت بدنی کشور، به تاریخ ۱۳۶۹/۶/۲۱.

گندمشان را در دریا می‌ریزند و به ملت‌های گرسنه نمی‌دهند، برای این که قیمت گندم پایین نیاید، به کسی نفت خواهند داد؟!» (۱)

۲/۳- خیانت بعضی از تولید کنندگان

«امروز به خاطر خیانت بعضی از کشورهای تولید کننده نفت و همدستی‌شان با دزدان غارتگر بین‌المللی، به جای این که نفت، وسیله‌ای در دست کشورهای تولید کننده آن برای کسب سود با استفاده سیاسی و اقتصادی باشد، به عکس به عنوان وسیله‌ای در دست مصرف کنندگان قرار دارد!» (۲)

۲/۴- کمک اوپک به برآورده شدن اهداف مستکبران

«ماده ارزشمندی که امروز دنیا جانش به آن بند است - یعنی نفت - به ملت‌های خاصی متعلق است - عمدتاً در همین منطقه خود ما، مقداری هم در جاهای دیگر - اما سرنوشت این ماده، قیمت‌گذاری و مصرفش، دست دیگران است و صاحبان اصلی در آن کمترین نقش را دارند! یک روز سیاست‌های آنها به نحوی اقتضا می‌کند که قیمت را اندکی بالا ببرند، تا فلان دولت پولدار شود و برود جنس‌های آنها را بخرد؛ لذا مقداری قیمت را بالا می‌برند. یک وقت سیاستها اقتضا می‌کند که چند کشور را دچار تنگنای اقتصادی کنند، پس قیمت نفت باید پایین بیاید؛ لذا قیمت نفت پایین می‌آید؛ از داخل «اوپک» هم به آنها کمک می‌شود!» (۳)

۱ - بیانات در خطبه‌های نماز جمعه تهران، به تاریخ ۱۳۷۵/۱۰/۲۸.

۲ - بیانات در دیدار با کارگران و معلمان، در «روز کارگر» و «هفته معلم»، به تاریخ ۱۳۷۳/۲/۱۳.

۳ - خطبه‌های نماز جمعه تهران، به تاریخ ۱۳۷۷/۱۰/۴.

۲/۵- تلاش امریکا برای نفوذ در منطقه خلیج فارس با هدف تأمین نفت و گاز

«امروز قدرت استکباری امریکا با حرص روزافزونی درصدد توسعه قدرت و نفوذ خود است و همان‌طور که گفتیم منطقه خلیج فارس- به طور خاص- منطقه خاورمیانه و تقریباً عمده مناطق اسلامی و به یک معنا همه مناطق اسلامی جزو مناطقی است که اگر قدرت استکباری امریکا توانست آنها را تحت نفوذ خود درآورد، از لحاظ نفت و گاز- که در واقع رگ حیات دنیای صنعتی کنونی است- و از لحاظ موقعیت سیاسی و جغرافیایی، دیگر درد سری نخواهد داشت.» (۱)



۳- صنعت نفت در ایران

۳/۱- سرگذشت غم‌انگیز و نکبت‌بار نفت در دوران ستمشاهی

«در این مملکت، منبع ثروتی به نام «نفت» کشف شد. کشف نفت به منزله این بود که ملتی گنجی پیدا کند. تا این گنج در این مملکت کشف و پیدا شد، یک عده از خارجیها و عمدتاً انگلیسیها- که گناه این کار به گردن انگلیسیهاست- به ایران آمدند، بر سر این گنج نشستند، سالهای متمادی این گنج را استخراج کردند و خوردند؛ بی آن که به روی مبارکشان بیاورند که این غصب مال ملت ایران است! آیا این غصه ندارد؟! واقعاً مسأله نفت، یکی از مسائل فوق‌العاده تلخ ملت ایران است که هنوز درست باز نشده است.

انگلیسیها در زمان قاجاریه به ایران آمدند و با رجال خائن آن روز،

برای بردن نفت مملکت قراردادی شصت ساله بستند! (ظاهراً قرارداد داری اول، یک قرارداد شصت ساله بود). قرارداد شصت ساله بسته شد تا انگلیس بیاید و نفتی را که آن روز مثل آب خوردن به آن نیاز داشت، ببرد. واقعاً برای انگلیس، نفت ارزشمندترین کالا محسوب می‌شد؛ چون به کارهای استعماری مشغول بود و سرزمینها را می‌گرفت؛ لذا و به پول احتیاج داشت. پول هم با فعالیت کارخانه‌ها به دست می‌آمد و کارخانه‌ها نیز با نفت می‌گشت. انگلیس به ایران آمد و نفت گرانبه‌تر و ارزشمند این مملکت را به قیمتی ارزاتر از آب برمی‌داشت و می‌برد! اگر می‌خواستند به جای نفت در بشکه‌ها آب بریزند، شاید برایشان گرانتر تمام می‌شد!

مدت زمانی از انعقاد قرارداد شصت ساله نگذشته بود که رضاخان را بر سر کار آوردند. اواخر حکومت ضعیف قاجاریه بود و انگلیسیها کسی را می‌خواستند تا به قلع و قمع گردنکشان که در گوشه و کنار ایران سربلند کرده بودند پردازد. آنها برای این که کسی منافعشان را تهدید نکند، به قلدر گردن کلفتی که ضمناً سرسپرده خودشان باشد احتیاج داشتند.

باری؛ رضاخان را پیدا کردند؛ به تربیت او پرداختند و به آن جا که باید برسد، رساندندش. اول، سردار سپه و نخست‌وزیر بود و بعد هم پادشاه و رئیس کشور ایران شد! چند سالی از به قدرت رسیدن رضاخان توسط انگلیسیها نگذشته بود که او به فکر افتاد اگر بشود، پول بیشتری بابت نفت از آنها بگیرد. البته سرسپردگی او به جای خود محفوظ بود؛ اما بالاخره هر نوکری، گاهی به این فکر می‌افتد که مقدار بیشتری پول از ارباب خود اخاذی کند! مزاج قلدرمآبانۀ او به

کمکش آمد تا با قرارداد داری که هنوز سی سال دیگر مانده بود تا به سر آید، برخورد قلدرا نه کند. یعنی وارد هیأت دولت شد و قرارداد داری را در بخاری انداخت و سوزاند! وقتی به او گفتند: «از مدت قرارداد، سی سال دیگر باقی مانده است» گفت: «این چه قراردادی است! باید بابت نفت، پول بیشتری به ما بدهند.» آن وقت، طرفش کیست؟ یک کمپانی انگلیسی! به مجرد این که رضاخان با قرارداد داری چنین برخوردی کرد، حکومت انگلیس وارد میدان شد و های و هوی و سر و صدا به راه انداخت. نهایتاً انگلیسیها دماغ رضاخان را به خاک مالیدند و کاری کردند که همین قرارداد را که فقط سی سال دیگر از اعتبارش مانده بود، به مدت شصت سال دیگر تمدید کرد! یعنی با انگلیسیها قرارداد دیگری بست.

این، کاری بود که انگلیسیها از زمان قاجاریه تا پایان حکومت رضاخان در ارتباط با نفت ایران کردند. بعد هم زمان مصدق رسید و زمزمه «ملی شدن صنعت نفت» آغاز شد. انگلیسیها دوباره آمدند. اما این دفعه دیگر تنها نبودند؛ بلکه امریکاییها را نیز به همراه داشتند. در واقع، امریکاییها از سال ۱۳۳۲ وارد این میدان شدند.

من عرض می‌کنم؛ اگر ملت ایران، بغض و نفرت از دولت انگلیس را از دل خود پاک نکرده باشد و پاک نکند، حق دارد و به نظر هر عاقلی هم، حق با ملت ایران است. کاری که انگلیسیها با مردم ایران کردند و بلایی که بر سر این ملت آوردند، هیچ وقت از یادها نخواهد رفت. اینان که امروز در گوشه‌ای از دنیا نشستند و علیه ملت و دولت ایران حرفهای مغرضانه و بی‌محتوا می‌زنند، یادشان رفته است که این دولت ظالم با ملت ایران چه کرد!



البته خدای متعال سرشان را به سنگ کوبید و آن قدرت کذا را از آنها گرفت. امروز انگلیسیها، در دنیا نه آبرویی دارند و نه از قدرت چندانی برخوردارند. به مجرد این که امریکاییها احساس کردند در ایران میدانی باز وجود دارد و انگلیسیها به تنهایی قادر به جولان در این میدان نیستند، آنها هم حضور پیدا کردند.

از سال ۱۳۳۲ تا زمان پیروزی انقلاب اسلامی، انگلیس و امریکا بر سر چاههای نفت، و در واقع گنج ایران نشستند و تا آنجا که توانستند، برداشتند و بردند.» (۱)

۳/۲- ماجرای ملی شدن صنعت نفت

«مرحوم آیت الله کاشانی به عنوان نماینده مردم تهران و رئیس مجلس آن روز، پشتیبان طرح ملی شدن صنعت نفت شد. نمایندگان مرحوم آیت الله کاشانی به سرتاسر کشور مسافرت می کردند. من خودم آن وقت نوجوان بودم. نماینده مرحوم آیت الله کاشانی به مشهد آمد و منبر رفت. او چنان دل‌های مردم را مثل مغناطیس به خود جذب می کرد که هیچ عامل دیگری نمی توانست جای این حرکت را بگیرد. و به این ترتیب در سال ۱۳۲۹ شمسی - یعنی پنجاه و یک سال قبل که شروع نهضت ملی شدن صنعت نفت ایران است - مردم طرفدار ملی شدن صنعت نفت ایران شدند و علی رغم این که محمدرضا موافق نخست وزیری مصدق نبود، به پشتیبانی حمایت مردمی، مصدق نخست وزیر شد. اگر مرحوم آیت الله کاشانی این حمایت عظیم مردمی را برای مصدق به وجود نمی آورد، او نخست وزیر نمی شد. بعد در

سال ۱۳۳۱ که ضد حمله دربار علیه مصدق شروع شد و او از نخست‌وزیری برکنار گردید، فقط یک عامل توانست مجدداً قدرت را به مصدق برگرداند و او مرحوم آیت‌الله کاشانی بود. اینها جزو واضحات تاریخ است؛ جزو حوادثی است که کسانی که آن روز بودند، دیده‌اند و از قضایای آن خبر دارند و به روشنی می‌دانند چه گذشته است؛ لیکن عده‌ای عمداً اینها را کتمان می‌کنند و نمی‌گذارند این حرفها به گوش نسل حاضر برسد؛ که البته مقاصدشان معلوم است. وقتی شاه، قوام‌السلطنه را به جای مصدق به نخست‌وزیری انتخاب کرد، مرحوم آیت‌الله کاشانی در مقابل قوام‌السلطنه اعلامیه داد؛ مردم کفن پوشیدند و در تهران و شهرهای دیگر به خیابانها آمدند؛ لذا قوام‌السلطنه سه روز بیشتر نتوانست به عنوان نخست‌وزیر بماند. اصلاً مگر می‌شد در مقابل امواج عظیم مردم که آیت‌الله کاشانی راه انداخته بود، مقاومت کرد؟ لذا قوام‌السلطنه کنار رفت و دوباره مصدق بر سر کار آمد. انگلیسیها نفت ایران را ملک شخصی خود به حساب آورده بودند و دهها سال استفاده غاصبانه می‌کردند و مال ملت ایران را تقریباً مفت مفت می‌بردند و دربار سلطنت هم برای این که چهار روز بیشتر به حکومت ننگین خود ادامه دهد، با انگلیسیها همکاری می‌کرد. اما این بساط را نهضت ملی شدن صنعت نفت به هم زد.» (۱)

«از سی تیر ۱۳۳۱ که مرحوم آیت‌الله کاشانی توانست ملت ایران را آن‌طور به صحنه بیاورد، تا ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ که عوامل امریکا در تهران



توانستند مصدق را سرنگون و تمام بساط او را جمع کنند و مردم هیچ حرکتی از خود نشان ندادند، یک سال و یک ماه بیشتر طول نکشید. در این یک سال و یک ماه، با وساطت ایادی ضد استقلال این کشور و با توطئه دشمنان این ملت، دکتر مصدق مرتب فاصله خود را با آقای کاشانی زیاد کرد، تا این که مرحوم آیت الله کاشانی چند روز قبل از ماجرای ۲۸ مرداد نامه نوشت - همه این نامه‌ها موجود است - و گفت من می‌ترسم با این وضعی که دارید، علیه شما کودتا کنند و مشکلی به وجود آورند. دکتر مصدق گفت: من مستظهر به پشتیبانی مردم ایران هستم! اشتباه او همین جا بود. ملت ایران را سرانگشت روحانیت - کسی مثل آیت الله کاشانی - وادار می‌کرد که صحنه‌ها را پر کند و به میدان بیاید و جان خود را به خطر بیندازد.

در ۲۸ مرداد که کاشانی منزوی و خانه‌نشین بود - و در واقع دولت مصدق او را منزوی و از خود جدا کرده بود - عدم حضور او در صحنه موجب شد که مردم نیز در صحنه حضور نداشته باشند؛ لذا کودتاچیهای مأمور مستقیم امریکا توانستند بیایند و به راحتی بخشی از ارتش را به تصرف در آورند و کودتا کنند. یک مشت اوباش و الواط تهران را هم راه انداختند و مصدق را سرنگون کردند. پس از آن، دیکتاتوری محمدرضاشاهی به وجود آمد که بیست و پنج سال این ملت زیر چکمه‌های دیکتاتوری او لگدمال شد و ملی شدن صنعت نفت هم در واقع هیچ و پوچ گردید؛ چون همان نفت را به کنسرسیومی دادند که امریکاییها طراحی آن را کردند. هرچه دشمن خواست، همان شد؛ به خاطر جدا شدن از روحانیت و دین. اینها عبرت



است.» (۱)

«نهضت عدالتخواهی ای که صد سال پیش در مشروطه ایران پیش آمد، یک حرکت مردمی و دینی بود. آن روز جریان سیاسی مسلط عالم - یعنی انگلیسیها - این حرکت عدالتخواهانه مبتنی بر اصول اسلامی را در هاضمه سیاسی و فرهنگی خود ریختند؛ آن را استحاله کردند و از بین بردند و به یک حرکت مشروطه از نوع انگلیسی آن تبدیل نمودند، نتیجه آن هم این شد که جنبش مشروطه - که یک جنبش ضد استبدادی بود - آخر کار به دیکتاتوری رضاخانی منتهی شد که از استبدادهای قاجار، بدتر و شقاوت آمیزتر و قساوت آمیزتر بود. همین طور نهضت ملی شدن صنعت نفت به وسیله کسانی که آن را اداره می کردند، به لیبرال دمکراسی امریکایی ملحق شد. نتیجه این شد که همان امریکاییها به نهضت ملی شدن صنعت نفت خیانت کردند. با انگلیسیها که طرف مقابل نهضت عدالتخواهی در ایران بودند، همدست شدند و نهضت ملی را از بین بردند و دنباله آن، دیکتاتوری خشن و سیاه دوره محمدرضا در طول سی و چند سال، سایه سنگین خود را بر این کشور انداخت و این ملت را زیر فشار قرار داد. نهضتهای عدالتخواهانه ملت‌های آفریقا و آسیا در طول دهها سال به وسیله کمونیستها و سیاست مسلط شوروی سابق مصادره شد و به دیکتاتوریهایی گوناگونی که در جهت مصالح شوروی کار می کردند، منتهی گردید. این رسم جاری دنیا با نهضتهای عدالت طلبانه ملت‌های



جهان بوده است.» (۱)

۳/۳- وابسته نمودن ایران به نفت توسط دشمنان و رژیم فاسد پهلوی

«آرزوی واقعی من - که البته ممکن است به این زودیها قابل تحقّق نباشد- این است که ما در چاههای نفت را ببندیم و اقتصاد خود را بر اساس کالاها و محصولات غیر نفتی بنیاد نهیم. یعنی فرض کنیم این کشور، کالایی به نام نفت ندارد. البته این کار ممکن است در این سالها و به این زودیها علمی نباشد. زیرا دشمنان ایران در دوران رژیم وابسته و فاسد پهلوی، بیش از حد تصور خرابکاری کرده‌اند و چنان ملت و کشور ما را به نفت وابسته نموده‌اند که نشود به این آسانی چنین کاری را کرد. اما روزی باید این کار بشود و آن روز، روزی است که ملت ایران بدون این که سرمایه‌های خود را مفت و مجانی به دست کسانی بدهد که با کمال خیانت از ثروت ملی کشورها استفاده می‌کنند، با تکیه بر امکانات ذاتی، روی پای خودش بایستد.» (۲)

«آن جوانانی که نمی‌دانند رژیم گذشته با این کشور چه کرده است، بدانند یکی از دهها کار خیانت آمیزی که کردند، این است! اقتصاد این کشور را متکی به نفت کردند که به آسانی هم نمی‌شود آن را تغییر داد و دگرگون کرد!» (۳)

۱- بیانات در اجتماع بزرگ زایران حرم امام خمینی (ره)، به تاریخ ۱۳۸۱/۳/۱۴.

۲- بیانات در دیدار با کارگران و معلمان، در «روز کارگر» و «هفته معلم»، به تاریخ ۱۳۷۳/۲/۱۳.

۳- بیانات در صحن مطهر حضرت ثامن الحجج، امام رضا (علیه‌السلام)، به تاریخ ۱۳۷۷/۱/۱.

۴- چه باید کرد؟

۴/۱- وابسته به نفت نبود ملت و دولت

«ما باید کاری کنیم که ملت و دولت ایران، وابسته به نفت خود نباشند. چون متأسفانه، امروز در دنیا نفت به سیاستهای بین‌المللی، کمپانیها و غارتگران بزرگ و جهانخواران و مستکبران وابسته است. در حقیقت، نفت در مشت آنهاست. هر گاه بخواهند. قیمتش را پایین می‌آورند، تولید را کم یا زیاد دور می‌کنند، یکی را از دور خارج یا وارد دور می‌کنند! نفت مال ماست؛ اما سیاستش در دست دیگران است! چنین سرمایه‌ای مایه دردسر است.» (۱)



«من از سه چهار سال پیش به این طرف، بخصوص تأکید کرده‌ام تا آن جایی که می‌توانند، باید وابستگی اقتصادی کشور را به نفت، کم کنند. نفت، کالایی است که ما داریم. البته ارزشمند است و باید از این هم استفاده شود؛ منتها امروز سرنوشت این کالا به دست صاحبانش - که ما باشیم - نیست، به دست بیگانگان است! طبیعی است اقتصادی که بر پایه کالایی است که قیمت‌گذاری آن در دست دیگران است، همین مشکلات را هم دارد؛ یک روز می‌شود بشکه‌ای هجده دلار و بیست دلار، یک روز هم ناگهان به هفت و نیم دلار و هشت دلار تنزل می‌کند!» (۲)

۱ - بیانات در دیدار با مردم مشهد و زائران حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) در سخن حضرت امام خمینی، به تاریخ ۱۳۷۵/۱/۴.

۲ - بیانات در دیدار با کارگران و معلمان، در «روز کارگر» و «هفته معلم»، به تاریخ ۱۳۷۳/۲/۱۳.

۴/۲- خودباوری و تکیه بر امکانات ذاتی

«آرزوی واقعی من - که البته ممکن است به این زودیا قابل تحقق نباشد- این است که ما در چاههای نفت را ببینیم و اقتصاد خود را بر اساس کالاها و محصولات غیر نفتی بنیاد نهیم. یعنی فرض کنیم این کشور، کالایی به نام نفت ندارد. البته این کار ممکن است در این سالها و به این زودیا علمی نباشد. زیرا دشمنان ایران در دوران رژیم وابسته و فاسد پهلوی، بیش از حد تصور خرابکاری کرده‌اند و چنان ملت و کشور ما را به نفت وابسته نموده‌اند که نشود به این آسانی چنین کاری را کرد. اما روزی باید این کار بشود و آن روز، روزی است که ملت ایران بدون این که سرمایه‌های خود را مفت و مجانی به دست کسانی بدهد که با کمال خباثت از ثروت ملی کشورها استفاده می‌کنند، با تکیه بر امکانات ذاتی، روی پای خودش بایستد.» (۱)

۴/۳- تلاش همگانی برای عدم وابستگی به نفت

«اگر ملت ایران - اعم از کارگر ایرانی، جوان ایرانی، تولید کننده ایرانی و معلم ایرانی - با همه تلاش و غیرت خود وارد عمل شود و این کشور را به گونه‌ای بسازد که به خاطر صادرات و واردات و نیازهای مصرفی، محتاج فروش نفت خود، آن هم با این قیمت پایین نباشد، ببینید چه خدمت بزرگی به امروز و آینده این کشور خواهد بود!» (۲)

۴/۴- لزوم افزایش تولید و صادرات کالاهای غیر نفتی

«اقتصاد این کشور را متکی به نفت کردند که به آسانی هم

۱ - بیانات در دیدار با کارگران و معلمان، در «روز کارگر» و «هفته معلم»، به تاریخ ۱۳۷۳/۲/۱۳.

۲ - همان.

نمی‌شود آن را تغییر داد و دگرگون کرد! این ملت اگر بتواند، باید با صادرات گوناگون - صادرات میوه، صادرات معادن گوناگونی که در این کشور هست، تولیدات صنعتی، کشاورزی و خدمات - این کشور را اداره کند.» (۱)

«بودجه کشور ما متأسفانه از دهها سال پیش به این طرف، وابسته به نفت است. این روش را همه اقتصاددانهای دلسوز رد می‌کنند؛ این روش در کشور ما عادت شده است. نفت را استخراج کنند، بفروشند، از پول آن کشور را اداره کنند؛ این شیوه غلطی است. من سالها پیش این را گفتم که یکی از آرزوهای من این است که یک روزی ما بتوانیم کشور را جوری اداره کنیم که حتی اگر لازم بود، یک قطره نفت هم صادر نکنیم و کشور اداره شود. این چیزی است که تا امروز پیش نیامده است. البته کار آسانی هم نیست، کار بسیار مشکلی است. افزایش صادرات غیرنفتی موجب می‌شود که ما به این هدف نزدیک شویم؛ و این کار دارد انجام می‌گیرد.» (۲)

۴/۵ - استفاده از منابع فراوان و عظیم کشور

«ما احتیاجی نداریم به این که این کالا را این طور مصرف کنیم. ما می‌توانیم در داخل کشور، از منابع فراوان و عظیمی که وجود دارد، استفاده کنیم.» (۳)



۱ - بیانات در صحن مطهر حضرت ثامن الحجج، امام رضا (علیه‌السلام)، به تاریخ ۱۳۷۷/۱/۱.
۲ - بیانات در حرم مطهر رضوی در آغاز سال نو، به تاریخ ۱۳۹۰/۱/۱.
۳ - بیانات در دیدار با مردم مشهد و زائران حضرت علی بن موسی الرضا (علیه‌السلام) در صحن حضرت امام خمینی، به تاریخ ۱۳۷۷/۱/۱.

۴/۶- ساخت زیربنا و ابزار قدرت در صحنه سیاست بین‌المللی

«نفت، ذخیره همیشه‌گی این ملت است و می‌ماند. اولاً از آن برای ساخت زیربنای ماندگار و دیگر سرمایه‌های اساسی کشور استفاده می‌شود. ثانیاً به وسیله قدرت نفت، ملت ایران می‌تواند در صحنه سیاست بین‌المللی، ابزار قدرت کند. یک وقت اعلان کند که من می‌خواهم نفتم را شش ماه فروشم! همه دنیا را تحت تأثیر قرار می‌دهد؛ همه سیاستها را تحت تأثیر قرار می‌دهد. یا بگوید می‌خواهم این قدر کم کنم، یا این قدر زیاد کنم! این در طول زمان انجام می‌گیرد.» (۱)